فتاوی
دار العلوم دیوبند
مدلل و مکمل

فارسی

تألیف

مفتی اعظم العارف بالله حضرت مولانا الشیخ عزیز الرحمن عثمانی دیوبندی رحمه الله

تصحیح ترجمه وترتیب جدید

مولانا الحافظ محمد أحمد الحقانی الأفغانی غفرالله له

جلد چهارم (٤)

مکتبه حنفیه
کاسی رود ، کوئته . فون: 2662510 - 081

al-ilmcorp@hotmail.com

چاپ اوّل

حوت ۱۳۸۸ \ ربيع الأوّل ۱۴۳۱ \ مارچ 2010

Maktabah Hanafiyah	مكتبة حنفية
Publishing Organization	مؤسسه انتشارات
AL - ILM Computers	العلم كمپيوترز
Composing Organization	كمپوزنگ اداره

Kasi Road, Quetta, Pakistan . Phone : 0812662510 :كاسى رود، حاجى غيبى چوک، كوئته ، شمارهٔ تليفون

AL-ILM Computers, Quetta. Mob: 03218016371 :العلم كمپيوترز ، كوئته ، پاكستان ، شمارهٔ تليفون

فهرست فتاوی دار العلوم دیوبند جلد چهارم

ختم شد فهرست



بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

فتاوای دار العلوم دیوبند (مکمل ومدلل) جلد چهارم

نحمده ونصلي علی رسوله الکریم، اما بعد:

احسان وکرم الله پاک است بر بنده عاجز وفروتن که ایشان مرا شوق وذوق خدمت دین قیم وعلوم دیني نصیب نموده است ودر حین تقدیم نمودن جلد چهارم آن فتاوی قلبم مملوء از سپاس واطمنان وخرشنود میباشد.

واز صمیم قلب دعا مي نمایم که این خدمت ناچیز را شرافت قبول حاصل نماید وبراي بنده سبب عروج مدارج بلندي ساخته شد.

بخاطر ترتیب وتدوین فقه جدید وبرای حل نمودن مسائل مجدد احساس نیازمندي آغاز وعام میشود وعلماء کرام درآن مورد سعي وکوششهاي ابتدائي را نیز راه پیما نموده اند ودرآن سلسله از همه اولتر درهندوستان نهاد (تحقیقات شرعیه) گذاشته شد که فرائض صدارت آنرا رکن ممتاز مجلس شوری مابان حضرت مولانا سید شاه منت الله رحماني دامت برکاتهم امیر شریعت بهار او اریسه ادا نموده کسیکه با معیت بودن یک عالم با عمل دور اندیش ودور بین واز مقتضیات موجوده بطور کامل مطلع میباشد، پس در پاکستان قیام یک مجلس بعمل درآمد وبالاخره تحت نگراني حکومت مصر اجلاس (مجمع البحوث الاسلامیه) در قاهره خواسته شد که درآن اجلاس علماء کرام چهل دو (٤٢) ممالک شرکت ورزیده بودند ودر آن اجلاس از جانب هندوستان سر براه دار العلوم دیوبند حکیم الاسلام حضرت مولانا محمد طیب صاحب مولانا سید شاه منت الله رحماني ومولانا سید احمد اکبرآبادي دامت برکاتهم شریک شدند ودر پرتوي کتاب وسنت وتاریخ ایشان نظریات خویش را ارائه نمودند خلاصه آنکه بزرگان دارالعلوم دیوبند جایزه حالات موجوده را اخذ نمودند وکدام چیزي را که با اعتدال کرده میتوانست آنرا میکرد ودرآینده نیز خواهد کرد واین حقیت واضح است که الله پاک بدار العلوم دیوبند بصیرت دیني وفقهي ومزاج معتدل بخشیده است که با نظر داشتن بطور صحیح براي آنجام نمودن این کار اولویت برایش حاصل است، ودر آن هیچ شک نبوده که دار العلوم از صدها سال با خدمتّ هاي گوناگون آن خدمت عظیم الشان را نیز در مرتبه اداء مي نماید وبرنامه جدید فتاواهاي مایان که از خود دار العلوم دیوبند شائع میشود از مطالعۀ آن براي شما هویدا خواهد شد که دار الافتاء دار العلوم دیوبند بامسائل قدیم فریضۀ حل مسائل جدید را نیز بطریقه احسن اداء مي نمایند

ودر آینده إن شاء الله برآن موضوع کوشش روشني وتوضیح انداخته خواهد شد ودر آخر استدعاء دارم که اي خداوند بي نیاز خدمت بنده حقیر خود را قبول فرما وآن خدمت او را برایش تحفه آخرت بگردان.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ

طلبگار دعا

محمد ظفیر الدین غفر له

شعبۂ ترتیب فتاوی دار العلوم دیوبند ۲ ربیع الثاني ۱۳۸۴ هـ ق

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد المرسلين وعلى آله وصحبه أجمعين.

الباب السابع فيما يفسد الصلاة وما يكره فيها

فصل اول

مفسدات الصلاة (يعني چيزهاي شكنندهٔ نماز)

اگر امام بگفتار شخص بیرون از نماز عمل نماید نماز فاسد میشود یا خیر؟ سوال: (١٣٠٦) در وقت عصر شخصي أمي امامت ميداد وإمام جهرا قرائت خواند وشخصي خارج از نماز به آواز بلند گفت که آهسته وخفيه بخوان وحالانکه در وقت نماز عصر قرائت به آواز بلند خوانده نميشود وهر گاه آنرا شنيد امام فورا درخواندن قرائت خفيه آغاز نمود ونماز را به أنجام رسانيد نماز درست شده يا نه؟

جواب: براي شخص خارج از نماز فتح دادن درست نيست اما اگر إمام بعد از فتح دادن آن شخص با اندک توقف بطور خفيه قرائت خواندن را شروع نموده باشد نماز صحيح است. واگر بالفور با دادن فتح آن شخص خواندن قرائت خفيه را شروع کرده باشد نماز صحيح نخواهد بود واعاده نمودن آن لازم وواجب است در در المختار ذکر است: حتى لو امتثل امر غيره فقال له تقدم فتقدم او دخل فرجة الصف احد فوسع فسدت بل يمكث ساعة ثم يتقدم برأيه [1] الخ. فقط

اگر زانو آشکار شود نماز میشود یا نه؟ سوال: (١٣٠٧) زانو درآن حصهٔ بدن شامل است كه پنهان نمودن آن واجب ميباشد يا خير؟ وآيا درآن لباس يا در حاليكه زانو آشكار ميباشد نماز ميشود يا خير؟

جواب: صحيح آنست كه ركبها (زانو) در عورت داخل وشامل است كه ستر نمودن آن ضروري ميباشد درشامي مذكور است: فالركبة من العورة لرواية الدار قطني: ما تحت السرة إلى الركبة من العورة الخ ولحديث علي ﷺ قال قال رسول الله ﷺ الركبة من العورة. [2] لكن اختلاف درآن است كه زانو دران هردو باهم يک عضو اند ويا هردو جدا جدا دو عضو مستقل ميباشد اما بنا

---

(١). الدرالمختارعلى هامش ردالمحتار باب مايفسد الصلوة ومايكره فيها ج١ ص٥٨١ ، ط. س. ج١ ص٦٢٢. ظفير

(٢). رد المحتار، باب شروط الصلوة، مطلب ستر العورة ج١ ص٣٧٥ ، ط. س. ج١ ص ٤٠٤. ظفير

بر روایت أول تنها با آشکار شدن زانو درنماز نمیشکند زیرا که زانو تنها حصۂ چهارم ران نیست ومفسد نمازکشف ربع [1] میباشد. واما موافق روایت دوم با اشکار شدن حصۂ چهارم زانو نیز نماز میشکند، بناء با نمایان شدن زانو بدرجۂ اولی مفسد استٔ. درشروع منیة از خلاصة نقل نموده است که راجح ومختار روایت اول است یعني عدم فساد [2] نماز أما سخن ظاهر آنست که احتیاط شود تا که زانو در نماز وغیره مکشوف نگردد وچونکه راجح آنست که زانو عورت است بناءا آشکار نمودن زانو در هیچ حالت درست نیست وکدام اختلاف که بروز کرده است درمورد فساد وعدم فساد نماز است فقط. اگر درنماز عورت آشکار شد فورا آنرا پنهان نماید که تأخیر در آن نباشد نماز فاسد نمیشود: ولو انکشف عضو وهو عورة فی الصلٰوة فَستَر من غیر لبس لا یضر هذا لان الانکشاف الکثیر فی الزمان القلیل عفو کالانکشاف القلیل فی الزمان الکثیر (غنیة المستملی ص۲۱۳. ظفیر)

با قهقهه در نماز وضوء ونماز هر دو فاسد میشود یا تنها؟ سوال: (۱۳۰۸) در نماز قهقهه نمودن (باواز بلند خندیدن) وضوء ونماز هر دو را فاسد میکند یا تنها نماز را فاسد مي نماید؟

جواب: در نماز با قهقهه کردن وضوء ونماز هر دو فاسد میشود کما في الدر المختار: وقهقهة بالغ یقظان یصلي بطهارة صغری مستقلة صلوة کاملة ولو عند السلام عمداً انتهی ملخصا [3] فقط.

اگر درحالت سجده پاها بلند شود نماز میشود یا خیر؟ سوال: (۱۳۰۹) در بعض کتابهاي زبان اردو نوشته شده که اگر درسجده هر دو پاها بلند شود نماز نمیشود وکم ازکم باید یک انگشت پاي برزمین نهاده باشد این سخن چطور است؟

جواب: مسئلۂ بلند شدن قدمها در درالمختار وشامي نیز موجود است ومطلب آن این است که اگر در سجده تا به أنجام آن هردو قدمها بالکل بلند باشند سجده درست وجائز نیست وأما وقتیکه سجده نشد بناء نماز بطریق أولی صحیح نشده زیرا در وقت سجده أقلا باید یک انگشت

---

(۱) ویمنع الخ کشف ربع عضو قدر اداء رکن بلا صنعه من عورة غلیظه اوخفیفة علی المعتمد (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب شروط الصلٰوة مطلب ستر العورة ج۱ ص۳۷۹ ، ط. س. ج۱ ص۴۰۸). ظفیر

(۲) وکذا اختلفوا ایضًا فی الرکبة مع الفخور هل کل منها عضو علی حدة او هما عضو واحد فقال بعضهم کلها عضو علی حدة وعلی هٰذا لو انکشف القدر المانع کالربع من الرکبة وحدها لا تجوز الصلاة الخ وقال بعضهم الرکبة مع الفخذ کلاهما عضو واحد وفي الخلاصة هو المختار وفي شرح الهدایه لابن الهمام والاصح ان الرکبة تبع للفخذ لانها منتقی العظمین لا عضو مستقل. انتهیٰ (غنیة المستملی ص۲۱۰ وص ۲۱۱). ظفیر

(۳) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار کتاب الطهارة نواقض الوضوء ج ۱ ص ۱۳٤. ظفیر

پاي بر زمين نهاده باشد وچنين نبوده كه اگر پاها از زمين بلند شد وباز آنرا گذاشت نيز نماز درست نباشد بلكه مقصود آنست كه اگر بالكل وقطعا از زمين تابه آخر بلند بود باز نماز نميشود فقط [1].

لباس سرقت شده را اگر بقيمت اخذ نموده باشد درآن لباس نماز درست است يا خير؟

سوال: (١٣١٠) اگر لباس سرقت شده را خريده ودرآن نماز اداء نمودن چطور است؟

جواب: نمازش صحيح است اما با معلوم بودن آنكه اين لباس سرقت شده است خريدنش بكار نيست. [2]

درنماز با تكلم نمودن نماز ميشكند يانه؟ **سوال:** (١٣١١) بعد ازتكبير تحريمة در پاسخ يک مقتدي اگر امام چنين بگويد كه ساعت از صبح خاموش است وچيزي نميگويد وشايد اكنون نيز خاموش باشد وباچنين گفتار كدام نقصان وارد نميشود؟ واگر سپس با گفتن تكبير تحريمه نماز را آغاز نمايد؟

جواب: با گفتن چنين سخن نماز ميشكند [3] ونماز را دوباره شروع كردن لازم است وهمچنان تكبير تحريمه را معاد نمودن بكار است فقط.

اگر مقتدي قبل از امام ركوع نمايد ودرسجده شريک شود چه حكم دارد؟ **سوال:** (١٣١٢) يک مقتدي نابينا (كور) است وقتيكه إمام در قيام بود وي ركوع مي نمود وهرگاه امام از ركوع فارغ شد وبطرف سجده روان شد ومقتدي بعد از ادا نمودن قومه در سجده شريک گرديد نماز اين مقتدي درست شده يا نه؟

جواب: در شامي درباب ما يفسد الصلاة چنين مذكور است: ولو ركع وسجد بعده صح وكذا لو قبله وادركه الامام فيها لكنه يكره الخ [4] از آن جزئيه معلوم شد كه در صورت مسئوله نمازش

---

(١) ومنها السجود بجبهته وقدميه ووضع اصبع واحدة منها شرط (درمختار) وافاد انه لو لم يضع شيئا من القدمين لم يصح السجود (ردالمحتار باب صفة الصلٰوة بحث الركوع والسجود) ويكفيه وضع اصبع واحدة فلولم يضع الاصابع اصلا ووضع ظهر القدم فانه لا يجوز (البحر الرائق باب صفة الصلٰوة ج١ ص٣٣٦). ظفير

(٢) وما نقل عن بعض الحنفية من ان الحرام لا يتعدى ذمتين سالت عنه الشهاب بن الشلبي فقا ل هو محمول على ما اذا لم يعلم بذلک او لو رأى المكاس مثلا ياخذ من احد شيئا من المكس ثم يعطيه اخر ثم ياخذه من ذلک الاخر فهو حرام (ردالمحتار باب البيع الفاسد مطلب الحرمة تتعدد ج٤ ص ١٨٠ ، ط. س. ج٥ ص٩٨). ظفير

(٣) يفسدها التكلم هو النطق بحرفين اوحرف ولو مفهم (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصلاة ج١ ص٥٧٤، ط. س. ج١ ص٦١٣). ظفير =

فاسد نخواهد شد وعمدا همچو عمل نمودن مکروه است أما نابینا معذور است بناءا از معصیت دور وبري است. فقط

الضَّالِّيْن را با دوالین خواندن نماز درست میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۱۳) الضَّالِّين را با دوالین قرائت نمودن نماز میشود یا نه؟

جواب: قراء عربها وعلماء نیز ضآلین را درهمچو صورت چنین اداء میکنند که آواز مفخم دال بر آید وبخاطر آن چنین گفتن مشکل است که نماز سائر آنها نمیشود حالانکه آنها با آوازهاي حروف ومخارج خوبتر فهمیده اند. فقط

با تکبیر گفتن غیر مقلد نماز فاسد نمیشود؟ سوال: (۱۳۱٤) اگر درنماز جماعت احناف غیر مقلد تکبیر بگفت آیا درنماز فساد واقع میشود یا نه؟

جواب: هیچ فساد واقع نمیشود فقط.

با هر ایت وقف جائز است یا نه وایا بر ان نماز فاسد نمیشود؟ سوال: (۱۳۱۵) بر هر آیت وقف نمودن خواه این آیت بماقبل یا بمابعد تعلق دارد یا ندارد جائز است یا نه؟ وهمچنان رَبِّ الْعَالَمِيْنَ، الرَّحْمَانِ الرَّحِيْمِ، را با وصل قرائت نمودن در نماز، نماز فاسد میشود یا نه؟

جواب: در جواز آن هیچ شبهٔ نیست واما وقف نمودن بر رَبِّ الْعَالَمِيْنَ، الرَّحْمَانِ الرَّحِيْمِ، درست است وبر آن نماز فاسد نمیشود فقط.

اگر در نماز سخنهای فراموش وگذشته بیادش آید نمازش میشود یا خیر؟ سوال: (۱۳۱٦) کدام مردم که ظاهرا مصروف نماز باشند وخیالات پراکندهٔ آنها ایشان را به بازارها ومحاکم ببرد وسائر سخنهاي گذشته وفراموش شده برایش در نماز بیاد آید این نماز باطل است یا نه؟

جواب: نمازش فاسد وباطل نیست [1] فقط. (عن عثمان بن ابی العاص قال قلت یارسول الله ان الشیطان قد حال بینی وبین صلٰوتی وبین قرآءتی یلبسها علی فقال رسول الله ذالک شیطان یقال له خنزب فاذا حسسته فتعوذ بالله منه واتفل علٰی یسارک ثلٰثا ففعلتُ ذالک فاذهبه الله عنّی. رواه

---

(٤). ردالمحتار باب مایفسد الصلاة وما یکره فیها ج۱ ص۵۸۹، ط. س. ج۱ ص۶۳۰. ظفیر

(۱) عن ابی هریرة ﷺ قال قال رسول ﷺ ان الله تجاوز عن اُمتی ما وسوست به صدرها ما لم تعمل به او تتکلم متفق علیه. (مشکوٰۃ باب الوسوسه ص ۱۸). ظفیر

مسلم (مشکوٰة باب الوسوسه ص ۱۹، ظفیر).

اگر دروقت فجر برازار داغ های را مشاهده نماید آیا نماز فجر را إعاده کند یا نه؟

سوال: (۱۳۱۷) دربهشتي زیور نوشته است که کدام شخص بعد از أدا نمودن نماز عشاء خوابید وبعد از طلوع آفتاب که بیدار شود وبر ازار خود داغ هاي مني را ببیند براي آن شخص إعاده نمودن نماز عشاء واجب است آیا این حکم صحیح است یا خیر؟

جواب: شخصي که بعد ازنماز عشاء خواب شد وکدام وقت که صبح بیدار شد وبرلباس داغ هاي مني را مشاهده نمود بناءا حکم إعاده نمودن نماز عشاء برایش نیست ودرکتاب مذکور همچو مسأله ذکر نخواهد باشد وشاید که غلط فهمي شده باشد فلهذا ثانیا آن کتاب بدقت وغور مطالعه شود فقط.

اگر امام در حالت نماز بگفتار مقتدي پیش قدم بردارد نماز میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۱۸) زید نماز جماعت فجر را میداد وتنها یک مقتدي دیگر همرایش بود که مطابق قواعد شرعي شخص زید بالکل عنقریب طرف راست ایستاده وقبل از اختتام قرائت رکعت ثاني یک مقتدي دیگر آمد ومیخواست که درجماعت شامل شود ودرآن اثنا براي مقتدي اول موقع بعقب آمدن حاصل نبود بناءا مقتدي ثاني در الفاظ خود براي زید گفت که شما یک قدم پیش شوید وبعد ازآن زید یک قدم پیش رفت وقرائت را همانطور جاري تلاوت نمود ونماز را به انجام رسانید زید میگوید که نماز همه فاسد شده است بخاطر براي مقتدي بعوض گفتن بدست إشاره نمودن بکار بود بناءا ضرورت إعاده نماز است یا خیر؟

جواب: درآن صورت بعض فقهاء قول نموده اند برفساد نماز اما صحیح آنست که نماز درست وصحیح است واقعا براي همچو مقتدي بکار است که با إشاره امام را بگوید که یک قدم پیش رود لکن به هرحال نماز درست شده وبراي إعاده نمودن آن نیازي نیست [1] فقط.

اگر درجریان نماز هر دو دست ها در داخل لباس ها باشد آیا نماز میشود یاخیر؟ سوال:

---

(۱) لم نقل تصحیح عدم الفساد فی مسئله من جذب من الصف فتاخر (در المختار) وعبارة المصنف فی المنح بعد ان ذکر لو جذبه آخر فتاخر الاصح لاتفسد صلاته وفی القنیه قیل لمصل منفرد تقدم فتقدم بامره اودخل رجل فرجة الصف فتقدم المصلی حتی وسع المکان علیه فسدت صلاته وینبغی ان یمکث ساعة ثم یتقدم برأی نفسه وعلّله فی شرح القدوری بانه امتثال لغیر امرالله تعالی اقول ماتقدم من تصحیح صلاة من تاخریمایفید تصحیح عدم الفساد فی مسئله القنیة لانه مع تاخره نجد به لا تفسد صلاته (رد المحتار باب الامامة ج۱ ص ۵۳۳ . ط. س. ج۱ ص۵۷۱). ظفیر

(۱۳۱۹) اگر درحین اداء نماز دست ها درداخل لباس باشد آیا نماز درست است یا نه؟

جواب: نماز درست است [۱] فقط.

دادن وگرفتن یا ترک شدن یک نماز چگونه است؟ **سوال**: (۱۳۲۰) زید امام مسجد است ودر نماز خفتن آیت ذیل را قرائت نموده: وَسِيْقَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ، وبا: فُتِحَتْ اَبْوَابُهَا، آنرا منضم کرده وبه پیش تلاوت نمودن را شروع کرد درآن اثنا عمر وکسیکه حافظ قرآن کریم است وهمچنان ازقدر ما تَجُوْزُ بِهِ الصَّلَاةَ، نیز واقف بود برایش فتح داد: وَيُنْذِرُوْنَكُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا، زید باز همانطور تکرار نمود ودر آن جاي توقف ورزید سپس با رسوم آنرا تکرار کرده وبمشکل به پیش رفت لکن: وَيُنْذِرُوْنَكُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا، را ترک نمود وسورت زمر به پایان رسید وبغیر ازسجده سهوه نماز را انجام نمود واین عمل درمحضر صدها نمازگذار ازطرف زید صادر شد. آیا استیناف صلاة بکار است یا نه؟

جواب: در این صورت نماز امام ومقتدیها صحیح است. اما سجده سهوه واجب نمیباشد وهمچنان اعاده نمودن نماز لازم نیست: کما صرح به فی الدر المختار والشامی بخلاف فتحه علی امامه فانه لایفسد مطلقًا لفاتح وآخذ بکل حال (درالمختار) قوله بکل حاجل ای سواء قرء الامام قدر ما تجوز به الصلٰوة ام لا انتقل الٰی آیة اخری ام لا تکرار الفتح ام لا هو الاصح نهر، شامی [۲] جلد اول ص ۴۱۸، پس واضح گردید که با تکرار فتح اصح نیست که درنماز فساد واقع نمیشود وهمچنان هیچ وجه وسبب وجوب سجده نیسست زیرا با تکرار نمودن قرائت اگر دریک رکن تأخیر شود موجب سجده سهوه نیست: کما فی الدرالمختار واعلم انه اذا شغله ذلک الشک فتفکر قدر اداء رکن لم یشتغل حالة الشک بقراءة الخ وجب علیه سجود السهو [۳] الخ، از توضیح فوق چنین معلوم شد که درصورت اشتغال بالقرآئة سجده سهو لازم نمیشود البته در شامي وغیره تصریح شده است: قسمیکه براي مقتدي فورا فتح دادن مکروه است همچنان براي إمام نیز مکروه است که مقتدي را مضطر ومجبور بطرف فتح دادن نماید بلکه براي امام بکار است که به آیت مناسب دیگر ویا کاملا بجانب سورت دیگر انتقال نماید.

---

(۱) رفع یدیه الخ ماسًّا بابهامیه شحمتی اذنیه هو المراد بالمحاذاة (در المختار) ووفق بینهما وبین روایات الرفع ای المنکبین بان الثانی اذا کانت الیدان فی الثیاب للبرد کما قاله الطحاوی الخ (رد المحتار فصل تالیف الصلٰوة ج۱ ص۴۵۰ ، ط. س. ج۱ ص ۴۸۲). ظفیر

(۲) رد المحتار باب مایفسد الصلٰوة ج۱ص ۵۸۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۲۲. ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۶ ، ط. س. ج۲ ص ۹۳. ظفیر

واگرامام بمقدار واجب یا مستحب قرائت خوانده باشد باید که برکوع برود ورکوع کند: کما قال في الشامي يكره ان يفتح من ساعته كما يكره للامام ان يلجئها اليه بل ينتقل الى آية اخرى لا يلز من وصلها ما يفسد الصلٰوة او الٰى سورة اُخرى اويركع اذا قرء قدر الفرض كما جزم به الزيلعي وغيره وفي رواية قدر المستحب كما رجحه الكمال بانه الظاهر من الدليل [۳] الخ. فقط

اگر مقتدی در یک رکعت اقتداء را ترک نمود آیا نماز درست شده یا نه؟ سوال: (۱۳۲۱) امام مسجد درنماز مغرب بعد از اداء نمودن دورکعت التحیات (تشهد) را فراموش نمود اما مقتدیها بنا برغلطي یا بفراموش آنرا خواندند وامام در رکعت سوم: اَلْحَمْدُ لله را آهسته خواند ورکوع نمود ومقتدیها با گفتن: اللهُ اَكْبَرُ ایستادند وامام بعد ازتکمیل نمودن تسبیحات رکوع بسجده رفت وسائر مقتدیها او را متابعت نمودند که درآن صورت نماز امام کامل شده اما مقتدیها بنا بر غلطي در رکعت سوم اقتداي به امام نکردند بلکه بعض آنها دررکوع نیز شامل نشدند بناء حکم نماز مقتدیها چگونه است؟

جواب: آنعده مقتدیهاي که رکوع نکردند اند نماز آنها نشده است وآنعده مقتدیهاي که در ایستادن رکوع نمودند خواه در حال ایستادن با امام دررکوع شامل شدند ویا بعد ازآن رکوع نمودند نماز شان درست شده [۱] وبر عهده امام،سجده سهو بنا بر ترک نمودن قعده أولی لازم است. [۲] فقط.

درحالت نماز نعره وصراخ کشیدن نمازرا فاسد نماید یا نه؟ سوال: (۱۳۲۲) یک گروه امیان ازیک پیر تعلیم گرفته اند وایشان درنماز جهري احیانا باشنیدن قرائت واحیانا درنماز سري نیز شور وشغب مي نمایند وصراخ ونعره ها میکشند آیا با این عمل نماز ایشان فاسد میشود یانه؟ زیرا این کلمه آه یا اف نیست بلکه خالص چیغ وآواز بلند است.

جواب: درالدرالمختار مذکور است: والانين هو قوله اه بالقصر والتاوه هو قوله آه بالمد والتافيف

---

(۱) نعم تكون المتابعة فرضا بمعنى ان ياتي بالفرض مع امامه او بعده كما لو ركع امامه فركع معه مقارنا او معاقبا وشاركه فيه او بعد ما رفع منه فلو لم يركع اصلا الخ بطلت صلاته (رد المحتار باب صفة الصلاة مطلب تحقيق متابعة الامام ج۱ ص ۴۳۹ ، ط. س. ج۱ ص ۴۷۱). ظفير الدين غفرله

(۲) ولها واجبات لا تفسد بتركها وتعاد وجوبًا الخ ان لم يسجد له اى للسهو الخ وهي قراءة فاتحه الكتاب الخ والقعود الاول (الدرالمختار على هامش رد المحتار ج ۱ص۴۲۴ ، ط. س. ج۱ ص۴۵۶) سها عن القعود الاول من الفرض الخ ثم تذكره عاد اليه الخ ما لم يستقم الخ والا اى وان استقام قائما لا يعود لاشتغاله بفرض القيام وسجدللسهو لترک الواجب (الدرالمختارعلى هامش ردالمحتار باب سجودالسهو ج۱ ص۶۹۶، ط. س. ج۲ ص ۸۳). ظفير

اُف او تف والبكاء بصوت يحصل به حروف لوجع او مصيبة الخ لا كذكر جنة او نار فلو اعجبته قراءة الامام فجعل يبكى وبقوله بلى او نعم او ارى لا تفسد، سراجيه لدلالته على الخشوع الخ اوپه شامى كى دى: قوله: لدلالته على الخشوع افاد انه لوكان استلذاذاً بحسن النغمة يكون مفسداً [1] الخ، پس معلوم وروشن شدكه درنماز همچنان چيغ ونعره زدن وهو هو كردن اگر از وجه ذكر جنت ودوزخ نباشد آن آوازها شكننده وفاسد كنندهٔ نماز است لهذا جاهلان باشدت ودرشتي از همچو نعره ها وشور شغب منع نمودن بكار است زيرا ايشان نماز خود را فاسد مي نمايند همچان در نماز متباقي نماز گذاران نيز خلل واقع ميكنند كما جربناه فقط.

اگر از پیش روی نماز خوان سگ عبور کند نماز فاسد میشود یا نه؟ **سوال:** (۱۳۲۳) اگر در بیش روی نماز خوان سه مرور کند آیا نماز فاسد میشود یا خیر؟

جواب: نماز فاسد نميشود وضرورت براي اعاده نمون آن ثانيا نيست [2] فقط.

باگذاشتن چیز ناپاک درجیب نماز میشود یا نه؟ **سوال:** (۱۳۲٤) اگر در جیب قصدا یا سهوا كدام چيز ناپاک يا رخت ناپاک باقي بماند ونماز اداء شود آيا نماز ميشود يا نه؟

جواب: در آن صورت نماز صحيح نمياشد واعاده كردن آن نماز ضروري است [3] فقط.

درنماز ازار یا پاجامه خلاص وبازگردید چه باید کرد؟ **سوال:** (۱۳۲۵) اگر در حین نماز خواندن ازاربند پاجامه وازار مقتدي يا امام بگسلد درآن صورت نماز گذار چه بليد بكند؟

جواب: اگر با یک دست يعني با عمل يسير درست نمودن آن ممكن نباشد بايد كه نماز را بشكند وبا هر دو دست لنگ يا پا جامه را ببندد وسپس با جماعة شركت ورزد [4] فقط.

اگر بجاي ستره چتری وغیره باشد کافي خواهد باشد یا نه؟ **سوال:** (۱۳۲٦) اگر در پیش

---

(۱) رد المحتار باب مايفسد الصلٰوة ومايكره فيها ج۱ص۵۷۹ ، ط. س. ج۱ ص ٦۱۹ – ٦۲۰ . ظفير

(۲) ولا يفسدها الخ مروره بين يديه اى حائط القبلة فى بيت ومسجد صغير مطلقًا الخ ولو امراة او كلبًا (الدر المختار على هامش رد المحتار باب مايفسد الصلٰوة ومايكره فيها ج۱ ص۵۹۳ ، ط. س. ج۱ ص ٦۳٤). ظفير

(۳) وعفى الشارع عن قدر درهم وان كره تحريما الخ وقوله مبطل (درالمختار) ففى المحيط يكره ان يصلى ومعه قدر درهم او دونه من النجاسة عالما به الخ (رد المحتار باب الانجاس ج۱ ص ۲۹۲ ، ط. س. ج۱ ص۳۱٦). ظفير

(٤) ويفسدها كل عمل كثير ليس من اعمالها ولا لاصلاحها وفيه اقوال خمسة اصحها مالايشک بسببه الناظر من بعيد فى فاعله انه ليس فيها(در المختار) القول الثانى ان ما يعمل عادة باليدين كثير وان عمل بواحدة كالتعمّم وشدّ السّراويل وما عمل بواحدة قليل وان عمل بهما كحلّ السّراويل ولبس القلنسوة ونزعها (رد المحتار باب مايفسد الصلٰوة ومايكره فيها ج۱ ص۵۸۳ – ۵۸٤ ، ط. س. ج۱ ص ٦۲٤ – ٦۲۵). ظفير

روي نمازگذار قطيفه يا چتري بجاي ستره گذاشته شود آيا كافي خواهد باشد يا نه؟ ويا ستره ضروري است كه از چوب باشد؟ ويا ضرورت است كه سترهٔ چوب اقلا به اندازهٔ یک انگشت كلفت باشد ويا ازآن نيز كم كافي شده ميتواند؟

جواب: اگر چتري يا قطيفه در پيش روي نماز گذار باشد بعوض ستره كافي خواهد بود ودرآن مورد تخصص چوب نيست. واما قيد غلظ اصابع (به اندازه عريض بودن انگشت) را صاحب بدائع قول ضعيف گفته است: في الشامي لكن جعل في البدائع بيان الغلظ قولاً ضعيفاً وانه لا اعتبار بالعرض وظاهره انه المذهب [1] بحر الخ . فقط

با أخذ نمودن تنفس بر صراط الّذين نه كفر لازم ميشود ونه نماز فاسد ميشود: سوال: (١٣٢٧) هر كيسكه در مورد علم قرائت معلومات نداشته باشد ودريكي از نمازهاي جهري إمام شود ودرحالت اضطراري نفسش بر صراط الذين به پايان رسيدآيا اين امام كافر شد ونماز فاسد شد يا خير؟

جواب: در همچو موارد نه نماز فاسد ميشود ونه إمام كافِر ميگردد بل كه او را كافر گفتن خوف كفر است براي گوينده كمافي الحديث: ايما رجل قال لاخيه كافر فقد باء بها احدهما. رواه الشيخان [2] وفي حديث اخر: سباب المسلم فسوق وقتاله كفر، وفي حديث اخر ايضا: من دعا رجلا بالكفر او قال: عدو الله وليس كذلک إلا حار عليه، متفق عليه.

آنكسى كه نماز گذار نباشد براى نماز گذاريكه بزند نماز نماز خوان فاسد نميشود؟

سوال: (١٣٢٨) اگر غير نماز خوان براي نماز گذار پكه بزند آيا درنماز نماز خوان فساد واقع ميشود يا نه؟

جواب: درنماز نماز خوان با استعمال نمودن پكه هيچ خلل وفساد لازم نميشود. اگرچه اين عمل خوب نيست كه نماز گذار در حالت نماز بذريعه كسي پكه بزنند وبراي نماز گذار بكار است كه پكه كننده را ازآن منع نمايد فقط.

در لفظ (مَاهِيَهْ) ظاهر نمودن تاء غلط است مگر مفسد صلاة نيست: سوال: (١٣٢٩) اگر

---

(١) ويغرز ندبا الامام وكذا المنفرد في الصحراء ونحوها سترة بقدر ذراع طولا وغلظ اصبع لتبدو للناظر بقربه دون ثلاثة اذرع على حذاء احد حاجبيه الخ (درالمختار) لكن جعل في البدائع بيان اللفظ الخ (رد المحتار ج١ ص ٥٩٥ – ٥٩٦ ، باب ما يفسدالصلوة ط. س. ج١ ص ٦٣٦ – ٦٣٧). ظفير

(٢) مشكوٰة ، باب حفظ اللسان والغيبة والشتم ، ص ٤١١ . ظفير

بجاي (هاي) هوز در (مَاهِيَهْ) تاء با تنوين تلاوت شود آيا درست است يانه؟ وبر آن نماز فاسد ميشود يا خير؟

جواب: در آيت: وَمَا اَدْرٰکَ مَاهِيَهْ ، هاء آخري كه هاي سكته است آنرا بتاء خواندن لحن في القراة [1] ميباشد وصراحة غلطي است زيرا اين فاء مبدل از تاء نيست أما اگر كسي به غلطي آنرا همانطور خواند نمازش ميشود. فقط

شب در مورد قبله پرسيد ونماز خواند سپس ازآن معلوم شد كه قبله غلط بود آيا اين نماز شده يا نه؟ **سوال:** (۱۳۳۰) زيد شبانه از رفيق خود در مورد قبله پرسيد ونماز را اداء نمود وبعد ازچند روز معلوم شد كه قبله غلط بوده آيا آن نماز شده يا نه؟

جواب: نماز درست شده است. فقط

اگر مسبوق سهوا با امام سلا گردانيد وكسي او را بيادش داد سپس ايستاد شود اين چه حكم دارد؟ **سوال:** (۱۳۳۱) يک روز من در نماز عشاء در رکعت ثاني شريک شدم اما با امام يکجا هردو طرف سلام گردانيدم ونماز رابه پايان رسانيدم ودرصدد دعا نمودن بودم كه درهمان لحظه يک مقتدي ديگر كه كاملا با امام در نماز شركت ورزيده بود برايم ياد دهاني كرد كه برخيز ونماز را كامل كن بناء اگر در أثناء من بنده گنهگار ايستاد ميشدم ونماز را تكميل مي نمودم آيا نمازم درست بود يا نه؟ ودرآن صورت كه من سخن او را نه بذيرفتم بلكه از سر نو مجددا چار رکعت فرض را اداء نمودم آيا اين نماز شده يا نه؟ وجه عدم قبوليت من آن بود كل درقلبم فكر وإشتباه خطور كرد كه با فتح دادن شخص كه بيرون وخارج الصلاة باشد نماز فاسد ميشود.

جواب: اگر بعد ازگفتن آن شخص فكر وتدبر مي نمودي وبرايت بياد ميشد كه بيشک از من يک رکعت باقي مانده است وبنا براين مقصد قيام كرده ويک رکعت را اداء نموده تكميل مي نمودي وبعد ازآن سجده سهوه اداء كرده بودي نماز درست مي شد زيرا امتثال (قبول نمودن سخن) از شخص غير نيست بلكه هرگاه بيادت درآمده پس همان طرف قيام منسوب ميشود. در الدر المختار مذكور است: حتي لو امتثل أمر غيره فقيل له تقدم فتقدم اودخل فرجة الصف احد

---

(۱) ومنها القرآءة بالالحان ان غير المعنى والا لا. (الدر المختار على هامش رد المحتار باب مايفسد الصلوة ج۱ ص۵۸۹ ، ط. س. ج۱ ص ۶۳۰). ظفير

فوسع له فسدت بل يمكث ساعة ثم يتقدم برأيه [1] ودرشامي تصحيح عدم فساد نموده است: وقدمنا عن الشربنلالي عدم الفساد وتقدم تمام الكلام عليه [2] الخ شامي جلد اول. فقط

اگربجای عَلَيْكُمْ لفظ عَلَيْتُمْ بیرون شود آیا نماز میشود یا نه؟ **سوال:** (۱۳۳۲) اگر درصورت قرائت السّلام عَلَيْكُمْ بجاي عليكم لفظ عليتم از دهن بيرون شود آيا نماز ميشود يا نه؟

جواب: نماز درست شده [3]. فقط

در چوغه وعمامه نماز میشود یا نه؟ **سوال:** (۱۳۳۳) امام که لباس شرعي مثل جوغه وازار ورداء وعمامه را پوشيده امامت مي سازد وليكن پوشيدن اين لباس او راناخوش است آيانماز جائز مي شود يانه؟

جواب: نماز اداء ميشود.

اگر بالای لباس اثر وداغ را بنگردچه باید کرد؟ **سوال:** (۱۳۳٤) امام محتلم شد ولباس هاي خودرا شسته وامامت را اداء مي نمود وبعد از دويا سه روز برقميص خود داغ واثر مني را مشاهده نمود اكنون اعاده نمودن نمازهاي اداء شده بكار است يانه؟ وهمچنان معلوم نيست كه كدام كدام اشخاص درآن نمازها با امام معيت داشتند ونماز را باجماعت همراه امام اداء نموده اند؟

جواب: درمورد همچو صورت دركتابهاي فقه چنين نوشته شده است: اگر يک انسان برلباس خود زياد از مقدار درهم داغ وأثر مني را مشاهده نمود وبعد ازخواب نهائي كه كدام نماز را درآن لباس اداء نموده است آنرا اعاده بايد نمود مثلا امروز بعد ازنماز ظهر برلباس مني رامشاهده نمود سپس اگردر حين چاشت همچنان خواب شده باشد ازآن وقت لباس هاي او پليد وناپاک دانسته ميشود. واگر در حين چاشت نخوابيده باشد بلكه از طرف شب خوابيده باشد پس از همان وقت لباس او ناپاک پنداشته ميشود واز همان وقت هرچند نمازها را كه اداء نموده باشد آنرا اعاده بايد نمود وهمچنان بقدر امكان مقتديها را نيز مطلع ساختن بكار است وهر

---

(۱) ويتحرّى وهو بذل المجهود لنيل المقصود للعاجز عن معرفة القبلة فان ظهر خطاه لم يعد لمامرّ (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب شروط الصلٰوة واستقبال القبلة ج۱ ص٤٠١ ، ط. س. ج ۱ ص ٤٣٣). ظفير

(۲) الدر المختار على هامش رد المحتار باب مايفسد الصلٰوة ومايكره فيها تحت الفروع ج۱ ص٥٨١ ، ط. س. ج ۱ ص ٦٢٢. ظفير

(۳) ومنها الخروج بصنعه كفعله المنافي لها بعد تمامها (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلٰوة ج۱ ص ٤١٨ ، ط. س. ج ۱ ص ٤٤٨ - ٤٤٩). ظفير

کسیکه بیادش مي آید او را آگاه ومطلع نماید. کما في الدرالمختار: کما یلزم الامام اخبار القوم اذا امهم وهو محدث اوجنب او فاقد بشرط اورکن الخ [1]. فقط

ذکر سري مفسد نماز است یا نه؟ سوال: (۱۳۳۵) مریدان بزرگان نقشبندیه موجب فهمانیدن مرشدان درنماز فرائض ونوافل ذکر سري مي نمایند که الفاظ (لون) و(هون) مسموع میشوند نماز فاسد خواهد شد یانه؟

جواب: ظاهر همین است که نماز فاسد شود لهذا احتیاط درین امر واجب است [2]. فقط

اندک انحراف مسجد ازقبله نمازهای خوانده شده؟ سوال: (۱۳۳٦) در یکی از مساجد مردم نماز میخواندند وبعد ازچند روز معلوم شد که مسجد از جهت قبله منحرف است وبعد از تحقیق بعض مردم حسب سابق توجه مي نمایند ونماز را اداء میکنند وبعضي مردم اندک از آن جهت تمایل نموده نماز را اداء مي نمایند؟ سپس اکنون آن عده مردم که بجهت اول نمازاداء نموده اند آیا برای ایشان اعاده کردن نماز بکار است یانه وهمچنان قبل از تحقیق آن عده نمازها که اداء شده است اعاده نمودن آن بکار است یانه؟ وهمچنان اگر کسي منحرف از قبله نماز بخواند آیا نمازش صحیح باشد یانه؟

جواب: آن عده مردم که برجهت أول نماز میخوانند نماز ایشان صحیح است وبر ایشان اعاده نمودن نمازهاي سابقه لازم نیست زیرا براندک انحراف از استقبال قبله کدام فرق وارد نمي آید وهمچنان حساب قطبي نیز تحقیقي نیست بلکه تقریبي است. [3] فقط

در نماز فجر اگر آفتاب طلوع نمود آیا نماز فاسد میشود یا خیر؟ سوال: (۱۳۳۷) اگر در حین اداء نماز فجر آفتاب طلوع نمود آیا نماز صحیح است یا خیر؟

جواب: نزد احناف نماز فاسد میشود بناءا بعد ازطلوع وارتفاع آفتاب برایش اعاده نمودن نماز فجر لازم است. کما في الدر المختار والشـامي: بخلاف الفجر فتبطل بطر الطلوع الذي هو وقت

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الامامة مطلب المواضع التی تفسد صلاة الامام ، ج۱ ص ۵۵۳ ، ط. س. ج ۱ ص ۵۹۱ – ۵۹۲). ظفیر

(۲) وذکر فی الملتقط ان المصلی اذا لسعته الحیة فقال بسم الله الرحمٰن الرحیم تفسد صلٰوته الخ وذکر فی الذخیرة انه اذا قال المریض یارب اوقال بسم الله لما یلحقه من المشقة الخ اما عندهما ای الطرفین فتفسد الخ (غنیة المستملی). ظفیر

(۳) فللمکی الخ اصابة عینها الخ ولغیره ای لغیر معاینها اصابة جهتها بان یبقی شی من سطح الوجه مسامتا للکعبة الخ (الدرالمختارعلی هامش ردالمحتار باب شروط الصلٰوة ج۱ ص۳۹۷ ، ط. س. ج۱ ص۴۲۷-۴۲۸). ظفیر

فساد الخ شامي. والاحاديث تعارضت فتساقطت الخ. الدرالمختار [١] فقط.

بعوض ضاد ظاء خواندن نماز فاسد میشود یا نه؟ سوال: (١٣٣٨) در نماز بجاي (ض) (ظ) خواندن نماز فاسد میشود یا نه؟

جواب: قبل از همه درمورد این مسئله ضرورت برآن احساس میشود که عمداً وقصداً از خواندن ظاء احتراز کرده شود بخاطر آنکه درآن مورد روایات فاسد شدن نماز حتما موجود است بلکه در شرح فقه اکبر از محیط نقل نموده است که تعمدا قرائت نمودن آن کفر است عبارتش قرار ذیل است: وفي المحيط سئل الامام الفضلي عمن يقرء الظاء المعجمة مكان الضاد المعجمة اويقرء اصحاب الجنة مكان اصحاب النار اوعلى العكس فقال لايجوز امامته ولو تعمد يكفر قلت اما كون تعمده كفراً فلا كلام فيه اذا لم يكن فيه لغتان ففي ضنين الخلاف سامی. [٢] اما مطلب بنده از تحویر سابق آنست که باوجود ارادهٔ اداء نمودن ضاد از مخرج خویش اگر مشابهت باظاء يادال آید نماز صحیح است. درالدر المختار مذکور است: الا ما يشق تميزه كالضاد والظاء فاكثرهم لم يفسدوها [٣]، در شامي مذکور است: قال في الخانية الاصل فيها اذا ذكر حرفا مكان حرف وغير المعنى ان امكن الفصل بينهما بلا مشقة تفسد وان لا يمكن الا بمشقة كالظاء مع الضاد الخ قال اكثرهم لا تفسد وفي خزانة الاكمل قال القاضي ابو عاصم ان تعمد ذلک تفسد وان جرى علی لسانه ولا يعرف التميز لا تفسد وهو المختار عليه وفي البزازية وهو اعدل الاقاويل وهو المختار [٤] الخ، وبنابرآن بسبب این احتیاط قراء وعلماء عرب قاطبه درموقع ضاد ازخواندن ظاء قطعا خود داري مي نمایند وضاد رابشکل دال مفخم اداء میکنند كما هو مشاهد ومعروف، فقط.

درلباس رشوت نماز میشود یا نه؟ سوال: (١٣٣٩) درملبوسات رشوت نماز جائز است یا خیر؟

جواب: نمازاداء میشود اما آنکس عاصي وفاسق است یعني درکماني نمودن لباس حرام نماز اداء نمودن مکروه [٥] است لکن نماز اداء میشود. فقط.

---

(١) رد المحتار كتاب الصلاة تحت قوله بخلاف الفجر ج١ ص ٣٤٦ ، ط. س. ج ١ ص ٣٧٣. ظفير

(٢) شرح فقه اكبر ص ٢٠٥ . ظفير

(٣) الدر المختار على هامش رد المحتار، باب مايفسد الصلوٰة مطلب زلة القارى ج١ ص ٥٩٢ . ظفير

(٤) رد المحتار ، باب مايفسد الصلوٰة مطلب زلة القارى ج١ ص ٥٩٢ ، ط. س. ج١ ص ٦٣٣ . ظفير

با شکستاندن نیت امام نماز مقتدي فاسد میشود؟ سوال: (۱۳٤۰) امام در قعده اولی سهوه شد ومقتدیان با گفتن الله أکبر برایش اطلاع دادند وامام بنا برغلطي نماز راشکستاند آن عده مقتدیان که بجانب راست یا چپ بودند یا درصف دیگربودند براي ایشان عمل نبود که امام نماز را فاسد نموده وایشان بر آن نیت نخستین قائم بودند وچنان مي پنداشتند که بخاطر تکمیل نمودن رکعت سوم توقف نموده است اکنون امام رکوع رکعت نماز دیگر را کرده ومقتدیان همه با امام برکوع رفتند وامام چهار رکعت را کامل نموده سلام گردانیدند ومقتدیان نیز چهار رکعت را تکمیل کردند اکنون سوال چنین مطرح است آن عده مقتدیان که دوباره با امام نیت ننمودند بلکه با تکبیر گفتن امام برکوع رفتند آیا نماز آنها دراین صورت صحیح شده یا نه؟ وآن تکبیر نخستین که با امام درحین رفتن برکوع گفته بودند آیا تکبیر تحریمه محسوب خواهد شد یانه؟

جواب: دراین صورت نماز مقتدیان درست نشده است زیرا وقتیکه امام نماز خود راشکستاند سپس بالتبع نماز سائر مقتدیان فاسد گردیده وپس ازآن مقتدیان بنیت اقتداء نمودن تکبیر تحریمه را نگفته اند وثانیا نماز راشروع نکردند بلکه بر نماز نخستین که فاسد شده بود برآن بناء کردند واین قاعده است که بناء علی الفاسد فاسد است فلهذا ناگزیر نماز ایشان فاسد میباشد [۱]. فقط

جنبابدن پاي راست در نماز مفسد نماز نیست: سوال: (۱۳٤۱) زید انگشت بزرگ پاي راست رادر نماز جنبانید آیا نمازش فاسد میشود یا نه؟

جواب: حرکت دادن انگشت بزرگ پاي راست مفسد صلاۃ نیست [۲]. فقط

مسجد ملکیت کسی نیست ودران نماز درست است: سوال: (۱۳٤۲) ان عده مردم قریه که مسجد قریه را ملکیت خود میدانند درآن مسجد شرعا نماز چگونه است؟

جواب: مسجد ملکیت کسي نمیباشد [۳] وبادعوا نمودن ملکیت کسي درآن کدام تغیري وارد نمیشود بناء درآن مسجد نماز صحیح است وثواب مسجد درآن حاصل میشود. فقط

---

(٥) ردالمحتار ، باب مایفسد الصلٰوة مطلب زلة القاری ج۱ ص ٥۹۲ ، ط. س. ج۱ ص ٦۳۳ . ظفیر

(۱) وکذا تکره فی اماکن کفوق کعبة الخ وارض مغصوبة (الدرالمختار شامي کتاب الصلٰوة ج۱ ص۳٥٤). ظفیر

(۲) واذا ظهر حدث امامه وکذا کل مفسد فی رأی مقتد بطلت فیلزم اعادتها لتضمنها صلاة المؤتم صحة وفسادا (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب الامامة ج۱ ص ٥٥۳ ، ط. س. ج۱ ص ٥۹٦). ظفیر

(۳) وأن المساجد لله (سورة الجن، آية : ۱۸) ویزول ملکه عن المسجد والمصلي بالفعل وبقوله جعلته مسجدا عند الثاني وشرط محمد والامام الصلاة فیه بجماعة وقیل یکفي واحد وجعله في الخانیة ظاهر الروایة (الدر المختار علی هامش رد المحتار کتاب الوقف مطلب في احکام المسجد ج۳ ص ٥۱۰ – ٥۱۱ ، ط. س. ج٤ ص ۳٥٥ – ۳٥٦) .

آنکس که موی زیرناف را نمیتراشد نمازش درست است: سوال: (۱۳۴۳) آنکسیکه موي زیر ناف را نمي تراشد آیا نماز او صحیح است یانه؟

جواب: نمازش صحیح است لکن این عمل قبیح است وموی زیر ناف را بیشتر از چهل روز باقي گذاشتن مکروه میباشد [1]. فقط

اگر صحیح قرائت نمود نماز شده وسامع را اعتبار نیست: سوال: (۱۳۴۴) زید درنماز جهري سورۃ وَالْعَصْرِ راچنان تلاوت نمود که بالاي وَالْعَصْر وقف کرد وسامع آنرا وَالْعَصْ بحذف راء شنید، وثانیا بالاي لَفِيْ خُسْرٍ وقف کرد وسامع آن را لَفِيْ خُسْ باسقاط راء شنید اگر وقف آخر باسقاط حرکت یا بغیر لز تنوین راء باشد درآن مقام وقف نمودن جائز است ویکي از آن مواضع هفده گانه که برآن وقف نمودن مفضي إلی الکفر منقول است ازحضرت علي (رض) فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّيْنَ است که فساد آن اظهر من الشمس میباشد وعلاوه ازآن مواضع وقف کردن در مابین مبتداء وخبر صفت وموصوف فعل وفاعل ومستثنی منه، صله وموصول وغیر ذلک آنها بنا برقاعده نحوه فصل ووقف جائز وناجائز که آن موضع متنازع فیه جمله استثنائیه است.

جواب: اعتبار براي خواننده است، سامع اگر یک حرف را نشنود از آن عدم قرائت قاری لازم نمیشود بناء وقتیکه قاري وَالْعَصْرِ را تلاوت نمود وهمچنان اِنَّ الْاِنْسَانَ لَفِيْ خُسْرٍ راتلاوت کرده است پس نماز شده وبرآن وقف نمودن کفر نیست وأما آن روایت که از حضرت علي (رض) در مورد وقف نمودن بر هفده مواضع منقول شده است که کفر میباشد وبرآن کفر لازم میشود آن روایت صحیح نیست [2]. فقط

درحالت نماز رقص وغیره نماز را فاسد مینماید: سوال: (۱۳۴۵) بعض مردم درنماز شور وشغب مینمایند یعني چک، چک نمودن، ها هو، آواز کردن وجستن رقصیدن آیا این امور جائز است یا نه؟ وبرخي از ملایان متقد آنها میگویند که در الدر المختار وغیره کتاب هاي فقه

---

(۱) الافضل ان یقلم اظفاره ویحفی شاربه ویحلق عانته وینظف بدنه بالاغتسال فی کل اسبوع مرة فان لم یفعل ففی کل خمسة عشر یوماولایعذر فی ترکه وراء الاربعین الخ ویستحق الوعید کذا فی القنیة (عالمگیری مصری کتاب الکراهیة الباب التاسع عشر ج ۵ ص ۳۶۸ ، ط. ماجدیه ج۵ ص ۳۵۷). ظفیر

(۲) اذا وقف فی غیر موضع الوقف اوابتدأ فی غیر موضع الابتداء ان لم یغیر به المعنی تغیرا فاحشا نحو انّ الذین أمنو وعملوا الصالحات ووقف ثم ابتدأ بقوله اولئک هم خیر البریة لا تفسد بالاجماع بین علمائنا هکذا فی المحیط وکذا ان وصل فی غیر موضع الوصل الخ لا تفسد لکنه قبیح هکذا فی الخلاصة (عالمگیری مصری زلة القاری ج۱ ص ۷۵ ، ط. ماجدیه ج۱ ص۸۱). ظفیر

نوشته شده است که بخاطر شوق جنت وخوف جهنم گریان نمودن نماز را فاسد نمیکند آیا این صحیح است یا نه؟

جواب: این امور فاسد کنندهٔ نماز اند، واما درکتاب هاي فقه بدون شک گریان نمودن بخاطر شوق جنت وخوف جهنم را جائز نگاشته اند لکن چک چک کردن ورقصیدن را هیچکس جائز نه نوشته است، بویژه همچو حرکات را درنماز بالاتفاق مفسد صلاة قرار داده اند وتفصیله في کتب الفقه [1]. فقط

بر پول زکاة یا بوریایٔ خرید شده است بر آن نماز جائز است یانه؟ **سوال:** (۱۳۴۶) اگر کسي به پول زکاة جاي نمازهاي خرید نموده وآن را بمساجد اعطاء نمود آیا براي مردم ثروتمند بالاي آنها نماز جائز است یا نه؟ ونماز ایشان درست خواهد شد یاخیر؟

جواب: نماز برآن جائز میشود اما زکاة او اداء نشده است [2]. فقط

اگر مقتدی با امام سجده تلاوت نکرد نمازش میشود یانه؟ **سوال:** (۱۳۴۷) اگر مقتدي سهوا با امام سجده تلاوت رانتمود آیا نماز مقتدي درست شده است یا نه؟

جواب: هرآن سجده تلاوت که درنماز واجب گردد بعد ازنماز اداء نمیشود بلکه ساقط میگردد: وکل سجدة فی الصلٰوة ولم تؤد فیها سقطت ای لم یبق السجود لها لفوات محله [3] الخ شامی، بناءا معلوم شد که سجده ساقط شده ونیازي براي اعاده نمودن نماز نیست واگر قصدا آن را ترک نموده باشد باید که توبه نماید، وفي البدائع: واذا لم یسجد اثم فتلزمه التوبة [4] الدر المختار. فقط

طوري قرائت نمودن که خودش نیز نشنود آیا نماز میشود یانه؟ **سوال:** (۱۳۴۸) درنماز اَلحَمدُ وسوره وغیره را طوري خواندند که آوازش بگوش هایش نیز نمي آید آیا نمازش میشود

---

(۱) والتنحنح بحرفین بلا عذر الخ اوبلا غرض الخ والانین الخ والتأوه الخ والتأفیف الخ والبکاء بصوت الخ لا لذکر جنة اونار الخ او یفسدها کل عمل کثیر لیس من اعمالها ولاصلاحها (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب مایفسد الصلاة ج۱ ص ۵۷۸ ، ط. س. ج ۱ ص ۶۱۸ – ۶۱۹). ظفیر

(۲) خرج کردن ومصرف نمودن پول زکاة دراعمار مساجد درست نیست زیرا در اینجا تملیک موجود نیست بناء زکاة او اداء نگردیده: یصرف المزکی الخ تملیکا لا اباحة کمامرّ لا یصرف الی بناء نحو مسجد ولا الی کفن میت الخ (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب المصرف ج۲ ص ۸۵ ، ط. س. ج ۲ ص ۳۴۴). ظفیر

(۳) رد المحتار . باب سجود التلاوة تحت قوله اذا لم یسجد ج۱ ص۷۲۲ ، ط. س. ج ۲ ص ۱۱۰ . ظفیر

(۴) الدر المختار علی هامش رد المحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۲۲ ، ط. س. ج ۲ ص ۱۱۰ . ظفیر

یانه؟

جواب: درا ین مورد زیاد سخن صحیح وقابل اعتبار آنست که طوري قرائت نماید که کدام مانع نباش، بگوش هایش آواز بیاید واما کرخي (رح) وبلخي (رح) بغیر از این نیز نماز را صحیح میگویند، والاول اصح وارجح شامي [1]. فقط

اگر تنها بوجه شک سجده سهوه بکند آیا نماز میشود یانه؟ سوال: (١٣٤٩) سجده سهوه را بلا سبب وجوب، کسي بنا برمحض شک اداء نماید آیا این نماز صحیح خواهد شد یانه؟

جواب: غیر ازسبب وجوب سجده سهوه محض بنا بر شک سجده سهوه کردن بکار نیست واگر اتفاقا بنا بر غلطي چنان کرد نماز میشود اما نیازي براي اعاده نمودن نماز نیست ودرآینده بنا بر چنان شک وشبه سجده سهوه کردن بکار نیست البته اگر گمان غالب برباقي ماندن واجب باشد پس سجده سهوه را حسب معمول بعد از یکطرف سلام گردانیدن اداء نماید. فقط

درائناء استعمال ناقوس نماز درست است یا نه؟ سوال: (١٣٥٠) درشهر پاني پت درمیان مسلمانان واهل هنود اندک تنازع بوقوع پیوست وباعث آن شد که دروقت نماز مغرب اهل هنود ناقوس را استعمال نمودند ویا منع نمودن منع نشدند ومعامله بدعوا ومقدمه رسید وبنا برمشوره وکیل مسلمانان دروقت نماز مغرب آذان گفتن رادر مساجد ونماز راترک نمودند آیادرچین استعمال ناقوس درآن مساجد اداء نمودن نماز صحیح است یا نه؟

جواب: در آن حالت نماز صحیح است [2] وترک نماز وهمچنان ترک نمودن آذان وجماعت در آن مساجد عمل پسندیده نیست. فقط

اگر در روی نماز گذار زن یا کدام جانور عبور کند آیا نماز خواهد شد یا نه؟ سوال: (١٣٥١) اگر در پیشروي نماز خوان سگ یا کدام جانور دیگر یا زن عبور نماید آیا نماز اوفاسد میشود یانه؟

---

(١) وادنى الجهر اسماع غيره وادنى المخافتة اسماع نفسه (درمختار) اعلم انهم اختلفوا في حد وجود القراءة على ثلاثة اقوال فشرط الهندواني والفضلي لوجودها خروج صوت يصل اذنه وبه قال الشافعي وشرط المريسي واحمد خروج الصوت من الفم وان لم يصل الى اذنه لكن بشرط كونه مسموعا في الجملة حتى لو دنى احد صماخيه الى فيه يسمع ولم يشترط الكرخي وابوبكر البلخي السماع واكتفيا بتصحيح الحروف الخ وان ما قاله الهندواني اصح وارجح لاعتماد اكثر علمائنا (ردالمحتار فصل في القراءة ج١ ص ٤٩٨ ، ط. س. ج١ ص٤٣٤ – ٤٣٥). ظفير

(٢) زيرا هيچ چيز از مفسدات نماز يافته نشده است. ظفير

جواب: اگر در پیشروي نماز خوان سگ یا کدام جانور دیگر یا زن مرور کند نماز او فاسد نمیشود در درالمختار است: ولا یفسدها مرور مارٍ الخ ولو امرأة او کلبا الخ [١] ودرشامي ازحلیه منقول است درآن مورد کدام حدیث که وارد است یا منسوخ میباشد ویا مؤول است، [٢] کما هو منقول في الشروح والحواشي، بهر حال اعاده نمودن نماز واجب نیست. فقط

باجنبیدن پاها نماز فاسد نمیشود: سوال: (١٣٥٢) در نماز ازجای قیام هردو پاها را حرکت دادن نماز را فاسد می نماید یانه؟

جواب: در این صورت نماز فاسد نمیشود. فقط [٣]

باسرائیدن ناقوس در نماز هیچ نقصان وارد نمیشود؟ سوال: (١٣٥٣) اگر در وقت صلاة بنابر ضدیت ناقوس سرائیده شود وشور شغب ساخته شود آیا در نماز شرعا نقصان وارد نمیشود یانه؟

جواب: اگر انسداد نمودن آن بذریعهٔ حکام ممکن باشد پس مسدود نمودن آن ضرورت است اگر چه با سرائیدن ناقوس وشور شغب کسی درنماز فساد نمی آید لکن برای نماز خوانان سبب تشویش ونقصان، توجه قلب وعدم خشوع، وخضوع ازآن عارض میشود، فلهذا ضروری است که بذریعهٔ حکام، آنها دروقت نماز از این مسدود ومنع شوند، زیرا فقهاء کرام درحین اداء نماز در مسجد از ذکر جهری منع فرموده اند [٤] زیرا به سبب آن توجه قلب مختل میگردد، وهمچنان ممکن است که از نماز خوان قرآئت وغیره فراموش شود، بناء وقتیکه درحین صلاة ذکر از ذکر جهري ممانعت شده پس استعمال باجه وسرائیدن ناقوس دراثناء نماز، سخن واضح وروشن است که بسیار عمل قبیح ونامناسب است اما چونکه مسلمانان را توانائی وقدرت نیست که آنها در انسداد آنها بپردازند وآن را مسدود نمایند، ناگزیر اگر ممکن باشد آن را بذریعهٔ حکام مسدود نمایند. **فقط**

---

(١) الدرالمختارعلی هامش ردالمحتار باب مایفسدالصلٰوة ومایکره فیها ج١ ص٥٩٣ ، ط. س. ج١ ص٦٣٤. ظفیر

(٢) ولو امرأة اوکلبا بیان للاطلاق واشار به الی الرد علی الظاهریه بقولهم یقطع الصلٰوة مرور المرأة والکلب والحمار وعلی احمد فی الکلب الاسود والی ان ما روی فی ذالک منسوّخ کما حققه فی الحلیة (رد المحتار باب ایضاً ج١ ص ٥٩٣ . ط. س. ج ١ ص ٦٣٤). ظفیر

(٣) وان حرک رجلاً واحدا لا علی الدوام لا تفسد صلٰوته (عالمگیری کشوری باب مایفسد الصلٰوة ج١ ص١٠٣ . ط. ماجدیه ج١ ص ١٠٣). ظفیر

(٤) ویکره الخ رفع صوت مذکر (درمختار) لانه حیث خیف الریاء اوتاذی المصلین الخ (ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة مطلب فی رفع الصوت بالذکر ج١ ص ٦١٨ . ط. س. ج ١ ص ٦٥٩ – ٦٦٠). ظفیر

<u>مقصد از محاذات بودن زن</u>: سوال: (١٣٥٤) مراد از محاذات زن چیست واین تنها از زن اجنبی میباشد یا از زن محرم نیز؟

جواب: محاذات زن برسه طرح وسه جوانب مفسد نماز است، درشامی است: وقد صرحوا بان المرأة الوحدة تفسد صلٰوة ثلٰثة الخ من عن یمینها ومن عن یسارها ومن عن خلفها [1]، واین عبارت عام است خواه زن محرمه باسد یا غیر محرمه باشد، شامی. [2]

<u>اگر مرد زن را بوسه نمود یازن مرد را آیا نماز میشود یانه</u>؟ سوال: (١٣٥٥) مرد درنماز بود که زن اورا بوسه نمود وازآن براي مرد خواهش پیدا شد نمازش فاسد میشود اگر چه این عمل خود او نبوده است، وهمچنان زن نماز میخواند که مرد اورا بوسه نمود واز آن براي زن شوق وخواهش پیدا شد ونماز زن فاسد نمیشود اگر چه این نیز فعل خود او نبوده این قول زید صحیح است یانه؟

جواب: در درالمختار این مسئله طوري نوشته است که اگر مرد زن را در نماز بوسه نمود به این معنی که زن نماز میخواند ومرد از اوبوسه گرفت خواه شهوت باشد خواه نباشد نماز زن فاسد میشود. واگر مرد نماز میخواند وزن او را بوسه نمود واز آن شهوت مرد برانگیخته شده نماز مرد نیز فاسد شده واگر شهوت مرد پیدا نشده بود پس نماز او فاسد نخواهد شد وعبارت ازآن قرار است: مسها بشهوة اوقبلها بدونها فسدت لا لو قبّلت ولم یشتهها [3] الخ در المختار. فقط

<u>پوست کارت یا قطي گوگرد درجیب باشد آیا نماز میشود یانه</u>؟ سوال: (١٣٥٦) (١) پستکارت وسکه مروجه وهمچنان قطي گوگرد که برآن عکس جانور ذي روح باشد اگر درجیب گذاشته شود ونماز بخواند آیا نماز درست میباشد یانه؟

<u>موی ریش که چسپیده باشد نماز فاسد نمیشود</u>: سوال: (١٣٥٧) (٢) موي شکسته شدهٔ ریش که در ریش چسپیده باشد آیا در نماز کدام فرق وارد نمیشود؟

جواب: (١) نماز همراهش صحیح است. [4]

---

(١) ردالمحتار باب الامامة مسئله محاذات ج١ ص ٥٣٥ ، ط. س. ج ١ ص ٥٧٢ . ظفیر

(٢) المرأة اذا صلت مع زوجها فی البیت ان کان قدمها بحذاء قدم الزوج لاتجوز صلاتهما بالجماعة (ایضاً) قوله غیر معلول بالشهوة ، ای لیست علة الفساد الشهوة ولذا فسدنا بالعجوز الشوهاء وبالمحرم کأمه وبنته (ایضاً ج١ ص ٥٣٩ ، ط. س. ج١ ص٥٧٢). ظفیر

(٣) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ج١ ص٥٨٧، ط.س. ج١ ص٦٢٨. ظ

(٤) وان یکون فوق راسه اوبین یدیه اوبحذائه تمثال الخ ولایکره لوکانت تحت قدمیه الخ اوعلی خاتمه بنقش غیر مستبین قال فی البحر =

جواب: (۲) همراهش درنماز کدام خلل واقع نمیشود زیرا این شکسته شده پلید وناپاک نیست. فقط

در حالت نماز عارض شدن خیالات دنیاوی نماز را فاسد نمی نماید: سوال: (۱۳۵۷)
درنماز عارض شدن تصورات دنیاوي وپیدا شدن وساوس نماز صحیح است یانه؟

جواب: درنماز باعارض شدن تصورات دنیاوي نماز فاسد نمیشود وحتی المقدور آن تصورات ووساوس را دفع نمائید [۱].

اگر امام مسافر نماز را کاملا اداء کرد پس نماز مقتدی نخواهد شد: سوال: (۱۳۵۹)
یک امام مسافر بنا بر فراموشي بجاي دو رکعت چهار رکعت را اداء نمود حالانکه سائر مقتدیان مقیم بودند وآن عده مردم که در دو رکعت آخري شامل شده اند بس اکنون نماز امام ومقتدیان صحیح است یانه؟

جواب: نماز امام مسافر دراین صورت میشود اما سجدۀ سهوه بر او لازم است ومتباقي نماز مقتدیان صحیح نیست [۲]. فقط

درحالت نماز ازصحن مسجد بداخل مسجد رفتن نماز فاسد میشود یا نه؟ سوال:
(۱۳٦۰) زید درصحن مسجد امامت میداد که آب بشدت آمد واو نیت زا شکستاند وبکر مقتدي بود برایش گفت که باید بغیر از تحویل وجه بداخل میرفتي ومقتدیان نیز بداخل رفته میتوانستند وشکستاندن نماز لازم نبود زید برایش گفت: که بر این طرح عمل کردن نماز فاسد میشود زیرا این عمل کثیر است بناء درآن مورد قول زید صحیح است یا قول بکر؟

جواب: دراین صورت قول زید درست است وبراي زید همانطور عمل کردن مناسب وبکار بود زیرا درین صورت وقتیکه نماز را از سر نو اداء کند بلا خلاف صحیح است واگر او در نماز داخل مسجد رفته باشد وبعد از او مقتدیان نیز بتعقیب او رفته باشند پس درآن صورت از سائر

= ومفاده کراهة المستبين لا المستتر بکیس او صرّة او ثوب آخر اوکانت صغيرة لا تتبين تفاصيل اعضائها للناظر قائما الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصلوٰة ويكره فيها ج۱ ص٦۰٦ – ٦۰۷ ، ط. س. ج ۱ ص٦٤٨). ظفير

(۱) عن ابی هريرة ﷺ قال قال رسول ﷺ ان الله تجاوز عن أمتى ما وسوست به صدرها ما لم تعمل به او تتكلم متفق عليه. (مشكوٰة باب الوسوسه ص ١٨). ظفير

(۲) ولو نوى الاقامة لا لتحقيقها بل ليتم صلوٰة المقيمين لم يصر مقيما(در المختار) فلو اتم المقيمون صلاتهم معه فسدت لانه اقتداء المفترض بالمتنفل، ظهيريه، اى اذا قصدوا متابعته اما لو نووا مفارقته ووافقوه صورة فلا فساد (ردالمحتار باب صلاة المسافر ج۱ ص٧٤١ ، ط. س. ج۲ ص١٣٠). ظفير

ایشان عمل کثیر صادرشده که عند البعض عمل کثیر مفسد است وتفصیل آن درشامي موجود است [۱]. فقط

باترک نمودن إماله برمجريها نماز ميشود يانه؟ سوال: (۱۳٦۱) درایت: بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرٖيهَا اگر إماله ترک شود نماز میشود یا نه؟

جواب: نماز مي شود اما این تخطي قرائت است که با إماله خوانده نشود. فقط

با دکمهای صلیبی نماز جائز است یانه؟ سوال: (۱۳٦۲) دکمه هاي صليبي که در لباس نصب گردیده باشد همراهش نماز خواندن جائز است یا نه؟ وهمچنان این دکمه هاي صليبي حلال وپاک است یانه؟

جواب: نماز صحیح است وصلیب حلال وپاک است [۲]. فقط

با ترک شدن برخي از حصه قرآنت نماز میشود یا نه؟ سوال: (۱۳٦۳) رکوع آخرین سوره مزمل در نماز تلاوت شد اما سهوا آیت: وَمَا تُقَدِّمُوْا، تابه: وَاَعْظَمَ اَجْرًا، ترک شد آیا نماز درست شده است یانه؟ ودرآن صورت زید اعادهٔ نماز را واجب میگوید.

جواب: نماز درست شده وقول زید صحیح نیست کذا في الدر المختار وغیره من کتب الفقه [۳] فقط.

بنا بر فراموشي امام فتحه دادن درست است: سوال: (۱۳٦٤) (۱) امام در نماز جهري: تَبَّتْ يَدَآ اَبِىْ لَهَبٍ وَّتَبَّ، را تلاوت نمود ومتباقي از وي فراموش شد ومقتدي برايش فتح داد وامام متباقي آیت هارا تلاوت نموده برکوع رفت ودر نهایت سجده سهوه راهمچنان اداء کرد آیا

---

(۱) ويفسدها كل عمل كثير ليس من اعمالها ولا لاصلاحها (در المختار) الثالث الحركات الثلاث المتوالية كثير والاّ فقليل الخ (ردالمحتار باب مايفسد الصلاة ج۱ ص۵۸۳ – ۵۸٤) مشى مستقبل القبلة هل تفسد ان قدر صف ثم وقف قدر ركن ثم مشى ووقف كذالک وهكذا لاتفسد وان كثر ما لم يختلف المكان وقيل لا تفسد حالة العذر ما لم يستدبر القبلة استحسانا (در مختار) اما ان كان اماما فجاوز موضع سجود فان بقدر ما بينه وبين الصف الذى يليه لا تفسد وان اكثر فسدت وان كان منفردا فالمعتبر موضع سجوده فان جاوزه فسدت والاّ فلا الخ قوله: لا تفسد حالة العذر الخ والقياس الفساد اذا كثر الخ ثم اختلفوا في تاويله اذا لم يجاوز الصفوف او موضع سجوده والا فسدت وقيل اذا لم يكن متلاحقًا بل خطوة ثم خطوة فلو متلاحقا تفسد وان لم يستدبر القبلة لانه عمل كثير الخ (ردالمحتار باب مايفسد الصلٰوة ومايكره فيها ج۱ ص۵۸٦ – ۵۸۷ ، ط. س. ج۱ ص٦۲٤ - ٦۲۵). ظفير

(۲) وشعر الميتة وعظمها الخ وكذا كل ما لا تحله الحياة الخ طاهر (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب المياه ج۱ ص۱۹۰ ، ط. س. ج ۱ ص ۲۰٦). ظفير

(۳) وتجب قراءة الفاتحة وضم السورة اوما يقوم مقامهما من ثلاث ايات قصار او اية طويلة (عالمگيرى واجبات الصلٰوة ج۱ ص٦٦ ، ط. ماجديه. ج۱ ص۷۱). ظفير

نماز امام ومقتدي وفتح دهنده صحيح شده يانه؟

اگر امام فتح را نگيرد آيا نماز فتح دهنده فاسد ميشود يانه؟ سوال: (١٣٦٥) (٢) اگر امام فتح را نگيرد آيا نماز مقتدي فتح دهنده فاسد ميشود يا نه؟

جواب: (١) نماز مقتدي وفتح دهنده در اين صورت صحيح شده وهمچنان نيازي براي سجده سهوه نيست واگر سجده سهوه بنا بر غلطي اداء شده باز هم نماز درست شده است كذا في الدر المختار [1].

جواب: (٢) نماز فاسد نميشود. فقط

در موتر حامل گاوها كه در جريان ورفتار باشد درآن نماز جائز است يانه؟ سوال: (١٣٦٦) در موتر حامل گاوها كه در رفتار باشد نماز جائز است يانه؟

جواب: در قطار كه در رفتار باشد نماز جائز است واما در موتر حامل گاوها بلا عذر نماز درست نيست [2].

نماز غلط خوان درست است يا نه؟ سوال: (١٣٦٧) شخص درقرائت: وَلَا الضَّآلِّيْنَ، گويد ويا: رَوبُّ الْعَالَمِيْنَ، الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ، گويد نماز درست است يا نه؟

جواب: درين صورت نماز درست نخواهد شد وحكم اللثغ وغيره دركتب فقه بايد ديد [3]. فقط

آب كه در مشک آورده ميشود اگر اجرت آن داده نشود آيا بر آن آب نماز ووضوء جائز است يانه؟ سوال: (١٣٦٨) در يک مسجد بخاطر وضوء وغيره مزدور مقرر ميشود كه آب بيارد وبرايش گفته ميشود كه ذخيرهٔ آب مسجد را بوجه أحسن مملوء وپر كند وأجرت آن برايت داده ميشود وبعد از مدت يكسال مزدوري آب را مطالبه مي نمايد ودرآن اثنا بعضي درآن

---

(١) بخلاف فتحه على امامه فانه لا يفسد مطلقًا لفاتح واخذ بكل حال (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب ما يفسد الصلٰوة ج١ ص٥٨٢ . ط. س. ج ١ ص٦٢٢). ظفير

(٢) واما الصلٰوة على العجلة ان كان طرف العجلة على الدابة وهي تسير اولا تسير فهي صلٰوة على الدابة فتجوز في حالة العذر المذكور في التيمم لا في غيرها ومن العذر المطرّ وطين يغيب فيه الوجه الخ (در المختار) قوله المذكور في التيمم بان يخاف على ماله او نفسه او تخاف المرأة من فاسق (ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب في الصلٰوة على الدابة ج١ ص٦٥٦ ، ط. س. ج٢ ص٤٠). ظفير

(٣) ولا غير الالثغ به اى بالالثغ على الاصح كما في البحر عن المجتبى وحرر الحلبي وابن الشحنة انه بعد بذل جهده دائما حتمًا كالامي فلا يوم الاّ مثله ولا تصح صلاته اذا امكنه الاقتداء بمن يحسنه الخ (درالمختار) اللثغ التحريک قال في المغرب هو الذى يتحول لسانه من السين الى الثاء وقيل من الراء الى الغين او اللام او الياء ، زاد في القاموس اومن حرف الى حرف الخ الاحوط عدم الصحة (ردالمحتار باب الامامة، مطلب في الألثغ ج١ ص٥٤٤ ، ط. س. ج ١ ص ٥٨١ – ٥٨٢). ظفير

فکر اند که مزدوري برایش داده شود وبرخي درآن فکر هستند که مزدوري برایش داده نشود اکنون آن عدهٔ که وضوء ونماز بر آن نموده اند آیا آن وضوء ونمازها درست است یانه؟

جواب: دادن اجرت ومزدوري ساقي که آب را آورده است برایش بکار است [۱] وضوء ونمازهاي همه درست است. فقط

تعدیل نمودن در جلسه وقومه: سوال: (١٣٦٩) در قومه وجلسه نماز جمعه امام آنقدر درنگ ومکث مي نماید که درآن مدت یک سورهٔ کوچک بوجه أحسن تلاوت شده میتواند بناء درنماز با همچو عمل کدام نقصان واقع نمیشود؟

جواب: در این صورت نماز صحیح است وهیچ نقصان در نماز نیامده است. [۲] فقط

به اساس کاهش رکعت امام نماز همه فاسد میشود: سوال: (١٣٧٠) درنماز مغرب امام دو رکعت را اداء نموده اند ورکعت سوم را اداء نه کردند آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: در این صورت نماز امام ومقتدیان درست نشده است واعاده نمودن از نماز بکار است [۳]. فقط

ضم نمودن سورت در هر چهار رکعت فرائض نماز فاسد نمیشود: سوال: (١٣٧١) درهرچهار رکعت نماز عصر ضم سورت نمود آیا نماز بغیر از سجده سهوه میشود یانه؟

جواب: نمازش بغیر از سجدهٔ سهوه درست شده است [٤].

اگر مقتدی با امام رکوع نکرد او چه باید کرد؟ سوال: (١٣٧٢) مقتدي از ابتداء درنماز شریک است وبنا برکدام وجه رکوع نمودن از وي فراموش شد وبعد ازآن درسجده شریک شد آیا نماز درست شده است یا نه؟

---

(١) قال رسول الله ﷺ اعطوا الاجير اجرًا قبل ان يجف عرقه رواه ابن ماجه (مشكوٰة باب الاجارة ص٢٥٨). ظفير

(٢) وتعديل الاركان اى تسكين الجوارح قدر تسبيحة فى الركوع والسجود وكذا فى الرفع منهما على ما اختاره الكمال (درالمختار) اى يجب التعديل ايضًا فى القومة من الركوع والجلسة بين السجدتين الخ (رد المحتار باب صفة الصلٰوة مطلب واجبات الصلاة ج١ ص٤٣٢ ، ط. س. ج ١ ص ٤٦٤). ظفير

(٣) واذا ظهر حدث امامه وكذاكل مفسد فى راى مقتد بطلت فيلزم اعادتها لتضمنها صلاة المؤتم صحة وفسادا (درالمختار) فلو قال المصنف كما فى النهر ولوظهر ان بامامه مايمنع صحة الصلٰوة لكان اولى ليشمل ما لو اخذ بشرط اوركن الخ (رد المحتار باب الامامة ج١ ص ٥٥٣ ، ط. س. ج ١ ص ٥٩١). ظفير

(٤) واكتفى المفترض فيما بعد الاوليين بالفاتحة فانها سنة على الظاهر ولو زاد لا باس به (در المختار) اى لو ضم اليها سورة لاباس به لان القراءة فى الاخريين مشروعة من غير تقدير والاقتصار على الفاتحة مسنون لا واجب فكان الضم خلاف الاولى وذلك لا ينافى المشروعية والاباحة بمعنى عدم الاثم فى الفعل والترک (رد المحتار باب صفة الصلاة فصل تاليف الصلاة ج١ ص ٤٧٧، ط. س. ج ١ ص٥١١). ظفير

جواب: براي آن مقتدي لازم است که اگر درداخل نماز رکوع نکرد بعد از فراغت امام قيام نمايد ورکوع کند وسجده سهوه نمايد درآن وقت نماز خواهد درست شد.[١] فقط

بعد از سلام گردانيدن در مابين نماز نماز فاسد ميشود: سوال: (١٣٧٢) امام سهوا بعد از سه رکعت سلام گردانيد وکسي او را فتحه نداد ودرآن اثنا فيما بين امام ومقتديان بسيار گفتگو وکلام شد سپس باقي يک رکعت اداء شد يا چهار رکعت وحديث کلام منسوخ است يا نه؟

جواب: هرگاه بعد از رکعت سوم سلام گردانيد ودرميان امام ومقتديان کلام صورت گرفت بناءا اعاده نمودن هر چهار رکعت ضروري است زيرا حديث کلام يا مؤول است يا منسوخ ميباشد وظاهر آن قابل عمل نيست زيرا کلام منافي نماز است[٢] قال الله تعالى: وَقُومُوْا لِلّٰهِ قَانِتِيْنَ. فقط

سجدۀ سهوه قائم مقام رکعت نيست: سوال: (١٣٧٤) (١) امام درنماز عشاء بعد از اداء نمودن سه رکعت سهوا بر آن فکر نشست که چهار رکعت کامل شده لکن فورا برايش يقين حاصل شد که سه رکعت شده است والتحيات لله را تکميل کرده سجده سهوه نمود وبر همان سه رکعت سلام گردانيد آيا نماز شد يانه؟

کسيکه اعاده نمود نماز او درست شده است: سوال: (١٣٧٥) اگر کسي تنها نماز را اعاده نمود آيا عمل پسنديده شده يا نه؟

جواب: (١) درآن حالت نماز درست نشده است[٣].

جواب: (٢) اعاده نمودن نماز براي همه ضروري است وکسيکه بتنهائي نماز را اعاده نمود نماز اوصحيح شده است[٤]. فقط

---

(١) ورعاية الترتيب بين القراءة والركوع وفيما يتكرر اما فيما لا يتكرر فالفرض كمامر في كل ركعة كالسجدة او في كل الصلٰوة كعدد صلاتها حتى لو نسى سجدة من الاولى قضاها ولو بعد السلام قبل الكلام لكنه يتشهد ثم يسجد للسهو ثم يتشهد الخ (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلاة مطلب واجبات الصلاة ج١ص ٤٢٩ وج١ ص٤٣٢ . ط. س. ج ١ ص ٤٦٠ وص ٤٦٣). ظفير

(٢) يفسدها التكلم هو النطق بحرفين اوحرف ولو مفهم الخ عمده وسهوه قبل قعوده قدر التشهد سيان الخ وحديث ذى اليدين منسوخ بحديث مسلم انّ صلاتنا هذا لا يصلح فيها شئ عن كلام الناس (والتفصيل فى الشامى) (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصلاة ومايكره فيها ج١ص ٥٧٤ – ٥٧٥ ، ط. س. ج ١ ص ٦١٣). ظفير

(٣) تلافي رکعت بسجده سهوه نميشود فلهذا نماز درست نشد وسجده براي ترک واجب وبخاطر تقديم وتاخير آن ميباشد: يجب الخ بترک الخ واجب مما مر في صفة الصلٰوة سهواً الخ وتاخير قيام الخ (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب سجود السهو ج١ص ٦٩٣ ، ط. س. ج٢ ص ٧٩ – ٨٠). ظفير

(٤) واذا ظهر حدث امامه وكذا كل مفسد فى رأى مقتد بطلت فيلزم اعادتها لتضمنها صلاة المؤتم صحة وفسادا كما يلزم الامام اخبار القوم اذا امهم وهو محدث او جنب او فاقد شرط او ركن (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب الامامة ج١ص ٥٥٣ ، ط. س. ج١ =

همزه وسین اگر غلط اداء شود آیا نماز فاسد میشود یانه؟ سوال: (۱۳۷۶) زید در نماز در سورة قیامة: لِسَانَکَ بِهٖ، را بهمزه تلاوت نمود وهمچنان در: وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ، بجاي (بَاسِرَةٌ) (بَاصِرَةٌ) تلاوت نمود آیا درین صورت نماز فاسد میشود یانه؟

جواب: در آن هر دو صورتین نماز درست شده است ولِسَانَکَ را مهموز تلاوت نمودن لحن في الاداء است ومعنی متغیر نمیشود واما درمعنی (بَاسِرَةٌ) و (بَاصِرَةٌ) فرق است لکن این فرق شکننده نماز نیست زیرا قسمیکه: وَجُوهٌ بَاسِرَةٌ، شدید العبوس میباشد همچنان (بَاصِرَةٌ) نیز میباشد یعني کسیکه بیننده نیز همانطور میباشد فلا فساد [1] الخ. فقط

طریقه فتحه دادن چگونه است؟ سوال: (۱۳۷۷) اگر امام در نماز سهوه شد پس طریقهٔ فتحه دادن براي امام چگونه است؟

جواب: باگفتن سبحان الله براي امام فتحه باید داده شود [2]. فقط

اگر امام التحات را ترک نماید وقیام ورزد، اورا با (التحیات) گفتن یاد دهانی نمودن چگونه است؟ سوال: (۱۳۷۸) اگر درقعده اولی ازامام التحیات فراموش شد ودر صدد قیام بود که مقتدي برایش باگفتن (التحیات) بیادش نمود پس آیا در نماز کدام جرح واقع میشود؟

جواب: در این صورت گفتن سبحان الله بکار است واگر لفظ التحیات را بگوید نیز نماز صحیح است.

فتحه دادن با سبحان الله از حدیث ثابت است: سوال: (۱۳۷۹) یک شخص بر سهو امام درهر موقع گفتن سبحان الله را افضل میگوید آیا این امر از حدیث ثابت است یا خیر؟

جواب: درحدیث شریف بعینه همانطور وارد شده است [3]. فقط

در وقت رفتن بسجده یا جامه یا ازار را بلند نمودن مفسد صلاة است یا نه؟ سوال:

= ص ۵۹۱). ظفیر

(۱) ومنها القراءة بالالحان إن غيّر المعنى وإلا لا (درمختار) أى وإن لم يغيّر المعنى فلا فساد الخ (ردالمحتار باب مايفسد الصلوة ج۱ ص ۵۸۹ ، ط. س. ج ۱ ص ۶۳۰) اوبدله بآخر الخ لم تفسد مالم يتغير المعنى (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب ايضا ج۱ ص ۵۹۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۳). ظفير

(۲) او يدفع بالتسبيح لما روينا من قبل، هدايه، قوله: لما روينا من قبل يعني قول النبي ﷺ إذا نابت أحدكم نائبة وهو في الصلوة فليسبح (حاشيه هدايه ص ۱۲۴ باب ما يفسد الصلوة). ظفير

(۳) قال عليه الصلوة والسلام والتسبيح للرجال والتصفيق للنساء (ردالمحتار باب شروط الصلوة ج۱ ص ۳۷۷ ، ط. س. ج۱ ص ۴۰۶). ظفير الدين غفرالله له

(١٣٨٠) اگر کسي در نماز در وقت رفتن بسجده با هر دو دست ازار خود را بلند نماید آیا این فعل در عمل کثیر داخل است یا نه؟

جواب: این عمل در فعل کثیر داخل نیست وهمچنان مفسد صلا ة نیز نمیباشد البته همچو عمل پسندیده نیست [١]. فقط

نماز فرض عشاء را بي وضوء اداء نمود، سنت ووتر را با وضوء آیا سنت را نیز اعاده نماید؟ **سوال:** (١٣٨١) اگر بنا برفراموشي نماز فرض عشاء را بي وضوء اداء نمود واما سنت ووتر را با وضوء اداء نماید ودرهمان اثناء بیادش آید بناء با فرض اعاده نمودن بسنت بکار است نه از وتر بنزد امام صاحب رح وبنزد صاحبین اعاده وتر را نیز باید کرد وجه ودلیل آن چیست؟

جواب: این مسئله اداء نمودن نماز در داخل وقت است، واما وجه اعاده نمودن سنت وعدم اعاده نمودن وتر موافق مذهب امام اعظم آنست، وقتیکه فرض عشاء درست نشده ناگزیر با اعاده نمودن فرض اعاده نمودن سنت نیز باید بشود زیرا سنت تابع فرض است واما وتر چونکه واجب مستقل است وبا وضوء اداء شده است بناء اعاده نمودن آن ضروري نیست واما صاحبین رح چونکه وتر را سنت میگویند فلهذا ایشان حکم به اعاده نمودن وتر را بافرض نیز مي نمایند وصور مسئله آنست که بعد از نماز درداخل وقت بیادش آید واگر بعد از مرور وقت بیادش آمد پس تنها فرض عشاء را اداء نماید [٢]. فقط

بپالش اسرت نماز درست است یانه؟ **سوال:** (١٣٨٢) هل تجوز الصلوة على الموائد اللتي تزين بخلاصة الخمر أم لا ؟

جواب: ما كان فيه إختلاط خلاصة الخمر (سپرت) فهو نجس لا تجوز الصلوة عليه بلا بسط الثوب الطاهر. فقط [٣]

لقمه دادن لاحق درست است: **سوال:** (١٣٨٣) در نماز وضوء یک مقتدي شکست وقتیکه

---

(١) ويفسدها كل عمل كثير ليس من اعمالها ولا لإصلاحها وفيه أقوال خمسة أصحها ما لايشک بسببه الناظرين من بعيد في فاعله أنه ليس فيها وإن شک أنه فيها أم لا، فقليل (درمختار) القول الثاني أن ما يعمل عادة باليدين كثير وإن عمل بواحد الخ وماعمل بواحدة قليل وإن عمل بهما كحل السراويل الخ (رد المحتار باب مايفسد الصلوة ج١ ص ٥٨٤ ، ط. س. ج١ ص ٦٢٤ – ٦٢٥). ظفير

(٢) وعلى هذا إذا صلى العشاء ثم توضأ وصلى السنة والوتر ثم تبين أنه صلى العشاء بغير طهارة فعنده يعيد العشاء والسنة دون الوتر لأن الوتر فرض على حدة عنده وعندهما يعيد الوتر ايضا لكونه تبعا للعشاء والله اعلم. (هدايه باب قضاء الفوائت ج١ ص ١٣٩). ظفير

(٣) وبه يعلم أن ما يستقطر من دردى الخمر وهو المسمى بالعرقي في ولاية الروم نجس حرام كسائر أصناف الخمر (ردالمحتار باب الأنجاس مطلب العرقي الذي يستقي من دردى الخمر ج١ ص٣٠٠، ط. س. ج١ ص٣٢٥). ظفير

بخاطر وضوء کردن رفت وخارج نماز کدام فعل منافي نماز را انجام ننموده اکنون امام سهوه شد وضوء کننده برایش فتحه داد در حالیکه خارج از مسجد بود اکنون شاه صاحب نوشته است که در نماز کدام نقصان وارد نمیشود وشما نوشته اید که نماز درست نیست؟

جواب: با فتح دادن لاحق وگرفتن امام فتح او را درنماز هیچ خلل واقع نمیشود وهمان صحیح است [۱] زیرا که او حکما امام است براي لاحق وبراي امام فتح دادن ورفتن در نماز کدام فساد نمي آید.ونگارش قبلي بیادم نیست وشاید که آن نوشته در آن صورت باشد که لاحق کدام عمل مفسد صلاة را انجام داده باشد فقط.

<u>تنها بخاطر حسن صوت سلفه نمودن مفسد صلاة است یا خیر</u>؟ سوال: (۱۳۸٤) اگر امام بدون عذر درنماز حنجرهٔ خود را تنها بخاطر زینت بخشیدن صوت تازه نمود که به سه بار میرسید بناء با تنحنح نمودن نماز فاسد میشود یا نه؟

جواب: قال في الدرالمختار: والتنحنح بلا عذر الخ فلو لتحسین صوته الخ فلا فساد علی الصحیح [۲] پس معلوم گردید ازعبارت فوق که براي تحسین صوت تنحنح نمودن نماز فاسد نمیشود خواه سه مرتبه باشد یا کم وبیش باشد: لا طلاق الروایة.

<u>اگر در جنگل نمازخوان ستره را نصب نکند ازکدام جای عبور نمودن بکار است</u>؟ سوال: (۱۳۸۵) اگر یک شخص درمسجد یا جنگل نماز اداء مي نماید وستره را نصب ننموده پس تا به کدام حد از پیش روي او عبور نمودن بکار نیست؟

جواب: در جنگل نظر نماز خوان تا به کدام حدي که میرسد ازان به پیش از پیش روي او رفتن درست است [۳]. فقط

<u>با شنیدن صدای تفنگ اگر از دهن نماز خوان إلا الله بیرون شود آیا نماز میشود یانه؟</u>

سوال: (۱۳۸٦) یک شخص نماز اداء مي نمود که ناگهان بگوشش صداي تفنگ یا مرمي آمد

---

(۱) واللاحق من فاته الرکعات کلها اوبعضها لکن بعد اقتدائه الخ وحکمه کمؤتم الخ (ایضاً باب الامامة ج۱ ص۵۵۷ ، ط. س. ج۱ ص٥٩٤). ظفیر

(۲) الدرالمختارعلی هامش ردالمحتار باب مایفسدالصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص۵۷۸ ، ط. س. ج۱ ص٦۱۸. ظ

(۳) ولا یفسدها نظره الی مکتوب الخ ومرور مار في الصحراء وفي مسجد کبیر بموضع سجوده في الاصح مروره بین یدیه الخ في بیت ومسجد صغیر الخ وان اثم المارّ في ذالک المرور لو بلا حائل الخ (الدرالمختار علي هامش ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص۵۹۳ ، ط. س. ج۱ ص٦۳٤ – ٦۳٦). ظفیر

وبلا إختيار از دهن او إلا الله خارج شد آيا دراين صورت نماز فاسد ميشود يا خير؟ وهمچنان لفظ الا الله بغير از ذكر نمودن لا إله جائز است يانه؟

جواب: قال في الدرالمختار: ولو سقط شيئ من السطح فَبَسْمَلَ او دعٰی لاحد او عليه فقال آمين تفسد ولا يفسد الكل عند الثاني والصحيح قولهما الخ ، وفى رد المحتار قوله: فبسمل يشكل عليه ما فى البحر لو لدغته عقرب او اصابه وجع فقاجل بسم الله قيل افسد لانه كالامين وقيل لا لانه ليس من كلام الناس. وفى النصاب عليه الفتوى وجزم به فى الظهيرية وكذا لو قال يا رب كما فى الذخيرة [1] الخ، پس معلوم شد كه در صورت بسمله راجح عدم فساد نماز است، وذكر إلا الله بدون لآ اله درميان صوفيان كرام معروف ورائج است ودرست است زيرا مقصود درآن اثبات بعد النفي است فلهذا بخاطر برآورده نمودن آن مقصد صوفيان كرام وقتيكه ذكر مي نمايند نخست ايشان كاملا كلمه لا إله الا الله را ميگويند وسپس با نفي اول كلمۀ اثبات را يكجا وپيهم مي نمايند واين سخن ظاهر است كه مقصد اصلي از إلا الله همين ميباشد كه هيچكس معبود ومقصود بغير از الله (ج) نه نيست. فقط

در نماز جمعه فتحه دادن درست است يا نه؟ سوال: (۱۳۸۷) زيد در نماز جمعه امام بود واو سورت هَلْ اَتٰى الخ شروع نمود ودرآخر سهو شد بكر كه مقتدي بود برايش فتحه داد بناء در اين صورت نماز درست شده است يانه؟

جواب: در اين صورت نماز درست شده ايست. [2]

درحالت خوف دركجاوه نماز درست ميشود يا نه؟ سوال: (۱۳۸۸) (۱) كدام قافله كه از مكه مكرمه به مدينه منوره ميرود پس اگر از شغدف يا از كجاوه پائين شود از قافله دور ميشود كه درآن حالت خوف هلاكت جان ميباشد فلهذا اداء نمودن نماز عصر در كجاوه چگونه است؟

در وقت مكث نمودن قافله دركجاوه نماز خواندن چه حكم دارد؟ سوال: (۱۳۸۹) (۲) در وقت مغرب قافله لحظات درنگ ومكث مي نمايد وسائر آنكسان بر زمين نماز را اداء مي نمايند اما بعضي حجاج از شغدف يا كجاوه پائين ميشوند واستنجاء ووضوء ميكنند واپس ميروند

(۱) رد المحتار باب ما يفسد الصلوٰة وما يكره فيها ج۱ ص۵۸۱ ، ط. س. ج۱ ص ۶۲۱ – ۶۲۲ . ظفير

(۲) بخلاف فتحه على امامه فانه لا يفسد مطلقا لفاتح وآخذ بكل حال (الدرالمختار باب مايفسد الصلاة وما يكره فيها ج۱ص ۵۸۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۲۲) وايضا مطالعه كنيد: عالمگيرى كشورى ج۱ ص۹۸. ظفير

ودر کجاوه نماز را اداء مي کنند آیا این عمل جائز است یا نه؟

دروقت شب درکجاوه نماز درست است یا نه؟ سوال: (۱۳۹۰) (۳) نماز عشاء را شوافع دروقت مغرب اداء مي نمایند واین وقت بسیار خوفناک میباشد.

نماز فجر در شغدف یا کجاوه درشست میشود یا نه؟ سوال: (۱۳۹۱) (٤) در وقت فجر همچنان مانند عصر بعضي رفقاء از شتران پائین میشوند ونماز را اداء میکنند واکثر ایشان درکجاوه اداء مي نمایند.

نماز عشاء رابوجه عذر بی وقت اداء نمودن چگونه است؟ سوال: (۱۳۹۲) (٥) در سفر دربرخي فاصله هاي کوچک در نصف شب قبل از طلوع صبح صادق قیام میشود ودر این صورت بعضي مردم درنماز عشاء تاخیر مي ورزند وبعد از مواصلت نمودن بمنزل نماز اداء مي نمایند واما اکثر مردم بنا بر وقت موعوده درکجاوه نماز را ادا مي نمایند.

جواب: (۱) به اساس عذر مذکور درکجاوه نماز صحیح است [1].

جواب: (۲) در این وقت در کجاوه نماز خواندن صحیح نیست.

جواب: (۳) در این وقت نیز همچنان در کجاوه نماز صحیح است.

جواب: (٤) حکم این نیز مانند پاسخ نخستین است.

جواب: (٥) آن عده مردم که بخلا انتظار منزل درکجاوه نماز اداء مي نمایند نماز ایشان همچنان صحیح است. کذا حققه في الشامي [2] فقط. اکنون نه مصیبت کجاوه است ونه راه خوفناک وخطرناک میباشد والان حجاج کرام بذریعه موتر میروند وبا جماعت نماز را اداء کرده میتوانند ودر کجاوه اداء نمودن نماز فرض درست نخواهد باشد زیرا عذر باقي نمانده است. ظفیر

اگر زن درپهلوی مرد ایستاده شود چه حکم دارد؟ سوال: (۱۳۹۳) یک زن اگر در ظهر وعصر نمازهاي پنج وقت بیاید ودرجماعت با مردان یکسان هموار قیام ورزد آیا نماز مردان درست میشود یا نه؟

---

(۱) واعلم إن ماعدا النفل من الفرض والواجب بانواعه لا يصح على الدابة الا للضرورة كخوف لص على نفسه او دابته او ثيابه لو نزل وخوف سبع وطين ونحوه مما ياتي والصلاة على المحمل الذى على الدابة كالصلاة عليها فيؤمي عليها (ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب الصلاة على الدابة ج۱ ص٦٥٥ ، ط. س. ج۲ ص٤٠) اکنون در حجاز مقدس این نوع خطر باقي نمانده است ونه سفر نمودن بر کجاوه رائج است. ظفیر

(۲) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصلاة ومايكره فيها ج۱ ص٥٨٣، ط.س. ج۱ ص٦٢٣. ظفير

جواب: در همچو صورت هر کسیکه از مردان بالغ بود ودر پهلوی این زن هموار یکسان ایستاده باشد نماز او نمیشود کذا في الدرالمختار: واذا حاذته ولو بعُضو واحد الخ امرأة مشتهاة الخ فسدت صلٰوته لو مکلفا. (۱)

اگر مصحف را نظر کرده نماز خواند چه حکم دارد؟ سوال: (۱۳۹۴) درنماز تراویح یک نفر بعقب امام نشسته وقرآن شریف را در دست باز نموده وبراي مقتدي نزدیک خویش که نظراو برقرآن مجید إصابت کرده باشد همراهش در مطالعه قرآن مجید معاونت مي نماید واو قرآن مجید را مشاهده نموده وبراي امام فتحه میدهد واین شخص رهنمائي کنندهٔ قرآن دریک رکعت با جماعت نیز شریکت نمي ورزد، هرگاه امام در رکعت دوم رکوع مي نماید او همراهش شریک میشود ویک رکعت را بعد ازآن تنها اداء مي نماید آیا به این طریقه نماز فاسد نمیشود؟

جواب: در درالمختار مذکور است: وقرآنته من مصحف، وفاسد مي نماید نماز نماز خوان را قرائت نمودن ازمصحف شریف پس آن صورتیکه در سوال درج است درآن همچان اندیشه فساد صلاة است بناءا چنین نباید کرد.

بعد ازقعدهٔ اخیر با گفتن السّلام عَلَیْکُمْ فتحه دادن چگونه است؟ سوال: (۱۳۹۵) (۱) امام درنماز چهار رکعتي درقعدهٔ اخیر سلام نگردانید وقیام نمود وزید براي امام السّلامُ علیکم گفت پس درآن صورت نماز زید قائم باقي مانده یانه؟

رکعت دوم را اگر قعدهٔ آخیر پندارد وفتحه بدهد چه حکم دارد؟ سوال: (۱۳۹۶) (۲) امام نماز سه رکعتي را امامت داد وبراي زید درقعده رکعت دوم چنان فکر واندیشه عارض شد که این شاید رکعت سوم باشد وخواست که امام را بلفظ السّلام علیکم یا تنها بگفتن السّلام بنشاند بناء دراین صورت نماز زید قائم باقي مانده یانه؟

جواب: (۱ و۲) دراین هر دوصورتها درنماز زید کدام خلل واقع نمیشود زیرا هدف او براي امام تلقین دادن بود یعني این وقت گردانیدن سلام است وهمچنان در قعدهٔ آخیر وقت نشستن است البته در همچو موقع براي زیدسبحان الله گفتن بکاربود (۲) لکن باگفتن لفظ السّلام الخ نیز درنماز

---

(۱) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ج۱ص ۵۳۴ - ۵۳۵ ، ط. س. ج۱ ۵۷۲ - ۵۷۵ . ظفیر

(۲) قال رسول الله ﷺ من نابه شيء في صلٰوته فليسبح فانه اذا سبح التفت اليه وانما التصفيق للنساء(نصب الرايه ج۲ ص۷۶). ظفیر

كدام خلل وفساد نيامد.

با چيغ زدن درحالت خميازه نماز فاسد ميشود يانه؟ سوال: (١٣٩٧) هر شخصيكه آنقدر با خميازه آواز رابلند نمايد كه صداي او راخارج از مسجد بشنوند آيا نماز او ميشود يانه؟ وهمچنان اگر آن شخص بوجه درد شديد چيغ زد چه حكم خواهد داشت؟

جواب: درخميازه نمودن آواز بلند شدن نماز را فاسد نمي نمايد واما بسبب درد يا مصيبت با صداي بلند چيغ زدن وگريان نمودن مفسد صلاة است كذا في الدرالمختار [1].

نماز خواندن بر مكان دو منزله درست است؟ سوال: (١٣٩٨) بر مكان دو منزله نماز خواندن جائز است يانه؟

جواب: جائز است. [2]

اگر امام درسجده فوت شود پس مقتديان چه بايد كرد؟ سوال: (١٣٩٩) اگر درحالت سجده وفات شد پس مقتديان چگونه نماز را تكميل نمايند؟

جواب: اين نماز فاسد شده واز سر نو كسي ديگر را امام بسازند ومجددا نماز را اداء نمايند.

نماز خواندن بر شتر درست است يانه؟ سوال: (١٤٠٠) دروقت سفر حجاز بر شتر نشسته نماز جائز است يا نه؟

جواب: بسفر حجاز بر شتر نشسته نماز خواندن درست نيست [3] لكن فتوى علماء احناف حرمين شريفين بر آنست كه درآنجا جمع بين الصلاة نمودن درست است مثلا دروقت مغرب قافله استراحت مي ورزند اگر دروقت عشاء پائين شدن دشوار باشد پس دروقت مغرب بعد ازنماز مغرب نماز عشاء را نيز اداء كرده ميتوانند وهمچنان بهمانطور ظهر وعصر را جمع كرده

---

(١) والبكاء بصوت يحصل به حروف لوجع او مصيبة قيد للاربعة الاّ لمريض لايملك نفسه عن انين وتاوه لانه حينئذ كعطاس وسُعال وجُشاء وتثاؤب وان حصل حروف للضرورة (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب ما يفسد الصلاة ومايكره فيها ج١ ص٥٧٩، ط. س. ج١ ص٦١٩). ظفير

(٢) زيرا دو منزله در حكم زمين است در مورد محل فقهاء مي نويسند: لا تجوز الصلٰوة عليها اذا كانت واقفة الاّ ان تكون عيدان المحمل الارض بان ركز تحته خشبة (در المختار) وهذا لو بحيث يبقى قرار المحمل على الارض الخ فيصير بمنزلة الارض فتصح الفريضة فيه قائما (ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج١ ص٦٥٦ ، ط. س. ج٢ ص٤٠). ظفير

(٣) واذا ظهر حدث امامه وكذاكل مفسد في رأى مقتد بطلت فيلزم اعادتها لتضمنها صلاة المؤتم صحةً وفسادا (در المختار) واشار به الى حديث الامام ضامن الخ (رد المحتار باب الامامة ج١ ص٥٥٣ ، ط. س. ج١ ص٥٩١) بقي من المفسدات ارتداد بقلبه وموت وجنون الخ وكل موجب لوضوء (در المختار) قوله وموت الول تظهر لمرته في الامام لو مات بعد القعدة الاخيرة بطلت صلاة المقتدين به فيلزمهم استينافها (رد المحتار باب ما يفسد الصلاة الخ ج١ ص ٥٨٨ ، ط. س. ج١ ص٦٢٩). ظفير

ميتوانند [1]. فقط

مسائل زلة القاري
(يعني لغزش هاي قرائت كننده)

اگر بجاي: اَلَيْنَا، عَلَيْنَا بخواند آيا نماز ميشود يا نه؟ **سوال:** (۱۴۰۱) يكنفر در نماز بجاي: إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ (۲۵) ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ، چنين گفت: إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُم (۲۵) ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُم، آيا نماز ميشود يانه؟

جواب: در: إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ، اگر: إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ سهوا بگويد نمازش ميشود زيرا باهمچو گفتن كدام تغيري وفرق در معنى نيامده [2]. فقط

در قرائت اگر بجاي: مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، بطريق قلب مكان تلاوت شود آيا نماز فاسد ميشود يانه؟ **سوال:** (۱۴۰۲) يک نفر درنماز آيت كريمه: اَللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ، درآن هر دو مكان سهوا يعني بجاي (مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ) (مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ) وبجاي (مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ) (مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ) قرائت نمود آيا در اين صورت نماز صحيح شده يانه؟

جواب: دراين صورت نماز درست نشده زيرا اين غلطي مفسد معنوي است ودرآن نماز صحيح نميشود [3]. فقط

اگر بعد از مقدار واجب آيت را ترک نمود چه حكم دارد؟ **سوال:** (۱۴۰۳) در نماز قرائت مسنونه را كرده بود وبعد ازآن درميان سهوا يک آيت كوچک را ترک نمود آيا نماز درست شده يا نه؟

---

(۱) ويتنفل المقيم راكبا خارج المصر (رد المحتار) واحترز بالنفل عن الفرض والواجب بانواعه كالوتر والمنذور وما لزم بالشروع والافساد وصلاة الجنازة وسجدة تليت على الارض فلا يجوز على الدابة بلا عذر لعدم الحرج (رد المحتار باب الوتر والنوافل مطلب في الصلاة على الدابة ج۱ ص۶۵۴ ، ط. س. ج۱ ص۳۸). ظفير

(۲) ومنها ذكر كلمة مكان كلمة على وجه البدل ان كانت الكلمة التى قرأها مكان كلمة يقرب معناها وهى فى القرآن لا تفسد صلوته (عالمگيرى مصرى كتاب الصلوة الباب الرابع ج۱ ص۷۴ ، ط. ماجديه ج۱ ص۸۰). ظفير

(۳) وان كان فى القرآن ولكن لاتقاربان فى المعنى نحو قرأ وعداً علينا اناكنا (غافلين) مكان (فاعلين) ونحوهما لو اعتقده يكفر تفسد عند عامة مشائخنا وهو الصحيح من مذهب ابى يوسف هكذا فى الخلاصة (عالمگيرى مصرى زلة القارى ج۱ ص۷۵ ، ط. ماجديه ج۱ ص۸۰). ظفير الدين

اگر یک لفظ ترک شود: **سوال:** (۱۴۰۴) درآیت: وَقُلْنَا یَا آدَمُ اسْکُنْ أَنْتَ وَزَوْجُکَ الْجَنَّةَ، اگر در آن سهوا (أَنْتَ) ترک شود آیا نماز میشود یانه؟

اگر تخطی إعرابی شود چه حکم دارد؟ **سوال:** (۱۴۰۵) اگر (مَا ضَعُفُوْا) را (وَمَا ضَعُفُوْا) تلاوت نمود آیا نماز درست شده یانه؟

جواب: (۱) اگر معنی متغیر نشود نماز درست شده واگر معنی متغیر شده پس نماز نیز درست نشده خواه بمقدار فرض قرائت را خوانده باشد خواه نخوانده باشد [1]. فقط

جواب: (۲) نماز صحیح است [2].

جواب: (۳) این غلطي است اما نماز درست شده است [3]. فقط

اگر بجای ثاء شین تلفظ شود آیا نماز درست میشود یانه؟ **سوال:** (۱۴۰۶) زید امام جمعه بود ودر سورت اعلی (فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوٰی) را (غُشَاءً أَحْوٰی) یعني بجاي (ثاء) شین تلفظ کرد آیا نماز او جائز است یانه؟

جواب: در این صورت نماز فاسد نخواهد شد کما في الشامي وشرح قوله او بدّله باخر، فإذا لم یغیر المعنی الخ لا تفسد [4]. فقط

اگر بجای (اٰیاته) (اٰیَاتِنَا) بگوید چه حکم دارد؟ **سوال:** (۱۴۰۷) قاري صاحب در روز جمعه در رکعت اول نمازچنان سهوه شدکه بجاي کلمهٔ (اٰیاته) سورة جمعه (اٰیاتِنَا) تلفظ نمود دراین صورت نماز صحیح شده یا نیازي به اعاده نمودن نماز است وهمچنان درمیان (اٰیاته) و (اٰیاتِنَا) کدام فرق معنوي موجود است؟

جواب: در این صورت نماز درست شده وضرورت به اعادهٔ نماز نیست اگر چه درما بین (اٰیاته) و (اٰیَاتِنَا) فرق معنوي موجود است لکن دراین موقع مطلب هردو طریقه صحیح است [1] چنانچه بنزد اهل بلاغت التفات از غائب بسوي تکلم یک تزئین وخوبي دانسته میشود ودر قرآن مجید

---

(۱) ان الخطأ فی القرآن اما ان یکون فی الاعراب الخ اوفی الحروف الخ او زیادته او نقصه الخ او فی الکلمات اوفی الجمل کذلک الخ والقاعدة عندالمتقدمین ان ما غیر تغیراً یکون اعتقاده کفراً یفسد فی جمع ذالک (غنیة المستملی ص۴۴۶). ظفیر

(۲) قال فی شرح المنیة وان ترک کلمة من آیة فان لم یتغیر المعنٰی مثل جزاء سیئة مثلها بترک سیئة الثانیة لا تفسد (رد المحتار زلة القاری ج۱ ص۵۹۱ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۰). ظفیر

(۳) ومنها زلة القاری فلو فی اعراب او تخفیف الخ لم تفسد (درالمختار) فلو فی اعراب ککسر قواما وفتح باء نعبد مکان ضمها الخ وکذا فساد مطر المنذرین بکسر الذال وایاک نعبد بکسر الکاف (ردالمحتار ج۱ ص۵۹۰ ، ط. س. ج۱ ص ۶۳۰ – ۶۳۱). ظفیر

(۴) رد المحتار باب مایفسد الصلٰوة الخ مطلب فی زلة القاری ج۱ ص۵۹۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۳ ظفیر

در بسیاري موارد التفات واقع شده است. فقط

لفظ (أَنَا) باثبات الف خواندن چگونه است؟ سوال: (۱۴۰۸) لفظ (اَنَا) ضمیر متکلم که در رسم الخط کلام پاک باثبات الف است اگر درحین قرائت همچنان باثبات الف خوانده شود مثلا (اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ) الاية، پس اکنون این نماز چه حکم دارد؟

جواب: (أَنَا) را باثبات الف خواندن اگرچه نماز میشود اما این لحن في القرائت میباشد [۲]. فقط

اگر در فتح وکسره غلطی شود آیا نماز فاسد میشود یانه؟ سوال: (۱۴۰۹) زید در پارهٔ چهارم لفظ (مُنْزِلِيْنَ) را که در رکوع چهارم است بفتحه خواند آیا نماز جائز است یانه؟

جواب: در این صورت نماز درست شده [۳]. فقط

اگر امام بعد از اندک قرائت خواندن بند شد سپس از آن به پیش برود آیا نماز درست خواهد شد یانه؟ سوال: (۱۴۱۰) امام آغاز به قرائت نمود وبعد از قرائت نمودن یک یادو آیت بند میشود وبرخي از الفاظ راترک نموده واز آیت بعدي قرائت خواندن را شروع نمود آیا نماز جایز باشد یا نه؟

جواب: نماز جائز است [۴]. فقط

با غلطی امام بر مقتدی قاری هیچ اثر نمی افتد؟ سوال: (۱۴۱۱) اگر از امام ناظره خوان غلطي شود آیا نماز مقتدي قاري درست میشود یانه؟

جواب: اگر چنان غلطي نکرده باشد که برآن نماز فاسد میشود پس نماز مقتدي قاري نیز درست میشود. فقط

اگر آیت رابدل خواند چه حکم دارد؟ سوال: (۱۴۱۲) اگر یک نفر درنماز بجاي (بَلْ يُرِيْدُ

---

(۱) ولو زاد كلمة او نقص حرفا او قدمه او بدله بأخر الخ لم تفسد ما لم يتغير المعنٰى الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصلوٰة الخ مطلب زلة القارى ج۱ ص۵۹۱ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۲ – ۶۳۳). ظفير

(۲) ومنها القراءة بالحان ان غير المعنى والاّ لا، الاّ في حروف مد ولين اذا افحش والاّ لا، (الدر المختار على هامش ردالمحتار، باب مايفسد الصلوٰة، مطلب مسائل زلة القارى ج۱ ص۵۸۹ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۰). ظفير

(۳) ومنها زلة القاري فلو في اعراب الخ لم تفسد وان غيّر المعنى به يفتى، بزازيه (در المختار) قوله: فلو في اعراب الكسر قواما مكان فتحها وفتح باء نعبد مكان ضمها الخ (ردالمحتار باب مايفسد الصلوٰة مطلب مسائل زلة القارى ج۱ ص۵۸۹ – ۵۹۰ ، ط. س. ج۱ ص ۶۳۱ – ۶۳۲). ظفير

(٤) ولو زاد كلمة او نقص كلمة الخ لم تفسد ما لم يتغير المعنٰى (در المختار) قوله نقص كلمة ولم يمثل له الشارح قال في شرح المنية وان ترک كلمة من آية فان لم يتغير المعنى مثل وجزاء سيئة سيئة مثلها بترک سيئة الثانية لا تفسد (ردالمحتار باب مايفسد الصلوٰة مسائل زلة القارى ج۱ ص۵۹۱ ، ط. س. ج۱ ص ۶۳۲ - ۶۳۳). ظفير

الانسان لیفجر امامه) چنین بگوید (بل یرید ان لن نجمع عظامه) آیا نمازش صحیح شده است یا نه؟

جواب: نمازش درست خواهد شد [1]. فقط

در اخلاص (اَللهُ الصَّمَدُ) را ترک نمود آیا نماز درست شده است یا نه؟ سوال: (۱۴۱۳) امام (قُل هُوَ اللهُ اَحَدٌ) را خواند و (اَللهُ الصَّمَدُ) را ترک نموده سجده سهوه کرد آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: نماز درست شده است [2]. فقط

اگر در مابین قرائت کدام لفظ ترک شود که معنی را متغیر ننماید هیچ کراهت ندارد:

سوال: (۱۴۱۴) اگر از امام در ما بین قرائت یک آیت ترک شود آیا نماز میشود یا نه؟

جواب: نماز بغیر از کراهت صحیح شده است بشرطیکه معني متغیر نشده باشد. فقط

بعد از سه آیت تلاوت نیز با غلطي مفسد صلاة نماز فاسد میشود: سوال: (۱۴۱۵) اگر امام بعد از تلاوت بیشتر از سه آیات مرتکب غلطي فاحش مفسد صلاة بشود آیا نماز فاسد میشود یا نه؟

جواب: غلطي مفسد صلاة در هر وقت که در نماز عارض شود نماز فاسد میگردد [3] البتة اگر غلطي مذکور تلافي کرده وذوباره اعاده نماید وصحیح تلاوت کند پس نماز درست خواهد شد.

اگر در قرائت کدام لفظ باقي بماند نماز میشود یانه؟ سوال: (۱۴۱۶) در رکعت دوم نماز جمعه اگر یک نفر آیت: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِن يَوْمِ الْجُمُعَةِ، را تا به آخر تلاوت نمود وبعد ازلفظ (نودي) عمدا لفظ (للصَّلَاة) خوانده نشد وقتیکه سلام گردانیده شد بعد ازآن برایش گفته شده سپس جواب داد که آیت طولاني بود بناءا آنرا ترک نمودم فلهذا درآن صورت نماز درست شده است یا نه؟

جواب: دراین صورت نماز درست شده اما بعد از (نودي) عمدا لفظ (للصلاة) را ترک نمودن غلط است واین جهالت وغلطي امام است که همچو تأویل رکیک را مي نماید زیرا براي امام

---

(۱) اوقدمه اوبدّله بآخر الخ لم تفسد مالم یتغیرالمعنی (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار ج۱ ص۵۹۱ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۳). ظفیر

(۲) ولو زاد کلمة او نقص کلمة الخ لم تفسد ما لم یتغیر المعنٰی (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب ما یفسد الصلٰوة مطلب فی زلة القاری ج۱ ص۵۹۱، ط. س. ج۱ ص۶۳۲ – ۶۳۳). ظفیر

(۳) ان ماغیر المعنٰی تغیرا یکون اعتقاده کفرا یفسدفی جمیع ذالک الخ (رد المحتار زلة القاری ج۱ ص۵۹۰). ظفیر

واضح گفتن بکار بود که من سهوه شده ام واین کلمه سهوا ترک شده است اما نماز صحیح شده بنا بر عدم فساد معنی.[۱]

اگر قاف را به کاف بدل نمود آیا نماز میشود؟ **سوال:** (۱٤۱۷) در سورت الطارق امام در (لَقَوْلٌ فَصْلٌ) بجاي قاف لفظ کاف تلاوت نمود حالانکه آن شخص قادر بتلفظ نمودن صحیح نیز بود آیا نماز فاسد شده است؟ ودر این صورت اعاده واجب است یانه؟

جواب: در همچو صورت اعاده نمودن این نماز ضروري است زیرا با موجودیت قدرت چنین تلاوت نمودن نماز را فاسد مي نماید[۲]. فقط

بر (صراط الذین) سکوت نمودن نماز فاسد نمیشود: **سوال:** (۱٤۱۸) یک امام وقتیکه سورة فاتحه را تلاوت مي نماید بر (صراط الذین) وقفه مي کند وتنفس نیز را مي گیرد آیا نماز مي شود یا نه؟

جواب: نماز میشود اما این غلطي بزرگي است که درآینده تکرار آن بکار نیست[۳]. فقط

اگر دروقت قرائت بجای (کَرِیْمْ) لفظ (عَظِیْمْ) بگوید چه حکم دارد؟ **سوال:** (۱٤۱۹) یک روز در نماز آخرین آیت هاي سورة المؤمنون را تلاوت نمودم وسهوا بجاي (رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيْمِ) را خواندم آیا نماز درست شده یانه؟

جواب: در این صورت نماز درست شده است[٤]. فقط

درجای مد کسره ودرجای فتحه مد خواندن نماز میشود یانه؟ **سوال:** (۱٤۲۰) درقرائت اگر بجاي فتحه مد وبجاي مد فتحه خوانده شود وهمچنان واحد جمع وجمع واحد تلاوت شود آیا نماز میشود یا نه؟

---

(۱) ولو زاد کلمة او نقص کلمة الخ لم یفسد ما لم یتغیر المعنی. (ردالمحتار ج۱ ص۵۹۳). قال في شرح المنیة وإن ترک کلمة من آیة فان لم یتغیر المعنی مثل (وجزاء سیئة مثلها) بترک (سیئة) الثانیة لا تفسد باب ما یفسد الصلاة وما یکره فیها مطلب زلة القاری ج۱ ص۵۹۳. ظفیر الدین

(۲) قال في الخانیة والخلاصة الاصل فیما اذا ذکر حرفا مکان حرف وغیر المعنی ان امکن الفصل بلا مشقه تفسد الخ وفي خزانة الاکمل قال القاضی ابو عاصم ان تعمد ذالک افسد وان جری علی لسانه اولا یعرف التمییز لا تفسد وهو المختار (رد المحتار باب ایضاً ج۱ ص۵۹۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۳). ظفیر

(۳) بر (انعمت علیهم) تنفس گرفتن بکار است. ظفیر

(٤) او قدمه او بدله بآخر الخ لم تفسد ان لم یتغیر المعنی (الدرالمختار علی هامش رد المحتار زلة القاری ج۱ ص۵۹۱ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۲). ظفیر

جواب: روشن نمودن این موقع بکار است که درآن تغیر معنی واقع شده است یا نه بخاطر آنکه موافق مطلب ومعنی آن را دیده حکم نوشته شود. فقط

اگر برخی از حصهٔ آیت ترک شود که متغیر نشود نماز جائز است: **سوال:** (۱۴۲۱) اگر امام صاحب در نماز سورهٔ جمعه را قرائت مي نمود ودر ما بین سهوا از او این: بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِآيَاتِ اللهِ، ترک شد زید میگوید که نماز درست نشده است وعمرو میگوید که نماز درست شده است بناءا دراین صورت ضرورت به سجده سهوه است یا نه؟

جواب: در این صورت درنماز هیچ نقصان نیامده وهمچنان سجده سهوه واجب نمیگردد زیرا سجدهٔ سهوه باترک واجب لازم میشود واما درینجا بمقدار قرائت فرض ورواجب اداء شده ودرمیان با ترک قرائت هیچ واقع نشده است [۱].

اگر (زِيْنَةً) به (فِتْنَةً) تبديل شود، و (آذانِهِمْ) به (آثارِهِمْ) در این صورت نماز میشود یانه؟

سوال: (۱۴۲۲) (۱) اگر کسي در نماز (إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِيْنَةً لَهَا) بجاي أو (فتنة لها) تلاوت نماید بناءا این فساد معنی مفسد صلاة میباشد یانه؟

سوال: (۱۴۲۳) (۲) اگر کسي در نماز بجاي (فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ) ، (عَلَى آثَارِهِمْ) قرائت نمود آیا نماز درست شده یانه؟

سوال: (۱۴۲۴) (۳) اگر کدام شخص درنماز (أُولٰئِكَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ) را تلاوت نمود اما (لقائه) را ترک نماید آیا نماز میشود یا نه؟

جواب: (۱ – ۳) در این هر سه صورت نماز درست وصحیح است [۲]. فقط

با تبدیل لفظ یا آیت نماز میشود یا نه؟ **سوال:** (۱۴۲۵) (۱) امام در سورهٔ رعد بجاي (وَيَقُوْلُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ) (قُلْ إِنَّ اللهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ) ورکوع چها رم را شروع نمود (وَيَقُوْلُ الَّذِيْنَ آمَنُوْا) را إلى آخره تلاوت نمود حالانکه در سورت محمد در رکوع سوم (وَيَقُوْلُ الَّذِيْنَ آمَنُوْا لَوْ لَا نُزِّلَتْ سُوْرَةٌ) الخ نیز موجود است بناء در این صورت نماز میشود یانه؟

---

(۱) ولو كلمة او نقص كلمة الخ لم تفسد مالم يتغير المعنى (الدرمختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصلٰوة زلة القارى ج۱ ص ۵۹۱ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۲). ظفير

(۲) ولوزاد كلمة او نقص حرفا او قدمه او بدله بآخر الخ لم تفسد ما لم يتغير المعنى (الدرالمختار على هامش رد المحتار، باب مايفسد الصلٰوة زلة القارى ج۱ ص۵۹۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۲). ظفير

سوال: (۱۴۲۶) (۲) درسورت مریم رکوع اول (يَا يَحْيٰى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ) الخ (وَكَانَ تَقِيًّا (۱۳) وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ) بجاي او (بِوَالِدَتِي) تلاوت نمود سپس این نماز چه حکم دارد؟

جواب: در صورت نخستین ودوم نماز درست شده است واین قول أوسع است. فقط

در سورت زلزال یک حصه فراموش شد آیا نماز درست شده یانه؟ **سوال:** (۱۴۲۷) یک نفر در نماز بعد از سورۀ فاتحه سورت (إِذَا زُلْزِلَتِ) را خواند و (أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا) را فراموش نمود آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: با ترک شدن آیت (وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا) در مابین نیز کدام تغیر در معنی وارد نمیشود بناءا درصحت بودن نماز کدام شبه نیست [۱].

اگر بجای فتحه ضمه تلاوت شود چه حکم دارد؟ **سوال:** (۱۴۲۸) امام در نماز جمعه آیت کریمه را تلاوت نمود (تَصْلٰى نَارًا حَامِيَةً) بجاي نصب رفع خواند یعني بجاي (حَامِيَةً) (حَامِيَةٌ) تلاوت نمود آیا نماز درست شده یا نه ؟

جواب: دراین صورت نماز درست شده است زیرا درا ینجا با قرائت رفع در معنی کدام تغیر نمي آید وصحت تأویل ممکن است گویا چنان گفته شود که (تَصْلٰى نَارًا حَامِيَةً) [۲]. فقط

اگر یک فقرۀ سورت از تلاوت ترک شود آیا نماز میشود یا نه؟ **سوال:** (۱۴۲۹) امام درنماز جهری آیت (بَلٰى قَادِرِيْنَ عَلٰى اَنْ نُّسَوِّيَ بَنَانَهٗ) را از تلاوت نمودن فراموش نمود واز اول تابه آخر سائر سورت را قرائت نمود بناء دراین صورت نماز درست شده است یا نه؟

جواب: در این صورت مذکور نماز درست شده است [۳]. فقط

اگر در مابین ایات ها را بگذارد وبه پیش رود چه حکم دارد؟ **سوال:** (۱۴۳۰) (۱) یک نماز خوان تا به (وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا) قرآئت نمود ودر ما بین آیت ها را فراموش نموده ترک شد واز (وَالسَّمَآءِ وَمَا بَنَاهَا) تابه آخر آن را قرائت کرد بناءا درهمچو صورت نمازدرست شده است یانه وهمچنان آیا ضرورت براي سجدۀ سهوه است؟

دروقت قرائت نمودن سورت وَالْعَصْرِبه سورت وَالتِّيْنِ بپردازد آیانماز درست میشود یانه؟

---

(۱) ولو زاد كلمة اونقص الخ لم تفسد مالم يتغير المعنى الخ حواله سابقه. ظفير

(۲) فلو في اعراب او تخفيف الخ لم تفسد (ايضاً ج۱ ص۵۹۱ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۲). ظفير

(۳) ولو زاد كلمة او نقص الخ لم تفسد ان لم يتغير المعنى (الدرالمختار على هامش رد المحتار زلة القارى ج۱ ص۵۹۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۲). ظفير

سوال: (۱۴۳۱) (۲) در سورت وَالْعَصْرِ بعد از تلاوت (آمَنُوْا وَعَمِلُوْا الصَّالِحَاتِ) به سورت وَالتِّيْنِ رفت و (فَلَهُمْ اَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُوْنٍ) را آغاز نمود وتا به آخر سورت را بپایان رساند دراین صورت آیا ضرورت به سجدۂ سهوه است یانه؟

جواب: (۲) در این صورت نماز درست شده است وضرورت به سجدۂ سهوه نیست [1].

جواب: (۲) دراین صورت همچنان نماز درست شدۂ است ونیازي به سجدۂ سهوه نیست [2]. فقط

اگر بجای (دِهَاقًا) لفظ (دِحَاقًا) بگوید چه حکم دارد؟ **سوال:** (۱۴۳۲) اگر شخصي بنا بر اعتماد غلطي خود بجاي (دِهَاقًا) لفظ (دِحَاقًا) تلفظ نمود آیا در این صورت نماز درست میشود ویا اعاده نمودن نماز واجب میباشد؟

جواب: (دِهَاقًا) را (دِحَاقًا) تلاوت نمودن باهاي حطي باعتبار ظاهر مطابق قواعد مفسد صلاة است زیرا درآن وقت معنی متغیر میشود [3] فلهذا نماز درست نخواهد شد. فقط

یکه حصۂ أیت را مبدل نمود آیا نماز فاسد خواهد یانه؟ **سوال:** (۱۴۳۳) یک امام این آیت را غلط میخواند: اِنَّا اَرْسَلْنَا اِلَيْكُمْ رَسُوْلاً، الآية، به این شکل: اِنَّا اَرْسَلْنَا اِلٰى فِرْعَوْنَ رَسُوْلاً، آیا نماز فاسد شد یانه؟

جواب: در این صورت نماز فاسد نمیشود. [4] فقط

اگر بجای (يُكَذِّبُوْنَ) لفظ (يُمَسِّكُوْنَ) یا بجای (يَعْمَلُوْنَ) لفظ (تَعْقِلُوْنَ) رابگوید آیا نماز درست میشود یا خیر؟ **سوال:** (۱۴۳۴) امام در نماز بجاي (اَنْ يُّكَذِّبُوْنَ) ، (اَنْ يُّمَسِّكُوْنَ) تلاوت نمود ودر نماز دیگر جاي (يَعْمَلُوْنَ)، (تَعْقِلُوْنَ) گفت آیا دراین هردو صورت اعاده نمودن نماز بکار است یا خیر؟

---

(۱) ایضًا ، ط. س. ج۱ ص۶۳۲. ظفیر

(۲) ایضًا ، ط. س. ج۱ ص۶۳۲. ظفیر

(۳) ان ذکر حرفًا مکان حرف ولم یغیر المعنٰی الخ لم تفسد صلٰوته وان غیّر المعنی فان امکن الفصل بین الحرفین من غیر مشقّة کالطاء مع الصاد الخ تفسد صلٰوته عند الکل وان کان لا یمکن الفصل الاّ بمشقة کالظاء مع الضاد والصاد مع السین والطاء مع التاء اختلف المشائخ قال اکثرهم لا تفسد صلاته هکذا فی فتاوی قاضی خان وکثیر من المشائخ افتوا به قال الامام ابوالحسن والقاضی الامام ابو عاصم ان تعمد .... فسدت وان جری علی لسانه او کان لا یعرف التمیز لا تفسد وهو اعدل الاقاویل والمختار، هکذا فی الوجیز للکردری (عالمگیری مصری زلة القاری ج۱ص۷۴ ، ط. ماجدیه ج۱ ص۷۹). ظفیر

(۴) او قدمه اوبدله باخر الخ لم تفسد مالم یتغیر المعنیٰ (الدرالمختار زلة القاری ج۱ ص۵۹۲، ط. س. ج۱ ص۶۳۲). ظفیر

جواب: درصورت اول نماز را اعاده نماید واما درصورت دوم نماز درست شده است [۱]. فقط

اگر در جای تفخیم ترقیق خوانده شود آیا نماز درست خواهد شد یا نه؟ سوال: (۱۴۳۵) در کدام موارد که (ر) و (ل) مفخم خواندن بکار است اگر در این مواقع باریک خوانده شود آیا در نماز کدام نقصان وارد میشود یا نه واگر باشد پس چه قدر خواهد بود؟

جواب: نماز صحیح است ودرآن هیچ خلل واقع نشده است [۲]. فقط

اگر لام (علیهم) را زیاد کش وطولانی نمود آیا نماز درست شده است یانه؟ سوال: (۱۴۳۶) (۱) اگر بر (ي) لفظ (عَلَيْهِمْ) بمقدار نو ۹ ویاده ۱۰ الف مد را تمدید وکش نمود نماز درست میشود یانه؟

درجای غنه اظهار کردن: سوال: (۱۴۳۷) (۲) در جائیکه میم ونون باغنه خوانده میشود اگر در این موارد درمیم ونون اظهار شود نماز درست میشود یا نه؟

جواب: (۱) این سخن واضح است که در اینجا حسب قواعد تجوید مد نیست بناء این لحن وخطاء میباشد اما نماز درست میشود.

جواب: (۲) در آن صورت نماز صحیح است. [۳] فقط

اگر بجای لفظ (نُرَدُّ)، (لاَ نُرَدُّ) تلاوت نمود آیا نماز فاسد میشود یانه؟ سوال: (۱۴۳۸) در آیت کریمه بجاي (يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ)، لاَ نُرَدُّ تلفظ نمود آیا نماز فاسد شده است یا نه؟

جواب: در همچو موارد سخن احوط آن است که نماز را اعاده نماید [۴].

در (قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ) در دیگر کدام آیت از نگاه اعراب غلطی واقع شد آیا نماز درست میشود یانه؟ سوال: (۱۴۳۹) در آیت کریمه (وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ) اگر دال دوم را

---

(۱) لو زاد كلمة الخ اوبدله بأخر الخ لم تفسد ما لم يتغير المعنى (در المختار) وان غير فسدت الخ (ردالمحتار زلة القارى ج۱ ص۵۹۲، ط. س. ج۱ ص۶۳۲). ظفير

(۲) وفي التتارخانية عن الحاوى حكى عن الصفار انه كان يقول الخطاء اذا دخل في الحروف لا يفسد لان فيه بلوى عامة الناس لانهم لايقيمون الحروف الاّ بمشقة (ردالمحتار زلة القارى ج۱ص۵۹۲، ط.س. ج۱ص۶۳۳). ظفير

(۳) این حاشیه متعلق به هردو جواب اول ودوم میباشد: وفي التتارخانية عن الحاوى حكى عن الصفار انه كان يقول الخطاء اذا دخل في الحروف لا يفسد لان فيه بلوى عامة الناس لانهم لايقيمون الحروف الاّ بمشقة (ردالمحتار زلة القارى ج۱ص۵۹۲، ط.س. ج۱ص۶۳۳). ظفير الدين غفر الله له

(۴) اعلم ان الكلمة الزائدة امّا ان تكون في القرآن اولا، وعلى كل امّا ان تغيّر اولا، فان غيرت افسدت مطلقا الخ (رد المحتار زلة القارى ج۱ ص۵۹۱، ط. س. ج۱ ص۶۳۲). ظفير

مفتوح وتاء را مضموم خواند آیا نماز درست میشود یا نه ونیز آیا تلاوت کننده کافر میشود یا خیر؟ وهمچنان دو (فَعَصٰی فِرْعَوْنُ الرَّسُوْلَ) اگر نون را مفتوح ولام را مضموم خواند آیا نماز فاسد میشود یا نه؟

جواب: درآیت (وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوْتَ) اگر دال دوم را مفتوح وتاء جالوت را مضموم تلاوت نمود نماز فاسد میشود اما شخصي که غلط تلاوت نموده کافر نمیشود وهمچنان در آیت (فَعَصٰی فِرْعَوْنُ الرَّسُوْلَ) اگر درآن نون مفتوح ولام مضموم خوانده شود نماز فاسد خواهد شد (۱) واگر آن را صحیح نمود ودرباره اعاده کرد نماز صحیح میباشد. فقط

اگر بجای (خیرٌ لک من الأولی)، (والاولی) بگوید چه حکم دارد؟ **سوال:** (۱۴۴۰) امام در نماز بجاي (خيرٌ لک من الأولی) (خيرٌ لک من الأولی) تلاوت نمود آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: دراین صورت نماز درست شده است بخاطر انکه در معنی چنان تغیري وارد نشده است که مفسد صلاة باشد واکنون معنی آیت چنین است که آخرت ودنیا هر دو براي شما بهتر است چنانچه مفهوم آیت کریمه (رَبَّنَا اٰتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَّفِی الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً) نیز است (۲).

اگر بجای (لَفِیْ)، لاَ فی تلاوت شود کدام حرج نیست؟ **سوال:** (۱۴۴۱) درسورت العَصْرِ اگر بجاي (لَفِيْ خُسْرٍ)، لاَ فِيْ خُسْرٍ، تلاوت نماید آیانماز درست میشود یانه؟ یعني بجاي فتحه پست فتحه ایستاده یا ألف تلفظ نمود نماز درست میشود یانه؟

جواب: باهمچو غلطي نماز درست نمیشود ودرآن احتیاط بکار است (۳) وکسي را امام باید نمود که بتواند درست وصحیح قرآن را بخواند. فقط

---

(۱) إذا لحن في الإعراب لحنا لا يغير المعنى بأن قرأ لا ترفعوا أصواتكم برفع التاء لا تفسد صلاته بالإجماع وإن غير المعنى تغييرا فاحشا كان قرأ وعصى آدمَ ربُّه بنصب الميم ورفع الربّ وما أشبه ذلك مما لو تعمد به يكفر. إذا قرأ خطأً فسدت صلاته في قول المتقدمين واختلف المتأخرون: قال محمد بن مقاتل وأبو نصر محمد بن سلّام الخ لا تفسد صلاته، وما قاله المتقدمون أحوط ؛ لأنه لو تعمد يكون كفرا وما يكون كفرا لا يكون من القرآن وما قاله المتأخرون أوسع ؛ لأن الناس لا يميزون بين إعراب وإعراب الخ وهو الأشبه، كذا في المحيط وبه يفتى كذا في العتابية وهكذا في الظهيرية. (عالمگیري مصري زلة القاري ج۱ ص۷۶ ، ط. ماجديه ج۱ ص۸۱) مفتي علام ﷺ فتوی بنا بر احوط داده است. ظفیر

(۲) اوبدله بأخر الخ لم تفسد مالم يتغير المعنى (الدرالمختار على هامش ردالمحتار زلة القارى ج۱ ص۵۹۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۳). ظفیر

(۳) ومنها زيادة حرف ان زاد حرفا فان كان لايغير المعنى لا تفسد صلوته عند عامة المشائخ الخ وان غيّر المعنى الخ تفسد هكذا في الخلاصة (عالمگیری کشوری زلة القارى ج۱ ص۷۸ ، ط. ماجديه ج۱ ص۷۹). ظفیر

<u>اگر بجای ذال جیم تلاوت شود آیا نماز درست میشود یانه؟</u> سوال: (۱۴۴۲) امام درنماز بجاي ذالِ جیم تلفظ نمود آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: امامیکه درجاي ذالِ جیم تلاوت مي نماید مثال آن باید تحریر میشد بخاطر آنکه حالت تغیر وتبدیل معنی معلوم وهویدا میشد که داراي کدام درجه تغیر واقع شده است اما ظاهر آن است که در این صورت نماز درست نشده است بهر حال احوط آن است که نماز مذکور اعاده شود وهمان حکم تلاوت نمودن ظاء بجاي تاء است [1]. فقط

<u>اگر بجای ضاد، ذال یا بجای زاء ظاء تلاوت شود ایا نماز فاسد میشود یا نه؟</u> سوال: (۱۴۴۳) اگر یک شخص بجاي (ض) (ذ) یا (ز) یا (ظ) بگوید آیا نمازش صحیح باشد یا فاسد؟ واگر درنماز بعد از قرائت نمودن مقدار مفروضه غلطي فاسد کنندۀ نماز شود آیا نماز صحیح شدۀ یا فاسد؟

جواب: لفظ (ض) معجمه را از مخرج اصلي خویش خارج کردن بکار است نه آنکه از مخرج (ذ) یا (ز) یا (ظ) بخاطر آنکه قصدا وعمدا سائر آنها نا جائز است بلکه در شرح فقه أکبر از محیط نقل نموده است که اگر کسي قصدا بجاي ضاد معجمه ظاء معجمه تلفظ نماید کافر میشود [2] العیاذ بالله تعالی ونمازش فاسد خواهد شد واگر کسي در نماز بعد از قرائت مفروضه غلطي فاسد کنندۀ نماز را مرتکب شود نماز فاسد میشود واگر اعادۀ صحیح آن را بکند نماز درست نخواهد شد ورنه فاسد است. در عالمگیري آورده است: لو قرأ في الصلاة بخطاء فاحش ثم رجع وقرأ صحیحا قال في الفوائد عندي صلاته جائزة وکذلک الاعراب [3]. فقط

<u>تأثیر غلط خواندن بر نماز</u>: سوال: (۱۴۴۴) (۱) امام در آیت سورت توبه بجاي (عزیزٌ) لفظ (ما) را با (علیه) وصل کرده قصدا وقف مي نماید آیا نماز درست خواهد شد یانه؟

اگر (اَسفَلَ سَافلِیْنَ) رابا (الاَّ الَّذین) <u>یکجا وصل نماید کارد</u>؟ سوال: (۱۴۴۵) (۲) در

---

(۱) ان ذکر حرفا مکان حرف ولم یغیر المعنی الخ لم تفسد صلاته وان غیر المعنی فان امکن الفصل بین الحرفین من غیر مشقة کالطاء مع الصاد الخ تفسد صلاته عند الکل وان کان لا یمکن الفصل الاّ بمشقة کالظاء مع الضاد والصاد مع السین والطاء مع التاء اختلف المشائخ قال اکثرهم لاتفسد صلاته الخ قال الامام ابوالحسن والقاضی الامام ابو عاصم ان تعمد فسدت وان جری علی لسانه اوکان لا یعرف التمیز لا تفسد وهو اعدل الاقاویل والمختار هکذا فی الوجیز للکردری (عالمگیری مصری زلة القاری ج۱ ص۷۴، ماجدیه ج۱ ص۷۹). ظفیر

(۲) وفی المحیط سئل الامام الفضلی عمن یقرء الظاء المعجمة مکان الضاد المعجمة اویقرأ اصحاب الجنة مکان اصحاب النار اوعلی العکس فقال لا یجوز امامته ولو تعمد یکفر قلت اما کون تعمده کفر فلا کلام فیه اذا لم یکن فیه لغتان (شرح فقه اکبر ص ۲۰۵). ظفیر

(۳) عالمگیری کشوری باب صفة الصلٰوة فصل رابع زلة القاری ج۱ ص۸۱ ، ط. ماجدیه ج۱ ص۸۲. ظفیر

سورت والتين (اَسْفَلَ سَافِلِيْنَ) را با (اِلاَّ الذين) الآية وصل تلاوت نمايد آيا نماز درست خواهد شد يا نه؟

جواب: (۱ – ۲) فقهاي متأخرين در اين مورد توسيع نموده اند كه خلاصه آن اينست كه با همچو تغيرات نماز فاسد نميشود تا وقتيكه چنان تغير واقع نشود كه معنى را بالكل فاسد نمايد حكم صحت نماز باقي خواهد باشد: ولو زاد كلمة او نقص كلمة او نقص حرفًا او قدمه اوبدّله بآخر لم تفسد ما لم يتغير المعنٰى [1] الخ اما اماميكه اكثرا همچو غليطها را مرتكب ميشود آن امام قابليت عهدهٔ امامت را ندارد بناء در عوض امام مذكور يک امام ديگر كه فراگير شرائط امامت باشد نصب گردد. فقط

با طرز سرود قرآن خواندن چگونه است؟ سوال: (۱٤٤٦) بطرز سرود خوانان خواندن قرآن مجيد چگونه است؟ آيا خوش آوازي در سرود خواندن داخل است در ما بين سرود وخوش آوازي فرق چگونه است؟

جواب: بطرز سرود خواندن قرآن مجيد ناجائز است قسميكه در حديث شريف ازآن منع آمده است: وعن حذيفة قال قال رسول الله ﷺ اقرأوا القران بلحون العرب واصواتها واياكم ولحون اهل العشق ولحون اهل الكتابين وسيجئ بعدى اقوام يرجعون بالقرآن ترجيع الغناء والنوح لايجاوز حناجرهم مفتونة قلوبهم قلوب الذين يعجبهم شانهم رواه البيهقى فى شعب الايمان. [2] ودر غناء ترجيع آواز وترديد آن ميشود مانند: آ آ آ آ آ الخ بخلاف خوش اوازي كه درآن مد وغيره مطابق قواعد تجويد ميشود ولحن خوش وخوش آوازي در سرود شامل نيست.

درآيت (فَمَنْ كَانَ يَرْجُوْا لِقَآءَ رَبِّه) لفظ (كان) ترک شود چه بايد كرد؟ سوال: (۱٤٤۷) امام در نماز جمعه درآيت (فَمَنْ كَانَ يَرْجُوْا لِقَآءَ رَبِّه) درآن لفظ (كان) را سهوا ترک نمود آيا نماز صحيح شده يا نه؟ يا اعاده ضروري است وبوجه عدم اعاده كسيكه بر امام طعن مي نمايد براي او چه حكم است؟

جواب: دراين صورت نماز صحيح شده است [3] پس هركسيكه بوجه عدم واقفيت اعاده نماز را

(۱) الدر المختار على هامش رد المحتار . باب مايفسد الصلٰوة وما يكره فيها، مطلب زلة القارى ج۱ ص۵۹۲ . ط. س. ج۱ ص۶۳۲. ظفير الدين غفر له

(۲) مشكوٰة . كتاب فضائل القرآن . فصل ثالث صحيح ص ۱۹۱. ظفير

(۳) ولو زاد كلمة الخ لم تفسد ان لم يتغير المعنى (در المختار) قال فى شرح المنية وان ترک كلمة من اية فان لم تغير المعنٰى مثل وجزاء –

ضروري مي پندارد او را باید بفهمانند که اصل مسأله ازآن قرار است. فقط

اگر بجاي (فَالْمُلْقِيَات ذِكْرًا) (فَالْمُدَبِّرَات اَمْرًا) بگوید آیا نماز درست خواهد شد یاخیر؟

سوال: (۱۴۴۸) زید سورة المرسلات را شروع نمود اما بجاي (فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا) آیت سورهٔ والنازعات را که (فَالْمُدَبِّرَاتِ اَمْرًا) بود تلاوت نمود اکنون نماز صحیح شده است یانه؟

جواب: در این صورت نماز درست شده است [1]. فقط

اگر بجاي (وَلَا اَنْتُمْ عَابِدُوْنَ) (وَلَا اَنْتُمْ تَعْبُدُوْنَ) بگوید چه حکم دارد؟ **سوال:** (۱۴۴۹) زید در فرض نماز مغرب سورت قل یا ایها الکافرون را تلاوت نمود ودر (لا اعبدُ ماتعبدون) (ولا انتم تعبدون ما اَعْبُد) قرائت نموده رکعت اول را اداء کرد ودر رکعت دوم (اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللهِ) را تلاوت کرد آیا نماز درست شده است یا خیر؟

جواب: نماز درست شده است بخاطر انکه معنی اش صحیح است. فقط

بعد از قرائت نمودن سیزده ۱۳ آیت اگر بوجه متشابه بودن کدام لفظ ترک شود آیا نماز میشود یانه؟ **سوال:** (۱۴۵۰) اگر امام در قرائت نماز بعد از تلاوت نمودن سیزده (۱۳) آیت، آیت متشابه را قرائت نمود یا یک لفظ در مابین ترک شد وبغیر از سجدهٔ سهوه نماز را به انجام رساند آیا نماز صحیح است یا نه؟

جواب: نماز صحیح شده است. فقط

ألف مقصوره یا ممدوده را با نون غنه تلاوت نمودن نماز میشود یا خیر؟ **سوال:** (۱۴۵۱) اگر یک قاري در نماز الف مقصورہ وممدوده را نون تلفظ کند آیا در نماز کدام تقصیر وارد میشود یا نماز صحیح است؟ مثلا (موسی) را (موسان) میگوید و (صحری) را (صحران) و (بشری) را (بشران) تلفظ مي نماید وعلی هذا القیاس وهرگاه برایش گفته شود که این غلطي را مکن او خشمگین وبغضب میشود ومیگوید که من همچو تلفظ نمي نمایم حال آنکه حفاظ آن را نیز شینده اند وایشان همچنان شکایت مي نمایند.

جواب: نماز صحیح شده است اما براي امام همچو غلطي کردن بکار نیست در همچو غلط

= سینه مثلها بترک سینه الثانیة لا تفسد وان غیرت مثل فما لهم یؤمنون بترک لا، فانه یفسد عند العامة وقیل لا والصحیح الأول (رد المحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها مطلب زلة القاری ج۱ ص۵۹۱ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۲). ظفیر

(۱) ومنها ذکر کلمة علی وجه البدل ان کانت الکلمة التی قرأها مکان کلمتی یقرب معناها وهی فی القرآن لا تفسد صلوته نحو ان قرأ مکان العلیم الحکیم (عالمگیری کشوری فصل خامس زلة القاری ج۱ ص۷۸ ، ط. ماجدیه ج۱ ص۷۹). ظفیر

خواندن هیچ کلام نیست واین لحن است لکن اعاده نمودن نمازهاي قبلي لازمي نیست ودرآینده احتیاط کردن ضروري است [۱] واگر امام این غلطي را ترک نمیکند ناگزیر باید که دیگر امام صحیح تلفظ کننده مقرر کرده شود. فقط

اگر بجاي ضاد ظاء تلفظ شود آیا نماز میشود یا نه؟ سوال: (۱٤۵۲) هر کسیکه در نماز قصد اداء نمودن ضاد را از مخرجش نمود اما در وقت اداء کردن سهوا یا بطور لغزش زبان ضاد را ظاء تلفظ کرد آیا نماز او صحیح است یانه؟ وهرکسیکه قصدا بجاي ضاد ظاء یا زاء بگوید آیا نماز او صحیح است یا خیر؟

جواب: اگر خطاء بجاي ضاد معجمه ظاء معجمه تلفظ شد پس بنا بر قول اکثر نماز صحیح است لکن اگر قصدا بجاي ضاد ظاء یا زاء تلفظ نمود پس قاضي أبوعاصم رح میفرماید که نمازش فاسد است وهمین را قول مختار گفته شده است ودر بزازیه همچنان آن را قول مختار واعدل الاقوال گفته است در شامي است: قال فی الخانیة والخلاصة فیما ذکر بشقة کالظاء مع الضاد المعجمتین والصاد مع السین المهملتین والطاء مع التاء قال اکثرهم لا تفسد اهـ وفی خزانة الاکمل قال القاضی ابو العاصم ان تعمد ذالک تفسد وان جری علی لسانه اولا یعرف التمییز لاتفسد وهو المختار، حلیه، وفی البزازیه وهو اعدل الاقاویل وهو المختار وفی التتارخانیه عن الحاوی حکی عن الصفار انه کان یقول الخطاء اذا دخل فی الحروف لا یفسد لان فیه بلوی عامة الناس [۲] آهـ ص ٤۲۵ شامي جلد۱. فقط

بجاي شین سین تلفظ نمودن نماز درست میشود یا نه؟ سوال: (۱٤۵۳)؟ امام نمودن شخص را که شین را سین تلفظ مي نماید وسین را شین چگونه است وآن عده نمازهاي که با همچو غلطي اداء شده است آن نمازها درست شده است یا نه؟

جواب: آنکس را امام متعین نمودن بکار است که قرآن مجید را صحیح قرائت نماید وآنکس را امام مقرر نکنید که داراي غلطي هاي مذکور باشد ونمازهاي که با غلطیهاي فوق اداء شده است آنها همه درست شده اند اما درآینده آنکس را امام نسازید تا وقتیکه تلفظ قرآن کریم را صحیح

---

(۱) ومنها القرائة بالالحان ان غیر المعنی والاّ لا، الاّ فی حرف مد ولین اذا فحش والاّ لا. (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب مایفسد الصلٰوة ج۱ ص۵۸۹ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۰). ظفیر

(۲) ردالمحتار مطلب زلة القاری باب مایفسد الصلٰوة ج۱ ص۵۹۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۳. ظفیر

نماید. [1] فقط

با غلط قرائت نمودن نماز درست میشود یانه؟ سوال: (۱٤٥٤) یک امام بجاي (آمن الرسول بما انزل الیه من ربه والمؤمنون) تلاوت نمود آیا نماز درست شده است یانه؟

جواب: کدام صورت سوال راکه شما مطرح وتحریر نمودید درآن نماز درست شده است [2]. فقط

آیا با وقف نمودن وعد وقف درسورت فاتحه اسم شیطان ساخته میشد؟ سوال: (۱٤٥٥) زید میگویدکه بعد ازوقف نمودن بردال (الحمد لله) گفتن بکار است زیرا بعدم وقف نمودن لفظ دُلل فهمیده میشود ودُلل اسم شیطان است وهمچنان بر کاف (إیاکـ) وقف نمودن بکار است زیرا بسبب عدم نمودن کَنَعَ فهمیده میشود و (کَنَعَ) اسم شیطان است، بناءا آیا این قول صحیح است یا نه؟

جواب: این قول زید غلط است. فقط

ادا نمودن سمع الله لمن حمده؟ سوال: (۱٤٥٦) یک نفر سمع الله لمن حمده را قسما تلفظ مي نماید که از لِیمن بسمع میرسد وشنیده میشود .آیا این صحیح است یا غلط؟

جواب: همچو قرائت نمودن آنکس باعتبار قرائت غلط است درست نیست در قاعدۀ قرائت آنست که در ضمه وکسره تنها بوي واو، وياء مي آيد، نه آنکه صریح واو وياء يعني (هو ليمن) تلفظ شود این قطعا غلط است بناءا مناسب است که امام مذکور (سمع الله لمن حمده) بگوید واز همچو قرائت خود داري نماید. فقط

غلطیهای مفسد صلاة: سوال: (۱٤٥٧) (۱) یک امام قرآن مجید را غلط میخواند که غلطیهایش از این قرار است: در (الحمد لله) لفظ (ال) چنان تلفظ میکند که ازآن کسرۀ لام معلوم میشود ودال (نَعبُدُ) رامفتوح میگوید وقاف (مُستَقِیمَ) را کاف میخواند الخ بناءا با غلطیهاي فوق الذکر نماز درست میشود یانه؟

---

(۱) در الدر المختار مذکور است: ان كان الخطاء بابدال حرف بحرف فان امكن الفصل بينهما بلا كلفة كالصاد مع الظاء .... فاتفقوا على انه مفسد وان لم يمكن الا بمشقة كالظاء مع الضاد والصاد مع السين فاكثرهم على عدم الفساد لعموم البلوى وبعضهم يعتبر عسر الفصل بين الحرفين وعدمه وبعضهم قرب المخرج وعدمه (ج۱ ص۶۵۹ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۳). ظفير

(۲) ومنها ذكر كلمة مكان كلمة على وجه البدل ان كانت الكلمة التي قرأها مكان كلمة يقرب معناها وهي فى القرآن لا تفسد صلوته (عالمگیری کشوری ج۱ ص۷۸ . ط. ماجدیه ج۱ ص۷۹). ظفیر

ترتیل: سوال: (۱۴۵۸) (۲) ترتیل ضروري است یا خیر شد ومد ضروري است یا چطور؟

جواب: (۱) با همچو غلطیها که در سوال مذکور است بعقب او نماز نمیشود واعاده نمودن بکار است [1].

جواب: (۲) آنقدر ترتیل که حروف همراهش صحیح شود فرض است ودرست شد ومد بعضي ضروري است وبعضي أدنی است [2].

(لآ أعبد) را بحذف لام تلاوت نمود آیا نماز درست شده است یا نه؟ سوال: (۱۴۵۹) در سورت کافرون درآغاز آیت دوم که (لآ اَعْبُدُ) است وبا میم (ما تعبدون) است اگر الف لفظ (لا) والف لفظ (فا) ساقط شود وتنها با فتحه هر دو تلاوت شود آیا نماز درست خواهد شد یانه؟

جواب: نماز درست نشده است براي همه اعاده نمودن بکار است [3]. فقط

اگر بجاي کسره فتح خوانده شود آیا نماز درست خواهد شد یانه؟ سوال: (۱۴۶۰) دریک کتاب نگاشته است که اگر نماز خوان در نماز بجاي کسره فتحه یا بر عکس بگوید پس کافر میشود آیا این صحیح است یا چطور؟

جواب: کافر نمیشود اما نماز فاسد میگزدد [4]. فقط

اگر دو آیت قرائت نماید آیا نماز درست میشود یا نه؟ سوال: (۱۴۶۱) در نماز والشمس را شروع نمود ودر ما بین دو آیت: وَالشَّمْسِ وَضُحٰهَا، وَاللَّیْلِ اِذَا یَغْشٰهَا، را تلاوت نمود آیا نماز درست شده است یانه؟

جواب: نماز درست شده است [5].

در قرائت بعد از تلاوت نمودن یک حصه سورت بفراموش سورت دیگر رفت چه حکم

---

(۱) ولا غیر الالثغ به ای بالالثغ علی الاصح کما فی البحر عن المجتبٰی الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار ج۱ص۵۴۴ ، ط. س. ج۱ ص۵۸۱) قوله: غیر الالثغ به قال فی المغرب هو الذی یتحول لسانه من السین الی الثاء وقیل من الراء الی الغین او اللام او الیاء زاد فی القاموس اومن حرف الی حرف (رد المحتار ج۱ ص۵۴۴ ، ط. س. ج۱ ص۵۸۱). ظفیر

(۲) ورتل القرآن ترتیلاً (سوره مزمل : ۴). ظفیر

(۳) ومنها حذف حرف، الی قوله : ان لم یکن علی وجه الایجاز والترخیم ان غیر المعنی تفسد صلٰوته عند عامة المشائخ (عالمگیری کشوری ج۱ ص۷۸ ، ط. ماجدیه ج۱ ص۷۹). ظفیر

(۴) ان الخطاء اما فی الإعراب ای الحرکات والسکون (الی قوله) ان غیر المعنی تغیرا یکون اعتقاده کفر یفسد فی جمیع ذالک سواء کان فی القرآن اولاً الخ (رد المحتار ج۱ ص۵۹۰). ظفیر

(۵) ومن فرائضها التی لا تصح بدونها (الی قوله) ومنها القرآئة لقادر علیها (در المختار) قوله: ومنها القراءة ای آیة من القرآن وهو فرض عملی فی جمیع رکعات النفل والوتر وفی رکعتین من الفرض (رد المحتار ج۱ ص۴۱۵ ، ط. س. ج۱ ص ۴۴۲ – ۴۴۶). ظفیر

دارد؟ سوال: (۱۴۶۲) عمرو در رکعت اول بعد از سورت فاتحه آیت ذیل را تلاوت نمود: لله ما فی السّمٰوٰت وما فی الارض الملک القدوس العزیز الحکیم، تابه: وَاللّٰہُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الظّٰلمین، تلاوت نمود وسپس از آن بازگشت نمود وآخرین رکوع سورت بقره را شروع کرد؟ (لله مَا فِی السّمٰوٰت وما فی الارض) وتا به آخر آن را قرائت نمود ودر رکعت دوم بعد از سورت فاتحه آخرین رکوع سورت مزمل را خوانده نماز را به پایان رساند بناءا در این حالت نماز صحیح شده است یانه؟

جواب: عمرو اول بنا بر فراموشي تلاوت را غلط نمود، سپس آخرین آیت هاي سورت بقره را صحیح خواند ودر رکعت دوم آخرین رکوع سورت مزمل را خواند بناءا نماز درست شده است وسجده سهوه وغیره هیچ لازم نیست اما راجح وبهتر آنهست که در هر یک از نماز فرض در هر یک رکعت در هر دو رکعت اولین سورت کامل را بعد ا از: اَلْحَمْدُ بخواند وقرائت نمودن آیت هاي متفرق در فرائض خلاف مستحب است [۱]. فقط

مخرج ضاد کدام است؟ سوال: (۱۴۶۳) ضاد را با ظاء مشابه ویکسان خواندن بکار است یا با دال مشابه ویا چگونه خوانده شود؟

جواب: حرف ضاد یک حرف مستقل وجداگانه است که با لسان عربي اختصاص دارد وضاد را نه با دال مشابه خواندن بکار است ونه با ظاء خواندن بکار است وآموختن تلفظ ضاد بغیر از قاري مستند ومشافهة در فهم آمده نمیتواند باقي ماند آنکه درآن یکنوع آنچه که تشابه پنداشته میشود ازکتاب هاي تجوید وقرائت وعبارات آنها تشابه با ظاء معلوم میشود در نهایة القول المفید في علوم التجوید مطبوعهٔ مصر: ص۴۸ مطالعه شود ومعمول قراء حرمین شریفین زاد الله شرفهما تشابه بالدال جریان دارد ومیشود که دلائل آنها دراینجا بسبب مضیقه عرض شده نمیتواند وچونکه این یک چیز حالي وکیفي است که تنها درکتابت ونگارش دشوار میباشد. فقط

در قرائت بعضی الفاظ ترک شده است آیا نماز درست شده است یانه؟ سوال: (۱۴۶۴) (۱) اگرامام در نماز آیت: وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللّٰهِ، یعني بعد از (یا

---

(۱) الافضل ان یقرأ فی کل رکعة الفاتحة وسورة کاملة فی المکتوبة (عالمگیری کشوری ج۱ ص۷۷ ، ط. ماجدیه ج۱ ص۷۸) ولو قرأ فی رکعة من وسط سورة ومن آخر سورة وقرأ فی الرکعة الاخرٰی من وسط سورة اخرٰی او من آخر سورة اخرى لا ینبغی له ان یفعل ذالک علی ماهو ظاهر الروایة ولکن لو فعل ذالک لا باس به (ایضاً، ط. ماجدیه ج۱ ص۷۸). ظفیر

بنی) (إِسْرَائِيلَ إِنِّي) را ترک نمود آیا نماز درست شده است یا ناقص گردیده؟ ودر این وقت یک مقتدي دیگر این آیت را بیاد داشت اما او نیز برایش فتحه نداد آیا نماز او درست شده است یا نه؟

اگر درما بین برخی ازقرائت ترک شود چه حکم دارد؟ **سوال:** (۱٤٦٥) (۲) در سورت رحمن آیت (حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ) را شروع نمود ودر ما بین آیت ها را ترک نموده واز (مُتَّكِئِينَ عَلَى رَفْرَفٍ) إلى آخره آن را تلاوت نمود آیا نماز درست شده است یانه؟

جواب: (۱) نماز درست شده است وکدام نقصان در آن وارد نیامده أست وهمچنان نماز آنکس نیز درست شده است که فتحه نداده است، ونماز سائر مقتدیان همچنان درست شده است [۱]. فقط

جواب: (۲) در این صورت نیز نماز درست شده است وکدام نقصان در آن نیامده [۲] فقط.

در نماز حرف ضاد را چگونه خواندن بکار است؟ **سوال:** (۱٤٦٦) حرف ضاد را در نماز چگونه خواندن بکار است؟

جواب: ضاد را از مخرج خویش اداء نمودن بکار است واگر از مخرج بیرون شده نمیتواند پس هر قسمیکه اداء شود نماز درست واداء میشود [۳]. فقط

اگر بجای (لَحَافِظُونَ) لنا حافظون بخواند نماز درست میشود یانه؟ **سوال:** (۱٤٦٧) علماء دین ومفتیان شرع متین در مورد آن مسأله چه میفرمایند که امام در رکعت اول نماز بعد از مقدار ده (۱۰) آیت قرائت نمودن اگر سهوا بجاي (لَحَافِظُونَ) لنا حافظون بگوید در این صورت نماز درست خواهد شد یا نه؟ بناء پاسخ سوال را با ارائه حواله کتاب تحریر فرمائید؟

جواب: نماز درست شده است [٤]. فقط

مخرج ضاد کدام است وکسیکه دال را مفخم بگوید آیا امامت او درست است یانه؟

---

(۱) ولو زاد كلمة او نقص كلمة او نقص حرفا او قدمه اوبدله أخر الخ لم تفسد مالم يتغير المعنى (الدر المختار فصل زلة القارى ج۱ ص۵۹۰ ، ط. س. ج۱ ص ٦٣٢). ظفير

(۲) ولو زاد كلمة او نقص كلمة او نقص حرفا او قدمه اوبدله أخر الخ لم تفسد مالم يتغير المعنى (الدر المختار فصل زلة القارى ج۱ ص۵۹۰ ، ط. س. ج۱ ص ٦٣٢). ظفير

(۳) الاّ ما يشق تمييزه كالضاد والظاء فاكثرهم لم يفسدها (الدرالمختار ج۱ ص۵۹۱، ط. س. ج۱ ص٦٣٣). ظفير

(٤) ولو زاد كلمة او نقص كلمة او نقص حرفا او قدمه اوبدله أخر الخ لم تفسد مالم يتغير المعنى (الدر المختار فصل زلة القارى ج۱ ص۵۹۰ ، ط. س. ج۱ ص ٦٣٢). ظفير

سوال: (۱٤٦۸) از عبارت جزريه وشاطبيه وتحفة النذرية وملا علي قاري واضح وروشن است كه ضاد معجمه را از دال وظاء جدا خواندن فرض است؟ اگر كسي مي آموزد يقينا ضاد را صحيح خوانده ميتواند لكن نميخواهد كه بياموزد واو را مشابه ظاء ويا دال مفخم ميگويد بناء امامت او درست است يانه؟

جواب: اگر ضاد را در صورت خواندن دال مفخم بر آن حكم عدم صحت نماز شود پس نماز هيچكس از علماء وقراء عرب وامامان مساجد درست نخواهد شد وهمچنان نماز يكي ازمقتديان نيز درست نخواهد شد زيرا ايشان همه (دوالين) تلفظ مي نمايند. پس معلوم شد كه چنين حكم صادر نمودن غلط ونادرست است ودرآن حرج ميباشد البته عمده وبهتر آنست كه كوشش شود ازمخرج اداء گردد نه آن را ظاء تلفظ كند ونه دال وحضرت مولانا رشيد أحمد گنگوهي قدس سره تحرير فرموده است، كه ضاد را در صورت دال مفخم خواندن دال نيست قسميكه طاء، تاء نيست وقس عليه، بلكه مخرج ضاد ناقص است آنكه مشابه دال مفخم معلوم ميشود. [1] فقط

فصل دوم مكروهات نماز

آن چيزهاي كه بسبب آنها درنماز كراهيت پيدا ميشود

روبرو قبر نماز خواندن چگونه است؟ **سوال:** (۱٤۰۹) زيد يک مسجد را ا عمار نمود كه در ما بين صحن آن مسجد يک قبر است كه نقشه آن منسلک ميباشد بناء اگر كدام شخص رو يا روي قبر نماز اداء كند آيا جائز است يانه؟

جواب: روبروي محاذات قبر نماز اداء نمودن مكروه است بناء مناسب آنست كه در همچو موارد اگر قبر باشد چنانچه درآن صورت موجوده است پس نشاني آن قبر محوه گردد وهر گاه نشاني قبر در فرش مسجد باقي نماند پس در نماز كدام كراهيت نخواهد باشد واگر نشاني قبر از بين نرود ومحوه نشود پس در آن صورت روبروي محاذات قبر نماز خواندن مكروه است علاج وراه بيرون رفت آن اگر قسما شود كه در هر جانب قبر يک ديوار ساخته شود پس در آن

(۱) قوله مخرج ناقص است الخ دليلش آنست كه در صورت دال مفخم مخرج ضاد يعني از حافة لسان مع الاضراس،بسيار كار گرفته ميشود ومخرج دال نعني براي كناره زبان وبيخ ثنايا عليا نيز في الجملة شمول داشته ميباشد البته كدام صفات دال كه است در صورت دال معجم اداء نميشود ودر اينجا مخارج وصفات از فوائد مكيه ماخوذ است. جميل الرحمن

وقت کراهیت مرتفع ودور خواهد شد [۱]. فقط

آیا در وقت سجده رفتن یا جامه را بلند نمودن نا پسند است؟ **سوال:** (۱٤۷۰) در وقت رفتن از قومه بطرف سجده بعضي مردم ازار را بلند مي نما يند آیا این نماز جائز است یانه؟

جواب: بلا ضرورت چنین بمردن ناپسند است ونماز اداء میشود. [۲] فقط

در زمین بغیر از اجازه نماز جائز است یانه؟ **سوال:** (۱٤۷۱) اگر بدون اجازه درزمین کسي نماز اداء نمود آیا نماز درست شده است یا خیر؟

جواب: نماز درست شده است [۳]. فقط

بطور عاجزي سرلچ نماز خواندن بلا کراهیت جائز است: **سوال:** (۱٤۷۲) در یک کتاب نوشته شده است هر کسیکه سر لچ بر این نیت نماز اداء نماید که با تواضع وعاجزي به درگاه خداوند حاضر میشوم آیا در آن کدام حرج نیست؟

جواب: همانطور در کتاب هاي فقه نیز نوشته شده است که با داشتن نیت مذکوره سر لچ نماز خواندن کراهیت ندارد. در الدر المختار [٤] مذکور است: لأ باس به للتذلل الخ. فقط

امامت دادن با بستن دستمال یا دست پاک چگونه است؟ **سوال:** (۱٤۷۳) بجاي دستار دستمال یا دست پاک را بسر نموده امامت دادن جائز است یانه؟ ودست پاک را برکلاه بسته نمودن مکروه است یا خیر؟ وهمچنان درین صورت نماز دادن مکروه است یا نه ؟ واین اعتجار

---

(۱) وکذا تکره في اماکن کفوق کعبة الخ ومقبرة (در مختار) واختلف فی علته فقیل لان فیها عظام الموتی وصدیدهم وهو نجس وفیه نظر وقیل لان اصل عبادة الاصنام اتخاذ قبور الصالحین مساجد وقیل لانه تشبه بالیهود وعلیه مشی فی الخانیه ولاباس بالصلاة فیها اذا کان فیها موضع اعد للصلاة ولیس فیه قبر ولا نجاسة ولا قبلة الی قبر (رد المحتار کتاب الصلاة ج۱ ص۳۵۲ ، ط. س. ج۱ ص۳۷۹). ظفیر

(۲) وکره کفه ای رفعه ولو لتراب کمشمر کم او ذیل وعبثه به ای بثوبه وبجسده للنهی الا لحاجة ولا باس به خارج صلاة (درمختار) قال فی النهایه وحاصله ان کل عمل هومفید للمصلي فلاباس به اصله ماروی ان النبي ﷺ عرق فی صلاته فسلت العرق عن جبینه ای مسحه لانه کان یؤذیه فکان مفید وفی زمن الصیف کان مفیدا کیلا تبقی صورة فاما لیس بمفید فهو العبث آهـ وقوله کي لاتبقی صورة یعني حکایته صورة الالیة کما في الحواشي السعدیة الخ (ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها ج۱ ص۵۹۸ – ۵۹۹، ط. س. ج۱ ص٦٤۱). ظفیر

(۳) وکذا تکره الخ او للغیر لو مزروعة (درمختار) فإن اضطر بین أرض مسلم وکافر یصلي في أرض المسلم إذا لم تکن مزروعة، فلو مزروعة أو لکافر یصلي في الطریق اهـ أي لان له في الطریق حقا کما في مختارات النوازل، وفیها: تکره في أرض الغیر لو مزروعة أو مکروبة، إلا إذا کانت بینهما صداقة أو رأی صاحبها لا یکرهه فلا بأس اهـ نقل سیدي عبد الغني عن الاحکام لوالده الشیخ إسماعیل أن النزول في أرض الغیر، إن کان لها حائط أو حائل یمنع منه وإلا فلا، والمعتبر فیه العرف اهـ یعني عرف الناس بالرضا (ردالمحتار کتاب الصلاة ج۱ ص۳۵٤ ، ط. س. ج۱ ص۳۸۱). ظفیر

(٤) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسدالصلوٰة ومایکره فیها ج۱ ص۵۹۹، ط. س. ج۱ ص٦٤۱. ظفیر

است يا نه؟ واگر كسي بر او طعن مي نمايد والفاظ جاهلانه وتوهين آميز را بگويد آيا او را عتاب دادن بكار است يانه؟

جواب: دست پاک ورومال را بركلاه بستن مكروه نيست يعني بطور عمامه آن را بسته كردن مكروه نيست ونماز نيز همرايش مكروه نمباشد وابن اعتجار مكروه نيست ولفظ عصابه بمعني عمامه نيز آمده است وكدام جبيره كه بالاى سر بسته ميشود آن را همچنان عصابه ميگويند، چنانچه العصابة تاتي بمعنى العمامة كما في القاموس وشرح شمائل للقاري [1] در مورد عمامه مباركهٔ آن حضرت ﷺ منقول است كه ايشان دو نوع عمامه داشتند يكي هفت ذراع ودوم دوازده ذراع بود لكن صحيح آنست كه درآن هيچ نوعه تحديد شرعا نيست وبقدر ضرورت شدن كافي أست [2]. دركتاب جمع الوسائل شرح الشمائل لعلي القاري چنين مذكور است: وقال الشيخ الجزري في تصحيح المصابيح: تتبعت الكتب وتطلبت من السير والتواريخ لاقف على قدر عمامة النبى ﷺ فلم اقف حتى اخبرنى من اثق به انه وقف على شئ من كلام النووى ذكر فيه انه كان له ﷺ عمامةً قصيرةً وعمامةً طويلةً وان القصيرة كانت سبعةَ اذرع مطلقًا من غير تقييد بالقصير والطويل [3] الخ. فقط

در نماز برختم بعضي آيت ها دعا وحكم آن: **سوال:** (۱۴۷۴) (۱) يک امام عالم در نماز تراويح سورت رحمن را تلاوت نمود (فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ) وبعد از آن خاموش شد ومقتديان در جواب او (لَا بِشَيْءٍ مِنْ نِعَمِكَ رَبَّنَا نُكَذِّبُ فَلَكَ الْحَمْدُ) بالجهر خواندند، وهمچنان در آن فرائض كه قرائت در آنها جهرا خوانده ميشود ودر آن با ختم شدن سورت قيامة لفظ بلى ودر سورت أعلى (سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ) (سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى) ودر ختم شدن سورة والتين (بَلَى وَأَنَا عَلَى ذَالِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ) وغيره مقتديان جهرا بگويند، در نماز تراويح وفرائض براي مقتديان ارائه نمودن تعليم خواندن جواب آيت هاي مذكوره وبر آن عمل كردن چطور است؟

---

(۱) جمع الوسائل. ظفير

(۲) فان لم تكن عمامته بالكبيرة التى يؤذى حملها حاملها الخ ولا بالصغيرة التى تقصر عن وقاية الرأس من الحر والبرد بل كانت وسط بين ذلک الخ وقال السيوطى لم يثبت فى مقدارها حديث وفى مايدل على انها عشرة اذرع والظاهر انها كانت نحو العشرة او فوقها بيسير وقال الطحاوى فى فتاويه رأيت مانسب لعائشة ان عمامته ﷺ فى السفر بيضاء وفى الحضر سوداء وكل منها سبعة اذرع الخ وفى تصحيح المصابيح لابن الجزرى تتبعت الكتب الخ لاقف على قدر عمامته ﷺ فلم اقف على شيء حتى اخبرنى من اثق به انه وقف على شيء من كلام النووى ذكر فيه انه كان له عمامة قصيرة ستة اذرع وعمامة طويلة اثنا عشر ذراعا (شرح المواهب اللدنيه للزرقانى ج۵ ص۴). ظفير

(۳) جمع الوسائل. ظفير

برای امام بر همچو آیت ها مکث نمودن چگونه است؟ **سوال:** (۱٤۷۵) (۲) براي امام در حالت نماز تراويح ويا فرائض بعد از خواندن آيت های جوابي مکث نمودن وبعد از شنيدن جواب هاي مقتديان باز قرائت شروع کردن چگونه است؟

آيا بر همچو کردن اشتغال بر غير قرآن نمی آيد؟ **سوال:** (۱٤۷٦) ارائه نمودن جوابات فوق الذکر در نماز فرض يا تراويح مقتدي مشتغل بغير القرآن دانسته ميشود يا نه؟

با همچنان اشتغال در غير قرآن مفسد صلاة است يا نه؟ **سوال:** (۱٤۷۷) (۳) با چنين نوع اشتغال بغير القرآن نماز چه حکم دارد؟

اگر کراهيت داشته باشد ايا اعاده اش واجب است يا نه؟ **سوال:** (۱٤۷۸) اگر حکم کراهيت تحريمي ثابت شود پس اعادۀ نماز لازم ميشود يانه؟

در ائمۀ أربعه اين مذهب کيست؟ **سوال:** (۱٤۷۹) (٤) در خير القرون ازآن وقتيکه بر بيست رکعت تراويح اجماع منعقد شده است آيا همچو عمل را کسي انجام داده است يا خير؟ ودر ما بين أئمۀ أربعه اين فعل مذهب کيست؟

جواب: (۱) جائز نيست: يظهر من الروايات المنقولة فی السوال، وفی شرح المنية الکبير واما الامام والمقتدی فلا يفعل ذالک السوال والتعوذ لا فی الفرض ولا فی النفل الذی تقصد منه الجماعة کالتراويح .[۱]

جواب: (۲) اين فعل امام مکروه است ومنافي موضوع نماز ميباشد.

جواب: (۳) و (٤) و(۵) ظاهر است که اين اشتغال بغير القرآن است وبا همچو کردن در نماز کراهيت تحريمي واقع مي شود ودر صورت کراهيت تحريمي اعاده نمودن نماز واجب است واز ضرورت اعاده معلوم شد که نخست در نماز نقصان آمده وبخاطر جبيرۀ نقصان مذکور اعاده واجب شده است [۲].

جواب: (٦) ثابت نيست ودر جملۀ أئمه امام شافعي است که آن را جائز فرموده کما في شرح المنية الکبير:وإن کان المصلي المنفرد في الفرض يکره له ذلک لعدم الورود وفيه خلاف الشافعي

---

(۱) غنية المستملي ص ۳٤۵ . ظفير

(۲) وکل صلوة اديت مع کراهة التحريم تجب اعادتها والمختار انه جابر للاول (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب صفة الصلاة مطلب واجبات الصلوة ج۱ص٤۲۵ – ٤۲٦ ، ط. س. ج۱ ص٤۵٦). ظفير

(رج) استدل بالحديث ولنا أنه في النفل كما مر. فقط

اگر تنها کلاه بسر باشد نماز مکروه نیست: سوال: (۱۴۸۰) کلاه بسر نمودن امامت دادن بغیر کراهیت جائز است یانه؟

جواب: کُلاه پوشیدن امامت دادن درست است ودرآن کراهیت نیست البته با عمامه نماز خواندن وامامت دادن افضل وباعث ثواب مزید است لکن کلاه نیز مکروه نیست. کذا في شرح المنية الكبير [1]. فقط

با إشارۀ یک دست نابینا را بطرف قبله متوجه کردن چگونه است؟ سوال: (۱۴۸۱) اگر کدام نابینا بغیر از درست بودن سمت قبله در نماز جماعت شامل شود ونماز خوان همجوارش دست را دراز نموده او را بجهت قبله هموار نمود در حالیکه سینۀ نماز خوان همجوار از قبله نگشته بود ونه دیگر کدام حرکت شکنندۀ نماز از او صادر شده بود آیا نماز او خواهد شد یا نه؟ واگر نابینا هموار ودرست بطرف قبله ایستاد نباشد ونماز را اداء نماید آیا نماز او درست خواهد شد یا خیر؟

جواب: اگر با اشارۀ یک دست رخ نابینا مذکور را درست نماید پس اینقدر عمل فعل قلیل است وفعل قلیل مفسد صلاة نیست واگر ضرورت براي درشت نمودن او به هردو دست باشد پس این عمل وفعل کثیر است ودر این صورت نماز کم کننده درست نخواهد شد وبهتر آنست که اگر رخ نابینا را نماز خوان همجوار درست نماید پس از سر نو تجدید نیت کند [2] واگر نماز خوان همجوار رخ او را درست نکرد پس نماز نابینا درست میشود. فقط

دروازه را مسدود نموده نماز را شروع کرد ودرآن اثنا آمد ودر شور شغب پرداخت بناء چه باید کرد؟ سوال: (۱۴۸۲) اگر کسي در کدام حالت دروازه اطاق را از طرف داخل مسدود نماید ونماز را شروع کند وکسي دیگر میخواهد که بداخل تشریف آورد اما برایش

---

(۱) والمستحب ان يصلي الرجل في ثلثة اثواب ازار وقميص وعمامة ولو صلى في ثوب واحد متوشحا به جميع بدنه كما يفعله القصّار في المقصرة جاز من غير كراهة مع تيسير وجود الطاهر الزائد ولكن فيه ترک الاستحباب (غنية المستملي ص۳۳۷). ظفير

(۲) ويفسدها كل عمل كثير ليس من اعمالها ولاصلاحها وفيه اقوال خمسة اصحها ما لا يشک بسببه الناظر من بعيد في فاعله انه ليس فيها وان شک انه فيها ام لا، فقليل (در المختار) رواه الثلجي عن اصحابنا، حلية. القول الثاني ان ما يعمل عادة باليدين كثير وان عمل بواحدة كالتعمم وشدّ السراويل وماعمل بواحدة قليل الخ واكثر الفروع او جميعها مفرّع على الاولين والظاهر ان ثانيهما ليس خارجا عن الاول لان مايقام باليدين عادة يغلب ظن الناظر انه ليس في الصلوة (ردالمحتار باب مايفسد الصلوة الخ ج۱ ص۵۸۳ – ۵۸۴ . ط. س. ج۱ ص۶۲۴). ظفير الدين

معلوم نیست که شخص در داخل نماز میخواند وحالانکه شخص بیروني آلقدر فریاد ومضیقه را آغاز کرده است که براي شخص داخلي رجوع نمودن ازنماز بسیار مشکل شده است بناء اکنون نماز خوان چه طریقه اختیار نماید؟

اگر در حالت نماز انسان یا جانور حمله آور باشد پس چه باید کرد؟ **سوال:** (۱٤۸۳) در همچو حالت قائم نمودن نماز مقابله دشمن را چگونه باید کرد خواه انسان باشد یا حیوان باشد یا حشرات الارض باشد که از آن اندیشهٔ أذیت ونقصان احساس شود؟

جواب: (۱) در همچو حالت اگر با تازه نمودن حلقوم مشکل حل میشد پس تازه نمودن حلقوم درست است بخاطر آنکه شخص که از بیرون آمدن است او بداند که نماز اداء مینماید قسمیکه در در مختار فرموده است: او للاعلام أنه في الصلاة فلا ساد علی الصحیح [۱] الخ وباقي نماز خواندن در آن صورت درست نیست کما یظهر من تفصیل العلماء.

جواب: (۲) نماز را بشکناند درالدر المختار مذکور است: وما یباح قتل حیة [۲] الخ فقط، وقبل از این چنین عبارت مذکور است: وند دابة وفور قدر وضیاع ما قیمته درهم له أو لغیره الدر المختار قوله: ویباح قطعها اي ولو کانت فرضا کما في الامداد، شامي [۳]. فقط

اگر لنگ یا ازار نماز خوان بگشاید آیا به هر دو دست آن را بستن درست است یانه؟

سوال: (۱٤۸٤) اگر در حالت نماز لنگ یا ازار نماز خوان بگشاید آیا نماز خوان آن را با هر دو دست بسته کرده ونماز را به انجام رسانده میتواند یا از سر نو نماز اداء نماید وهمچنان دکمهٔ کلاه قطیفه وغیره همه افعال است که با هر دو دست انجام مي پذیرد اگر با هر دو دست آن امور درست شود پس آن نماز جه حکم خواهد داشت؟

جواب: در کبیري شرح منیة مذکور است: ویکره ایضا فی الصلٰوة نزع القمیص والقلنسوة الخ وکذا یکره لبسها اذا کان النزع واللبس بعمل یسیر لانه عمل اجنبی من الصلٰوة لایحصل به تتمیم شيئ من اعمالها ولهٰذا کان مفسداً اذا حصل بعمل کثیر بان احتاج الی الیدین او کان مما لو رآه الناظر ظنه لیس فی الصلٰوة [٤] الخ. از این عبارت معلوم شد که درحالت نماز اگر پوشیدن

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد ومایکره فیها ج۱ ص۵۷۸ ، ط. س. ج۱ ص۶۱۹. ظفیر

(۲) الدرالمختار علي هامش ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص۶۱۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۵۱. ظفیر

(۳) رد المحتار ایضاً ، ط. س. ج۱ ص۶۵٤. ظفیر

(٤) غنیة المستملی مکروهات صلٰوة ص۳٤٤ . ظفیر

وکشیدن، کرته وکلاه بعمل یسیر باشد یعني بیک دست باشد وبدان طریقه طوري باشد که نگاه کننده وناظر بر نمازگذار چنان فکر نکند که او در نماز نیست پس درآن صورت مکروه است واگر بعمل کثیر باشد پس این عمل مفسد صلاة است بسته نمودن ازاربند، لنگ وغیره بغیر از هردو دست ظاهرا دشوار است لهذا این عمل کثیر است ومفسد صلاة میباشد [1]. فقط

ازجلد دباغت شدهٔ آهو مصلی ساختن درست است: سوال: (۱٤۸۵) ازآن جلد آهو مصلی ساختن که هر چهار ناخون وشاخهایش آویزان باشد وبر آن نماز ادا نمودن مکروه است یا نه؟

جواب: برهمچو جلد نماز اداء نمودن بغیر ازکراهیت درست است زیرا هیچ دلیل کراهیت درآن نیست [2]. فقط

بازوئیٰ برهنه نماز خواندن مکروه است: سوال: (۱٤۸٦) اگر بازو برهنه باشد نماز میشود یا نه؟

جواب: نماز میشود اما این عمل خلاف سنت ومکروه است یعني وقتیکه لباس موجود باشد واگر نباشد پس در آن کدام کراهیت نیست [3]. فقط

با کلاه ساخته شدهٔ رخت سرقت نماز چگونه است: سوال: (۱٤۸۷) اکثر مردم چنان عمل میکنند که از خیاط لباس میخواهند یا درکرته بطور مثال نشاني (کالر) را نصب مي نمایند وخیاط از لباس دیگر درآن نصب میکند بناء در همچو لباس نماز خواندن جائز است یانه؟

جواب: نماز اداء میشود لکن همچو کردن جائز نیست واگر گمان غالب بر آن باشد که خیاط درآن رخت سرقت را استعمال نموده است بازهم نماز مکروه میشود اگر چه اداء خواهد شد.

---

(۱) ویفسدها کل عمل کثیر لیس من اعمالها ولا لاصلاحها وفیه اقوال خمسة اصحها لا یشک بسببه الناظر من بعید فی فاعله ان لیس فیها وان شک انه فیها ام لا فقلیل الخ (در المختار) القول الثانی ان ما یعمل عادةً بالیدین کثیر وان عمل براحدة کالتعمم وشد السراویل وما عمل براحدة قلیل وان عمل بهما کحلّ السراویل ولبس القلنسوة الخ (رد المحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص۵۸۳ – ۵۸٤ ، ط. س. ج۱ ص٦۲٤). ظفیر

(۲) شعر المیتة وعظمها طاهر وکذا العصب والحافر والخف والظلف والقرن والصوف والوبر والریش والسن والمنقار والمخلب الخ (عالمگیری کشوری باب المیاه فصل ثانی ج۱ ص۲۳ ، ط. ماجدیه ج۱ ص۲٤) کل اهاب دبغ دباغة حقیقیة بالادویة اوحکمیة بالتتریب والتشمیس والالقاء فی الریح فقد ظهر وجازت الصلٰوة فیه (ایضًا ، ط. ماجدیه ج۱ ص۲۵). ظفیر

(۳) ولو صلی رافعًا کمّیه الی المرفقین کره کذا فی فتاوی قاضی خان (عالمگیری کشوری باب مایکره فی الصلٰوة ج۱ ص۱۰۵ ، ط. ماجدیه ج۱ ص۱۰٦). ظفیر

فقط [1]

اگر نمازخوان با استعمالِ پکه خوشنود میشود درنماز او کدام کراهیت نیست؟ سوال: (۱٤۸۸) اگر برای نماز گذار کسي پکه میزند ونماز خوان بر آن فعل خرسند باشد آیا نمازش درست میشود یانه؟

جواب: اگر براي نماز گذار کسي خاص به رضاي الله پکه میزند ونماز خوان از آن راحت محسوس مي نماید وبا اطمینان نماز خود را کامل نماید در این صورت در نماز کدام فساد وکراهیت نمي آید ونماز گذار اگر به این خرسند شود بازهم در نمازش کدام فساد وکراهیت نمي آید وآن عده باد پکه هاي که در مساجد نصب است با جریان آنها نیز در نماز کسي فساد وکراهیت واقع نمیشود البته براي نماز خوان درآن مورد حکم نمودن بکار نیست که در وقت نماز خواندن برایم باد پکه بزن بخاطر آنکه این سخن خلاف أدب است اگر چه با آنهم در نماز چیزي کراهیت نیز نمي آید. فقط

حد عبور نمودن از پیش روی نماز گذار: سوال: (۱٤۸۹) عبور نمودن از پیشروي نماز گذار ممنوع است وجه آن چیست که اگر کسي بیرون بالاي فرش نماز بخواند ودر داخل مسجد از پیشروي او عبور کردن جائز است یانه؟

جواب: وجهش آنست که درمسجد بزرگ تا جاي که نظر نماز خوان میرسد وتا وقتیکه نظر خود را نماز خوان بر جاي سجده داشته باشد تا به آن حدود از پیشروي او کسي مرور نمیکند فلهذا اگر کسي بیرون بالاي فرش نماز بخواند پس در حصه داخل مسجد از پیشروي او عبور کرده میتواند [2]. فقط

در نماز تصفیه نمودن خاک پیشاني چطور است؟ سوال: (۱٤۹۰) در نماز اکثر اوقات پیشاني خاک آلود میشود وپاک نمودن آن چگونه است؟

جواب: درنماز آن را نباید پاک کرد واگر بعد از نمازآن را پاک کند در آن کدام حرج نیست

---

(۱) وکذا تکره فی اماکن کفوق کعبة الخ وارض مغصوبة (الدرالمختار علی هامش رد المحتار کتاب الصلٰوة قبیل باب الاذان ج۱ ص۳۵٤ ، ط. س. ج۱ ص٤۰۳). ظفیر

(۲) ومرور مارّ فی الصحراء وفی مسجد کبیر بموضع سجوده فی الاصح او مرور بین یدیه اوحائط القبلة فی بیت ومسجد صغیر فانه کبقعة واحدة مطلقا (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص۵۹۳ ، ط. س. ج۱ ص٦۳٤). ظفیر

لکن بهتر آنست که آن را تصفیه نکند [۱]. فقط

با کلاه عسکری نماز جائز است: **سوال**: (۱۴۹۱) اگر کسي بجاي کلاه کلاه عسکري را بسر نموده نماز را اداء کند یا امامت مي نماید آیا نمازش جائز است یانه؟ وهمچنان بغیر از نماز بسر نمودن آن چگونه است؟

جواب: با کلاه عسکري نماز خواندن درست میشود ودر لباس وکلاه کدام وضع وطریقه خاص مامور به نیست بلکه هر قسمیکه عادت ورواج یک مملکت باشد موافق آن لباس وکلاه وغیره استعمال نمودن درست است در حدیث شریف است: کلوا ما شئتم والبسوا ما شئتم، الحدیث [۲] یعني هر چیزیکه پسند شما باشد بنوشید وهر چیزي را که خوش دارید بپوشید اما از حرام خوٰد داري کنید تکبر واسراف مکنید. فقط

اگر در جیب پول رشوت باشد نماز درست میشود یا نه؟ وهمچنان با پول رشوت لباس خریده شده نماز در آن چگونه است؟ **سوال**: (۱۴۹۲) اگر در جیب یک نفر پول رشوت باشد آیا نماز او درست میشود یانه؟ وهمچنان لباس که با پول رشوت ساخته شده باشد ودر بدن نماز خوان باشد آیا نماز درست خواهد شد یانه؟

جواب: نماز درست میشود ودر نماز بخاطر آن وجه کراهیت نیست که گناه رشوت علیحده میباشد واگر در بدنش لباس ساخته شده به پول رشوت باشد در این صورت نماز مکروه است [۳]. فقط

در نماز تصور بچه وغیره ناپسند است: **سوال**: (۱۴۹۳) در نماز تصور نمودن پسر وغیره جائز است یانه؟

(۲) وهمچنان کدام چیز دنیاوي را تصور نمودن چگونه است؟

قصدا تصور نمودن پسر چگونه است؟ **سوال**: (۱۴۹۴) (۳) بعد از تکبیر تحریمه که تصور پسر کرده شود چطور خواهد باشد؟

جواب: (۱ و۲) در نماز بغیر از الله تصور هیچ چیز وقصدا در خیال ونظر اوردن هیچ کس بکار

---

(۱) ویکره للمصلی ان یمسح عرقه اویمسح التراب عن جبهته فی اثناء الصلوٰة الخ ولایکره بعد الصلام (غنیة المستملی ص ۳۴۵). ظفیر

(۲) با همجو الفاظ بعینه الفاظ را دریافت نکردم وباقی در جواز نماز قطعا هیچ کلام نیست والله اعلم. ظفیر

(۳) قسمیکه در أرض مغصوبه نماز مکروه است وکذا تکره في أماکن کفوق کعبة الخ وأرض مغصوبة (الدرالمختار علی هامش رد المحتار کتاب الصلاة ج۱ ص۳۸۴). ظفیر

نیست [۱].

جواب: (۳) مناسب نیست. [۲] فقط

بعد از سلام بغير از دعا كردن مقتدي رفته ميتواند: سوال: (۱٤۹۵) براي مقتدي در دعاي امام شركت ورزيدن ضروري است ويا رعايت وقت بايد بشود؟

جواب: ۱ اگر مقتدي ضرورت داشته باشد ويا كار عاجل دارد او بعد از سلام فورا رفته ميتواند ودرآن كدام گناه نيست وبر او طعن گفتن مناسب نيست واگر تا به ختم دعا انتظار نمايد وبا امام در دعا شركت ورزد بهتر خواهد بود ودرآن بواب مزيد ميباشد [۳]. فقط

اصلا نمودن نماز خوان كه جهت قبله را غلط نموده باشد جائز است: سوال: (۱٤۹٦) هر كسيكه بلا جهت قبله نماز ميخواند او را بطرف قبله مستقيم نمودن بدست بكار است يا به زبان؟

جواب: او را بدست وزبان هر دو مستقيم نمودن درست است كه در آن صورت در نماز كدام نقصان واقع نخواهد آيد [٤] يعني در نماز اين نماز خوان خلل نمي آيد واگر مستقيم كننده خودش در نماز باشد درآن صورت او را با يک دست درست ايستاد نمودن بكار است واگر درآن حالت بزبان برايش گفت نمازش درست نخواهد شد زيرا درنماز سخن گفتن نماز فاسد مي نمايد. والله اعلم. ظفير

در حالت نماز قطيفه يا كمبل از خود پيچاندن درست است يا نه؟ سوال: (۱٤۹۷) (۱) در وقت نماز قطيفه يا كمبل را برشانه انداختن بكار است يا بالاي سر باشد وهمچنان هر دو كنج هاي طرف چسپ آويزان باشد زيرا وقتيكه كناره طرف راست آن بر شانه انداخت درآن حكم سدل الثوب متوجه نميشود كه آن را فقهاء مكروه قرار داده اند بناء كراهيت باقي نماند وبهتر آنست كه هر دو اطراف كاره چپ آن نيز بالاي شانه اندازد [٥]. فقط

---

(۱) ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا (الجن : ۱۸). ظفير

(۲) وفي الفتاوى لو تفكر في صلاة فتذكرّ حديثا او شعرًا او خطبة او مسئلة يكره ولا تفسد صلاته كذا في السراج الوهاج (عالمگيرى مصرى . باب مايفسد الصلوة ج۱ ص۹٤ ، ط. ماجديه ج۱ ص۹۸). ظفير

(۳) ويستحب ان يستغفر الخ ويدعو ويختم بسبحان ربک (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلاة بعد الفصل ج۱ ص٤۹٥ ، ط. س. ج۱ ص٥۳۰). ظفير

(٤) ولو اعمٰى فسوّاه رجل بنى (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب شروط الصلوٰة ج۱ ص٤۰۳ ، ط. س. ج۱ ص٤۳٤). ظفير

(٥) وكره الخ سدل ثوب اى ارساله بلا لبس معتاد (در المختار) فعلى هذا تكره الطيلسان الذى يجعل على الرأس وقد صرح به شرح =

<u>در وقت زیر وزبر فتحه دادن درست است</u>: سوال: (۱۴۹۸) اگر از امام غلطي زیر وزبر قسما صادر شود که در معنی هیچ نوع فرق نیاید در همچو حالت فتحه دادن کراهیت خواهد باشد یا نه؟

جواب: در همچو حالت فتحه دادن هیچ کراهیت بدنبال ندارد واما اصلاح غلطي ضروري است [1] فقط

<u>در ما بین ترک نمودن سورت کوچک مکروه است در چنان حالت اعاده نمودن نماز مستحب است</u>: سوال: (۱۴۹۹) امام در نماز مغرب در رکعت اول سورت کوثر ودر رکعت دوم سورت نصر را تلاوت نمود نخست آنکه سورت خورد وبزرگ ودوم آنکه خلاف ترتیب سورت کوچک در بین ترک شد درآن صورت اعاده واجب است یا نه؟ اگر اعاده نمود آیا گنهکار نمیشود؟ وبرایش ثواب خواهد داده شد یانه؟

جواب: ترک نمودن سورت کوچک در ما بین مکروه تنزیهي است فلهذا اعاده نمودن آن نماز واجب نیست لکن اگر کسي اعاده نمود درآن گناه نیست بلکه بهتر وباعث ثواب است چنانچه در شامي از فتح القدیر منقول است: والحق التفصیل بین کون تلک الکراهیة کراهیة تحریم فتجب الإعادة او تنزیهیة فتستحب الخ [2] ودر سورت کوثر وسورت نصر کوچک بودن وبزرگ بودن آنقدر فرق ندارد که از آن کراهیت لازم شود [3]. فقط

<u>در وقت سجده رفتن ازار را بلا ضرورت بلند نمودن خلاف ادب است</u>: سوال: (۱۵۰۰) در وقت سجده رفتن ازار را بلند نمودن چگونه است؟

جواب: بلا ضرورت ناپسند است [4]. فقط

= الرواية اھ اذا لم يدره على عنقه والاّ فسدل (ردالمحتار باب مايفسد الصلوٰة ومايكره فيها ج۱ ص۵۹۷ ، ط. س. ج۱ ص۶۳۹). ظفير

(۱) بخلاف فتحه على امامه فانه لا يفسد مطلقا لفاتحة وآخذ بكل حال (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصلوٰة ومايكره فيها ج۱ ص۵۸۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۲۲). ظفير

(۲) رد المحتار باب صفة الصلوٰة، واجبات الصلوٰة ج۱ ص ۴۲۶ ، ط. س. ج۱ ص۴۵۵. ظفير

(۳) واطالة الثانية على الاولى يكره تنزيها اجماعا ان بثلاث آيات ان تقاربت طولا وقصرا والا اعتبر الحروف والكلمات واعتبر الحلبي فحش الطول لاعدد الآيات واستثنى فى البحر ما وردت به السنة واستظهر فى النفل عدم الكرهة مطلقًا (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوٰة فصل فى القراءة ج۱ ص۵۰۶ ، ط. س. ج۱ ص۵۴۱). ظفير

(۴) وكره كفه اى رفعه ولو لتراب كمشمر كم او ذيل وعبثه به اى ثوبه للنهى الاّ لحاجة (در المختار) وحاصله ان كل عمل هو مفيد للمصلى فلا باس به (ردالمحتار باب مايفسد الصلاة ومايكره فيها ج۱ ص۵۹۸ – ۵۹۹). ظفير

چه وقت فتحه دادن بکار است؟ **سوال:** (۱۵۰۱) امام در قرائت بنا بر فراموشي سورت دیگر را شروع کرد ودو مرتبه برایش فتحه داده اما امام فتحه را نگرفت بناء فتحه دادن درکدام وقت بکار است وهمچنان نماز فتح دهنده درست شده است یانه؟

جواب: اگر امام بعد از قرائت سورت فاتحه بمقدار سه آیات تلاوت نموده باشد در این صورت انتظار فتح دادن مکروه است بلکه فورا باید برکوع برود واگر قبل از تلاوت سه آیت از وي فراموش شد پس بهتر آنست که از یکجاي دیگر تلاوت را شروع نماید اگر امام همچو ننمود در آن وقت هر گاه برایش ثابت شد که براي امام ایت قبلي بیاد نمیشود ناگزیر برایش فتح بدهد وبغیر از دادن مهلت فورا دادن فتحه مکروه است کما في الشامي [۱] ص۶۵۰، ونماز در هر حال صحیح است [۲]. فقط

با کرته بدون دامن نماز خواندن جواز دارد: **سوال:** (۱۵۰۲) اگر کسي کرته بدون دامن را بپوشد ودرآن نماز را اداء نماید آیا نمازش مکروه میشود یا نه؟

جو اب: در کرته بدون دامن بغیر از کراهیت نماز خواندن جائز است زیرا مقصود ستر عورت است وستر عورت درآن صورت حاصل است. فقط

اگر در جریان قرائت سورت را فراموش نمود پس سورت دیگر را شروع نماید: **سوال:** (۱۵۰۳) اگر امام بعد از اَلْحَمْدُ لله یک سورهٔ پارهٔ عم را شروع کرد وبسبب نسیان عارضه آن را خوانده نتوانست بناءا آیا براي امام اختیار است که از تَبَارَکَ الَّذِيْ بِيَدِه یا از کدام سپاره دیگر رکوع را شروع کرده آن را تلاوت نماید.

جواب: در این صورت براي امام بکار است که از جاي قرائت خواندن را آغاز نماید [۳]. فقط

اگر درگوشهٔ غربی مسجد وبیرون از دیوار مقبره باشد در نمازکدام نقصان عارض نمیشود: **سوال:** (۱۵۰۴) در سائر سه اطراف یک مسجد بغیر از سمت غربي آن مقبره ساخته

---

(۱) ویکره ان یفتح من ساعة کما یکره للامام ان یلجئه الیه بل ینتقل الی ایة اخری لا یلزم من وصلها ما یفسد الصلوٰة اوالی سورة اخری اویرکع اذا قرأ قدر الفرض کما جزم به الزیلعی وفی روایة قدر المستحب کما رجحه الکمال الخ (ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیهاج۱ ص۵۸۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۲۲). ظفیر

(۲) بخلاف فتحه علی امامه فانه لا یفسد مطلقا لفاتح وأخذ بکل حال (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها ج۱ ص۵۸۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۲۲). ظفیر

(۳) یکره ان یفتح من ساعته کما یکره للامام ان یلجئه الیه بل ینتقل الی آیة اخری لا یلزم من وصلها مایفسد الصلوٰة او الی سورة اخری (ردالمحتار باب مایفسدالصلوٰة ومایکره فیها ج۱ ص۵۸۲، ط.س. ج۱ ص۶۲۲). ظفیر

شده است؟ آیا در طرف غرب همچنان قبر ساختن شده میتواند یا نه وآیا دیوار که حائل واقع شده کافي است یا خیر؟

جواب: اگر در سمت مغرب مسجد قبور ساخته شود پس در نماز کراهیت نخواهد آمد بخاطر آنکه دیوار سمت غرب مسجد حائل کافي میباشد قال في شرح المنية: لا بأس في الصلاة في المقبرة إذا كان فيها موضع اعد للصلاة وليس فيه قبر وهذا لان الكراهية مطلقة بالتشبيه بأهل الكتاب وهو منتف فيما كان على الصفة المذكورة الخ.[1] فقط

در لباس خارجي نماز درست است: سوال: (۱۵۰۵) در لباس خارجي نماز جائز است یانه؟

جواب: در این لباس نماز درست است[2]. فقط

در پیش روی نما گذار در مسجد خوابیدن وگفتگو کردن مکروه است: سوال: (۱۵۰۶) وقتیکه در مسجد نماز خوان نماز اداء مي نماید در ما بین آنان خوابیدن ودر حالت نشستن گفتگو کردن جائز است یا نه؟

جواب: نزدیک نماز گذاران قسما گفتکو کردن که از آن خوف عارض شدن سهو ونقصان باشد مکروه است[3]. فقط

تمباکو با خود داشتن نماز درست میشود یا نه؟ سوال: (۱۵۰۷) اگر کسي تمباکو نوشیدني را با خویشتن داشته نماز اداء نماید آیا نمازش درست میشود یانه؟ وهمچنان اکثر مردم دود ودخان تمباکو را حرام قرار داده اند بناء استعمال تمباکو نیز مکروه شد یانه؟

جواب: نوشیدن تمباکو ودود آن حرام نیست ونه نجس میباشد پس وقتیکه تمباکو هیچ نوع نجاسة همراه ندارد بناء تمباکو را با خویشتن داشتن نماز درست میشود مطلب آنکه تمباکو باعتبار ذات خود ناپاک نیست اما درآن اگر کدام نوع شیره وغیره آمیخته میشود اگر ناپاک نباشد بلکه پاک باشد درآن وقت همراهش نماز صحیح است اگر چه سخن پسندیده نیست.

---

(۱) غنية المستملي ص۳۵۰ . ظفير

(۲) زیرا حکما پاک است وبراي صحت نماز همین شرط است: ولو شك في نجاسة ماء اوثوب الخ لم يعتبر (در المختار) من شك في انائه وثوبه فهو طاهر الخ وكذا مايتخذه اهل الشرك والجهلة من المسلمين كالسمن والخبز والاطعمة (رد المحتار كتاب الطهارة مطلب ابحاث الغسل ج۱ ص.... ، ط. س. ج۱ ص۱۵۱). ظفير

(۳) وصلاته الى وجه انسان ككراهة استقباله فالاستقبال لو من المصلي فالكراهة عليه وإلاّ فعلى المستقبل ولو بعيدا الخ ولا يكره الى ظهر قاعد اوقائم ولو يتحدث الا اذا خيف الغلط بحديثه (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب مايفسد الصلاة ومايكره فيهاج۱ ص ۶۰۲ وص۶۱۰ ، ط. س. ج۱ ص۶۴۴). ظفير

فقط [1]

<u>در نماز مکررا بلند نمودن ازار ناپسند است</u>: سوال: (١٥٠٨) (١) در نماز تکرارا بلند نمودن ازار چگونه است؟

<u>در سجده پاها را بیجا نمودن چگونه است؟</u> سوال: (١٥٠٩) (٢) در وقت سجده رفتن هر دو پاها را از زمین بلند نمودن یا پیش وپس نمودن چگونه است آیا با همچو عمل نماز درست میشود یانه؟

جواب: (١) تکرارا بلند نمودن پاها ناپسند است لکن نماز صحیح میباشد. [2]

جواب: (٢) درآن صورت نیز نماز صحیح است لکن حتی المقدور همچو قصدا نباید کرد [3]. فقط

<u>اگر ما بین سر برهنه باشد نماز خواندن چگونه است؟</u> سوال: (١٥١٠) اگر بالای سر عمامه بدون کلاه باشد ودر ما بین سر برهنه بود نماز چگونه است؟

جواب: در این صورت نماز مکروه است اما نماز درست میشود [4]. فقط

<u>در نماز آشکار نمودن بازوها مناسب نیست</u>: سوال: (١٥١١) در نماز آستین ها را تا به شانه بلند وجمع نمودن چگونه است آیا در نماز کدام خلل واقع نمیشود؟

جواب: نماز درست میشود اما این فعل پسندیده نیست [5]. فقط

<u>با کُلاه جالی دار نماز مکروه نیست</u>: سوال: (١٥١٢) کُلاه جالی دارِ را بسر نمودن نماز

---

(١) قلت فيفهم منه حكم النبات الذى شاع فى زماننا المسمى بالتتن وقدكرهه شيخنا العمادى فى هديته بالثوم والبصل بالاولى (در المختار) قوله فيفهم منه حكم النبات وهو الاباحة على المختار (رد المحتار كتاب الاشربة ج٥ ص٤٠٧ ، ط. س. ج١ ص٤٦٠). ظفير

(٢) ويكره للمصلى ان يعبث بثوبه وبجسده الخ (هدايه مايكره فى الصلوٰة ج١ ص١٢٤). ظفير

(٣) ومنها السجود بجبهته وقدميه ووضع اصبع واحدة منها شرط(الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوٰة ج١ ص٤١٦ ، ط. س. ج١ ص٤٤٧). ظفير

(٤) ويكره اشتمال الصحراء والاعتجار (درمختار) لنهي النبي ﷺ عنه وهو شد الراس او تكوير عمامة على رأسه ترکه وسطه مکشوفا (ردالمحتار ج١ ص ٦١٠ – ٦١١ ، ط. س. ج١ ص٦٥٢). ظفير

(٥) وكره كفه اى رفعه ولو لتراب كمشمر كم اوذيل وعبثه به اى بثوبه (در المختار) قوله كمشمر كم الخ اى كما لو دخل فى الصلوٰة وهو مشمر كمه اوذيله الخ لكن قال فى القنية واختلف فيمن صلي وقد شمر كميه كعمل كان يعمله قبل الصلوٰة اوهيئته ذالک ومثله ما لوشمر للوضوء ثم عجّل لادراک الركعة مع الامام واذا دخل فى الصلوٰة كذالک وقلنا بالكراهة فهل الافضل ارخاء كميه فيها بعمل قليل اوتركها لم اره والاظهر الاول اليه وقيد الكراهة فى الخلاصة والمنية بان رافعا كميه الى المرفقين (رد المحتار باب مايفسد الصلاة ومايكره فيها ج١ ص٥٩٨ ، ط. س.ج١ ص٦٤٠). ظفير

مکروه است یا نه؟ وعلی الدوام بسر نمودن کُلاه جالي دار چه حکم دارد؟

جواب: لباسي كه براي طبقهٔ ذكور پوشيدن آن مباح است خواه جالي دار باشد ويا نباشد وبا كلاه جالي دار نماز درست است واستعمال آن لباس را طوري نمودن كه از آن كشف عورت نميشود صحيح است. فقط

چشم پوشیدن در نماز چگونه است: سوال: (۱۵۱۳) چشم پوشیده در نماز قرائت نمودن گونه است؟

جواب: در نماز چشم پوشیدن ناپسند ومکروه تنزیهي وخلاف اولی است [1] وبخاطر تحصیل خشوع وخضوع تغمیض چشمان بلا کراهیت درست است بلکه بعضي علماء فرموده اند که براي حصول کمال خشوع وخضوع تغمیض چشمان أولی است در شامي مذکور است: بل قال بعض العلماء إنه الاولی [2]. فقط

بوجه شک ضرورت برای اعاده نیست: سوال: (۱۵۱٤) اگر در سجدهٔ نماز بسبب عدم واقفیت دعاء نمود سپس برایش معلوم شد که این جائز نیست اکنون برایش این شک عارض شد که این کلام الناس بود یا نه؟ بناء درآن وقت اعاده واجب است یا خیر؟

جواب: در وقت شک ضرورت براي اعاده نیست اگر اعاده نمود بهتر است. فقط

خلاف ترتیب قرائت مکروه است: سوال: (۱۵۱۵) زید بعد از والضحی در رکعت دوم والشمس را تلاوت نمود آیا در نماز کدام نقصان عارض شده است؟ ونماز درست شده است یا نه؟

جواب: قصدا درنماز همچو کردن مکروه است اگرسهوا چنان عمل کرد پس کدام حرج نیست بهر حال نماز صحیح است [3]. فقط

در رکعت اول والضحی ودر رکعت دوم یا خواندن والتین کراهیت در نماز پیدا نمیشود:

سوال: (۱۵۱٦) در رکعت أول سورة والضحی را تلاوت نمود ودر رکعت دوم اَلَمْ نَشْرَحْ را

---

(۱) وکره الخ تغمیض عینه للنهي الاّ لکمال الخشوع (درالمختار) ثم الظاهر ان الکراهة تنزیهیة (رد المحتار باب مایفسد الصلٰوة وما یکره فیها ج۱ ص۶۰۵ ، ط. س. ج۱ ص٦٤٥). ظفیر

(۲) رد المحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص٦۰٤ ، ط. س. ج۱ ص٦٤۰. ظفیر

(۳) ویکره الفصل بسورة قصیرة وان یقرأ منکوسا الاّ اذا ختم القرآن (در المحتار) منکوسا بان یقرأ فی الثانیة سورة اعلٰی مما قرأ فی الاولی لان ترتیب السور فی القراء من واجبات الصلٰوة (رد المحتار فصل فی القراءة ج۱ ص۵۱۰ ، ط. س. ج۱ ص۵٤٦). ظفیر

ترک نموده وسورة وَالتِّيْنِ را قرائت کرد آب این نماز مکروه است یانه؟

جواب: در مورد سورت هاي کوچک همچو کردن فقهاء کرام کراهیت نوشته اند یعني آنکه یک سورت را در ما بین ترک نمودن وسورت سوم را در رکعت دوم فرائض خواندن مکروه است لکن (وَالضُّحٰی) در سورت هاي کوچک داخل نیستند بلکه از جمله اوساط مفصل میباشند فلهذا در اینجا صورت مذکوره مکروه نیست [۱]. فقط

در لباس هاي طلائي یا ابریشمي نماز درست است یانه؟ **سوال:** (۱۵۱۷) درهرکلاه وتاقن که طلاء سوچه یا ردي استعمال شده باشد ودرآن نماز خواندن یا نماز دادن وهمچنان در لباس ابریشمي نماز خواندن چگونه است؟

جواب: اگر از چهار انگشت زیاد بر آن کار شده باشد ودرآن صورت استعمالش ناجائز است ونماز همراهش مکروه میباشد وهمانطور حکم لباس ابریشمي نیز است [۲]. فقط

روی گردانیدن بطرف نماز گذار نشسته مکروه است: **سوال:** (۱۵۱۸) بطرف نماز خوان توجه نموده نشستن چگونه است اگر کسي قبلا نشسته بود وکسي بطرف او نماز خواندن را شروع نماید ویا کسي در نماز بود وبطرف او کسي دیگر روي خود را گردانیده بنشیدند پس در این هر دو صورت نماز مکروه خواهد باشد یا در یک صورت میباشد واین کراهیت در هر دو صورت بطرف کدام یکي راجع میشود؟

جواب: در در المختار مذکور است: وصلٰوته الی وجه انسان ککراهة استقباله فالاستقبال لو من المصلی فالکراهة علیه والاً فعلی الْمُستقبِل [۳] الخ یعني اگر استقبال از جانب نماز گذار باشد پس کراهیت بطرف او متوجه میشود واگر از جانب کسي دیگر باشد در آن وقت کراهیت بطرف او متوجه میباشد نه بطرف نماز خوان.

اگر امام برفرش باشد ومقتدی بر مصلی از آن نماز فاسد نمیشود: **سوال:** (۱۵۱۹) زید میگوید که در جماعت امام بالای مصلی یا جاي نماز باشد ومقتدیان همانطور بلا مصلی ایستاد

---

(۱) ویکره الفصل بسورة قصیرة (در المختار) اما بسورة طویلة بحیث یلزم منه اطالة الرکعة الثانیة اطالة کثیرة فلا یکره شرح المنیة (ردالمحتار فصل في القراة ج۱ ص۵۱۰ ، ط. س. ج۱ ص۵٤٦). ظفیر

(۲) یحرم لبس الحریر الخ علی الرجل لا المرأة الاً قدر اربع اصابع (الدرالمختار علی هامش رد المحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی اللبس ج۵ ص۳۰۸ ، ط. س. ج٦ ص۳۵۱). ظفیر

(۳) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسدالصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص٦۰۲، ط. س. ج۱ ص۵٤۵. ظفیر

باشند نماز درست نخواهد شد.

جواب: اگر ما تحت پاي امام جاي نماز یا مصلی باشد ودر زیر پاي مقتدیان نباشد ویا بر عکس باشد در این هر دو صورت نماز صحیح است [۱]. فقط

در (ساڑي) نوع لنگ هندوستانی نماز زنان جائز است یانه؟ سوال: (۱۵۲۰) براي زنان (ساڑي) که یک نوع لنگ هندوستاني است، بستن وهمراهش نماز خواندن درست است یانه؟

جواب: براي زنان لنگ مذکور را بسته نماز خواندن ذرست است غرض آنکه حجاب کامل بکار است خواه لنگ مروج هند باشد یا ازار باشد ودر این مورد کدام خصوصیت مطرح نیست [۲]. فقط

با چربی جانور بحری به ناکه نما زدرست است: سوال: (۱۵۲۱) اگر با چربي حیوان مسمی به ناکه که در بحر بود وباش دارد اگر دست ها وپا ها را چرب ومالش بدهد وبغیر شستن آن همراهش نماز خوانده شود آیا نماز درست خواهد باشد یا نه؟

جواب: نماز در این صورت صحیح است. فقط

با اقامت فاسق در نماز نقصان وارد نمیشود: سوال: (۱۵۲۲) هر کسیکه زاني باشد وبر خانم پسر خود به ارادهٔ سوء دست درازي کند به اقامت نمودن او در نماز کدام نقصان مي آید یا نه؟

جواب: با اقامت گفتن آن شخص در نماز نقصان نمي آید. فقط

اگر در نماز تف دهنش غلبه کند چه باید کرد: سوال: (۱۵۲۳) اگر در نماز تف دهنش غلبه کند آن را کدام طرف تف کند یا نه؟

جواب: اگر تف را نوشیده نمیتواند آن را در لباس خود بگیرد [۳]. فقط

---

(۱) بخاطر آنکه در همچو صورت کدام نقصان وارد نمیشود وتنها طهارت مکان ضروري است خواه بر آن مکان مصلی باشد یا نباشد. والله اعلم. ظفیر

(۲) والرابع ستر عورة ووجوبه عام ولو في الخلوة على الصحيح الخ وهي الخ للحرة ولو خنثى جميع بدنها حتى شعرها النازل في الاصح فلا الوجه والكفين الخ والقدمين (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب شروط الصلاة ج۱ ص ۳۸٤ ، ط. س. ج۱ ص٤٠٤) وستر عورت عام است خواه به ازار باشد یا به بستن لنگ هر دو یکسان میباشد وچنان پنداشتن صحیح نیست که لنگ (ساڑي) بستن لباس هندوها است بلکه در بعض مناطق هندوستان زنهاي مسلمانان نیز آن لباس را دارند چنانچه در مناطق که ازار را مي پوشند درآن با زنهاي هندوها نیز بکثرت ازار را مي پوشند یعني ایشان نیز این لباس را دارند وزنهاي مسلمان نیز. والله اعلم. ظفیر

(۳) قال النبی ﷺ فلا یبزقن احدکم قبل قبلة ولکن عن یساره او تحت قدمه ثم اخذ طرف ردائه فبصق فیه ثم رد بعضه علی بعض فقال او =

بخاطر خوف قطره بر عضو تناسلي خويش رخت را پيچاندن در نماز نقصان نمی آيد:

سوال: (١٥٢٤) بخاطر خوف بيرون شدن قطرهٔ بول بر مكان خروج بول رخت را بسته نموده نماز را خواندن صحيح است يانه؟

جواب: صحيح است. [1]

مرور بين الصفين: **سوال:** (١٥٢٥) يک عالم درما بين دوصف عبور مي نمود ودر مورد جواز آن استدلال بر حديث مبارک حضرت عبد الله بن عباس (رض) مي نمود بناء آيا اين استدلال صحيح است وبنزد امام اعظم صاحب (رح) اين مسئله چگونه است؟

جواب: مذهب احناف نيز همين است که ستره امام براي مقتديان کافي است در در المختار مذکور است: وکفت سترة الامام للكل، [2] بناء از روايت عبد الله بن عباس اين مسئله ثابت ميشود که از پيش روي نماز گذار عبور کردن مفسد صلاة نيست وهمين مذهب احناف است وعلاوه ازآن او تا به آن وقت بالغ نبود زيرا ايشان خود مي فرمايند که: ناهزت البلوغ الخ. يعني من درآن وقت بحد بلوغ نزديک بودم بناء ازآن جواز صحت عبور شده نميتواند [3]. فقط

در مسجد شيعه ها نماز سني درست است: **سوال:** (١٥٢٦) آيا اهل تسنن در مساجد اهل تشيع وهمچنان اهل تشيع در مساجد اهل تسنن نماز خوانده ميتوانند يا خير؟

جواب: نماز ايشان ميشود [4]. فقط

در نماز از بيني آواز خارج نمودن چگونه است؟ **سوال:** (١٥٢٧) يک نفر مبتلا به زکام است اگر او بخاطر درست خارج نمودن حرف از مخارجش سو، سو، مي نمايد يعني در بيني بطرف بالا با تنفس نمودن بيني خود را درست مي نمايد آيا اين عمل جائز است يا نه؟

= يفعل هكذا، رواه البخارى (مشكوٰة باب المساجد ص٧١). ظفير

(١) يستحب للرجال ان يحتشي ان رابه الشيطان ويجب انكان لا ينقطع الاّ به قدر مايصلي (الدرالمختار على هامش رد المحتار نواقض الوضوٓ ج١ ص١٣٩ ، ط. س. ج١ ص١٥٥). ظفير

(٢) ولايفسدها الخ مرور بين يديه اى حائط القبلة فى بيت ومسجد صغير فانه كبقعه واحدة مطلقا ولو لمرأة او كلبًا (درالمختار) بيان الاطلاق واشار به الى الرد على الظاهرية بقولهم يقطع الصلاة مرور المرأة والكلب والحمار وعلى احمد فى الكلب الاسود. والى ان ماروى فى ذالک منسوخ كما حققه فى الحلية (رد المحتار باب ما يفسد الصلوٰة ج١ ص٥٩٣ ، ط. س. ج١ ص٦٣٤). ظفير

(٣) وعن ابن عباس قال اقبلت راكبا على اتان وانا يومئذ قد ناهزت الاحتلام الخ (مشكوٰة باب السترة ص٧٤) در حديث ديگر صراحت است: قال رسول الله ﷺ لو يعلم المار بين يدى المصلى ماذا عليه لكان ان يقف اربعين خيرا له ان يمر بين يديه (متفق عليه) در يک روايت است: فليقاتله فانما هو شيطان رواه البخارى (مطالعه كنيد: مشكوٰة باب السترة ص٧٤). ظفير

(٤) قال النبى ﷺ وجعلت اى الارض مسجدا (مشكوٰة باب فضائل سيد المرسلين ص٥١٢). ظفير

جواب: درنماز همچو اواز اخراج نمودن بکار نیست اما باز هم اگر بخاطر تصحیح اداء حروف از مخارج چنان ضرورت اخراج آواز احساس شود نماز صحیح ایست [۱]. فقط

بنا بر نسیان خلاف ترتیبات حکم قرائت چیست؟ **سوال:** (۱۵۲۸) امام در رکعت اول سورت رحمن را قرائت نمود ودر رکعت دوم (لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ) را قرائت کرد آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: بنا بر فراموشي همچو کردن بلا کراهیت نماز صحیح است. [۲] فقط

بر سقف مسجد نماز مکروه است: **سوال:** (۱۵۲۹) یک مسجد سابقه وکهنه که یک اطاق داشت اکنون درقبالش یک برآمد جدید ساخته شده وبالای سقف بر آمد جدید نماز خواندن جائز است یا نه؟

جواب: بر سقف مسجد نماز خواندن را فقهاء مکروه نگاشته اند ودرآن برخي کهنه وجدید هر دو یکسان اند [۳]. فقط

در فرائض با تکرار آیت ها آیا نقصان وارد میشود یانه؟ **سوال:** (۱۵۳۰) اگر کسي در نماز فرض بخاطر طاري شدن خوف خدا در قلب ویا بطور دعا یک آیت دو مرتبه یا سه مرتبه قرائت نماید آیا نماز خواهد شد یا نه؟

جواب: تکرار نمودن یک آیت در بعض احوال ثابت است بناءا در نماز کدام خلل نمي آید اما تکرار آیت که ثابت است در نوافل است لکن در فرائض ونماز جماعت چنین نباید کرد با آنهم نماز درست میشود [٤]. فقط .

با إشاره نمودن در نماز نقصان نمي آید: **سوال:** (۱۵۳۱) زید وعمرو در نماز ظهر اقتداء

---

(۱) والتنحنح بحرفين بلا عذر اما به بأن نشأ من طبعه فلا او بلا غرض صحيح فلو لتحسين صحته الخ فلا فساد على الصحيح (درمختار) لانه يفعله لاصلاح القراءة فيكون القرآءة معنى (ردالمحتار باب مايفسد الصلوٰة ومايكره فيها ج۱ ص۵۷۸ ، ط. س. ج۱ ص۶۱۸). ظفير

(۲) ويكره الفصل بسورة قصيرة وان يقرأ منكوسا (درالمختار) انما يكره اذا كان عن قصد فلو سهوا فلا كما في شرح المنية (ردالمحتار فصل في القراءة ج۱ ص ۵۱۰ – ۵۱۱ ، ط. س. ج۱ ص۵٤۶). ظفير

(۳) ثم رأيت القهستاني نقل عن المفيدة كراهة الصعود على سطح المسجد اه ويلزمه كراهة الصلوٰة ايضاً فوقه (ردالمحتار باب مايفسدالصلوٰة ومايكره فيها مطلب في احكام المسجد ج۱ ص۶۱٤، ط. س. ج۱ ص۶۵۶). ظفير

(٤) واذا كرّر آية واحدة مرارا فان كان في التطوع الذى يصلي وحده فذالك غير مكروه وان كان في الصلوٰة المفروضة فهو مكروه في حالة الاختيار واما في حالة العذر والنسيان فلا باس هكذا في المحيط (عالمگيرى كشورى. فصل فيما يكره في الصلوٰة ج۱ ص۱۰۶ ، ط. ماجديه ج۱ ص۱۰۷). ظفير

به بکر نمودند زید چونکه نابینا است او رکعت سوم را رکعت چهارم پنداشته نشست پس عمرو براي زید نا بینا اشاره کرد آیا در نماز زید وعمرو کدام نقصان نیامده است؟

جواب: هیچ نقصان نیامده است [1]. فقط

خیمۀ مسجد که بخاطر محفل رقص داده شده باشد در آن نماز خواندن درست است:

سوال: (۱۵۳۲) یک نفر خیمۀ مسجد را براي محفل رقاصي داده اکنون در ما تحت خیمۀ مذکور بنماز خواندن چگونه است در حالیکه براي نماز گذاران بسبب آفتاب تکلیف میباشد؟

جواب: در ما تحت خیمۀ مذکوره نماز اداء نمودن جائز است ودر حین حرارت آفتاب وغیره آن را در مسجد استعمال نمودن بکار است وخیمه فوق الذکر را درآینده بخاطر همچو محافل رقاصي وغیره باید داده نشود.

بخاطر شخص آمدنی، طولانی نمودن قرائت ناپسندیده است: **سوال:** (۱۵۳۳) امام را در داخل نماز ازآمدن نمازگذاران آگاه شد، آیا بخاطر رعایت آنها قرائت یا رکوع یا سجده را تطویل بخشد ویا هیچ لحاظ ایشان را نکند؟

جواب: در درالمختار مذکور است: که براي امام بخاطر شمولیت نماز گذاران آمدني دراز نمودن قرائت رکوع یا سجده مکروه تحریمي است یعني اگر آنکس را میشناسد واگر همراه آنکس تعارف ندارد باز مکروه تنزیهي است [2].

اشاره مفسد صلاة نیست: **سوال:** (۱۵۳٤) اگر کدام نابینا یا شخص بینا در نماز جماعت بر خلاف امام همانطور نشسته باقي ماند در حالیکه امام قیام نموده بس در همچو حالت مقتدي دیگر آنکس را آگاهي دهد یا نه؟ واگر او را مطلع نماید پس چگونه او را خبر دهد سبحان الله گوید یا چیزي دیگر ویا به اشاره دست ویا او را طوري مطلع سازد که نمازش فاسد نشود اگر مقتدي همراه امام سلام گردانید در حالیکه برایش یک رکعت باقي مانده بود وبگفتار مقتدي دیگر قیام ورزید بناءا درصورت هاي فوق الذکر نماز درست میشود یا خیر؟

---

(۱) لاباس بتکلم المصلي واجابته براسه او أری درهما وقیل آجیّد؟ فأوما بنعم او لا، او قیل کم صلیتم فاشار بیده انهم صلوا رکعتین (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها ج۱ ص۶۰۳ ، ط. س. ج۱ ص٦٤٤). ظفیر

(۲) وکره تحریما اطالة رکوع او قراءة لادراک الجائي ای ان عرفه والا فلا باس به ولو اراد التقرب الی الله تعالٰی لم یکره اتفاقا لکنه نادر وتسمیة مسئلة الریاء فینبغي التحرز عنها (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صفة الصلاة مطلب في اطالة الرکوع للجائي ج۱ ص ٤٦٢ ، ط. س. ج۱ ص۵۰۹). ظفیر

جواب: در باقي ماندن جلوس مقتدي واو را آگاهي دادن وغيره از تحقيق شامي عدم فساد نماز ظاهر ميشود وحكم سائر صورت ها را كه شما تحرير نموده ايد يک حكم است يعني نماز فاسد نميشود در در المختار مذكور است: لاباس بتكلم المصلي واجابته برأسه كما لوطلب منه شيء أو ارى درهمًا وقيل أجيد فأوماً بنعم اولا او قيل كم صليتم فاشار بيده أنهم صلوا ركعتين. اما لو قيل له تقدم فتقدم او دخل احد الصف توسع له فورًا فسدت. ذكره الحلبي وغيره خلافًا لما مر عن البحر وردالمحتار قوله: أما لو قيل هو ما وعد به فيما تقدم قبيل قوله وفتحه على امامه وقدمنا هناک ضعفه عن الشرنبلالية[٣]. فقط

شکستاندن نیت بوجه وسوسه مناسب نیست: سوال: (١٥٣٥) زيد در نماز شک نمود كه لباس من ناپاک است وفورا نماز را ترک نمود واز سر نو لباس را تبديل نمود چونكه او مريض بود بناء مجددا تيمم نموده واغاز به نماز خواندن كرد سپس ازان در خلال نماز برايش در مورد نادرست بودن تيمم وبخاطر قطرۀ بول ويا عدم طهارت شبه ووسوسه پيدا شد حالانكه مزاج او شكي است واكثر اوقات او را وسوسه وشبه عارض ميشود لكن با عارض شدن شک بار ثاني براي خود داري از خنديدن مردم او بغير از قرائت وتكبير وبغير ازگفتن تسبيح والتحيات ودرود نماز خود را تكميل وبه انجام رساند وقيام وقعود وغيره نيت قيام صلاة وقعود الصلاة را نكرد وبجاي دو ركعت سنت همچنان همانطور بغير از نيت وقرائت وغيره تنها قيام وقعود وغيره را اداء نمود وبعد ازآن او بر اين عمل خود نهايت ندامت وپشيماني ورزيد وتوبه نمود واين نماز را اعاده كرد آيا اين شخص گنهكار شده است يانه؟

جواب: با طاري شده همچو وسوسه ها وشكوک در نماز خلل نمي آيد وبراي زيد بكار بود كه نماز را تكميل مي نمود واين فعل بسبب جهل ونا واقفيت او واقع شده است كه قرائت وغيره را ترک نمود ونماز را فاسد كرده است بهر حال وقتيكه آن نماز را اعاده نمود پس نماز او درست شده است وچونكه او بنا بر غلطي نماز را فاسد كرده است قرائت وغيره را ترک نمود ودوباره نماز را اعاده كرده درآن مورد هر گناه كه واقع شده بود معاف گرديد ودرآينده از تكرار همچو عمل اجتناب ورزد. فقط

علاج وسوسه: سوال: (١٥٣٦) در مزاج كسي بكثرت وسوسها وشكوک پيدا ميشود بناء بخاطر دفع نمودن آن چه تدبير بكار است؟

جواب: بخاطر دفع نمودن وساوس وشکوک واوهام همان صورت است که او را وسوسه شیطاني پندارد وبه آن طرف التفات وتوجه نکند وبر آن عمل ننماید ونماز خود را تکمیل کند ودر احادیث براي علاج آن همین صورت وطریقه وارد شده است.[۱]. فقط

اگر دو نفر در یکجا علیحده علیحده نماز میخوانند جائز است: سوال: (۱۵۳۷) اگر دو نفر در یک مکان علیحده وجداگانه نماز فرض را اداء نمایند آیا این جائز است یا نه؟

با رو برو آمدن زن نماز فاسد نمیشود: سوال: (۱۵۳۸) اگر در وقت اداء نماز در روبروي نماز خوان زن بیاید آیا نماز میشود یا نه؟

جواب: (۱) در این صورت نماز هر واحد ایشان صحیح است [۲].

جواب: (۲) با امدن زن ها در پیشروي نماز گذار در نماز هیچ خلل نمي اید ونماز فاسد نمیشود [۳]. فقط

در قرائت بند شدن واعاده نمودن آن نماز را فاسد نمی نماید: سوال: (۱۵۳۹) مشهور است که اگر امام در قرائت حصر شود وسه بار آن را اعاده نمود اما باز هم صحیح خوانده نتوانست بناءا نماز فاسد میشود آیا این صحیح است یا غلط؟

جواب: این مساله فوق الذکر غلط مشهور است اما نماز فاسد نمیشود [٤]. فقط

فتح دادن درست است: سوال: (۱۵٤۰) یک قاري نماز تراویح را داد ودر شب بیست وهفتم ۲۷ قرآن مجید را ختم نمود وبعضي از مردم أهل قریه که نماز گذار بودند وبعد از اختتام قرآن مجید ایشان آن سیپاره ها را که آنها نشنیده بودند اکنون آنها را سمع نمودند بناء اگر درآن صورت امام غلط بخواند آیا براي سامع رهنمائي نمودن غلطي، جائز است یا نه ودر آن وقت اگر برایش فتح داده شد واو فتحه را گرفت آیا نماز جائز است یانه؟

---

(۱) عن القاسم بن محمد ان رجلا ساله فقال اني اهم في صلاتي فيكثر ذالک علي فقال له امض في صلاتک فانه لن يذهب ذالک عنک حتى تنصرف وانت تقول ما اتممت صلاتي رواه مالک (مشکوٰة باب الوسوسه فصل ثالث ص ۱۹). ظفير

(۲) ويؤيده ما في الظهيرية لو دخل جماعة المسجد بعد ما صلّي فيه اهله يصلون وحدانا وهو ظاهر الرواية (رد المحتار باب الامامة مطلب في تكرار الجماعة في المسجد ج۱ ص۵۱۷ ، ط. س. ج۱ ص۵۵۳). ظفير

(۳) ولا يفسدها نظره الي مكتوب الخ ومرور مار في الصحراء وفي مسجد كبير بموضع سجوده في الاصح او مرور بين يديه الخ مطلقا ولوامرأة او كلبًا (درالمختار) واشار به اى الرد على الظاهرية (ردالمحتار باب مايفسد الصلٰوة ج۱ ص۵۹۳ ، ط. س. ج۱ ص٦۳٤). ظفير

(٤) يكره ان يفتح من ساعته كما يكره للامام ان يلجئه اليه بل ينتقل الي اٰية اخرى لا يلزم من وصلها مايفسد الصلٰوة اوالي سورة اخرى اويركع اذا قرأ قدر الفرض كما جزم به الزيلعي (ردالمحتار باب مايفسد الصلٰوة ج۱ ص۵۸۲ ، ط. س. ج۱ ص٦۲۲). ظفير

جواب: براي سامع رهنمائي غلطي وفتح دادن واو را فتح گرفتن درست است ودر نماز هي] يكي آنها كدام خلل نيامده است، در در المختار مذكور است: بخلاف فتحه على امامه فانه لا يفسد مطلقا لفاتح ر واخذ بكل حال الخ. فقط

<u>پاها را بيجا نمودن مفسد صلاة نيست</u>: سوال: (۱۵٤۱) نماز گذار در آغاز نماز در جائيكه قيام نموده باشد در حالت نماز يک دفعه يا چند دفعه عمدا يا سهوا اگر پاي راستش از جاي خود بيجا شود آيا در اين صورت در نماز كراهيت يا فساد مي آيد يانه؟

جواب: با بيجا شدن پاي راست يا چپ از مكان خود نماز فاسد نميشود ونه مكروه ميگردد البته قصدا بلا ضرورت پاها را پيش وپس نمودن مكروه تنزيهي است يعني خلاف اولى ميباشد [1]. فقط

<u>در نماز جنبانيدن سر يكسو وسوى ديگر فرود وپائين شدن ممنوع است</u>: سوال: (۱۵٤۲) اگر امام در نماز سر خود را مي جنباند وهمچنان در سورت هاي كوچک احيانا بالاى جانب چپ فشار انداخته نماز را اداء مي نمايد واعضاي خود را حركت ميدهد بلكه در قرائت آوازهاي گوناگون مانند ها وهو را ميكشد بناء در مورد همچو آوازها ونماز چه حكم است؟

جواب: تعامل همچو تحركات درنماز بكار نيست زيرا مبناي نماز بر خشوع خضوع وعاجزي است [2]. فقط

<u>در پيزار پاک نماز جائز است</u>: سوال: (۱۵٤۳) يک شخص نمازگذار است او در علم خود پيزار ولباس خود را بهتر ميداند ودر مورد آن شناسائي دارد كه پاک است وهمه روزه آن را در استعمال خود مي گيرد بناء درآن پيزار نماز خواهد شد يا نه وبر يک پاي چپلي او نجاست اصابت نموده بود واو را كامل تصفيه وپاک نمود حتى كه هيچ نوع نجاست بر او باقي نماند آيا همراهش نماز خواهد شد يانه؟

جواب: پيزار اگر پاک باشد يعني نجاست بر آن اصابت نكرده باشد وي نجاست بر آن اصابت كرده بود اما پاک شده بود بس در هر دو صورت درآن نماز درست است لكن چونكه در زمانه

---

(۱) وان من لوازمه (اى الخشوع) ظهور الذل وغض الطرف وخفض الصوت وسكون الاطراف (ردالمحتار باب ما يفسدالصلوٰة ومايكره فيها مطلب فى الخشوع ج۱ ص۶۰۰، ط. س. ج۱ ص٦٤١). ظفير

(۲) وانّ من لوازمه (اى الخشوع) ظهور الذل وغض الطرف وخفض الصوت وسكون الاطراف (رد المحتار باب ما يفسد الصلوٰة وما يكره فيها مطلب الخشوع ج۱ ص ۶۰۰، ط. س. ج۱ ص٦٤١). ظفير

موجوده در مساجد فرش وغیره میباشد وباپیزار بمسجد رفتن احتمال ملوث شدن فرش است، ودیگر آنکه با همچو کردن سوء أدب معلوم میشود فلهذا با پیزار در مسجد نماز نباید خواند کما في الشامي: ولعل ذلک محمل ما في عمدة المفتی من أن دخول المسجد متنعلا من سوء الادب [1] الخ.

غیر نمازگذار را دادن درست نیست: **سوال**: (۱۵۴۴) اگر وضوء امام شکست واو بعد از تعین نمودن خلیفه مجددا به وضوء کردن پرداخت پس اگر از نائب امام فراموشي صورت گیرد ونخستین امام مُحْدِث او را رهنمائي وفتحه بدهد ایا این جائز است یا نه حالاتکه او بي وضوء است ونیز خارج از جماعت میباشد؟

جواب: در این صورت فتحه دادن درست نیست واگر امام در این صورت فتحه را گرفت نمازش فاسد میشود: وکذا الاخذ (در المختار) ای اخذ المصلی غیر الامام بفتح من فتح علیه مفسد ایضاً کما فی البحر عن الخلاصة او اخذ الامام بفتح مَن لیس صلاته کما فیه عن القنیة [2] در المختار. فقط

بلا عمامه نماز مکروه نیست: **سوال**: (۱۵۴۵) آیا نماز بکلاه بدون عمامه مکروه است یا نه ودر فتاوی سعیدیه آن را مکروه نوشته است ومولانا رشید احمد گنگوهي آن را جائز بلا کراهیت تحریر فرموده است.

جواب: أقول وبالله التوفیق در شرح منیة کبیري مذکوز است: والمستحب أن یصلي الرجل في ثلاثة الواب: ازار، وقمیص، وعمامة، ولو صلي في ثوب واحد متوشحا به جمیع بدن. کما یفعله القصار في المقصرة جاز من غیر کراهیة مع تیسر وجود الطاهر الزاید ولکن فیه درک الإستحباب [3] از این روایت معلوم شد که بلا عمامة نماز مکروه نیست البته موجودیت عمامه مستحب است ودرصورت عدم موجودیت عمامه آنهم که میسر باشد ترک استحباب است پس غرض حضرت مولانا گنگوهي قدس سره همان است که ترک عمامه اگر چه خلاف استحباب است لکن جائز بلا کراهیت میباشد وغیر مستحب را کراهیت لازم نیست، کما صرح به الشامي من أنه لا یلزم

---

(۱) ردالمحتارباب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیهامطلب فی احکام المسجد ج۱ ص۶۱۵، ط. س. ج۱ ص۶۵۷. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها ج۱ ص۵۸۱ – ۵۸۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۲۲، ودر پیش مفتی علام نوشته است که لاحق حکما در نماز داخل است فلهذا او را فتح دادن درست است. ظفیر

(۳) غنیه المستملی ص ۳۳۷ . ظفیر

من ترک المستحب ثبوت الکراهیة إذ لا بد لها من دلیل خاص [1]. پس صحیح همان است که حضرت مولانا گنگوهي قدس سره تحریر فرموده است. واما آنچه در فتاوی سعدیه آن را مکروه تنزیهي گفته است پس قول او بناء خواهد باشد برآن کسیکه ترک مستحب را خلاف اولی میگوید ومرجع ترک اولی ومکروه تنزیهي یکي است بناءا مراد صاحب فتاوی سعدیه مکروه تنزیهي شدن است لکن ازتحقیق شامي معلوم شد که آن را مکروه تنزیهي گفتن نیز بکار نیست البته با موجودیت عمامه ازدیاد ثواب یک سخن مسلم است قسمیکه در اداء نمودن سائر مستحبات افزایش ثواب است لکن درصورت ترک آنها کراهیت نیست مانند صلاة ضحی وغیره. فقط

اگر درحالت نماز از دهن چیزی خارج شود نماز فاسد نمیشود: سوال: (۱۵٤٦) اگر در نماز بمقدار دانه نخود یا کم یا زیاد از مواد خوراکه بزبان در دهن نماز گذار آید وآن را بذریعه دست یا کنج قطیفه بکشد آیا درنماز نقصان وارد میشود یانه؟

جواب: در اخراج نمودن آن نقصان در نماز نمي آید. فقط

با استعمال صابون نماز درست است: سوال: (۱۵٤۷) (۱) اگر سابون ساخت انگلیس یا وطني (دیس) را استعمال نموده نماز خواند آیا درست است یا نه؟

در پیزار ولباس جدید نماز خواندن درست است: سوال: (۱۵٤۸) (۲) پیزار جدید وهمچنان لباس جدید که ازخامتا یا از ململ ساخته شده باشد وبغیر از شستن آن را پوشیده نماز خواندن درآن درست است یا نه؟

جواب: (۱) استعمال صابون ساخت انگلیس یا وطني وبعد ازآن نماز اداء نمودن درست است [2]. فقط

جواب : (۲) در لباس وپیزار جدید نماز خواندن درست است [3]. فقط

---

(۱) ردالمحتار بحث مستحبات وضوء ج۱ ص۱۱۵ . ظفیر

(۲) صابون پاک است ومحض بنا برشک بر آن حکم نا پاک شده نمیتواند زیرا قاعده است: الیقین لا یزول بالشک. ظفیر

(۳) وصلاته فیهما افضل (درالمختار) ای فی النعل والخف الطاهرین افضل مخالفة للیهود وفی الحدیث صلوا فی نعالکم ولا تشبهوا بالیهود رواه الطبرانی کما فی ابی الصغیر رامزا لصحته واخذ منه جمع من الحنابلة انه سنة ولوکان یمشی بها فی الشوارع لان النبی ﷺ وصحبه کانوا یمشون فی طرق المدینة ثم یصلون بها قلت لکن اذا خشی تلویث فرش المسجد بها ینبغی عدمه وان کانت طاهرة الخ ولعل المراد ما فی عمدة المفتی من ان دخول المسجد متعلا من سوء الادب (رد المحتار باب مایفسد الصلاة ومایکره فیها ج۱ ص٦۱۵). ظفیر

قیام نمودن امام در جای بلند ودر داخل محراب مکروه است: سوال: (۱۵٤۹) محراب مسجد که درآن تنها امام قیام مي ورزد ونماز را اداء مي نماید ازسطح زمین یک وجب وچهار انگشت ارتفاع دارد آیا نماز مقتدیان درآن صورت درست است یا نه؟ اگر نماز آنها درست باشد پس بکدام اندازه ارتفاع نماز درست نمیشود ودر مورد محراب اصل مسئله چگونه است؟

جواب: براي امام تنها در جاي مرتفع ایستاد شدن وهمچنان تنها در محراب قیام نمودن مکروه است ونماز مقتدیان صحیح است ودر مورد ارتفاع مکان در در المختار تفصیل ذیل مذکور است: وقدر الارتفاع بذراع ولا بأس بما دونه وقیل ما یقع به الامتیاز وهو الاوجه ذکره الکمال وغیره وفي الشامي هو ظاهر الروایة والاولی العمل بظاهر الروایة الخ. [۱]

در قمیص که نصف آستین دارد نماز مکروه است: سوال: (۱۵۵۰) در کرته که نصف آستین داشته باشد نماز چگونه است؟

جواب: نماز درست میشود لکن اگر بازو برهنه باشد درآن وقت مکروه میباشد. [۲] فقط

دست ها را داخل آستین قباء وجبه نکرده نماز خواندن مکروه است: سوال: (۱۵۵۱) در ملک خراسان مردمان در موسم سرما پوستین کلان مي پوشند که آستین دراز دارد ودست درآستین نمي کنند نماز خواندن با این هیئت چه حکم دارد وبا این هیئت سدل خواهد شد؟

جواب: در کتب فقه به تصریح مذکور است که نماز خواندن به هیئت مذکوره مکروه خواهد شد چه اسم سدل بر آن هم صادق آید درکبیري شرح منیه گفته است: ولو صلی في قباء الخ ینبغي أن یدخل یده في کمیه الخ احترازا عن السدل ص۳۳۲. [۳] وفي الشامي والصحیح الذیر قال قاضي خان والجمهور انه یکره لا انه إذا لم یدخل یدیه في کمیه صدق علیه اسم السدل الخ ج۱ ص٤۳. فقط

بر چار پائي نماز جائز است: سوال: (۱۵۵۲) اگر کسي درحالت صحت نماز فرض یا نفل را

---

(۱) ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها ج۱ ص ٦۰۵، ط. س. ج۱ ص٦٤٦، در محراب ایستادن مکروه است الخ وقیام الامام في المحراب لا سجوده وقدماه خارجه لان العبرة للقدم مطلقًا (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب ایضًا ج۱ ص٦۰٤، ط. س. ج۱ ص٦٤۵). ظفیر

(۲) ولو صلی رافعا کمیه الی المرفقین کره (عالمگیری مصری، الباب السابع فیمایفسد الصلوٰة ومایکره فیها ج۱ ص۱۰۰، ط. ماجدیه ج۱ ص۱۰۲). ظفیر

(۳) ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها ج۱ ص۵۹۸، ط. س. ج۱ ص٦٤۰. ظفیر

بر چارپائي اداء مي نمايد آيا جائز است يا نه؟

جواب: نمازش صحيح است [۱]. فقط

تلي پيزار اگر ناپاک باشد درآن نماز درست نيست: سوال: (۱۵۵۳) اگر تلي بوت با سطح زمين تماس گيرد پاک باقي نمي ماند لكن حصۀ ما فوق بوت اگر تلي پاي بر آن تماس گرفته باشد آن حصۀ پاک است آيا درآن كفش ها نماز جائز است يا نه؟

جواب: وقتيكه حصۀ ما تحت بوت باسطح زمين تماس گيرد آن بوت پاک باقي نمي ماند بناء بالاي آن بوت مسح نمودن جائز نيست ودرآن بوت ها نماز خواندن صحيح نيست [۲]. فقط

وجه عدم جواز نماز در پيزار ناپاک وجائز بودن نماز بر زمين پاک كه بر آن فرش پاک باشد: سوال: (۱۵۵٤) اگر بر زمين ناپاک يا فرش ناپاک قطيفه وغيره را انداخته نماز خواندن جائز باشد آيا در صورت همچو بودن بوت نماز جائزاست يا نه؟ زيرا در بوت نيز حصۀ ما فوق آن پاک وحصۀ ما تحت نجس ميباشد بناء درما بين صورتين چه فرق است؟

جواب: بر فرش ناپاک اگر لباس پاک را انداخت ونماز را اداء نمود نمازش صحيح است زيرا آن هر دو لباس ها جدا جدا ميباشد بخلاف پيزار زيرا وقتيكه حصۀ ما تحت او ناپاک است در آن نماز صحيح نيست بخاطر آنكه بوجه دوختن آن متصل شده وبا هم يكي شده است [۳]. فقط

در صحن مسجد با جماعت نماز درست است: سوال: (۱۵۵۵) درصحن مسجد نماز فرض را با جماعت بسبب شدت گرمي بغير ازكراهت اداء خواهد شد يا نه؟ زيد ميگويد كه رسول اكرم هيچ وقت برصحن مسجد نماز رانداده اند بناء اين قول زيد تابه كدام حدي درست است؟

جواب: اين قول زيد غلط است ودر هر دو حصۀ مسجد مسقف باشد يا غير مسقف (داراى چت

---

(۱) وان صح بشرط كونه على جبهته الخ وبشرط طهارة المكان وان يجد حجم الارض (درالمختار) لتفسيره ان الساجد لو بالغ لا يتسفل رأسه ابلغ من ذالک فصح على طنفسة وحصير وحنطة وشعير وسرير وعجلة ان كانت على الارض الخ (ردالمحتار باب صفة الصلٰوة فصل تاليف الصلٰوة ج۱ ص٤٦٨ ، ط. س. ج۱ ص۵۰۰). ظفير

(۲) والشرط الخ شرعا ما يتوقف عليه الشيء ولا يدخل فيه هي ستة طهارة بدنه الخ من حدث بنوعيه الخ وخبث مانع الخ وثوبه الخ اى موضع قدميه اواحدهما ان رفع الاخرىٰ الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب شروط الصلٰوة ج۱ ص۳۷۳ - ۳۷٤ ، ط. س. ج۱ ص٤۰۲) ويفسدها الخ صلاته على مصلى مضرب نجس البطانة .(ايضًا باب مايفسد الصلٰوة ج۱ ص۵۸۵ ، ط. س. ج۱ ص٦۲٦). ظفير

(۳) ويفسدها الخ صلاته على مصلى مضرب نجس البطانة بخلاف غير مضرب ومبسوط على نجس ان لم يظهر لون او ريح (درالمختار) قوله مصلى مضرب اى مخيط الخ ومفهومه ان الاصح في غير المضرب الجواز اتفاقًا (ردالمحتار باب مايفسد الصلاة ومايكره فيها ج۱ ص۵۸۵ ، ط. س. ج۱ ص٦۲٦). ظفير

باشد یا بي چت) درآن نماز جماعت جائز وصحیح است واین هر دو اسماء دلیل برآن است که در یکه حصۀ غیر مسقف درتابستان ودر حصۀ دیگري که مسقف است درآن در زمستان نماز اداء میشود [۱]. فقط

<u>ریاح را مسدود نموده نماز اداء نمودن چگونه است؟</u> سوال: (۱۵۵٦) زید به امامت دادن نماز ظهر آغاز نمود وبعد از اداء نمودن یک رکعت هواي شکمش درصدد خارج شدن شد لکن وي خروج هوا را جلو گیري کرده نماز را به انجام رساند بناءا آیا این نماز درست شده است یا نه؟

جواب: نمازش درست شده البته مکروه است واگر بوجه این هوا قلبش زیادتر مشغول وپراگنده میشد در آن صورت مکروه تحریمي میباشد ور نه مکروه تنزیهي است [۲]. فقط

<u>در لباسهای مستعمل قوم نصاری نماز جائز است یا نه؟</u> سوال: (۱۵۵۷) در لباس هاي مستعمل قوم نصاری نماز خواندن چگونه است؟

جواب: در مورد لباس هاي مستعمل قوم نصاری وغیره فقهاء کرام نوشته اند که درآن نماز اداء نمودن جائز است وتنها در لنگ وازار مستعمل آنها جائز نیست زیرا ظن غالب بر آن است که نجس باشد کذا في الشامي [۳] واحوط آنست که هر لباس شسته شود وبویژه شستن لنگ وازار زیادتر ضروري است. فقط

<u>در لباس ابریشمي نماز چگونه است؟</u> سوال: (۱۵۵۸) اگر لباس ابریشمي را بپوشد ویا بر زمین فرش نماید وبر آن نماز اداء کند آیا نماز درست میشود یانه؟ وهمچنان اعاده نماز واجب است یا خیر ودر آن مورد توضیحات یکي از اهل علم است که نماز درست میشود لکن آن شخص گنهکار است چنانچه یک مرد انگشتر طلائي یا انگشتر نقره زائد ازمقدار شرعیه یا دیگر

---

(۱) المسجد الصیفی بجنب الشتوی وامتلأ المسجد یقوم الامام فی جانب الحائط لیستوی القوم من جانبه (ردالمحتار باب الامامة مطلب فی کراهة قیام الامام فی غیرالمحراب ج۱ص ۵۳۱، ط.س. ج۱ص۵٦۸). ظفیر

(۲) ریاح قطعها لنحو قتل حیة الخ ویستحب لمدافعة الاخبثین (درالمختار) کذا فی مواهب الرحمٰن ونور الایضاح لکنه مخالف لمافیمناه الخزائن وشرح المنیة من الله ان ذالک یشغله ای یشغل قلبه عن الصلاة وخشوعها فاتمها یأثم لادائها مع الکراهة التحریمیة ومقتضی هٰذا ان القطع راجب لا مستحب الخ (رد المحتار باب مایفسد الصلٰوة وما یکره فیها ج۱ ص٦۱۲ ، ط. س. ج۱ ص٦۵٤). ظفیر

(۳) ثیاب الفسقة واهل الذمة طاهرة (در المختار) قال فی الفتح وقال بعض المشائخ تکره الصلٰوة فی ثیاب الفسقة لانهم لایتقون الخمور قال المصنف یعنی صاحب الهدایة الاصح انه لایکره لانه لا یکره من ثیاب اهل الذمة الا السراویل مع استحلالهم الخمر فهذا اولی اهـ (رد المحتار قبیل کتاب الصلٰوة ج۱ ص۳۲٤ ، ط. س. ج۱ ص۳۵۰). ظفیر

زیورات را در بدن داشته باشد ونماز را اداء نماید نمازش درست است اما گناه استعمال ناجائز آن ایشاء بدوش او میباشد وهمچنان اگر یک لباس یا ازار وغیره از شتالنگ پائین باشد آیا نماز همچو شخص درست خواهد شد یا نه؟ ودیگر آنکه صاحب لباس ابریشمي یا داراي ازار طولانی مانند اهل عرب وغیره ایشان قباء وجبه وغیره را آنقدر دراز مي پوشند که با سطح زمین تماس میگیرد ویا امامت شخص زیورات پوش یا شخص ریش تراش درست است یا نه؟ بعد علم ودانستن مقتدیان برآن امور آیا براي مقتدیان اعاده نماز خویش ضروري است یا نه؟ وبالخصوص در همچو صورت اعاده نمازهاي جمعه وعیدها را چگونه باید کرد حالانکه مردم بعد از سلام اکثرا منتشر وپراگنده میشوند؟

جواب: پوشیدن لباس ابریشمي حرام است فلهذا هر نمازیکه در لباس هاي ابریشمي اداء شده باشد مکروه وواجب الاعاده میباشد [1] واگر آن را بر زمین فرش نماید وبر آن نماز اداء کند آن را فقهاء کرام جائز نوشته اند کما في رد المحتار: بخلاف الصلاة علی السجادة منه أی من الحریر لان الحرام هو اللبس دون الانتفاع الخ. سپس در این مورد از حموي روایت کراهیت را نیز نقل نموده است با آنهم که آن را مرجوح است بهر حال إحتیاط در آنست که بر فرش ابریشمي نماز نخواند لکن اگر خوانده شود اعاده واجب نیست واگر لباس کسي خلاف شرع باشد یا ریش را تراشیده باشد در این صورت امامت وي مکروه است بخاطر آنکه امام فاسق میباشد ودر در المختار مذکور است: صلی خلف فاسق أو مبتدع نال فضل الجماعة الخ أفاد ان الصلاة خلفهما أولی من الانفراد الخ شامي [2]. ودر صورت ترک نمودن واجب در نمازهاي عیدین وجمعه حکم بر عدم سجده سهوه کردن [3] تقضاي آن سخن را مي کند که در صورت مذکوره اعاده آن لازم نیست. فقط

<u>در ازار که از شتالنگ پائین باشد نماز اداء نمودن چگونه است</u>؟ سوال: (۱۵۵۹) در نمازکه شتالنگ ازار را پائین داشتن چگونه است؟

جواب: در نماز ازار را از شتالنگ پائین آویزان نمودن مکروه است واز حصول ثواب محروم

---

(۱) لان الصلٰوة فی الحریر مکروهة للرجال (شرح حموي علی الاشباه والنظائر ص ۱۹۷). ظفیر

(۲) رد المحتار باب الامامة ج۱ ص ۵۲۵ ، ط. س. ج۱ ص ۵۶۲ ظفیر.

(۳) والسهو فی صلٰوة العید والجمعة والمکتوبة والتطوع سواء والمختار عند المتاخرین عدمه فی الاولیین (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۵ ، ط. س. ج۲ ص۹۲). ظفیر

خواهد شد وعلاوه از نماز در دیگر اوقات نیز باید ازار از شتالنگ بالاتر باشد ودر حدیث شریف در مورد همچو انسان که از شتالنگ ازارش پائین تر باشد وعید شدید آمده است [۱].
فقط

در محراب نماز جائز است یا خیر؟ سوال: (۱۵۶۰) در محراب نماز خواندن جائز است یا نه؟

جواب: جائز است [۲]. فقط

بر مصلی دارای نقش ونگار نماز جائز است یانه؟ سوال: (۱۵۶۱) اگر بریک جاي نماز نقش یک روضه یا مسجد یاخانه کعبه یا مدینه منوره باشد ودرهر حالت درپیش نظر باشد برآن مصلی یا جاي نماز خمس الاوقات نماز اداء نمودن چگونه است؟

جواب: نماز اداء میشود [۳] لکن نقش ونگار را در پیش نظر داشتن نا پسند است. [۴]،فقط

در لباس کثیف نماز جائز است یانه؟ سوال: (۱۵۶۲) امام با داشتن لباس هاي زیاد وي لباس کثیف را استعمال مي نماید آیا بدنبال وي نماز خواندن کدام نقصان ببار ندارد؟

جواب: نماز صحیح است اما لباس نظیف بکار است [۵]. فقط

در ورکشاپ با وجود ممانعت نماز اداء نمودن چگونه است؟ سوال: (۱۵۶۳) ما مردم در ورکشاپ ریل (قطار یا راه آهن) ملازمان میباشیم مایان مخفیانه نماز ظهر را اداء مي نمائیم لکن

---

(۱) عن ابی هریرة رضی الله عنه قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ماسفل من الکعبین من الازار فی النار، رواه البخاری (مشکوٰة کتاب اللباس). ظفیر الدین غفر له

(۲) یعني براي مقتدي منفرد جائز است لکن براي امام مکروه میباشد: وکره الخ قیام الامام فی المحراب (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ص۶۰۴ ، ط. س. ج۱ ص۶۴۴). ظفیر

(۳) او لغیر ذي روح لا یکره لانها لا تعبد (درمختار) لقول ابن عباس للسائل فان کنت لابد فاعلا فاصنع الشجر وما لا نفس له رواه الشیخان (ردالمحتار باب ما یفسد الصلاة ومایکره فیها ج۱ ص۶۰۷ ، ط. س. ج۱ ص۶۴۹). ظفیر

(۴) ولا باس بنقش خلا محرابه فانه یکره لانه یلهی المصلی (درالمختار) فیخل بخشوعه من النظر الی موضع سجوده ونحوه ؛یکون منتهی بصره الی موضع سجوده الخ (ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها مطلب حکام المسجد ج۱ ص۶۱۶ ، ط. س. ج۱ ص۶۵۸). ظفیر الدین غفر له

(۵) الشرط لغة العلامة الخ وشرعًا مایتوقف علیه الشی الخ هی الخ وثوبه (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب شروط الصلٰوة ج۱ ص۳۷۳ ، ط. س. ج۱ ص۴۰۲) لکن فقهاء کرام در حین وسعت در همچو لباس ها نماز خواندن را مکروه تنزیهي نوشته: کره کفه الخ وصلاته فی ثیاب بذلة یلبسها فی بیته ومهنته ای خدمته ان له غیرها والاً ، لا.(ایضًا باب مایفسد الصلٰوة ج۱ ص۵۹۹ ، ط. س. ج۱ ص۶۴۰). ظفیر

حکم مامور مؤظف آنست هر کسیکه نماز میخواند او باید نیم ساعت رخصتي بگیرد ودر خارج نماز را اداء کند ودر داخل ورکشاپ نماز خوان مستحق جزاء میباشد بناء در همچو صورت حکم وراه بیرون رفت چیست؟

جواب: وقتیکه حاکم از خواندن نماز در داخل ورکشاپ ممانعت نموده است وچنین فرموده است: هر کسیکه نماز میخواند او باید نیم ساعت رخصتي مطالبه کند وخارج ورکشاپ نماز را اداء نماید بناءا او باید با أخذ رخصتي خارج ورکشاپ نماز را اداء کند زیرا وقتیکه ورکشاپ ملکیت او است فلهذا بعد از ممانعت در داخل آن نماز خواندن چنان است مثیلکه در زمین غصب شده نماز اداء نمودن است وآن مکروه میباشد [1] لهذا نماز خود را چرا مکروه مي نماید باید که خارج ورکشاپ برود ونماز را اداء کند با آنهم که درآن خوف جزاء نیز متصور است. فقط

بسبب کثرت نماز خوانان قیام نمودن در در مسجد درست است یانه؟ سوال: (۱۵٦٤) در ماه رمضان المبارک بسبب ازدحام نماز گذاران وکمبود فرش مسجد اگر امام در درِ مسجد ایستاد شود وامامت بدهد آیا جائز خواهد باشد یانه؟

جواب: در درِ مسجد قیام نمودن امام در شامي مکروه نوشته است وبر آن این قول امام اعظم را نقل نموده است بنا برآن براي امام بکار است که اگر بسبب ازدحام مقتدیان ضرورت احساس شود که در درب مسجد ایستاد شود پس در آن صورت پاهاي خود را خارج از دروازه بگذارد وسجده را در داخل اداء نماید اگر همچو طریقه انجام شد بهتر است ور نه بنا بر اشد ضرورت در درب مسجد قیام نمودن ونماز را اداء کردن نیز درست است ونماز درست میشود لکن باز هم از آن خود داري نمودن بهتر است [2].

اگر بر قطیفه عکس پرنده یا چیزی دیگر را فراموش نماید ونماز را اداء کند ایا نماز خواهد شد یانه؟ سوال: (۱۵٦٥) در جاي نماز که عکس پرنده باشد وبر آن قطیفه یا چیزي دیگري را اندازد ونماز بخواند آیا این جائز است یا نه؟

---

(۱) وکذا تکره في اماکن کفوق کعبة الخ وارض مغصوبة وللغير (الدر المختار على هامش رد-المحتار کتاب الصلوة ج۱ ص۳٥٤). ظفير

(۲) وقيام الامام في المحراب لاسجوده فيه وقدماه خارجه لان العبرة للقدم مطلقا(در المختار) وفي حاشية البحر للرملي الذى يظهر من کلامهم انها کراهة تنزيهة (ردالمحتار باب مايفسد الصلوة ومايكره فيها ج۱ ص٦٠٤ ، ط. س. ج۱ ص٦٤٥). ظفير

جواب: در این صورت نماز بلا کراهیت جائز است [۱]. فقط

در پیزار نماز جائز است یانه؟ **سوال**: (۱۵٦٦) در مورد نماز خواندن در پیزار در الدر المختار نوشته است که اگر پیزار پاک باشد پس در آن نماز جائز بلکه افضل است وعلامه شامي بر آن این حدیث رانقل نموده است: صلوا في نعالکم والا تشبهوا بالیهود [۲]. لکن درآخر او از عمدة المفتي نقل نموده است: إن دخول المسجد متنعلا من سوء الادب [۳]. یعني داخل مسجد با پیزار رفتن در عصر موجوده ناپسند است واین ظاهر است بخاطر آنکه مردم احتیاط نمیکنند وممکن است که پیزارش بنجاست ملوث باشد واکثرا همانطور میشود کما هو مشاهد البته اگر پیزار یقینا پاک باشد مانند پیزار جدید پس دراین صورت با همچو پیزار نماز اداء نمودن هیچ حرج ندارد بلکه افضل وبهتر است کما صرح به الفقهاء وورد في الحدیث. فقط

بعد از نماز دعا ودر آن علاوة نمودن (دَارَک): **سوال**: (۱۵٦۷) امام بعد ازنماز چنین دعا مي کند: اللهم انت السلام ومنک السلام الخ وادخلنا دَارَک السلام الخ بناء گفتن لفظ دارک درست است یانه؟

جواب: گفتن لفظ دارک ثابت نیست بناء گفتن آن بکار نیست تنها وادخلنا دار السلام گفتن بکار است. فقط

بعد ازختم نماز جماعت چگونه دعا خواسته شود؟ **سوال**: (۱۵٦۸) بعد از اختتام نماز جماعت آیا امام ومقتدیان با هم شریک دعا بخواهند یا علیحده علیحده واگر مشترکا دعا بخواهند پس تنها بعد از یکبار دعا خواستن بروي خویش دست ها را بمالند یا بعد از سه دفعه؟

جواب: وقتیکه امام از نماز فارغ شود با مقتدیان با هم مشترک دعا بخواهند سپس ازان سنت ونوافل را اداء نمایند وبدنبال آن بوظائف محوله خویش بروند وبار دوم وسوم بطریقه مذکوره دعا خواستن ثابت نیست ومقتدیان را مقید نمودن تا به دعاي دوم وسوم جواز ندارد. فقط

---

(۱) واختلف فیما اذا کان التمثال خلفه والاظهر الکراهة ولایکره لو کان تحت قدمیه او محل جلوسه لانها مهانته الخ او علی خاتمه بنقش غیر مستبین قال في البحر ومفاده کراهة المستبین لا المستتر بکیس او صرة او ثوب آخر (در المختار) بان کان فوق الثوب الذی فیه صورة ثوب ساتر له فلا تکره الصلاة فیه لاستتارها بالثوب (ردالمحتار باب مایکره في الصلوٰة ج۱ ص ٦۰٦ – ٦۰۷ ، ط. س. ج۱ ص٦٤۸) ظفیر الدین غفر له

(۲) ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها مطلب احکام المسجد ج۱ ص٦۱۵ ، ط. س. ج۱ ص٦۵۷. ظفیر

(۳) ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها مطلب احکام المسجد ج۱ ص٦۱۵ ، ط. س. ج۱ ص٦۵۷. ظفیر

بعد از آشامیدن چای بغیر از کنگال نمودن دهن نماز خواندن چگونه است؟ سوال: (۱۵۶۹) اگر یک نفر چاي آشامید وسپس ازآن آنقدر مکث نمود که اثر چای از بین رفت در این صورت بغیر از کنگال کردن دهن نماز خوانده میتواند یانه؟ ویا ضرورت برای مضمضه احساس میشود؟

جواب : کنگال نمودن دهن با آنهم بهتر است واگر دهن را کنگال نکرد بازهم نماز درست خواهد شد. [1] فقط

در وقت کشته شدن امام مقتدیان نیت را شکستانده میتوانند یا نه؟ سوال: (۱۵۷۰) اگر در وقت نماز جماعت دشمن بیاید وامام را قتل میکند آیا مقتدیان نیت را بشکنانند ودشمن را بگیرند ویا چه بکنند؟

جواب: فقهاي احناف نوشته که بخاطر احیاء نفسی (نجات دادن حیات نفس) شکستاندن نماز واجب است درشامي ودرالمختار مذکور است: ویجب القطع لانجاء غریق او حریق [2] الخ بناءا در صورت مسئوله شکستاندن نماز ونجات دادن برای امام واجب است.

ازار یا لنگ که از شتالنگ پائین تر باشد نماز درآن مکروه است: سوال: (۱۵۷۱) جامه که از شتالنگ پائین تر باشد درآن نماز مکروه است یا نه؟

جواب: مکروه است [3]. فقط

تنها در لنگ نماز درست است: سوال: (۱۵۷۲) یک شخص حاجي توانگر است ودر موسم گرمي خمس الاوقات نماز را در یک لنگ که از زانو دو انگشت پائین تر است وبا یک چادر دیگر نماز را اداء میکند ودر بعض اوقات تنها درآن لنگ نماز را اداء مي نماید آیا این نماز او درست میشود یا نه؟

جواب: تنها با بستن لنگ نیز نماز درست میشود [4] اما بهتر آنست که در صورت استطاعت

---

(۱) قال اتی رسول الله ﷺ بخبز ولحم وهو في المسجد فاكل واكلنا معه ثم قام فصلى وصلينا معه ولم نزد على ان مسحنا ايدينا بالحصباء رواه ابن ماجة (مشكوٰة كتاب الاطعمه ص٣٦٦) بالحصباء اى بالحجارات الصغار استعجالا للصلٰوة او بيانا للجواز (مرقاة ج٤ ص ٣٧٩). ظفير الدين غفر له

(۲) الدرالمختار على هامش رد المحتار باب ادراک الفريضة ج١ ص٦٦٦، ويجب (قطع الصلٰوة) لاغاثة ملهوف وغريق وحريق (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب مايفسدالصلٰوة الخ ج١ ص٦١٣ ، ط. س. ج١ ص٦٥٤). ظفير

(۳) قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ماسفل من الكعبين من الازار في النار رواه البخارى (مشكوٰة كتاب اللباس ص ٣٧٣) لان الصلٰوة في الحرير مكروهة للرجال (الاشباه والنظائر ص١٩٧). ظفير =

لنگ وچادر یا کرته وازار وکلاه یا عمامه وکلاه با هر دو نماز را اداء نماید این بهتر است [۱]. فقط

با ازار بند ابریشمی نماز درست است یانه؟ سوال: (۱۵۷۳) لباس ابریشمي براي مرد حرام است. ونماز همراهش مکروه میباشد غاية الاوطار جلد اولی ص۱۹۰، لیکن در جلد چهارم فتاوی هندیه نوشته است اگر با ازار بند ابریشمي نماز خواند جائز است ومکروه نخواهد باشد لکن استعمال کنندهٔ آن مرتکب گناه میباشد؟

جواب: این واضح است که جامه ابریشمي براي مرد پوشیدنش حرام است ودر صورت پوشیدنش نماز مکروه خواهد باشد ودر فتاوی هندیه جواز نماز را بغیر از کراهیت غالبا بخاطر آن مقصد نوشته است که بنزد بعض علماء استعمال ازار بند ابریشمي جائز است کذا في الدر المختار: وتکره التکة منه ای من الدیباج هو الصحیح وقیل لاباس به الخ وفی الشامی عن التتارخانیه ولاتکره تکة الحریر لانها لاتلبس وحدها، وفی شرح الجامع الصغیر لبعض المشائخ لاباس بتکة الحریر للرجال عند ابی حنیفة وذکر صدر الشهید انه یکره عندهما [۲]. بناء ازآن روایت وجه تطبیق نیز معلوم شد که صاحب غایة الاوطار شاید قول صاحبین را ا خذ نموده باشند ودر فتاوی هندیه قول امام صاحب را اختیار نموده باشد علاوه از آن در غایة الاوطار تکهٔ ابریشمي را نوشته است ودر مورد ازار بند بحث ننموده است ودر مورد کراهیت کمر بند خلاف است کما مر. فقط

برکاغذ دولتی یا بکس نماز خواندن: سوال: (۱۵۷٤) اگر کسي از دفتر دولتي کاغذ یا بکس چوبي بغیر از اجازه مقامات بیاورد وسپس بر آن جاي نماز را فرش نموده نماز را اداء نماید آیا نمازش اداء خواهد شد یا نه؟

جواب: نماز بر آن صحیح است اما مکروه میباشد [۳] کما في الارض المغصوبة لکن اعاده اش

---

(٤) والرابع ستر عورته الخ وهي للرجل ما تحت سرته الى ماتحت رکبته (الدرالمختارعلی هامش رد المحتار باب شروط الصلٰوة ج۱ ص۳۷٤ ، ط. س. ج۱ ص٤۰٤). ظفیر

(۱) والمستحب ان یصلی الرجل فی ثلثة اثواب ازار وقمیص وعمامة ولوصلی فی ثوب واحد متوشحا به جمیع بدنه کما یفعله القصار فی المقصرة جاز من غیر کراهة مع تیسیر وجود الطاهر الزائد ولکن ترک الاستحباب (غنیة المستملی ص۳۳۷). ظفیر

(۲) ردالمحتار کتاب الحظر والاباحة فصل فی اللبس ج۵ ص۳۱۰ ، ط. س. ج۱ ص ۳۵۳ – ۳۵٤ . ظفیر

(۳) وکذا تکره فی اماکن کفوق کعبة الخ وارض مغصوبة (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصلٰوة ج۱ ص۳۵٤ ، ط. س. ج۱ ص ۳۷۹ – ۳۸۱). ظفیر

واجب نیست. فقط

اگر چارپائی در پیشروی نماز گذار باشد کدام حرج ببار نمی آورد: سوال: (۱۵۷۵) در داخل یک مکان یا دکان در محاذات نمازگذار چارپائي خالي موجود است واو رخ قبله خود چارپائي گذاشته شده را گردانیده ونماز میخواند آیا جائز است یانه؟

جواب: درست است. فقط

در صورت نقصان بنجاه پول شکستاندن نماز چگونه است؟ سوال: (۱۵۷۶) در صورت رسیدن نقصان پنجاه پول شکستاندن نماز بدون معصیت جائز است یانه؟

جواب: در در المختار مذکور است: در وقت رسیدن نقصان بمقدار یک درهم شکستاندن نماز درست است ودرهم نزدیک به پنجاه پول میباشد وشامي از بعض فقهاء کرام جواز شکستاندن نماز را از مقدار مذکوره نیز نقل نموده است. مشایخ عام بر آنند که در صورت نقصان رسیدن پنجاه پول نماز را قطع کرده میتواند [1]. فقط

در صورت عدم گنجایش در داخل در دروازۀ ایستاد شدن چگونه است؟ سوال: (۱۵۷۷) بعد از تکمیل صفوف در داخل در دروازه ها سه یا چهار نماز گذار باهم یکجا شده در دروازه ها قیام مي نمایند بناء نماز خوان که در دروازه ها استاد میشوند آیا نماز آنها بلا کراهیت جائز است یا مکروه؟

جواب: درکتاب هاي فقه نوشته است که در دروازه نماز خواندن مکروه است لکن اگر بخاطر ازدحام مردم چنانچه در روز جمعه میباشد اگر چند چند نفر در دروازه هاي که وسیع وفراخ میباشد ایستاد شوند درآن وقت بنیا بر ضرورت کدام حرج در آن نیست ودر نماز نیز کدام خلل واقع نمیشود [2]. فقط

در انگشتری طلا ، نماز مکروه است؟ سوال: (۱۵۷۸) براي مردان استعمال انگشتري طلائي

---

(۱) ویباح قطعها لنحو قتل حیّة وند دابة وفور قدر وضیاع ما قیمته درهم له اولغیره (در المختار) قال في مجمع الروایات لان ما دونه حقیر فلا یقطع الصلاة لاجله لکن ذکر في المحیط في الکفالة ان الحبس بالدانق یجوز فقطع الصلاة اولی هذا في مال الغیر اما في ماله یقطع والاصح جوازه فیهما اهـ وتمامه في الامداد والذی مشی علیه في فتح القدیرالتقیید بالدرهم (ردالمحتار باب مایفسد الصلوٰة ومایکره فیها ج۱ ص۶۱۲، ط. س. ج۱ ص۶۵۴). ظفیر

(۲) وقیام الامام في المحراب لا لسجوده فیه وقدماه خارجه لان العبرة للقدم مطلقا الخ وانفراد الامام علی الدکان الخ وکره عکسه في الاصح وهذا کله عندعدم العذر لجمعة وعید فلو قاموا علی الرفوف والامام علی الارض اولی المحراب لضیق المکان لم یکره (الدرالمختارعلی هامش ردالمحتار باب مایکره فیها ج۱ ص۶۰۴ – ۶۰۵ ، ط. س. ج۱ ص ۶۴۵ – ۶۴۶. ظفیر

وهمراي آن اگر نماز خوانند چگونه است؟

جواب: براي مردان انگشتري طلائي حرام است كما في الحديث: نهى رسول الله عن خاتم الذهب، الحديث [۱] فلهذا وقتيكه انگشتري طلا براي مرد هر وقت حرام است بناء در نماز نيز حرام است ونماز با كراهيت اداء ميشود به اين معنى كه نماز درست ميشود اما مكروه است [۲].

اگر بعد اندکی قرائت از امام فراموش شود چه باید کرد؟ **سوال**: (۱۵۷۹) اگر يک شخص مقدار قرائت نمود وآيت هاي در پيش از وي فراموش شد ومقتدي او را فتح داد اما امام فتح او را نگرفت حتى كه بار دوم وسوم نيز فتح را نگرفت بلكه نماز شكستاند واز سر نو مجددا نماز را تكميل نمود آيا اين فعل امام جائز است يا نه؟

آیا درآن صورت از سر نو نماز را شروع نماید؟ **سوال**: (۱۵۸۰) هر كسي را كه همچو صورت عارض شود آيا اورا شكستاندن نماز واز سر نو تحريمه نمودن بكار است ويا در آيت ديگر يا سورت ديگر رفتن بكار است يعني در صورت عدم قرائت قدر ما يجوز به الصلاة؟

درصورت فوق الذکر ترجیح دادن به شکستاندن نماز غلط است: **سوال**: (۱۵۸۱) (۱) اگر يک نفر درصورت فوق الذكر نماز را فسخ مي نمود واز سر نو برتحريمه اصرار مي ورزد وبه آيت وسورت ديگر رفتن را ناجائز ميگويد ودر مورد فسخ نمودن نماز آن عبارت را حجت ميگيرد كه در مورد سنت فجر آمده است: اذا خاف فوت الجماعة يتركها، بناءا درمورد صورت فوق الذكر بخاطر فسخ نمودن نماز آن عبارت را استدلال نمودن صحيح است يانه؟

معنی یترکها چیست؟ **سوال**: (۱۵۸۲) (۲) درعبارت فوق الذكر لفظ (يتركها) بمعنى آنست كه اگر كسي درصورت شروع نمودن در سنيت خوف فوت شدن جماعت را داشته باشد درآن صورت جماعت را ترک كند ودرجماعت شركت ورزد ويا معنى ثاني آن همچنان نيز است كه اگر كسي بعد از قيام جماعت سنت را شروع نمود وبعد از شروع برايش خوف فوت شدن جماعت عارض شد درآن وقت سنت را ترک نمايد ودرجماعت شريک شود آيا لفظ (يتركها) هر دو صورت ها را شامل ميباشد يا يک صورت را وآن هم كدام صورت را واگر صورت ثاني

---

(۱) عن علي رضي الله عنه قال نهى رسول الله ﷺ عن لبس القسي والمعصفر وعن تختم للذهب الخ رواه مسلم (مشكوٰة باب الخاتم ص ۳۷۸).
ظفير الدين غفر له

(۲) لان الصلوٰة في الحرير مكروهة للرجال (شرح حموى على الاشباه والنظائر ص۱۹۷). ظفير

را شاملٰ باشد پس مطلب حديث: لا تبطلوا أعمالكم چيست؟

جواب: (۱ – ۲) براي امام دراين صورت فتح گرفتن بكار بود ويا برايش بكار بود كه بطرف آيت ديگر انتقال مي نمود اگر بقدرما تجوز به الصلاة ويا بمقدار مستحب قرائت شده بوده درآن وقت ركوع نمودن بكار بود، وشكستاندن نماز رادر همچو حالت فقهاء كرام تحرير ننموده اند: ردالمحتار، تتمه يكره ان يفتح من ساعة كما يكره للامام ان يلجئه اليه بل ينتقل الى آية اخرى لا يلزم من وصلها ما يفسد الصلٰوة والى سورة اخرىٰ او يركع اذا قرأ قدر الفرض كما جزم به الزيلعى وغيره فى روايته قدر المستحب كما رجحه الكمال الخ وفى الدرالمختار بخلاف فاتحه على امامه فانه لايفسد مطلقًا لفاتحٍ وآخذ بكل حاجلٍ الخ وفى الشامى قوله بكل حال اى سواء قرء الامام ما تجوز به الصلٰوة ام لا انتقل الى آية اخرى ام لا تكرر الفتح ام لا هو الاصح [1]، پس هر گاه فقهاء كرام آنقدر وسعت نموده اند بناء شكستاندن مناسب نبوده وبنابر حكم حديث: لَا تُبْطِلُوْا اَعْمَالَكُمْ، درآن حالت شكستاندن نماز ممنوع بوده.

جواب: (۳) اين سخن فوقا واضح گرديد كه در همچو حالت فتحه گرفتن را فقهاء كرام يا انتقال الى آية أخرى.

جواب: (٤) يا إلى سورة أخرى جائز قرار داده اند بناء آنرا ناجائز گفتن ونماز را شكستاندن ودوباره اصرار نمودن به انعقاد تحريمه بوجه جهل خواهد باشد. وهر كسيكه عالم بمسائل شرعي وفقيه باشد همچو حكم را صادر كرده نميتواند زيرا اين أحتياط نيست بلكه محض وهم وخطائي ميباشد وعبارت مذكور را درآن مورد دليل آوردن وروايات صريح جواز را وحكم فقهاء كرام را ترك نمودن جهل عليحده ميباشد واين استدلال نمودن غلط است، ومعني (يتركها) آنست كه شروع نكند نه آنكه بعد از شروع آن را بشكناند زيرا بعد از شروع نمودن قطع كردن آن را فقهاء كرام صراحة ممنوع نوشته اند: والشارع في النفل لا يقطع مطلقا ويتمه ركعتين وكذا سنة الظهر وسنة الجمعة اذا اقيمت او خطب الامام يتمها اربعًا على القول الراجح لانها صلٰوة واحدة وليس القطع للاكمال بل للابطال خلافا كما رجحه الكما ل (درالمختار) قوله خلافًا لما رجحه الكمال حيث قال وقيل يقطع على رأس الركعتين وهو الراجح الخ شامى [2]. فقط

(۱) رد المحتار باب مايفسد الصلٰوة ومايكره فيها ج۱ ص۵۸۲ ، ط. س. ج۱ ص۶۲۲ – ۶۲۳ . ظفير
(۲) رد المحتار باب ادراک الفريضة ج۱ ص ۶۶۸ ، ط. س. ج۲ ص ۵۳ . ظفير

از پیش روی نماز خوان بکدام اندازه فاصله عبور نمودن بکار است؟ **سوال:** (۱۵۸۳) درروز جمعه اکثر مردم از پیش روي نماز خوانان عبور مي نمایند آیا درآن مورد کدام حد فاصله مقرر است که ازآن مرور نمودن جائز باشد؟

جواب: در مساجد بزرگ اگر از موضع سجود بالوضع بصر نماز گذارکدام شخص عبور کند درست است ودرمسجد صغیرکه از اندازه ده دست کم باشد درهیچ جاي مرور نمودن نیز ثابت نیست . کذا في الدر المختار [۱]. فقط

بعد ازنماز به آواز بلند کلمه خواندن چگونه است؟ **سوال:** (۱۵۸٤) وعن عبدالله بن زبیر قال كان رسول الله ﷺ اذا سلم من صلٰوته يقول بصوته الاعلٰى لا اله لا الله، وحده لا شريک له الملک وله الحمدوهو علٰى كل شي قدير لاحول ولا قوة الا بالله ولا نعبد الا اياه له النعمة وله الفضل وله الثناء الحسن لا اله الا الله مخلصين له الدين ولو كره الكافرون، رواه مسلم مشكوٰة شريف باب الذكر بعد الصلوٰة. بناءا یک شخص بنا بر استدلال برحدیث تحریر شده سه بار کلمه مبارکه رابه آواز بلند میگوید درآن مورد چه حکم است؟

جواب: علماء کرام خواندن کلمه طیبه رابه آواز بلند وبکیفیت خاص منع فرموده اند زیرا که این شعار اهل بدعت گردیده است واصلا خواندن همچو اذکار چونکه آهسته وخفیه باید باشد قسمیکه در آن مورد وارد شده است: الكم لا تدعون اصم ولا غائبا، وبآواز بلند خواندن آنحضرت ﷺ که بود بغرض تعلیم بوده فلهذا مردم دیگر را در همچو موارد ازجهر مفرط ممانعت نمودن بکار است وبهتر آنست که کلمه طیبه تابه اخر کاملا خوانده شود واو از انقدر بلند نباید باشد که از ان براي نماز گذاران وذاکرین متباقي تکلیف وآذیت پیدا شود. [۲]

درلباس کل عکس باشد نماز درست میشود یا نه؟ **سوال:** (۱۵۸۵) درلباس که تصویر باشد در آن نمازدرست میشود یاله؟

---

(۱) ولايفسدها نظره الى مكتوب الخ ومرور مار فى الصحراء وفي مسجد كبير بموضع سجوده فى الاصح او مرور بين يديه اى حائط القبلة في بيت ومسجد صغير فانه كبقعة واحدة مطلقًا الخ وان اثم المار لحديث البزار ولو يعلم المار ماذا عليه من الوزر لوقف اربعين خريفا (درمختار) قوله مسجد صغير وهو اقل من ستين ذراعًا وقيل من اربعين وهو المختار كما اشار فى الجواهر، قهستانى (ردالمحتار باب مايفسد الصلٰوة ومايكره فيها ج۱ ص۵۹۳ . ط. س. ج۱ ص٦۳٤). ظفير

(۲) ويكره الاعطاء الخ ورفع صوت بذكر (درمختار) فتارة قال انه حرام وتارة قال انه جائز الخ لانه حيث خيف الرياء اوتاذى المسلمين اوالنيام الخ (ردالمحتار مطلب رفع الصوت بالذكر ج۱ ص٦۱۸، ط. س. ج۱ ص٦۵۹). ظفير

جواب: اگر درلباس تصویر حیوان جاندار باشد درآن نماز درست نمیشود واگر تصویر غیر جاندار باشد درآن نماز خواهد شد (۱).

شمله اگر بیسار دراز باشد آیا نماز مکروه تحریمي خواهد شد؟ **سوال:** (۱۵۸٦) عمامه بستن بکدام اندازه سنت است ودرعقب چقدر شمله آن را گذاشتن مسنون است اگر کسي شمله را تا به سرین دراز مي ماند آیا نماز مکروه تحریمي میشود در این مورد حکم شرعي چیست؟

جواب: در درالمختار مذکور است: که گذاشتن شمله دستار درطرف پشت وتا به وسط ظهر مستحب است بعضي گفته اند که یک وجب باید باشد واین قول نمودن که اگر از پاو بالا یک وجب زیاد شمله بگذارد نماز مکروه تحریمي میشود کاملا غلط است وبودن شمله تا به ظهر یا یک وجب آن همه از امور مستحبه میباشد وبرخلاف آن مکروه تحریمي نیست ودر نماز هیچ نوع کراهیت نمي آید ودر مورد شمله در درالمختار آنست که بودن شمله تا به موضع جلوس مستحب است از تحقیق معلوم شد که تا به آخري بخش کمر یعني تا به شروع سرین شمله گذاشتن نیز مکروه نیست خلاصه آنکه آن همه أقوال که ذکر شد درمورد استحباب است، باقي آنکه گناه درهیچ حال نیست خواه شمله دراز باشد یا کوتاه باشد وهمچنان در مورد طول عمامه هیچ حد شرعي بخصوص نیست زیرا عمامه مبارکه آنحضرت ﷺ احیانا دوازده دست مي بود واحیانا هفت دست مي بود وبراي دیگران درمورد طول عمامه ایشان کدام حکم خاص نفرموده بودند بناء هر قسمیکه عادت باشد وهر قدریکه عادت بسته نمودن را داشته باشد آنقدر ببندد وهیچ وهم باید نکند (۲). فقط

درلباس ابریشمي نماز اداء شده درست است یانه؟ **سوال:** (۱۵۸۷) بغیر ازضرورت شرعي لباس ابریشمي را پوشیده نماز خواندن مکروه تحریمي است یا مکروه تنزیهي وبنا بر تقیدي اول اعاده نمودن نماز واجب میباشد یا خیر؟

جواب: ظاهرا نمازمکروه تحریمي است واعاده اش واجب میباشد: کما قالوا باعادة صلوة صلیت

(۱) وکره الخ لبس فیه تماثیل ذی روح (مختار) ویاتی ان غیر ذی الروح لایکره (ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص۶۰۵، ط. س. ج۱ ص ٦٤٤ – ٦٤٧) قوله ولبس ثوب فیه تصاویر لانه یشبه حامل الصنم فیکره وفی الخلاصة وتکره التصاویر علی الثوب صلّی فیه اولم یصل اهـ وهذه الکراهة تحریمیة (البحر الرآئق، باب مایفسد الصلاة وما یکره فیها ج۲ ص۷۲). ظفیر

(۲) وندب لبس السواد وارسال ذنب العمامة بین کتفیه الی وسط الظهر وقیل لموضع الجلوس وقیل شبر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار مسائل شتّٰی ج۵ ص٦٦٠، ط. س. ج۱ ص۷۵۵). ظفیر

في ثوب فيه غورة قال في ردالمحتار: ويؤيده ما صرحوا به من وجوب الاعادة بالصلوة في ثوب فيه صورة بمنزلة من يصلي وهو حامل صنم الخ [1] ص۳۰۷ جلد اول في بيان واجبات الصلوة. فقط

درلباس كثيف نماز مكروه است يانه؟ **سوال:** (۱۵۸۸) لباس كثيف وهمچنان لباسهاي موسم گرماني سال گذشته در ثياب بذله داخل است يا نه وآيا درآن نماز جائز باشد يا مكروه؟

جواب: لباس هاي فوق الذكر بسبب كثيف بودن آنها درثياب بذله داخل نيستند وهمچنان لباس موسم گرمي سال گذشته درثياب بذله داخل نمياشند بناءا درآن لباس ها نماز مكروه نمياشد [2]. فقط

بعد از نماز بطرف چپ توجه گردانيدن ودعاء كردن چگونه است؟ **سوال:** (۱۵۸۹) زيد درنماز عصر امام بود وبعد از گردانيدن سلام بطرف چپ روي آورده مناجات نمود آيا اين جواز دارد يانه؟

جواب: بعد ازهر نمازيكه سنت نيست مانند نماز فجر وعصر درآن براي امام اختيار است كه بطرف راست توجه آورده مي نشيند ويا بطرف چپ توجه آورده جلوس مي نمايد وهر دو صورت از حديث شريف ثابتْ است وفقهاء احناف نيز درهر دو صورت اختيار داده اند فلهذا بر كسيكه بطرف چپ توجه مي آورد طعن گفتن واعتراض نمودن جهالت است از مسائل ديني [3]. فقط

در نماز درتخيل آمدن رحمت عالم ﷺ ويا تصور نمودن آنجناب چگونه است؟ **سوال:** (۱۵۹۰) اگردر نماز تخيل رسول اكرم ﷺ احساس شود آيا نماز درست خواهد شد يانه؟ واگر در نماز درخيال آورده شود چه حكم دارد؟

جواب: وقتيكه در نماز درنفس التحيات ودرود شريف ذكر انحضرت ﷺ است بناءا تخيل آوردن ضروري شد وباقي نماز خالص براي عبادت الله تعالى است وتخيل غير الله على سبيل

---

(۱) ردالمحتار باب صفة الصلوٰة مطلب واجبات الصلاة ج۱ ص۴۲۶، ط. س. ج۱ ص۴۵۷، در شرح حموی است: لان الصلاة في الحرير مكروهة للرجال. ظفير

(۲) وصلاته في ثياب بذلة يلبسها في بيته ومهنته اى خدمته ان له غيرها والاّ لا (درالمختار) وفسّرها في شرح الوقاية بما يلبسه في بيته لا يذهب به الى الاكابر والظاهر ان الكراهة تنزيهية (ردالمحتار باب مايفسد الصلوٰة ومايكره فيها ج۱ ص ۵۹۹ ، ط. س. ج۱ ص۶۴۰). ظفير

(۳) وخيّر في المنية بين تحويله يمينا وشمالا واماما وخلفا وذهابه لبيته واستقباله الناس بوجهه ولودون عشرة مالم يكن بحذائه مصلى ولو بعيدا على المذهب (درمختار) لكن التخيير الذى في المنية هو انه ان كان في صلاة تطوع بعدها فان شاء انحرف عن يمينه او يساره اوذهب الى حوائجه اواستقبل الناس بوجه الخ (ردالمحتار باب صفة الصلوٰة ج۱ ص۴۹۶ ، ط. س. ج۱ ص۵۳۱). ظفير

التعظیم والعبادة بکار نیست ونماز درهرحالت صحیح است زیرا برخیال وتصور باز برسي نیست [(۱)]. فقط

درمحراب تنها نماز نماز خوان درست است یانه؟ سوال: (۱۵۹۱) (۱) در محراب مذکوره تنها نماز نمازِ گذار درست است یانه؟

در داخل محراب قیام نموده امامت داد ایا نماز درست شده است یانه؟ سوال: (۱۵۹۲) (۲) در محراب مذکوره اگر امام قیام ورزد وامامت بدهد آیا نماز درست خواهد شد یانه؟

داخل محراب نماز مقتدی درست خواهد شد یانه؟ سوال: (۱۵۹۳) (۳) در محراب مذکوره نماز مقتدي درست خواهد شد یانه؟

امام بکدام اندازه ارتفاع امامت کرده میتواند؟ سوال: (۱۵۹٤) (٤) امام بکدام اندازه بلندي قیام ورزیده امامت داده میتواند؟

امام در، درچقدر بلندی ایستاده شده میتواند؟ سوال: (۱۵۹۵) (۵) بوجه تنگ بودن وعدم گنجایش درصحن یا بسبب جنگل وغیره وزمینِ ناهموار امام تا به کدام اندازه بلندي ایستاده شده میتواند وامامت بدهد که از کراهیت عاري باشد؟

قصدا درنماز ارتکاب مکروه چگونه است؟ سوال: (۱۵۹٦) (٦) اگر عمدا در نماز ارتکاب فعل مکروه کرده شود آیا نماز درست میشود یا نه؟ وآیا گنهکار میشود یا نه؟

فتوی یک مولوی: سوال: (۱۵۹۷) (۷) مولوي اشرف علي صاحب سلمه تحریر فرموده است که امام را آنقدر درجاي بلند ایستادن مکروه است که براي ناظرین بلند معلوم شود؟

در چقدر بلندی سجده کرده شود؟ سوال: (۱٦۹۸) (۸) اگر با سطح مقتدي هموار امام ایستاد شود وسجده را درمکان مرتفع مي نماید بناءا براي امام چقدر دربلندي اجازت است وتا به کدام اندازه مقتدیان از امام بلند قیام نموده میتوانند؟

مقتدی از امام بلند قیام نموده میتواند یا نه؟ سوال: (۱۵۹۹) (۹) مقتدیان از امام در چقدر بلندي ایستاد شده میتوانند؟

اگر امام یک وجب بلند قیام نموده باشد در آن مورد چه حکم است؟ سوال: (۱٦۰۰)

---

(۱) عن ابی هریرة رضی الله عنه قال قال رسول الله ﷺ ان الله تجاوز عن امتی ما وسوست به صدرها ما لم تعمل به او تتکلم متفق علیه (مشکوٰة باب فی الوسوسه ص۱۸). ظفیر

(۱۰) اگر چوکات دروازۂ مسجد ازیک وجب کم باشد وامام برآن قیام نموده امامت داده میتواند یانه؟

اگر تکبیرات وسلام رابا امام یکجا اجراء نکرد وقبلا آن را ختم نمود بناءا درآن مورد چه حکم است؟ **سوال:** (۱٦۰۱) (۱۱) تکبیر تحریمه یا تکبیرات متباقي یاهر دو سلام ختم نماز یا سلام سجده سهوه با امام شروع کرده شود ویابعد از امام لکن ختم شود قبل از امام بناء دراین صورت نماز مقتدي درست خواهد شد یانه؟

مقتدی که قبل از امام رکوع وسجده میکند آیا نماز میشود یانه؟ **سوال:** (۱٦۰۲) (۱۲) اگر مقتدي پیش از امام رکوع سجده یا قومه وغیره را مرتکب شود آیا نماز مقتدي درست خواهد شد یانه؟ وهمچنان سرمقتدي که قبل ازامام سجده میکند مانند خر خواهد شد یانه؟

وقت غلبۂ خواب دنبال امام نماز میشود یانه؟ **سوال:** (۱٦۰۳) (۱۳) اگر مقتدي در نماز بعقب امام ایستاد بود واو را غلبۂ خواب در رکوع سجده، قومه، قیام قعده وغیره مي جنبانید بناءا در این صورتها نماز مقتدي درست میشود یا نه؟

اگر مقتدی قبل از نماز سلام بگراداند در این مورد چه حکم است؟ **سوال:** (۱٦۰٤) (۱٤) اگر مقتدي پیش از ختم شدن نماز سلام بگرداند وفورا بعد از بیاد آمدن بغیر از حرف زدن نماز را با امام تکمیل کرد آیا نمازش درست خواهد شد یانه؟

درحین غلبۂ خواب نماز را اداءکند یا ترک؟ **سوال:** (۱٦۰۵) (۱۵) دروقت غلبۂ خواب یا نعاس حکم نماز چیست آیا اداء شود یا ترک گردد؟

اگر درنماز بدن خارش میکند چه باید کرد؟ **سوال:** (۱٦۰٦) (۱٦) درنماز خارش راچند مرتبه بدست رفع کرده میتواند ویا از بیني چند بار خلم خشک را اخراج کرده میتواند وسه بار خاریدن مفسد نمیباشد؟

اگر قومه با اطمینان نشود دراین مورد چه حکم است؟ **سوال:** (۱٦۰۷) (۱۷) اگر در نماز قومه وجلسه بطور احسن با اطمینان نشوند پس حکم آن نماز چیست؟

اگر خینه استعمال نموده باشد نمازش درست است یا نه؟ **سوال:** (۱٦۰۸) (۱۸) اگر یکمرد خینه را استعمال نموده باشد ونشسته نماز بخواند آیا جواز دارد یانه؟

با بسته نمودن مشت ها نماز خواندن: **سوال:** (۱٦۰۹) اگر دستها را خینه کرده باشد وهر

دو مشت ها را بند نموده نماز خواند آیا جواز دارد یا نه؟

جواب: (۱) درست است.

جواب: (۲) نماز خواهد شد اما این فعل امام مکروه است ودر نمازکراهیت پیدا خواهد شد.

جواب: (۳) درست میشود: (مثل مقصورة دمشق التی هی فی وسط المسجد خارج الحائط القبلی یکون الصف الاول بینهما مایلی الامام فی داخلها وما تصل به من طرفیها خارجا عنها من اوّل الجدار الٰی آخره فلا منقطع الصف بیناتها کما لا ینقطع بالمنبر الذی هو دخلها شامی ج۱ص ۵۹۵ جمیل الرحمٰن).

جواب: (٤) در الدرالمختار مذکور است: وانفرد الامام علی الدکان للنهی وقدر الارتفاع بذراع ولا باس بما دونه وقیل مایقع به الامتیاز وهو الاوجه ذکره الکمال (درمختار) علاّمه شامی په دی باندی لیکلی دی قوله: وقیل هو ظاهر الروایة قال فی البحر والحاصل ان التصحیح قد اختلفت والاولی العمل بظاهر الروایة واطلاق الحدیث وکذا رجحه فی الحلیة [1]. واما حدیث نهي عبارت است از قوله: قوله للنهی وهو ما اخرجه الحاکم انه ﷺ نهی لن یقوم الامام فوق ویبقی الناس خلفه الخ شامی. [2] پس واضع ومعلوم شد که دریک روایت به قدر یک دست بلندي ایستادن امام مکروه است وظاهر الروایة آنست که در آنقدر ارتفاع که بر آن امتیازي باشد واز بعید آن را ناظرین بلندي پندارد مکروه میباشد چنانچه حضرت مولانا اشرف علی صاحب (رح) تحریر فرموده است دربحر فرموده است که برآن عمل اولی است بخاطر اینکهٔ این ظاهر الروایة است ومقتضی حدیث نیز همین است پس درپیش درالدر المختار مذکور است: وهٰذا کله عند عدم العذر کجمعة وعید فلو قاموا علی الرفوف والامام علی الارض او فی المحراب لضیق المکان لم یکره [3] از این عبارت هویدا شد که اگر معذور باشند دراین صورت در مکان بلند قیام نمودن درست است اگر چه قیام وي ممتاز باشد ویا به اندازهٔ ذراع باشد اماعذر عبارت از ازدحام وهجوم مردم وضیق مکان است بناء آفتاب وسایه در معاذیر داخل نیست از تقدیر عبارات فوق الذکر اجوبهٔ سوالات شما فراهم گردید حل شد.

---

(۱) رد المحتار باب مایفسدالصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص٦٠٤ – ٦٠٥، ط. س. ج۱ ص٦٤٦. ظفیر

(۲) رد المحتار باب مایفسدالصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص٦٠٤ – ٦٠٥، ط. س. ج۱ ص٦٤٦. ظفیر

(۳) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص٦٠٥، ط. س. ج۱ ص٦٤٦. ظفیر

جواب: (۵) آنقدر در مکان مرتفع قیام نه ورزد که امتیاز حاصل شود ومقدار آن یک ذراع میباشد در صورت عروض معاذیر اگر امام هر قدر در مکان بلند قیام ورزد کراهیت مرفوع است.

جواب: (٦) نماز درست میشود اما با معیت نقصان وقصدا همچو عمل کردن سبب گناه است.

جواب (۷) معلوم شد که این ظاهر الروایت است.

جواب: (۸) در این مورد کدام قید نیست تا به ارتفاع که مفهوم سجده باقي باشد اجازت است: السجدة هي فريضة تتادى بوضع الجبهة على الارض اوما يتصل بها بشرط الانخفاض الزائد على نهاية الركوع مع الخروج عن حد القيام لانه لا يعد ساجدا لغة وعرفا لمادونه ويعدّ به الخ ذكر الزاهدی لو سجد المريض على دكان دون صدره يجوز كالصحيح الخ كبيرى ص۲۷۸وص۲۸۱ جميل الرحمٰن).

جواب: (۹) اگر بعضي مقتديان با امام باشند وبرخي متباقي مقتديان در هر قدر بلندي که قيام نماند جائز است مانند سقف وغيره واگر امام تنها در مکان سافل وپائين ايستاد باشد وسائر مقتديان بر مکان بلند باشند در اين صورت حد آن همان است که براي امام ميباشد يعني بقدري ذراع يا بقدر ما يقع به الامتياز باشد واگر مقتديان درمکان مرتفع باشند نماز ايشان مکروه ميباشد: وانفراد الامام على الدكان الا قوله: يكره كما لوكان معه بعض القوم.

جواب: (۱۰) بوجه آنقدر بلندي نماز مکروه نخواهد شد لکن در، در قيام نمودن براي امام مکروه است قسميکه فوقا معلوم گرديد.

جواب: (۱۱) در مورد تکبير در الدرالمختار مذکور است: فلو قال (الله) مع الامام و (أكبر) قبله لم يصح، ترجمه: يعني پس اگر لفظ جلاله را با امام گفت ولفظ أکبر راقبل از امام گفت دراين صورت نماز نميشود او درمورد سلام در الدرالمختار مذکور است: وتنقض قدوة بالاول قبل عليكم، پس معلوم شد که در صورت سلام نماز درست خواهد شد.

جواب: (۱۲ – ۱۳) اگر قبل از امام برکوع وسجده رفت پس اگر امام نيز درآن شامل شد آن رکوع وسجده درست شده است ورنه درست نشده است وآن حديث عبارت است از: اما يخشى الذي يرفع رأسه في الامام أن يحول رأسه رأس حمارٍ [1]. متفق عليه ترجمه: آيا خوف نميکند آنکس که از امام سر خود را پيش بلند مي نمايد از اين که سرش مانند سر خر شود.

---

(۱) مشکوٰة ظفير

درحاشیه آمده است: ولعل المراد تحویله في الأخرة لا في الدنیا، واز ابن حجر نیز منقول است که اگر در دنیا نیز با کسي همچو معامله شود مستبعد نیست کما نقل عن البعض.

جواب: (۱٤) در سائر صورت های مذکوره نماز درست میشود.

جواب: (۱۵) إلاَّ السلام ساهیاً للتحلیل اي للخروج من الصلوة قبل اتمامها علی ظن اکمالها فلا یفید الدر المختار، نماز درست خواهد شد.

جواب: (۱٦) نماز را هر قسمیکه باشد ترک نکند بلکه خواب وتکاسل را دفع نماید ونماز را اداء کند نه قضاء.

جواب: (۱۷) خارش هر چند مرتبه که باشد خاریدن آن درست است نماز را نمیشکناند: ویفسدها کل عمل کثیر ما لا یشک بسببه الناظرین بعید في فاعله انه لیس فیها، الدرالمختار، بیان فساد الصلوة. وبانظر داشت آن تصحیح درالمختار خارش اگر بدفعات صورت گیرد از تعریف عمل کثیر خارج است واز بیني کثافت را خارج نمودن سخن ناپسند است اگر چه نماز را فاسد نمیکند اما مکروه است ودرجاي که نماز فاسد مي نوسید درآنجا اعاده لازم است.

جواب: (۱۸) نماز مکروه میشود وهمچو نماز واجب الاعاده میباشد یعني واجب است که آن نماز را اعاده کند بسبب ترک نمودن واجب في الدر المختار وکذا في الرفع فیهما قال الشامي یجب التعدیل أیضا في القومة من الرکوع والجلسة بین الجلستین. شامي ج۱ ص۴۸۲. جمیل الرحمن. فقط

جواب: (۱۹) جائز نیست [۱].

جواب: (۲۰) براي آنکه ازآن ترک سنن واجب میشود بناء مکروه است [۲].

در مقبره نماز جائز است یانه؟ **سوال:** (۱٦۱۰) در مقبره نماز خواندن جواز دارد یانه؟

جواب: اگر در مقبره یک مکان صاف ونظیف براي نماز باشد ودر آن نجاست وقبر نباشد ودرسمت قبله پیشروي نماز گذار هیچ قبري موجود نباشد درآن وقت نماز بلا کراهیت تحریمه جائز است واگر در پیش روي قبر باشد یا درخود آن مکان که نماز خوانده میشود درآن قبر باشد در آن صورت نماز مکروه تحریمي است. در شامي است: ولاباس بالصلوٰة فیها اذا کان

---

(۱) چونکه قیام که فرض است بلا عذر ترک شده است. ظفیر

(۲) چونکه در هر رکن نماز مشت را باز داشتن مسنون است. جمیل الرحمن

فیها موضع اعد للصلٰوة ولیس فیه قبر ولا نجاسة، کما فی الخانیة ولا قبلة الٰی قبر [۱] الخ واز لفظ لا بأس آنقدر ضرور معلوم میشود که درمقبره نماز خواندن ناپسند است.

ریاح را بند کرده نماز ادا‌ء نمود آیا نماز درست شده است یانه؟ **سوال:** (۱۶۱۱) هر آنکسیکه بسبب قبض باد او زود، زود خارج میشود اگر آنکس باد را بند کند ونماز را اداء نماید آیا نمازش درست خواهد شد یانه؟

جواب: نمازش صحیح است [۲]. فقط

اگر در پیش روی نمازگذار نوع درخت مسمی به درخت پیپل باشد نماز مکروه نمیشود؟

سوال (۱۶۱۲) اگر در محاذات نماز گذار درخت پیپل باشد آیا نماز خواهد شد یا نه؟

جواب: نماز صحیح است در آن کراهیت نیست.

با انحصار نمودن شاش در نماز جماعت شرکت وزیدن مکروه است: **سوال:** (۱۶۱۳) یک شخص را قضاي حاجت بولي عارض شد اما وي قضا حاجت را متوقف نمود وبا جماعت نماز را اداء کرد وبا توتف مثاني بول را انحصار نمود سپس ازآن معذرت خودرا رفع کرد بناءا درهمچو حالت حکم نماز چیست؟

جواب: در این حالت نماز مکروه تحریمي است لکن این حکم وقتی است که فشار بول وتغوط طوري باشد که خاطر وقلب انسان درآن مشغول باش، کما في الشامي: قوله صلٰوته مع مدافعته الاخبثین البول والغایط. قال فی الخزائن سواء کان بعد شروعه او قبله فان شغله قطعه ان لم یخف فوت الوقت الخ [۳].

اگر در جیب پول باشد همچنان نماز میشود: **سوال:** (۱۶۱٤) اگر پول وروپیه در جیب واسکت باشد ودر حین عقد نیت زیر دست باشد آیا نماز درست میشود؟

جواب: نماز در این حالت بلا کراهیت صحیح است. [٤]

---

(۱) ردالمحتار کتاب الصلٰوة ج۱ ص۳۵۳ ، ط. س. ج۱ ص۳۸۰. ظفیر

(۲) یجب رد عذره او تقلیله بقدر قدرته الخ وبرده لا یبقي ذاعذر (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار احکام المعذور ج۱ ص۲۸۳ ، ط. س. ج۱ ص۳۰۷). ظفیر

(۳) ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص۶۰۰ ، ط. س. ج۱ ص۶۷۲. ظفیر

(٤) ولایکره لوکانت تحت قدمیه او فی یده عبارة الشمني بدنه لانها مستورة بثیابه الخ ومفاده کراهة المستبین لا المستتر بکیس او صرة او ثوب اخر (درمختار) بان صلی ومعه صرة او کیس فیه دنانیر اودراهم فیها صور صغار فلا تکره لاستتارها (ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ویکره فیها ج۱ ص۶۰۶ – ۶۰۷ ، ط. س. ج۱ ص۶۷۸). ظفیر

با **ابریشم وطلا نماز درست میشود یانه؟** **سوال:** (۱۶۱۵) اگر کدام مرد بلا عذر طلا یا ابریشم را پوشیده نماز اداء مي نماید آیا نمازش میشود یا نه؟ بعضي احباب بر آن نظر اند که استعمال نمودن طلا وابریشم براي مردان حرام است لکن با آنهم اگر آن را استعمال نموده نماز اداء کند نماز درست میشود آیا این عمل درست است یانه؟

جواب: استعمال نمودن طلا وابریشم براي مردان بلا شک حرام است وهر نمازي که در حین پوشیدن آن ادا شده باشد صحیح است اما ظاهر است که در هر وقت استعمال طلا وابریشم براي مردان حرام است فلهذا در نماز نیز حرام است لکن چونکه طلا وابریشم هر دو ذاتا نجس نیستند بناءا نماز درست شده است.[1] فقط

نمازهاي که عاري ازتعدیل الارکان باشد حکم آن چیست؟ **سوال:** (۱۶۱۶) عمر یک نفر بیست ساله است ودر این مدت هیچ یک نماز را درست انجام نداده است وتنها دو دفعه محض پائین میشود ونماز را به انجام مي رساند آیا این نمازها درست شده است یا نه؟ ودر صورت اعاده نمودن تنها فرض اداء کند یا سنت نیز اعاده نماید؟

جواب: هر نمازي که بلا تعدیل الارکان اداء شود اگر چه آنها درست شده اند لکن اعاده نمودن آنها بهتر است، وتر وفرائض را اعاده نماید وسنت را اعاده نکند. فقط

قیام نمودن امام در محراب: **سوال:** (۱۶۱۷) برای امام قیام نمودن درمحراب مسجد چگونه است، وفقهاء کرام که آن را مکروه میگویند دلیل آنها چیست؟ آیا دروازه هاي مسجد نیز حکم محراب را دارد وآن را محراب متعین نمودن بخاطر چیست؟ وفقهاء درکدام کتاب فقه تصریح نمودن اند بر آنکه (در) حکم محراب را دارد؟ اگر چنان تصریح کسي از فقهاء نقل کرده آن در اینجا هم باید نقل کرده شود ودر دو عبارت علامه شامي تعارض معلوم میشود در الدر المختار مذکور است: وقیام الامام فی المحراب ای یکره لا سجوده فیه وقدماه خارجه الخ، درشامي مذکور است: والاصح ما روی عن ابی حنیفة رحمه الله انه قال اکره للامام ان یقوم بین ساریتین او زاویة او ناحیة المسجد او الی ساریة لانه بخلاف عمل الامة اهـ وفیه ایضا: ومقتضاه ان الامام لوترک المحراب وقام فی غیره یکره ولوکان قیامه وسط الصف لانه خلاف عن الامة، بناءا درآن هردو عبارت ظاهر تخالف معلوم میشود فلهذا جواب آن شبه را تحریر فرمائید؟

---

(۱) لان الصلوٰة فی الحریر مکروهة للرجال (شرح حموی علی الاشباه والنظائر ج۱ ص۱۹۷). ظفیر

جواب: دليل كراهيت قيام نمودن در دروازه همان است كه در مورد قيام در محراب بيان شده است بناء اگر قدمهايش خارج از در باشد درآن وقت كراهيت مرتفع مياباشد همچنان درميان هردو عبارات علامه شامي هيچ تعارض وجود ندارد زيرا اولين دليل را چنين گفته است: ولو كان قيامه في وسط الصف، وسط صف جدا است ووسط مسجد نيز جدا است فلهذا مكروه ترک نمودن وسط مسجد است يعني بلا ضرورت اگر چه درمابين صف مقتديان باشد واما دروازه چونكه محاذي محراب است لهذا آن وسط مياباشد ودر مسجد اكثرا دوبخش مياباشد يكي مسقف چت والا كه اورا شتوي حصه زمستاني ميگويند وغير مسقف كه آن را صيفي حصۀ تابستاني گفته ميشود يعني فرش بس وقتيكه نماز گذار درمسجد صيفي قيام نمايد محراب ايشان دروازۀ وسطي مسجد مياباشد. فقط

<u>درپيش روى نماز گذار اگر نماز ميخواند آيا او ازپيش روى وى يكسو شده ميتواند؟</u>

سوال: (۱٦۱۸) دو نفر نماز خوانان پيش وپس ايستاده اند اول فارغ شد اكنون او بطرف راست يا چپ ميخواهد برود آيا اين رفتن او جائز است يانه؟

جواب: آن كسي كه در پيش ايستاده بود وفارغ شد فورا بطرف راست يا چپ رفته ميتواند اين جائز است.

مسائل مسجد

<u>مسدود نمودن دروازه مسجد چطور است؟</u> سوال: (۱٦۱۹) زيد امام يک مسجد است او بعد از اداي نماز عشاء ساعت نه ۹ بجه دروازه مسجد را مسدود مينمايد وپس ازآن هر نمازگذاري كه بعد مسدود شدن دروازه مي آيد زيد برايش دروازه را باز نميكند آيا در آن مورد حديث است كه بعد از مسدود شدن دروازه دوباره باز نشود؟

جواب: در در المختار مذكور است كه مسدود نمودن دروازه مسجد مكروه است [1] اما اگر خوف مفقود شدن ويا سرقت شدن اسباب مسجد احساس ميشود در اين صورت علاوه از اوقات نمازها مسدود نمودن دروازه درست است، ودر شامي است كه اين موضوع مفوض است براي

---

(۱) وكره غلق باب المسجد الاّ لخوف على متاعه به يفتي (درمختار) قال في البحر وانما كره لانه يشبه منع من الصلوٰة قال الله ﷻ: ومن اظلم ممن منع مساجدالله ان يذكرفيها اسمه الخ والتدبير في الغلق لاهل المحلة (رد المحتار قبيل باب الوتر والنوافل مطلب في احكام المسجد ص٦١٤ ، ط. س. ج۱ ص٦٥٦). ظفير

اهل قریه وهر وقتیکه آنها مناسب میدانند آنها دروازه مسجد را بند کرده میتوانند استثناء از خمس الاوقات که در آن نماز جماعت خوانده میشود ودر صورت متذکره که امام براي نماز گذاران دروازه را باز نمي نماید خلاف حکم شریعت است وبعد از مسدود نمودن دروازه ثانیا آن را باز نکردن اگر چه بخاطر ضرورت نماز گذاران باشد در جاي ثابت نیست.

درهمچو مسجد نماز درست است یا خیر؟ **سوال:** (١٦٢٠) بعد از ملاحظه نمودن سوال ونقشه منسلکه مسجد تحریر فرمائید که درآن مسجد نماز صحیح است یانه؟

جواب: از ملاحظه نمودن نقشه معلوم شد که هیچ قبري در جانب قبله واقع نیست که در قبال نماز گذار قرار داشته باشد فلهذا درمسجد ذکر شده بلا کراهیت نماز درست است کذا في المنیة والشامي وغیره. [١] فقط

در منزل دوم مسجد نماز چگونه است؟ **سوال:** (١٦٢١) نخست یک مسجد یک منزله بود سپس آن مسجد دو منزله دوچته طوري اعمار شده که یکي آن بنیاد سابقه شده ودر هر سه اطرافش آبادي افزایش نموده وبر سائر مسجد منزل دوم اعمارشد وصحن بالکل باقي نمایند واز راي بعضي علماء معلوم شده که در مسجد مسقف نماز خواندن مکروه است اگر در منزل سفلی نماز اداء شود شک نیست که در موسم گرما سخت تکلیف میباشد بناءا در همچو حالت درموسم گرما در منزل بالا نماز خواندن درست است یا نه؟

جواب: در شرح منیه مذکور است: وکل مایکره فی المسجد یکره فوقه ایضًا الخ، ودرشامي مذکور است: قوله الوطی فوقه ای الجماع خزانن اما الوطی فوقه بالقدم فغیر مکروه الا فی الکعبة بغیر عُذر لقولهم بکراهیة الصلٰوة فوقها ثم رایت القهستانی نقل عن المفید کراهة الصعود الی سطح المسجد اه ویلزمه کراهة الصلٰوة ایضًا فوقه فلیتامل. [٢] زبدهٔ کلام آنست که از بعضي عبارات جواز نماز بربالا منزل مسجد معلوم میشود واز بعضي عبارات کراهیت معلوم میشود ودر صورت مسئول عنه نماز خواندن درمنزل فوقاني مکروه نیست بخاطر آنکه اولا در مورد کراهیت نمازبرمسقف مسجداختلاف است سپس منزل فوقاني رامصداق آن گفتن قابل تأمل است ودیگر

---

(١) ولاباس بالصلٰوة اذا كان فيها موضع اعد للصلٰوة وليس فيه قبر ولا نجاسة الخ ولا قبلة الى قبر (رد المحتار كتاب الصلٰوة ج١ ص٣٥٣، ط. س. ج١ ص٣٨٠). ظفير

(٢) ردالمحتار باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها مطلب فی احکام المسجد ج١ ص٦١٤، ط. س. ج١ ص٦٥٦. ظفیر

آنکه عذر ذکر شده موجود است [۱]. فقط

اگر در جوارش دو مسجد باشند درکدام مسجد نماز اداء نماید؟ سوال: (۱٦۲۲) یک نفر درآن مسجد نماز میخواند که عنقریب (نزدیک) خانه اش است وهمچنان یک مسجد دیگر از خانهٔ وي در فاصله اندک قرار دارد بناء درکدام مسجد نماز اداء کند؟

جواب: در مسجد نزدیک نماز اداء نمودن بکار است زیرا مسجد قریب بر او حق دارد وهمچنان درآن ثواب مزید نیز است. (افضل المساجد مكة ثم المدينة ثم القدس ثم قبا ثم الأقدم ثم الأعظم ثم الأقرب الخ الدرالمختار على هامش رد المحتار ج۱ ص ٦۱۷. ظفیر).

الباب الثامن في الوتر والنوافل

فصل اول

مسائل وتر

هر مقتدي که رکوع نکرد آیا نمازش درست نشده است؟ سوال: (۱٦۲۳) اگر امام رکعت سوم وتر را اداء نمود وبرکوع رفت ودعاي قنوت را نخواند ودرآخر سجدهٔ سهو کرد بناءا آن مقتدي که بسبب تاریکي یا بعلت ضعف نظر برکوع نرفت بلکه بسجده رفت آیا نماز این مقتدي درست شده است یا نه؟

جواب: نماز آن مقتدي درست نشده است کسي که رکوع را ترک نموده است [۲] واگر بعد از اختتام ختم نماز امام وي رکوع میکرد وسپس سجدهٔ سهوه را اداء مي نمود در این صورت نمازش درست خواهد شد. فقط

دعای قنوت را فراموش کرد وقتیکه بیادش آمد آن را خوانده سجدهٔ سهوه نمود دراین مورد چه حکم است: سوال: (۱٦۲٤) بکر قنوت وتر را فراموش کرد وبرکوع رفت

---

(۱) حضرت مفتي علام در مورد نماز در منزل بالاي مسجد فیصله عدم کراهیت را نموده است که کاملا مطابق فقه است ومنزل دوم را سقف گفتن از نگاه اصطلاح هر گز درست نیست زیرا در اصطلاح سقف آن حصه را گفته میشود که بالای آن سقف دیگر نباشد ومانع بارش وآفتاب گردد ومنزل دوم تنها براي نماز ساخته شده باشد وبفرض سقف نباشد بناءا به هیچ نوع در حکم سقف نیست آن عده مردم که تا اکنون در منزل دوم وسوم نماز را مکروه نوشته اند بنزد بنده عاجز درست نیست، البته بهتر آنست که جماعت در منزل اول شود ودر صورت ضرورت در منزل دوم وسوم اراده کردن بکار است والله اعلم. ظفیر

(۲) ومن فرائضها التي لا تصح بدونها التحريمة الخ ومنها الركوع بحيث لومّد يديه نال ركبتيه (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤۱۱ وص٤۱٦ ، ط. س. ج۱ ص٤٤۲). ظفیر

هنگامیکه در رکوع بیادش آمد پس از بالا شدن از رکوع دعاي قنوت را خوانده سجدهٔ سهوه نمود ونماز را بپایان رساند آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: براي بکر بعد از بالا شدن از رکوع خواندن دعاي قنوت بکار نبود لکن اکنون وقتیکه سجدهٔ سهوه نمود بناءا نمازش درست شده است [۱]. فقط

وتر را به نیت سنت ادا نمودن چه حکم است؟ سوال: (۱۶۲۵) بعد از اداء تراویح وقتیکه مردم براي وتر ایستاد میشدند ودرآن اثنا یک نفر بفراموشي نیت سنت را نموده وتر را اداء کرد لکن در وقت خواندن دعاي قنوت بیادش آمد که وتر واجب است آیا در این صورت وتر درست شده است یا نه؟

جواب: نمازش درست شده است [۲]

فرض را باجماعت اداء نکرد آیا وتر را باجماعت اداء نموده میتواند؟ سوال: (۱۶۲) در ماه رمضان زید نماز عشاء را با جماعت اداء نکرد آیا نامبرده وتر را با جماعت اداء نماید ویا تنها؟

جواب: در جماعت وتر شرکت ورزیده میتواند: کذا صرح به فی الطحطاوي وعلامه شامي بلا شک عدم جواز را نقل فرموده است لکن در عبارت طحطاوي تصریح جواز است وقانون همچنان تقاضاي جواز مي نماید بخاطر آنکه بزرگان ومشایخ واستادان مایان نیز قائل بشرکت نمودن در جماعت وتر میباشند زیرا در این مورد هیچ وجه عدم جواز نیست. [۳] فقط

لفظ (مُلحِقٌ) را بکسر وفتح حاء هر دو خوانده میتواند: سوال: (۱۶۲۷) در دعاي قنوت که لفظ (مُلحِقٌ) مذکور است آیا حاء فتح دارد یا کسره؟

جواب: لفظ حاء ملحق را که دردعاي قنوت آمده است آن را مفتوح ومکسور هردو خوانده شده است وهردو جواز دارد با آنهم که کسره زیادتر مشهور میباشد در شامي مذکور است: قوله:

---

(۱) ولو نسيه اى القنوت ثم تذكره فى الركوع لا يقنت فيه لفوات محله ولا يعود الى القيام فى الاصح لانه فيه رفض الفرض للواجب فان عاد اليه وقنت ولم يعد الركوع لم تفسدصلوته لكون ركوعه بعد قراءة تامة وسجد للسهو قنت اولا لزواله عن محله (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۲۷، ط. س. ج۲ ص۹). ظفير

(۲) ولا عبرة بنية متاخرة عنها على المذهب وجوزه الكرخي اى الركوع وكفى مطلق نية الصلوة وان لم يقل لله لنفل وسنة راتبة الخ (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب شروط الصلوة مطلب فى النية ج۱ ص ۳۸۷ – ۳۸۸ ، ط. س. ج۱ ص۴۱۷). ظفير

(۳) بقى الخ قضية التعليل فى المسئلة السابقة بقولهم لانها تبع ان يصلى الوتر بجماعة فى هذه الصورة لانه ليس بتبع التراويح ولا للعشاء عند الإمام (طحطاوي على الدرالمختار باب الوتر والنوافل مبحث التراويح ج۱ ص۲۹۷). ظفير

وملحق بمعنی لاحق، مبتداء وخبر وهو بکسر الحاء هذا هو المـــشهور ونص غیر واحد علی انه الاصح ویقال بفتحها ذکره ابن قتیبه وغیره. ونص الجوهری علی انه صواب کذا فی الحلیة قلته بل فی القاموس الفتح احسن [١] الخ. فقط

در مورد سلسلهٔ رفع الیدین در وتر یک غلط مشهور: سوال: (١٦٢٨) نماز وتر ازکدام وقت واجب شده است، وجه رفع الیدین در رکعت ثالث چیست؟ بعضي میگویند که در شب معراج وقتیکه نبي اکرم ﷺ براي رکعت سوم قیام نمودند ایشان والدین گرامي خود را در تعذیب مشاهده نمودند ودر آن اثنا آنجناب رفع الیدین کردند آیا این درست است یا خیر؟

جواب: این واقعه هیچ اصل ندارد [٢]. فقط

امام دعای قنوت را ختم کرد ورکوع نمود ومقتدي دعای قنوت راهنوز ختم نکرده است بناءا چه باید کرد؟ سوال: (١٦٢٩) درنماز جماعت وتر امام دعاي قنوت راختم نمود وبرکوع رفت ومقتدي تا اکنون قنوت را ختم نکرده بود آیا مقتدي بغرض متابعت امام بغیر ختم دعاي وقنوت برکوع برود؟

جواب: اگر اندک باقي مانده باشد که با تکمیل نمودن آن با امام شرکت ورزیده میتواند پس ان را تکمیل نماید وبرکوع برود ور نه آن را ترک کند. [٣] فقط

اگر در جماعت عشاء شریک نشد آیا وتر را باجماعت کرده میتواند؟ سوال: (١٦٣٠) یک نفر نماز فرض عشاء را تنها اداء نمود، سائر تراویح را یا اکثرآن را با امام اداء کرد ویا قطعا تراویح را ترک نمود بناءا درهر سه صورت در جماعت وتر شرکت ورزیده میتواند یا نه؟ در اشتهار مدرسه دیوبند سنهٔ (٤٢) است کسي که نماز جماعت عشاء را نخوانده باشد او با امام درجماعت وتر شرکت ورزیده میتواند وعلامه شامي در ردالمحتار میفرماید: إذا لم یصلي الفرض

---

(١) رد المحتار باب الوتر والنوافل ج١ ص٦٢٤ ، ط. س. ج٢ ص٧. ظفیر

(٢) این صراحت بدسترس قرار ندارد که نماز وتر را آنحضرت ﷺ از کدام سال شروع نموده بود البته از حدیث آنقدر معلوم میشود که از آغاز آن را برابر یکسان اداء مي نمودند وبر آن تأکید میفرمودند که: الوتر حق فمن لم یوتر فلیس منا، ابو داود، ودر دعاي قنوت دست ها را بلند میکنند بخاطر آنکه از نبي اکرم ﷺ همچنان ثابت است وجه آن غالبا شاید آن باشد که قیام بر قرائت ختم میشود اکنون چونکه در حالت قیام نیز دعا خوانده میشود براي آن با رفع الیدین کردن اشاره است که قرائت یک چیز علیحده است ودعا نیز یک چیز جداگانه میباشد وسوال کننده حواله معراج را وانمود کرده است که هیچ اصل برایش نیست والله اعلم. ظفیر

(٣) المقتدی یتابع الامام فی القنوت فلو رکع الامام فی الوتر قبل ان یفرغ المقتدی من القنوت فانه یتابع الامام الخ (عالمکیری مصری فی صلاة الوتر ج١ ص١٠٤). ظفیر

معه لا يتبعه في الوتر، بناءا در هر دو تحريرات چگونه تطبيق خواهد شد؟

جواب: در هر سه صورت ها در نماز جماعت وتر شركت نموده ميتواند، ودر صورت عدم خواندن سائر تراويح يا بعضي تراويح با امام شركت نمودن او در جماعت وتر از آن عبارت در در المختار هويدا ميباشد كه درآن ذكرشده است: ولو لم يصلها اى التراويح بالامام أو صلاها مع غيره له ان يصلي الوتر معه الخ [1]. ودر صورت عدم خواندن فرض عشاء با جماعت تعليل جواز شركت او در جماعت وتر از علامه طحطاوي معلوم ميشود: حيث قال في شرح قول صاحب الدرالمختار بقى لو تركها الكل هل يصلون الوتر بجماعة فليراجع (قوله فليراجع) قضية التعليل فى المسئلة السابقة بقولهم لانها تبع ان يصلى الوتر بجماعة فى هٰذه الصورة لانه ليس تبع للتراويح ولا لعشاء عند الا مام انتهى. [2] حلبي، طحطاوى. پس معلوم ميشود كه كدام فرع را علامه شامي از قهستاني نقل نموده است: ثم نقل لكنه إذا لم يصلي الفرض معه لا يتبعه في الوتر [3] اين ضعيف وصحيح نيست زيرا وتر نماز مستقل است نه تابع نماز عشاء است ونه تابع تراويح ميباشد ودر جواب راي علامه شامي كه "فليراجع" گفته است نيز همان است كه درآن صورت نيز عدم جواز جماعت وتر بكار است، ورأي علامه طحطاوي واضع مطابق قواعد آنست كه درآن صورت نيز جماعت وتر جائز است واز عبارت آخرين شامي "لا كراهية" همچنان معلوم ميشود كه مراد قهستاني از "لا يتبعه في الوتر" كراهيت است ودر اصل جواز اختلاف نيست، وظاهرا تعليل منقول عن العلامة الطحطاوي آنست كه كراهيت همچنان نيست بخاطر آنكه وتر و عشاء هر يكي نمازهاي مستقل ميباشند. فقط

<u>در مورد وتر مطلب يک عبارت</u>: سوال: (١٦٣١) درالدر المختار باب الوتر والنوافل مذكور است: ويسن الدعاء المشهور ويصلي على النبي ﷺ وبه يفتى، فلهذا درمذهب حنفي چه بايد بگويد؟

جواب: مراد ازدعاي مشهور دعاي قنوت است: اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْتَعِيْنُکَ الخ ودعاي: اَللّٰهُمَّ اهْدِنِيْ فِيْمَنْ هَدَيْتَ الخ است ودرآخر دعاي ثاني: وصلى الله على النبى نيز است بناءا براي احناف نيز

---

(١) الدرالمختار على هامش ردالمحتار مبحث التراويح ج١ ص٦٦٣ ، ط. س. ج٢ ص٤٨. ظفير

(٢) الطحطاوى على الدرالمختار مبحث فى التراويح ج١ ص٢٩٧ . ظفير

(٣) رد المحتار مبحث فى التراويح ج١ ص٦٦٣ ، ط. س. ج٢ ص٤٨. ظفير

آن هردو ادعیه را خواندن وجمع نمودن بهتر است اگر تنها: اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْتَعِيْنُکَ الخ را بخواند هم درست است [۱]. فقط

نیت وتر: سوال: (۱۶۳۲) حکم نیت وتر چیست زیرا در الدر المختار مذکور است: لذا ینوی الوتر لا الوتر الواجب کما فی العیدین للاختلاف، وشامي نیز آن را ترجیح داده است بعضی میگویند که اگر نیت واجب را نکند نماز جائز نیست؟

جواب: علامه شامي در این موقع چنین نگاشته اند: ای انه لا یلزمه تعیین الوجوب لا منعه من ذالک [۲] پس معلوم شد که نیت وجوب ممنوع نیست؟ واما حنفي در این مورد اعتقاد وجوب دارد لهذا بر وجوب نیت نمودن هیچ حرج نیست واگر مطلق نیت وتر را بکند بازهم درنماز هیچ خلل واقع اما عبارت در المختار محمول است بر توسیع یعني نیت مطلق وتر نیز درست است.

قنوت را ترک نموده برکوع رفتن: سوال: (۱۶۳۳) اگر از یک نفر در نماز وتر دعا فراموش شود وبرکوع برود سپس ازآن خودش ویا بیاد دهاني کسي از رکوع بالا شده ودعای قنوت را بخواند وثانیا رکوع کند ونماز خود را تکمیل نماید بناء در این صورت نماز او فاسد خواهد شد ویا با سجدهٔ سهوه نمودن نمازش کامل خواهد شد؟

جواب: نمازش صحیح است کذا في الدر المختار: فان عاد إلیه وقنت ولم یعد الرکوع.

در وتر قبل از رکوع رفع الیدین ودر حدیث ذکر دعای قنوت: سوال: (۱۶۳۴) در منطقهٔ مایان یک چند نفر مذبذب غیر مقلدین اند که وتر را سه رکعت میخوانند لکن دعاي قنوت را بعد میخوانند ویکي در ایشان داراي علم اندک میباشد واو میگوید که اگر از حدیث آن را ثابت کند که رسول اکرم ﷺ قبل از رکوع تابه محاذات گوش ها رفع الیدینؓ مي نمودند وبعد ازآن دعا قرائت مي نمودند پس ما براي قبول نمودن آن آماده میباشیم؟ بناءا از حدیث ثابت نیست بخاطر ثبوت آن سخن یک حدیث را شما تحریر فرمائید؟

---

(۱) قوله یسن الدعاء المشهور قدمنا فی بحث الواجبات التصریح بذلک عن النهر وذکر فی البحر عن الکرخي ان القنوت لیس فیه دعاء مؤقت لانه روی عن الصحابة ادعیة مختلفة ولان المؤقت من الدُعاء یذهب برقة القلب وذکر الإسبیجابي انه ظاهر الروایة وقال بعضهم المراد لیس فیه دعاء مؤقت ما سوی اَللّٰهُمَّ انا نستعینک وقال بعضهم الافضل التوقیت ورجحه فی شرح المنیة تبرکا بالماثور آهـ الخ (ردالمحتار باب الوتر ج۱ ص۶۲۳). ظفیر

(۲) رد المحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۲۶ ، ط. س. ج۲ ص۶. ظفیر

جواب: اخرج ابو نعيم في الحلية عن عطاء بن مسلم حدثنا العلاء بن المسيب عن حبيب بن ابی ثابت عن ابن عباس قال اوتر النبی ﷺ بثلث قنت فيها قبل الركوع، وعن ابن عمر ان النبی ﷺ كان اذا فرغ من القراءة كبر، وفي الذخيرة رفع يديه حذاء اذنيه وهو مروی عن ابن مسعود وابن عمر وابن عباس وابی عبيدة واسحٰق وقد تقدم. كبيری شرح منيه [۱]، از این عبارت فوق الذکر صراحة سه رکعت بودن وتر وخواندن قنوت قبل از رکوع واز حضرت عبد الله بن مسعرد وعبد الله بن عمر وعبد الله بن عباس وغیره از اصحاب کبار ﷺ در وقت تکبیر خواندن دعای قنوت رفع الیدین ثابت شد وظاهر است که این عده صحابهٔ کرام فوق الذکر قنوت را قبل الرکوع وتکبیر را مع رفع الیدین با مشاهده نمودن از سول الله ﷺ آنها کرده اند فلهذا این حجت کافي است واگر مردم لامذهبان آن را قبول ندارند پس برای آنها بگو کدام مذهب که از عبد الله بن مسعود وعبد الله بن عمر وعبد الله بن عباس وغیره صحابهٔ کرام ﷺ بود بعینه همان مذهب ما نیز میباشد، بنا بر هر دلیلي که آنها رفع الیدین في تکبیر القنوت مي نمودند آن دلیل براي مایان نیز حجت است. فقط

وقتیکه وتررا ختم نمود سبحان الملک القدوس را چه وقت بگوید: سوال: (۱٦۳۵) بعد از سلام گردانیدن وتر که سبحان الملک القدوس سه بار خواندن در حدیث وارد شده است آیا آن را بعد از سجده کردن بگوید یا در قعده وآیا این عند الاحناف جائز است یانه؟

جواب: آن کلمات را وقتي بخواند که سلام بگرداند وبنشیند وعند الاحناف جائز وهمچنان مستحب است. [۲]

وقتیکه وتر را ختم نمود پس سبحان الملک القدوس را چه وقت بگوید؟ سوال: (۱٦۳٦) در رمضان المبارک در رکعت ثالث وتر شامل گردید بناءا آن رکعت که باقی است آیا درآن دعای قنوت خوانده میشود یانه؟

جواب: دعای قنوت باید خوانده شود. [۳] فقط

---

(۱) غنية المستملی باب الوتر ص۳۹٦ . ظفير

(۲) عن ابی بن كعب قال كان رسول الله ﷺ اذا سلم في الوتر قال سبحان الملک القدوس رواه ابوداؤد والنسائی وزاد ثلث مرات يطيل وفي رواية للنسائی عن عبدالرحمٰن بن ابزی عن ابيه قال كان يقول اذا سلم سبحان الملک القدوس ثلثا ويرفع صوته بالثالثة (مشكوٰة باب الوتر فصل ثانی ص ۱۱۲)، ظفير

(۳) ولها واجبات لا تفسد بتركها وتعاد وجوبا في العمد والسهو الخ وهي على ما ذكره اربعة عشر: قراءة فاتحة الكتاب الخ اوقراءة قنوت =

سورة اخلاص بعوض دعای قنوت کافی خواهد شد یانه؟ سوال: (۱٦۳۷) در وتر سه مرتبه خواندن سورة اخلاص بجای دعا قنوت کافی خواهد شد یا خیر؟

جواب: در شامی آورده است: ومن لا یحسن القنوت یقول ربنا آتنا فی الدنیا حسنة الآیة. وقال ابو اللیث یقول اللّٰهم اغفر لی یکررهـا ثلاثا وقیل یقول یا ربّ ثلاثا ذکره فی الذخیرة الخ پس معلوم شد که قرائت سورة اخلاص بجای دعای قنوت منقول نیست [1].

امام نماز وتر علاوه از امام نماز فرض شخص دیگر شده میتواند یانه؟ سوال: (۱٦۳۸) آیا امام وتر بغیر از امام نماز فرائض شخص دیگر شده میتواند یانه؟

امام نماز وتر علاوه ازامام نماز فرائض شخص دیگر شده میتواند.

بعد از دو رکعت وتر قعده بکند یانه؟ سوال: (۱٦۳۹) بعد از دو رکعت اداء نمودن وتر برای التحیات نشستن جائز است یانه؟

نشستن بکار است قسمیکه ازکتاب های فقه واحادیث ثابت است در الدر المختار مذکور است: وهو ثلث رکعات کالمغرب، قوله: کالمغرب افاد ان القعدة الاولی واجبة الخ شامی باب الوتر والنوافل [2] واضح گردید که بعد از دو رکعت نشستن واجب است. فقط

دعای قنوت تنها در وتر منحصر است: سوال: (۱٦٤۰) علاوه از نماز وتر ونماز فجر درکدام یکی فرض دیگر نیز خواندن قنوت درست است یا نه؟ وهمچنان بعد از قنوت خواندن درود شریف چگونه است؟

جواب: بنزد احناف بغیر از نماز وتر در هیچ نماز دیگر خواندن دعای قنوت درست نیست واما در نماز فجر که آنحضرت ﷺ چند روز مسلسل دعای قنوت را خوانده است الآن منسوخ شده

= الوتر وهو مطلق الدعاء (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب صفة الصلاة مطلب واجبات الصلاة ج۱ ص٤۲٤ ، ط. س. ج۱ ص٤٥٦) از این عبارت معلوم شدکه خواندن دعای قنوت ضروری است لکن مسبوق آن را چه وقت بگوید؟ در این مورد فقهاء مینویسند: واما المسبوق فیقنت مع امامه فقط ویصیر مدرکا بادراک رکوع الثالثة (درمختار) فیقنط مع امامه فقط لانه اخر صلاته وما یقضیه اولها حکما فی حق القرآءة وما اشبهها وهو القنوت واذا وقع قنوته فی موضعه بیقین لا یکرر ولان تکراره غیر مشروع، شرح المنیة (ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱) یعنی اگر وی رکعت سوم را کاملا دریافت نموده باشد پس با امام قنوت بخواند وبعد ازآن ضرورت برای خواندن نیست، البته اگر در رکعت ثالث وقتی شریک شد که امام از خواندن دعای قنوت فارغ شده بود پس آن را بعدا بتعقیب بخواند. ظفیر

(۱) ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦۲٤ . ظفیر

(۲) ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦۲۳ . ظفیر

است [۱]، البته اگر کدام حادثه عارض شود در آن صورت در نماز فجر خواندن دعای قنوت نیز درست است، وعلاوه از نماز فجر در نمازهای متباقی مختلف فیه است [۲] وهمچنان بعد از خواندن دعای قنوت خواندن درود شریف درست است. فقط

قعده وتر از آنحضرت ﷺ ثابت است: سوال: (۱٦٤۱) آیا قعده اول از نبي اکرم ﷺ واز صحابه کرام (رض) ثابت است؟

جواب: قعده اولی از آنحضرت ﷺ واز صحابه کرام (رض) ثابت است چنانچه در روایت نسائی شریف مذکور است: عن سعد بن هشام ان عائشة رضي الله عنها حدثته ان رسول الله ﷺ کان لایسلم فی رکعتی الوتر، [۳] وهمچنان درصحیح مسلم شریف مذکور است: ویصلي تسع رکعات لا یجلس فیها إلا في الثانیة. [٤]

برای اداء نمودن وتر نیت یک رکعت است یا سه رکعات؟ سوال: (۱٦٤۲) بخاطر اداء کردن وتر نیت یک رکعت باید یا ازسه رکعات؟

جواب: درشریعت سه است ومذهب امام ابو حنیفة (رح) آنست که تنها یک رکعت کردن جائز نیست زیرا آنحضرت ﷺ از آن ممانعت فرموده اند [٥]. والله اعلم

در رکعت سوم شخص شامل شدنی که قنوت را با امام خواند ودر رکوع آنکسی که شامل شدنی است وقنوت را نخوانده ایشان چه باید کرد؟ سوال: (۱٦٤۳) زید درآخرین رکعت وتر شامل شد وبا امام دعاي قنوت را خواند وبعد از اینکه دو رکعت متباقي را اداء مي نماید آیا درآن دعاي قنوت را بگوید یا نه؟ وصورت دیگر آنست که با امام در رکوع آخرین شامل شد وقنوت را نخواند آیا او در دو رکعت هاي متباقي دعاي قنوت را بگوید یانه؟

---

(۱) ویاتی المأموم بقنوت الوتر الخ لا الفجر لانه منسوخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦۲٦ ، ط. س. ج۲ ص۸). ظفیر

(۲) ولا یقنت لغیره الاّ لنازلة فیقنت الامام فی الجهریة وقیل فی الکل (درمختار) قوله لا یقنت لغیره ای غیرالوتر الخ قوله فیقنت الامام فی الجهریة الخ لکن فی الاشباه عن الغایة قنت فی صلاة الفجر الخ قال الحافظ ابوجعفر الطحاوی انما لا یقنت عندنا فی صلٰوة الفجر من غیر بلیة الخ (ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی القنوت للنازلة ج۱ ص٦۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱). ظفیر

(۳) نسائی شریف. ظفیر

(٤) مسلم ج۱ ص۲۲٦. ظفیر

(٥) وهو ای الوتر ثلاث رکعات کالمغرب حتی لو نسی القعود لایعود ولو عاد ینبغی الفساد (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦۲۲ ، ط. س. ج۲ ص٥). ظفیر

جواب: درصورت اول ثانیا دعاي قنوت را نگوید: واما المسبوق قنت مع امامه [1]. واما در صورت دوم در رکعت آخري دعاي قنوت را بخواند.

در نیت وتر گفتن واجب اللیل چگونه است؟ **سوال:** (۱٦٤٤) در نیت وتر ذکر واجب اللیل چگونه است؟

جواب: درنیت وتر چنین گفتن بکار است که: نیت کردم نماز وتر را اداء کنم، واگرلفظ واجب اللیل نیز ذکر نمود درآن کدام حرج نیست. [2]

ترک نمودن نصف سورت چگونه است؟ **سوال:** (۱٦٤٥) در رکعت اول وتر (إِذَا زُلْزِلَتِ) را قرائت نمود ودر رکعت ثاني نصف سورت والعادیات را قرائت کرد ودر رکعت سوم القارعة راخواند آیا دروتر نقصان وارد شده یانه؟

جواب: همچو کردن ناپسند است وسورت کامل را در هر یک رکعت خواندن بهتر وافضل است، لکن نماز وتر در آن صورت نیز صحیح است. [3] فقط

در وتربه فراموشی قبل از دعا رکوع نمودن: **سوال:** (۱٦٤٦) (۱) امام در نماز وتر رفع الید ین وخواندن دعاي قنوت را فراموش کرد وبرکوع رفت وقتیکه فورا برایش یاد شد واپس قیام نمود بعد از آن رفع الیدین کرد ودعاي قنوت راخوانده سجده سهوه نموده ازنماز فارغ شد آیا نماز درست شده است یانه؟

یاد دهانی مقتدی برای امام چگونه است؟ **سوال:** (۱٦٤٧) (۲) اگر مقتدی براي امام واپس آمدن را برایش بیاد نمود وامام قبول کرد واپس شد ورفع الیدین کرد ودعاي قنوت را خوانده سجدهٔ سهوه نمودن ونماز رابه انجام رساند آیا درنماز مقتدي فساد واقع نشده است؟

اگر امام بعد از اداء نمودن یک سجده، سجدهٔ دیگر فراموش شود: **سوال:** (۱٦٤٨) (۳) امام بعد از اداء نمودن یک رکعت یک سجده را کرده وبراي خواندن التحیات نشست بناءا مقتدي بکدام طریقه سجده بالي رابراي امام یاد دهالي کند اگرمقتدي الله اکبر یاسبحان الله بگوید

---

(۱) الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب الوتر ج۱ ص٦٢٨ ، ظفیر

(۲) وکفی مطلق نیة الصلاة وان لم یقل له لله لنفل وسنة راتبة وتراویح الخ ولابد من التعیین عند النیّة الخ للفرض الخ وواجب انه وتر (درمختار) اشار الی انه لاینوی فیه انه واجب للاختلاف فیه زیلعی ای لا یلزمه تعیین الوجوب ولیس المراد منعه من ان ینوی وجوبه لانه الکان حنفیا ینبغی ان ینویه لیطابق اعتقاده الخ (ردالمحتار باب شروط الصلوٰة ج۱ ص۳۸۹ ، ط. س. ج۱ ص٤١٧). ظفیر

(۳) مع انهم صرحوا بان الافضل فی کل رکعة الفاتحة وسورة تامة (ردالمحتار فصل فی القراءة ج۱ ص٥٠٥ ، ط. س. ج۱ ٥٤١). ظفیر

ممکن است امام قیام نماید؟

جواب: (۱) نماز صحیح شده است: فان عاد وقنت ولم یعد الرکوع لم تفسد صلاته وسجد للسهو [1] الخ، الدر المختار.

جواب: (۲) هیچ فسادي نیامده است. [2]

جواب: (۳) مطلب یاد دهاني آنست که با گفتن سبحان الله وغیره براي آگاهي داده میشود که در نماز کدام زیادت ونقصان واقع شده است سپس ازآن امام بر آن تفکر مي نماید وبراي خود بیاد مي آورد که کدام عمل ترک شده است نه آنکه بعینه آن عمل براي او رهنمائي شود که از پیش وي فوت گردیده است فلهذا بخاطر تنبیه گفتن سبحان الله کافي است ودرآن اثنا اگر برایش بیاد شد فبها ور نه بعد از اداي نماز با آوردن علم برآن عمل ترک شده نماز اعاده گردد. فقط

وقتیکه دعای قنوت را یاد داشته باشد آیا دعای دیگر را خوانده میتواند یانه؟ **سوال:** (۱٦٤۹) اگر دعاي قنوت را یاد داشته باشد آیا دعای دیگر را مثلا ربَّنا آتِنا الخ را خوانده میتواند یانه؟

جواب: وقتیکه دعای قنوت بیادش باشد ربنا آتنا وغیره أدعیه را خوانده نمیتواند بلکه تنها دعای قنوت خواندن بکار است.

دعای قنوت از حدیث ثابت است یانه؟ **سوال:** (۱٦۵۰) آیا یک نفر میگوید که دعای قنوت از حدیث ثابت نیست ورسول اکرم ﷺ دروتر دعای قنوت را نخوانده است، آیا این درست است یا نه؟

جواب: آن سخن این نفر غلط است ودعای قنوت مروجه از حدیث ثابت است ودر وتر خواندن دعای قنوت در احادیث مبارکه وارد است. [3]

چه وجه است که قبل ازدعای قنوت رفع الیدین میشود؟ **سوال:** (۱٦۵۱) وقتیکه درنماز وتر دعاي قنوت را میگویند بناءا با گفتن تکبیر وجه بلند نمودن دست ها چیست؟

---

(۱) الدرالمختار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۲۷ ، ط. س. ج۲ ص۹. ظفیر

(۲) بخلاف فتحه علی امامه فانه لایفسد مطلقًا لفاتح وأخذ بکل حال (الدرالمختار باب مایفسد الصلوٰة الخ ج۱ ص۵۸۲). ظفیر

(۳) وقنت فیه ویسن الدعاء المشهور ویصلی علی النبی ﷺ به یفتی (درمختار) ومنه ما اخرجه الاربعة وحسنه الترمذی انه علیه الصلوٰة والسلام کان یقول فی آخر وتره اللّهم إنّي اعوذ برضاک الخ (رد المحتار باب الوتر ج۱ ص۶۲۳ ، ط. س. ج۲ ص۶). ظفیر

جواب: دررکعت سوم وتر با گفتن تکبیر وجه رفع الیدین آنست که در مصنف أبي بکر ابن ابي شیبة همانطور وارد است؟ باب تکبیر القنوت ورفع الیدین، حدثنا عبد السلام بن حرب عن لیث عن عبدالرحمٰن ابن الاسود عن ابیه ان عبد الرحمٰن بن مسعود ﷺ کان اذا فرغ من القراء کبر ثم قنت فاذا فرغ من القنوت کبر ثم رکع ومثله عن البراء حدثنا عبدالرحمٰن بن محمد المحاربی عن لیث عن الاسود عن ابیه عبدالله انه کان یرفع یدیه اذا قنت فی الوتر. مصنف ابی بکر بن شیبه.

در وقت اداء وتر را لفظ واجب گفتن چگونه است؟ **سوال:** (۱٦۵۲) دروقت اداء نمودن نماز وتر، وتر واجب گفتن بکار است یانه؟ حالانکه برخي از مولوي صاحبان ازآن ممانعت مي نمایند ومیگویند که واجب گفتن بکار نیست؟

جواب: وتر واجب گفتن بکار است زیرا وتر بنزد امام اعظم صاحب واجب است فلهذا در وقت اداء نمودن وتر درگفتن واجب کدام حرج نیست واگر گفته نشود بازهم وتر واجب اداء خواهد شد. [۱]

دردعای قنوت (ملحق) را بکسرهٔ حاء خواندن: **سوال:** (۱٦۵۳) دردعای قنوت لفظ (ملحق) را بکسره خواندن بهتر است یا بفتحه؟

جواب: ملحق را بکسرهٔ حاء خواندن اکثر وبهتر است وبفتحه حاء خواندن آن نیز درست است. [۲]

ثبوت رفع الیدین قبل از دعای قنوت؟ **سوال:** (۱٦۵٤) رفع یدین قبل قنوت در رکعت ثالثه وتر از کجا آمد وسببش چیست؟

جواب: از حدیث: لا ترفعوا الایدی الا في سبع مواطن [۳] الخ، رفع یدین بوقت خوانـدن دعای

---

(۱) ویکفی مطلق النیة لنفل وسنة راتبة وتراویح الخ ولابد من التعین عند النیة الخ لفرض الخ واجب انه وتر (در مختار) اشار الی انه لا ینوی فیه انه واجب للاختلاف فیه، زیلعی، ای لا یلزمه تعیین الواجب ولیس المراد منعه من ان ینوی وجوبه لانه ان کان حنفیا ینبغی ان ینویه لیطابق اعتقاده وان کان غیره لا تضره تلک، ذکره فی البحر فی باب الوتر (ردالمحتار . باب شروط الصلٰوة بحث النیة ج۱ ص ۳۸۸ – ۳۸۹ ، ط. س. ج۱ ص۱۱۷). ظفیر

(۲) وصح الملحق بالکسر بمعنی الحق، فملحق بمعنی لاحق (درالمختار) ای انه من الحق المزید بمعنی لحق المجرد فی الشرنبلالیة ان المطرزی صح ان المراد ملحق الفساق بالکفار والاول اولی الخ (ردالمحتار باب الوتر الخ ج۱ ص٦۲٤ ، ط. س. ج۲ ص۷). ظفیر

(۳) ولا یسن مؤکدا رفع یدیه الا فی سبع مواطن کما ورد بناء علی ان الصفا والمروة واحد نظرا للسعی، ثلاثة فی الصلاة تکبیر افتتاح وقنوت وعید (در المختار) والوارد هوقوله ﷺ لا ترفع الایدی الا فی سبع مواطن تکبیرة الا فتتاح وتکبیرة القنوت الخ (رد المحتار باب صفة الصلٰوة ج۱ ص۴۷۳ ، ط. س. ج۱ ۵۰۷). ظفیر

قنوت ثابت است وتحقیق آن در کتب فقه وحدیث مذکور است.[۱] فقط

حکم آن کسی که بعد ازوتر سبحان الملک القدوس را وهمچنان آن کسی که در وقت رفتن به نماز عید قربان جهرا تکبیر نگوید: سوال: (۱۶۵۵) یک نفر بعد از وتر سه دفعه سبحان الملک القدوس را جهرا نمیگوید، همچنان در حین رفتن به نماز عید اضحٰی در راه جهرا تکبیر نمیگویند، آیا آنکس متبع سنت است یانه؟

جواب: بعد از اداء نمودن وتر به آواز بلند سه مرتبه خواندن سبحان الملک القدوس، مستحب است ودر بعضي روايات دردفعه سوم بلند نمودن آواز آمده است بناءا از آن روايت خواندن سبحان الملک القدوس در مرتبهٔ سوم جهرا ثابت میشود، بهر حال همچو عمل کردن مستحب وبهتر است وبر تارک آن طعن ونکوهش نمودن بکار نیست زیرا اگر کسی عمل مستحب را نمیکند بر او هیچ طعن نیست البته تقاضای اتباع سنت آنست قسمیکه رسول اکرم ﷺ عمل کرده اند همانطور باید کرد یعني خواه هرسه باریکبار است. در آخر: سبحان الملک القدوس، را بعد از وتر جهرا بگوید وهمچنان در عید اضحی در طریق عیدگاه به آواز بلند تکبیر گفتن مشروع ومسنون است وترک نمودن آن نیز خلاف سنت است.[۲] فقط

اگر دعای قنوت را یاد نداشته باشد چه بخواند؟ سوال: (۱۶۵۶) آن کسي که دعاي قنوت را یاد ندارد آیا او را بجاي دعاي قنوت خواندن سورهٔ اخلاص جائز است یا نه؟ وآیا نماز درست خواهد شد یا خیر؟

جواب: در شامي مذکور است: کسي که دعاي قنوت را یاد نداشته باشد او این دعارا بخواند: اللّٰهم ربّنا آتنَا فِي الدُّنيا حَسَنَةً، الاية. وفقیه أبو اللیث میفرماید که: اللهم اغفر لي، را سه مرتبه بگوید وبعضي علماء گفته اند که سه بار یا رب بگوید کذا في الذخیرة. شامي[۳]. وچونکه این محل دعاء است فلهذا سورت اخلاص قائم مقام دعاي قنوت نخواهد شد اما نمازش درست میشود.

---

(۱) ايضا. ظفير

(۲) وقالا الجهر به سنة كالاضحى الخ ويكبر جهرا اتفاقا في الطريق قيل وفي المصلى وعليه عمل الناس اليوم لا في البيت (الدرالمختارعلى هامش ردالمحتارباب العيدين ج۱ ص۷۷۸ وص۷۸٤ ، ط. س. ج۲ ص۱۷۰). ظفير

(۳) ومن لا يحسن القنوت يقول ربنا آتنا في الدنيا حسنة الآية وقال ابو الليث يقول اللهم اغفرلي يكررها ثلثا وقيل يقول ياربّ ثلاثا ذكره في الذخيرة (ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦٢٤، ط.س. ج۲ ص۷). ظفير

تهجد گذار با فرائض وتر را اداء نموده میتواند یا نه؟ سوال: (۱۶۵۷) هر نمازخوان که تهجد گذار است آنان در وقت اداء نمودن تهجد وتر را نیز میخوانند اگر قبلا در وقت عشاء وتر را اداء کند آیا درآن کدام حرج است یا نه؟ اکثر مردم میگویند که بعد از وتر تا به فجر هیچ نماز درست نمیشود؟

جواب: در امن صورت کدام حرج نیست که آن عده مردم که تهجد گذاراند وبعد از نماز عشاء نماز وتر را نیز اداء کنند بلکه این احوط است سپس ازآن اگر قیام ورزید تهجد را اداء کند واین سخن غلط است که بعد از وتر نوافل را نباید کرد. [۱]

برای دعای قنوت تکبیر ورفع یدین: سوال: (۱۶۵۸) رفع اليدين مع التكبير عند القنوت سنت است یانه؟

جواب: در شرح منية علامه حلبي در وقت قنوت در مورد تکبیر ورفع اليدين احاديث وآثار نقل فرموده است که ازآنها سنت آن ثابت میگردد من شاء التفصيل فليراجع إليه [۲]. فقط

بغیر از دعا برکوع رفت وبعد از یاد دهانی دعا را خواند ودوباره رکوع نمود این چه حکم دارد؟ سوال: (۱۶۵۹) امام در رکعت سوم وتر سهوا دعاي قنوت را ترک نمود وبرکوع رفت وبا گفتن الله اکبر مقتدي امام قیام نمود ودعاي قنوت را خوانده ودوباره رکوع کرد ودر اخر نماز سجده سهوه کرد آیا وتر درست شده است یانه؟

جواب: در این صورت با کردن سجده سهوه نماز درست شده است در الدر المختار مذکور است: فان عاد اليه وقنت ولم يعد الركوع لم تفسد صلوته الخ وسجد للسهو[۳] الخ. فقط

جواز سه رکعات وتر با یک سلام ودر رمضان مع الجماعت: سوال: (۱۶۶۰) زید میگوید

---

(۱) وتاخير الوتر الى آخر الليل لو اثق بالانتباة والاّ فقبل النوم فان افاق وصلى نوافل والحال انه صلى الوتر اول الليل فانه الافضل (درمختار) اى اذا اوتر قبل النوم ثم استيقظ يصلي ماكتب له ولا كراهة فيه بل هو مندوب ولا يعيد الوتر الخ (ردالمحتار، كتاب الصلوٰة ج۱ ص۳٤۲ ، ط. س. ج۱ ص۳۹۹). ظفيرالدين غفرله

(۲) ثم اذا اراد القنوت كبّر ورفع يديه عندنا الخ قال احمد اذا قنت قبل الركوع كبر قال ابن قدامه في المغنى وقد روى ابن عمر انه كان اذا فرغ من القراءة كبّر وفي الذخيرة رفع يديه حذاء اذنيه وهو مروى عن ابن مسعود وابن عُمر وابن عبّاس وابى عبيدة والحق وقد تقدم (غنية المستملى ص ۳۹۷) در واجبات نماز مذکور است: وقراءة قنوت الوتر الخ وكذا تكبير قنوته (درمختار) اى الوتر الخ وجزم الزيلعى بوجوب السجود بتركه وينبغى ترجيح عدم الوجوب لانه الاصل ولادليل عليه (ردالمحتارباب صفة الصلوٰة واجبات الصلوٰة ج۱ ص٤۳۷، ط.س. ج۱ ص٤۷۱). ظفير

(۳) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦۲۷. ظفير

که بعد ازنماز عشاء سه رکعت وتر را با یک سلام اداء نمودن هیچ چیزي نیست، وبا جماعت اداء کردن آن در شرع شریف هیچ اصل ندارد وبر منکر وتارک وتر عند الله هیچ مؤاخذه نیست؟

جواب: قول زید غلط ونا درست است زیرا اداء نمودن سه رکعت وتر با یک سلام با احادیث صحیح ثابت است وبا جماعت اداء نمودن در رمضان المبارک مستحب وافضل است در شامي مذکور است: زجح الکمال الجماعة بانه ﷺ کان اوتوا بهم ثم بین العذر فی تاخره مثل ماصنع فی التراویح فالوتر کالتراویح فکما أن الجماعة فیها سنة فکذالک الوتر (١) الخ، بناء بینگرید درآن عبارت چقدر بوضاحت سنت بودن جماعت وتر را بابت فرموده است، فویل للمنکر. فقط

هر شخصیکه نماز عشاء را با جماعت اداء نکند آیا او امام نماز وتر شده میتواند؟

سوال: (١٦٦١) هر کسي که نماز فرض عشاء را با جماعت اداء نکرده باشد او با امام در وتر شریک شده میتواند یا نه؟ روایات فقهي در مورد آن مسأله متعارض است در بعض عدم جواز مصرح است: وان وجدهم فی الوتر وهو لم یصل العشاء فصلی الوتر معهم لایجوز وتره فی قولهم قاضی خان ص١١٣، لکنه اذا لم یصل الفرض معه لا یتبعه فی الوتر کما فی المنیه جامع الرموز ص٩٧ ، لکن فی التتارخانیة من التتمة انه سئل علی بن احمد عمن صلی الفرض والتراویح وحده او التراویح وحده او التراویح فقط هل یصلی الوتر مع الامام فقال لا ثم رایت القهستانی ذکر تصحیح ما ذکره المصنف رح، ثم قال لکنه اذا لم یصل الفرض معه لایتبعه فی الوتر، ردالمحتار، اوپه بعضو روایاتوکی جواز لیکل سوی دی. واذا لم یصل الفرض مع الامام قیل لا یتبعه فی التراویح ولا فی الوتر وکذا اذا لم یصل معه التراویح لا یتبعه فی الوتر والصحیح انه یجوز ان یتبعه فی ذالک کله. صغیری شرح منیة المصلی ص ٢١٠. اکنون در یافت ومعلوم نمودن آن مطلب بکار است که عند الاحناف کدام روایت راجح است وعلت ترجیح آن چیست واگر در آن روایات تطبیق ممکن باشد پسی بنا بر کدام طریقه؟ وبراي حصول ثراب جماعت ترجیح روایت جواز معلوم میشود وجماعت وتر تابع جماعت تراویح میباشد یا تابع جماعت عشاء، بناءا بر شق اول ترک جماعت عشاء ظاهرا عدم اداء نمودن وتر با امام کدام وجه وجیه ندارد واما بنا بر شق ثاني خصوصیت رمضان لغو گردید، ودر غیر رمضان نیز اداء نمودن وتر با جماعت بکار است.

---

(١) ردالمحتار باب الوتر والنوافل قبیل باب ادراک الفریضة ج١ ص٦٦٤ . ظفیر

جواب: صحیح وراجح روایت صغیري معلوم میشود واز تحقیق طحطاوي نیز همان ظاهر میشود، قوله لبقی الخ قضیة التعلیل فی المسئلة السابقة بقولهم لانها تبع ان یصلی الوتر بجماعة فی هٰذه الصورة لانه لیس یتبع للتراویح ولا للعشاء عند الامام رحمه الله طحطاوی [1]، وشاید که روایت جواز مبني بر مذهب صاحبین باشد که ایشان وتر را تابع نماز عشاه میفرمایند بخلاف قول امام اعظم (رح) که بنزد حضرت امام وتر تابع نماز عشاء نیست بناءا بر قول امام صاب جواز ظاهر است. فقط

در وتر براي مسبوق با امام خواندن دعا کافي است: سوال: (۱۶۶۲) در رمضان المبارک وقتیکه وتر با جماعت ادا میشود اگر کدام شخص در رکعت سوم وتر شامل شود آیا این شخص دعاي قنوت را با امام بگوید یا درآن رکعت که از وي باقي مانده است درآن دعاي قنوت را بخواند وکدام وقتیکه امام براي دعاي قنوت رفع الیدین میکند آیا او درآن وقت دعاي قنوت را بخواند ویا چیزي دیگر را بگوید؟

جواب: مسبوق تنها با امام دعاي قنوت را بخواند وبعد ازآن درآخر رکعت قضا شده دعاي قنوت را نگوید: واما المسبوق فیقنت مع امامه، درمختار . ([2]) فقط

وتر واجب است دلائل مخالف وموافق: سوال: (۱۶۶۳) وتر واجب است یا سنت؟

جواب: (از جاي دیگر) وتر واجب نیست بلکه سنت میاشد چنانچه در ترمذي ونسائي شریف مذکور است: عن علی بن ابی طالب قال لیس الوتر بحتم کهیئة المکتوبة ولکن سنة سنها رسول الله ﷺ رواه الترمذی والنسائی وحسنه الحاکم. ودر سبل السلام شرح بلوغ المرام است: ذهب الجمهور الی انه لیس بواجب. ودرابن ماجه مذکور است: ان الوتر لیس بحتم ولا کصلٰوتکم المکتوبة، در تفسیر خازن مذکور است: عن عائشه رضي الله عنها ان النبی ﷺ قال ثلاث هن علی فریضة وهن سنة لکم الوتر والسواک وقیام اللیل. غرض آنست که از آن احادیث صحیح همان ثابت میشود که وتر واجب نیست وهمین مذهب امام أبو یوسف وامام محمد رحمهما الله است که ایشان از جمله شاگردان بزرگ امام ابو حنیفة به شمار میروند وهمچنان مذهب اکثر سلف (رح) نیز همین است وبر خلاف آنها مذهب امام ابوحنیفة قوي شده نمیتواند زیرا جائیکه حدي

---

(۱) طحطاوی علی الدرالمختار باب الوتر والنوافل مبحث التراویح ج۱ ص۲۹۷ . ظفیر

(۲) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل قبیل مطلب فی القنوت للنازلة ج۱ ص ۶۲۸. ظفیر

صحیح باشد وبر خلاف آن بر یک مذهب عمل نمودن سراسر تخطي ومحض تعصب است واما جواب دهنده که بر حدیث عقبة بن عامر استدلال وجوب نموده است قطعا غلط است زیرا در ان حدیث ذکر وجوب نمیباشد وتنها از حدیث مذکور فضیلت ثابت میشود نه وجوب اگر از حدیث فضیلت وجوب ثابت شود پس در مورد سنت فجر آنحضرت ﷺ فرموده اند: رکعتا الفجر خیر من الدنیا وما فیها، رواه مسلم. فلهذا آن را نیز واجب گفتن بکار است حالانکه هیچکس بر آن حکم واجب ننموده است بناءا واضح گردید که همچو احادیث تنها براي فضائل است نه براي وجوب وثابت نمودن وجوب با همچو احادیث دلالت مي نماید بر قلت وضعف فهم انسان ودر أبوداود مذکور است: ان رجلاً من بنی کنانة سمع رجلاً بالشام یدعی ابا محمد یقول ان الوتر واجب قال المخدمی خرجت الی عبادة بن الصامت فاخبرته فقال عبادة کذب أبو محمد سمعت رسول الله ﷺ یقول خمس صلٰوت کتبهن الله علی العباد، مختصراً. واین معنی ازحدیث دوم مجیب که: الوتر واجب علی کل مسلم، چنان نیست که وتر واجب است زیرا واجب بمعنی ثابت میباشد وحدیث دوم براي تائید آن در باب الغسل المسنون موجود است که میفرماید: غسل یوم الجمعة واجب علی کل محتلم. وهر جائیکه واجب بمعنی واجب باشد پس حدیث غسل را نیز بمعنی خود حمل نمودن بکار است حالانکه هیچ یک از شارحین حدیث معنی آن حدیث را بوجوب نکرده است بلکه هر واحد ایشان معنی واجب نیست وبنزد سائر علماء مسنون میباشد حتی که نزد احناف نیز سنت است وهمچنان معنی حدیث الوتر واجب بمعنی ثابت گردید نه واجب وقتیکه معنی واجب درست نشد پس از آن استدلال نمودن نیز غلط گردید وخود بخود مسنون شدن وتر ثابت قسمیکه درسبل السلام است: والایجاب قد یطلق علی المسنون تاکیداً کما ذکر فی حدیث غُسل الجُمعة، وبراي طالب حق آنقدر کافي است ورنه دلائل زیاد است اگر تحریر شود حیثیت یک کتاب مستقل را خواهد گرفت ومفتي صاحب که کدام حدیث تنها در مورد ممانعت یک وتر بیش نموده است آن حدیث بالکل ضعیف است ونه در صحاح ستة موجود است واحادیث ستة که آنها صحیح وبنزد همه مسلم است مقابله آنها را کرده نمیتواند زیرا وقتیکه حدیث صحیح موجود باشد در آن وقت آن حدیث قابل استدلال میباشد چنانچه در نسائي شریف مذکور است: عن ابن عمر ان النبی ﷺ قال الوتر رکعة من آخر اللیل، ودرأبو داود شریف مذکور است: عن ابن ایوب الانصاری قال قال رسول الله ﷺ الوتر حق علی کل مسلم

فمن احب ان یوتر فلیفعل ومن احب ان یوتر بثلاث فلیفعل ومن احب ان یوتر بواحدة فلیفعل، از این حدیث فوق الذکر استنباط تردید مذهب آن عده مردم وانمود شد که آنها جزما حکم سه رکعات وتر را میدهند میگویند وقتیکه رسول الله ﷺ اجازه هرنوع عام فرموده اند بناء تحدید درآنجا ازکجا استخراج گردید وقطعا شریعت مطهره عام را محدود نمودن چگونه ناداني است وقتیکه رسول اکرم ﷺ که ما متبعین آنجناب هستیم ایشان اجازه یک وتر وسه وتر واداء نمودن پنج وتر رخصت مرحمت فرموده است بناء سخنان دیگران چگونه تسلیم کرده شود بلکه این رخصت را محدود نمودن محض تعصب وپابندي مذهبي است زیرا قسمیکه رسول مقبول ﷺ رخصت فرموده اند همانطور چرا فتوی داده نشود خواه کسي یک رکعت میکند خواه سه ویا پنج، ودر ابن ماجه مذکور است: سأل ابن عمر رجلاً کیف اوتر قال اوتر بواحدة قال انی اخشٰي ان یقول الناس البتیراء فقال سنة الله ورسوله یرید هذه سنة الله ورسوله، بنگرید در این حدیث بیان واضح وروشن است که آن اشخص سائل بر یک وتر کردن بر ابن عمر اعتراض نمود لیکن حضرت ابن عمر سخن آنکس را نپذیرفت بلکه چنان گفت که سخن تو صحیح نیست یک وتر کردن سنت آنحضرت ﷺ است پس ما چگونه گفته میتوانیم که از سه بیش وکم جائز نیست ودرفتح الباري شرح بخاري است: وصح عن جماعة من الصحابة انهم اوتر بواحدة من غیر تقدم نفل قبلها وفی کتاب محمد بن نصیر وغیره باسناد صحیح عن السائب بن یزید ان عثمان قرأ القرآن لیلة فی رکعة لم یصل غیرها وفی المغازی ان سعداً اوتر برکعة وفی المناقب عن معاویة انه اوتربرکعة وان ابن عباس استصوبه، ازسائر این احادیث وأقوال نیز ثابت میشود که در آن هر نوع رخصت است ودیگر أدله بسیار زیاد است لیکن سبب عدم گنجایش دراینجا گنجانیده نمیشود وهمانقدر کافي پندارید وفرمانبردار رسول مقبول ﷺ شوید بخاطر آنکه فرمانبرداري انجناب ﷺ نجات است ومفتي صاحب که بخاطر ثبوت التحیات در میانه که کدام حدیث را پیش نموده است ازآن هرگز ثبوت التحیات ممکن نیست زیرا درآن تنها آنقدر ذکر است که مانند نماز مغرب است ودرآن هیچ ذکر از التحیات نیست ومماثلت تامه مراد نیست چنانچه یک نفر بگوید زید مانند اسد است اکنون ازآن جمله این سخن ثابت نمیشود که زید واقعا اسد (شیر) باشد بلکه تنها مراد آن است که شجاعت زید مانند اسد است وهمانطور درآن حدیث نیز آن سخن ذکر است که وتر مانند نماز مغرب است یعني در شمار رکعت مانند

نماز مغرب ميباشد اگر آن را مماثلت تامه مي پنداريد درآن صورت وتر نيز همچو نماز مغرب فرض عين بايد پنداشته شود حالانكه وتر را هيچ كس قائل بفرض عين نيست بس ازآن تحقيق معلوم شد كه در اينجا مماثلت تامه مراد نيست وديگر آنكه درآن ذكر است كه نماز مغرب وتر روز است واين وتر شب ميباشد وازآن نيز ثابت شد كه مماثلت تنها دروتر بودن است ومماثلت كلي مراد نيست، اكنون مايان بفضل خداوند ﷻ احاديث صحيح را از صحاح سته وغيره پيش مي نمائيم كه درآن ألفاظ صريح است كه در ميان التحيات خواندن بكار نيست: عن ابى هريرة مرفوعًا وموقوفًا لا توتروا بثلاث تشبهوا بصلٰوة المغرب وقد صححه الحاكم، ونيز حديث دوم از عائشة رض: انه كان رسول الله ﷺ يوتر بثلاث لا يقعد الا في آخرهن، وروى النسائى من حديث ابى بن كعب نحوه؛ ولفظه يوتر بسبح اسم ربك الاعلي وقل يٰا أيها الكافرون وقل هو الله احد ولا يسلم الا فى آخرهن، بناء ألفاظ صريح اين احاديث است كه آنحضرت ﷺ در ميان براي التحيات نشست نمي نمودند وحديث كه دران احتمال باشد چگونه مقابله همچو حديث راخواهد كرد اصلا درحقيقت دو صورت اداء نمودن وتر است يكي آنكه ذكر شد كه بغير از التحيات درآخر سلام گردانيدن وصورت دوم آنست كه دو ركعت بخواند وسلام بگرداند ويک ركعت عليحده اداء كند واين صورت بسيار بهتر است واين را اكثر مردم پسند نموده اند ومفتي صاحب كه در بابت قنوت كدام تحرير را فرموده اند كه بعد از ركوع قنوت خواندن مكروه است وپانزده روز متواتر آنحضرت ﷺ بر يک قوم لعنت فرموده بودند ودران ذكر لفظ قبل وبعد نيست؟ معلوم نيست كه جناب مولوي صاحب در وقت صادر نمودن فتوى صم وبكم بوده فتوى را تحرير نموده است زيرا در حديث صريح لفظ بعد ذكر شده است واما جناب مفتي نفي هر دو لفظ قبل وبعد را تحرير فرموده است. وحديث متفق عليه تحرير است: عن ابى هريرة ان رسول الله ﷺ اذا اراد ان يدعو علٰى احد او يدعو لأحد قنتَ بعد الركوع، الحديث، در ابن ماجه مذكور است: عن محمد قال سالت انس بن مالک عن القنوت فقال قنتَ رسول الله بعد الركوع، عون المعبود، وقد روى محمد بن نصر عن انس ان رسول الله ﷺ كان يقنت بعد الركعة وابوبكر وعمر حتى كان عثمان قنت قبل الركعة قال المنذري وفي رواية قال هٰذا يقول فى وتر القنوت، از اين احاديث ثابت ميشود كه خواندن قنوت بعد از ركوع بكار است وآن را مكروه نوشتن ضديت بلا دليل است. واگر كسي قبل از ركوع قنوت بخواند ما گفته ميتوانيم اكه

این ناجائز است زیرا هر دو طرف احادیث موجود است وبخاطر آنکه بر احادیث طرفین عمل شده باشد احیانا قبل از رکوع خوانده شود واحیانا بعد از رکوع زیرا بر یک حدیث عمل نمودن وحدیث دیگر را ترک کردن وبر آن عمل نکردن یک امر ناپسند است شایان ومناسب همان است، که برهردو عمل نماید بخاطر آنکه میان جانبین تعارض باقي نماند.

جواب: (ازمولوي مشیت الله صاحب دیوبندي) قبل از همه آن سخن قابل ذکر معلوم میشود که در این جواب فوق الذکر بعد از غور وتنقیح سه جزء استخراج میگردد:

(۱) آنکه وتر سنت است وبروجوب وتر هیچ دلیل نیست وهرکسي که بحدیث عقبة بن عامر استدلال نموده است استدلال او بالکل غلط است زیرا د رآن ذکر وجوب نمیباشد وبر: الوتر واجب علی کل مسلم نیز استدلال نمودن بروجوب وتر باطل است زیرا درآنجا وجوب بمعنی ثابت است نه وجوب بمعنی مصطلح وواجب بر این معني بکثرت متداول السنة است: کما في باب الغسل المسنون: غسل یوم الجمعة واجب. درا ینجا بنزد جمهور واجب بمعنی ثابت است زیرا بر وجوب غسل یوم الجمعة هیچ کس قول نکرده است.

(۲) تحدید نمودن وتر در سه رکعت باطل است وبودن وتر یک رکعت نیز از نبي اکرم ﷺ ثابت است چنانچه در نسائي شریف مذکور است: عن ابن عمر رضي الله عنه ان النبی ﷺ قال الوتر رکعة من آخر اللیل. او په ابوداؤد کی دی: عن ابی ایوب الانصاری قال قال رسول الله ﷺ الوتر حق علی کل مسلم فمن احب ان یوتر بخمس فلیفعل ومن احب ان یوتر بثلاث فلیفعل ومن احب ان یوتر بواحدة فلیفعل. از این روایات تردید مذهب آنعده مردم وانمود میشود که ایشان جزما وتر را سه رکعت مي پندارند وبراي آنها استدلال آوردن بکار ست که تحدید وتر را در سه رکعات از کدام جاي مي نمایند ودیگر آنکه بر روایت عائشه (رض) أنه کان النبی ﷺ یوتر بثلاث لایقعد الا فی آخرهن، قبول آنکه وترسه رکعت است ازآن نفي قاعدهٔ اولی میشود سپس ازآن ثبوت التحیات در میان چگونه ممکن خواهد باشد؟

(۳) خواندن قنوت بعد أز رکوع نیز از رسول الله ﷺ ثابت است بعد الرکوع وقبل الرکوع وبنابر هردو طریقه خواندن قنوت بغیر ازکراهیت جائز شدن بکار است وبعد از آن بعد از رکوع خواندن قنوت چگونه مکروه شده میتواند؟

این سه امور است که مجیب صاحب (غیر مقلد) التزام آن را نموده است وتسلیت ودلپري کم

فهمي خود رابراي خويشتن داده است ونوشته است که بر خلاف سائر آن روايات قوي شدن مذهب امام أبو حنيفة ممکن نيست زيرا جائيکه حديث صحيح باشد وبر خلاف آن عمل نمودن کاملا تخطي ومحض تعصب است.

ان شاء الله براي تو معلوم خواهد شد که مذهب امام ابو حنيفة (رح) با مرويات صحيحه چقدر زياد قريب تر است واين کمال فراست امام أبو حنيفة (رح) وتفقه في الدين اوست که ايشان روايات صحيح را چه که روايات ضعيفه را نيز از دست نگذاشته است. امام صاحب موصوف بعد از تفکر وتعامل نظر کردن بقرائن از اين روايات چنان محل پاکيزه وعمده را استخراج مي نمايد که بسبب آن برسائر روايات اگر چه متعارض باشند آنها سهل العمل ميباشد وغير متعصب تخمين واهميت آن را درک نموده ميتواند ودر فکر وانديشه متعصب ومعاند آن سخن خطور وعروض کرده نميتواند ليکن:

گر نبيند بروز شپره چشم
چشمۀ آفتاب را چه گناه

وبخاطر ذکر نمودن آن سخن مقصود ما بر کسي طعن وتشنيع گفتن نيست ونه اين طرز العمل ما است ونه ما چنان بيباک هستيم که در پردۀ تعصب وانمود واشکار شويم وتوهين هر امام را که بخواهيم او را توهين کنيم البته از نزد فتوی فوق الذکر خواسته شده انست فلهذا هر چيزيکه نزد ما حق است آن را بالترتيب. نمبر وار بر سه حصه تقسيم نموده پاسخ ميدهيم، والله الموفق للصواب.

(۱) در مورد وتر اگرچه از امام أبو حنيفة رح يک روايت آنست که وتر سنت است لکن مانند صاحب نهايه محققين مذهب أصح وراجح روايت وجوب را قرار گردانيده اند اکنون نظر آنست که تنها امام موصوف وتر را واجب قرار داده است ويا متباقي حضرات نيز قائل بوجوب وتر اند وخوش فهمي جناب مجيب صاحب است که او چنان پنداشت که امام ابو حنيفة رح در أين مسئله منفرد است کاش که از عبارت آتي شيخ بدر الدين عيني وقف مي بودند: وحکی ابن حزم ان مالکًا قال من ترکه أُدِّب وكانت جرحة فی الشهادة الخ وفی المصنف عن مجاهد بسند صحيح

هو واجب ولم يكتب الخ وحكى ابن بطال وجوبه عن اهل القرآن عن ابن مسعود وحذيفة وابراهيم النخعي وعن يوسف بن خالد السمتي شيخ الشافعي وجوبه وحكاه ابن ابي شيبة ايضاً عن سعيد بن المسيب وابي عبيدة بن عبد الله ابن مسعود والضحاک [1] إنتهى. بناءا واضح گرديد که قابل بر وجوب وتر تنها امام أبوحنيفه نيست بلکه درسلف نيز يک جماعت همچو امام ابو حنيفة وتر را واجب ميگويند حتى که رجحان خطر امام مالک رح همچنان معلوم ميشود زيرا اين قسم ألفاظ زوردار در مورد ترک واجب گفته ميشود. واز قول حافظ عليم الدين السخاوى معلوم ميشود که قائل فرضيت وتر شده است: كما في حاشية بحر الرائق: واختار الشيخ عليم الدين السخاوى انه فرض وعمل فيه جزءاً وساق الاحاديث الدالة على فرضيته ثم قال فلا ير تاب ذو فهم بعد هٰذا انها الحقت بالصلوٰت الخمس في المحافظة. [2] إنتهٰى، وتعجب آور نيست که رجحان امام بخاري نيز بطرف وجوب است كما أشار إليه الحافظ في فتح الباري: افراده بالترجم عن ابواب التهجد والتطوع يقتضي أنه ملحق بها ثم قال الحافظ: ولو لا أنه أورد الحديث الذي فيه إيقاعه على الدابة إلا المكتوبة لكان إشارة إلى أنه يقول بوجوبه انتهى.

حافظ ميگويد که امام بخاري براي صلوة وتر وصلوة الليل جدا جدا تراجم انعقاد کرده است واين تقضاي آن را ميکند که امام بخاري وتر را با صلاة الليل لاحق نمي نمايد لکن نظر به آنکه امام بخاري در ابواب وتر آن حديث را آورده است که در آن ذکر اداء نمودن صلاة وتر رسول اکرم است بر مرکب ايشان فلهذا فرمود که بيشک وشبه چنان گفته شده است که امام بخاري قائل بوجوب وتر شده است اگر امام بخاري اين قسم حديث نمي آورد که از آن اداء نمودن وتر رسول اکرم ﷺ بر مرکب ايشان ثابت است پس من ميگفتم که امام بخاري يقينا قائل بوجوب وتر شده است. حافظ آنقدر سخن را نيز قبول دارد که آوردن امام بخاري براي صلوة وتر وصلوة الليل تراجم عليحده وجداگانه مقتضي آنست که امام بخاري نميخواهد که هر دو در يک مرتبه قرار بدهد لکن وي قائل وجوب صلاة وتر شده است بناء بر آوردن آن روايت که امام بخاري آورده است که مثبت صلاة وتر آنحضرت ﷺ است بر دابه است اکنون اين نسبت بطرف ايشان شده نميتواند. من ميگويم با وجود آنکه امام بخاري آن قسم حديث را نيز آورده

(۱) عمدة القارى ابواب الوتر ج۲ص ۴۱۲ . ظفير

(۲) حاشيه بحر الرايق ج۲ ص۴۰ . ظفير

است که ا اداء نمودن وتر رسول الله ﷺ بر دابه ثابت میشود. اما با آنهم این منافي آن مقصد امام بخاري نیست که آن را اشاره در آوردن تراجم علیحده وجداگانه ذکر نموده است زیرا شما اضاف تر آنقدر خواهد گفتي وقتیکه امام بخاري قائل بوجوب وتر شد پس ایشان این حدیث آوردن بکار نبود که در آن ذکر اداء نمودن وتر درحالت سواري بر مرکب شده است زیرا چنان ممکن نیست که وتر واجب باشد وبر دابه در حالت سواري بر مرکب اداء شده باشد، سپس ازآن من از شما مي پرسم که دلیل آن را بیاورید که مسلک امام بخاري همان است که واجب خواه در حالت سفر باشد آن را بر دابه اداء نمودن جائز نیست وامام بخاري شان اجتهاد را دارد تعجب اور نیست که با قائل شدن وجوب وتر بر دابه اداء کردن آن را جائز بدارد وسخن بهتر آنست که گفته شود که امام بخاري با آوردن آن حدیث که در آن ذکر صلاة وتر رسول اکرم است بر دابه که آن را در حالت سواري بر مرکب اداء نموده اند درآن اشاره مي نماید بر آنکه اداء نمودن وتر بر مرکب منافي وجوب نیست زیرا این واقعه بطور حال لا عموم لها.است، وقتیکه از روایات معتبره ثابت است که عادت مبارکه رسول اکرم ﷺ طوري که وتر را بعد از پائین شدن از دابه بر سطح زمین اداء مي نمودند کما في الطحاوي که لا محال شاید که وتر در حالت بسیار خطیر وبنا بر عذر شدید بر دابه اداء شده باشد ودر حالت عذر واجب را بجا بگذار حتی که فرض نیز بردابه اداء نمودن متفق علیه است فلهذا درآن روایت اداء نمودن وتر منافي وجوب وتر نیست. والله اعلم

در قائلین سنت بودن وتر یک جماعت آنست که وتر در حق نبي اکرم ﷺ بطور خصوصیت آن را واجب مي پندارند وسپس اداء نمودن وتر را که آنحضرت ﷺ بردابه اداء کرده آنها آن را مضر نپنداشتند الغرض بعد ازنظر اندازي بر شان وعادت امام بخاري نیز معلوم میشود که امام بخاري (رح) نیز مانند امام ابو حنیفة (رح) قائل پر وجوب وتر شده است.

ودر مورد امام أبو جنیفة (رح) بعضي معاندین ومتعصبین میگویند که براى امام صاحب ذخیره روایات احادیث صحیحه نرسیده بود ودر مورد امام بخاري چه خواهد گفت زیرا ایشان امیر المؤمنین في الحدیث است که ایشان همچنان قائل پر وجوب وتر شده است.

اکنون بعد آنقدر فهرست شماري براي مجیب مجتهد ما حق باقي نماند که او عبارت سبل السلام: ذهب الجمهور إلى أنه لیس بواجب، درپیش روي ما آن را تقدیم نموده وچنین ادعاء کند

که امام ابو حنیفة رح درآن مسئله منفرد است. اگر صاحب سبل السلام واقعا اتفاق راي داشته باشد با مجیب صاحب ما پس آن عبارت ایشان بلا شک درمقام تحقیق قابل نظر انداز نمودن خواهد باشد، واگر چنان نباشد بلکه مراد صاحب سبل السلام ازنفي وجوب نفي فرضیت باشد ومجیب صاحب ما بنابر الفاظ ظاهري در مغالطه واقع شده باشد بازهم در مقابل احناف آن عبارت هرگز قابل پیش کردن نیست واحناف چه وقت ادعاي فرضیت را نموده اند؟ ودلائل وجوب وتر متعدد است درعمدة القاري شیخ بدر الدین عیني سائر آنها را بالاستیعاب بیان فرموده است وبخاطر تسلي واطمینان خاطر شما در اینجا دو، چهار آن را طور مختصر نیز ذکر مي نمایم: عن عبد الله بن عمر عن النبی ﷺ قال اجعلوا آخر صلٰوتکم باللّیل وتراً. رواه (١) مسلم. وعنه ان النبی ﷺ قال بادروا الصبح بالوتر، رواه مسلم، (٢) وعن ابی سعید الخدری ان النبی ﷺ قال اوتروا قبل ان تصبحوا. رواه الستة الا البخاری. (٣)

این سه روایت است که درآن تعلیم وتر بصیغهٔ أمر ذکر شده است اگر چه بنابر مذهب محققین امر برای وجوب نمیباشد لکن دراینجا امر براي وجوب حتما باید قبول نمود وبر آن موضوع از جمله قرائن متعدده از همه قرینه بزرگ وبهتر آنست که وتر در اصل نمازي است که در وقت نزول سورة مزمل فرض کرده شده بود واز روایت طبقات ابن سعد: إن شاء أیدکم الحدیث، والله اعلم. قسما معلوم میشود که این نماز از سابق شفعا شفعا فرض بود وایتار بعد ازآن فرض کرده شده است: وذکره الخطابي في معالمه. غرض آنکه شک نیست دراین که این نماز دریک وقت یقینا فرض بود اکنون نظر آنست که بعد ازآن وجوب ولزوم این نماز منسوخ شده است یا تطویل قرائة پس با: فَاقْرَئُوْا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ، تطویل قرائة منسوخ شده است وجوب ولزوم آن همانطور باقي مانده ومنسوخ نشده است وبر نسخ وجوب ولزوم هیچ دلیل صریح موجود نیست بلي احتمال نسخ فرضیت است لهذا با رعایت نمودن سائر وجوهات بازهم احناف ادعاي فرضیت را نمیکنند بلکه مدعیان وجوب ولزوم میباشند حتی که از این تقریر من نیز آن سخن معلوم شد که سلسله وجوب وتر از آوان نزول سورة مزمل گرفته وتا به اکنون جریان دارد

(١) مشكٰوة باب الوتر ص ١١١ . ظفیر

(٢). ایضاً . ظفیر

(٣) ایضاً . ظفیر

ومنسوخ نشده است، وچگونه کسي ادعاي نسخ را خواهد کرد حالانکه هیچ حجت بر وجوب نسخ موجود نیست اگر شما درآن مورد حجت داشته باشد پس بسم الله کنید آن دلیل را براي ما پیش کنید بشرطیکه رعایت انصاف در آن باشد واگر با تقدیم سائر آن روایات تسکین قلب شما نشده باشد واین نظر معنوي که امر براي وجوب است درفهم مجیب مجتهد ما نیاید پس دلایل دیگر را سمع نمائید: در أبو داود مذکور است: عن عبدالله بن بریدة عن ابیه قال سمعت رسول الله ﷺ یقول الوتر حق فمن لم یوتر فلیس منا، الوتر حق فمن لم یوتر فلیس منا [1] قال العینی وهٰذا حدیث صحیح وفیه ابو المنیب وثقه ابن معین وقال ابن ابی حاتم هوصالح الحدیث وقال یحول [2]. از این حدیث معلوم شد که رسول اکرم ﷺ وتر را مانند سنت نپنداشته اند بلکه در حق تارک آن وعید شدید را فرموده اند: اوما دون الفرض او ما فوق السنن، رتبه آن را براي آن منظور مقرر نموده اند: ولیس هذا إلا الوجوب، وامام أبو حنیفة رح این را واجب میگوید؟ ودرما بین واجب وفرض نزد امام ابو حنیفة رح فرق واضح است: کما ذکر في البحر وذکر حکایة في البدائع هي أن یوسف بن خالد السمتي کان من أعیان فقهاء البصرة فسأل أباحنیفة عنة فقال إنه واجب فقال له: کفرت یا أبا حنیفة رح ظنا أنه فریضة فقال أبو حنیفة (رح) عنه فقال انه واجب فقال له کفرت یا اباحنیفه ظنًا منه انه یقول انه فریضة فقال ابوحنیفه أیهولنی إکفارک ایای وانا أعرف الفرق بین الفرض والواجب کفرق مابین السماء والارض ثم بین له الفرق بینهما فاعتذر الیه وجلس عنده للتعلم [3] اهـ.

ومتباقي بحدیث عمرو بن سعد وعقبه ابن عامر که ایشان روایت نموده است که إن الله زادکم صلاة وهي خیر لکم من حمر النعم، الحدیث. بناء بر حدیث فوق الذکر نیز استدلال بر وجوب نموده است وطریق استدلال آنست که در این روایات نسبت مشروعیت وتر بطرف الله شده است ودیگر آنکه زیادت از جنس مزید علیه بکار است وظاهر است که واجب از جنس فرائض است فلهذا با روایات مذکوره بطرف وجوب اشاره پنداشته شده است چنانچه تعین وتحدید اوقات نیز درآن روایت دلالت مي نماید بر آنکه وتر واجب است وبا رسیدن تا به اینجا شاید

---

(۱) مشکوٰة باب الوتر فصل ثانی ص۱۱۳ . ظفیر

(۲) عمدة القاری ابواب الوتر ج۳ ص ۴۱۲ . ظفیر

(۳) البحر الرائق باب الوتر والنوافل ج۲ ص ۳۸. ظفیر

درذهن کسي بار بار چنان خطور کند وچنان فکر برایش پیدا شود که اگر از این روایات وجوب ثابت میشود پس شایان است که سنت فجر را نیز واجب گفته شود زیرا در ارتباط سنت فجر نیز به همان الفاظ همین قسم روایات مروي است حالانکه قائل بوجوب آن هیچ کس نیست وبیشک اگر در مرتبهٔ شبه یک سخن جاندار باشد پس آن سخن اینست لکن با وجود آن همه براي وسعت نظر امام ابو حنیفه بنگرید وقتیکه امام موصوف مشاهده نمود که مورد وتر وسنت فجر نسبت به سائر سنن ونوافل اگر چه ألفاظ تشدید وزوردار استعمال شده است لکن با وجود آنهم در تعامل او اهتمام وتر از سنت فجر زیاد تر شده است ودرصحابهٔ کرام رض از هیچ کس در سفر وحضر احیانا نیز ترک وتر ثابت نیست ودیگر آنکه از رسول اکرم ﷺ با وجود مواظبت ثبوت ترک واجب مشکل است. ودر کدام درجهٔ که آنجناب ﷺ در مورد تارک وتر وعید شدید فرموده اند آنقدر تشدید در تارک سنت فجر نه فرموده اند، بنابر این امام الائمة در میان هر دو چنان فرق را فرمود. که وتر را واجب وسنت فجو ر مؤکد قرار دادند.

ودلایل وجوب وتر دیگر نیز بسیار است لکن الان با إکتفاء نمودن به آنقدر دلایل در خدمت مجیب صاحب با اظهار ادب عرض مي نمایم که جناب: بیشک ما قبول داریم که با حدیث: الوتر واجب علی کل مسلم استدلال بر وجوب ممکن نیست بخاطر آنکه بنابر قول شما واجب در اینجا بمعنی ثابت است ووجوب مصطلح مراد نیست واین اصطلاح امر مستحدث است در حدیث چگونه میشود با آنهم این همه صحیح لکن جناب این را بفرمائید که حدیث: لیس الوتر بحتم کهیئة المکتوبة ولکن سنة سنها رسول الله ﷺ، رواه الترمذي. بنفي وجوب وسنت وتر چگونه استدلال قائم خواهد شد ودر اینجا شما چگونه معلوم نمودید که مراد از سنت مخصوص اصطلاح مراد است که مغایر واجب وما تحت آن درمرتبه است ورد اینجا چرا نمیگوئید که مراد از سنت طریقه مرضیهٔ است که شامل واجب وسنت میباشد چنانچه سیاق وسباق روایت نیز تائید آن را مي نماید ودرآن نفي واجب است که مانند فرض میباشد ونفي واجب مطلق نیست بناء باید براي ما وانمود شود که ازکدام لفظ آن نفي وجوب میشود؟ وما آن سخن را نیز قبول داریم که در حدیث نفي فرضیت وتر شده است لکن آن سخن که مراد از سنت خاص سنت اصطلاح است که شامل واجب نسیت واز حدیث نفي وجوب میشود این چگونه وبنابر کدام قانون شما آن را معلوم نمودید؟ معلوم میشود که براي مجیب مجتهد ما از قاعدهٔ مقررهٔ خویش در حدیث ألفاظ

اصطلاحي را مراد گفتن باطل است این اصطلاح امر مستحدث است وتا به اینجا رسیدن حتما تغافل شده است فلهذا مصداق این کلمات گردید: حفظت شیئًا وغابت عنک أشیاء، واگر مجیب صاحب ما چنین میفرماید که در حدیث بودن ألفاظ اصطلاحي ضروری نیست لکن در اینجا از سیاق وسباق روایت چنان معلوم میشود که مراد از سنیت سنت اصطلاحي است عام نیست که شامل واجب باشد بناء جناب عالي نخست این از سیاق وسباق استنباط نمیشود بلکه بر عکس چینن معلوم میشود که نفي وجوب اصطلاحي مقصود نیست واگر همچنان واقعیت باشد قسمیکه شما فرمودید پس من نیز میگویم که در حدیث: الوتر واجب، مراد وجوب اصطلاحي است ودر اینجا مراد از واجب مسنون نیست قبول دارم که الایجاب قد یطلق علی المسنون تاکیدا، لکن ضروري نیست که در اینجا نیز مراد از واجب مسنون باشد دلیل آن را پیش نمائید ور نه من میگویم که اگر سیاق وسباق شما همانطور است پس در اینجا همچنان پندارید که حدیث: من لم یوتر فلیس منا، رواه أحمد. مقتضي آنست که در حدیث: الوتر واجب. مراد از واجب مسنون نیست بلکه مراد همان است که بر آن امام أبو حنیفه (رح) قائل شده است زیرا عرفا وجوب بمعنی لزوم مستعمل میشود ودیگر آنکه وعید شدید که در روایت امام محمد مذکور است تنها محمول بر ترک واجب ممکن است که باشد.

غرض آنکه این حدیث وتر به هیچ وجه پیش کردن لائق ومناسب نیست، باقي ماند روایت ابن ماجه وخازن پس براي ما تعجب آور است که شما در استدلال خویش روایات ضعیفه را چرا پیش نمودید زیرا روایت خازن ساقط الاسناد است وروایت ابن ماجه بطور صحیح چنین است: إن الوتر لیس بحتم کصلواتکم المکتوبة [۱] وهیچگونه این روایت معارض احناف شده نمیتواند زیرا احناف چنین وجوب را انکار مي نماید که مانند فرضیت باشد ونیز آن روایت ابو داود که عبارت است از: ان رجلاً من بني کنانة سمع رجلاً بالشام یدعی ابا محمد المخدجي یقول ان الوتر واجب قال المخدجي فرحت الی عبادة بن الصامت فاخبرته فقال عبادة کذب ابو محمد سمعت رسول الله ﷺ یقول خمس صلٰوة کتبهن الله علی العباد. انتهی مختصراً. [۲] در این حدیث

---

(۱) این حدیث در ترمذي با همین ألفاظ از حضرت علي (رض) مروي است مطالعه فرمائید ترمذي باب ما جاءأن الوتر لیس بحتم: ج۱ ص٦٠ لکن در ابن ماجه با الفاظ ذکر است که آن را أولا مجیب نقل نموده است مطالعه کنید ابن ماجه باب ماجاء في الوتر ص۸۳. ظفیر

(۲) ابوداؤد باب من لم یوتر ج۱ ص۲۰۱ . ظفیر

عبادة (رض) نفي فرضيت را كرده ونفي وجوب اصطلاحي را ننموده است در عصر صحابه كرام رض اطلاق واجب بر فرض كرده ميشد، وهمين وجه ودليل است كه يوسف بن خالد سمتي امام أبو حنيفة رح را محض بواجب گفتن كافر گفت اما وقتيكه امام أبو حنيفة حقيقت واجب را برايش منكشف فرمود ودرميان واجب وفرض برايش فرق را بيان وتوضيح نمود واو را رهنمائي نمود فورا ايشان معذرت خواسته وبغرض تعليم برايش نشست، درست همانطور عبادة رض نيز با واجب گفتن ابو محمد چنان پنداشت كه أبو محمد قائل بفرضيت وتر شده است فلهذا با استماع نمودن آن فرمود كه ابو محمد دروغ گفته است من از رسول اكرم ﷺ شنيده ام كه جمله پنج نماز فرض است كه الله پاک آنها را بر بنده گان خود فرض نموده است (ششم هيج يک فرض نيست) اين بود اصل حقيقت ومجيب صاحب مابا خوش فهمي خود چنان فهميده كه عبادة رض نفي وجوب اصطلاحي را ميفرمايد وجزء ثاني را نظر نكرده است كه ازآن نفي واجب بمعنى فرض مقصود است ونفي مطلق واجب مقصود نيست.

از اين روايت وهمچنان از روايت كه از حضرت ابن عمر پرسيده شد كه آين وتر واجب است؟ ايشان فرمودند كه: أوتر النبي ﷺ والمسلمون [1]. آنجناب واضح نه فرمود كه واجب است يا واجب نيست از اين معلوم ميشود كه در دل صحابه كرام اين سخن راسخ بوده كه وتر اگر چه فرض نيست لكن سنت همچنان نيست زيرا كه به سنت درآن تاكيد مزيد مي آيد وهمان دليل است كه ابن عمر در جواب أوتر النبي ﷺ والمسلمون فرمودند وچنان نفرمودند كه مسنون است واز مسنون گفتن خود داري نمود وامام أبو حنيفة بر منشأ آن فهميده وقائل بر وجوب شده نه وتر را مسنون قرار داد ونه آن را فرض گردانيد وذلک فضلا لله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل العظيم [2].

(٢) در اين جزء احناف رادر مسائل است: (١) وتر سه ركعت است يک ركعت وتر هرگز شده نميتواند.

(٣) واين سه ركعت وتر مشتمل بدو قعده ويک سلام ميباشد وبا يک سلام ويک قعده نمياشد اين دو مسائل است كه مجيب مجتهد با الزام داشتن براحناف انكار مي نمايد حالانكه اقرب إلي

---

(١) مشكاة باب الوتر ص١١٣، الفاظ يي دادي: اوتر رسول الله صلى الله عليه وسلّم واوتر المسلمون. ظفير

(٢) مشكوة باب الوتر ص ١١٣ ، الفاظ يي داسي دى: اوتر رسول الله ﷺ واوتر المسلمون. ظفير

الروايات بلا شک مذهب احناف است ودرآن شک نیست که بعضي روايات قسما است که برآن روايات بنابر بادي النظر یک رکعت بودن وتر نیز ثابت است جنانچه در یک روايت ابن عمر است أن النبي ﷺ قال: الوتر رکعة من آخر الليل رواه النسائي [۱]. وهمچنان روايت أبو أيوب أنصاري است: الوتر حق على كل مسلم فمن احب ان يوتر بخمس فليفعل ومن احب ان يوتر بثلاث فليفعل ومن احب ان يوتر بواحدة فليفعل [۲]، وروايت ابن ماجه: سئل ابن عمر رجل فقال كيف اوتر بواحدة قال انى اخشٰى ان يقول الناس البتيراء فقال سنة الله ورسوله يريد هذه سنة الله ورسوله [۳]، این سه روايات است که مجیب صاحب بر یک بودن وتر استدلال کرده است وادعا نموده است که وتر یک رکعت نیز شده میتواند حالانکه در آن روايات روايت أبو أيوب أنصاري موقوف است كما صرح به الحافظ في التلخيص وصحح أبو حاتم والزيلعي والدارقطني في العلل والبيهقي وغير واحد وهو الصواب، غرض آنکه رفع این حدیث معلول است وموقوف بودن آن صواب میباشد، باقي ماند روايت ابن ماجه ونسائي که مطلب ایشان هرگز چنان نیست که یک رکعت بغیر از تقدیم شفعه وتر باشد بلکه مطلب انست که اگر کسي صلاة الليل وتهجد اداء مي نماید پس در حق او وتر رکعت آخري است زیرا با انضمام نمودن یک رکعت شفعه آخرین او وتر میگردد وچنان نشد که وتر تنها یک رکعت شد چنانچه تائید آن مقصد از روايت دیگر ابن عمر (رض) میشود که در بخاري مذکور است: قال النبی ﷺ فإذا اخشي احدكم الصبح صلى ركعة واحدة توتر له ما قد صلى. انتهى مختصراً، [٤] ومذهب خود حضرت عبد الله ابن عمر همچنان نبود که تنها یک رکعت وتر باشد بلکه بنزد ایشان سه رکعت مفصولا جائز بود که مشتمل بر دو قعده ودو سلام بود قسمیکه طحاوي از ابن عمر نقل نموده است که ایشان سه رکعت وتر اداء مي نمودند این بود حال روايات متذکره وباقي روايات صحیحه دیگر بکثرت موجود است که از آن تنها سه رکعت بودن وتر ثابت میشود: وفي الطحاوى روايات كثيرة تدل على ان اجماع المسلمين على ان الوتر ثلث، واز ترویج زمانه حضرت عمر رض نیز همین ثابت میشود وبخاطر اطمینان شما روايات را میخواهم ذکر نمایم که

---

(۱) مشکوٰة عن مسلم باب الوتر ص۱۱۱ . ظفیر

(۲) مشکوٰة باب الوتر فصل ثانی ص۱۱۲ . ظفیر

(۳) ابن ماجه باب ما جاء في الوتر بركعة ص۸۳ . ظفیر

(٤) مشکوٰة باب الوتر فصل اول ص۱۱۱ . ظفیر

از آن روایات بالتصریح سه رکعت بودن وتر معلوم میگردد، درصحیح بخاري مذکور است: عن ابی سلمة عن عبد الرحمٰن انه سئل عائشه کیف کانت صلٰوة رسول الله ﷺ فی رمضان فقالت ما کان رسول الله ﷺ فی رمضان وغیره علی احدی عشرة رکعة یصلی اربعًا فلا تسئل عن حسنهن وطولهن ثم یصلی اربعًا فلا تسئل عن حسنهن وطولهن ثم یصلی ثلاثًا قالت عائشه یارسول الله اتنام قبل ان توتر فقال یا عائشه ان عینیّ تنامان ولا ینام قلبی، [1] ودرصحیح مسلم مذکور است: عن ابن عباس رضی الله عنهما انه رقد عند رسول الله ﷺ فاستیقظ وتسوک وتوضا وهو یقول: ان فی خلق السمٰوٰت والارض واختلاف اللیل وانهار لآیات لاولی الالباب، فقرأ هٰولاءِ الآیات حتی ختم السورة ثم قام فصلٰی رکعتین فاطال فیها القیام والرکوع والسجود ثم انصرف فنام حتی نفخ ثم فعل ذٰلک ثلٰث مرّات ست رکعات کل ذٰلک یستاک ویتوضأ ویقرء هٰولاء الآیات ثمّ اَوتَر بثِلاثٍ، [2] وعلاوه ازابو داود درسائر کتاب هاي سنن مذکور است: عن سعید بن جبیر عن ابن عباس ان رسول الله ﷺ کان یوتر بسبح اسم ربک الاعلٰی وقل یایها الکٰفرون وقل هوالله احد. اسناده حسن [3]، وعلاوه از ترمذي در متباقي سائر کتاب هاي سنن مذکور است: وعن ابی بن کعب قال کان رسول الله ﷺ یوتر بسبح اسم ربک الاعلٰی وقل یٰایها الکٰفرون وقل هوالله احد. اسناده صحیح ([4]) ، وعن عبدالرحمٰن بن اَبزٰی انه صلی مع النبی صلی الله ﷺ الوتر فقرأ فی الاولی بسبح ربک الاعلٰی وفی الثانیة قل یٰایها الکٰفرون وفی الثالثة قل هو الله احد فلما فرغ قال سبحان الملک القدوس ثلٰثًا یمد صوته بالثالثة رواه الطحاوی واحمد والنسائی واسناده ([5]) حسن کما صرح به الحافظ فی التلخیص. علاوه از روایات فوق الذکر دیگر روایات بکثرت موجود است که آنها را بنابر خوف تطویل ترک مي نمایم واگر ضرورت احساس شد إنشاء الله آنها را درخدمت شما ذکر خواهیم نمود. پس از آن من از شما میپرسم که برخلاف آن روایات صحیح روایت ابن ماجه وروایت أبو ایوب انصاري (رض) که در اصل فتوی ایشان معلوم میشود روایت مرفوع نیست وآن را معمول بها ساختن وجزما چنان گفتن که وتر یک رکعت نیز است. آیا این

---

(۱) بخاری باب قیام النبی ﷺ باللیل ج۱ ص۱۵٤ . ظفیر

(۲) مشکوٰة باب صلٰوة اللیل ص۱۰٦ . ظفیر

(۳) عمدة القاری. ابواب الوتر ج۳ ص ٤٠٥ . ظفیر

(٤) عمده القاری ابواب الوتر . ج۳ ص ٤٠٥ . ظفیر

(٥) نسائی شریف کیف الوتر بثلث ج۱ ص۲٤۸ ونصب الرایه ج۲ ص ۱۱۹ . ظفیر

تعجب آور نیست؟ که روایت صحیحه ترک گردد وبنا بر یک روایت موقوفه که درحقیقت آن روایت فتوی أبو أیوب انصاري است آیا کدام شخص جري وناعاقبت اندیش همچو گفته میتواند که یک رکعت نیز وتر است بناء هیچ مجتهد هیچگاه همچو قول کرده نمیتواند، الحاصل: در سه رکعت بودن وتر وعدم یک رکعت بودن وتر هیچ شک نیست اگر گنجایش باشد شاید در آن مورد باشد که این سه رکعت وتر بدو قعده ردو سلام میباشد ویا تنها به یک سلام وي قعده است احناف علاوه ازآن هر دو صورت ها یک صورت سوم را اختیار مي نمایند وایشان حکم مي نمایند به اداء نمودن وتر به دو (۲) قعده ویک سلام وآن را محض بنا بر تعصب نمیکنند بکله نزد احناف درآن مورد دلایل موجود است. در صحیح مسلم ص۲۵٦ مذکور است: ولفظه مختصرا: ویصلي تسع رکعات لا یجلس فیها إلا في الثانیة فیذکر الله ویحمده ویدعوه ثم ینهض ولا یسلم ثم یقوم التاسعة ثُمّ یقعد فیذکر الله ویحمده ویدعوه ثم یسلم تسلیما یسمعنا، الحدیث.

شیخ بدر الدین میفرماید: اگر چه از آن روایت چنان ایهام میشود که نه (۹) رکعت به دو (۲) قعده ویک سلام شده است ودر اولین هفت رکعت آنجناب ﷺ قعده نکرده اند لکن در حقیقت سخن چنین نیست. حضرت عائشة صدیقه (رض) در مورد قعده صلاة اللیل ذکر نفرموده است بلکه با فرمودن قعده اولی وانجام شدن سه رکعت به دو قعده وبیک سلام ثبوت مي دهد وبه آنقدر فرمودن شیخ بدر الدین ساکت شد وثبوت آن رانداد که في الواقع همین مطلب حضرت عائشه است که نبي اکرم ﷺ دررکعت سوم که باعتبار مجموعه رکعات هشتم بشمار میرود قعده نمودند وتا هنوز نگردانیده بودند که قیام نمودند ورکعت سوم را همرایش پیوست وبعد از قعده آخرین سلام گردانیدند ودلیل آن در نسائي است وهمان روایت را نسائي متنا وسندا آورده است: حدثنا سعید عن قتادة عن زرارة بن اوفی عن سعدبن هشام ان عائشة رضي الله عنها حدثته ان رسول الله ﷺ کان لایسلم في رکعتی الوتر [۱]، پس معلوم شد که مطمح نظر حضرت عائشه (رض) آنست که رسول الله ﷺ دروقت اداء نمودن وتر دوقعده مي فرمودند وبعد از تکمیل نمودن رکعت سوم سلام مي گردانید واین حدیث صحیح الاسناد وبرای احناف حجت است لکن حافظ محمد الدین أبو البرکات ابن تیمیه (رح) در منتقی بعد از نقل نمودن همین روایت نوشته است که امام احمد (رح) تضعیف آن روایت را فرموده است حالانکه از تحقیق

(۱) نسائي باب کیف الوتر بثلث ج۱ ص۲٤۸. ظفیر

معلوم شده که آن روایت بنا بر دواسناد مروي است امام موصوف که بکدام سند درمسند أحمد آورده است بلا شک آن سند ضعیف میباشد وامام أحمد تضعیف حدیث را نکرده است بلکه تضعیف سند آن را نموده است زیرا درتخریج زیلعي درموقع جهر بالتسمیه از خود حضرت امام احمد (رح) جواز وصل رکعت هاي وتر مروي است پس لامحالة امام احمد (رح) تضعیف طریق مسند احمد راکرده است بخاطر آنکه درآن یزید بن یعفر ابست وهو ضعیف.

غرض آنکه در روایت نسائي شریف هیچ کلام نیست بلکه آن روایت صحیح الاسناد است در مستدرک حاکم یک روایت است که ألفاظش آنست: عن عائشة (رض) أن النبی ﷺ یوتر بثلاث لایقعد إلا في آخرهن [1]. حافظ وتقلیدا مجیب صاحب ما با این روایت نفي قعدهٔ اولی را کرده است حالانکه حافظ جمال الدین زیلعي در تخریج تصریح بر آن نموده است که در مستدرک حاکم آن روایت براین ألفاظ وارد است: یوتر بثلاث لا یسلم إلا في اخرهن [2]. وزیلعي درنقل خود ثقه است ودرنسخهٔ مستدرک حاکم این ألفاظ حتما شاید باشد وروایت مسند أحمد ضعیف سهو لکن ألفاظ آن همچنان نیست: یوتر بثلاث لا یفصل بینهن. ودرنسائي مذکور است: عن أبي بن کعب نحوه ولفظه یوتر (بِسَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْاَعْلٰی) و (قُلْ یَا اَیُّهَا الْکَافِرُوْنَ) و (قُلْ هُوَ اللہُ اَحَدٌ) ولا یسلم إلا في آخرهن [3] از مطالعه ونظر اندازي نمودن آن روایات معلوم میشود که مطلب روایت حضرت عائشة (رض) ان النبي ﷺ یوتر بثلاث لا یقعد إلا في آخرهن [4] آنست که نبي اکرم ﷺ وتر را سه رکعت اداء مي نمودند وچنان قعده مي کردند که درآخرآن سلام گردانیده میشد. اکنون شما در نظر انصاف بگوئید که از آن روایت نفي قعده اولی چگونه استخراج شد وعلاوه از آن روایت یک روایت دیگر است کما في الطحاوي ص۱۷۲: عن أبي هریرة (رض) عن رسول الله ﷺ لا توتروا بثلاث واوتروا بخمس او بسبع او بتسع ولا تشبهوا بصلوة المغرب. حافظ از این روایت بر نفي قعده اولی استدلال مي نماید که حاصل آن اینست که سه رکعت وتر راچنان اداء نمودن که مشابهت آن با نماز مغرب باشد مثلا از اداء نمودن وتر با دو قعده ویک سلام ممانعت شده است وبا یک قعده ویک سلام آن

---

(۱) عمدة القاری ابواب الوتر ج۳ ص٤٠٤ . ظفیر

(۲) ایضاً. ظفیر

(۳) عمدة القاری ابواب الوتر ج۳ ص٤٠٤ . ظفیر

(٤) عمدة القاری ابواب الوتر ج۳ ص ٤٠٥. ظفیر

مشابهت باقي نميماند وبخاطر آن منظور از حديث نفي قعدهٔ اولی وثبوت قعدهٔ اولی چرا اینگونه استدلال اوهن من بيت العنكبوت صورت گرفت وبراي جمله دومي حديث چرا نظر نكرد كه ازآن بالتصريح معلوم ميشود كه تنها سه ركعت تهجد مكنيد كه با نماز شام مشابهتْ شود بلك پنج يا هفت يا نو (۹) ركعت ادا كنيد وباوتر شفعه را قبل ازآن يكجا نمائيد بخاطر آنكه با نماز مغرب مشابهت باقي نماند. درترمذي شريف مذكور است: عن ثابت البناني قال قال انس يا ابا محمد خذ عني فاني اخذت هٰذا عن رسول الله ﷺ واخذ رسول الله ﷺ عن ربه، ولن تأخذ عن أحد أوثق مني، قال ثم صلى بى العشاء ثم صلى ست ركعات يسلم بين الركعتين ثم أوتر بثلاث يسلم في آخرهن. رواه الترمذى سنداً وترک متنه وهٰذا المتن بعينه بهٰذا اللفظ فی كنز العمال ص ۱۹۶ جلد رابع فی الافعال لا فی الاقوال، واحال على الروياني وابن عساكر وقال رجاله ثقات. اين روايت همچنان حجت براي احناف است واز آن صرحة معلوم ميشود كه وتر سه ركعت است وآن را بدو قعده ویک سلام اداء بايد نمود وروايات مرجوحه ديگر نيز بسيار موجود است كه ازآن سه ركعت وتر بدو قعدهٔ ویک سلام اداء كردن فهميده ومعلوم ميشود واكنون دراينجا بر اين قدر دلايل اكتفاء مي نمايم وهمچنان در آثار نيز بكثرت چنان روايات است كه ازآن اداء نمودن وتر بدو قعده ویک سلام معلوم ميشود.

بناء بنزد احناف (رح) بنا بر روايات فوق الذكر طريقه ثانيه راجح است واما بودن وتر یک ركعت علاوه از سعد بن أبي وقاص رض ومعاويةبن أبي سفيان رض وذا النورين رض ديگر ازهيچ یک صحابي ثابت نيست بناء اگر حافظ آن را جماعت قرار ميدهد بس اين فرموده حافظ كه: وصح عن جماعة من الصحابة أنهم أوتروا بواحدة من غير تقدم نفل قبلها فرموده است درست ميباشد زيرا اطلاق جماعت بر سه شده ميتواند لكن اين براي احناف مضر نيست زيرا احناف كه قائل كدام سخن هستند درتائيد آن از جم غفير صحابه كرام رض آثار مروي است. در مصنف ابن ابي شيبه مذكور است: حدثنا حفص بن عمرو عن الحسن أنه قال أجمع المسلمون على ان الوتر ثلثة لا سلم إلا في آخرهن، وفيه عمرو بن عبيد وهو معتزلى [1]. درعيني مذكور است: ولمن قال يوتر بثلث لا يفصل بينهن عمر وعلي وابن مسعود وحذيفة وأبي بن كعب وابن عباس وانس وابوامامة وعمربن عبدالعزيز والفقهاء السبعة واهل الكوفة، وقال الترمذى ذهب جماعة من

(۱) عمدة القارى ابواب الوتر ج۳ ص ٤٠٤ . ظفير

الصحابة وغيرهم اليه. آهـ، وقتيكه با تصريح امام ترمذي يک عدد [1] بزرگ صحابه كرام موافق احناف معلوم ميشوند پس اكنون بتصريح حافظ مجيب صاحب ما را خوشنود شدن بكار نيست حافظ كسي را جماعت تلقي مي نمايد كه ازآن ده (۱۰) چند تعداد صحابه كرام رض بطرف احناف موافق اند وتعجب آور آنست كه أجله صحابه كرام رض موافق احناف اند: قيل للحسن ان عمر كان يسلم في الركعتين من الوتر فقال كان عمر أفقه منه وكان ينهض في الثانية بالتكبير [2]. وبعد از نگهداشت آن اشياء آنكس را تنها متعصب گفته ميشود كه خلاف روايات مذهب حنفيه باشد وغير متعصب فهيم ودانشور هيچگاه چنان گفته نميتواند بلكه هر قدريكه تحقيق وتفتيش كرده شود در نتيجه مذهب امام ابو حنيفة أقرب إلى الروايات معلوم ميشود.

(۳) آن جزء مجمل نگهداشته شده است بناء تشريح طلب است زيرا معلوم نيست كه مراد ازقنوت چه چيز گرفته است اگر قنوت نازله باشد پس احناف نيز ميگويند كه بعد از ركوع خوانده شود واگر قنوت وتر مراد باشد درآن وقت چنان گفتن صحيح نيست كه از نبي اكرم ﷺ در وتر بعد از ركوع خواندن قنوت ثابت است زيرا ازكدام روايات كه خواندن قنوت بعد از ركوع ثابت ميشود محمل صحيح آن روايات اينست كه آن حكم قنوت نازله است. در بحر الرائق: ج۱ ص٤٠ مذكور است: وقنت فی ثالثـــة قبل الركوع ابداً لما اخرجـه النسائی عن ابیّ بن كعب انه عليه السّلام كان يقنت قبل الركوع وما في حديث انس انه عليه السّلام قنت بعد الركوع فالمراد منه ان ذلک كان منه شهراً فقط بدليل ما فی الصحيح عن عاصم الاحول سالتُ انساً عن القنوت فی الصلٰوة قال نعم قلت اَكان قبل الركوع او بعده قال قبله قلت فانّ فلاناً اخبرنی عنک اَنّک قلتَ بعده قال كذب انماقنت رسول الله ﷺ بعد الركوع شهراً، پس معلوم شد كه در وتر قبل الركوع خواندن قنوت بكار است باقي ماند قنوت نازله پس دراين مورد اقوال قبل الركوع وبعد الركرع هر دو طرح موجود است درالدر المختار مذكور است: وهو صريح فی ان القنوت النازلة عندنا مختص بصلٰوة الفجر دون غيرها من الصلٰوة الجهرية والسرية وهل القنوت هنا قبل الركوع او بعده لم اره، والذی يظهر لی انه يقنت بعد الركوع لا قبل بدليل ان ما استدل به الشافعی علی قنوت الفجر فيه التصريح بالقنوت بعد الركوع، حمله علمآئنا علی قنوت النازلة

---

(۱) مراد يک جماعت بزرگ است. ظفير

(۲) ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۲ ص ٦٢٨ ، ط. س. ج۲ ص۱۱ . ظفير

ثم رأيت الشرنبلالي في مراقي الفلاح صرح بانه بعده واستظهر الحموي انه قبله، والاظهر ماقلناه. [1] والله اعلم، از این عبارت معلوم میشود که باوجود آنکه درمورد قنوت نازله دو قول است قبل الركوع وبعد الركوع. علماء ومشایخ احناف حکم جواز هر دو طریقه را میدهند لکن راجح آنست که قنوت نازله بعد الركوع خوانده شود. فقط محمد مشیت الله دیوبندي.

فصل ثاني
مسائل قنوت نازله

آیا قنوت نازله در نماز فجر درست است؟ سوال: (۱۶۶٤) بنزد احناف در وقت نماز فجر در کدام وقت با بلند نمون دستها دعاي قنوت یا (اللهم انصر من نصر دین محمد ﷺ) یا خواندن دعاي دیگر جائز است یا نه؟ اگر کدام حنفي که عالم فقه نباشد ویا عالم فقه باشد اما او امام شافعي رح ویا احمد یا امام مالک رحمهم الله را بنظر حقارت نگاه مي نماید آیا او حنفي واقعي شده میتواند یا نه؟

جواب: بنزد احناف در وقت نزول حادثه تنها در نماز فجر بعد از رکوع دررکعت دوم بغیر ازرفع الیدین خواندن دعاي قنوت جائز است ودر نماز هاي متباقي جائز نیست واما بغیر از نزول حادثه در هیچ نماز وهیچ وقت جائز نیست. در شامي مذکوراست: قال الحافظ أبو جعفر الطحاوي إنما لا يقنت عندنا في صلوة الفجر من غير بلية فإن وقعت فتنة أو بلية فلا بأس به فعله رسول الله ﷺ [2]. وبتعقیب در شامي مذکور است: إن قنوت النازلة عندنا مختص بصلوة الفجر دون غيرها من الصلوات الجهرية والسرية [3]. وهمچنان در آن نوشته است: وانه يقنت بعد الركوع لا قبله [4]. وأئمۀ اربعه هر یکي ایشان در مذهب خویش حق اند واختلاف ایشان از قبیل (اختلاف أمتي رحمة) میباشد، فلهذا براي هیچ یک مقلد جائز نیست که کسي دیگري را بنظر حقارت نگاه کند البته براي مقلد بکار است که مذهب امام خود را صواب محتمل خطاء پندارد

---

(۱) نصب الرايه باب صلوة الوتر ج۲ ص ۱۱۸ . ظفير
(۲) ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۲ ص ٦۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱ . ظفير
(۳) ايضاً. ظفير
(٤) ايضاً. ظفير

ومذهب مخالف را خطاء ومحتمل صواب بداند در الدر المختار مذکور است: فيها لو سئلنا عن مذهبنا ومذهب مخالفنا قلنا وجوبا مذهبنا صواب يحتمل الخطاء ومذهب مخالفنا خطاء يحتمل الصواب. [1] فقط

قنوت نازلة: سوال: (١٦٦٥) (١) قنوت در نماز فجر در موقعۀ نوازل خوانده میشود، حواله مطلوب است؟

در قنوت نازله دست ها را ارسال بکند یا ببندند؟ سوال: (١٦٦٦) (٢) در قنوت مذکور امام ومقتدي دست ها ارسال بکنند یا ببندند چنانچه در وتر بندند وآمین بجهر گویند یا خفیه؟

جواب: (١) قنوت در نوازل در صلاة فجر نزد احناف ثابت ومعمول به است قال في الشامي: وهو صريح في ان قنوت النازلة عندنا مختص بصلوة الفجر الخ. [2]

جواب: (٢) امام وجماعت بظاهر درین موقع ارسال کنند چرا که این قنوت بعد الرکوع است کما صرح به في الشامي: والذي يظهر لنا أن المقتدي تابع امامه إلا إذا جهر فيؤمن وأنه يقنت بعد الركوع لا قبله الخ [3]. وظاهر است که قومه محل ارسال است نه محل قبض یدین وقیاس بر وتر نخواهد شد که درآن قنوت قبل الرکوع است که آن محل قرائت ومحل قبض یدین است وآمین خواه بجهر بگویند یا باخفاء والثاني أولى لانه ادعاء والإخفاء بالدعاء أولى. فقط

بنزد احناف قنوت نازله بعد از رکوع وتنها در نماز فجر میباشد: سوال: (١٦٦٧) خواندن قنوت نازله قبل الرکوع بکار است یا بعد الرکوع ودرکدام نمازها وهمچنان دست ها درآن ارسال بدارد یا ببندد ویا بلند نماید وبنزد احناف قنوت وتر قبل الرکوع خوانده میشود آیا حکم قنوت نازله ازآن جدا است وبنا بر کدام دلیل؟ وبنزد احناف که قاعده است هر ذکر طویل مسنون درآن بستن دست ها است آیا این قاعده مأخذي دارد وکدام بستن دست که بعد ازتکبیر تحریمه ثابت است بعد از وقت رفتن رکوع ختم میشود اکنون بعد از رکوع قیام نمودن کار جدید است ودر آن ارسال واعتماد از آنحضرت ﷺ یا از آثار صحابه کرام ثابت است یا نه؟ واین عمل کرد امام أبو یوسف (رح)که ایشان قنوت را بعد از رفع الیدین میخواند وصاحب فتح

(١) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار مقدمه ج١ ص٤٥ . ظفیر
(٢) ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی القنوت والنازلة ص ٦٢٨ ، ط. س. ج٢ ص١١. ظفیر
(٣) ایضاً ، ط. س. ج٢ ص١١ . ظفیر

القدید که یک روایت را به سند ابو هریرة رض بیان فرموده است کان النبي ﷺ إذا رفع رأسه من الرکوع من صلوة الصبح في الرکعة الثانیة یرفع یدیه فیدعوا بهذا الدعاء: اللهم اهدینا فیمن هدیت الخ. آیا بوجه این حدیث براي فعل ابو یوسف (رح) تقویت است یا نه؟ وهمچنان قول مفتی به احناف کدام است؟

قنوت نازله بعد از رکوع است واحناف آن را تنها در نماز فجر اختیار نموده اند با انهم که بعضي فقهاءکرام آن را در سائر نمازهاي جهري جائز پنداشته اند [۱] وازکتاب هاي فقه وحدیث واضح وروشن است که قنوت فجر که آن را احناف در نوازل غیر منسوخ پذیرفته اند آن بعد از رکوع مي باشد ودرآن وقت ارسال اولی معلوم میشود [۲] زیرا جواب رفع را صاحب فتح القدیر چنان داده است که استدلال امام أبو یوسف بر آنکه در هر رفع دعا شدن کلي نیست بلکه مخصوص بران دعا است که خارج عن الصلوة باشد (وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا) بناءا درآن مورد نیاز برای بحث مزید نیست وهر یک قول یک وجه داشته میباشد ونقل نمودن روایات بنا بر علم فرصت نمیتوانم آن را نمایم [۳]. فقط

در وقت قنوت نازله ارسال داشتن دست ها وآمین گفتن مقتدیان بطور آهسته: سوال:

(۱۶۶۸) دعاي قنوت مطبوعه دار العلوم دیوبند که درعصر موجوده براي خوانش شائع گردیده است درترکیب آن دو سخن قابل پرسش است اول آنکه دروقت خواندن دعا دست ها را ارسال نماید آیا اینکه دست ها را بلند کند قسمیکه براي دعا کردن بلند میشود دوم آنکه مقتدیان آمین را بالجهر گویند یا خفیه؟

جواب: درنماز فجرکه بعد ازرکوع درعصرموجوده دعاي قنوت خوانده میشود درآن موردمعمول

---

(۱) قال الحافظ ابو جعفر الطحاوی انما لا یقنت عندنا فی صلٰوة الفجر من غیر بلیة فان وقعت فتنة او بلیة فلا باس به فعله رسول الله ﷺ واما القنوت فی الصلٰوات کلها للنوازل فلم یقل به الاّ الشافعی الخ وهو صریح ان القنوت النازلة عندنا مختص بصلاة الفجر دون غیرها من الصلٰوة الجهریة والسریة وفی شرح النقایة معزیًا الی الغایة وان نزل بالمسلمین نازلة قنت الامام فی صلاة الجهر (ردالمحتار باب الوتر والنوافل، مطلب فی قنوت النازلة ج۱ ص۶۲۸ ، ط.س. ج۲ ص۱۱) وهو قول الثوری واحمد وقال جمهور اهل الحدیث القنوت عند النوازل مشروع فی الصلٰوة کلها آه (البحر الرائق باب الوتر والنوافل ج۲ص۴۴). ظفیر

(۲) وهل القنوت هنا قبل الرکوع ام بعده لم اره والذی یظهر لی ان المقتدی یتابع امامه الاّ اذا جهر فیؤمن وانه یقنت بعد الرکوع لا قبله بدلیل ان ما استدل به الشافعی علی قنوت الفجر وفیه التصریح بالقنوت بعد الرکوع حمله علمائنا علی القنوت للنازلة ثم رأیت الشرنبلالی فی مراقی الفلاح صرّح بانه بعده واستظهر الحموی انه قبله والاظهر ماقلناه والله اعلم (ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی القنوت للنازلة ج۱ ص۶۲۸، ط. س. ج۲ ص۱۱). ظفیر

(۳) مثلا هذا. ظفیر

ما آنست که دست ها ارسال وآویزان باشند زیرا در این موقع بستن دست ها نیامده است وبلند نمودن آن نیز موافق قواعد احناف نیست فلهذا احوط وبهتر این معلوم میشود که دست ها را آویزان داشته باشند ومقتدیان آمین را بطور خفیه بگویند. [1] فقط

قنوت نازله در مغرب وعشاء درست است یا نه؟ سوال: (۱٦٦۹) شنیده ایم که در دیوبند کدام فتوی چاپ شده است که در آن در رکعت آخري نماز عشاء خواندن دعا را نوشته شده است؟

جواب: از آنجا که کدام دعاي قنوت طبع شده است درآن بعد از نماز فجر خواندن دعاي قنوت نوشته نموده است وبعضي علماء جواز خواندن آن را درنماز مغرب وعشاء نیز شوشته اند [2]. فقط

دعا در نماز فرض برای دفع شدن وباء: سوال: (۱٤۷۰) در ایام بروز مرض وبا در جماعت فرائض یا خصوصا بعد ازآخرین رکعت نماز جماعت مغرب وفجر امام چند ادعیه را بعد از رکوع بخاطر دفع شدن وباء میگوید وسائر مقتدیان به آواز بلند آمین میگوید آیا همچو عمل کردن در جماعت فرض شرعا جائز است یانه؟

جواب: در شامي مذکور است که در وقت نزول کدام حادثه در نماز فجر بعد از قیام نمودن از رکوع امام خواندن دعاي قنوت درست است وعلاوه از نماز فجر دیگر در سائر نمازها نزد مذهب احناف جائز نیست. واین مذهب امام شافعي (رح) است واین نیز در شامي مذکور است: ولا شک أن الطاعون من أشد النوازل [3] فلهذا در وقت طاعون نیز درنماز فجر بعد از رکوع خواندن دعاي قنوت درست است. [4]

قنوت نازله برای جنگ طرابلس: سوال: (۱٦۷۱) آیا کدام ارشاد علماي دین درمورد مسئله طرابلس است که اکنون درمیان مسلمانان ومسیحیان قائم شده است اگربخاطر نصرت مسلمانان

---

(۱) ان المقتدی یتابع امامه الاّ اذاجهر فیؤمن (ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱). ظفیر

(۲) ولا یقنت لغیره الاّ لنازلة فیقنت الامام فی الجهریة وقیل فی الکل (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱). ظفیر

(۳) ردالمحتار باب الوتر مطلب فی القنوت للنازلة ج۱ ص٦۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱. ظفیر

(٤) ولا یقنت لغیره الاّ لنازلة فیقنت الامامَ فی الجهریة وقیل فی الکل (درمختار) قال فی الصحاح النازلة الشدیدة من شدائد الدهر ولاشک ان الطاعون من اشد النوازل الخ وهو صریح فی ان قنوت النازلة عندنا تختص بصلاة الفجر دون غیرها من الصلوات الجهریة اوالسریة (ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی القنوت للنازلة ج۱ ص٦۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱). محمد ظفیر الدین غفرله

وهزیمت عیسویان درهندوستان یا برما دعاي قنوت خوانده شود آیا در مذهب حنفي مکروه است یا نه؟ اگر بنا بر ناواقفیت مقتدیان امام قنوت راقدري جهرا وبا رفع الیدین بخواند ومقتدیان حنفي المذهب خفیه آمین گویند آیا این در مذهب حنفي مکروه است یا نه؟ آیا درجنگ نازله وغیره که کدام دعاي قنوت خوانده میشود آیا براي آن این سخن شرط است که خاص سلطان یا خلیفه آن را بگوید؟ یا در جاي خوانده شود که درآنجا جنگ قائم شده باشد ودر جاي هاي دور وبعید متباقي امامان نخوانند وبعد از ملاحظه نمودن حاشیهٔ شامي بحر الرائق کبیري وفتح القدیر جواب سوال فوق الذکر تحریر فرموده شود. فقط

جواب: قنوت نازله عند الاحناف جائز است مکروه نیست، ودر شامي مذکور است: که اگر امام جهرا قنوت میخواند مقتدیان آمین بگویند ازآن معلوم شد که مقتدي پیروي امام را باید بکند باقي آنکه اگر امام حنفي باشد پس حنفي موافق قواعد احناف خفیه بگوید لکن اگر امام بنا بر نا واقفیت مقتدیان جهرا بگوید ومقتدیان امین نمایند در این کراهیت نیست درحین نازله خواندن قنوت سلطان یا خلیفه شرط نیست. هذا کله في الدر المختار والشامي. [1] دستخط مع مهر.

در موقع جنگ ایتالیا خواندن قنوت نازله: **سوال:** (۱٦۷٤) فعلا که کدام جنگ در میان عیسویان ایتالیا ومسلمانان جریاني دارد در این موقع عند الاحناف بعد از رکوع رکعت آخري خواندن قنوت نازله در نمازهاي پنجگانه چه حکم دارد؟

جواب: در این مورد کلام فقهاي کرام رح مختلف میباشد: ولا یقنت لغیره إلا النازلة فیقنت الامام في الجهریة وقیل في الکل. در شامي مذکور است: : واما القنوت فی الصلٰوة کلها للنوازل فلم یقل به الا الشافعي، وفیه تحت قوله فی الکل الخ قد علمت ان هذا لم یقل به الا الشافعی وعزا فی البحر الی جمهور اهل الحدیث فکان ینبغی عزوه الیهم لئلا یوهم انه قول فی المذهب وفیه ایضا اذا وقعت نازلة قنت الامام فی الصلٰوة الجهریة لکن فی الاشباه عن الغایة قنت فی صلٰوة الفجر ویؤیده ما فی شرح [2] المنیة الخ شامی ج۱ ص ٦۲۸. پس معلوم شد که عند الاحناف تنها درنماز فجر دروقت نازله قنوت بخواند لا غیر. فقط والله اعلم کتبه عزیز الرحمن.

---

(۱) مطالعه فرمائید: ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب في القنوت للنازلة ج۱ ص٦۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱. ظفیر

(۲) ولقد صرح به الشامی حیث قال وهو صریح فی ان قنوت النازلة عندنا مختص بصلاة الفجر دون غیرها من الصلوات الجهریة والسریة الخ قنوت نازله بعد ازرکوع بخواند نه قبل از رکوع: قال فی الشامی وانه یقنت بعد الرکوع لاقبل بدلیل ان ما استدل به الشافعی علٰی قنوت الفجر وفیه التصریح بالقنوت بعد الرکوع حمله علماءنا علی القنوت للنازلة الخ (شامی باب الوتر ج۱ ص٦۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱). ظفیر

بنزد کدام اما قنوت نازله درنماز فجر است؟ **سوال**: (۱۶۷۳) در عصر موجوده خواندن دعاي قنوت در نماز فجر مذهب کدام امام است؟

جواب: در وقت وقوع حوادث خواندن دعاي قنوت را در نماز فجر احناف نیز جائز نوشته اند [۱] فقط. (لما رواه الامام ابوحنيفة عن ابن مسعود رضى الله عنه ان رسول الله ﷺ لم يقنت فى الفجر قط الاّ شهراً واحداً لم يرَ قبل ذالک ولا بعده وانما قنت شهراً يدعو على قوم من العرب ثمّ تركه (البحر الرائق. باب الوتر ج۲ ص٤٤، ظفير).

در نماز جمعه قنوت نازله درست است یا نه؟ **سوال**: (۱۶۷٤) خواندن قنوت نازله در نماز جمعه جواز دارد یانه؟

موافق بعضي روايات كه در سائر نمازهاي جهري خواندن قنوت نازله را جائز نوشته اند بنا بر این در نماز جمعه همچنان درست است. [۲]

قنوت نازله جائز است یانه واگر جائز است پس چرا؟ **سوال**: (۱۶۷۵)-در عصر حاضر که کدام دعاي نازله خوانده میشود آیا دعا در نماز فجر عند الاحناف جائز است یا نه؟ اگر جائز باشد پس جواب آیت (لَيْسَ لَكَ مِنَ الْاَمْرِ شَيْءٌ) چیست؟ وآیا در میان دعاي نازله وقنوت که آن را نبي اکرم ﷺ احیانا بخاطر بد دعائي یک قوم یا قبیله میخواند درآن کدام فرق است یانه؟

جواب: در وقت نازلی خواندن دعاي قنوت وغیره در نماز فجر باتفاق احناف جائز است در الدر المختار مذکور است: ولا يقنت لغيره إلا لنازلة [۳] الخ. وفي الشامي: وهو صريح في أن قنوت النازلة عندنا مختص بصلوة الفجر [٤] الخ وفيه عن شرح المنية فتكون شرعية أي شرعية القنوت في النوازل مستمرة وهو محمل من قنت من الصحابة بعد وفاته ﷺ وهو مذهبنا وعليه الجمهور [۵]. پس وقتیکه معلوم شد که مذهب جمهور نیز همان است وصحابه کرام رض نیز همان نازله را بعد از وفات آنحضرت ﷺ خوانده اند فلهذا اکنون گنجایش هیچ شبه نیست وضرورت براي

---

(۱) ولا يقنت لغيره الاّ لنازلة فيقنت الامام فى الجهرية وقيل فى الكل (درمختار) وهو صريح عندنا ان قنوت النازلة عندنامختص بصلاة الفجر دون غيرها من الصلٰوة الجهرية والسّرية (الدرالمختار) باب الوتر ج۱ ص٦٢٨ ، ط. س. ج۲ ص۱۱). ظفير

(۲) فيقنت الامام فى الجهرية (الدرالمختارعلى هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦٢٨ ، ط. س. ج۲ ص۱۱). ظفير

(۳) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الوتروالنوافل مطلب فى القنوت للنازلة ج۱ ص٦٢٨ ، ط. س. ج۲ ص۱۱. ظفير

(٤) ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فى القنوت للنازلة ج۱ ص٦٢٨ ، ط. س. ج۲ ص۱۱. ظفير

(۵) ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فى القنوت للنازلة ج۱ ص٦٢٨ ، ط. س. ج۲ ص۱۱. ظفير

جواب احساس نمیشود. ودر مورد شان نزول آیت کریمه (لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ) اختلاف کثیر است ودر قنوت نازله نزول آن متعین نیست کما صرح به في المعالم اگر ضرورت براي جواب باشد. و قول خود امام طحاوي در شامي چنین منقول است: قال الحافظ ابو جعفر الطحاوي إنما لا يقنت عندنا في صلوة الفجر من غير بلية فإن وقعت فتنة او بلية فلا بأس به فعله رسول الله ﷺ الخ. [1] فقط

قنوت نازله در سائر نمازهای جهری است یا تنها در نماز فجر؟ **سوال:** (۱۶۷۶) باعتبار مذهب صحیح وقول أرجح احناف خواندن قنوت نازله تنها در نماز فجر بکار است ویا در سائر نمازهاي جهري خواندن آن ضروري است اگر یک امام تنها در نماز فجر قنوت خواند ودر متباقي نمازهاي جهري نمیخواند آیا بالاي آن امام جبرا در نمازهاي متباقي جهري بخوانند یا نه؟ قنوت نازله علاوه از نماز فجر در نمازهاي دیگر منسوخ است یا نه؟ وآن حضرت ﷺ قنوت نازله را تا بکدام وقت خوانده است آیا تکمیل کار یا قبل ازآن آن را ترک مي نمودند.

جواب: عند الاحناف راجح آنست که قنوت نازله منحصر در نماز فجر است، اگر چه در سائر نمازهاي جهري از بعض کتاب ها نیز اجازه آن معلوم میشود بهر حال اگر یک امام تنها در نماز فجر قنوت نازله بخواند ودر سائر نمازهاي جهر متباقي نخواند پس بالاى امام مذکور جبرا خواندن دعاي نازله ضروري نیست که اورا مجبور نمایند که در سائر نمازهاي جهري آن را بخواند زیرا این مسئله عند الاحناف مختلف فیه است فلهذا أحوط ومعمول أکابر تنها در نماز فجر است کما في الشامي بعد نقل کلام الامام الطحاوي وهو صريح في أن قنوت النازلة عندنا مختصة بصلوة الفجر دون غيرها من الصلوات الجهرية أوالسرية [2] الخ. ودرآن مورد کدام تحدید منقول نیست که آن حضرت ﷺ ویا بعد از صحابه کرام رض که دروقت حوادث قنوت خوانده شده است تابه کدام وقت دوام داشت وچقدر وقت را در برگرفته است وظاهر آنست که شاید تا به رفع حادثه خوانده شده باشد که آن وجه مشروعیت نیز میباشد وهمچنان فقهاء کرام نیز تحدید آن رانموده اند وچنان فرموده اند: ولا يقنت لغيره إلا النازلة الخ [3]. الدر المختار،

(۱) ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب في القنوت للنازلة ج۱ ص۶۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱. ظفير

(۲) ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب في القنوت للنازلة ج۱ ص۶۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱. ظفير

(۳) ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب في القنوت للنازلة ج۱ ص۶۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱. ظفير

وظاهرا از لفظ إلا النازلة معلوم ميشود تا وقتيكه نازله موجود باشد تابه آن وقت دعاي مذكوره مشروع است وهمچنان در حديث أنس رض مذكوراست: ان النبي ﷺ قنت شهرا ثم تركه رواه أبو داود والنسائي. وبعد از يک ماه ترک فرمودند آنجناب ﷺ يا بنا برآن مقصد باشد كه مطلوب حاصل شد ودعا قبول گرديد وآثار بد رعائي شروع شده بود، ويا براي ايشان ﷺ شايد حكم شده باشد كه اكنون آن را ترک كن والآن ضرورت بتقي نماند بهر حال اكنون مشروعيت آن تا به بقاء نازله عند الفقهاء مسلم است. فقط

جواز قنوت نازله وثبوت آن: **سوال**: (۱٦۷۷) قنوت نازله كه از يک سال بدينسو خوانده ميشود بعضي مسلمانان بر آن چنين اعتراض مي نمايند كه خواندن آن جائز نيست. وحديث حضرت انس رض را موقوف ميگويند: وعن أنس رض ان النبى ﷺ قنت شهرا ثم تركه رواه أبو داود. وبا لفظ ثم ترک گذاشتن آن را فرض ميگويند وهمچنان ميگويند كه درمذهب ما بر كسي لعنت وملامت كردن يا بد دعائي كردن نيز جائز نيست، بناءا ثبوت آن را درحديث وقول امام اعظم (رح) تقاضا مي نمايد كه بعد از (ثم تركه) آن حضرت ﷺ براي ارشاد نمودن فرموده باشد؟

جواب: درالدرالمختار مذكور است: ولا يقنت لغيره الا لنازلة فيقنت إمام فى الجهرية وقيل فى الكل الخ ودر ردالمحتار معروف به شامى است: (قوله فى الجهرية) يوافقه ما فى البحر والشرنبلالية عن شرح النقايه عن الغاية وان نزل بالمسلمين نازلة قنت الامام فى صلاة الجهرية وهو قول الثورى واحمد آه وكذا ما فى شرح الشيخ اسمٰعيل عن البناية اذا وقعت نازلة قنت الامام فى صلٰوة الجهرية لكن فى الاشباه عن الغاية شرعية القنوت فى النوازل مستمرة وهو محمل قنوت من قنت من الصحابة ﷺ بعد وفاته عليه الصلٰوة والسلام وهو مذهبنا وعليه الجمهور قال الحافظ ابو جعفر الطحاوى انما لا يقنت عندنا فى صلٰوة الفجر من غير بلية فان وقعت فتنة او بلية فلا بأس به فعله رسول الله ﷺ الخ الى ان قال وهوصريح فى ان النازلة عندنا مختص بصلٰوة الفجر دون غيرها من الصلوات الجهرية والسرية [1] الخ، ازعبارت فوق الذكر واضح گرديد كه عند الاحناف بلكه عند الجمهور قنوت نازله بعد از رحلت آن حضرت ﷺ نيز مشروع است بناءا هركسي كه ازآن انكار مي ورزد درحقيقت آن كس مخالف سائر امامان أهل حق است

(۱) ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فى القنوت للنازلة ج۱ ص٦۲۸، ط. س. ج۲ ص۱۱. ظفير

وهمچنان از همه کتاب های ديني ناواقف میباشد زیرا ظاهر است که اگر قنوت نازله منسوخ شده باشد پس صحابه کرام رض آن را بعد از وفات آن حضرت ﷺ چرا معمول میگردانیدند؟ وكفى بهم قدوة، وبحديث حضرت أنس رض که روایت نموده است: أن النبی ﷺ قنت شهرا ثم ترکه، منسوخ گردانیدن قنوت نازله را صحیح نیست زیرا معنی (ثم ترکه) آنست که نبي اکرم ﷺ آن را بعد از یک ماه ترک نمودند بخاطر آنکه ضرورت باقي نماند وکدام مقصد که بود بر آورده وحاصل شد. ولعنت برکفار ازآیات واحادیث هموار ثابت است: قال الله تعالى: (لَعْنَةُ اللهِ عَلَى الْكَافِرِيْنَ) [1]. (إِنَّ الَّذِيْنَ يَكْتُمُوْنَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدٰى مِنْ بَعْدِ مَابَيَّنَّهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُوْنَ) [2] وهمچنان بنا بر کثرت از آیات واحادیث دیگر لعنت برکفار ثابت است فلهذا علاوه از جهال ومعاندين هيچ کس ازآن انکار نمیکند، الغرض براي احناف (رح) با نظرداشت اقوال أئمه خويش وتفاصيل وتشريح کتاب هاي فقه بر آن عمل نمودن بکار است، ودرآن مورد براي اقوال منکرين أئمه يعني فرقهٔ غير مقلدين گوش نهادن واستماع نمودن بکار نیست.

<u>قنوت نازله درسائر نمازها ودعا با رفع اليدين</u>: سوال: (۱۶۷۸) یک مولوي صاحب أهل حديث در سائر نمازهاي فرض پنج گانه دررکعت آخري بعد از رکوع با رفع اليدين امام دعا میخواند ومقتدیان همچنان با رفع اليدين به همان طریق براي دعا آمين میگویند آیا باهمچو طریقه گفتن جائز است یانه؟

جواب: همچنان نیز ثابت است بناء در آن هیچ حرج نیست واحناف نیز اجازه ان را فرموده اند [3] با آنهم که اکثر روایات در مورد نماز فجر وارد است. [4] فقط



(۱) سورة البقرة رکوع ۱۱. ظفير

(۲) سورة البقرة رکوع ۱۹. ظفير

(۳) ولا يقنت لغيره الا لنازلة فيقنت الامام في الجهرية (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الوتر ج۱ ص۶۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱)، ظفير الدين غفر له

(٤) وهو صريح في ان القنوت النازلة عندنا مختص بصلاة الفجر دون غيرها من الصلوات الجهرية اوالسرية (رد المحتار باب الوتر ج۱ ص۶۲۸ ، ط. س. ج۲ ص۱۱). ظفير

فصل ثالث

سنن مؤکده وغیر مؤکده

مسائل سنن مؤکده

در وقت جماعت فجر سنت را کجا اداء نماید؟ سوال: (۱٦۷۹) سنت فجر را آنقدر در فاصله دور اداء نماید که آواز امام در وقت قرائت بسماعش نرسد حالانکه مساجد اکثرا کوچک میباشد بناء اداء کننده سنت فجر تابه کدام اندازه احتیاط عدم سماع را بکند ودرآن مورد چه حکم میباشد؟

جواب: دراین مورد قید رسیدن آواز ونرسیدن آن نیست وتنها علیحده بودن مکان بکار است. (۱) فقط

درداخل صفوف نماز فجر اجازه سنت فجر نیست: سوال: (۱٦۸۰) بعد از قائم شدن جماعت فجر اداء نمودن سنت در صف اول ودوم چه حکم دارد اگرؔ جائز نباشد پس علت عدم جوازآن را تحریر فرمائید؟

جواب: علت عدم جواز آن صورة مخالفت جماعت ومخالفت حدیث شریف: إذا أقمت الصلوة فلا صلوة إلا المکتوب (۲) است، در الدر المختار مذکور است (۳) الخ ودر شامي مذکور است: فإن کان عند باب المسجد مکان صلاها فیه وإلا صلاها في الشتوي أو الصیفي إن کان للمسجد موضعان. (٤) فقط

درمیان فرائض وسنن سخنان دنیاوی وآن: سوال: (۱٦۸۱) زید درمیان فرائض وسنن عشاء

---

(۱) واذا خاف فوت رکعتی الفجر لاشتغاله بسنتها ترکها لکون الجماعة اکمل والاّ بان رجا ادراک رکعة الخ لا یترکها بل یصلیها عند باب المسجد ان وجد مکانا والاّ ترکها لان ترک المکروه مقدم علی فعل السنة (در مختار) عندباب المسجد ای خارج المسجد کما صرح القهستاني وقال في العنایة لانه لو صلاها في المسجد کان متنفلا فیه عند اشتغال الامام بالفریضة وهو مکروه فان لم یکن علی باب المسجد موضع للصلاة یصلیها في المسجد خلف ساریة من سواری المسجد واشدها کراهة ان یصلیها مخالطا للصف مخالفا للجماعة والذی یلی ذالک خلف الصف من غیر حائل اه (ردالمحتار باب ادراک الفریضة ج۱ ص٦۷۰ – ٦۷۱ ، ط. س. ج۲ ص۵۷). ظفیر

(۱) مشکوٰة المصابیح باب الجماعة وفضلها فصل اول ص ٦٦ عن ابی هریرة ﷺ . ظفیر

(۲) مشکوٰة المصابیح باب الجماعة وفضلها فصل اول ص ٦٦ عن ابی هریرة ﷺ . ظفیر

(۳) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار، باب ادراک الفریضه ج۱ ص٦۷۱ ، ط. س. ج۲ ص۵۷. ظفیر

(٤) ردالمحتار باب ادراک الفریضة ج۱ ص٦۷۱، ط. س. ج۲ ص۵۷، ظفیر

وفجر حرف دنياوي ميزند آيا سنن را اعاده نمايد يا خير؟

جواب: در اين ثواب كاهش مي يابد وضرورت براي اعاده سنن نيست وفيه اختلاف [۱].

در حصهٔ داخل مسجد در حالت جماعت دليل گنجايش سنت در حصهٔ بيروني: سوال:

(۱٦۸۲) وقتيكه در حصهٔ اندروني مسجد جماعت قائم باشد بناء در حصهٔ خارجي مسجد بكدام دليل سنت اداء نمودن درست است؟ وهرگاه قرابت شنيده ميشود پس برآيت كريمه فاستمعوا چگونه عمل خواهد شد؟

جواب: ازآثار صحابه كرام رض ثابت است كه ايشان در وقت نماز فرض فجر آواز را آنها مي شنيدند وايشان در يک كنج قرار ميگرفتند وسنت فجر را اداء مي نمودند بنا بر اين امام اعظم رح چنان حكم را دادند كه دريكطرف سنت فجر اداء شود وسپس ازآن درجماعت شريک گردد تا كه هردو فضائل برايش حاصل شود [۲]. فقط

اگر كسى نيت جهاز ركعت را شكستاند پس برآنكس چند ركعت واجب ميباشد: سوال:

(۱٦۸۳) نيت چهار ركعت سنت مؤكد ظهر ومانند آن زا اند آيا براو اكنون دو ركعت واجب است يا چهار؟

جواب: چهار ركعت [۳] فقط.

سنت ظهر بخاطر اداء فرض بردو ركعت ختم كرده شد بناءا بعد از فرض چهار ركعت اداء نمايد: سوال: (۱٦۸٤) زيد سنت ظهر را اداء مي نمود وتا هنوز دريک ركعت مصروف بود كه جماعت ايستاده شد واو دو ركعت راتكميل نموده سلام گردانيدآيا اوبعد ازفرض دو ركعت اداء كند يا چهار ركعت؟

---

(۱) ولوتكلم بين السنة والفرض لا يسقطها ولكن ينقص ثوابها وقيل يسقط (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦۳٦ ، ط. س. ج۲ ص۱۹). ظفير

(۲) وانما خالفناه في سنة الفجر لشدة تاكدها على مامر على انها لاتقضى والحديث المذكور قد اوقفه ابن عيينه وحماد بن زيد وحماد بن سلمه عن ابى هريرة ﷺ ولماروى الطحاوى وغيره عن ابن مسعود ﷺ انه دخل المسجد وقد اقيمت الصلٰوة فصلى ركعتى الفجر فى المسجد الى اسطوانة وذالک بمحضر حذيفة وابى موسٰى وقد مر تمامه فى اوقات المكروهُة فكانت سنة الفجر مستثناة بادلة اخرى عرضت حديث ابى هريرة ﷺ ورجحت عليه (غنية المستملى ص ۳۷۹ – ۳۸۰). ظفير

(۳) وسن مؤكدا اربع قبل الظهر واربع قبل الجمعة واربع بعدها بتسليمة فلو بتسليمتين لم تنب عن السنة ولذا لو نذرها لا يخرج عنه بتسليمتين (الدرالمختار باب الوتر والنوافل ص٦۳۰، ط. س. ج۲ ص۱۳) ولايصلى على النبى ﷺ فى القعدة الاولى فى الاربع قبل الظهر والجمعة الخ (درمختار) فى البحر فى باب صفة الصلاة ان ما ذكر مسلم فيما قبل الظهر لما صرحوا به من انه لا تبطل شفعة الشفيع بالانتقال الى الشفع الثانى منها ولو افسدها قضى اربعا (ردالمحتار باب ايضاً ج۱ ص٦۳۳ ، ط. س. ج۲ ص۱٦). ظفير

جواب: براي اوبعد از اداء فرض چهار رکعت سنت ظهر اداء نمودن بکار است [1] فقط.

شخصیکه دروقت نماز جماعت ظهر آمد پس سنت راچه وقت اداء کند؟ سوال: (۱٦۸۵) اگر کدام شخص براي اداء نماز ظهر وقتي آمد که جماعت قائم بود اکنون او سنت را نکرده در جماعت شرکت نمود بناءا چهار رکعت سنت را چه وقت اداء کند وچگونه نیت نماید نیت قضاء یا اداء ؟

جواب: بعد از اداء فرض چهار رکعت سنت را اداء کند قبل از دو رکعت سنت باشد یا بعد ازآن ودر نیت از سنت ظهر نام ببرد. [2] فقط

اگر سنت فجر ترک شود چه وقت باید اداء گردد؟ سوال: (۱٦۸٦) اگر سنت فجر بخاطر شمولیت فرض ترک شود پس آن را چه وقت اداء کند؟

جواب: در الدر المختار مذکور است: ولا يقضيها إلا بطريق التبعية [3] الخ. یعني سنت فجر قضائي ندارد لکن وقتیکه با فرض باشد پس در آن صورت قبل الزوال قضاء آن را بیاورد واگر سنت تنها فوت شد دراین صورت قضائي ندارد امام أبوحنيفة (رح) وامام ابويوسف (رح) ایشان درهیچ وقت قائلین بر قضاء آن نیستند نه قبل از طلوع افتاب ونه بعد ازطلوع افتاب وامام محمد (رح) میفرمایند که بعد از طلوع آفتاب وقبل الزوال اداء نمودن آن بهتر است. [4] فقط

اگر سنت قبلي جمعه ترک شود: سوال: (۱٦۸۷) سنتیکه قبل از نماز جمعه اداء میشود اگر ترک گردد سپس آن را اداء کند یا نه؟

جواب: سنتیکه قبل ازنماز جمعه اداء میشود اگر در وقتش ادا نشود بعد ازنماز جمعه آن را اداء کند، کما قال في الدر المختار بخلاف سنة الظهر وكذا الجمعة الخ ثم يأتي بها على أنه سنة في

---

(۱) بخلاف سنة الظهر وكذا الجمعة فانه ان خاف فوت ركعة يتركها ويقتدى ثم يأتى بها على انها سنة فى وقته اى الظهر قبل شفعه عند محمد وبه يفتى (درمختار) الول وعليه المتون لكن رجح فى الفتح تقديم الركعتين قال فى الامداد وفى فتاوى العتابى انه المختار وفى مبسوط شيخ الاسلام انه الاصح لحديث عائشه ﷺ انه عليه الصلوة والسلام كان اذا فاتته الاربع قبل الظهر يصلين بعد الركعتين وهو قول ابى حنيفة وكذا فى جامع قاضى خان اهـ والحديث قال الترمذى حسن غريب اهـ فتح (ردالمحتار باب ادرک الفريضة ج۱ ص۶۷۳ ، ط. س. ج۲ ص۵۸). ظفير الدين

(۲) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب السنن والنوافل ج۱ ص۶۷۲ ، ط. س. ج۲ ص۵۶. ظفير

(۳) واذا فاتته ركعتا الفجر لا يقضيها قبل طلوع الشمس لانه يبقى نفلا مطلقا وهو مكروه بعد الصبح ولو بعد ارتفاعها عندابى حنيفة وابى يوسف وقال محمد احبّ اليّ ان يقضيها الى وقت الزوال (هداية باب ادراک الفريضة ج۱ ص۱۳۶). ظفير

(۴) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب ادراک الفريضة ج۱ ص۹۷۲ ، ط. س. ج۲ ص۵۸. ظفير

وقته الخ. [1] والله اعلم.

سنت فجر را درکدام وقت اداء نمودن بکار است: **سوال:** (۱۶۸۸) سنت فجر را تا به کدام وقت اداء کردن بکار است وحکم قضاء آن چیست؟

جواب: اگر جماعت نماز فجر قائم باشد پس اگر امید شریک شدن یک رکعت را داشته باشد دراین صورت دریک گوشه سنت فجر را اداء کند وسپس درجماعت شرک ورزد [2] واگر سنت فجرا اداء نکرده بود سپس آن را قبل از طلوع آفتاب اداء نکند واگر اداء می نمود آن را بعد از طلوع آفتاب اداء نماید [3]. فقط

نوافل بعد از نمازهای ظهر مغرب وعشاء: **سوال:** (۱۶۸۹) بعد از نمازهاي ظهر مغرب وعشاء نفل کردن ازسنت ثابت است یانه؟

جواب: از سنت ثابت است [4]. فقط

سنت فجر را بعد از فرض وقبل از طلوع آفتاب اداء نمودن جائز است یا نه؟ **سوال:** (۱۶۹۰) سنت فجر را قبل از طلوع آفتاب وبعد از جماعت اداء کردن چگونه است؟ اگر ناجائز باشد پس سنت قبلي ظهر نیز اداء نمودن بکار نیست؟

جواب: بعد از نماز فجر وقبل از طلوع افتاب سنت اداء نمودن جائز نیست. زیرا ازان درحدیث شریف ممانعت آمده است دربخاري ومسلم در روایت ابي سعید الخدري آمده است قال رسول الله ﷺ: لا صلوة بعد الصبح حتی ترتفع الشمس ولا صلوة بعد العصرحتی تغیب الشمس [5] بناءا

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب ادراک الفریضة ج۱ ص۶۷۲ ، ط. س. ج۲ ص۵۸. ظفیر

(۲) واذاخاف فوت رکعتی الفجر لاشتغاله بسنتها ترکها لکون الجماعة اکمل والاّ بان رجا ادراک رکعة لا یدرکها بل یصلیها عند باب المسجد ان وجد مکانا (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب ادراک الفریضة ج۱ ص ۶۷۰ - ۶۷۱ ، ط. س. ج۲ ص۵۶). ظفیر

(۳) ولا یقضیها الا بطریق التبعیة لقضاء فرضها قبل الزوال لابعده فی الاصح (درمختار) واما اذا فاتت وحدها فلا تقضی قبل طلوع الشمس بالاجماع لکراهة النفل بعد الصبح واما بعد طلوع الشمس فکذالک عندهما وقال محمد احب الیّ ان یقضیها الی الزوال (ردالمحتار باب ادراک الفریضة ج۱ ص۶۷۲ ، ط. س. ج۲ ص۵۷). ظفیر

(٤) عن ام حبیبة قالت قال رسول الله ﷺ من صلی فی یوم ولیلة ثنتی عشرة رکعة بنی له بیتا فی الجنة اربعًا قبل الظهر ورکعتین بعد المغرب ورکعتین بعد العشاء ورکعتین قبل صلٰوة الفجر رواه الترمذی (مشکوٰة باب السنن وفضائلها ج۱ ص۱۰۳) ویستحب اربع قبل العصر وقبل العشاء وبعدها بتسلیمة وان شاء رکعتین وکذا بعد الظهر لحدیث الترمذی من حفظ اربع رکعات قبل الظهر واربع بعدها حرمه الله علی النار وست بعد المغرب لیکتب من الاوّابین بتسلیمة اولثنین (الدرالمختارعلی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی السنن ج۱ ص۶۳۰ ، ط. س. ج۲ ص۱۳). ظفیر

(۵) مشکوٰة المصابیح باب اوقات النهی ص ۹٤ . ظفیر

از این حدیث ممانعت اداء نمودن سنن ونوافل بعد از صبح وبعد العصر معلوم شد وبعد ازظهر درآن مورد ممانعت نیامده است لهذا اگر چهار رکعت سنت اولین ظهر ترک شود آن رابعد ازفرض اداء نماید. وفقهاء احناف مینویسند: ولا يقضيها إلا بطريق التبعية لقضاء فرضها قبل الزوال لا بعده بخلاف سنة الظهر. ودر درالمختار وشامي مذکور است: وأما إذا فاتت وحدها فلا تقضي في طلوع الشمس بالإجماع لكراهية النفل بعد الصبح وأما بعد طلوع الشمس فكذلك عندهما وقال محمد (رح) أحب إلي أن يقضيها إلى الزوال [1] الخ فقط.

به امید دریافت نمودن یک کعت در وقت جماعت فجر اداء نمودن سنت درست است یا نه؟ **سوال:** (۱٦۹۱) درشرح وقاية نوشته شده است: اگر امید دریافت نمودن یک رکعت نماز جماعت فرض با امام باشد سنت راترکی نکند آیا این صحیح است یا نه؟ بعضي میگویند وقتیکه امام قرائت را شروع نمود اداء نمودن سنت دراین اثنا حرام است تا جائیکه آواز امام میرسد آیا این صحیح است یانه؟

جواب: این صحیح است که اگر یک رکعت فرض فجر رابلکه عند المحققین اگر تشهد را نیز دریافت میتوانست سنت را دریک گوشه اداء نماید وبعد ازآن درجماعت شامل شود كذا في الدر المختار والشامي [2]. وآن عده مردمي میگویند که بعد از شروع شدن جماعت نماز فجر مطلقا سنت اداء نمودن حرام است آنان احناف نیستند وایشان درمورد مذهب حنفي خبر ومعلومات ندارند ومذهب احناف همان است که سنت را اداء کند ودر جماعت شرکت نماید لكن حتى المقدور سنت را از مقر قیام جماعتا در فاصله اداء کند والتفصيل في كتب الفقه.

در نیت سنت سنت رسول گفتن چگونه است؟ **سوال:** (۱٦۹۲) در نیت سنت گفتن سنت رسول الله چگونه است؟

جواب: وكفى مطلق نيت الصلاة وإن يقل لله لنفل وسنة راتبة الخ الدر المختار. یعني درسنن ونوافل مطلق نیت نماز نیز کافي است وتعین نمون آنکه سنت فجر یا سنت ظهر است این احوط است واگر در نیت سنت رسول الله ﷺ تذکر نماید باز هم درآن کدام حرج نیست والله اعلم

---

(۱) ردالمحتار باب ادراک الفريضة ج۱ ص٦٧٢ ظفير

(۲) واذا خاف فوت ركعتي الفجر لاشتغاله بسنتها تركها لكون الجماعة اكمل والاّ بان رجا ادراک ركعة فى ظاهر الرواية وقيل التشهد واعتمده المصنف والشرنبلالى تبعا للبحر لكن ضعفه فى النهر، لايتركها بل يصليها عند باب المسجد ان وجد مكانا والاّ تركها (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب ادراک الفريضة ج۱ ص٦٧٠ وص٦٧٢ ، ط. س. ج۲ ص٥٦) وتنها بتوقع تشهد رکعت را ترک نکند. ظفير

بالصواب [۱]. فقط

ترک نمودن سنت مؤکد درست نیست: سوال: (۱۶۹۳) در مورد سنن مؤکد بعضي علماء میگویند که اگر فرصت برایش باشد آن را اداء کند ور نه آن را ترک کند درآن کدام حرج نیست آیا این صحیح است یا نه؟

جواب: ترک نمودن سنت مؤکد بکار نیست حتی المقدور اداء نمودن آن بکار است [۲] البته اگر مضیقه وقت باشد که تنها بمقدار اداء نمودن فرض وقت باقي باشد در این صورت سنت راترک نماید. فقط

اداء نمودن سنت در خانه: سوال: (۱۶۹٤) (۱) اداء نمودن سنت در خانه فضیلت دارد این حکم در مورد سنت قبلیه وبعدیه است یا چطور؟

سنت بعد از مغرب: سوال: (۱۶۹۵) (۲) بعد از غرب که کدام ترغیب شش رکعت داده شده است اگر دورکعت آنها را اداء کند ممکن است یا نه؟

بعد از فرائض فورا سنت اداء کردن بکار است ویا تاخیر نیز کرده میتواند؟ سوال: (۱۶۹٦) (۳) بعد از فرائض که کدام نوافل است آنها را بعد از فرض فورا اداء کند ویا تا وقتیکه وقت باقي باشد آن را اداء نموده میتواند؟

جواب: (۱) این حکم براي هر دو سنن است لکن اگر بعد از فرض در حالت رفتن بطرف خانه یا بعد از رفتن بخانه احتمال واقع شدن کدام حرج باشد وهمچنان احتمال مبتلا شدن درامور دنیاوي باشد درآن صورت سنت را در مسجد اداء کند زیرا همچنان نیز ثابت است. [۳]

جواب: (۲) در مواد آن شش رکعت که کدام فضیلت آمده است علاوه از دو رکعت سنت مؤکد مغرب نیز داخل است واگر بعد از سنت مغرب تنها دورکعت نفل اداء کند درآن نیز ثواب است [٤]. فقط

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة ج۱ ص۳۸۸ ، ط. س. ج۲ ص۵۱۷. ظفیر

(۲) ولهٰذا کانت السنة المؤکدة قریبة من الواجب فی لحوق الاسم کما فی البحر ویستوجب تارکها التضلیل واللوم کمافی التحریر ای علی سبیل الاصرار بلاعذر (ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب فی السنن والنوافل ج۱ ص۶۳۰ ، ط. س. ج۲ ص۱۲). ظفیر

(۳) والافضل فی النفل غیر التراویح المنزل الاّ لخوف شغل منها والاصح افضلیة ماکان اخشع واخلص (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۳۸ ، ط. س. ج۲ ص۲۲). ظفیر

(٤) ویستحب الخ وست بعد المغرب لیکتب من الاوّابین بتسلیمة اوثلاث والاول ادوم واشق وهل تحسب المؤکدة من المستحب ویؤدي الکل بتسلیمة واحدة اختار الکمال نعم (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۳۱ ، ط. س. ج۲ ص۱۳). ظفیر

جواب: (۳) تا وقتیکه گنجایش وقت نماز باشد تا به آن وقت براي نوافل مذکوره نیز وقت میباشد [۱] فقط (اما متصلا اداء نمودن آن اولی است. ظفیر)

حیثیت چهار رکعت سنت ظهر بعد از اداء نمودن فرض: سوال: (۱۶۹۷) نماز فرض ظهر را اداء نمود اکنون چهار رکعت سنت قبلیه نفل گردید یا بر حال خود سنت مؤکد باقي است؟

جواب: تا وقتیکه وقت باقي است تا به آن وقت چهار رکعت سنت قبلیه را اداء کردن سنت مؤکد است اگر قبل از فرض چهار رکعت سنت را اداء نکرد درآن اثنا بعد از فرض اداء نمودن آن بکار است [۲]. فقط

اگر بفراموشي در نیت سنت نام فرض را تذکر نماید چه حکم دارد؟ سوال: (۱۶۹۸) اگر دروقت ظهر یا فجر در نیت سنت مؤکدة بفراموشي نیت فرض را کرد این سنت را چگونه ادا کند آیا نیت را بشکناند ودوباره نیت سنت را بکند ویا قلبا نیت نماید وفرض را بعد ازآن اداء کند یا چه باید کرد؟

جواب: نیت را بشکناند واز سر نو نیت سنت رابکند وثانیا تکبیر را به نیت بگوید. [۳]

سنت را در خانه اداء کردن بهتر اُست: سوال: (۱۶۹۹) من سنت فجر را در خانه اداء مینمایم ومطابق روایت درالمختار وغیرها آن را ترجیح میدهم واز جواب مولانا اشرف علي معلوم میشود که سائر سنن مؤکده را در مسجد اداء کردن افضل است تا که تشبه با أهل بدعت نیاید چونکه در این مناطق تارکین سنن نیست، آیا در اینجا همچنان تشبه با أهل بدعت میشود یا نه؟

جواب: در احادیثی که در مورد اداء نموْدن سنن ونوافل در خانه که کدام فضیلت آمده است مشهور ومعروف است وفقهاء کرام نیز علاوة از تراویح متباقي سنن ونوافل را در خانه اداء نمودن

---

(۱) لکن بهتر آنست که آن را متصل اداء کند زیرا فقهاء مي نویسند: ویکره تاخیر السنة الا بقدر اللهم انت السلام الخ قال الحلبي لاباس بالفصل بالاوراد واختاره الکمال قال الحلبي ان ارید بالکراهة التنزیهیة ارتفع الخلاف ولی حفظي حمله علی القلیلة (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلٰوة ج۱ ص۴۹٤ ، ط. س. ج۲ ص۵۳۰). ظفیر

(۲) بخلاف سنة الظهر وکذا الجمعة ان خاف فوت رکعة یترکها ویقتدی ثم یاتی بها علی انها سنة فی وقته ای الظهر (درمختار) علی انها سنة ای اتفاقا وما فی الخانیة وغیرها من انها نفل عنده سنة عندهما فهو من تصرف المصنفین لان المذکور فی المسئلة الاختلاف فی تقدیمها اوتاخرها والاتفاق علی قضائها وهو اتفاق علی وقوعها سنة کما حققه فی الفتح وتبعه فی البحر والنهر وشرح المنیة (ردالمحتار، باب ادراک الفریضة ج۱ ص ٦۷۲ – ٦۷۳ ، ط. س. ج۲ ص۵۸). ظفیر

(۳) رجل افتتح المکتوبة فظن انها تطوع فصلی علی نیة التطوع حتی فرغ فالصلٰوة هی المکتوبة ولوکان الامر بالعکس فالجواب بالعکس الخ والنیة بدون التکبیر لیس بمخرج (عالمگیری کشوری الفصل الرابع فی النیة ج۱ ص ٦٤ – ٦۵ ، ط. ماجدیه ج۱ ص٦٦). ظفیر

بهتر فرموده اند [1] وبزرگان واکابر احناف مانند حضرت محدث وفقیه گنگوهي رح تعامل ایشان همچنان مشاهده شده أست ودرما حول واطراف شما وقتیکه چنان فرقه اهل بدعت وجود ندارد که آنها تارکین سنت باشند پس در فضیلت آن هیچ اشکالي باقی نمیماند. فقط

تسبیحات بعد از فرض وقبل از سنت مؤکده: **سوال:** (۱۷۰۰) یک نفر بعد از نماز فرض وقبل از سنت مؤکده تسبیحات وآیتِ الکرسي را میگوید وسپس ازآن سنت مؤکده را اداء مي نماید ومن شنیده ام که انحضرت ﷺ بعد از نمازهاي فرض دعا سلام را میخواندند وفورا سنت مؤکدش را اداء میفرمودند زیرا ملاتکه فرض وسنت هر دو را بدرگاه إلٰهي میبرند وآن را پیش مي نمایند؟

جواب: خواندن آیت الکرسي وتسبیحات قبل از اداء نمودن سنن نیز جائز است ومعمول به اکابر وبزرگان میباشد واز احادیث هر دو امور ثابت است. [2] فقط

بعد از نماز فرض ظهر معمول چهار رکعت چگونه است؟ **سوال:** (۱۷۰۱) یک نفر قبل از نماز فرض ظهـر چها رکعت سنت ظهر را اداء میکند وبعد ازآن فرض را اداء مي نماید وبعد از اداء جماعت فرض ظهر دورکعت سنت را اداء نمیکند بلکه بجاي دورکعت چهار رکعت سنت را پیهم یکجا اداء مي نماید وعلی الدوام همچو تعامل دارد آیا درآن کدام حرج است یا نه؟

جواب: قال ابن الهمام وصرح جماعة من المشائخ انه یستحب اربع بعد الظهر لحدیث رووه وهو انه ﷺ قال من صلی اربعًا قبل الظهر واربعًا بعده حرمه الله علی النار. رواه ابوداؤد والترمذی والنسایی، ثم اختلف اهل هذا العصر فی انها یعتبر غیر رکعتی الراتبة اوبهما وعلی التقدیر الثانی قیل تؤدی بهما بتسلیمة واحدة اولا فقال جماعة لا لانه ان نوی عند التحریمة السنة لم یصدق فی الشفع الثانی او المستحب لم یصدق فی السنة ووقع عندی انه اذا صلی اربعًا بعد الظهر بتسلیمة اوثنتین لم یصدق فی السنة ووقع عندی انه اذا صلی اربعًا بعد الظهر بتسلیمة او ثنتین وقع عن

---

(۱) والافضل فی النفل غیر التراویح المنزل الاّ لخوف شغل منها والاصح الفضلیة ماکان اخشع واخلص (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۳۸ ، ط. س. ج۲ ص۲۲). ظفیر

(۲) وعن المغیرة بن شعبة ان النبی ﷺ کان یقول فی دبر کل صلوٰة مکتوبة لا اله الا الله وحده لا شریک له الخ متفق علیه (مشکوٰة باب الذکر بعد الصلوٰة ص۸۸) وعن علی قال سمعت رسول الله ﷺ علی اعواد هذا المنبر یقول من قرء آیة الکرسی فی دبر کل صلوٰة لم یمنعه من دخول الجنه الا الموت الخ قال اسناده ضعیف (ایضًا ص۸۹) قال الحلوانی لاباس بالفصل بالاوراد واختاره الکمال (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوٰة ج۱ ص۴۹۴ ، ط. س. ج۱ ص۵۳۰). ظفیر

السنة والمندوب سواء احسبه الراتبة او لا. فتح القدير ص۳۸۶ مصرى. پس واضح گرديد كه اگر كسي بر استحباب عمل مي نمايد وبعد از فرض ظهر تنها چهار ركعت را اداء ميكند ودو ركعت سنت را عليحده نميكند فلهذا بنا بر تحقيق ابن همام رح در اين هيچ حرج نيست درآن چهار ركعت دو ركعت خود بخود سنت محسوب خواهد شد خواه نيت آن را كرده باشد يا نه البته مختار آنست كه چهار ركعت را بعد از فرض ظهر به دو سلام اداء كند بخاطر آنكه در آن مورد كسي را اختلاف باقي نماند وبر آن حديث نيز عمل شود كه در آن آمده است: عن عائشة (رض) كان النبي ﷺ يصلي قبل الظهر أربعا وبعدها ركعتين، [1] الحديث. رواه مسلم وأبوداود، از روايت فوق چنان معلوم ميشود كه عادت مستمره نبي اكرم ﷺ قسما بود كه دو ركعت سنت را بعد از نماز فرض ظهر اداء مي نمودند وبراي آنكه در آن كمال اتباع سرور كائنات حضرت محمد ﷺ است كه دو ركعت سنت را عليحده بعد از فرض با اهتمام اداء نكند وبر چهار ركعت تداوم نمودن ودو ركعت سنت را عليحده نكردن مانع عمل بر حديث حضرت عائشة رض است ودر اينده رعايت ان را درنظر داشتن بكار است. فقط

بعد از فرض تا به كدام حد تاخير درسنت درست است: سوال: (۱۷۰۲) بعد ازتأخير نمودن در سنت تا به كدام مقدار مستحب است وازكدام حد اضافه تر مكروه است بناء درآن مورد قول مفتى به احناف (رح) را با دلائل ذكر فرمائيد؟

جواب: در درالمختار مذكور است: ويكره تأخير السنة الا بقدر اللهم أنت السلام [2] الخ، لكن مطلبش اينست كه اين أمر تقريبي است بناءا اگر ازآن دعاي بيشتر وغيره شود نيز درآن حرج نيست وصحيح آنست كه در آن فصل بالاوراد كدام قباحت ندارد كما هو معمول مشايخنا قال الحلواني: لا بأس بالفصل بالاوراد واختاره الكمال [3]. فقط

بعد از فرائض سنت را درخانه اداء كند يا در مسجد؟ سوال: (۱۷۰۳) بعد از فرائض سنن را هركسي درخانه خويش اداء كند يا درمسجد؟

جواب: فى الشامي: لاتفاق كلمة المشايخ على ان الافضل فى السنن حتى سنة المغرب المنزل

---

(۱) مطالعه كنيد: مشكوٰة باب السنن ص۱۰٤. ظفير

(۲) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوٰة ج۱ ص٤٩٤ ، ط. س. ج۱ ص۵۳۰. ظفير

(۳) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوٰة ج۱ ص٤٩٤ ، ط. س. ج۱ ص۵۳۰. ظفير

ای فلا یکره الفصل بمسافة الطریق، شامی اوپه بل خای کی مذکور دی: والافضل فی النفل غیر التراویح المنزل الا لخوف شغل عنها والاصح افضلیة ماکان اخشع واخلص [1]، از آن عبارت آخري واضح گردید که کدام أخشع واخلص باشد همان بهتر است اگر در اداء نمودن آن در مسجد خشوع زیاد باشد واخلاص بیشتر باشد ودرصورت رفتن به خانه درآن خوف تأخیر وغیره احساس شود درآن وقت در مسجد اداء نمودن سنن بهتر است. فقط

بعد از سنن ونوافل دعا انفرادا است واجتماعا ثابت نیست: **سوال**: (۱۷۰٤) بعد از سنن ونوافل نیز دعا خواستن بکار است یا نه؟ ویا بمجرد سلام گردانیدن رفتن بکار است اگر یک عالم بعد از سنن ونوافل دعا نخواست وبلا دعا رفت قابل نیکوهش است یا نه؟ وهرکسي که خودش دعا نمیکند ودعا کنندگان را تقبیح میکند وآنها را بد ورد میگوید واز دعا ایشان را منع مي نماید آیا او تمایل ملامتي است یانه؟

جواب: بعد ازدعا نمودن فرائض متفرق وپراگنده شدن بکار است وبعد از اداء نمودن سنن ونوافل برای مقتدیان پایندي واهتمام دعای اجتماعي کردن بکار نیست وبعد از فرائض اگر کسي بطور مثال خانه میرود ودر آنجا سنت را اداء میکند او چرا پایبند کرده شود الغرض هر کسي که همچو تعامل دارد لائق نیکوهش وملامتي نیست واین طریقه که هر کسي که بعد ازاداء نمودن سنن ونوافل فارغ شود او دعا بخواهد وبرود ویا بعد از فرائض فورا بخانه برود ودر آنجا سنت را اداء کند ودرآن هیچ نوع مضایقه نمودن بکار نیست. فقط

قرائت در سنن ذي الشفعین: **سوال**: (۱۷۰۵) در سنن مؤکده ذي شفعین درهر شفعه آن قرائت واجب است یا فقط در شفعه أولین؟

جواب: در هر چهار رکعت قرائت واجب است [2]. فقط

اگر امام از محراب علیحده شود وسنت را اداء می نماید وجه آن چیست؟ سوال: (۱۷۰٦) امام اگر از مصلی جماعت علیحده شود سنت ونفل را اداء مي نماید بناء اصل علت آن چیست؟ واگر بر آن جاي نماز سنت ونفل را اداء کند چگونه خواهد بود؟

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۳۸ ، ط. س. ج۲ ص۲۲. ظفیر

(۲) والفرض القراءة عملا فی رکعتی الفرض الخ وکل النفل للمنفرد ولان کل شفع صلاة الخ وکل الوتر احتیاطا (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر وللنوافل ج۱ ص٦٤٤ ، ط. س. ج۲ ص۲۸). ظفیر

جواب: اکنون اصل علت رفع اشتباه است واین بهتر است که در صورت اشتباه در مکان علیحده سنتْ ونفل را اداء کند [1] لکن اگر بر نفس مصلی نماز نفل سنت را اداء کند نیز درست است. لان بالسلام یحصل الفصل وکدام علت اصلي که درحدیث مذکور است که خلط فرائض بالنوافل واحتمال گمان زیادت فریضه است، الآن باقي نیست.

اگر سنت قبلیهٔ جمعه را اداء کرده نتوانست چه باید کرد؟ سوال: (۱۷۰۷) اگر چهار رکعت سنت قبلیهٔ جمعه ترک شود آیا بعد ازفرض جمعه آن را اداء کند یا نه؟

جواب: بعد از اداء نماز جمعه آن سنت قبلیه را اداء کند [2].

در میان سنت وفرض سخن دنیاوی گفتن موجب کاهش ثواب میشود: سوال: (۱۷۰۸) هل الكلام الدنيوي بين السنة التي قبل الظهر والتي قبل الفجر وبين فرضيهما مفسد للسنة ام موجب لانحطاط ثواب السنة؟ وأيضا الاكل والشرب؟

جواب: موجب لنقص الثواب لامفسد لها قال في الدر المختار ولو تكلم بين السنة والفرض لا يسقطها ولكن ينقص ثوابها [3]. فقط

وقتیکه سنت فجر ترک شود آن را چه وقت اداء کند؟ سوال: (۱۷۰۹) کسي که سنت فجر را اداء نکرد ودر فرض شرکت ورزید اکنون سنت را چه وقت ادا کند؟

جواب: اکنون اعادهٔ سنت را بعد از فرض نکند بلکه بعد از طلوع آفتاب آن را اداء کند واین نفل خواهد شد [4]. فقط

---

(۱) ويكره للامام التنفل في مكانه لا للمؤتم وقيل يستحب كسر الصفوف وفي الخانية يستحب للامام التحول ليمين القبلة يعني يسار المصلى لتنفل او ورد وخيّره في المنية بين تحويله يمينا وشمالا واماماً وخلفا وذهابه لبيته الخ (درمختار) قوله ويكره الخ بل يتحول الخ وكذا يكره مكثه قاعدا في مكانه مستقبل القبلة في صلاة لا تطوع بعدها والكراهة تنزيهية كمادلت عليه عبارة الخانية الخ وقال لان المقصود من الانحراف وهو زوا ل الاشتباه اى اشتباه انه في الصلٰوة (ردالمحتارقبيل فصل في القراءة ج۱ ص ٤٩٥ وص٤٩٦ ، ط. س. ج۱ ص٥٣١). ظفير

(۲) ولا يقضيها الا بطريق التبعية لقضاء فرضها قبل الزوال لا بعده بخلاف سنة الظهر وكذا الجمعة فانه ان خاف فوت ركعة يتركها ويقتدى ثم ياتي بها على انها سنة في وقته قبل شفعه عندمحمد وبه يفتى (الدرالمختار على هامش ردالمحتار ج۱ ص٦٧٢ باب ادارك الفريضة ، ط. س. ج۲ ص٥٧). ظفير

(۳) الدرالمختار باب الوتر والنوافل ج۱ ص ٦٩٥ ، ط. س. ج۲ ص١٩. ظفير

(٤) واذا خاف فوت ركعتى الفجر لاشتغاله بسنتها تركها والاّ لا، ولا يقضيها الاّ بطريق التبعية بقضاء فرضها قبل الزوال لا بعده (درمختار) اما اذا فاتت احدها فلا تقضى قبل طلوع الشمس بالاجماع لكراهة النفل بعد الصبح امابعد طلوع الشمس فكذلك عندهما وقال محمد احب اليّ ان يقضيها الى الزول الخ وقالا يقضي وان قضا فلا باس الخ وقال الخلاف في انه لوقضيٰ كان نفلا مبتدأ اوسنّة كذا في العناية يعنى نفلا عندهما سنة عنده كما ذكره في الكافي اسمٰعيل (ردالمحتار باب ادراک الفريضة ج۱ ص٦٧٠ وص٦٧٢ ، ط. س. ج۲ =

تداوم بر سورة کافرون وسورة إخلاص در سنت فجر ومغرب وحکم آن: سوال: (۱۷۱۰) آیا جناب نبي اکرم ﷺ دراولین رکعت فجر ومغرب (قل یا أیها الکافرون) ودر رکعت دومین ایشان (قل هو الله أحد) را علی الدوام تلاوت مي نمودند واگر کسي بر آن تداوم نماید آیا نمازش مکروه خواهد شد یاله؟

جواب: تداوم همچنان نشده است زیرا در حدیث چنین آمده است که احیانا نبي اکرم ﷺ در سنن سورهٔ کافرون و (قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ) را قرائت مي نمودند واحیانا (قُولُوْا آمَنَّا بِاللّٰهِ) الآیة و (قُلْ یَا اَهْلَ الْکِتَابِ تَعَالَوْا) الایة را قرائت فرموده اند کما ورد في الحصن الحصین، واگر کسي آن دو سورت ها را در سنت فجر مستحب پنداشته تلاوت مي نماید درآن کراهیت نیست لکن بهتر آنست که احیانا یک سورة دیگر یا (قُولُوْا آمَنَّا بِاللّٰهِ) الایة وغیره را قرائت کند.[1] فقط

اگر سنت فجر بعد از فرض اداء شود آیا درآن حرج است؟ سوال: (۱۷۱۱) اگر سنت فجر را اداء نمود بخاطر آنکه جماعت ترک نگردد بناءا قبل از طلوع آفتاب اداء نمودن آن سنت چگونه است؟ حالانکه بعضي مردم اداء نمودن آن را بعد از طلوع آفتاب بهتر میگویند؟

جواب: بعد از اداء نمودن فرض وقبل از طلوع آفتاب اداء کردن سنت مکروه است اگر میخواهد قضاء آن را بیاورد بعد از طلوع آفتاب آن را اداء کند ور نه نیازي براي آن نیز احساس نمیشود زیرا بطور استقلال قضاء سنت نیامده است البته اگر فرض همچنان باهم قضاء شده بود در آن صورت قبل الزوال قضاء سنت را نیز بجا آورد شامي در تحت قول در المختار: ولا یقضیها إلا بطریق التبعیة، مي نویسد: اي لا یقضي سنة الفجر إلا إذا فاتت مع الفجر فیقضیها تبعاً لقضائه لو قبل الزوال واما اذا فاتت احدهما فلا تقضي قبل طلوع الشمس بالاجماع الکراهة النفل بعد الصبح واما بعد طلوع الشمس فکذلک عندهما وقال محمد (رح) احب إليّ ان یقضیها الی الزوال کما في الدر المختار الخ.[2] فقط

= ص٥٦). ظفیر الدین غفر له

(۱) وکره عندنا وعند مالک تعیین سورة ای غیر الفاتحة لصلاة من الصلوات الخ وقید الطحاوی والاسبیجابی الکراهة فیما اعتقد ان الصلٰوة لاتجوز بغیرها واما اذا لم یعتقد ذالک ولازمها بسهولتها علیه او تبرکا بقراءة النبی ﷺ ایاها کقراءة سبح اسم وقل یاایها الکافرون والاخلاص فی الوتر وقراءة الکافرون والاخلاص فی سنة الفجر والمغرب الخ فلایکره بل یکون حسنا فترکه مطلقا غیر مستحسن الخ (شرح نقایه فصل فی القراءة ج۱ ص۸۳). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب ادراک الفریضة ج۱ ص٦٧٢ ، ط. س. ج۲ ص٥٧. ظفیر

نفل را قیاما اداء نمودن أفضل است یا به نشستن؟ **سوال:** (۱۷۱۲) (۱) نوافل که بعد از نمازهاي پنجگانه اداء میشود آیا آنها را بالالتزام در حالت قعود اداء نمودن بکار است یا در حالت قیام اداء کردن افضل است؟

آیا بعد ازرسیدن بمسجد نخست بنشیند سپس سنت را اداء کند؟ **سوال:** (۱۷۱۳) (۲) دراینجا علی العموم مردم معتقد اند وقتیکه براي نماز بمسجد بروند بعد از تکمیل وضوء ساعت اندک بنشیند سپس ازآن قیام نماید ونیت نماز را بکند واین طریقه وتعامل را مانند فرض وواجب مي پندارند بناءا آیا این طرز العمل از احادیث ثابت است یا خیر؟

جواب: (۱) اگر بنا بر معذرت نفل را نشسته اداء مي نماید جائز است وبا شخصیکه ایستاده نفل را اداء مي نماید درفضیلت یکسان میباشد: کما في جامع الرموز نقلا عن النهایة إن أجر صلوة القاعد بعذر یساوي صلوة القائم بالاجماع [۱] الخ اگر چه قول بعضي آنست که در صورت ذکر شده تنها در ازالۂ مآثم صاحب عذر وسالم یکسان اند لکن قول اول زیادتر مشهور است واگر بغیر از عذر نوافل را استثناء از شفعه بعد الوتر نشسته اداء می نماید در آن صورت مع الجواز درثواب حتما مناصفه میباشد: قال في الهدایة: ویصلي النافله قاعداً مع القدرة علی القیام لقوله ﷺ صلوة القاعد علی نصف من صلوة القائم [۲]. واین جواز درچنان صورت است که درآن التزام اداء نمودن بقعود نباشد تا که درنظر ناظرین گمان سُنیت یا وجوب اداءکردن نماز بشستن خطور نکند چنانچه در بعضي مناطق بعد از نماز ظهر ومغرب درمیان مردم دو کعت نماز اداء کردن بجلوس مروج شده است وعوام آن منطقه این نشستن را شرعا لازم مي پندارند بناء در همچو مکانها نشستن مذکور بلا شک مکروه است: کما في الخیریة: جلد۲ صفحه۳۲۳: کل مباح یؤدي الی زعم الجهال سنیة امرٍ ووجوبه فهو مکروه آه نقلاً عن القنیة، فلهذا در این مورد اصرار نمودن زید درآن قاعده داخل میباشد وکوشش نمودن بکار است که عادت فوق ترک شود، واما نفل بعد الوتر ازآن قاعده مستثنا است زیرا که اداء کردن آن بنشستن بحدیث ثابت است. فقط

جواب: (۲) مسنون همان است که بمسجد رفتن وبغیر ازنشستن دورکعت تحیة المسجد را اداء

---

(۱) جامع الرموز. ظفیر

(۲) هدایه باب النوافل ج۱ ص۱۳۳ . ظفیر

کند واگر نخست نشست شاید که این ترک اولی باشد وفقهاءکرام (رح) حدیث صحیحین را بر ترک اولی حمل نموده اند. بعد از نشستن اداء نمودن آن را ضروري پنداشتن بر دو وجه خلاف مشروع است یکي آنکه خلاف حدیث صحیحین است: إذا دخل احدکم المسجد فلا یجلس حتّٰی یصلّي رکعتین ودوم آنکه طبق قاعده مذکوره این طرز وطریقه نیز مکروه میباشد کما في الخیریة: جلد۲ ص۳۳۳: کل مباح یؤدي الی زعم الجهال سنیة امرٍ او وجوبه فهو مکروه آه نقلاً عن القنیة.

در حالت نشستن نفل اداء نمودن باعث ثواب است یانه؟ **سوال:** (۱۷۱۳) در حالت قعود نفل اداء کردن موجب ثواب است یا نه؟ وهمچنان بعد الوتر حکم نفل چیست؟

جواب: اگر نفل را نشسته اداء مینماید در آن صورت طبق احادیث نصف ثواب برایش حاصل میشود [(۱)].

صلاة الاوابین: **سوال:** (۱۷۱٤) صلاة الاوابین را بیست رکعت اداء نمودن بکار است یا شش رکعت صحیح کدام است؟

جواب: درمورد صلاة الاوابین هر دو روایت صحیح است زیرا شش رکعت نیز آمده است وبیست رکعت همچنان آمده است وهر یکي آن را که اداء کرد بهتر وخوبتر است اما مذهب اکثر علماء آنست که شش رکعت است [(۲)]. فقط

بعد از وتر نفل را نشسته اداء کند یا ایستاده؟ **سوال:** (۱۷۱۵) بعد از وتر نوافل را نشسته اداء نمودن بهتر است یا به ایستادن؟ وآیا به اداء نمودن نوافل در حالت نشستن همانقدر ثواب حاصل میگردد چنانچه به ایستادن حاصل میشود؟

جواب: در اداء نمودن نوافل در حالت نشستن عموما ومطلقا ثواب نصف حاصل میشود وآن حضرت ﷺ از آن حکم مستثنی است زیرا براي آنجناب ﷺ در آن صورت ثواب کامل حاصل

---

(۱) ویتنفل مع قدرته علی القیام قاعداً ابتداء وبناء (الی قوله) وفیه اجر غیر النبی ﷺ النصف الا بعذر (در مختار) ففی صحیح مسلم عن عبدالله بن عمرو قلت حدثت رسول الله انک قلت صلاة الرجل قاعداً علی نصف الصلٰوة وانت تصلی قاعدا قال اجل ولکنی لست کاحد منکم (الی قوله) حدیث البخاری من صلی قائما فهو افضل ومن صلی قاعدا فله نصف اجر القائم الخ (ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦٥۲). ظفیر الدین غفر له

(۲) وان تطوع بعد المغرب بست رکعات کتب من الاوّابین الخ (غنیة المستملی ص۳۲۹) وبعد مغرب دو رکعت سنت وبعد ازآن شش رکعت دیگر مستحب است آن راصلٰوة الاوابین گویند وبروایتی بعد مغرب بیست رکعت آمده (ما لابد منه ص ٦۷) عن عائشة رضی الله عنها قالت قال رسول الله ﷺ من صلی بعدالمغرب عشرین رکعة بنی الله له بیتا فی الجنة رواه الترمذی (مشکوٰة باب السنن ص۱۰٤). ظفیر

میگردید، بناء بعد از وتر بنشستن اداء نمودن نوافل موافق قاعده اداء کننده مستحق نیم ثواب میباشد البته بعضي علماء میفرمایند که بعض از وتر دو کعت نفل را نشسته اداء کردن مستحب است، چنانچه قاضي ثناء الله صاحب نیز ان را اختیار نموده است [۱] بخاطر آنکه ازآنحضرت ﷺ همچنان ثابت است، حضرت مولانا گنگوهي (رح) در مورد نوافل بعد الوتر نیز اگر نشسته اداء شود ثواب آن را نصف فرموده است وهمین سخن راجح معلوم میشود [۲].

نوافل قبل الوتر وبعد الوتر: سوال: (۱۷۱۶) دروقت عشاء کدام نوافل بعد الوتر وقبل الوتر است درآن ترجیح براي کدام است؟

جواب: در وقت نماز عشاء بعد از ادا نمودن فرض دورکعت سنت مؤکده است وبعد ازآن چهار رکعت یا دو رکعت نفل ومستحب است وسپس ازآن وتر را اداء کند وبعد از وتر نفل نیست یعني قسمیکه مروج است بعد از وتر دو کعت را نشسشه اداء میکنند درآن مورد حکم نیست. فقط

بعد از اقامت سنت فجر را تا به کدام وقت اداء کرده میتواند؟ سوال: (۱۷۱۷) بعد از جماعت فجر سنت را تا به چه وقت اداء کرده میتواند؟ اگر سنت را اداء نکرد وبا جماعت شریک شد بناء سنت را چه وقت اداء نمودن بکار است وهمچنان بعد از اقامت سنت را درکجا اداء کند؟

جواب: بعد ازآنکه تکبیر نماز فجر خوانده شد نیز اداء نمودن سنت بکار است لکن آن مکان سنت را اداء نکند در جائیکه فرض خوانده میشود بلکه اگر جماعت در داخل قائم باشد در خارج بالاي فرش بلکه از فرش جدا اگر گنجایش باشد درآنجا سنت را اداء کند ودر فرض شامل شود اگر امید دریافتن یک رکعت فرض باشد بازهم سنت را اداء کند وبعضي فرموده اند

---

(۱) ویتنفل مع قدرته علی القیام قاعدا لامضطجعا الا بعذر ابتداءً وکذا بناءً بعد الشروع بلا کراهة فی الاصح کعکسه، بحر، وفیه اجر غیر النبی ﷺ علی النصف الا بعذر(درمختار) اما النبی ﷺ فمن خصائصه ان نافلته قاعدا مع القدرة علی القیام کنافلته قائما فی صحیح مسلم عن عبدالله بن عمروقلت حدثت یارسول الله انک قلت صلٰوة الرجل قاعدا علی نصف الصلاة وانت تصلی قاعداً قال اجل ولکنی لست کاحد منکم بحر، ملخصا (رد المحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۵۲ ، ط. س. ج۲ ص۳۶). ظفیر

(۲) ویتنفل مع قدرته علی القیام قاعدا لامضطجعا الا بعذر ابتداءً وکذا بناءً بعد الشروع بلا کراهة فی الاصح کعکسه، بحر، وفیه اجر غیر النبی ﷺ علی النصف الا بعذر(درمختار) اما النبی ﷺ فمن خصائصه ان نافلته قاعدا مع القدرة علی القیام کنافلته قائما فی صحیح مسلم عن عبدالله بن عمروقلت حدثت یارسول الله انک قلت صلٰوة الرجل قاعدا علی نصف الصلاة وانت تصلی قاعداً قال اجل ولکنی لست کاحد منکم بحر، ملخصا (رد المحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۵۲ ، ط. س. ج۲ ص۳۶). ظفیر

[1] اگر التحیات را دریافت نموده میتواند نیز سنت را اداء کند بهر حال چونکه در مورد سنت فجر تاکید زیاد شده است بناءا آن را ترک نباید کرد لکن درآن مکان آن را اداء نکند در جائیکه جماعت فرض قائم واداء میگردد [2] ودرآن مورد آثار صحالجه کرام رض نیز موجود است وتحقیق این موضوع در شرح منیه است واگر سنت را اداء نکرد وبا امام شریک شد سپس بعد از فرض وقبل از طلوع آفتاب سنت را اداء نکند واگر بعداز طلوع آفتاب آن را اداء مي نماید برایش اختیار است زیرا اکنون آن نفل است اگر میخواهد آن را اداء کند ورنه اداء نکند [3]. فقط

مسائل سنن غیر مؤکده

بعد الوتر نوافل درست است: سوال: (۱۷۱۸) بعضي مردم میگویند که بعد الوتر هیچ سجده نیست وآن عده مردم که بعد از وتر آن را میکنند جائز نیست این سخن تا بکدام حد درست است؟

جواب: بعد الوتر ادا نمودن نفل جائز است چنانچه بعضي صحابه کرام (رض) بعد از عشاء وتر را اداء میکردند درآواخر شب تهجد اداء نمودند فلهذا معلوم شد که بعد الوتر نوافل ممنوع نیست علاوه از آن جناب نبي اکرم ﷺ بعد الوتر دو رکعت نفل اداء نموده اند البته بعد الوتر یا بعد از نمازهاي دیگر بغیر از کدام وجه علیحده سجده کردن ممنوع است چنانچه در الدر المختار مذکور است: لکنّها تکره بعد الصلوة الخ [4] فقط.

جماعت در تهجد رمضان: سوال: (۱۷۱۹) (۱) نماز تهجد را درماه مبارک رمضان با جماعت اداء نمودن ودرآن قرآن شریف را شنیدن بکار است یانه؟

جماعت سائر نوافل: سوال: (۱۷۲۰) (۲) علاوه از تراویح وتهجد سائر نوافل را باجماعت اداء

---

(۱) واذا خاف فوت رکعتی الفجر لاشتغاله بسنتها ترکها (الی قوله) والاّ بان رجا ادراک رکعة فی ظاهر المذهب وقیل التشهد واعتمده المصنف والشرنبلالی تبعا للبحر (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار ج۱ ص۶۷۰ ، ط. س. ج۲ ص۵۶). ظفیر

(۲) لا یترکها بل یصلیها عند باب المسجد ان وجد مکانا والاّ ترکها لان ترک المکروه مقدم علی فعل السنة (در مختار) قوله باب المسجد ای خارج المسجد(الی قوله) فاذا لم یکن علی باب المسجدموضع للصلاة یصلیها فی المسجد خلف ساریة من سواری المسجد واشدها کراهة ان یصلیها مخالطا للصف مخالفا للجماعة (ردالمحتار ج ۱ص ۶۷۱ ، ط. س. ج۲ ص۵۶). ظفیر

(۳) واما لو فاتت وحدها فلا تقضی قبل طلوع الشمس (الی قوله) قوله احب الی دلیل علی انه لو لم یفعل لا لوم علیه الخ وقال الخلاف فی انه لو قضی کان نفلا مبتدأً او سنة (ایضًا ج۱ ص۶۷۲ ، ط. س. ج۲ ص۵۶). ظفیر

(۴) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب سجود التلاوة مطلب في سجدة الشکر ج۱ ص۷۳۱، ط. س. ج۲ ص۱۲۰. ظفیر

نمودن ودرآن قرآن کریم را قرائت کردن وسمع نمودن جائز است یانه؟

بعد از رمضان جماعت تهجد ونوافل: سوال: (۱۷۲۱) (۳) علاوه از رمضان المبارک نوافل وتهجد را با جماعت اداء نمودن جائز است یانه؟

جواب: (۱۹) اقول وبالله التوفیق: نماز تهجدی را بتداعي (مردم را دعوت کردن) بجماعت اداء نمودن مکروه است ونبي اکرم ﷺ که درسه شب جماعت آن را اداء نموده بودند آن نماز تراویح بود واز تحقیق علامة شامي نیز همین ظاهر میشود وحضرت مولانا حجة الواصلین قدوة العارفین عمدة الفقهاء والمحدثین مولانا رشید احمد گنگوهي (رح) در رساله تراویح خویش نیز همان تحقیق را فرموده است وهمچنان بعد از نقل نمودن حدیث مذکور میفرمایند: ازآن معلوم میشود که هردو نمازها تراویح وتهجد جدا جدا میباشند وجناب رسول الله ﷺ علی الدوام تهجد را اداء مي نمودند وهیچگاه ابتداعي جماعت آن را نفرموده اند الخ ودر جاي دیگر در رساله مذکور میفرمایند: واز فعل جناب رسول الله ﷺ صراحة ثابت نشده است وقتیکه ایشان سه روز تراویح اداء فرموده بودند درآواخر تهجد نموده بودند یا نه؟ والله اعلم. (لکن از فعل بعضي صحاب کرام نشاني آن معلوم میشود الخ سپس ازآن تحریر میفرمایند: لهذا اگر رسول اکرم ﷺ تمامي شب درتراویح سپري نموده باشند بناءا وهم تهجد در آن تداخل شده است الخ. غرض آنکه حضرت مولانا قدس سره عین تحقیق را فرموده است که کدام نمازهاي را که آن حضرت ﷺ سه روز در رمضان بجماعت اداء فرموده بودند آن نماز تراویح بود ونماز تهجد را علیحده اداء نموده بودند ویا تداخل شده است ودیگر آنکه نماز نهجد بجماعت نیست همین سخن از اکثر احادیث ثابت میگردد فقهاء وعلماء احناف همان تحقیق را فرموده اند ودر الدر المختار مذکور است: ولا یصلي الوتر ولا التطوع بجماعة خارج رمضان اي یکره ذلک لوعلی سبیل التداعي بأن یقتدي اربعة بواحد الخ، الدر المختار. واز آن روایت که در رمضان المبارک اداء نمودن تطوع بجماعت مفهوم میشود مراد ازآن نماز تراویح است قسمیکه علامه شامي در آن موقع تحریر فرموده است: ویؤیده ایضا ما في البدائع من قوله أن الجماعة في التطوع لیست بسنة إلا في قیام رمضان آه شامي [1] وهمچنان میفرمایند: والنفل بالجماعة غیر مستحب [2] لانه

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل بعدمبحث التراویح ج۱ ص۶۶۳، ط. س. ج۲ ص۴۸. ظفیر

(۲) ایضا. ظفیر الدین

لم تفعله الصحابة في غير رمضان الخ شامي وظاهر است که کدام جماعت را که صحابه کرام در رمضان شریف اداء کرده بودند آن جماعت تراویح بود چنانچه از فعل حضرت عمر (رض) وسائر صحابه کرام ظاهر است واطلاق قیام رمضان نیز بر آن کرده شده است.

حکم نوافل بتداعي در رمضان المبارک: **سوال**: (۱۷۲۲) (۱) در ماه رمضان المبارک بتداعي کدام جماعت نفل بلا کراهیت جائز است؟

تفصیل تداعی وکراهیت: **سوال**: (۱۷۲۳) (۲) در عبارات کتاب هاي فقه مراد از تداعي چیست واز مکروه چه مراد است تحریمي یا تنزیهي؟

علاوه از ماه رمضان آیا در ماه های دیگر جماعت وتر درست است؟ **سوال**: (۱۷۲٤) (۳) فتح القدیر کتاب الصلاة در تحت این قول هدایة: ولا یصلي الوتر بجماعة في غیر شهر رمضان علیه اجماع المسلمین است: لانه نفل من وجه والجماعة في النفل فی غیر رمضان مکروهة، فلهذا علاوه از ماه رمضان اگر وتر بجماعت اداء شود آیا کراهیت تحریمي باشد یا تنزیهي وهمچنان درآن فرق میان تداعي وغیر تداعي باشد یانه؟

در رمضان تهجد بجماعت: **سوال**: (۱۷۲۵) (٤) علی هذا حکم جماعت تهجد در رمضان چیست؟

در رمضان در تهجد اگر دو یا چهار نفر دوچار شوند؟ **سوال**: (۱۷۲٦) (۵) اگر یک شخص در رمضان بتهجد آغاز نماید ودر ادا تنها دو یا چهار مسلمان بیایند وبدنبال او اقتداء نمایند چه حکم دارد؟

جواب: (۱ – ۲) قال في الدر المختار: ولا یصلي الوتر ولا التطوع بجماعة خارج رمضان اي یکره ذلک علی سبیل التداعي أن یقتدي أربعة بواحد الخ [1] در ماه مبارک رمضان بتداعي جماعت وتر وتراویح جائز مشروع ومسنون است ومتباقی نوافل علاوه از تراویح در رمضان المبارک بتداعي نیز مکروه است ومعنی تداعي را صاحب در المختتار بیان فرموده است که: بأن یقتدي أربعة بواحد.

جواب: (۳) اگر احیانا اتفاقا باشد کراهیت تنزیهي است واگر بر آن مواظبت شود در آن صورت کراهیت تحریمي میباشد خواه بتداعي باشد یا بلا تداعي باشد، ثم إن کان ذلک احیانا

(۱) ایضًا ج۱ ص ٦٦٣ ، ط. س. ج۲ ص٤٨. ظفیر

كما فعل عمر رض كان مباحاً غير مكروه اي تحريمي وإن كان على سبيل المواظبة كان بدعة مكروهة لأنّهٗ خلاف المتوارث. شامي [1] از توضيح فوق معلوم شد كه در آن تداعي وغير تداعي يكسان ميباشد ولفظ بدعت دلالت مي نمايد بر كراهيت تحريمي كما لايخفى.

جواب: (٤) بغير از تداعي جائز است واما با تداعي مكروه تحريمي ميباشد [2].

جواب: (٥) اقتداء يک يا دو بلا كراهيت جايز است واما در سه خلاف است وازآن زياد مكروه است: (قوله اربعة بواحد) اما اقتداء واحد بواحد او اثنين بواحد فلا يكره وثلاثة بواحد فيه خلاف بحر عن الكافي وهل يحصل بهذا الاقتداء فضيلة الجماعة ظاهر ما قدمناه من أن الجماعة في التطوع ليست بسنة يفيد عدمه، تأمل، بقي لو اقتدى به واحد او اثنان ثم جاءت جماعة اقتدوا به قال الرضي ينبغي ان تكون الكراهة على المتاخرين شامي [3] بناء واضح گرديد كه اگر بنابر شهرت در جماعت افزايش آمد تداعي خود بخود ثابت گرديد وبر امام لازم شد كه آن را منع نمايد. فقط

نوافل در شب قدر شب برات ومعراج: سوال: (۱۷۲۷) در شب قدر شب معراج وشب برات ومانند همچو شبها در مساجد جمع شدن نوافل نمودن ووظائف قرائت كردن چگونه است؟

جواب: احيان نمودن همچو شبها مستحب است وعند الله شب هاي مذكور بسيار مبارک ومملوء الفيض است ودرآن شب ها هرقدريكه عبادت شود باعث اجر مزيد است، لكن نوافل را باجماعت اداء نمودن بكار نيست زيرا كه بدعت ومكروه است [4] بلكه هرواحد جدا وعليحده

---

(۱) ردالمحتار باب الوتر والنوافل بعد مبحث التراويح ج۱ ص٦٦٣ ، ط. س. ج۲ ص٤٨. ظفير

(۲) دليل همان است كه در مسئله اولى نقل كرده شد لكن شيخ الاسلام حضرت مفتي رح تهجد را در رمضان المبارک بجماعت اداء مي نمود ودر استدلال كه كدام وقت عبارت فتح الباري وغيره را نقل مي نمود در آنجا اين عبارت شامي را نيز نقل مي فرمود: والنفل بالجماعة غير مستحب لانه لم تفعله في غير رمضان أيضا، ونيز ميفرمودند كه تهجد همچنان در نوافل رمضان داخل است ومفتي علام بوجه لفظ بدعت مكروه تحريمي نوشت قسميكه در مسئله اولى ايشان بحث نموده اند لكن علامه شامي كه كدام عبارت بدائع وغيره را نقل نموده است از آن تنها آنقدر معلوم ميشود كه مخالف طريقه مسنون واستحباب است چنانچه سر انجام خود ايشان مي نگارد: وهو كالصريح في أنها كراهية تنزيهية، لكن اگر تهجد در نوافل رمضان محسوب شود ويقينا اين نوافل است ودر رمضان آن را بجماعت اداء كرد درآن كراهيت همچنان نيست والله اعلم. ظفير

(۳) ردالمحتار باب ايضاً ج۱ ص٦٦٤ ، ط. س. ج۲ ص٤٩. ظفير

(٤) واعلم ان النفل بالجماعة على سبيل التداعى مكروه على ماتقدم الخ فعلم ان كلا من صلاة الرغائب ليلة اول جمعة من رجب وصلٰوة البراءة ليلة النصف من شعبان وصلٰوة القدر ليلة السابع والعشرين من رمضان بالجماعة بدعة مكروهة الخ (غنية المستملى باب النوافل ج۱ ص٤١١). ظفير

قرآن را تلاوت نماید نوافل وغیره را اداء کند ودرآن شب ها نیاز براي اجتماع خاص احساس نمیشود. فقط

هشت رکعت نفل شبانه بیک سلام وطریقه آن: سوال: (۱۷۲۸) من درکتاب بنام رکن دین مطالعه نمودم که از طرف شب هشت رکعت نفل را بیک سلام اداء کرده میتواند لکن در مورد قعده چیزي نوشته است آیا بعد ازدو رکعت قعده نمودن ودرآن درود شریف ودعا خواندن بکار است یانه؟

جواب: قعده بعد ازهردو رکعت کردن بکار است واما درود شریف ودعا نمودن درقعده آخیر بکار است [1]. فقط

نفل رابلزوم نمودن لازم نمیشود: سوال: (۱۷۲۹) اگر یک نفر مرتکب گناه شود وسپس از آن بر ذمه خویش واجب گرداند آن راکه بعد از نماز کدام نوافل که اداء میشود من آن را حتما وضروری اداء خواهم نمود براي آنکه نفس اراده گناه را نکند بناء آیا نفل مذکرر بر ذمه او واجب است یا نه؟

جواب: واجب نیست وبر ذمه او واجب آنست که توبه واستغفار کند. فقط

نوافل بجبر نقصان فرائض: سوال: (۱۷۳۰) یک نفر نوافل را بر این نیت اداء مي نماید که بدان جبر نقصان فرائض شود آیا این نیت صحیح است یانه؟

جواب: این مضمون در حدیث مبارک است که نوافل جبیرهٔ نقصان فرائض میشود فلهذا نیت این شخص صحیح است. [2] فقط

مراد از سکینه چیست؟ سوال: (۱۷۳۱) در حدیث شریف آمده است که یک صحابي رض در نماز تهجد سورت کهف را قرائت نمود واسپ او در پهلویش متصل بسته شده بود که درآن اثنا روشني از سوي آسمان بفرود آمدن آغاز نمود، الحدیث. که براي نبي اکرم ﷺ در آن مورد ذکر فرموده شد آنجناب فرمودند که این سکینه است. وشرح سکینه بنزد محققین چگونه است ودرعصر موجوده بکثرت اداء نمودن نوافل نزول سکینه ممکن است یانه؟

---

(۱) وتکره الزیادة علی اربع فی نفل النهار وعلی ثمان لیلا بتسلیمة لانه لم یرد والافضل فیها الرباع بتسلیمة وقالا فی اللیل المثنی افضل قیل وبه یفتی الخ لان کل شفع صلٰوة (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۳۲ ، ط. س. ج۲ ص۱۵). ظفیر

(۲) ویاتی بالسنة مطلقا الخ لکونها مکملات واما فی حقه علیه الصلاة والسلام فلزیادة الدرجات (باب ادراک الفریضة ج۱ص، ط. س. ج۲ ص۶۰). ظفیر

جواب: قال في اللمعات في شرح الحديث المذكور قوله السكينة هي الطمانينة وهي يجئ بمعنى الرحمة وبمعنى التاني والوقار وقيل هي ما يحصل به السكون وصفاء القلب وذهاب الظلمة النفسانية ونزول الرحمانية والحضور والذوق [1]. ترجمه: مراد از سكينه طمانيت رحمت وآنچيزي است كه بذريعهٔ آن سكون وصفاي قلب حاصل ميشود وظلمت نفساني دور گردد وديگر آنكه با عث نزول رحمت باشد اگر بحضور قلب نمازها اداء شود درزمانه موجوده نيز آن چيز حاصل خواهد شد كه آن را سكينه گفته ميشود.

نيت زيادتر از هشت ركعت مكروه تحريمى است ياتنزيهى ونماز نفل درعيدگاه وداخل وخارج مسجد: سوال: (۱۷۳۲) نيت نمودن هشت يا پيشتر از هشت ركعت نفل مكروه تحريمي است يا تنزيهي وبالاى فرش عيدگاه نماز ديگر چرا مكروه است ودر فضيلت داخل وخارج مسجد يكسان است ويا كم وزياد ميباشد؟

جواب: در كتاب هاي فقه در مورد نوافل چنين نوشته است كه در نوافل روز نيت زياد از چهار ركعت درصورت وحدت نيت مكروه است پس معلوم شد كه از طرف شب هشت ركعت نفل را بيک نيت اداء نمودن بلا كراهيت درست است البته ازآن زيادتر مكروه ميباشد ومراد از مكروه مذكور مكروه تنزيهي است زيرا در شامي گفته است كه بعضي مشايخ آن را مكروه نميگويند بناءا واضح گرديد كه مسئله مذكوره مختلف فيه است واين نشاني كراهيت تنزيهي است. [2] وبر فرش عيدگاه سائر نمازها بلا كراهيت جائز است وفضيلت مسجد داخل وخارج هر دو يكسان است [3]. فقط

سنن ونوافل درمنزل افضل است وبوجه عذر در مسجد نيز افضل ميباشد: سوال: (۱۷۳۳) بعد ازاداء فرائض سنت را درمنزل خويش اداء نمودن بكار است يا در مسجد براي آنكه منزل بعضي نمازگذاران بنجاه گز وبعض صد (۱۰۰) گز وبعض ازآن نيز دورتر ميباشد

---

(۱) مطالعه فرمائيد: حاشيه مشكوٰة باب فضائل القرآن ص ۱۸٤ . ظفير

(۲) وتكره الزيادة على اربع فى نفل النهار وعلى ثمان ليلا بتسليمة لانه لم يرد والافضل فيهما الرباع بتسليمة (درمختار) نعم وقع الاختلاف بين المشائخ المتاخرين فى الزيادة على الثمانية ليلا فقال بعضهم لايكره واليه ذهب شمس الائمة السرخسى الخ (ردالمحتارباب الوتر والنوافل مطلب فى لفظة ثمان ج۱ ص ٦۳۲ – ٦۳۳ ، ط. س. ج۲ ص۱۵). ظفير

(۳) اما المتخذة لصلاة جنازة اوعيد فهو مسجد فى حق جواز الاقتداء وان انفصل الصفوف رفقا للناس (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب مايفسد الصلاة الخ مطلب فى احكام المسجدج۱ ص٦۱۵، ط. س. ج۱ ص٦۵۷) از اين معلوم شد كه همچو نمازها بدرجه اولى مجاز است. ظفير

وظاهر است که در برما وگجرات هندوستان وقتیکه آنها نماز فرض را در مسجد اداء کنند وبطرف منزل میروند درراه با دوست مسلمان یا مشرک یا مشوکه ملاقات مي نماید وحتما بعضي مذاکرات دنیاوي فیما بین ایشان صورت میگیرد غرض آنکه قبل از مواصلت نمودن بمنزل نقیصه هاي گوناگون را در راه مرتکب میشوند بناء در همچو صورت براي اداء نمودن سنت بمنزل رفتن افضل است ویا در مسجد اداء نمودن آن افضل میباشد؟

جواب: قال في الدر المختار: والافضل في النفل غير التراويح المنزل إلا لخوف شغل عنها الخ. ونيز در شامي است: وحيث كان هذا افضل يراعي ما لم يلزم منه خوف شغل عنها لو ذهب لبيته او كان في بيته ما يشغل باله ويقلل خشوعه فيصليها حينئذ في المسجد لأن اعتبار الخشوع ارجح الخ [۱] از عبارات فوق الذکر معلوم شد که براي اداء نمودن سنن ونوافل منزل افضل است لکن اگر در راه احساس خوف پریشاني قلب نماز خوان باشد وهمچنان احساس عدم حصول خشوع شود ویا بسبب گفتگوي غیر ضروري احساس درکاهش ثواب شود بناء در همچو صورت اداء نمودن در مسجد افضل است زیرا که زیادتر درآن مورد رعایت خشوع وخضوع باید مد نظر گرفته شود ودر جائیکه خشوع وخضوع بر آورده میشود همان جاي افضل تر است فقط.

صلاة الاوابین ورکعات تهجد ونماز تراویح: سوال: (۱۷۳٤) صلاة الاوابین چند رکعت است وهمچنان تهجد چند رکعت میباشد وآیا جماعت نماز تراویح در منزل افضل است یا در مسجد ودر یک مسجد جماعت دوم تراویح افضل است یا درمنزل؟

جواب: صلاة الاوابین علاوه از دورکعت سنت مؤکده مغرب [۲] شش رکعت است ونماز تهجد هشت رکعت است وزیاد تابه دوازده واندازه کم آن دورکعت میباشد [۳] وجماعت نماز تراویح در مسجد افضل است [٤] وجماعت دوم تراویح در مسجد اداء کردن بکار نیست.

---

(۱) ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦٣٨ ، ط. س. ج۲ ص۲۲. ظفیر

(۲) وستّ بعد المغرب ليكتب من الاوابين بتسليمة او لثنين او ثلاث والاول ادوم واشق (الدرالمختارعلى هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب في السنن والنوافل ج۱ ص٦٣١ ، ط. س. ج۲ ص۱۳). ظفير

(۳) وصلاة الليل واقلها على مافي الجوهرة ثمان (درمختار) قيد بقوله على مافي الجوهرة لانه في الحاوى القدسي قال يصلي ما سهل عليه ولوركعتين والسنة فيها ثمان ركعات باربع تسليمات (ردالمحتار مطلب في صلاة الليل ج۱ ص ٦٤٠ - ٦٤١ ، ط. س. ج۲ ص٢٤). ظفير

(٤) والجماعة فيهاسنة على الكفاية الخ فالمسجدفيها افضل قاله الحلبي (الدرالمختارعلى هامش ردالمحتار مبحث في التراويح ج۱ ص٦٦١، ط.س. ج۲ ص٤٥) وظاهر كلامهم هنا ان المسنون كفاية اقامتها بالجماعة في المسجد حتى لو اقاموها جماعة في بيوتهم ولم تقم في المسجد اثم الكل (ردالمحتار ايضاً). ظفير

با جماعت نفل جائز است یانه؟ **سوال:** (۱۷۳۵) نفل با جماعت جائز است یانه ومن در یک کتاب عبارت ذیل رامطالعه نموده ام از مخدوم جهانیان در جامع العلوم است که ایشان بعد از چهار رکعت نماز با امامت نمودند سلطان فیروزشاه وعلماء درآن بودند علمای آن گفتند: نماز نفل با جماعت نزد امام أبو حنیفة مکروه است، مي آورد که ایشان روي مبارک بر بادشاه آوردند وفرمودند که درکتاب کافي است: یجوز للمؤمنین أن یعمل في العبادات علی مذهب غیره وفي المعاملات لا یجوز والتطوع بالجماعة یجوز عند الشافعي (رح) علمای آن بقول ایشان اعتراف نمودند بینوا تؤجروا.

جواب: نفل با جماعت اداء نمودن بکار نیست وتفسیر تداعي آنست که چهار مقتدیان در جماعت باشند در آن صورت بالاتفاق مکروه است واگر مقتدیان سه نفر باشند درآن خلاف است واگر یک یا دو مقتدیان باشند درآن کراهیت نیست. کذا في الشامي [1] حاصل آنکه کدام جماعت نفل که بعد از عید میشود ترک نمودن آن ضروري است واکنون چونکه ترک گردیده بناءا هر گز آن را معاد وجاري کردن بکار نیست ور نه مرتکب جاري نمودن گناه بدعت خواهد باشد، کما في الحدیث. وکدام عبارت جامع العلوم را که شما بحواله مخدوم جهانیان نقل نمودید آن حجت نیست وبر آن استدلال کردن بکار نیست. فقط

جماعت نفل بعد از تراویح: **سوال:** (۱۷۳۶) آیا بعد از اداء نمودن تراویح سه نفر بخاطر حصول ثواب نفل را باجماعت اداء کرده میتوانند ویا آنکه بعد از تراویح مطلقا جماعت نفل درست نیست خواه اداء کنندگان در عدد کم باشند یا زیاد؟

جواب: جماعت نفل علاوه از تراویح سنت ومستحب نیست بلکه در بعضی صورت ها مکروه ودربعضی مباح است براي آن اجازت فضیلت جماعت است اما باجماعت نکردن اولی است لهذا مطلقا جماعت نفل ننمودن بکار است در الدرالمختار مذکور است: ولا یصلي الوتر ولا التطوع بجماعة خارج رمضان أي یکره ذالک وعلی سبیل التداعي بأن یقتدي اربعة بواحد کما في الدرر، ویؤیده أیضا ما في البدائع من قوله أن الجماعة في التطوع لیست بسنة إلا في قیام

---

(۱) ولایصلی الوتر ولاالتطوع بجماعة خارج رمضان ای یکره ذالک لوعلی سبیل التداعي بان یقتدی اربعة براحد (درمختار) قوله اربعة براحد اما اقتداء واحد اواثنین بواحد فلایکره وثلاثة بواحد فیه خلاف الخ (ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص ۶۶۳ – ۶۶۴ ، ط. س. ج۲ ص۴۸)، ظفیر

رمضان [۱] الخ از این عبارت واضح گردید که علاوه از تراویح متباقي هیچ نوافل را با جماعت ادا نمودن بکار نیست.

سوال: (۱۷۳۷) در نماز نفل حساب کردن بر انگشت ها جائز است یانه؟

جواب: اگر همانطور حساب بیادش نمیشود پس به اشارهٔ انگشتان حساب نمودن درست است. [۲] فقط

جائیکه فرض را اداء کند ازان مکان جدا نفل اداء نمودن بکار است: **سوال:** (۱۷۳۸) از احادیث بعد از اداء فرائض تبدیلي مکان در مسجد بخاطر اداء سنت ونفل بابت میشود یا نه؟ وقبادله مکان بعد از اداء فرض براي سنت ونفل که این مسنون میباشد آیا این تبادله منحصر بمسجد است ویا براي نمازگذار که در منزل نماز را اداء مي نماید براي او نیز مسنون میباشد؟

جواب: قال في الدرالمختار: وفي الجوهرة: ویکره للامام التنفل في مکانه لا للمؤتم وقیل یستحب کسر الصفوف وفي الخانیة یستحب للامام التحول لیمین القبلة یعنی یسار المصلي الخ وفي رد المحتار: قوله لا للمؤتم ومثله المنفرد لما في المنیة او شرحها اما المقتدي والمنفرد فانهما إن لبثا او قام إلی التطوع في مکانهما الذی صلیا فیه المکتوبة جاز والاحسن ان یتطوعا في مکان آخر الخ قوله وقیل یستحب کسر الصفوف لیزول الاشتباه عن الداخل المعاین لکل في الصلوة البعید عن الامام وذکره في البدائع والذخیرة عن محمد ونص في المحیط علی أنه السنة کما في الحلیة الخ شامي [۳] از عبارات واضح وهویدا است که عند الاحناف رح نیز کسر الصفوف وپیش وپس ویکسو وسوي دیگر شدن سنت ونوافل را اداء نمودن مستحب است از عبارت شامي که در مورد منفرد است معلوم میشود که براي آنکس که نفل را در منزل اداء مي نماید افضل آن ست که مکان را تبدیل نماید ونفل را اداء کند. فقط

بعد ازعشاء وبعد ازدو رکعت سنت نفل کردن: **سوال:** (۱۷۳۹) بعد ازاداء نمودن فرض عشاء وبعد از دورکعت سنت که دو رکعت نفل را اداء مي نمـاید آیا از رسول الله ﷺ این دو

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۶۳ ، ط. س. ج۲ ص۴۸. ظفیر

(۲) وکره تنزیهاعدٌ الای والسور في الید في الصلٰوة مطلقًا ولو نفلا (درمختار) قوله ولو نفلا: بیان الاطلاق وهٰذا باتفاق اصحابنا في ظاهر الروایة ومن الصاحبین في غیر ظاهر الروایة عنهما انه لاباس به وقیل الخلاف في الفرائض ولا کراهة في النوافل اتفاقا وقیل في النوافل ولا خلاف في الکراهة في الفرائض، نهر (ردالمحتار باب مایکره في الصلاة ج۱ ص۶۰۸ ، ط. س. ج۱ ص۶۵۰). ظفیر

(۳) ردالمحتار، باب صفة الصلاة قبیل فصل القراءة ج۱ ص۴۹۵ ، ط. س. ج۱ ص۵۳۰. ظفیر

رکعت ثابت است یانه؟

جواب: بعد از دورکعت سنت مؤکد عشاء دو یا چهار رکعت نفل اداء کردن قبل الوتر مستحب است چنانچه درحدیث حضرت عائشه رض است قالت: ما صلی رسول الله ﷺ العشاءُ قط فدخل عليَّ الا أربع ركعات أو ست ركعات رواه أبو داود [۱].

در قعده اولی سنن قبل ازعشاء وقبل العصر درود ودعا هردو را بخواند یاتنها التحیات را؟ **سوال:** (۱۷۴۰) قبل از نماز فرض عشاء وعصر در میان چهار رکعت سنن در قعده وسطاني تنها بعد از خواندن تشهد ایستادن بکار است ویا آنکه درود شریف را نیز بخواند؟

(۲) اگر نیت چهار رکعت نفل کرده شد پس در همچو حالت در قعده وسطاني تنها بعد از خواندن تشهد متباقي رکعات را کامل نماید ویا آنکه درود ودعا را نیز بخواند؟

جواب: (۱ – ۲) در الدر المختار مذکور است: که علاوه از سنن ظهر وجمعه در قعدهٔ اولی سنن ونوافل چهار رکعت متباقی درود شریف ودر رکعت سوم تعوذ وثناء را بگوید: وفي البواقي من ذوات الاربع يصلي على النبي ﷺ ويستفتح ويتعوذ الخ. [۲]

نفل را بعد ازوتر چگونه اداء کند؟ **سوال:** (۱۷۴۱) نفل را بعد الوتر نشسته اداء کند یا ایستاده واز نبي اکرم ﷺ چگونه ثابت است؟

جواب: بهر دو طریقه درست است اما ایستاده اداء نمودن دوچند ثواب دارد نسبت به نشسته ونبي اکرم ﷺ این نفل مذکور را نشسته اداء نموده اند لکن آنجناب ﷺ را درحالت نشسته نیز ثواب در همچو اداء نمودن حاصل میشود واین مسئله از أحادیث ثابت است [۳].

در یوم جمعه نفل چاشت چگونه است؟ **سوال:** (۱۷۴۲) نماز نفل خصوصا در روز جمعه در وقت چاشت اداء کردن از قول امام أبو یوسف ثابت میشود در الدر المختار نوشته است: كره تحريما الخ استواء إلا نفل يوم الجمعة على قول الثاني المصحح المعتمد كذا في الاشباه ونقل الحاوي عن الحلبي ان عليه الفتوى. درفتاوی قاضي خان مذکور است: وعن أبي يوسف (رح) قال يجوز التطوع عند انتصاف يوم الجمعة ، چونکه علامه شامي در رد المحتار زیاد چیزي اختلاف

---

(۱) مشکوة باب السنن ص۱۰۴ فصل ثانی . ظفیر

(۲) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۳۳ ، ط. س. ج۲ ص۱۶ ظفیر

(۳) ويتنفل مع قدرته على القيام قاعدا لا مضطجعا الا بعذر ابتداءً وكذا بناءً بعد الشروع بلا كراهة في الاصح كعكسه وفيه اجر غير النبي ﷺ على النصف الاّ بعذر (الدرالمختارعلى هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۵۳ ، ط. س. ج۲ ص۳۶). ظفیر

نموده است فلهذا بعضي از آن ممانعت مي فرما يند بناءا شرعا حكم چيست؟

جواب: ممانعت آن احوط است قسميكه در شامي ذكر شده است [1].

نماز عشق: **سوال**: (۱۷۴۳) اگر كسي نماز عشق را طوري اداء كند كه در قيام بيست دفعه ذكر لفظ الله را قلبا قسمي بكند چنانچه در خارج مي نمايد وبعد ازآن درركوع ده (۱۰) دفعه وده (۱۰) دفعه درقومه وده (۱۰) دفعه در سجده سپس ده (۱۰) دفعه درجلسه بگويد وبعد از اختتام نماز درود: اللهم صلي وسلم وبارک علی من اسمه سيدنا محمد عدد ما في علم الله صلاة دائمة بدوام ملک الله، را بكثرت بگويد وبعد ازآن دعا بخواهد: اللهم اجعلني مَحْبُوسَ محبتک ومسجون عشقک ومفتون شوقک ومجنون لقانک واعطِني داء محبتک يا أهل المشتاقين وارزقني داء محبّتک يا ارحم الراحمين، در قلب ذكرآن قسميكه خارج صلاة ميشود آيا در نماز همچنان جائز است يانه؟ واداء نمودن همچو نماز درشريعت وطريقت جائز است ويا درآن مورد حكم ديگر است فلهذا اگر در آن مورد اندک تحقيق شود بهتر خواهد بود، وديگر آنكه در نماز تصور شيخ كردن جواز دارد يا نه؟ دراين منطقه بعضي علماء همچو تصور كنندهٔ گان را كافر ميگويند بناء درآن آغشته ومبتلی باشد آيا اوكافر است يا نه؟

جواب: در مورد نماز عشق كه شما تحرير فرموديد بنابر قاعدهٔ شريعت كدام اصل برايش معلوم نميشود ودر طريقت نيز آن عبادت قابل اعتبار است كه در شريعت ثبوت داشته باشد وشرعا جائز بود وازنگاه شريعت بناء بر طريقهٔ مذكوره نماز وجود ندارد لكن درآن مورد كدام سخن كفر ومعصيت همچنان نيست البته آنقدر است كه خلاف طريقهٔ مسنون است وچونكه درآن علاوه از ذكر قلبي ديگر چيزي از اوراد درآن نماز نيست فلهذا براي كفر هيچ وجه نست البته اگر تصور شيخ را عمدا در نماز طوري مي كند كه بالقصد صورت شيخ درپيش نظر باشد درآن صورت ناجائز ميباشد اگر چه با آنهم كفر نيست لكن همچو كردن بكار نيست زيرا مشايخ كرام كه اجازه تصور شيخ را ميدهند مطلب ازآن اينست كه با شيخ خود طوري محبت شود كه بغير از اراده تصور شيخ در قلب شود وتعلق وروابط قلبي حاصل گردد وچنان نبايد كرد كه بالقصد صورت شيخ را پيش نظر نمايد بلكه مثال تصور شيخ كه كدام جائز است طوري بكار است

---

(۱) لكن شراح الهداية انتصروا لقول الامام واجابوا عن الحديث المذكور باحاديث النهي عن الصلوة وقت الاستواء فانها محرمة (ردالمحتار كتاب الصلوة ج۱ ص۳۴۵، ط. س. ج۱ ص۳۷۳). ظفير

قسميكه براي عاشق محبت كننده بغير از اراده تصور محبوب خويش ميشود ودرآن هيچ اختيار نمیباشد واين يک مرتبه خاص است يعني فنا في الشيخ، بناءا ضروري است كه در نماز ازتصور ذكر شده اجتناب شود وازآن خود داري نمايد وباقي آنكه بر حالت عدم اختياري هيچ حكم شده نميتواند زيرا او معذور ومجبور است در مورد نماز عشق كه شما نگاشته نموديد اگر تصور شيخ بالاختيار ودرآن بطرف غير الله توجه نباشد پس تنها ذكر قلبي بطريقهٔ مذكوره علاوه از قرائت وتسبيح وغيره صروريات نماز فرائض وسنن وآداب باشد درآن تنها آنقدر تأمل است كه در قيام بعد از خواندن فاتحه وسورة براي ذكر قلبي مزيد قيام وايستادن است وتأخير نمودن در ذهاب إلى الركوع خلاف قواعد شرعيه است. زيرا درآن مورد حكم آنست كه بعد از قرائت فاتحه وسورت فورا ركوع كند وهمچنان بعد از فارغ شدن از تسبيح ركوع فورا قومه كند وهمانطور وبهمان منوال حكم در سائر نماز است. پس تأخيري كه در هر جاي بخاطر ذكر قلبي ميشود خلاف نماز شرعي است بناء بنظر بندهٖ عاجز احوط آنست كه ازآن طريقهٔ نماز كه فوقا ذكر شد خود داري كند وطبق قواعد شرعيه نمازرا اداء كند وخارج الصلاة بسيار وقت زياد برايش ميسر است كه درآن موافق ميلان قلبي خود هر چند كه ميخواهد مطابق خواهش خود ذكر بايد كرد واگر كدام بزرگ براي يک مريد بطور علاج اين فعل را كرده باشد پس ضروري نيست كه آن را تداوم بخشد وهميشه آن را انجام نمايد. فقط والسلام مع الاكرام والله تعالى اعلم بالصواب.

نفل كننده بوجه آواز بلند وتلاوت جهير شخص ديگر نماز را ترک نگويد: سوال:

(۱۷٤٤) يک نفر در مسجد نفل ميخواند وشخصي به آواز بلند در طلب دعا پرداخت وقرائت آيات قرآن مجيد را آغاز نمود بناءا آيا نفل كننده نماز را ترک كند وايت هاي قرآن را استماع كند ويا نفل را به انجام رساند وهر كسي كه رعايت نفل را نكرد براي او چه حكم است؟

جواب: شخص نفل كننده نماز خود را ترک نكند وآنكس كه به آواز بلند طلب دعا مي نمايد وجهرا دعا را شروع كرد او در حقيقت عمل بي مورد وغير سودمند را مرتكب شده است بناءا براي او بكار است كه آهسته وبطورخفيه دعا بخواهد وقرآن مجيد را نيز آهسته تلاوت نمايد ونفل كننده بخاطر استماع قرآن ترک نمودن بكار نيست زيرا او در آن اثناء گنهكار نميشود وگنهكار كسي مياشد كه در همچو موارد به آواز بلند تلاوت مي نمايد [1]. فقط

---

(۱) الا انه يجب على القارى احترامه بان لا يقرأ في الاسواق ومواضع الاشتغال فاذا قرأ فيها كان هو المضيع لحرمة فيكون الاثم عليه دون =

طول قرائت در نوافل: سوال: (۱۷۴۵) نوافل را بطول قرائت اداء نمودن بهتر است ویا تلاوت قرآن مجید أفضل است؟

جواب: اداء نمودن نوافل بتطویل قرائت بهتر است [1]. فقط

نماز نفل بشروع شدن واجب میشود اگر شروع آن صحیح باشد: سوال: (۱۷۴٦) اگر کسي نفل را شروع نمود سپس وقتیکه یک رکعت را اداء نمود درآن اثنا برایش معلوم شد که لباس وي نجس است او نماز را بعد از شروع شکستاند آیا اعاده نمودن این نماز واجب است یا نه؟

جواب: در این مورد مسئله آنست که نفل بشروع نمودن واجب میشود فلهذا وقتیکه کسي بعد از شروع نمودن نماز نفل بکدام وجه نفل را ترک نمود سپس اعاده نمودن نفل مذکور بر ذمه او واجب است هکذا في کتب الفقه لکن در الدرالمختار مذکور است: که اگر شروعش صحیح نبود اعاده اش واجب نمیگردد، عبارته: ولزم نفل شرع فیه الخ شروعا صحیحا [2] الخ چونکه در صورت مذکور شروع صحیح نشده است زیرا لباس نماز گذار از آغاز پلید میباشد بناءا اعاده این نماز واجب نخواهد باشد. فقط

قبل ازنماز عشاء چهار رکعت سنت: سوال: (۱۷۴۷) قبل العشاء حکم چهار رکعت سنت چیست؟

جواب: قبل از نماز عشاء چهار رکعت سنت اداء نمودن مستحب وافضل است، سنت مؤکد نمیباشد [3] زیرا سنن مؤکده در شبانه روز دوازده رکعت است چهار رکعت قبل از نماز ظهر ودو رکعت بعد از نماز ظهر ودو رکعت بعد از نماز مغرب ودو رکعت بعد از نماز عشاء ودو رکعت

= اهل الاشتغال دفعًا للحرج في الزامهم ترک اسبابهم المحتاج الیها وکذا لو قرأ عند من یشتغل بالتدریس اوبتکرار الفقه لانه اذا أبیح ترک الاستماع لضرورة المعاش الدنیوی فلأن یباح لضرورة الامر الدیني اولی فیکون الاثم علی القاری هذا اذا سبق الدرس علی القراءة (غنیة المستملي فصل في احکام زلة القاری فوائد ص٤٩٥). ظفیر

(۱) وکثرة الرکوع والسجود احب من طول القیام کما في المجتبی ورجحه في البحر لکن نظر فیه في النهر من ثلاثة اوجه ونقل عن المعراج ان هذا قول محمد وان مذهب الامام افضلیة القیام وصححه في البدایع قلت وهکذا رأیته بنسختي المجتبی معزیا لمحمد فقط فتنبه (درمختار) والقوی دلیل ایضا علی افضلیة طول القیام انه ﷺ کان یقوم اللیل الاّ قلیلا وکان لا یزید علی احدی عشرة رکعة الخ (ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج١ ص٦٣٤). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج١ ص٦٤٥ . ظفیر

(۳) ویستحب اربع قبل العشاء وبعدها بتسلیمة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج١ ص٦٣٠ ، ط. س. ج٢ ص١٢). ظفیر

قبل از فرض نماز فجر كه سائر آنها دوازده ركعت سنت مؤكده است [۱] وقبل العصر چهار ركعت يا دو ركعت وهمچنان قبل از نماز عشاء چهار ركعت يا دوركعت آنها مستحب اند لقوله: بين كل آذانين الصلوة، الحديث [۲]. فقط

تحية المسجد را در وقت دخول مسجد اداء كند ويا بعد از نشستن: سوال: (۱۷۴۸) زيد وقتيكه بمسجد آيد نخست جلوس مي نمايد سپس قيام مي ورزد تحية الوضوء ونوافل وغيره را اداء مي كند خالد ميگويد كه اكثر اوقات رسول اكرم ﷺ بمسجد تشريف فرما ميشدند واكثر صحابه كرام رض كدام وقت كه بمسجد داخل ميشدند ايشان دوركعت تحية الوضوء را ادا مي نمودند سپس قعود مي نمودند بناءا درآن مورد براي قول كدام كس ترجيح است؟

جواب: اولى ومستحب آن ست كه اگر در وقت دخول مسجد وضوء داشته باشد وگنجايش وقت نيز باشد در اين صورت اول دو ركعت تحية المسجد را اداء كند سپس بنشيند [۳] وكدام رواج كه روي كار وساخته شده است كه در وقت دخول مسجد اول جلوس مى نمايد پس از آن تحية المسجد وغيره را اداء مي كند هيچ اصل ندارد. فقط

صلاة الاوابين وتحقيق آن: سوال: (۱۷۴۹) در مشارق الانوار درمورد صلاة الاوابين نوشته است كه: أواب در لغت وقتي را گويند كه در آن وقت پاهاي بچه شتر از حرارت بسوزش درآيد وآن وقت يازده ونيم (۱۱:۳۰) بجه روز باشد، در حقيقت وقت صلاة الاوابين بعد المغرب است يا آن وقت فوق الذكر ويا هر دو اوقات است وبتقدير ثاني اولويت براي كدام است؟

جواب: معنى أوابين بسوي الله پاک جل وعلا رجوع كنندگان پس بنابر اين اعتبار سائر نمازها را اوابين گفته ميشود لكن در احاديث اطلاق أوابين بر نوافل دو اوقات آمده است يكي بر صلاة الضحى چنانچه در سؤال درج است ودوم بر نوافل بعد المغرب قسميكه دركبير شرح منيه منقول است: وإن تطوع بعد المغرب بست ركعات فهو افضل لحديث ابن عمر رض انه قال من صلى

---

(۱) وسن مؤكدا اربع قبل الظهر واربع قبل الجمعة واربع بعدها بتسليمة الخ وركعتان قبل الصبح وبعد الظهر المغرب والعشاء (ايضاً. ط. س. ج۲ ص۱۲). ظفير

(۲) مشكوٰة المصابيح باب فضل الاذان فصل اول ص۶۵ . ظفير

(۳) ويسن تحية رب المسجد وهي ركعتان واداء الفرض وغيره وكذادخوله بنية فرض اواقتداء ينوب عنها بلانية وتكفيه لكل يوم مرة ولاتسقط بالجلوس عندنا (درمختار) والحاصل ان المطلوب من داخل المسجد ان يصلى فيه ليكون ذالک تحية لربه الخ والاّ لزم فعلها بعد الجلوس وهوخلاف الاولى الخ اما حديث الصحيحين اذا دخل احدكم المسجد فلا يجلس حتى يصلي ركعتين فهو بيان للاولى (ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب في تحية المسجد ج۱ ص ۶۳۵ – ۶۳۶ ، ط. س. ج۲ ص۱۸). ظفير

بعد المغرب ست رکعات کتب من الاوابین وتلا: إنه کان للاوابین غفورا، [1] الایة پس بنا برحدیث دوم اطلاق صلاة الاوابین اکثرا برنوافل بعد المغرب میشود قال في الدر المختار: وست بعد المغرب لیکتب من الاوابین [2] الخ واز آن انکار نیست که صلوة ضحی نیز صلوة اوّابین است بلکه صلوة الضحی را همچنان صلوة أوابین گفته میتوانیم. فقط والله تعالی اعلم.

قبل از عشاء چهار رکعت سنن وثبوت آن: **سوال:** (۱۷۵۰) زید ادعا دارد که قبل از نماز عشاء ثبوت چهار رکعات به هیچ کدام حدیث صحیح استوار نیست آیا این از حدیث ثابت است یا نه؟

جواب: درالدر المختار مذکور است: ویستحب أربع في العصر وقبل العشاء وبعدها بتسلیمة وان شاء رکعتین [3] الخ از این عبارت معلوم شد که قبل العصر وقبل العشا در اداء نمودن دو یا چهار رکعت اختیار است واین سنت مؤکد نمیباشد بلکه مستحب است اگر پسندش باشد آن را اداء کند واگر نباشد آن را اداء نکنند لکن در اداء نمودن آن ثواب است واز حدیث: بین کل اذانین صلوة [4] استحباب نوافل قبل العشاء نیز ثابت است. البته قبل المغرب عند الاحناف هیچ نفل نیست که تائید آن از حدیث بریدة الاسلمي رض میشود.

بعد از شرکت نمودن در دعای مروجه خلاف سنت است: **سوال:** (۱۷۵۱) در اینجا طریقه موجود است که إمام فرض مغرب را اداء کند وبعد از اداء نمودن سنت ومزید دو کعت نفل سه بار دعا مي نماید اکنون براي زید صلاة اوابین در پیش باقي مانده آیا او با سنت متصل در ادا نمودن نفل مشغول شود ویا با امام در دعا شرکت نماید بناء اگر نفل کردن افضل باشد درکجا آن را اداء کند حالانکه امام در دعا کردن مصروف است ودعا میکند؟

جواب: هر کسي که اراده اداء نمودن نوافل أوابین را دارد او باید براي دعاي رسمي امام انتظار نکند زیرا این طریقه دعا بذات خود خلاف سنت است واما نوافل در هر جائیکه برایش موقع میسر شد درآنجا آن را اداءکند. فقط

نوافل در میان فرائض وسنت مؤکده: **سوال:** (۱۷۵٤) در میان سنت مؤکده وفرائض نوافل

---

(۱) غنیة المستملی شرح منیة المصلی فصل فی النوافل ص۳٦۹ . ظفیر

(۲) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦۳۱ ، ط. س. ج۲ ص۱۲. ظفیر

(۳) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦۳۰ ، ط. س. ج۲ ص۱۲. ظفیر

(٤) مطالعه فرمائید: مشکوٰة المصابیح عن البخاری ومسلم باب فضل الاذان ص ٦٥ . ظفیر

را اداء کرده میتواند یا نه؟ اگر بجماعت وقت باشد پس در نوافل مصروف شدن چگونه است؟

جواب: بعد از ادا نمودن سنت مؤکده بجماعت وقت باشد در نوافل مشغول شدن کدام حرج ندارد اما استثناء از سنت فجر که بعد ازآن تا به طلوع وارتفاع آفتاب نوافل درست نیست در الدر المختار مذکور است: وکذا الحکم من کراهة نفل الخ بعد طلوع فجر سوی سننه [1] فلهذا در اوقات متباقي بطور مثال در وقت نماز ظهر بعد از اداء نمودن سنت مؤکد اگر گنجایش وقت باشد درنوافل مشغول گردد در آن کدام حرج نیست زیرا آن وقت کراهیت نیست.

قبل العصر چهار رکعت مستحب: سوال: (۱۷۵۳) چهار رکعت مستحب عصر را ما علی الدوام مانند چهار رکعت سنت مؤکد اداء مي نمودیم یک بزرگ صاحب میفرماید که خصوصا در چهار رکعت مستحب ونوافل عصر بعد از تشهد وسطاني حتما درود شریف ودعا را بخوانید وبعد ازآن قیام نمائید ومتباقي دو رکعت را اداء کنید؟

جواب: در الدر المختار مذکور است: که قبل الظهر وقبل الجمعة علاوه از چهار رکعت سنن در میان سنن ونوافل متباقي بعد از تشهد درود شریف را بگوید ودر شفعه ثاني ثناء واعوذ بالله نیز بگوید. شامي آن را راجح واقوی فرموده است وقول دیگر را در الدر المختار چنین نوشته است: که در قعده وسطاني درود شریف وغیره را نگوید لکن آن را شامی ضعیف خوانده است لکن صاحب قنیة تصحیح آن را فرموده است بنا برآن بلا شک قبل العصر در چهار رکعت سنن بعد از تشهد وسطاني درود شریف ودرشفعه ثاني ثناء وغیره خواندن بکار ایست وباقي اگر کسي آن را نگوید در آن کدام حرج نیست زیرا این نیز یک قول است: ویل لا یاتي في الکل وصححه في المنیة در المختار [2]. فقط

اگر فرائض قضاء شده بذمه باشد آیا برایش سنت ونوافل درست است: سوال: (۱۷۵٤) اگر بدوش کسي نمازهاي قضاء شده دو یاسه ساله باشد آیا براي اونوافل وسنت جائز است یا نه؟

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصلوٰة ص ۳٤۹ ، ط. س. ج۱ ص۳۷۵. ظفیر

(۲) ولا یصلی علی النبی ﷺ فی القعدة الاولٰی فی الاربع قبل الظهر والجمعة وبعدها ولو صلی ناسیا فعلیه السهو وقیل لا، ولایستفتح اذا قام الی الثالثة منها لانها لتاکدها اشبهت الفریضة وفی البواقی من ذوات الاربع یصلی علی النبی ﷺ ویستفتح ویتعوذ ولونذرا لان کل شفع صلاة وقیل لایاتی فی الکل وصححه القنیة (در مختار) قوله لان کل شفع صلاة قدمنا بیان ذالک فی اول بحث الواجبات والمراد من بعض الاوجه قوله قیل لا الخ قال فی البحر ولایخفی مافیه والظاهر الاول زاد فی المنح ومن ثم اولنا علیه وحکینا مافی القنیة بقیل (رد المحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦۳۳ ، ط. س. ج۲ ص۱٦). ظفیر

اگر سنن ونوافل را اداء کند آیا برایش باعث ثواب است یا نه؟

جواب: براي او اداء نمودن سنن ونوافل درست وباعث ثواب است زیرا هیچ یک عمل نیک یک عمل کننده ضائع نمیشود [۱]. فقط

در سنن قرائت جهری بهتر است یا سری؟ سوال: (۱۷۵۵) نوافل وسنن را طور خفیه اداء نمودن افضل است یا جهرا بخاطر آنکه از خیالات نجات یابد؟

جواب: در نوافل وسنن روز سرا قرائت نمودن بکار است نه جهرا ونه طوري قرائت کند که فهمیده نشود البته در نوافل شب برایش اختیار است خواه جهرا قرائت مي نماید یا سرا، درالدر المختار مذکور است: کمتنفل بالنهار انه یسرّ ویخیر المنفرد في الجهر ان ادّی کمتنفل بالليل منفردا الخ الدر المختار [۲]. فقط

بعد از ظهر مغرب وعشاء نوافل را به پابندی اداء نمودن ضروری است یا احیانا آن را ترک کند: سوال: (۱۷۵٦) در اوقات ظهر مغرب وعشاء بعد از اداء نمودن دو رکعت سنن دو رکعت را اداء میکند این نفل را علی الدوام کردن واحیانا ترک نمودن افضل است ویا بعضي اوقات ترک نمودن آن مناسب است؟

جواب: در اداء نمودن نوافل اختیار است خواه آن را احیانا ترک مي نماید ویا علی الدوام با پنداشتن نفل آن را اداء مي کند زیرا درآن چنان اندیشه وتشویش نیست که آن را کسي فرض پندارد اما با آنهم بهتر است که احیانا آن را ترک کند. [۳]



(۱) وسنّ مؤکدا اربع قبل الظهر واربع قبل الجمعة واربع بعدها بتسلیمة الخ شرعت البعدیة لجبر النقصان والقبلیة لقطع طمع الشیطان ویستحب اربع قبل العصر وقبل العشاء الخ (درمختار) قوله سنّ مؤکدا ای استنانا مؤکدا الخ ولهٰذا کانت السنة المؤکدة قریبة من الواجب فی لحوق الاثم کما فی البحر ویستوجب تارکها التضلیل واللوم کما فی التحریر (ردالمحتار باب الوتر والنوافل ص۶۳۰ ، ط. س. ج۲ ص۱۲). ظفیر

(۲) الدرالمختارعلی هامش ردالمحتار باب صفة الصلٰوة فصل فی القراءة ج۱ ص۴۹۸ ، ط. س. ج۲ ص۴۵۳. ظفیر

(۳) ویستحب اربع قبل العصر وقبل العشآء وبعدها بتسلیمة وان شاء رکعتین وکذا بعد الظهر (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۳۰، ط.س. ج۲ ۱۳) وبه یظهر ان کون ترک المستحب راجعا الی خلاف الاولی ولایلزم عنه ان یکون مکروها (ردالمحتار، باب مایفسد الصلٰوة ومایکره فیها ج۱ ص۶۱۱ ، ط. س. ج۱ ص۶۵۵). ظفیر

فصل رابع
مسائل تراویح

رکعات تراویح: سوال: (۱۷۵۷) بحواله اخبار البرید مؤرخه ۲۵ جون سنهٔ ۱۹۱۸ ع مطابق ۱۵ رمضان المبارک ازکانپور بیان تراویح بعد از اداء نمودن فرض وسنت عشاء بیست ۲۰ رکعت تراویح ادا کردن مسنون است وآن عده مردم که تراویح را با وتر هشت ۸ یا یازده ۱۱ رکعت میگویند غلط است اگر هشت ۸ رکعت تراویح غلط باشد پس معنی این عبارت ابن الهمام چیست که در فتح القدیر مي نویسد: فحصل من هذا کله ان قیام رمضان سنة احدی عشر رکعة بالوتر في جماعة فعله ﷺ ثم ترکه لعذر وکونها عشرین سنة الخلفاء الراشدین.تأسف است که اگر شما فتوی جواز را نمیدادید پس غلط آن را نیز نمیگفتید زیرا که یک سخن را بغیر از تحقیق غلط قرار دادن بعید از انسانیت است اکنون از آنجناب التماس مي نمایم که اگر واقعا هشت ۸ رکعت ثابت نباشد آن را بالدلیل تحریر فرمائید وعلاوه ازآن براي مایان دلیل ثبوت بیست ۲۰ رکعات تراویح از حدیث صحیح نشان وبیان فرمائید براي آنکه از ثواب آن ما نیز محروم باقي نمانیم وبعضي میگویند که بیست ۲۰ رکعت تراویح از حضرت عمر رض به ثابت است فلهذا ثبوت آن ادعا را از روایت صحیح پیش نمائید؟

جواب: سائر وجمهور احناف بیست رکعت تراویح را سنت مؤکد میگویند که همان قول محقق وراجح است فلهذا در این مورد قول علامه ابن الهمام در مقابل جمهور احناف رح قابل قبول نیست [1] وآنچه که بحوالهٔ البرید شما کدام سخن را نقل فرمودید که بعض مردم تراویح را یازده

---

(۱) وهي عشرون رکعة الخ بعشر تسلیمات (درمختار) وهو قول الجمهور وعلیه عمل الناس شرقا وغربا وعن مالک ست وثلاثون وذکر في الفتح ان مقتضی الدلیل کون المسنون منها ثمانیة والباقي مستحبا. وتمامه في البحر وذکرت جوابه فیما علقته علیه (ردالمحتار مبحث التراویح ص۶۶۰ ، ط. س. ج۲ ص۴۵) وذکر في الاختیار ان ابایوسف سأل ابا حنیفة عنها وما فعله عمر فقال التراویح سنة مؤکدة ولم یتخرجه عمر من تلقاء نفسه ولم یکن فیه مبتدعا ولم یامر به الا عن اصل لدیه وعهد من رسول الله ﷺ (البحر الرائق باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۶) ما حصل آنست که حضرت عمر رض باجماع صحابه کرام بیست رکعت تراویح را ترویج نموده اند در آن مورد بدقت تفکر بکار است که آنجناب ﷺ بغیر از کدام اصل دست داشته چگونه همچو حکم کرده میتوانست؟ با آنهم که در مصنف ابن ابي شیبه طبراني وبیهقي این حدیث موجود است که راوي آن حضرت عبد الله بن عباس (رض) است: رسول الله یصلي في رمضان عشرین رکعة سوی الوتر وبوجه یک راوي که او یقینا بعد از عهد صحابه کرام است آن را ضعیف گردانیدن وانکار نمودن از بیست کعت تراویح به هیچ طرح درست نیست وآن حدیث عائشة که با رمضان وغیر رمضان هر دو متعلق است بر آن استدلال هیچ وجه درست نیست زیرا تراویح تنها =

یا هشت رکعت بالوتر اداء مي نمایند الخ مطلب آن اینست که آن عده مردمیکه هشت رکعت تراویح اداء مي کنند وبراي مردم نیز همچو حکم مي نمایند واز هشت زیادتر را بدعت مي پندارند وازآن ممانعت مي ورزند سائر آن غلط است بناء در این مورد مطلوب تغلیط امام ابن الهمام (رح) نیست بلکه مقصود تغلیط غیر مقلدین لامذهب هستند که آنها بیست رکعت تراویح را بدعت عمري میگویند والعیاذ بالله قال: اتبعوا سنتي وسنة الخلفاء الراشدین المهدیین فکیف تکون سنة الخلفاء بدعة. فقط

با وجود تراو در مسجد جامع در مسجد همجوارش نیز تراویح درست است: سوال:

(۱۷۵۸) وقتیکه در مسجد جامع شهر از زمان طویل المدت بجماعت تراویح اداء میشود فلهذا در مسجد نزدیک مسجد جامع قائم نمودن جماعت تراویح چگونه است؟ آیا مسجد دوم در حکم مسجد ضرار داخل باشد یا نه؟

جواب: قائم نمودن جماعت تراویح در مسجد دوم که قریب مسجد جامع قرار دارد موافق طریقهٔ مسنون است وقائم نمودن جماعت تراویح در هر مسجد سخن پسندیده است وذریعهٔ حصول ثواب میباشد بناء صادر نمودن حکم مسجد ضرار براي مسجد دوم ناشي از جهالت ونا واقفیت مفتي میباشد نه ازحکم شریعت [1]. فقط

برای مردم قریه گفتن که درمسجد خود تراویح اداء کنید این چگونه است؟ سوال:

(۱۷۵۹) جواب استفتاء مواصلت نمود ودرآن مزید طوالت شده است ومقدمه دعوا در محکمه دائر است واز جانب دیگر مردم این نوع شهادت داده اند که من او را گفته ام که در جماعت تراویح در مسجد جامع شرکت نه ورزد بلکه این مسجد قریه است در آن جماعت تراویح قطعا نمیشود قرآن پاک را بشنود، اگر آن الفاظ را من نگفته ام لکن وقتیکه شهادت حلفي شده است

= دو یا سه شب شده است، دیگر آنکه بحدیث روایت بیست اجماع صحابه است واین سخن مسلّم است که بدعت هشت رکعت تراویح را تنها صد ساله میشود که غیر مقلدین آن را ناالذ نموده اند وقبل از آن مدت هشت رکعت تراویح با جماعت اداء نمودن هیچگاه ثابت نیست ودر حدیث عائشة چهار رکعت بیک سلام ذکر شده است حالانکه غیر مقلدین دو دو کعت را بیک سلام اداء مي نماید ودرآن مورد بخاطر روشن شدن موضوع شما رسالهٔ رکعات تراویح مد حضرت الاستاد شیخ الحدیث مولانا حبیب الرحمن اعظمي مد ظله را مطالعه فرمائید که از مفتاح العلوم متو ضلع اعظم گره شائع شده است ودر مورد رکعات تراویح از آن کتاب تا به اکنون کدام کتاب جامع وبهتر بنظرم نیامده است. ظفیر

(۱) وهل المراد انها سنة کفایة لاهل کل مسجد من البلدة اومسجد واحد منها اومن المحلة ظاهر کلام الشارح الاول واستظهر الثاني ویظهر لی الثالث الخ (ردالمحتارباب الوتر والنوافل مبحث صلٰوة التراویح ج۱ ص۶۶۰ ، ط. س. ج۲ ص۴۵). ظفیر

پس با تسلیم نمودن آن نیز برایم نیازي براي یک سوال است که براي یک نفر با استحقاق مردم محله همچو گفتن آیا آن مسجد در حکم ضرار است؟

جواب: درالدرالمختار مذکور است: ومسجد حیة افضل من الجامع [۱] الخ. زبدهٔ کلام آنست که مسجد محله در حق مردم محله از مسجد جامع افضل است وشامي نوشته است: لان له حقا علیه فیؤدیه [۲]. یعني بر مردم محله مسجد محله حق دارد وآن را اداء نمودن بکار است بناء اگر اهل یک قریه براي باشندگان قریه دیگر همچو گفته باشند که در جماعت وتراویح مسجد جامع شرکت نکنید ودر مسجد قریه خود شما جماعت تراویح قائم میشود در جماعت آنها شرکت کن وقرآن را سمع کن این سخن بي مورد وناپسند نیست بلکه همچو گفتار پسندیده است ودر مورد همچو گفته وکردن حکم شریعت است که آباد واعمار نمودن مسجد بکار است ودرآن پنج وقت جماعت وقائم نمودن جماعت تراویح بکار است وبراي باشندگان متباقي قریه نیز در آن مورد ترغیب دادن بکار است فلهذا صادر نمودن حکم ضرار در مورد مسجد بطریق ذکر شده کاملا غلط است واصدار نمودن همچو فتوی دلالت بر جهالت وعدم علم همچو مفتي مي نماید وهمچو کلمه را در مورد مسجد هیچ جاهل نیز گفته نمیتواند الله پاک براي ما هدایت فرماید وبراي مسلمانان توفیق خیر صلاح واتفاق عطاء فرمایند آمین: إِنْ الاَّ الاصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيْقِىْ الاَّ بِاللهِ. فقط

رکعات تراویح وابن الهمام: سوال: (۱۷٦۰) جناب شما در فتوی خویش تحریر فرموده اید که این قول علامه ابن الهمام در مقابل جمهور احناف قابل قبول نیست بسیار خوب ما مي برسیم که جمهور احناف آن قول ابن الهمام رح را بکدام دلیل تردید مي نمایند وبر حدیث: اتبعوا سنتی وسنة الخلفاء الراشدین، ما نیز صاد میگیریم لکن سوال آنست که ازکدام روایت یا حدیث صحیح نیز ثابت است یا همانطور مجادله لساني است وثبوت هشت کعت را از رسول اکرم ﷺ طوري ما میدهیم که براي شما گنجایش انکار ازآن نخواهد باشد اما بشرطیکه بنظر انصاف آن را بنگرید اکنون بگیرید سر دست بنده عاجز یک حدیث را نقل مي نماید حدیث اول در بخاري

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب ما یفسد الصلوة وما یکره فیها مطلب في احکام المسجد ج۱ ص٦۱۷، ط.س. ج۲ ص٤۵۹. ظفیر الدین غفر له

(۲) رد المحتار باب ما یفسد الصلوة الخ مطلب في احکام المسجد ج۱ ص٦٦۷. ظفیر

شريف است: قيام النبي ﷺ بالليل في رمضان وغيره: عن ابي سلمة بن عبد الرحمن أنه سأل عائشة (رض) كيف كانت صلوة رسول الله ﷺ في رمضان فقالت: ما كان رسول الله ﷺ يزيد في رمضان ولا في غيره على احدى عشرة ركعة يصلي اربعا فلا تسئل عن حسنهن وطولهن ثم يصلي اربعا فلا تسئل عن حسنهن وطولهن ثم يصلي ثلثا قالت عائشة فقلت يا رسول الله ﷺ اتنام قبل ان توتر فقال: ياعآئشة (رض) ان عيني تنامان ولا ينام قلبي. (بخاري كتاب التهجد پاره پنجم). بلي قبلا شما تحرير نموديد كه چگونه تغليط غير مقلد شده است واكنون شما تحرير نموديد كه در مقابل جمهور احناف قول علامه ابن الهمام رح قابل قبول نيست وسپس ازآن مينگاريد كه اين تغليط غير مقلد است نه از ابن الهمام رح ومولانا به ارشاد خداوندي نيز عمل مي نمايد بناءا وقتيكه نطق مي نمائيد به انصاف بايد بگوئيد؟

جواب: قال في شرح المنية: تنبيه: علم من هذه المسئلة ان التراويح عندنا عشرون ركعة بعشر تسليمات وهو مذهب الجمهور وعند مالک (رح) ست وثلاثون ركعة احتجاجا بعمل اهل المدينة وللجمهور مارواه البيهقي باسناد صحيح عن السائب بن يزيد قال كانوا يقومون على عهد عمر رض بعشرين ركعة وعلى عهد عثمان رض وعلي رض مثله [1] الخ از اين حديث طرز العمل خلفاء راشدين معلوم شد وهمچنان مذهب احناف (رح) نيز واضح گرديد، وجواب حديث بخاري آنست كه در آن بيان نماز تهجد است نه تراويح چنانچه در حديث لفظ في غيره برآن دلالت مي نمايد زيرا در غير از رمضان تراويح وجود ندارد بناء ازآن چنان نماز مراد كرده خواهد شد كه در رمضان وغير رمضان هر دو باشد وآن نماز تهجد است وفي الدر المختار: التراويح سنة مؤكدة لمواظبة الخلفاء الراشدين الخ وهي عشرون ركعة قال في ردالمحتار قوله وهي عشرون ركعة هو قول الجمهور وعليه عمل الناس شرقا وغربا [2] الخ وقبيله: وكيف لا وقد ثبت عنه ﷺ عليكم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين المهديين عضوا عليها بالنواجذ كما رواه أبو داود [3]. فقط

بعد از تراويح اواز بلند درود وسلام ثبوت ندارد: **سوال:** (۱۷۶۱) در بعضي مناطق بعد از اداء نمودن چهار كعت مي نشيند ودر حين قيام نمودن آهسته تسبيح ميگويد وبعد از درود بر

(۱) غنية المستملي ص ۳۸۸. ط.س. ج۲ ص۴۵. ظفير

(۲) رد المحتار باب الوتر والنوافل مبحث التراويح ج۱ص۶۶۰. ظفير

(۳) رد المحتار باب الوتر والنوافل مبحث التراويح ج۱ ص۶۵۹، ط.س. ج۲ ص۴۲. ظفير

خواجه عالم به آواز بلند نعره خود را میکشد: صلوات بر محمد ﷺ آیا براي این عمل در کدام کتاب اصل یافته میشود یا نه؟

جواب: براي عمل فوق الذكر به هيئت كذائيه در شريعت هيچ اصل وجود ندارد وفقهاء مي نويسند كه درهر ترويحهٔ تراويح يعني بعد از چهار ركعت اختيار دارد اگر تسبيح ميگويد يا قرآن را تلاوت مي نمايد يا نوافل اداء مي نمايد ويا هيچ نميكند ودرشامي مذكور است كه قهستاني نوشته است بعد از هر ترويحه سبحان ذي الملك والملكوت [1] الخ را سه بار بگويد بنده احقر ميگويد كه درمورد تكرار كلمه: سبحان الله والحمد لله ولا إله الا الله والله اكبر در احاديث صحيح بسيار فضائل آمده است بناءا تكرار آن افضل است وهمين معمول است ومختار حضرت محدث وفقيه گنگوهي صاحب رح بود. فقط

بيس ركعت تراويح: سوال: (۱۷٦۲) دررمضان المبارک چند رکعات تراویح اداء نمودن بکار است؟

جواب: بیست رکعات اداء نمودن بکار است [2]. فقط

اگر نيت معاوضه را داشته باشد اما بزبان نگويد در اين صورت داد وستد نيز ناجائز است: سوال: (۱۷٦۳) در قیام رمضان بغرض ختم قرآن مجید براي قاري به نیت دادن وگرفتن شنیدن قرآن کریم وشنواندن آن وبعد ازآن داد وستد چگونه است؟ ودر حالیکه نیت هر دو گرفتن واعطاء نمودن باشد وبغیر ازآن کسي نمیشنواند اگر در یک مسجد قرآن مجید شنوانده نشود وتنها بر اداء نمودن تراویح اکتفاء شود آیا مردم قریه از قیام رمضان محروم خواهد باشند یا نه؟

جواب: تلاوت نمودن قرآن مجید بالا اجرت درست نیست وخالي از ثواب میباشد واز نگاه (المعروف كالمشروط) هر کسي که نیت داد وگرفتن را دارد آن نیز در حکم اجرت داخل وناجائز است [3] ودر همچو حالت تنها تراویح اداء نمودن وعدم سمع کردن قرآن مجید بالا اجرت افضل وبهتر است وتنها با اداء کردن تراویح نیز ثواب وفضیلت قیام رمضان حاصل خواهد شد.

---

(۱) رد المحتار باب الوتر والنوافل مبحث التراويح ج۱ ص٦٦١. ط.س. ج۲ ص٤٦. ظفير

(۲) وهي عشرون ركعة (الدر المختار على هامش ردالمحتار مبحث التراويح باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦٦٠، ط.س. ج۲ ص٤٥). ظفير

(۳) وان القرآءة بشيء من الدنيا لا تجور والآخذ والمعطي آثمان لأن ذلک يشبه الإستيجار على القراءة ونفس الاستيجار عليها لا يجوز (الدر المختار باب قضآء الفوائت مطلب في بطلان الوصية ج۱ ص٦٨٧، ط.س. ج۲ ص٧٣). ظفير

چند ساله بچه امامت تراویح را ادا میتواند؟ **سوال**: (۱۷٦٤) چند ساله بچه قرآن مجید را در تراویح شنونده میتواند آیا پسر شانزده ساله در تراویح قرآن مجید شنونده میتواند یا نه؟ در حالیکه پسر مذکور سبیلت وریش هیچ ندارد وهمچو پسر که پانزده ساله باشد او در صف اول بزرگان ایستاده وازقاري دیگر قرن را شنیده میتواند یا نه؟ واگظ پس سیزده یا چهارده ساله باشد آیا او همچنان در صف اول ایستاده وشنیده میتواند یا نه؟

جواب: اگر نشاني هاي متباقي بلوغ مانند احتلام وغیره در پسر موجود نباشد پس شرعا با تکمیل پانزده سالگي حکم بلوغ داده میشود [۱] وهر پسر که سال شانزدهم او شروع شده باشد بدنبال او تراویح وفرائض وسائر نمازها درست است اگر چه ریش نداشته باشد وپسر داراي همچو عمر در صف اول نیز ایستاده شده میتواند واما پسر سیزده ویا چهارده ساله امام شده نمیتواند [۲] لکن در تراویح بخاطر آموختن در صف اول ایستاد شده میتواند.

ختم القرآن در تراویح سنت است. **سوال**: (۱۷٦۵) براي قاري تراویح شنواندن قرآن واجب است یا مستحب ودرصورت وجوب اگر یک نفر در وقت تلاوت قوت وتوانمندي خود داري از ریاء رادر خویش ندارد آیا برایش شنواندن جائز است یا نه ودر صورت عدم جواز نه شنواندن قرآن مجید کدام حق ومؤاخذه بدوش او باقي مي ماند یا نه اگر باقي باشد در آن صورت راه بیرون رفت چیست؟

جواب: شنیدن قرآن مجید وشنواندن هر دو سنت ومستحب است وبوجه ریا وعجب ترک نمودن آن بکار نیست في المقدور کوشش نمودن حصول اخلاص بکار است وبخاطر رضاي الله ولوجه الله بدون معاوضه شنوانده شود زیرا این عمل داراي اجر وثواب عظیم است ودر آن فضیلت نیز میباشد [۳] وباقي آنکه اگر بنابر معاذیر کدام قاري در تراویح قرآن کریم را قرائت ننمود وهمانطور قرآن را تلاوت میکرد از مؤاخذه بري میباشد، قال الله تعالي: لَا يُكَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا

---

(۱) بلوغ الغلام بالاحتلام والاحبال والانزال الخ فان لم يوجد فيهما شيء فحتى يتم لكل منهما خمس عشرة سنة به يفتى لمقصر اعمار اهل زماننا (الدر المختار كتاب الحجر فصل بلوغ الغلام ج٥ ص١٣٢، ط س. ج٢ ص١٥٣). ظفير

(۲) لا يصح اقتداء رجل بامرأة وخنثى وصبي مطلقا ولو في جنازة ونفل على الاصح (درمختار) قال في الهداية وفي التراويح والسنن المطلقة الخ والمختار انه لا يجوز في الصلوات كلها. (ردالمحتار باب الإمامة ج١ ص٥٣٩، ط.س. ج٢ ص٥٧٦). ظفير

(۳) والختم مرة سنة ومرتين فضيلة وثلاثا افضل ولايترک الختم لكسل القوم (درمختار) اى قراءة الختم في صلاة التراويح سنة (ردالمحتار مبحث التراويح ج١ ص٦٦٢، ط.س. ج٢ ص٤٦). ظفير

الاّ وُسعَها. فقط

در ترویحه مناجات درست است یا نه؟ **سوال:** (۱۷٦٦) مولانا کرامت علي جونپوري در تراویح بعد از هر ترویحه یک مناجات را تحریر نموده است آیا این بکدام دلیل معتبر ثابت است یا نه؟ اگر آن را ترک نماید ومتباقي مناجات را بگوید آیا گفته میتواند یا نه؟

جواب: در هر ترویحه گفتن تسبیح تهلیل درود شریف واستغفار وغیره درست است ونیازي براي کدام مناجات مخصوص احساس نمیباشد سبحان ذي الملک والملکوت الخ را در شامي وغیره نقل نموده است ودر آن نیز کدام حرج نیست واما تکرار نمودن کلمه سبحان الله والحمد الله الخ زیادتر پسندیده است.[1]. فقط

درتراویح با استماع قرآن مجید ثواب قرآن برآورده میشود یا نه؟ **سوال:** (۱۷٦۷) زید میگوید که در تراویح دو چیز است اول قرائت که فرض است دوم سنت مؤکده وقتیکه در تراویح قرآن قرائت شد پس در هر دو چیزها تنها ثواب یک چیز حاصل شد یعني اگر ثواب سنت مؤکده را حاصل کرد پس از ثواب قرائت محروم باقي ماند بناءا بعد از نماز تراویح در همان وقت بالای کسي قرآن را تلاوت نماید وخودش آن را سمع کند که هر دو ثواب بزایش حاصل شود وزید بر این قسم مسائل تاکید عمل کردن را مي نماید آیا این صحیح است یا نه؟ .

جواب: این قول او غلط است زیرا بقرائت قرآن مجید در تراویح براي قرائت کننده وسمع کننده هر دو ثواب داده وحاصل میشود وهر کسي که همچو مسائل را بیان مي نماید وبر آن پا فشاري میکند آنکس را لایق نیست که امام نصب گردد. فقط

آیا قاري شیعه بشریک شدن در جماعت فتحه داده میتواند؟ **سوال:** (۱۷٦۸) اگر امام در تراویح مرتکب غلطیها میشد وسامع همچنان فراموشي مي نمود ودرآن اثنا قاري شیعه موجود است اگر او نیت نماید ودر جماعت شریکت ورزد وفتحه براي امام بدهد آیا بنزد احناف جائز است یا نه؟

جواب: اگر شیعه مذکور قسما باشد که نه تبرا کننده باشد ونه از صحبت صدیق اکبر منکر باشد

---

(۱) ویجلس ندبا بین کل اربعة بقدرها وکذا بین الخامسة والوتر ویخیرون بین تسبیح وقراءة وسکوت وصلوة فرادی (درمختار) قال القهستاني فیقال ثلاث مراة سبحان ذي الملک والملکوت، سبحان ذي العزة والعظمة والقدرة والکبریاء والجبروت سبحان الملک الحي الذي لا یموت سبوح قدوس رب الملائکة والروح لا إله إلا الله نستغفر الله نسئلک الجنة ونعوذ بک من النار (ردالمحتار مبحث التراویح ج۱ ص٦٦١، ط.س. ج۲ ص٤٦). ظفیر

ونه قائل برقذف عائشهٔ صديقه رض باشد پس در اين صورت فتحه دادن او جائز است وبرهمنائي او نماز فتح گيرنده ونماز مقتديان او صحيح است [۱]. واگر قاري شيعه غالي باشد وسخنان متذكره در او موجود باشد يعني تبرائي باشد واز صحبت خليفه اول منكر باشد وقائل به إفك حضرت عائشه صديقه رض باشد پس چونكه همچو رافضي مرتد وكافر است فلهذا بفتح دادن او وأخذ نمودن امام فتح او را نماز امام وسائر مقتديان باطل ميشود [۲]. فقط

آيا تراويح بعد از سورت والضحي در هر سورت گفتن الله اكبر سنت است؟ سوال:

(۱۷۶۹) چون ختم كلام الله شريف در تراويح كرده شود بعض حفاظ بعد سورت والضحى تا آخر قرآن بر اختتام هر سورت الله اكبر مي خوانند كه علاوه از تكبير ركوع مي باشد وگمان مي كنند كه سنت است؟

جواب: فقهاء رحمهم الله اين قسم اذكار وادعيه را برخارج ازصلاة يا برصلاة نافله كه منفردا اداء كرده شود محمول فرموده اند پس قول مانعين درين باره صواب است وقول مجوزين خطاء قال في الدر المختار: بل يستمع وينصت الخ وإن قرء الامام آية ترغيب وترهيب وكذا الامام لا يشتغل بغير القرآن وما ورد حمل على النفل منفردا الخ الدر المختار، قوله حمل على النفل منفردا افاد ان كلا من الامام والمقتدي في الفرض والنفل سواء اما الامام في الفرائض فلما ذكرنا من انه لم يفعله فيها وكذا الائمة من بعده إلى يومنا هذا فكان من المحدثات ولانه تثقيل على القوم فيكره واما في التطوع فان كان في التراويح فكذلک الخ شامي ج۹ ص۳٦٦. [۳] فقط

درداخل منزل درتراويح اقتداءا زنان محرم وغير محرم درست است يانه؟ سوال:

(۱۷۷۰) شخصي فرض عشاء را بجماعت در مسجد در ماه رمضان اداء نموده تراويح ووتر را در خانه خود مي خواند ودر تراويح ختم قرآن ميخواند بعضي زنان محرمات اند وبعضي زنان غير محرمات درآن خانه آمده زيرابه اقتداءآن حافظ تراويح ووتر اداء مي نمايند اين اقتداء جائز است

---

(۱) وفتحه على غير امامه الخ بخلاف فتحه على امامه فانه لايفسد مطلقا لفاتح واخذ بكل حال إلا إذا سمعه المؤتم من غير مصلى ففتح به تفسدصلاة الكل (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب ما يفسد الصلوة ومايكره فيها ص۵۸۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص۶۲۲). ظفير

(۲) بخاطر آنكه همچو شيعه كافر است لهذا فتح او فتح خارج است كه مفسد صلاة است صراحت كفر است كه مفسد صلاة ميباشد: ويفسدها الخ فتح على غير امامه أيضا، ودر مورد همچو أهل تشيع صراحت كفر است: وبهذا ظهر أن الرافضي ان كان ممن يعتقد الألوهية في على اوان جبريل غلط في الوحي او كان ينكر صحبة الصديق او يقذف السيدة الصديقة فهوكافر الخ (ردالمحتار فصل في المحرمات ص۳۹۸ ج۲، ط.س. ج۳ ص۴۶). ظفير

(۳) ردالمحتار فصل في القراءة ص۵۰۸ – ۵۰۹ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۴۶. ظفير

یا نه؟

جواب: بوجود زنان محرم کراهیت مرتفع مي شود: كما يظهر من عبارة الدر المختار [1] وفي رد المحتار: وافاد أن المراد بالحرم ماكان من الرحم [2] الخ. فقط

آیا تراویح چنان اداء نمودن درست است که در رکعت اول یک سورت قرائت نماید ودر رکعت دوم تنها سورت اخلاص را بخواند؟ **سوال:** (۱۷۷۱) اداء نمودن تراویح بر این قسم جائز است یا نه مثلا دررکعت اول سورت تکاثر را تلاوت کند ودر رکعت دوم سورت اخلاص را تلاوت نماید یا در رکعت اول سورت والعصر را ودر رکعت دوم سورت اخلاص را قرائت نماید؟

جواب: نماز تراویح طبق نقشه مسئوله نیز درست میشود لکن آن را لازم پنداشتن بکار نیست وبر آن اصرار نمودن نیر بکار نیست اگر بالترتیب در هر رکعت قرائت شود بهتر وپسندیده است [3].

آنکس که درمنزل تراویح بجماعت اداء میکند وبمسجد نمیرود دراین مورد حکم چیست؟ سوال (۱۷۷۲) نماز تراویح را در خانة بجماعت اداء نمودن وبمسجد نرفتن چگونه است؟

جواب: در این صورت حکم آنست که در مسجد تراویح را اداء کند: وظاهر كلامهم هنا ان المسنون كفاية اقامتها بالجماعة في المسجد حتى لو اقامها جماعة في بيوتهم ولم تقم في المسجد آثم الكل كذا في الشامي ص۵۲۱. [4] لکن اگر کسي بالجماعت چنان اداء مي کند که جماعت مسجد مسدود نمیشود این درست است اما این مردم از فضیلت مسجد محروم میباشم در الدر المختار مذکور است: وان صلّى احد في البيت بالجماعت لم ينالوا فضل جماعة المسجد. فقط

تراویح که فوت شده باشد آن را چه وقت ادا کند؟ **سوال:** (۱۷۷۳) یک نفربمسجد وقتي

(۱) كما تكره إمامة رجل لهن في بيت ليس معهن رجل غيره ولا محرم منه كاخته او زوجته او أمته أما إذا كان معهن واحد ممن ذكر او امهن في المسجد لايكره (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الإمامة ج۱ ص۵۲۹، ط.س. ج۱ ص۵٦٦). ظفير

(۲) ردالمحتار باب الإمامة ج۱ ص۵۲۹، ط.س. ط.س. ج۱ ص۵٦٦. ظفير

(۳) ثم بعضهم اختاروا قل هو الله احد في كل ركعة وبعضهم اختاروا قراءة سورة الفيل إلى اخر القر ان وهذا أحسن القولين لأنه لايشتبه عليه عدد الركعات ولا يشتغل قلبه بحفظها كذا في التجنيس (عالمگيري كشوري فصل في التراويح ج۱ ص۱۱۷ ط. ماجدية ج۱ ص۱۱۸). ظفير

(٤) رد المحتار مبحث في التراويح ج۱ ص٦٦٠ ، ط.س. ج۲ ص٤۵. ظفير

داخل شد که فرض عشاء اداء شده بود وبعد از ادا شدن دو یا چهار رکعت تراویح درتراویح شامل شد پس اکنون تراویح متباقی را چگونه تکمیل نماید آیا امام وقتیکه بعد ازهر چهار رکعت جلوس مي نماید درآن وقت که موقع برایش میسر شود آن را ادا کند ویا امام هر گاه بیست رکعت را تکمیل نمود درآن حالت وتر را بجماعت اداء نماید ویا بعد از تکمیل نمودن تراویح متباقي؟

جواب: اگر در ما بین برایش موقع دریافت باشد ودرمیان ترویحه امام موقع میسر گردید دراین وقت آن را اداء کند ور نه وتر را با امام بجماعت ادا کند وبعد ازآن متباقی تراویح را تکمیل نماید [۱]. فقط

امامت نا بالغ در تراویح درست نیست: سوال: (۱۷۷٤) نا بالغ اگر در تراویح امام شود آیا اقتداء به او درحق بالغان ونابالغان جائز است یانه؟

جواب: در مورد اداء نمودن تراویح بدنبال نابالغ خلاف است لکن أصح آنست که جائز نیست. [۲] فی المنیة وذکر فی بعض الفتاوی: انه لا یجوز لان یؤم البالغین في التراویح، وهو المختار [۳]. فقط

امامت نابالغ در تراویح درست نیست: سوال: (۱۷۷۵) عمر در سن سیزده سالگي بعد از حفظ قرآن مجید با صحت الفاظ براي مقتدیان امامت تراویح را داد اما امامت فرض ووتر را استاذش کرد اکنون زید میگوید که بوجه نابالغ بودن عمر تراویح مقتدیان ناقص است بناءا آیا در این صورت تراویح صحیح است یا آنکه بقول زید ناقص است؟

جواب: صحیح آنست که بدنبال بسر سیزده ساله نه فرائض ونه واجبات صحیح است ونه نوافل ونه تراویح درست است فلهذا قول زید صحیح است که تراویح مقتدیان درست نشده است [٤]. فقط

---

(۱) وإذا فاتته ترويحة او ترويحتان فلو اشتغل بها يفوته الوتر بالجماعة يشتغل بالوتر ثم يصلي ما فاته من التراويح وبه كان يفتي الشيخ الإمام الأستاذ ظهير الدين كذا في الخلاصة. (عالمكيري كشوري باب التراويح ج۱ ص۱۱۹ ط. ماجدية ج۱ ص۱۲۰). ظفير

(۲) ولا يصح اقتداء رجل بامرأة ولا خنثى ولا صبي مطلقا ولو في جنازة ونفل على الأصح (درمختار) قوله ونفل على الأصح قال في الهداية في التراويح والسنن المطلقة جوزه مشائخ بلخ ولم يجوزه مشائخنا ومنهم من حقق الخلاف في النفل المطلق بين ابي يوسف ومحمد والمختار أنه لا يجوز في الصلوات كلها اهـ (ردالمحتار باب الإمامة ج۱ ص ۵۳۹ – ۵٤۰ , ط.س. ج۱ ص۵۷٦). ظفير

(۳) غنية المستملي بحث تراويح ص۳۹۰. ظفير

(٤) والمختار أنه لايجوز في الصلوات كلها اهـ (رد المحتار باب الإمامة ج۱ ص۵٤۱, ط.س. ج۱ ص۵۸۸) ظفير

بعد از وتر وتراويح دعا ثابت است يانه؟ **سوال:** (١٧٧٦) بعد از نماز تراويح دعا خواستن جائز است يا نه ودر رمضان المبارک بعد از وتر دعا ثابت است يا نه؟

جواب: بعد از اختتام تراويح دعا خواستن درست ومستحب است وبر آن معمول سلف وخلف ميباشد سپس ازآن بعد از وتر دعا ضروري نيست بلكه يكبار كافي است يعني بعد از اختتام تراويح كافي است. فقط

تهجد وتراويح از آنحضرت ﷺ ثابت است: **سوال:** (١٧٧٧) تهجد وتراويح اداء كردن از رسول اكرم ﷺ ثابت است يا نه؟ اگر ثابت است چند ركعت است؟

جواب: در مورد تهجد آمده است كه جناب رسول اكرم ﷺ در رمضان المبارک ودر غير رمضان المبارک با وتر بيشتر از يازده ركعت تهجد زياد نميكردند يعني اكثرا عادت مبارک ايشان همچنان بود [1] واما تراويح را آنجناب ﷺ سه شب اداء فرموده اند وبعد از جناب رسالت مآب ﷺ صحابه كرام رض بر آن تداوم فرموده اند لهذا تراويح با جماعت سنت شده است [2] والتفصيل فى المطولات. فقط

در ترويحهٔ تراويح رواج وعظ درست است يانه؟ **سوال:** (١٧٧٨) بطور عموم در مساجد بعد از هر چهار ركعت نماز تراويح تسبيح گفته ميشود لكن در يک مسجد بر خلاف آن رد اين وقفه اندک وعظ گفته ميشود آيا اين هر دو عمل جائز است؟

جواب: بعد از هر چهار ركعت نماز تراويح مشروع ومستحب آنست كه تسبيح، تهليل ودرود شريف وغيره بگويد واگر در بعضي اوقات كدام وعظ ضروري شود اگر احساس ضرورت باشد در آن كدام قباحت نيست لكن التزام آن را كردن كه در هر ترويحه حتما وعظ كرده شود اين ناپسند است كما قال في الدر المحتار: ويخيرون بين تسبيح وقرآئة وسكوت وصلوة فرادى [3]

---

(١) عن ابي سلمة بن عبدالرحمن أنه أخبره انه سأل عائشة أم المؤمنين كيف كانت صلوة رسول الله ﷺ في رمضان قالت ماكان رسول الله ﷺ يزيد في رمضان ولاغيره على إحدى عشرة ركعة يصلي اربعا فلا تسئل عن حسنهن وطولهن ثم يصلي اربعا فلا تسئل عن حسنهن وطولهن ثم يصلي ثلاثا الخ (نسائي شريف باب كيف الوتر بثلاث ج١ ص١٩٩). ظفير

(٢) عن ابي ذر قال صمنا مع رسول الله ﷺ فلم يقم بنا شيئا من الشهر حتى بقى سبع فقام بنا حتى ذهب ثلث الليل فلما كانت السادسة لم يقم بنا فلما كانت الخامسة قام بنا حتى ذهب شطر الليل الخ رواه ابوداؤد وغيره (مشكوة باب قيام الليل الخ رواه ابوداؤد وغيره (مشكوة باب قيام الليل) التراويح سنة مؤكدة لمواظبة الخلفاء الراشدين للرجال والنساء إجماعا (الدرالمختار على هامش ردالمحتار مبحث صلوة التراويح ج١ ص٦٥٩، ط.س. ج٢ ص٤٣). ظفير

(٣) الدرالمختار على هامش ردالمحتار مبحث صلوة التراويح ص١ ص٦٦١، ط.س. ج٢ ص٤٦. ظفير

الخ در مختار. فقط

در مورد تراویح یک چند سوالات: سوال: (۱۷۷۰) دررمضان المبارک بغیر ازسامع خواندن قرآن مجید جائز است یانه؟ در پانی پت ضلع کرنال رواج است که دو نفر قاری قرآن را قرائت می نمایند درده رکعت یک قاری ودرده رکعت قاری دیگر آیا این عمل جواز دارد یانه؟ اگر در تراویح قاری بغلطی برکعت سوم قیام ورزد چهار رکعات پنداشته میشود یا دو؟ اگر دو پنداشته شود چنانچه در اشتهار است سپس در دو رکعت آخری که قرآن مجید را تلاوت نموده است آیا ضرورت برای اعاده آن است یا نه؟ واگر قاری قرآن را شروع نمود وبنا بر کدام عذر در وسط یک دو روز آن را نخواند مثلا ده پاره را قرائت نمود وبعد از آن قاری دیگر تا به پارۀ پانزده هم قرآن را قرائت نمود پس اکنون که قاری سابق واول که شروع می نماید از بارۀ یازده هم شروع کند ویا از پارۀ شانزده هم شروع کند؟

جواب: اگر قرآن مجید را خوبتر بیاد داشته باشد پس بغیر از سامع نیز قرائت نمودن درست است اگر از قاری فراموش شد یا شک برایش طاری شد در این صورت بعد از سلام نظر کند اگر غلطی شده باشد آن را اعاده کند لکن بهتر آن است که سامع داشته باشد بخاطر آنکه مطمئن الفؤاد باشد. ودر پانی پت که کدام رواج است در اینجا نیز در بعضی مساجد همانطور تعامل است واین هم جائز است [۱] ودر صورت اداء نمودن چهار رکعت که قرآن مجید در دو رکعت آخری آن تلاوت شده است نیازی برای اعاده آن نیست [۲] واما وقتیکه قاری اول ده پاره را قرائت نمود وبعد از آن تا به پارۀ پانزده هم خواند وهرگاه که حافظ نخستین آمد او اختیار دارد که از شانزده هم تلاوت می نماید ویا از یازده هم قرائت را شروع میکند لکن بخاطر تکمیل قرآن مجید خویش بهتر آنست که از یازده هم شروع نماید. فقط

حکم تارک تراویح: سوال: (۱۷۸۰) آن عده مردمی که تراویح را اداء نمیکنند در مورد آنان چه حکم است؟

---

(۱) والأفضل أن يصلي التراويح بامام واحد فإن صلوها بإمامين فالمستحب أن يكون إنصراف كل واحد على كمال الترويحة فإن إنصرف على تسليمة لا يستحب ذلک في الصحيح (عالمگیري کشوري فصل في التراويح ج۱ ص۱۱۵، ط. ماجدية ج۱ ص۱۱٦). ظفير

(۲) وعن ابي بكر الأسكاف أنه سئل عن الرجل قام إلى الثالثة في التراويح ولم يقعد في الثانية فإن تذكر في القيام ينبغي أن يعود ويقعد ويسلم وإن تذكر بعد ما سجد للثالثة فان أضاف إليها ركعة اخرى كانت هذه الأربعة عن تسليمة واحدة (ايضاً ص۱۱۷) وإذا فسد الشفع وقد قرأ فيه لايعتد بما قرأ فيه ويعيد القراءة ليحصل له الختم في الصلوة الجائزة (ايضا ج۱ ص۱۱٦). ظفير

جواب: تراویح بنزد احناف رح سنت مؤکد است وجماعت نیز در تراویح سنت میباشد تارک او مسی وگنهکار است. [۱] فقط

شبینه جائز است یانه؟ **سوال**: (۱۷۸۱) بتعداد چند قراء در یک شب قرآن مجید را ختم مي نماید که آن را شبینه گویند آیا این درست است یانه؟

جواب: قرآن مجید را آنقدر بسرعت تلاوت نمودن که حروف آن در فهم نیاید واز مخارج اداء نشود نا جائز است فلهذا اگر در شبینهٔ مذکور همچو تلاوت بسرعت میشود آن نیز نا جائز است کما في الدر المختار: ویجتنب المنکرات هذرمة القرائة [۲] الخ. فقط

قرائت نمودن سورت الاخلاص در هر رکعت تراویح درست است یانه؟ **سوال**: (۱۷۸۲) بعضي مردم در تراویح چنان طریقه را وضع نموده است که درهر رکعت با سورت فاتحه سورت اخلاص را تلاوت مي نماید آیا این از کراهیت خالي است یا نه؟

جواب: شامي مینویسد: واختار بعضهم سورة الاخلاص في کل رکعة الخ [۳] از این معلوم شد که در آن همچنان حرج نیست. فقط

بخاطر در مضیقه آغشته نمودن قاري شود وشغب کردن در وقت تراویح ناجائز است:

سوال: (۱۷۸۳) بعضي قراء عادت دارند وقتیکه یک پسر مجددا در محراب پیش میشود وقرآن را میشنواند او درآن وقت میرود وبخاطر ترساندن وفراموش نمودن قاري بشدت پاهاي خود را برزمین می بد وحلقوم را تازه مي نماید وسرفه میکند بناءا درمورد همچو قراء حکم چیست؟

جواب: این عملگرد قراء جائز نیست در حدیث شریف است که رسول الله ﷺ از اغلوطات منع فرموده اند یعني آن اموریکه مسلمانان را در مغالطه مي اندازد ازاین امور خود داري کردن لازم است. [۴] فقط

---

(۱) ونفس التراویح سنة علی الأعیان عندنا الخ والجماعة فیها سنة علی الکفایة الخ وإن تخلف واحد من الناس وصلاها في بیته فقد ترک الفضیلة (عالمکیري کشوري ج۱ ص۱۱۵) قوله والجماعة فیها سنة علی الکفایة الخ أفاد أن اصل التراویح سنة عین فلو ترکها واحد کره (ردالمحتار مبحث صلوة التراویح ج۱ ص۶۶۰، ط.س. ج۲ ص۴۵) ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار مبحث صلوة التراویح ج۱ ص۶۶۳، ط.س. ج۲ ص۴۵. ظفیر

(۳) ردالمحتار مبحث صلوة التراویح ج۱ ص۶۶۲، ط.س. ج۲ ص۴۷. ظفیر

(۴) عن معاویة رضي الله عنه أن النبي صلی الله علیه وسلم نهی عن الأغلوطات رواه ابوداؤد (مشکوة کتاب العلم ص۳۵) ظفیر

قرآن مجید را آنقدر بسرعت خواندن مناسب نیست که درفهم نیاید: سوال: (۱۷۸٤) برخي از قراء درتراويح قرآن كريم را آنقدر بسرعت ميخواند كه علاوه از تَعْلَمُوْنَ تَعْلَمُوْنَ چيزي ديگر در فهم نمي آيد وبعضي مقتديان نيز همچو تلاوت را بخاطر آنكه تراويح بسرعت اختتام يابد آن را مي پسندند بناءا ايشان چه حكم دارد؟

جواب: در الدرالمختار مذكور است: ويجتنب المنكرات هذلفة القراءة وترک تعوذ وتسمية وطمانية [1] الخ يعني در ختم قرآن كريم خود داري كند از منكرات واز تلاوت سريع وترک تعوذ بسم الله وطمانية اجتناب ورزد، از تحقيق فوق معلوم شد كه چنين قرائت امر منكر است كه بعوض حصول ثواب باعث معصيت ميگردد. فقط

بوجه فراموشی خاموش شدن وتفکر نمودن چگونه است؟ سوال: (۱۷۸۵) (۱) بعضي قراء در جريان قرائت فراموشي مي نمايد پس احيانا در حالت قيام خاموش شود ودر فكر نمودن آغاز نمايد واحيانا درقعده قبل التشهد يا بعد ازتشهد تفكر مي كند بناءا اين چه حكم دارد؟

در وقت فراموشی از یکجا وجای دیگر خواندن جواز دارد یانه؟ سوال: (۱۷۸٦) (۲) بعضي قاريان كه در جريان تلاوت برايش فراموشي طاري شود او خاموش نميشود بلكه احيانا از يک سورت واحيانا از سورت ديگر از يكجا وجاي ديگر در تلاوت مي پردازد اگر درآن اثنا بيادش آمد او درست تلاوت را شروع مي نمايد واگر بيادش نيامد پس تابه وقتي بعد از پريشاني ركوع مي نمايد ونماز خود ر به انجام ميرساند لكن اگر بيادش آيد ويا نيايد در هر دو صورت آنان سجده سهوه مي كنند آيا سهوه كردن بكار است يا نه؟

جواب: (۱ – ۲) در اين هر دو صورت سجدة سهوه كردن بكار است والعامل أنه اختلف في التفكر الموجب السهو فقيل ما لزم منه تاخير الواجب او الركن عن محله بان قطع الاشتغال بالركن او الواجب قدر اداء ركن وهو الاصح وقيل مجرد التفكر الشاغل للقلب وان لم يقطع الموالات [2] الخ. فقط

فتح دادن غلط درتراویح برای مشوش نمودن: سوال: (۱۷۸۷) بعضي قراء سابقه قاري جديد را در تراويح براي اين مقصد غلط فتح ميدهد كه پريشان شود اين چه حكم دارد؟

---

(۱) الدر المختار على هامش ردالمحتار مبحث التراويح ج۱ ص۲۲۳، ط.س. ج۲ ص٤٧. ظفير

(۲) رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰٦ تحت قوله واعلم أنه إذا شغله الخ. ظفير

جواب: این هم ازآن اغلوطات است که در حدیث از آن ممانعت آمده است [۱] . فقط

نیت را بسته نموده فتحه داد سپس نیت را شکست این چگونه است؟ سوال: (۱۷۸۸) بعضي قراء تلاوت یک قاري را بیرون از نماز نشسته میشنود وقتیکه برایش فراموشي عارض شود او عجالة در داخل صف یا عنقریب صف نیت میکند و سپس براي قاري فتح میدهد وبالفعل نیت را میشکناند ومي نشیند وبعضي خدا ناترس در همچو صورت چنان عمل میکند که بغیر از وضوء ویا با وجود قدرت استعمال آب تیمم مي نماید ونیت نموده او را فتح میدهد بناءا در این هر دو صورت حکم فتح دهنده و فتح گیرنده چیست؟

جواب: اگر بعد از نیت نمودن فتح بدهد در نماز قاري کدام خلل واقع نمیشود لکن او در شکستاندن نیت گنهکار میشود وقضا بر او لازم میباشد وهر کسي که بغیر از وضوء فتح داد ویا در موجودیت آب تیمم نمود وبرایش فتح داد وقاري فتح را گرفت پس نماز قاري ونماز سائر مقتدیان همچنان فاسد شده است [۲]. فقط

بهیئت خوابیده در وقت تراویح گفتگو نمودن: سوال: (۱۷۸۹) بعضي مقتدیان چنان عمل میکنند وقتیکه قاري در تراویح دو سه پاره یا بیشتر را قرائت مي نماید پس ایشان درواز صف یا خارج از نماز خاموش نشسته میباشند ویا در شغل خوابیده میباشد یا بطور خفیه گفتگو مي نمایند لکن در حالت خاموشي همچنان شنیدن قرآن مجید هرگز مقصود آنان نمیباشد آیا برای آنها ثواب شنیدن است ویا چطور؟ ودر شریعت این فعل چه حکم دارد؟

جواب: واضح وروشن است که گفتگو کردن در همچو اوقات گناه است ومبطل ثواب میباشد وخاموش نشستن ودر حالت اضطجاع بودن اگر چه بنیت استماع نباشد لکن آواز قاري بگوش او میرسید در این وقت ثواب شیندن برایش حاصل خواهد شد. [۳] فقط

یک قاري در دو مساجد تراویح میدهد: سوال: (۱۷۹۰) بعض قاریان صاحبان چنین عمل مي نماینده‌که در یک مسجد تراویح را میدهد سپس در همان وقت دو مسجد دیگر نیز تراویح میدهد در این موردِ حکم چیست؟

---

(۱) عن معاویة قال أن النبي صلی الله علیه وسلم نهی عن الأغلوطات رواه ابوداؤد (مشکوة کتاب العلم ص۳۵). ظفیر

(۲) وإن فتح علی إمامه لفسد (عالمگیري کشوري باب سابع مایفسد الصلوة ج۱ ص۹۰). ظفیر

(۳) یجب الإستماع للقراءة مطلقا (درمختار) ای في الصلوة وخارجها (رد المحتار فصل في القراءة ج۱ ص۵۰۹، د. ط.س. ج۱ ص۵۴۶). ظفیر

جواب: آن را مکروه نوشته است اگر چه تراویح درست خواهد شد [۱] در عالمگیري آن را ناجائز نگاشته است وفتوی نیز بر همان است. فقط

در ختم قرآن از (الم) تابه (هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ) خواندن مستحب است: سوال: (۱۷۹۱) مولانا عبد الحي رح صاحب در تراویح تا به (هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ) ختم نمودن را جائز نوشته است یعني وقتیکه قرآن راختم کند بس درکعت أخری (الم) را تابه (هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ) نیز بخواند وتلاوت کن ودر فتاوی عالمگیري ترتیب ختم را بهمین منوال نیز نوشته است بناء در این مورد سخن صحیح چگونه است؟ واز یک آیت بطرف آیت دیگر منتقل شدن چه حکم دارد وبعضي مردم تابه (هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ) قرائت نمودن را مکروه قرار داده اند؟

جواب: مولانا عبد الحي (رح) صاحب که در این مورد چیزي نوشته است همان صحیح است وفقهاء احناف نیز در ختم قرآن مجید تنها آن را مستحب تحریر فرموده اند که بر آیات اولین سورهٔ بقره ختم شود بخاطر آنکه از حدیث ثابت است وعلاوه از آن او مواضع متفرقه تلاوت آیات را مکروه نوشته است: کما سیجیء عن شرح المنیة: لان النبي ﷺ قال یضر الناس الحال المرتحل اي الخاتم المفتح انتهی [۲] شرح منیة کبیري. فقط

آیا تراویح فوت شده را بعد الوتر اداء نموده میتواند؟ سوال: (۱۷۹۲) زید میگوید بر ذمه کسي که تراویح باقي باشد او با امام وتر را اداء کرده میتواند وبعد از وتر تراویح متباقي را تکمیل نماید عمرو میگوید که نخست تراویح را تکمیل نماید سپس وتر را اداء کند تا وقتیکه تراویح تکمیل نشود با امام در وتر شرکت نکند درالدر المختار وغیره وقت تراویح را بعد العشاء متعین وبیان نموده است خواه قبل الوتر باشد یا بعد الوتر باشد وشارح هدایه تصدیق همین قول را کرده است ودر شامي همچنان تصدیق همین قول است بناءا تحقیق مسئله چگونه است؟

جواب: درالدر المختار مذکور است: فلو فاته بعضها وقام الامام الی الوتر اوتر معه ثم صلی [۳] ما

---

(۱) در عالمگیري جواب سوال مذکور را عدم جواز نوشته است که الفاظش عبارت است از: إمام یصلي التراویح في مسجدین في کل مسجد علی الکمال لایجوز کذا في محیط السرخسي الفتوی علی ذلک کذا في المضمرات (عالمگیري مصري ج۱ ص۱۵۹، ط.س. ج۱ ص۱۱٦، باب التراویح). ظفیر

(۲) مطالعه فرمائید: رد المحتار باب صفة الصلوة فصل في القراءة تحت قوله وأن یقرأ منکوسا إلا إذا ختم الخ ج۱ ص۵۱۰، ط.س. ج۱ ص۵٤۷. ظفیر

(۳) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار مبحث التراویح باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦۵۹، ط.س. ج۲ ص٤٤. ظفیر

فاته يعني اگر برخي از تراويح فوت شده بود وامام براي اداء وتر قيام نمود پس وتر را با امام اداء كند وبعد از آن تراويح متباقي را تكميل نمايد ودرالدر المختار مذكور است: ووقتها بعد صلوة العشاء الى الفجر قبل الوتر وبعده في الاصح [1]. زبدهٔ تحقيق مذكور آنست كه وقت تراويح بعد از نماز عشاء تا به فجر مقرر است قبل الوتر باشد يا بعد الوتر بنا بر مذهب اصح فلهذا وقتيكه اصح بودنش معلوم شد پس اكنون هيچ گنجايش تردد باقي نماند. فقط

در تراويح مقدار قرائت مسنون: سوال: (۱۷۹۳) در شب اول رمضان قاری براي شنواندن قرآن مجيد آماده شد در اين اثنا يک مقتدي انكار نمود كه ما قرآن را سمع نميكنيم امام وسائر مقتديان او را پاسخ دادند كه اگر تو سمع نميكني مايان سمع مي نمائيم پس در اين وقت شخص اول گفت كه بسورت هاي كوتاه امامت را بده حالانكه شخص اعتراض كننده تندرست وقوي هيكل است فلهذا در همچو صورت شرعا ارشاد چيست؟

جواب: در اين مورد فقهاء نوشته اند كه در عصر موجوده بهتر آنست كه آنقدر تلاوت در تراويح شود تا كه بر مقتديان ثقيل وسنگين نگردد بناءا قول شخص مذكور را برهمان حمل خواهم كرد كه طبق حال مقتديان سورت هاي مناسب را در تراويح قرائت نمايد وچنان نيست كه انكار از سمع نمودن قرآن مجيد است وبلكه مطلب آنست كه در تراويح قرآن را كاملا ختم مكن بلكه تراويح بسورت ها اداء كن ودر آن كدام قباحت نيست در الدر المختار مذكور است: وفي فضائل رمضان للزاهدي افتى ابو الفضل الكرماني والوبري أنه اذا قرء في التراويح الفاتحة وآية او آيتين لا يكره ومن لم يكن عالما باهل زمانه فهو جاهل الخ. [2]

ده (۱۰) ركعت بامامتی دو مسجد ادا کردن چگونه است؟ سوال: (۱۷۹٤) در يک مسجد خطيب وامام مقرر است واو تراويح را بيک طريقه ميدهد كه امامت فرض عشاء را شخص ديگر اداء ميكند ودرده (۱۰) ركعت تراويح قاري صاحب پاو بالا يک پاره قرآن را قرائت.مي نمايد وتراويح متباقي را يكي از مقتديان بسورت ها امامت ميدهد وبعد ازآن قاري مذكور بمسجد ديگر ميرود وبهمان مقدار پاو بالا يک پاره را در ده (۱۰) ركعت را امامتي قرائت مي نمايد بناءا اين صورت جواز دارد يانه؟

---

(۱) ايضا ج۱ ص۶۵۹، ط.س. ج۲ ص٤٤. ظفير

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار مبحث التراويح باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۲۲، ط.س. ج۲ ص٤۷. ظفير

جواب: قال في العالمگیري: امام یصلي التراویح فی مسجدین في کل مسجد علی الکمال لایجوز کذا في محیط السرخسي [1] از این روایت معلوم شد که ده ده رکعت تراویح را در دو مسجد امامت دادن درست است لکن در ختم نمودن قرآن مجید چیزی معاوضه أخذ نمودن درست نیست کما ورد: اقرءوا القرآن ولا تأکلوا به. فقط

زنان بدنبال مرد پس پرده اقتداء کرده میتوانند: **سوال**: (۱۷۹۵) اگر کسي امامت نماز فرض یا تراویح را میدهد وزنان اداء مي نمایند آیا نماز زنان جائز است یانه؟ وهمچنان در نماز امام کدام خلل وارد نمیشود؟

جواب: نماز مستورات مذکوره درست است [2].

درچهار رکعت تراویح قعده اولی را نکرد: **سوال**: (۱۷۹۶) اگر امام درتراویح براي رکعت سوم قیام نمود وهر چهار رکعات را تکمیل کرد لکن در دورکعت قعده نکرده بود پس در همچو صورت با اداء نمودن سجده سهوه دورکعت خواهد شد یا چهار رکعات؟

جواب: در بیان تراویح درالدر المختار وشامی تصریح بر آنست که در همچو صورت دورکعت تراویح درست میشود: فلو فعلها بتسلیمة فإن قعده لکل شفعة صحت بکراهة وإلا نابت عن شفع واحد به یفتی قوله به یفتی لم أر من صرح بهذا اللفظ هنا وإنما صرح به في النهر عن الزاهدي فیما لو صلی اربعا بتسلیمة وقعدة واحدة الخ شامي ص۴۷۴. [3] فقط

بسم الله را درتراویح جهرا خواندن چگونه است؟ **سوال**: (۱۷۹۷) درمناطق بشاور وغیره درختم تراویح در شروع یک سورت (بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ) را قرائت نمیکند واستدلال میکند که از آنحضرت ﷺ وصحابه کرام رض جهرا ثابت نیست وجزء بودن تسمیة مستلزم جهر نیست حالانکه علماء هندوستان یکبار تسمیة را جهرا میگویند ودرفتاوی مولانا عبد الحی (رح) همچنان یکبار جهرا خواند تسمیة را مسنون نوشته است دلیل این جهر ووجه آن چیست؟

جواب: جهرا خواندن (بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ) یکبار بخاطر آنست که تسمیة جزء سائر قرآن است واگر دریکجا نیز جهرا خوانده نشود پس شنیدن قرآن مجید سمع کننده گان کامل نخواهد

---

(۱) عالمگیري کشوري فصل في التراویح ج۱ص۱۱۵، ط ماجدیة ج۱ ص۱۱۶. ظفیر

(۲) کما تکره امامة الرجل لهن في بیت لیس معهن رجل وغیره لامحرم منه الخ اما إذا کان معهن واحد ممن ذکر أو أمهن في المسجد لایکره. (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الإمامة ج۱ ص۵۲۹، ط.س. ج۱ ص۵۶۶). ظفیر

(۳) رد المحتار باب الوتر والنوافل مبحث التراویح ج۱ ص۶۶۰ – ۶۶۱، ط.س. ج۲ ص۴۵. ظفیر

شد واین بناءا جهر معلوم میشود ورنه ظاهر است که جزء قران بودن مستلزم جهر نیست لکن چونکه ختم همه قرآن در تراویح مسنون است فلهذا جهر بالتسمیه باواز بلند خواندن بسم الله را سنت گفته شده است. [۱] فقط

در ترویحه سرا گفتن تسبیحات مناسب است: **سوال**: (۱۷۹۸) در هر چهار رکعات تراویح که کدام تسبیح قرائت میشود سبحان ذي الملک والملکوت الخ آیا امام آن را جهرا بگوید یا سرا ویا در حکم امام ومقتدیان فرق است؟

جواب: تسبیحات مذکوره سرا بهتر است که گفته شود وبویژه در آن جهر مفرط بکار نیست امام ومقتدیان هر دو تسبیحات را سرا بگویند کما في الحدیث: یا أیها الناس اربعوا علی أنفسکم فانکم لا تدعون اَصم ولا غائبا الحدیث [۲]. فقط

برای قاري بتراویح پول دادن چگونه است؟ **سوال**: (۱۷۹۹) یک مولوي زیاد متدین متقي قاري قرآن است او هر سال در رمضان المبارک بمسجد یک قریه میرود ودر تراویح قرآن را میشنواند وبعد از ختم شریف مقتدیان وغیره موافق توان وقدرت خویش بغیر از جبر واکراه وبدون گفتار قاري حسبة الله براي قاري صاحب پول نقد اعطاء مي کنند وقاري صاحب نیز آن را بخرسندي مي پذیرد ومیگوید که مقصود من منفعت وکمائي مال ودنیا نیست ومقصود من تنها ثواب واداء نمودن سنت مؤکد ویاد داشت قرآن مجید است وجود عدم پول براي من یکسان است واز عبارت تفسیر عزیزي جواز صورت أجرت علی العبادات معلوم میشود که در آن با سوال درج است در این صورت شرعا حکم چیست؟

جواب: فقهاء کرام قاعده را وضع نموده اند که المعروف کالمشروط کذا في الشامي وغیره پس اگر براي قاري موصوف معلوم باشد که براي او بشنواندن قرآن پول داده میشود ودر آن داد وستد معروف باشد در این صورت براي قاري مذکور بعد از اختتام قرآن مجید أخذ نبودن چیزي درست نیست ودر آن سامع وقاري هر دو از ثواب محروم میباشند [۳] وتحریر شاه عبد العزیز

---

(۱) وهی (ای البسملة) آیة واحدة من القرآن کله (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤٥٨، ط.س. ج۱ ص٤٩٠). ظفیر

(۲) مشکوة المصابیح باب ثواب التسبیح الخ فصل اول ص۲۰۱. ظفي

(۳) وإن القراءة بشيئ من الدنیا لاتجوز وإن الآخذ والمعطي اثمان لأن ذلک یشبه الاستیجار علی القراءة ونفس الأستیجار علیها لایجوز فکذا ما أشبه الخ ولا ضرر في جواز الإستیجار علی التلاوة (رد المحتار باب قضاء الفوائت مطلب بطلان الوصیة ج۱ ص٦٨٧، ط.س. ج۲ =

(رح) بر ان حالت محمول است که در آن عبادت چيزي گرفتن واعطاء نمودن معروف نباشد بخاطر آنکه در کلام فقهاء ودر ميان ارشاد شاه عبد العزيز تعارض نيايد. فقط

آيا در تراويح در شروع هر سورت جهرا خواندن بسْم الله بکار است: سوال: (۱۸۰۰) يک مولوي صاحب قاري قرآن وحافظ قرآن است او در ما بين تراويح بعد از فاتحه بر آغاز هر سورت جهرا بِسْمِ الله ميخواند وميگويد که درآن نه کدام قباحت است ونه کراهيت ودر ثبوت بالجهر او ميفرمايد که در تراويح قسميکه تکميل قرآن قرآنةً مقصود وسنت مؤکده است همچنان تکميل قرآن مجيد سماعا نيز در حق مقتديان مقصود است لهذا تا وقتيکه در تراويح جهرا بِسْمِ الله با هر سورت خوانده نشود اين اختلاف در حق مقتديان رفع نخواهد شد واين اختلاف تنها از مجتهدين کرام بلکه از امامان قرائت نيز است بناء آيا در شروع هر سورت بعد از فاتحه خواندن بِسْمِ الله جهرا در تراويح چگونه است وبراي قاري حنفي در مورد تسميه اتباع مجتهدين خويش نمودن بکار است که سرا بخواند ويا اتباع امامان قرائت بالجهر بکار است؟

جواب: درالدر المختار مذکور است: کما تعوذ سمى الخ سرا الخ قوله سرا الخ قال في الکفاية عن المجتبى والثالث أنه لايجهر بها في الصلوة عندنا خلافا للشافعي وفي خارج الصلوة إختلاف الروايات والمشائخ في التعوذ والتسمية قيل يخفي التعوذ دون التسمية والصحيح أنه ليتخير فيهما ولکن يتبع امامه من القراء وهم يجهرون بهما إلا حمزة فانه يخفيها اهـ شامي [1] ج۱ ص۳۲۹. از اين معلوم شد که در داخل نماز بنزد احناف بالاتفاق سرا خواندن بکار است ودرآن مورد احناف هيچ کس اختلاف ندارد واما اطلاق صلاة شامل است براي نماز فرض نفل وتراويح وغيره را وهمچنان از آن عبارت واضح شد که اتباع يکي از امامان قرائت خارج از صلاة است نه درداخل صلوة وبرآن ما استاذان وعلماء احناف خود را دريافت نموده ايم. فقط

درختم قرآن خواندن آيت هاى ديگر چگونه است؟ سوال: (۱۸۰۱) در رمضان در ختم قرآن مجيد قاري صاحب در نوزده رکعت قرآن پاک را ختم نمود ودر رکعت بيستم بعد از قرائت (الم) تا به (هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ) در همان کعت آيت هاي ذيل را ميخواند: إِنَّ رَحْمَةَ الله قَرِيْبٌ مِنَ الْمُحْسِنِيْنَ، دَعْوَاهُمْ فِيْهَا سُبْحَانَکَ اللّٰهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيْهَا سَلَامٌ الخ تا به (عَمَّا يَصِفُوْنَ) قرائت

= ص۷۳). ظفير

(۱) رد المحتار باب صفة الصلاة ج۱ ص۴۵۷، ط.س. ج۱ ص۷۹۰. ظفير

نماید ورکوع کند آیا این جائز است یا بدعت میباشد؟

جواب: در بعضي روایات آمده است که بعد از ختم القرآن از (آلم) شروع شود وتا به (هم الْمُفْلِحُوْنَ) تلاوت گردد وفقهاء کرام نیز اجازت آن را فرموده اند واین مستحب است [۱] وعلاوه از آن متباقي آیت ها را در آن وقت تلاوت نمودن منقول نیست بناءا ترک کردن آن مناسب است. فقط

جماعت تراویح زنان: **سوال**: (۱۸۰۲) (۱) یک چند زنهاي حافظان قرآن میخواهند که درتراویح با جماعت خویش قرآن را ختم نمایند این فعل آنها چگونه است؟

سوال: (۱۸۰۳) (۲) چند زنها نماز عید را بجماعت اداء نموده میتوانند یا نه؟ آیا زن امام زنها شده میتواند یا خیر؟

جواب: جماعت زنها طوریکه زن امام آنها باشد مکروه است خواه جماعت تراویح باشد ویا جماعت تراویح نباشد در سائر آنها امام شدن زن براي زنان مکروه است [۲].

امامت پسر یک ماه کم پانزده ساله در تراویح درست است یا نه؟ **سوال**: (۱۸۰٤) پسري که عمرش بتاریخ اول رمضان چهارده (۱٤) سال ویازده (۱۱) ماه میشود براي او امامت تراویح جائز است یا نه وهمچنان در وتر امامت او جواز دارد یاخیر؟

جواب: مسأله از این قرار است که اگر در پسر دیگر علامه ونشاني بلوغ مانند احتلام وانزال دریافت نشود پس او درصورت تکمیل عمر پانزده سالگي او شرعا بالغ پنداشته میشود وهر پسري عمرش بتاریخ اول رمضان چهارده سال ویازده ماه است امامتش در وتر وتراویح درست نیست زیرا صحیح مذهب احناف همان است که امامت نابالغ در فرائض نوافل وواجبات درست نیست [۳] کذا في الدر المختار والشامي البته اگر کدام علامت بلوغ دراو دریافت میشود پس امامتش میشود پس امامتش درست است. ظفیر

---

(۱) ویکره الفصل بسورة قصيرة وأن يقرأ منكوسا إلا إذا ختم فيقرأ من البقرة (درمختار) قال في شرح المنية وفي الولوالجيه من يختم القرآن في الصلوة إذا فرغ من المعوذتين في الركعة الأولى يركع ثم يقرأ في الثانية بالفاتحة وشيء من سورة البقرة لأن النبي صلى الله عليه وسلم قال خير الناس الحال المرتحل اى الخاتم المفتتح اهـ (رد المحتار فصل في القراءة ج۱ ص۵۱۰، ط.س. ج۱ ص٥٤٦). ظفير

(۲) ويكره تحريم جماعة النساء ولو في التراويح (درمختار) أفاد أن الكراهة في كل ما تشرع فيه جماعة الرجال فرضا او نفلا (رد المحتار باب الإمامة ج۱ ص۵۲۸، ط.س. ج۱ ص٥٦٥). ظفير

(۳) ولايصح اقتداء رجل بامرأة وخنثى وصبي مطلقا ولو في جنازة ونفل على الأصح (درمختار) والمختار أنه لايجوز في الصلوات كلها (رد المحتار باب الإمامة ج۱ ص۵۲۹، ط.س. ج۱ ص۵۷٦). ظفير

باآواز بلند در ترویحه گفتن صلوات چگونه است؟ **سوال:** (۱۸۰۵) در وقت نماز تراویح بعد از هر چهار رکعت یک چند دقیقه نشسته صلوات گفته میشود آیا عند الاحناف این جائز است یا نه؟

جواب: در نماز تراویح بعد از هر چهار رکعت ساعت اندک نشستن تسبیح تهلیل درود شریف وغیره خواندن مستحب است [1] هر یکي جدا گانه تسبیح تهلیل وغیره را بگوید ومشترکانه بیک آواز خواندن ضروري نیست بلکه ناپسند است. فقط

تراویح را بنیت دو، دو رکعت اداء نمودن بکار است: **سوال:** (۱۸۰٦) تراویح را بنیت دو دو رکعات اداء کند یا به نیت چهار چهار رکعت؟

جواب: تراویح را بر دو دو رکعت اداء نمودن وسلام گردانیدن بهتر است کما في الدر المختار [2]. فقط

در تراویح سجده تلاوت برکوع کردن اداء خواهد شد یانه؟ **سوال:** (۱۸۰۷) اگر درتراویح بختم نمودن رکوع سجده تلاوت شود آیا سجدهٔ تلاوت اداء خواهد شد یانه؟ وآنکس که خارج از نماز سجده تلاوت را اداء کند سجدهٔ او اداء خواهد شد یانه؟

جواب: اگر در رکوع نیت سجده را کرد پس سجدهٔ تلاوت او اداء میشود واما در سجده بغیر از نیت نیز [3] اداء میشود وسجده تلاوتیکه در نماز واجب شده است آن را خارج الصلاة اداء نمودن جائز نیست [4]. فقط (در تراویح اداء نمودن سجدهٔ تلاوت در رکوع بکار نیست. ظفیر)

جهرا خواندن بسْمِ الله چگونه است؟ **سوال:** (۱۸۰۸) آیا کدام روایت از ابن مسعود رض است که بِسْمِ اللهِ با هر سورت نازل شده است واحتیاطا در تراویح با هر سورت جهرا خوانده شود وعلاوه از بِسْمِ اللهِ اگر جهرا خوانده شد آیا گنهکار خواهد شد؟

---

(۱) ویجلس ندبا بین کل اربعة بقدرها وکذا بین الخامسة والوتر ویخیرون بین تسبیح وقراءة وسکوت وصلاة فرادى (الدر المختار على هامش ردالمحتار مبحث التراویح ج۱ ص٦٦۱ ، ط.س. ج۲ ص٧٦). ظفیر

(۲) وهي عشرون رکعة بعشر تسلیمات فلو فعلها بتسلیمة فان قعد بکل شفع صحب بکراهة والا نابت عن شفع واحد به یفتی (الدر المختار على هامش ردالمحتار مبحث التراویح ج۱ ص٦٩٠، ط.س. ج۲ ص٤٥). ظفیر

(۳) وتؤدی برکوع صلاة إذا کان الرکوع على الفور من قراءة آیة او ایتین وکذا الثلاث على الظاهر کما في البحر أن لو نواه ای کون الرکوع لسجود التلاوة على الراجح تؤدی بسجود کذلک ای على الفور وان لم ینو الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص٧٣٣ ، ط.س. ج۲ ص۱۱۱). ظفیر

(٤) ولو تلاها في الصلاة سجدها فیها لا خارجها کمامر (ایضاً ج۱ ص٧٢٢، ط.س. ج۲ ص۱۱۰). ظفیر

جواب: در اکثر روایات چنین آمده است که رسول الله ﷺ قرائت را از اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ شروع مي نمودند، از این روایت معلوم شد که بِسْمِ اللهِ را جهرا نمیفرمودند وهمین مذهب امام أبو حنیفة (رح) است بناءا با همه سورت ها جهرا خواندن آن بکار نیست وتنها درسائر قرآن مجید یکبار با یک سورت جهرا آن را قرائت نماید [1] والتفصیل في کتب الفقه. فقط

اگرنماز تراویح بنیت چهار رکعات اداء شود پس حکم قعدۂ اولی ودرود شریف وغیره چیست؟ **سوال:** (۱۸۰۹) اگر در نماز تراویح نیت چهار رکعات کرده شود بناءا در قعدۂ اولی بعد از تشهد درود شریف وهمچنان دررکعت سوم قبل از فاتحه ثنا خواندن بکار است یانه؟

جواب: خواندن بکار است کما في الدر المختار: وفي البواقي من ذوات الاربع یصلي علی النبي ﷺ ویستفتح ویتعوذ الخ. [2] تراویح اگر چه سنت مؤکد است لکن چهار رکعات را بیک سلام اداء نمودن سنت مؤکد نیست بخلاف چهار رکعات سنت ظهر که آن را بیک سلام اداء نمودن سنت مؤکد است ودر تراویح طریقه بهتر آنست که بدو رکعت سلام گردانیده شود در الدر المختار مذکور است: التراویح سنة مؤکدة لمواظبة الخلفاء الراشدین الخ وهي عشرون رکعة بعشر تسلیمات الخ [3]. فقط

با امامت شخص ساله تراویح بلا کراهیت درست است: **سوال:** (۱۸۱۰) یک قاري ریش وسبیلت ندارد وکوسج است واو سي (۳۰) سال عمر دارد آیا بدنبال او نماز تراویح وغیره اداء نمودن جائز است یا نه؟

جواب: بدنبال او در اداء نمودن نماز هیچ کراهیت نیست بلکه نماز بلا کراهیت بدنبالش صحیح است. فقط

در مورد تراویح حدیث هشت رکعت راجح است یا ازبیست رکعت؟ **سوال:** (۱۸۱۱) در مورد رکعات تراویح حال هر دو احادیث مقابلة چگونه است آیا حدیث روایت هشت رکعت است که آن را امام محمد بن نصر المروزي در کتاب قیام اللیل آورده است وروایت بیست رکعت را در مصنف ابن أبي شیبة عام مشهور است؟

---

(۱) وکما تعوذ سمي الخ سرا (درمختار) قال في الکفایة عن المجتبی والثالث أنه لایجهر بها في الصلوة عندنا الخ (رد المحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص۴۵۷ ، ط.س. ج۱ ص۴۹۰). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶۳۳. ط.س. ج۲ ص۱۶. ظفیر

(۳) ایضا مبحث التراویح ج۱ ص۶۶۰ ، ط.س. ج۲ ص۴۳. ظفیر

جواب: حدیث روایت بیست رکعت را أمة مرحومه معمول به گردانیده است لهذا همین أولی بالعمل است وتراویح بیست رکعت سنت است [۱]. فقط (درامامان اربعه هیچ یکی قائل بکمتر ازبیست رکعت تراویح نیست بلکه بیست رکعت یا زیادتر ازآن است وعاملین هشت رکعت در هندوستان وپاکستان تنها غیر مقلدین (لا مذهبان) اند وآنهم بعد از یکصد سال بدینسو تنها معمول آنها است ور نه در سائر امت تعامل بر بیست رکعت جریان دارد واکنون نیز بر آن عمل جاري است. ظفیر)

<u>دردکانها اداء نمودن تراویح چگونه است</u>؟ سوال: (۱۸۱۲) اگر نمازگذاران یک شهر محض بخاطر اندیشه نقصان کاروبار وکاهش خرید وفروخت تراویح را جداگانه بجماعت اداء مي نمایند این فعل آنان چگونه است؟

جواب: نماز تراویح وختم تراویح را در مساجد کردن وشنیدن سنت است وبغیر أز عذر بمسجد نرفتن ودر دکانها تراویح را اداء نمودن ترک سنت است [۲]. فقط

<u>شخصیکه از او تراویح فوت شده بود او نخست وتر را بجماعت اداء کند بعد ازآن تراویح را اداء نماید</u>: سوال: (۱۸۱۳) شخصیکه از او بعض تراویح فوت شده بود ودر بعض آن اقتداء بامام کرد چون امام براي خواندن وتر برخاست شخص مذکر را بنا بر مذهب حنفي چه حکم است آیا اولا وتر را بدین امام بر خواند وبعد ازآن تراویح فائته را با نخستین تراویح متروکه بخواند وبعد ازآن وتر را تنها اداء نماید از این دو صورت اولی أفضل کدام است؟

جواب: اصل سوال این است که بصورت مذکوره شخص مذکور اولا وتر بجمادت گذارد وبعد ازآن تراویح باقیمانده را اداء نماید: لکي تحصل له فضیله جماعة الوتر في رمضان کما رجحه الکمال وعلیه عملنا وعمل مشائخنا وقال في رد المحتار في شرح قول الجماعة بأنه صلی الله علیه وسلم کان اوتر بهم ثم بین العذر في تأخره مثل ما صنع في التراویح فالوتر کالتراویح فکما أن

---

(۱) التراویح سنة مؤکدة لمواظبة الخلفاء الراشدین الح هي عشرون رکعة بعشر تسلیمات الخ (درمختار) وهی عشرون رکعة هو قول الجمهور وعلیه عمل الناس شرقا وغربا (رد المحتار مبحث التراویح ج۱ ص۶۶۰، ط.س. ج۲ ص۴۳) براي معلومات این مساله رساله رکعات تراویح ملاحظه شود که مصنف آن شیخ الحدیث حضرت الاستاذ مولانا حبیب الرحمن صاحب اعظمي شائع کرده مفتاح العلوم متوناته بهجن ضلع اعظم گره. ظفیر

(۲) والجماعة فیها سنة علی الکفایة في الأصح فلو ترکها أهل مسجد أثموا. لا لو ترک بعضهم وکل ما شرع بجماعة فالمسجد فیه افضل (الدرالمختار) وإن صلی أحد في البیت بالجماعة لم ینالوا فضل جماعة المسجد (ردالمحتار مبحث التراویح ج۱ ص۶۶۰، ط.س. ج۲ ص۴۵). ظفیر

الجماعة فيها سنة فكذلک الوتر. بحر وفي شرح المنية والصحيح أن الجماعة فيها افضل [1] الخ. فقط

آيا بعد از او وبعد از ختم القرآن دعا مكروه است؟ **سوال:** (۱۸۱٤) (۱) در فتاوى هندكه مذكور است كه در تراويح ودر حين ختم قرآن دعا مكروه است؟

سوال: (۱۸۱٥) (۲) بجماعت در حين ختم قرآن دعا مكروه است زيرا اين چنين دعا خواستن از رسول الله ﷺ منقول نيست آيا اين هردو مسائل صحيح است يانه؟

جواب: صحيح آنست كه بعد از ختم قرآن وعلى الدوام بعد از نماز تراويح دعا مسنون ومستحب است ودر حديث شريف است كه اين وقت قبوليت دعا است فلهذا دعا خواستن بعد از تراويح وبعد از ختم شريف معمول اكابر ومشايخ ما است [2]. فقط

دعا در هر ترويحه مسنون است يا مستحب؟ **سوال:** (۱۸۱٦) بعد از هرركعت چهارم تراويح دعا خواستن جائز است يا مسنون؟

جواب: بعد از هر چهار ركعات دعا خواستن تسبيح تهليل ودرود شريف خواندن جائز است ومستحب است هر چيزيكه درآن ميخواند بهتر است وضرورت براي تخصيص كدام أمر خاص نيست [3] لكن خواندن تسبيح را مانند: سبحان ذي الملک والملكوت الخ يا سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر زياد پسنديده ايست ومعمول اكابر نيز بر آن ميباشد. [4] فقط

اين گفتار غلط است كه بنا برعذر شرعى روزه نگرفت او تراويح نيزنخواند: **سوال:** (۱۸۱۷) زيد ميگويد آنكس كه بوجه عذر شرعي روزه نميگيرد او بايد نماز تراويح را اداء كند زيرا ثواب برايش حتما داده ميشود بالمقابل بكر ميگويد: آن شخصي كه معذور يا غير معذور

---

(۱) رد المحتار مبحث التراويح قبيل باب إدراک الفريضة ج۱ ص٦٦٤ – ٦٦٥، ط.س. ج۲ ص٤٨. ظفير

(۲) عن معاذ بن جبل (رضى الله عنه) قال أخذ بيدي رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال إني لأحبک فقلت أنا احبک يا رسول الله صلى الله عليه وسلم قال لا تدع أن تقول في دبر كل صلوة رب أعني على ذكرک الخ (مشكوة ص٨٨) وعن ابي أمامة قال قيل يا رسول الله أى الدعاء أسمع قال جوف الليل الآخر ودبر الصلوات المكتوبات. رواه الترمذي ايضا ص٨٩. ظفير

(۳) ويستحب الجلوس بين الترويحتين قدر ترويحة الخ ثم هم مخيرون في حالة الجلوس إن شاءوا سبحوا وإن شاءوا قعدوا ساكتين. عالمگيري كشوري ج۱ ص١١٤، ط. ماجدية ج۱ ص١١٦). ظفير

(٤) ويجلس ندبا بين كل اربعة بقدرها وكذا بين الخامسة والوتر ويخيرون بين تسبيح وقراءة وسكوت وصلوة فرادى (درمختار) قوله بين تسبيح قال القهستاني فيقال ثلاث مرات سبحان ذي الملک والملكوت الخ (رد المحتار باب الوتر والنوافل مبحث التراويح ج۱ ص٦٦١، ط.س. ج۲ ص٤٦). ظفير

باشد وروزه را نگرفت او تراویح را نیز نخواند بلکه هر کسي که روزه نمیگیرد براي او تراویح خواندن بر عکس عذاب است بناءا درآن دو نظر کدام یکي صحیح است؟

جواب: سخن زید صحیح است بکر غلط میگوید [1]. فقط

نبی اکرم ﷺ چند رکعت تراویح را اداء نموده اند؟ **سوال:** (۱۸۱۸) آن حضرت ﷺ در أخیر چند رکعت تراویح را اداء نموده اند؟

جواب: بر بیست (۲۰) رکعت تراویح اجماع است وأز احادیث ثابت میاشد فلهذا بیست رکعت تراویح اداء کردن بکار است [2]. فقط (آنحضرت ﷺ نیز بیست رکعت تراویح را اداء فرموده اند در مصنف ابن ابي شیبة طبراني وبیهقي حدیث موجود است: کان رسول الله ﷺ یصلي في رمضان عشرین رکعة سوی الوتر وراوي حدیث عبد الله بن عباس رض است. ظفیر)

آیا در ترویحه شنواندن نصائح درست است: **سوال:** (۱۸۱۹) آیا در ترویحۂ تراویح بجاي تسبیح شنواندن نصائح لقمان حکیم ویا بیان نمودن آداب استاذ وتذکره دوزخ وبهشت وغیره درست است؟

جواب: آنهم درست است لکن بهتر آنست که آن وقت را در تسبیح وغیره بگذراند [3]. فقط

در تراویح در شب قرآن بعد از قرائت (الم) تا به (هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ) آیات دیگر را قرائت نمودن ثابت نیست: **سوال:** (۱۸۲۰) اکثر قراء در شب ختم قرآن در نماز تراویح بعد از (هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ) آیات مختلف را مانند (اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُوْنَ) و (اِنَّ رَحْمَتَ اللّٰهِ قَرِیْبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِیْنَ) وغیره را قرائت مي نماید آیا این شرعا ثبوت دارد یانه؟

جواب: فقهاء کرام تنها اینقدر نوشته اند: الاَّ إذا ختم فقرء من البقرة الخ (درمختار) وفي الشامي قال في شرح المنیر وفي الولوالجیة من یختم القرآن في الصلوة إذا فرغ من المعوذتین في الرکعة الاولی یرکعه ثم یقرأ في الثانیة بالفاتحة وشيء من سورة البقرة لان النبي ﷺ قال خیر الناس

---

(۱) براي اداء تراویح روزه شرط نیست: التراویح سنة مؤکدة لمواظبة الخلفاء الراشدین للرجال والنساء اجماعا (الدرالمختار علی هامش ردالمحتارباب الوتر والنوافل مبحث في التراویح ج۱ ص۶۵۹،ط.س. ج۲ ص۴۳). ظفیر

(۲) وهي عشرون رکعة حکمته مساواة المکمل بعشر تسلیمات هو قول الجمهور وعلیه عمل الناس شرقا وغربا (ردالمحتار مبحث التراویح ج۱ ص۶۶۰، ط.س. ج۲ ص۴۵). ظفیر

(۳) ویجلس ندبا بین کل اربعة بقدرها وکذا بین الخامسة والوتر ویخیرون بین تسبیح وقراءة وسکوت وصلوة فرادی (الدر المختار علی هامش ردالمحتار مبحث صلوة التراویح ج۱ ص۶۶۱، ط.س. ج۲ ص۴۶). ظفیر

الحال المرتحل اي الخاتم المفتتح [۱] الخ بناءا علاوه از این ثبوت ندارد لهذا بر آن اصرار نمودن بدعت ومکروه است. فقط

آیا برای تراویح امام مقرر نمودن درست نیست؟ سوال: (۱۸۲۱) قسمیکه بخاطر نمازهاي پنج وقته امام مقرر میشود همچنان در ماه مبارک رمضان براي تراویح امام مقرر نمودن جواز دارد یانه؟

جواب: چونکه مسئله آنست که (الامور بمقاصدها) واین هم است که المعروف کالمشروط پس اگر کدام قاري بخاطر ختم نمودن قرآن مجید امام تراویح نصب گردد ظاهر است که مقصود از آن امامت نیست بلکه مقصود ختم قرآن کریم است فلهذا براي قاري اگر کدام اجرت داده میشود آن بوجه ختم قرآن شریف است وبخاطر امامت محضه نیست پس حسب قاعده: لا یجوز اخذ الاجرة علی قرائة القرآن، در تراویح درمقابل ختم قرآن أخذ نمودن أجرت جواز نخواهد داشت قال في رد المحتار: وقال العینی في شرح الهدایة ویمنع القاري للدنیا والاخذ والمعطي اثمان، فالحاصل ان ما شاع في زماننا من قرائة الاجزاء بالاجرة لا یجوز الخ [۲] شامي ص۳۵. جلد خامسی فقط. (بلا اجرت براي تراویح امام مقرر نمودن درست وبهتر است البته بالاجرت جائز نیست. ظفیر)

اگر احناف بدنبال غیر مقلد تراویح را اداء کنند متباقی رکعات راچه وقت نمایند آیا قبل الوتر یا بعد الوتر؟ سوال: (۱۸۲۲) اگر امام غیر مقلدّ باشد وتراویح را بجاي بیست رکعت هشت رکعت اداء کند بناءا براي احناف تراویح متباقي را چگونه تکمیل نمودن بکار است آیا وتر را با امام اداء کنند پس از آن تراویح را تکمیل نمایند ویا وتر را ترک کنند واول تراویح را پوره نمایند؟

جواب: تراویح متباقي رابعد الوتر اداء کنند وبه این طریقه نیز درست است که وتر را با امام اداء نکند ونخست تراویح را اداء کنند وبعد ازآن وتر را بخوانند [۳]. فقط

در تراویح زیاد تر از یک ختم قرآن چگونه است؟ سوال : (۱۸۲۳) در تراویح که حافظان

---

(۱) رد المحتار فصل في القراءة قبيل باب الإمامة ج۱ ص۵۱۰، ط.س. ج۱ ص۵٤۷. ظفیر

(۲) ردالمحتار كتاب الإجارة مطلب في الإجارة في الطاعة ج۵ ص٤۷، ط.س. ج۲ ص۵٦. ظفیر

(۳) والأصح أن وقتها بعد العشاء إلى آخر الليل قبل الوتر وبعده لأنها نوافل سنت بعد العشاء (هدایه باب النوافل فصل في قيام رمضان ج۱ ص۱۳٤). ظفیر

قرآن دو سه ختم قرآن مجید را میکنند این چگونه است زیرا سنت مؤکد تنها یک ختم است وختم هاي متباقي چه حکم دارد ودیگر آنکه یک حافظ در مساجد متعدد ختم میکند حکم آن چیست وزیا براي اهالي آن مساجد دیگر ثواب ختم داده خواهد شد یانه؟

جواب: در الدرالمختار مذکور است: والختم مرة سنة ومرتین فضیلة وثلاثا أفضل [۱] الخ ودر مسجد دیگر ختم کردن نیز درست است وبراي أهالي مسجد دوم نیز ثواب ختم مسنون داده خواهد شد. فقط

اگر دررکعت دوم بفراموش برخاست سپس برایش یاد شد اکنون چه بایدکرد؟ سوال:

(۱۸۲٤) اگر دررکعت دوم تراویح بجاي نشستن برخاست وقیام نمود وبعد ازآن بیادش آمد الان چه کند؟

جواب: اگر از قبل سجده بیادش شد باید جلوس ورزد وسجده سهوه نماید: واما النفل فیعود وما لم یقیده بالسجدة [۲]. فقط

سجدهٔ تلاوت با سجدهٔ صلاتیه اداء میشود یا نه؟ سوال: (۱۸۲۵) اگر امام در تراویح سجده تلاوت را با سجده نماز کند یعني سه بار سجده بکند آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: در نماز وقتیکه آیت سجدهٔ تلاوت را نمود در همان وقت سجدهٔ تلاوت را اداء کردن بکار است واگر آن را مؤخر نمود وبا سجدهٔ نماز آن را اداء کرد بازهم سجدهٔ سهوه بر ذمهٔ او لازم است وبعد از اداء نمودن سجدهٔ سهوه ضرورت براي اعاده نمودن نماز نیست: ولذا کان المختار وجوب سجود السهو لوتذکرها بعد محلها الخ شامي [۳] باب سجود التلاوة الخ. فقط (قصدا تأخیر نمودن در اداء سجدهٔ تلاوت درست نیست وبعد ازآیت سجده فورا ویا بعد از سه آیت اداء نمودن سجدهٔ تلاؤت ضروري است ور نه گنهکار خواهد شد، فعلی الفور لصیرورتها جزءا منها ویاثم بتاخیرها (در المختار) فوجب ادائها مضیقا کما في البدائع ثم تفسیر الفور عدم طول المدة بین التلاوة والسجدة بقرائة اکثر من آیتین او ثلاث، حلیة، ردالمحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۲۲. ظفیر

---

(۱) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل مبحث في التراویح ج۱ ص٦٦٢، ط.س. ج۲ ص٤٦. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص٦٩٦، ظ.س. ج۲ ص۸۳. ظفیر

(۳) ردالمحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۲۲، ط.س. ج۲ ص۱۱۰. ظفیر

آیا تطویل تراویح بکار نیست؟ **سوال:** (۱۸۲٦) یک نفر بر جمات تراویح چنین اعتراض میکند که مردم درطول روز مانده وخسته میباشند بناءا براي امام آنقدر تطویل رکعات بکار نیست پس امام در آن مورد چه باید کرد؟

جواب: براي امام قرائت نمودن مختصر بکار است البته یکبار ختم کردن قرآن مجید در تراویح مسنون است ورنه یک یک پاره را تلاوت کند وازآن کم نباشد [۱]. فقط

بعد از چهار رکعات تراویح چه باید کرد؟ **سوال:** (۱۸۲۷) در تراویح که بعد از چهار رکعات کدام نشست میکنند درآن نشست تسبیح گفتن بکار است ویا خاموش نشسته باشد در هر نشست بعد از تسبیحات دعا خواستن نیز ضروري است یانه؟ در بعضی مناطق مروج است که در هر جلسه بعد از تسبیح دعا حتما میخواهند وآنکس که دعا نمیکند بر او ملامتي مي نمایند آن چه حکم دارد؟

جواب: تسبیحات که مأثور است آن را بگوید وخاموش نباشد ودعا خواستن در هر ترویحه ضروري نیست [۲] وهر گاه ضروري پنداشته شود وبر دعا نکننده نکوهش وملامتي شود در این وقت ترک آن لازم است، کما صرح به الفقهاء. [۳] فقط

دررکعت اول تراویح در حال نشستن بود اما وقتیکه برایش اشاره داده شد قیام نمود، حکم آن چیست؟ **سوال:** (۱۸۲۸) (۱) امام دررکعت اول تراویح بجاي قیام قصد نشستن را مي نمود که از عقب برایش اشاره داده شد وبلا وقفه مستقیما ایستاده شد وقتیکه دورکعت را تکمیل نمود سپس سلام گردانید وسجده سهوه را نکرد آیا این نماز درست شده است یا نه؟ اگر نشده باشد وبعد از معلوم شدن آن نماز را با جماعت اداء کند یا علیحیده؟

آیا سجده سهوه را اداء کند؟ **سوال:** (۱۸۲۹) (۲) آیا در همچو صورت سجده سهوه لازم

---

(۱) والختم مرة سنة ومرتين فضيلة وثلاثا أفضل ولايترک الختم لكسل القوم لكن في الإختيار الأفضل زماننا قدر ما لا تقل عليهم وأقره المصنف وغيره (الدر المختار على هامش ردالمحتار مبحث صلوة التراويح ج۱ ص٦٦٢، ط.س. ج۲ ص٤٦). ظفير

(۲) يجلس ندبا بين كل اربعة وكذا بين الخامسة والوتر، ويخيرون بين تسبيح وقراءة وسكوت وصلوة فرادى، (درمختار) قوله بين تسبيح قال القهستاني فيقال ثلاث مرات: سبحان ذي الملک والملكوت سبحان ذي العزة والعظمة والقدرة والكبرياء والجبروت، سبحان الملک الحي الذي لا يموت سبوح قدوس رب الملائكة والروح، لا إله الا الله نستغفر الله نسألک الجنة ونعوذ بک من النار كما في منهج العباد اهـ (رد المحتار مبحث صلوة التراويح ج۱ ص٦٦١ ، ط.س. ج۲ ص٤٦). ظفير

(۳) قال الطيبي من أصر على أمر مندوب وجعله عزما ولم يعمل بالرخصة فقد أصاب منه الشيطان من الإضلال (مرقاة المفاتيح ج۲ ص١٤). ظفير الدين غفر له

است؟

وقتیکه اندک نشست نمود سپس برخاست آیا سجده سهوه واجب است؟ سوال: (۱۸۲۹) (۳) امام بقصد نشست الله اکبر ومقتدي وقتیکه اورا در صدد نشست مشاهده نمود به آواز بلند الله اکبر گفت پس امام فورا بدوم رکعت قیام نمود ودرآن وقفه از زبان خود کدام الفاظ التحیات را نیز بیرون نکرد آیا به این وقفه سجدهٔ سهوه لازم است؟

دررکعت اول بکدام مقدار نشست سجدهٔ سهوه لازم میشود؟ سوال: (۱۸۳۱) (٤) اگر سهوا دررکعت اول وسوم نشست نمود وبعد ازآن ایستاده شد بناءا بکدام مقدار وقفه نمودن سجدهٔ سهوه لازم میشود؟

بجلسه استراحت سجدهٔ سهوه لازم نمیشود: سوال: (۱۸۳۲) (٥) در صورت جلسه استراحت سجده سهوه لازم میشود یا نه؟

جواب: در این صورت نماز درست شده است وضرورتي به اعاده اش نیست وسجدهٔ سهوه همچنان لازم نشد زیرا بعد از یک رکعت اگر اندک قدري بنشیند سپس ایستاده شود آن را نیز فقهاء جائز نوشته اند وامام موصوف تاهنوزکاملا نشست نکرده بود که بلا وقفه قیام نمود بناءا در این صورت نه سجده سهوه لازم است ونه ضرورتي به اعادهٔ نماز احساس میشود درشامي مذکور است: هذا إذا كانت القعدة طويلة اما الجلسة الخفيفة التى استحبها الشافعي فتركها غير واجب عندنا بل هو الافضل [۱] الخ.

جواب: (۱) نمازش درست شده است.

جواب: (۲) لازم نمیشود [۲].

جواب: (۳) به آنقد ر وقفه سجده سهوه لازم نمیشود [۳].

جواب: (٤) در صورت نشست طولاني سجده سهوه لازم میگردد مانند بمقدار خواندن التحیات مثلا ویا بر آن نزدیک باشد باقي با جلسهٔ خفیفه سجده سهوه لازم نمیشود [٤].

---

(۱) ردالمحتار باب صفة الصلوة قبيل مطلب مهم في تحقيق متابعة الإمام ج۱ ص۴۳۸، ط.س. ج۱ ص۴٦۹. ظفير

(۲) ايضا. ط.س. ج۱ ص۴٦۹. ظفير

(۳) ايضا. ط.س. ج۱ ص۴٦۹. ظفير

(٤) وكذا القعدة الأخيرة في آخر الركعة الأولى والثالثة فيجب تركها ويلزم من فعلها ايضا تأخير القيام إلى الثانية او الرابعة عن محله وهذا إذا كانت القعدة طويلة أما الجلسة الخفيفة التي إستحبها الشافعي رحمه الله فتركها غير واجب عندنا بل هو الأفضل كما سيأتي (رد المحتار باب =

جواب: (۵) بر این سجده سهوه لازم نمیشود. فقط

در تراویح بعد از آیت ها گفتن برخي از کلمات: **سوال:** (۱۸۳۳) در تراویح قاری در ختم بعضي سورت ها برخي از الفاظ عربي غیر قرآني را قرائت مي نمود مثلا درآخر سورت مرسلات بعد ازآیت (فَبِاَيِّ حَدِيْثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُوْنَ) میگفت: آمَنَّا بِاللهِ، آیا در همچو گفتار نماز فاسد میشود یانه؟

جواب: علماء احناف (رح) ازهمچو ادعیه در نماز منع میفرمایند لکن اگر درنوافل این ادعیه رامیخواند فاسد نخواهد شد وتراویح همچنان فاسد نمیشود [1]. فقط

یک نفر درتراویح درآغاز هرسورت الله را جهرا قرائت نماید دراین مورد حکم چیست؟

سوال: (۱۸۳٤) زید در نماز ترایح در شروع هر سورت بسم الله را جهرا میخواند در این مورد حکم شرعي چیست؟

جواب: عند الاحناف جهرا خواندن بسم الله در نماز نیست بلکه سرا خواندن مسنون است خواه تراویح باشد آن نماز یا غیر تراویح باشد البته خارج ازنماز جهرا وسرا اتباع امام خود را بکند درقراء کرام در شامي مذکور است: والثالث أنه لا يجهر بها في الصلوة عندنا خلافا للشافعي (رح) وفي خارج الصلوة اختلاف الروايات والمشايخ في التعوذ والتسمية قيل يخفي التعوذ دون التسمية والصحيح أنه يتخير فيهما ولكن يتبع امامه من القراء وهم يجهرون بهما الا حمزة فانه يخفيهما الخ شامي. باقي آنکه اگر کدام کس در نوافل اتباع امام خود را در قراء کرام مي کند وجهرا میخواند بر او طعن وبد گفتن بکار نیست. فقط

در هر ترویحه دست بالا کردن ودعا خواستن درست است یا نه؟ **سوال:** (۱۸۳۵) (۱) درترویحه سائر تراویح بعد ازتسبیح وتهلیل امام ومقتدیان دست ها را بلند نموده دعاء میخواهند آیا جواز دارد یا نه؟ وآنکه بعد از تراویح دعا خواستن بکار است؟

بعد از ترویحه از دعا خواستن کرده شود یانه؟ **سوال:** (۱۸۳٦) (۲) هر قاري که هموار عادة در هر ترویحه دست ها را بلند نموده دعا میکند آیا او را بالجهر ممانعت نمودن جائز است

= صفة الصلوة قبيل مطلب لي تحقيق متابعة الإمام ج۱ ص٤۳۸، ط.س. ج۱ ص٤٦۹). ظفير

(۱) والمؤتم لا يقرأ مطلقا الخ بل يستمع إذا جهر وينصت إذا أسر الخ وإن قرأ الإمام آية ترغيب وترهيب وكذا الإمام لا يشتغل بغير قرآن وما ورد حمل على النفل منفردا (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل في القراءة ج۱ ص۵۰۹، ط.س. ج۱ ص٥٤٤). ظفير الدين غفر الله له

یا نه؟

آیا دعا خواستن ممنوع است: سوال: (۱۸۳۷) (۳) اگر کدام قاري در ترویحه بدان منظور دعاء میکند که این دعاء ثبوت ندارد حالانکه براي او فرمایش مقتدیان است که حتما دعا بخواهد ودر آن کدام قباحت نیست قاري اگر مخالفت مقتدیان را مرتکب میشود آن مخالفت سبب عدم جماعت تراویح وباعث اندوه عوام میگردد فلهذا در همچو صورت براي قاري چه کردن بکار است؟

جواب: (۱) در هر ترویحه تراویح گفتن تسبیح تهلیل وغیره أدعیه مأثوره منقول است.[1] واما دست بلند نمودن ودعا خواستن تنها درآخر بیست رکعت تراویح معمول است بناءِ هم چنان کردن بکار است کما ورد ما رآه المؤمنون حسنا فهو عند الله حسن.

جواب: (۲) ظاهر آنست که او از تشدد منع کرده شود.

جواب: (۳) براي قاري موصوف در آن صورت پذیرفتن گفتار مقتدیان ضروري نیست ونه براي مقتدیان همچو حکم صادر کردن بکار است براي امام خویش زیرا امام متبوع پیروي کرده شده است تابع نیست که پیروي کسي را بکند کما ورد في الحدیث: انما جُعل الامام لیؤتم به[2] الحدیث. فقط

تراویح سنت رسول الله ﷺ است یا سنت خلفاء راشدین؟ سوال: (۱۸۳۸) آیا نماز تراویح سنت نبي اکرم ﷺ است ویا ایجاد حضرت عمر رض است؟

جواب: نماز تراویح سنت رسول الله ﷺ وهمچنان سنت خلفاء راشدین است.[3]

اگر درتراویح سجدهٔ سهوه لازم شود آیا اداء بشود؟ سوال: (۱۸۳۹) (۱) اگر در تراویح چنین سهوه شود که موجب سجدهٔ سهوه میگردد آیا سجدهٔ سهوه اداء شود یا نه؟

این گفتن غلط است که در تراویح سجده سهو نیست : سوال : (۱۸٤۰) (۲) اکثر مردم

---

(۱) ویجلس بین کل اربعة وکذا بین الخامسة والوتر، ویخیرون بین تسبیح وقراءة وسکوت وصلوة فرادی (درمختار) قوله بین تسبیح قال الله القهستاني فیقال ثلاث مرات سبحان ذي الملک والملکوت الخ (رد المحتار مبحث التراویح ج۱ ص٦٦۱، ط.س. ج۲ ص٤٦). ظفیر

(۲) مشکوة باب ما علی المأموم من المتابعة فصل اول ص۱۰۱. ظفیر

(۳) التراویح سنة مؤکدة لمواظبة الخلفاء الراشدین (درمختار) أی أکثرهم لأن المواظبة وقعت في إثناء خلافة عمر رضی الله عنه ووافقه علی ذلک عامة الصحابة ومن بعدهم إلی یومنا هذا بلا نکیر وکیف لا وقد ثبت عنه صلی الله علیه وسلم علیکم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدین المهدیین عضوا علیها بالنواجذ کما رواه ابوداؤد بحر (رد المحتار مبحث التراویح ج۱ ص٦٥۹، ط.س. ج۲ ص٤۳). ظفیر

میگویند که در تراویح سجده سهو نیست ایا این صحیح است یانه؟

جواب: (۱) بترک واجب قسمیکه در سائر نمازها سجدهٔ سهوه لازم میشود همچنان در تراویح نیز لازم میگردد.[1]

جواب: (۲) این سخن درست نیست. فقط

آیا نماز تراویح بیک سلام جائز است؟ **سوال:** (۱۸٤۰) در رمضان المبارک نماز تراویح را بیک سلام اداء نمودن جائز است یانه؟

جواب: تراویح را اگر بیک سلام طوري اداء کند که بعد از هر شفعه نشست نکرده باشد در این صورت سائر رکعت ها قائم مقام یک شفعه میباشد واگر بر هر شفعه نشست نموده باشد با آنهم که تراویح بهمین طریق ادا میشود لکن این فعل خالي ازکراهیت نیست بناءا طریقهٔ مسنون آنست که بیست کعت را به ده سلام ادا کند درالدر المختار مذکور است: وهي عشرون رکعة بعشر تسلیمات فان فعلها بتسلیمة فان قعد لکل شفع صحت بکراهة وإلا نابت عن شفع واحد به یفتی، الدر المختار مع الشامي، جلد اول ص٤٧٤. وفي البحر: لا یخفی ما فیه لمخالفة المتوارث مع تصریحهم بکراهة الزیادة علی ثمان في مطلق التطوع لیلاً فلان یکره هنا اولی الخ. بحر الرائق جلد اول ص۷۲. فقط

بدون عذر شرعی ترک نمودن تراویح چگونه است؟ **سوال:** (۱۸٤۲) بغیر عذر قصدا تراویح را ترک نمودن وچنین گفتن که جناب نبي اکرم ﷺ بذات خود آن را ترک نموده فلهذا مایان نیز آن را ترک مي نمائیم آیا این سخن جواز دارد یانه؟

جواب: تراویح سنت مؤکد است بغیر از عذر شرعي تارک آن عاصي وگنهکار است از خلفاء راشدین وسائر صحابه کرام رض واز سلف صالحین مواظبت آن ثابت است نبي اکرم ﷺ بذات خود فرموده اند که من درآن فکر واندیشه هستم که بالاخره تراویح فرض نشود وهمین یک سخن است که بوجه آن جناب نبي اکرم ﷺ بر تراویح تداوم ننمودند ودر حقیقت عدم تداوم آنحضرت ﷺ برتراویح یک دلیل واضح است وروشن بر اهتمام تراویح است، وچنین استدلال نمودن یک نفرکه نبي اکرم ﷺ آن را ترک نموده اند فلهذا من نیز آن را ترک مي نمایم قطعا

---

(۱) والسهو في صلوة العید والجمعة والمکتوبة والتطوع سواء الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۵، ط.س. ج۲ ص۹۲)، ظفیر

قابل قبول نیست واین عذر او مبني [1] بر عدم واقفیت است بر احکام. فقط

نیت دورکعت تراویح نمود لکن دررکعت دوم برای قعده نشست ننمود بناءا درآن مورد حکم چیست؟ **سوال:** (۱۸۴۳) یک نفر نیت دورکعت تراویح را بست وسهوا دررکعت دوم قعده را ترک کرد بلکه در رکعت سوم نشست وقعده نمود وسجده سهوه اداء کرد بناءا یک رکعت ضایع گردید ویا هر سه رکعات؟

جواب: اگر سجدهٔ سهوه را کرد پس دو رکعت او درست شده است واگر سجدهٔ سهوه را اداء نکرده پس بوجه نقصان واجب الاعاده است [2]. فقط

تراویح دادن حق یک امام مستقل است ویا حق دیگر قاری مقرر شده؟ **سوال:** (۱۸٤٤) بکر که حافظ قرآن است در یک مسجد امام مقرر شد وزید نیز حافظ قرآن است واز زمانهٔ متمادي درآن مسجد امامت تراویح بدهد اکنون بکر میگوید که الان من امام مقرر شده ام بناء حق اولویت امامت تراویح تنها از من است وزید میگوید که امامت تراویح حق قدیمي من است بناء در حقیقت حق از کیست؟

جواب: درصورت مسئوله وقتیکه بکر امام مقرر گردیده است فلهذا حق امامت تراویح نیز براي او حاصل است [3]. فقط

بعد از نماز فرض آنکسانی که آمدنی هستند در جماعت وتر شریک شده میتوانند؟

سوال: (۱۸٤٥) دو سه مرد بعد ادائي نماز فرض که امام بجماعت تراویح مشغول است درآن مسجد حاضر شدند آن اشخاصي نماز فرض بجماعت اداء نمایند یا علیحده علیحده خوانده شامل جماعت شوند وباز نماز وتر را با جماعت خوانند یا تنها؟

جواب: تکرار جماعت در مسجد محله مکروه است پس آن کسان که بعد [4] جماعت فرائض

---

(۱) التراویح سنة مؤكدة لمواظبة الخلفاء الراشدين للرجال والنساء اجماعا (درمختار) ووافقه على ذلك عامة الصحابة ومن بعدهم إلى يومنا هذا بلا نكير، وكيف لا وقد ثبت عنه صلى الله عليه وسلم عليكم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين المهديين عضوا عليها بالنواجذ كما رواه ابوداؤد (ردالمحتار مبحث صلوة التراويح ج۱ ص۶۵۹). ظفير

(۲) وذكر الإمام الصفار في نسخته من الأصل أنه إن لم يقعد حتى قام إلى الثالثة على قياس قول محمد يعود ويقعد وعندهما لايعود ويلزمه سجود السهو كذافي الخلاصة (عالمكيري مصري باب النوافل ج۱ ص۱۰۶). ظفير

(۳) واعلم أن صاحب البيت ومثله إمام المسجد الراتب اولى بالإمامة من غيره مطلقا (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب الإمامة ج۱ ص۵۲۲، ط.س. ج۱ ص۵۵۹). ظفير

(٤) وروى عن أنس أن أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم كانوا إذا فاتتهم الجماعة في المسجد صلوا في المسجد فرادى (ردالمحتار –

آمدند نماز فرض علیحده خوانده شامل جماعت تراویح شوند ووتر را بجماعت اداء نمایند [1] الفرض شریک شدن ایشان را بجماعت وتر جائز است کما صرح به في الطحطاوي [2]. فقط

آنکس که ازسن پانزده سالگی تجاوز نمود وعلامت بلوغ دراوظاهر نشد حکم امامت اوچگونه است؟ **سوال:** (۱۸۴۶) سن زید باعتبار ماه قمري پانزده سال وچهارده ماه است وظاهرا در او هیچ علامت بلوغ آشکار نیست آیا بدنبال زید نماز تراویح وغیره درست است یا نه؟

جواب: در شریعت وقتیکه علامت بلوغ ظاهر نشود در آن صورت حساب ما قمري در پانزده سالگي کامل حکم بلوغ داده میشود، الدر المختار [3] لهذا بدنبال زید اداء نمودن نمازهاي فرائض وتراویح درست است. فقط

تراویح قبل الوتر أفضل است وبعد الوتر جائز میباشد: **سوال:** (۱۸۴۷) تراویح را قبل الوتر اداء نمودن بکار است ویا بعد الوتر یک شخص وتر را نخست اداء کند وبعد ازآن تراویح را بدهد؟

جواب: در متعلق تراویح طریقهٔ مشروع آنست که بعد از نماز عشاء وقبل الوتر تراویح را اداء نمایند سپس ازآن وتر را بخواند لکن اگر تراویح را بعد الوتر اداء میکند آن هم درست است در الدرالمختار مذکور است: وقتها بعد صلوة العشاء إلى الفجر قبل الوتر وبعده في الاصح [4]. فقط

شانزده کعت تراویح را اداء نمود ومتباقی چهار رکعت را دروقت تهجد اداء کرد حکم آن چیست؟ **سوال:** (۱۸۴۸) اگر قاري صاحب شانزده رکعت تراویح را اداء نمود وچهار رکعت متباقي را در این وقت اداء ننمود که آن را شخص دیگر امامت خواهد داد بناءا اگر قاري چهار رکعت را در وقت تهجد بجماعت اداء نماید ایا جواز دارد یا نه؟ که خودش نیت تراویح را

= باب الأذان مطلب في كراهة تكرار الجماعة في المسجد ج۱ ص۳٦۷، ط. س. ج۱ ص۳۹٦). ظفير

(۱) وكان رجل قد صلى الفرض وحده فله أن يصليها مع ذلک الإمام لأن جماعتهم مشروعة فله الدخول فيها معهم (رد المحتار باب الوتر والنوافل مبحث التراويح ج۱ ص٦٦۳، ط.س. ج۲ ص٤۸). ظفير

(۲) قوله فليراجع الخ قضية التعليل في المسئلة السابقة بقولهم لأنها تبع أن يصلي الوتر بجماعة في هذه الصورة لأنه ليس بتابع للتراويح ولا العشاء عند الإمام رحمه الله تعالى إنتهى، حلبى (الطحطاوى على الدرالمختار مبحث التراويح ج۱ص....). ظفير

(۳) والسن الذي يحكم ببلوغ الغلام والجارية إذا انتهيا إليه خمس عشرة سنة عندابي يوسف ومحمد وهورواية عن ابي حنيفة وعليه الفتوى.(عالمگيري مصري كتاب الحجر باب الثانى فصل ثاني ج٥ ص٦٤). ظفير

(٤) الدرالمختار على هامش ردالمحتار مبحث صلوة التراويح ج۱ ص٦٥۹، ط.س. ج۲ ص٤٤. ظفير

داشته باشد وباقي مقتديان نيت تهجدرا ويا مقتديان نيز اين چهار ركعت را بنيت تراويح اداء كنند آيا اين فعل جائز است يا نه؟ بالخصوص در وقتيكه مردم بتداعي اجتماع مي نمايند؟

جواب: اگر چهار ركعت تراويح را بگذارد ودر آخري حصۀ شب آن را بجماعت اداء كند درست است [۱] وعلاوه از تراويح سائر جماعت سائر نوافل كه بتداعي باشد يعني جماعت سه چهار نفر يا زياد درست نيست بلكه مكروه است وهمچنان جماعت تهجد نيز مكروه است. [۲] فقط

حكم شبينه: **سوال:** (۱۸۰۹) اگر شبينه يعني ختم قرآن مجيد در نوافل بجماعت اداء شود جائز است يانه؟

جواب: اگر شبينه يعني ختم قرآن مجيد در نوافل بجماعت باشد مكروه است ومراد از مكروه مكروه تحريمي است كه قريب بحرام ميباشد بناء آن را ناجائز گفتن صحيح است وتفسير تداعي عبارت است از آنكه مقتديان چهار باشنند ودر سه اختلاف است [۳]. فقط

نبي اكرم ﷺ كه كدام نماز را در رمضان المبارک اداء نموده بودند آن تراويح بود:

سوال: (۱۸۵۰) رسول الله ﷺ كه سه شب در رمضان المبارک نماز نفل را بجماعت كبرىٰ اداء فرموده بودند آيا اين نماز تهجد بود يا غير تهجد اگر غير تهجد باشد پس بر اداء نمودن نماز تهجد كه بوجه امتثال اين حكم إلهي: (وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهٖ نَافِلَةً لَّکَ) و (يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ (۱) قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيْلًا) كه كدام مداومت براي نبي اكرم ﷺ حاصل بود نبي اكرم ﷺ بعد از نماز ذكر شده آن نماز را اداء نموده بود يانه؟ مفصل ومدلل آن را تحرير فرمائيد؟

جواب: محققين فرموده اند كه آن نماز تراويح بود وچونكه در نوافل تداخل ميشود ويک نماز قائم مقام ديگر ميگردد فلهذا اگر در يک شب سائر شب را درتراويح اداء كردن سپري نمايد پس تهجد نيز در آن اداء ميشود، كما في السنن: وتحية المسجد والضوء، وتحقيق آن را

---

(۱) ووقتها (اي صلوة التراويح) بعد صلوة العشاء إلى الفجر في الوتر وبعده في الأصح (الدر المختار على هامش ردالمحتار مبحث التراويح ج۱ ص۶۵۹، ط.س. ج۲ ص۴۴). ظفير

(۲) ولايصلي الوتر ولا التطوع بجماعة خارج رمضان اى يكره ذلک لو على سبيل التداعي بأن يقتدي اربعة بواحد الخ (ايضا باب الوتر والنوافل بعد مبحث التراويح ج۱ ص۶۶۳، ط.س. ج۲ ص۴۸). ظفير

(۳) ولا يصلي الوتر ولا التطوع بجماعة خارج رمضان اي يكره ذلک لو على سبيل التداعي بأن تقتدي اربعة بواحد (الدرالمختار على هامش ردالمحتار ج۱ ص۶۶۳، ط.س. ج۲ ص۴۸) ظفير

حضرت مولانا رشید احمد قدس سره محدث وفقیه گنگوهي در سالهٔ (الرأي النجیح في عدد التراویح) مفصلا بیان فرموده است واجوبهٔ سائر شبهات را درآن مدلل تحریر نموده است آن رساله را مطالعه فرمائید انشاء الله از روي انصاف هیچ شبه درآن باقي نخواهد ماند وحاصل تحقیق جناب مولانا صاحب آنست که نبي اکرم ﷺ وقتیکه سه شب نماز نفل را بجماعت اداء فرموده بودند آن نماز تراویح بود نه نماز تهجد ودر آن رساله جوابات سائر شبهات را از احادیث وآثار ارائه فرموده است [1]. فقط

بخاطر وظایف ترک نمودن جماعت تراویح درست نیست: سوال: (۱۸۵۱) یک نفر در میان وتر وسنت عشاء عادي یک وظیفه است وچونکه وتر در رمضان المبارک بجماعت اداء میشود بناء خواندن وظیفه چه وقت بکار است اکبر وظیفه را سپري میکند ودرآن مصروف شود دوازده رکعت تراویح از او فوت میشود ودر هشت رکعت شرکت کرده خواهر توانست پس آن شخص هشت رکعت تراویح را اداء کند ودرجماعت وتر شامل شود یا چطور ویا آنکه جماعت وتر را ترک کند ویا وظیفه را در رمضان المبارک ترک گوید؟

جواب: بوجه وظیفه جماعت تراویح وجماعت وتر را ترک نمودن بکار نیست وتراویح را ا داء بیست رکعت اداء نمودن بکار است [2] واگر میخواهد وظیفه را به انجام برساند بس آن را بعد الوتر یا درکدام وقت دیگر اداء کند غرض آنکه بخاطر وظیفه کدام واجب وسنت را ترک نگوید بلکه وظیفه را بگذارد یا در وقت دیگر آن را بخواند.

درود بعد از چهار رکعات تراویح: سوال: (۱۸۵۲) آن عده مردمیکه بعد از چهار رکعت تراویح میگویند درود بر خواجه عالم این گفتار صحیح است یا نه؟

جواب: آن عده مردمیکه بعد از چهار رکعت تراویح این الفاظ را میگویند درود بر خواجه عالم در همچو گفتن هیچ کدام حرج نیست لکن این الفاظ درود نیست وثواب مزید درگفتن درود شریف میباشد بهتر آنست که بجاي این الفاظ (صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ) بگوید ویا دیگر کدام درود شریف را بگوید وسبحان الله والحمد لله ولا إله الا الله والله اکبر را بگوید [3]. فقط

---

(۱) همچنان بخاطر مزید معلومات تراویح رسالهٔ رکعات تراویح را نیز مطالعه نمائید. شائع کرده مدرسهٔ مفتاح العلوم اعظم گره. ظفیر

(۲) والجماعة فيها سنة على الكفاية الخ وهي عشرون ركعة الخ بعشر تسليمات (الدرالمختار على هامش ردالمحتار مبحث التراويح ج۱ ص۶۶۰، ط.س. ج۲ ص۴۵). ظفير

(۳) يجلس ندبا بين كل اربعة بقدرها وكذا بين الخامسة والوتر ويخيرون بين تسبيح وقراءة وسكوت وصلوة فرادى (الدر المختار على =

تراویح را اداء می نماید اما ازطرف روز، روزه گرفته نمیتواند: سوال: (۱۸۵۳) درشب که تراویح را اداء کند اما از طرف روز روزه را نگیرد حکم چیست؟

جواب: اگر کدام عذر باشد مثلا مرض باشد یا سفر داشته باشد گرفتن روزه مباح ودرست است وبغیر از عذر شکستاندن روزه رمضان المبارک گناه کبیره است که عوض وجبیرهٔ آن روزه بسائر عمر آن انسان نیز شده نمیتواند کما ورد في الحديث: من افطر يوماً من رمضان من غير رخصه ولا مرض لم يقض عنه صوم الدهر كله وإن صامه رواه أحمد والترمذی وغيرهما [1] الخ.

قرآن را کاملاً در تراویح قرائت نمودن بهتر است: سوال: (۱۸۵٤) در تراویح قرآن مجید را کاملا قرائت نمودن افضل است ویا بسورت فیل اداء نمودن آن أولی است؟

جواب: در الدر المختار مذکور است: والختم مرة سنة الخ ولا يترك الختم لكسل القوم الدرالمختار [2] حاصل عبارت فوق آنست که در تراویح یکبار ختم قرآن مسنون است وبوجه تکاسل قوم ختم قرآن ترک نباید کرد زیرا برآن عمل شده است ومعمول به نیز میباشد وتفصیل مزید در شروح است. فقط

سجدهٔ تلاوت در تراویح: سوال: (۱۸۵۵) اگر در تراویح شده درختم شدن رکوع آید ویادر آخر سورت باشد پس چگونه اداء کردن آن بکار است؟

جواب: درجائیکه درآخر سورت آیت سجده بیاید طریقه اداء نمودن آن بدو بخش است یکي آنکه فورا سجده تلاوت را اداء کند وقیام نماید وبعد از تلاوت نمودن چند آیت رکوع کند، دوم آنکه در رکوع نیت اداء نمودن سجده تلاوت را بکند پس سجده اداء میشود اما فورا سجده باید کرد. فقط (صورت دوم شایان ومناسب نیست زیرا تنها نیت امام کافي نیست وسجدهٔ تلاوت مقتدي ترک میشود وبعد از سلام آن را اداء کند: ولو نواها في ركوعه ولم ينوها المؤتم لم تجزه يسجد إذا سلم الامام ويعيد القعدة، در المختار، وفورا اداء نمودن سجدهٔ مستقل بکار است وقتیکه در ختم سورت سجده باشد وبعد از قیام از سجده دو سه آیات سورت دیگر را قرائت نماید سپس برکوع برود ورکوع را اداء کند وإن كانت السجدة آخر السورة يقرء من

= هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل مبحث التراويح ج۱ ص۶۶۱، ط.س. ج۲ ص۴۶). ظفير

(۱) مشکوة شریف ص۱۷۷. ظفير

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار مبحث التراويح ج۱ ص۶۶۲، ط.س. ج۲ ص۴۶. ظفير

سورة أخرى لم يركع، ردالمحتار، اگر در ختم رکوع سجده باشد فلهذا بعد ازسجده یک حصه رکوع دیگر را قرائت کند سپس براي نماز برکوع برود ررکوع کند والله اعلم. ظفير)

تنها بخاطر فتح دادن در تراويح شرکت نمودن: سوال: (۱۸۵٦) هر شخصي که در نماز تراويح بر آن نيت شرکت ورزد که امام غلطي مي نمايد ومن برايش رهنمائي وفتح خواهم داد وسپس نماز را خواهم شکست پس بنا بر اين نيت آيا او مقتدي محسوب ميگردد يانه؟ اگر امام را فتح داد وسپس نماز خود را شکست آيا نماز امام درست شده است يا نه؟ وشبينه چه حکم دارد؟

جواب: اين شخص مقتدي گرديده وتکميل نماز بدوش او لازم شده است وامام فتح او را خواهد گرفت زيرا براي او معلوم نيست که آن شخص بعد از فتح دادن نماز را ميشکناند ونماز امام درست است واما برآن نيت شرکت نمودن او ناپسند است وتکميل آن نماز بعهده اش لازمي است [1] اما شبينه اگر درآن قرائت قرآن مجيد بطريق درست وصحيح باشد بسيار پسنديده است لکن قسميکه در عصر موجوده ميشود اکثرا سبب گناهان ميگردد بناءا ترک نمودن آن بکار است. فقط

یک نفر در دو جاي تراويح داده ميتواند يا نه؟ سوال: (۱۸۵۷) اگر امام در دو جاي نماز تراويح را ميدهد آيا درست ميشود يا نه؟

سوال: (۲) در شب ۲۷ رمضان المبارک بعد از ختم قرآن شريف غزل الوداع در مسجد خوانده ميشود آيا اين عمل جائز است يا نه؟

جواب: در دو مکان تراويح درست ميشود [2]. فقط (اگر در هر دو جاي امامت تراويح را کاملا اداء کند سپس مطابق قول مفتى به تراويح أهالي مسجد ثاني درست نميباشد در عالمگيري صراحة آمده است: حواله را در حاشيه مطالعه فرمائيد. ظفير)

---

(۱) ومن شرع في نافلة ثم أفسدها قضاها (إلى قوله) ولنا أن المؤدى وقع قربة فيلزم الإتمام ضرورة صيانة عن البطلان (هدايه باب النوافل ج۱ ص۱۳۱). ظفير

(۲) ولو أم في التراويح مرتين في مسجد واحد كره (إلى قوله) وإن صلى في المسجدين إختلف المشايخ فيه حكى عن ابي بكر الأسكاف أنه لايجوز يعني لايجوز تراويح أهل المسجد الثاني واختاره ابو الليث وقال ابو نصر يجوز لأهل المسجد جميعا الخ غنية المستملي ص۳۸۹، امام يصلى التراويح في مسجدين على الكمال لايجوز كذا في محيط السرخسي والفتوى على ذلک كذا في المضمرات عالمكيري كشوري ط. ماجدية ج۱ ص۱۱٦. ظفير

جواب: (۲) سرائیدن وگفتن غزل درست نیست [۱]. فقط

تراویح هشت رکعت است یا بیست رکعت؟ سوال: (۱۸۵۸) تراویح را هشت رکعت اداء نمودن بکار است یا بیست رکعت؟ مشرح ومدلل تحریر فرمائید ودر مورد فاتحه خلف الامام وآمین بالجهر حکم چیست؟ واضح تحریر فرمائید وسه رکعات وتر آیا طوري است که در رکعت دوم قعده شود؟

جواب: در فتح القدير مذکور است: نعم يثبت العشرون من زمن عمر (رضی الله عنه) في المؤطا عن يزيد بن رومان قال كان الناس يقومون في زمن عمر بن الخطاب بثلاث وعشرين ركعة وروى البيهقي في المعرفة عن السائب بن يزيد قال كنا نقوم في زمن عمر بن الخطاب ﷺ بعشرين ركعة والوتر قال النووي في الخلاصة إسناده صحيح وفي المؤطا باحدى عشرة ركعة وجمع بينهما بأنه وقع اولا ثم إستقر الأمر على العشرين فانه متوارث فتحصل من هذا كله أن قيام رمضان سنة إحدى عشر ركعة بالوتر في فعله ﷺ تركه لعذر الخ فيكون سنة وكونها عشرين سنة الخلفاء الراشدين وقوله ﷺ عليكم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين ندب إلى سنتهم (إلى أن قال) فتكون العشرون مستحبا الخ [۲] از تحقیق فوق ثابت شد که سنت خلفاء راشدین نیز بیست رکعت تراویح است وآن حضرت ﷺ نیز درآن مورد حکم متابعت خلفاء راشدین را فرموده اند پس این گفتار غیر مقلدین که بیست رکعت تراویح بدعت عمري است آن جهالت از حدیث است ودر شامي مذکور است: قوله وهي عشرون ركعة وهو قول الجمهور وعليه عمل الناس شرقا وغربا، غرض آنکه در این مورد هیچ تامل نیست. كما مر عن فتح القدير فلهذا براي احناف همین دلیل کافي است. بناءا اگر بالفرض آن سخن ثابت شود که در زمانه آن حضرت ﷺ بیست رکعت تراویح از حدیث صحیح ثابت نیست، پس از زمانه حضرت عمر رض بالاتفاق بطریق صحیح ثابت است وسنت خلفاء راشدین بذات خود واجب الاتباع میباشد پس براي ثبوت بیست رکعت تراویح از آن زیاد تر چه چیز شده میتواند. ودرا ین مورد رساله (الرأی النجیح) و (الحق الصریح) و (ایضاح الأدلة) را از مولوي اصغر حسین صاحب مطالبه کنید ودر رساله ها اولین تحقیق کامل تراویح وحق الامر رانیز ظاهر وآشکار نموده است ودر رساله ایضاح الادلة

---

(۱) من أحدث في أمرنا هذا ما ليس منه فهو رد، متفق عليه (مشكوة ص۳۷). ظفير

(۲) فتح القدير بحث تراويح ج۱ ص۴۰۷. ظفير

مصنفه حضرت مولانا محمود الحسن صاحب مسائل اختلافي مانند رفع اليدين فاتحه خلف الامام وآمينُ بالجهر وغيره را بسيار بتفصيل وتشريح ذكر شده است واز احاديث صحيحه مسائل امام صاحب ثابت نموده است كه غير مقلدين از ارائه نمودن جوابات آن عاجز ميباشند وكتاب هاي فوق الذكر حتما مطالبه كنيد وآن را مطالعه فرمائيد وبراي بنده عاجز اولا فرصت نقل نمودن آن دلايل ميسر نيست وچيزي نوشتن نيز تحصيل حاصل ميباشد وبغير از مطالعه نمودن كتاب هاى مذكوره از فريب دادن غير مقلدين اشخاص مقلدين نجات نخواهد يافت ودرسه ركعات وتر ثبوت قعده وسطانى طوري بديهي است كه از آن انكار ورزيدن فعل أهل حق واهل دين نيست واين جرئت را يگانه وتنها غير مقلدين مي نمايند. صلاة الليل مثنى مثنى فاذا خشع الصبح صلى واحدة فاوتر لا صلي، حديث صحيح است: واز اين واضح ثابت شد كه بعد ازدو ركعات تشهد خوان لازم است در فتح القدير مذكور است: : واخرج الحاكم قيل للحسن أن إبن عمر ﷺ كان يسلم في الركعتين من الوتر فقال عمر كان أفقه منه نهض بينهن في الثانية. در اين حديث بعد از در ركعت نهوض مصرح است ونهوض بعد از قعود ونشست ميباشد وهمچنان درفتح القدير [1] مذكور است: قال الطحاوي حدثنا ابوبكر حدثنا ابوداؤد حدثنا ابو خالد قال سألت أبا العالية عن الوتر فقال علمنا اصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم أن الوتر مثل صلوة المغرب هذا وتر الليل وهذا وتر النهار. [2] از اين حديث نيز معلوم شد كه وتر مانند نماز شام است.

در تراويح سه بار خواندن (قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ) چگونه است؟ سوال: (۱۸۵۹) (۱) درتراويح سه بار خواندن (قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ) جائز است يا مكروه؟

بعد از ترويحه نوافل ومناجات جائز است يا نه؟ سوال: (۱۸۶۰) (۲) در تراويح بعد از ترويحه مناجات ونوافل جائز است يا نه؟

جواب: (۱) در ترويحه سه بار (قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ) خواندن مكروه نيست [3] البته لازم پنداشتن آن مكروه خواهد شد پس التزام آن نباشد.

(۱) فتح القدير بحث تراويح ج۱ ص۴۰۷. ظفير

(۲) فتح القدير بحث تراويح باب الوتر ج۱ ص۳۷۲ – ۳۷۳ . ظفير

(۳) ولا يكره تكرار السورة في ركعة او ركعين في التطوع لأن باب النفل واسع (إلى قوله) فدل على جواز التكرار في التطوع (غنية المستملي ص۳۴۳) وقراءة قل هو الله أحد ثلاث مرات عند ختم القرآن لم يستحسنها بعض المشائخ وقال الفقيه ابو الليث هذا شيء إستحسنه أهل القرآن وأئمة الأمصار فلا بأس به إلا ان يكون الختم في المكتوبة فلانزيد على مرة (غنية المستملي ص۴۶۴). ظفير

جواب: (۲) درتراویح بعد هر ترویحه دعاء ومناجات وذکر وتسبیح وتهلیل ودرود شریف ونوافل همه جائز است. [۱] فقط

گناه ترک تراویح: **سوال:** (۱۸۶۱) قضاء نمودن تراویح گناه دارد یا نه؟

جواب: در قضاء نمودن تراویح گناه ترک سنت خواهد باشد. [۲] فقط والله اعلم

فیصلۂ اختلاف رکعات تراویح: **سوال:** (۱۸۶۲) فریق اول میگوید که نماز رسول الله ﷺ در رمضان وغیر رمضان یازده رکعت بود قسمیکه از حدیث حضرت عائشه صدیقه (رض) ثابت است بناءا تراویح وغیره همه درآن داخل اند. فریق دوم میگویند که تراویح نماز علیحده ومستقل است، وتر وتهجد نیست فلهذا تراویح را بیست (۲۰) رکعت اداء نمودن بکار است بناءا در میان قولین سخن حق کدام است؟

جواب: یازده (۱۱) رکعت که در حدیث حضرت عائشه رض آمده است آن نماز وتر وتهجد بود چنانچه لفظ غیر رمضان قرینه واضح موجود است زیرا در غیر رمضان تراویح نمیباشد بناءا تراویح بیست (۲۰) رکعت است وبر آن اجماع صحابه کرام منعقد گردیده است: قال في الدر المختار قوله عشرون رکعة هو قول الجمهور وعمل الناس شرقا وغربا. [۳] در مؤطاء امام مالک رحمه الله این حدیث موجود است: حدثنا مالک عن یزید بن رومان أنه قال کان الناس یقومون في زمان عمر بن الخطاب رضي الله عنه في رمضان بثلث وعشرین رکعة قوله بثلث وعشرین رکعة قال البیهقي والثلث هو الوتر ولا ینافیه الروایة السابقة فانه وقع اولا ثم إستقر الأمر علی العشرین فروی البیهقي باسناد صحیح أنهم یقومون في عهد عمر بعشرین رکعة وفي عهد عثمان وعلی مثله [۴]. فقط

حدیث تراویح: **سوال:** (۱۸۶۳) ابن خزیمه وابن حبان که کدام حدیث درصحیحین ایشان بروایت جابر ابن عبد الله نقل نموده است: قال صلی بنا رسول الله ﷺ فی شهر رمضان ثمان رکعات واوتر، الحدیث. وغیر مقلدین این حدیث را حجت برای خود می پندارند فلهذا اسناد حدیث مذکور را مع جرح وقدح تفصیلا تحریر فرمائید؟

---

(۱) ثم هم مخیرون في حالة الجلوس إن شاءوا اسبحوا وإن شاءوا لعدوا ساکتین الخ (عالمکیري کشوري ج۱ ص ۱۱٤، ط. ماجدیة ج۱ ص۱۱۵). ظفیر

(۲) وهی سنة للرجال والنساء جمیعا ونفس التراویح سنة علی الأعیان (عالمکیري کشوري ج۱ ص۱۱٤، ط. ماجدیة ج۱ ص۱۱٦). ظفیر

(۳) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ط.س. ج۲ ص٤۵. ظفیر

(٤) غنیة المستملی ص۳۸۸. ظفیر

جواب: صحیح ابن خزیمه وابن حبان در اینجا موجود سردست نیست که درآن سند آنها دیده ومطالعه شود وتوجیه آن روایت علماء محققین ذکر فرموده اند که آن را بخدمت شما نقل مي نمایم، در فتح القدیر مذکور است: قدمنا في باب النوافل عن ابي شلمة ابن عبدالرحمن سألت عائشة کیف کانت صلوة رسول الله صلى الله علیه وسلم في رمضان فقالت ماكان يزيد في رمضان ولا في غيره على إحدى عشرة ركعة الحديث إلى أن قال نعم ثبتت العشرون من زمن عمر ﷺ في المؤطا عن يزيد بن رومان قال كان الناس يقومون في زمن عمر بن الخطاب بثلاث وعشرين ركعة وروى البيهقي في المعرفة عن السائب بن يزيد قال كنا نقوم في زمان عمر بن الخطاب بعشرين ركعة والوتر قال النووي في الخلاصة اسناده صحيح [1] الخ بناء واضح ومعلوم شد که بیست رکعت تراویح سنت خلفاء راشدین است وآن حضرت ﷺ فرموده اند: علیکم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدین، لهذا ضروري است که سنت خلفاء راشدین معمول بها گردانیده شود. فقط

<u>اگر یک قاري دریک هفته مسجد قرآن ختم میکند در تراویح ودر هفته دیگر در مسجد دیگر ختم میکند بناءا در این مورد حکم چیست</u>؟ سوال: (۱۸٦٤) بعضي قراء کرام درشش یا هفت روز قرآن مجید را در تراویح در یک مسجد کاملا ختم مي کند وبعد ازآن در مسجد دوم ختم قرآن مجید را در تراویح مي شنواند آیا این طرز العمل درست است یا نه؟ وتراویح اهالي مسجد ثاني درست میشود یانه؟ قراء کرام وبعضي علماء آن را جائز میدانند وبعضي میگویند که برای قاري یک بار ختم کردن مسنون است وختم دوم او برایش نفل است وبرای مقتدي آن ختم سنت است فلهذا آیا نماز سنت گذاران بدنبال نفل گذار چگونه خواهد شد؟ تحقیق این مسائل را بفرمائید؟

جواب: در یک مسجد در شش یا هفت روز ختم قرآن مجید کردن وسپس از آن براي قاري بختم دیگر در مسجد ثاني پراختند درست است وتراویح اهالي مسجد ثاني صحیح است زیرا نماز تراویح در سائر رمضان المبارک سنت مؤکده است بناءا اگر قاری در مسجد ثاني نماز تراویح را بدهد آن سنت مؤکده شد، وتراویح مقتدیان همچنان سنت مؤکد شد فلهذا نماز هردو متحد ویکي شد علاوه از آن بدنبال نفل کننده نماز سنت نیز درست میشود وآن شبهه که ختم

(۱) فتح القدیر باب التراویح ص۴۰۷. ظفیر

قرآن مجید یک بار سنت مؤکد است دوم وسوم بار ختم قرآن نفل است آن شبهه بي مورد میباشد زیرا نماز امام سنت مؤکده است وبعلت عدم مسنون بودن ختم آن نماز سنیت خارج نمیشود ودرنماز مقتدییان هیچ نوع نقصان وارد نشد لکن أفضل وبهتر در عصر موجوده آنست که امام قاري از ختم بیشتر در تراویح نگوید بخاطر آنکه بالاي مقتدیان ثقیل ودشوار نشود کما في الدر المختار: لکن الإختیار الافضل في زماننا قدر ما لا یثقل علیهم وفی الشامي من استحب الختم في لیلة السابع والعشرین رجاء أن ینالوا لیلة القدر [1] الخ. فقط

درجریان تراویح اگر بعضی آیت ها سهواً ترک شود واما آن را درشب دو یا سوم تلاوت نماید آیا آن جواز دارد یانه؟ **سوال:** (۱۸٦۵) در تراویح اگر امام سهوا برخي از آیات را بگذارد ودر روز دوم وسوم آیت هاي متروکه را بطور متفرقي یکي بعد دیگري قرائت نماید جواز دارد یا نه؟ وآیا در همچو ختم الشریف ثواب ختم کامل بلا کراهیت باشد یا مع الکراهیة یک عالم میگوید که براي سامع وقاري اگر ثواب ختم کامل است لکن گناه نیز همراهش خواهد باشد زیرا آیت هاي سورت مائده با سورت توبه قرائت شد بناء آیا این گفتار آنان صحیح است یا غلط؟

بدنبال نا بالغ تراویح کننده گنهکار است یا نه؟ **سوال:** (۱۸٦٦) امامت قاري نا بالغ درست است یانه؟ واگر کسي بر آن پا فشاري وجبر مي نماید گنهکار خواهد باشد یا نه؟

جواب: (۱) ثواب ختم کامل برایش داده میشود واما وقتیکه بفراموشي چنین شده است بناءا در آن هیچ گناه وکراهیت نیست. [2]

جواب: (۲) موافق مذهب صحیح بدنبال نابالغ تراویح وغیره نمازها صحیح نیست ونمازش نمیشود وهر کسي که چنین عمل مي کند نماز تراویح او نمیشود هکذا في الدر المختار والشامي وغیرهما. [3] فقط

برای قاري کرایه رفت وآمد تادیه نمودن وطعام خورانیدن درمعاوضه داخل است یانه؟

---

(۱) رد المحتار ج۱ ص٦٦۲ ، ط.س. ج۲ ص۴۷. ظفیر

(۲) واذا غلط في القراءة في التراویح فترک سورة او اية وقرا مابعدها فالمستحب ان یقرأ المتروکة ثم المقروءة لیکون علی الترتیب کذا في فتاوی قاضي خان (عالمگیري مصري ج۱ ص۱۱۰، ط. ماجدیة ج۱ ص۱۱۸). ظفیر

(۳) ولایجوز للرجال أن یقتدوا بامرأة اوصبي الخ وفي التراویح والسنن المطلقة جوزه مشائخ بلخ ولم یجوزه مشائخنا إلخ والمختار انه لایجوز في الصلوات کلها لأن نفل الصبي دون نفل البالغ الخ (هدایه باب الإمامة ج۱ ص۱۱۱). ظفیر

سوال: (۱۸٦۷) یک قاری در آخر ماه شعبان خواسته شد وسائر مردم برایش چنده نمودند وپول کرایه واقعي رفت وآمد اورا دادند ودر تمام ماه رمضان برایش طعام خورد ونوش عمده دادند آیا این صورت شنواندن قرآن کریم بلا عوض محسوب میشود ویا این صورت نا جائز است واو راچیزي زائد درعوض آن داده نمیشود اگر چنان نشود پس قاري مذکور قرآن را نمیشنواند.

جواب: قاري را از خارج خواستن واو را مصارف رفت وآمد تادیه نمودن وقرآن مجیدؒ او را بغیر از معاوضه شنیدن جائز وفعل ثواب است وهرگاه قاري صاحب از خارج آمده ومهمان دعوت شده است بناءا براي او خوراک عمده وعالی مهیا نمودن وبر قاري خودانیدن جائز وثواب است.

بدنبال پسر چهارده ساله تراویح درست است یانه؟ سوال: (۱۸٦۸) امامت پسر چهارده ساله در تراویح چگونه است؟

جواب: بدنبال پسر دارٰاي سن چهارده ساله فرائض تراویح هیچ درست نیست صحیح همانست تا وقتیکه بسر کاملا پانزده ساله نشده باشد او را در تراویح وغیره امام مگردانید. در هدایه وشامي وغیره به همین منوال نوشته شده است اگر در سن چهارده سالگي نشانی بلوغ ظاهر شده بود وبگوید که من بالغ شده ام دراین صورت بدنبال او اقتداء درست است. فقط

در تراویح امام وسامع را برابر ایستاده نمودن چگونه است؟ وبرای سامع أجرت دادن جائز است یانه؟ سوال: (۱۸٦۹) در تراویح اگر امام وسامع هموار برابر ایستاده شوند اگر براي امام عذر سماعت باشد یا نباشد این چگونه است؟ وسامع را به اجرت مقرر نمودن چگونه است؟

جواب؟ اگر ضرورت باشد مثلا از فاصله دور رهنمائي سامع در فهم امام نمي آید بناءا سامع را عنقریب امام ایستاد نمودن درست است وبلا ضرورت ناپسند است وسامع راء به أجرت مقرر نمودن نیز ناپسند است بلکه ناجائز است زیرا بر قرائت نمودن وشنواندن قرآن مجید أجرت أخذ نمودن حرام است.

در مورد حدیث تراویح پرسش: سوال: (۱۸۷۰) عن السائب بن یزید أن عمر بن الخطاب جمع الناس في رمضان علی أبي بن کعب وعلی تمیم الداري علی إحدی وعشرین رکعة قال إبن

عبدالبر هو محمول علی أن الواحدة الوتر. حدیث فوق را شما بحواله عیني جلد دوم ص۳۵۷ تحریر فرموده اید بناءا لطف نمائید آن را نیز بنگارید که در کدام عیني است آیا در عیني شرح هدایه یا در عیني شرع بخاري ودر صفحهٔ کدام طبع ونبر۳۵۷ است و در بیان کدام مسئله است؟

جواب: عن السائب بن یزید أن عمر ابن الخطاب (رضی الله عنه) جمع الناس في رمضان علی أبی ابن کعب وعلی تمیم الداري علی إحدی وعشرین رکعة الخ قال إبن عبدالبر هو محمول علی أن الواحدة للوتر. عیني شرح هدایه جلد خامس کتاب صلوة التراویح ص۱۹۱ مطبوعه یوسفی چنین نقل میفرمایند: قال عبد البر في شرح المؤطا روی غیر مالک في هذا الحدیث احد وعشرون وهو الصحیح (فقط محمد ابراهیم مدرس مدرسه هذا).

<u>تراویح سنت است یا واجب ویا نفل</u>: سوال: (۱۸۷۱) : نماز تراویح سنت مؤکده است یا واجب ویا نفل است؟

جواب: قال في الدرالمختار التراویح سنة مؤکدة لمواظبة الخلفاء الراشدین الخ وفي الشامی وکیف لا وقد ثبت عنه ﷺ علیکم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدین المهدیین عضوا علیها بالنواجذ کما رواه ابوداؤد [۱] بناء معلوم شد که تراویح سنت مؤکده است.

<u>کسی که بیست (۲۰) رکعت تراویح را تسلیم کند وبعد از آن احیانا سیزده ۱۳ یا چهل ویک ۴۱ رکعت اداء میکند آیا گنهکار میباشد یا نه</u>؟ سوال: (۱۸۷۳) اگر کسی با دشتن اعتقاد مسنون بودن بیست رکعت تراویح او احیانا یازده ۱۱ سیزده ۱۳ وچهل ویک ٤۱ رکعت اداء مي نماید آیا در این فعل خود او گنهکار خواهد باشد یا نه؟ وآیا عدد فوق الذکر در احادیث وارد است؟

جواب: تراویح بیست ۲۰ رکعت سنت مؤکد است ومخالفت کنندهٔ آن عند الاحناف تارک سنت است [۲] وخلاف سنت عمل کردن قبیح است [۳] واعداد مذکوره در حدیث وارد است

---

(۱) رد المحتار باب الوتر والنوافل مبحث صلوة التراویح ج۱ ص۶۵۹، ط.س. ج۲ ص٤۳. ظفیر

(۲) وهی عشرون رکعة بعشر تسلیمات (درمختار) وهو قول الجمهور وعلیه عمل الناس شرقا وغربا (ردالمحتار باب الوتر والنوافل مبحث صلوة التراویح ج۱ ص۶۶۰، ط.س. ج۲ ص٤۵). ظفیر

(۳) ترک السنة لا یوجب فسادا ولا سهوا بل إساءة لو عامدا، (درمختار) فتارکها یستوجب إساءة أی التضلیل واللوم (رد المحتار مطلب سنن الصلوة ج۱ ص٤٤۲، ط.س. ج۱ ص٤۷٤). ظفیر

لکن عند الاحنا ف برسائر احاديث با بصيرت کامل وبعد ازغور ودقت النظر همان بيست (۲۰) رکعت راجح است وبتحريک عمر الفاروق (رض) بر همين عدد اجماع صحابه کرام رض منعقد گرديده است. والله اعلم

تمامی تراويح را به يک سلا ادا نمودن: سوال: (۱۸۷۳) چه ميفرمايند علماء دين درمورد اين مسئله که زيد ميگويد: بيست رکعت به يک تکبير ويک سلام اداء نمودن جائز است وبکر ميگويد که خلاف سنت ومکروه است هر دو دلايل نزد شان موجود دارند؟

جواب: أقول وبالله التوفيق، در مورد مسئله تراويح قول بکر درست وحق است [1] چنانچه درالدر المختار مذکور است: فعلها بتسليمة فإن قعد لکل شفع صحت بکراهة وفي الشامي أی صحت عن الکل وتکره إن تعمد وهذا هو الصحيح الخ شامي ج۱ ص٦٦۰.

آيات متروکه را در کدام وقت معاد وتکرار نمايد؟ سوال: (۱۸۷٤) در مملکت ما بطور عموم قراء کرام بي علم ميباشند ايشان در تراويح قرآن مجيد را تلاوت مي نمايند در وسط اگر سهوا دو يا سه آيت ترک شود يا ضمه وفتحه وکسره ترک گردد آن را در رکعت ديگر يا درآن رکعت دوگانه آيت های متروکه دوباره ميخوانند لکن اگر درکدام رکعت دوگانه که آيات ترک شده بود آن را اعاده نميکنند، اکنون معلوم نمودن اين سخن بکار است که بترک شدن آيات بوجه تبديلی معنی فساد نماز لازم مي آيد بناءا آيا اعاده اين نماز لازمي است يانه؟ ويا بوجه عدم ايجاد تغير سخن را اعاده لازم نميشود؟

جواب: اگر غلطی قرائت درچنان دو گانه د(و رکعات) درموقع شده باشد که موجب فساد نماز بود پس اعادۀ دوگانه يعني دو رکعات واجب است واگر چنان غلط باشد که شکننده نماز نباشد پس ضرورت برای اعاده آن نيست نماز درست ميشود بناءا درميان ترک شدن آيات يا غلطي کردن ضمه، فتح وکسره نيز همين حکم دارد مثلا درميان بترک شدن چند آيات تغيری درمعنی نيامد پس آن دورکعت صحيح شد بخاطر ختم قرآن مجيد در دوگانه ديگر آيات متروکه اعاده شود وهمانقدر کافي است. فقط (وإذا غلط في القراءة في التراويح فترک سورة او آية وقرء ما بعدها فالمستحب له أن يقرأ المتروکة ثم المقروءة ليکون على الترتيب کذا في قاضي خان وإذا

---

(۱) از سوال ظاهر ميشود که زيد قائل به اداء نمودن بيست رکعت به يک سلام وجائز بودن آن بغير از کراهت است لکن چنين گفتار درست نيست بلکه صحيح آنست که جائز مع الکراهة است. جميل الرحمن

فسد الشفع وقد قرأ فيه لا يعتد بما قرأ فيه ويعيد القراءة ليحصل له الختم في الصلوة الجائزة الخ فتاوی عالمكيري ج۱ ص۱۱۰ مصري)

به أجرت شنواندن تراويح: سوال: (۱۸۷۵) مردمان زيد را براي خواندن قرآن مجيد در نماز تراويح دعوت نمودند وبعد ختم كردن زيد سامعين چنده كرده قدري معين فيما بينهم از سكهٔ انگريزي به او دادند ونيز اين دادن درعرف مروج است الا آنكه هنگام دادن گفتند كه اين قابل شما نيست ونيت طرفين لله بود آيا زيد را اين روپيه گرفتن درست است يانه؟ وسامعين را دادن روا باشد يا نه؟

شبينه: سوال: (۱۸۷٦) در شريعت حكم ختم نمودن قرآن به يک شب كه در عرف به ختم شبينه شهرت دارد چيست؟

جواب: (۱) اصل اينست كه بر تلاوت قرآن شريف وختم قرآن حميد اجرت ومعاوضه گرفتن حرام است وثواب تالي وسامعين را باطل مي كند كما في الشامي كتاب الاجارة: قال تاج الشريعة في شرح الهدايه أن القرآن بالأجرة لايستحق الثواب لا للميت ولا للقاري (إلى أن قال) والآخذ والمعطي آثمان الخ فاذا لم يكن للقاري ثواب لعدم النية الصحيحة فأين يصل الثواب إلى المستأجر [1] الخ پس اگر در صورت مسؤله حسب عرف ورواج كه بمنزلهٔ شرط صريحي است اگر زيد قاري را خيال وإراده أخذ مال از سامعين بود دلدادهٔ سامعين هم بدادن مقداري از مال بود درين صورت موافق تصريح فقهاء ثواب قاري وسامعين باطل شد وسنت ختم قرآن شريف اداء نه شده است واگر نيت قاري وسامعين گرفتن ودادن روپيه نه برد بعد از ختم محض لوجه الله وابتغاء مرضات الله روپيه بقاري دادند واو قبول كرد جائز خواهد شد: فالعبرة لنية القاري والسامعين، قال عليه الصلوة والسلام: إنما الأعمال بالنيات وإنما لإمرئ ما نوى. الحديث (رواه البخاري وغيره).

جواب: (۲) در الدر المختار ودر ردالمحتار گفته شده است: ويجتنب المنكرات هذرمة القراءة درمختار قوله: هذرمة بفتح الهاء وسكون الذال وفتح الراء سرعة الكلام والقراءة. قاموس شامي ج۱ ص٦۳، از اين عبارت معلوم شد كه اگر در شبينه سرعت قرائت بعد هذرمه باشد مكروه است كه هذرمهٔ قرائت را از منكرات شمرده اند. فقط

---

(۱) ردالمحتار كتاب الاجارة ج۵ ص٤۷، ط.س. ج۵ ص۵٦٦. ظفير

تنها گذار تراویح را به آواز بلند خواند یا آهسته؟ **سوال:** (۱۸۷۷) (۱) مرد تراویح را بجماعت اداء کند یا علیحده؟ اگر علیحده وتنها اداء کند آیا به آواز بلند اداء کند یا آهسته؟

زنان جماعت وتر را تر کرده میتوانند یانه؟ **سوال:** (۱۸۷۸) (۲) زنان جماعت وترا اداء کند یا نه؟

بعد از سنت تراویح را شروع کند: **سوال:** (۱۸۷۹) (۳) در رمضان المبارک اگر تراویح شروع شود پس دو رکعت سنت که بعد از فرض است آن را اداء کند ودر تراویح شرکت ورزد ویا سنت را بعد ازآن اداء نماید؟

دریک مسجد جماعت دوم تراویح: **سوال:** (۱۸۸۰) (٤) نماز جماعت وتر وتراویح اداء شده است اکنون جماعت دوم را اداء کنند یا نه؟

جواب: (۱) والجماعة فيها سنة على الكفاية (درمختار باب التراويح) ويخير المنفرد في الجهر إن أدى (إلى قوله) كمتنفل بالليل منفردا ص٥٥٦ (درمختار ملخصاً) في فصل القراءة، مراد آن را بجماعت اداء کند واگر کدام شخص از جماعت باقي ماند ومنفردا نماز میخواند او اختیار دارد که به آواز بلند میخواند ویا آهسته میخواند هر دو درست است مگر با آواز بلند بهتر است.

جواب: (۲) زنان جماعت وتر را نکنند: (ويكره تحريما جماعة النساء ولو في التراويح الخ (درمختار على الشامي ج۱ ص۷۲۸). فقط

جواب: (۳) فرض وسنت را اداء کند سپس در تراویح شامل شود. فقط (وقتها بعد صلوة العشاء قال الشامي ج۱ ص٦٥٩). فقط

جواب: (٤) ثانیا در آن مسجد اداء نکند [1] (لو ترک الجماعة في الفرض لم يصلو التراويح جماعة (درمختار). جميل الرحمن

آیابه یک سلام بیست رکعت تراویح درست است؟ **سوال:** (۱۸۸۱) بیست رکعت تراویح به

---

(۱) دلیل این عبارت است از آنکه در یک مسجد تراویح را بجماعت متعدد اداء نمودن همان نوعیت را اعاده خواهیم نمود که بخاطر خود داري از آن حضرت عمر فاروق رض نماز گذاران علیحده را در اقتداء امام واحد جمع آوری نموده بودند: عن عبد الرحمن بن عبدالقادر قال خرجت مع عمر بن الخطاب ليلة في رمضان إلى المسجد فإذا الناس اوزاع متفرقون يصلي الرجل لنفسه ويصلي الرجل بصلوته الرهط فقال عمر إني أرى لو جمعت هؤلاء على قارئ واحد لكان أمثل ثم عزم بجمعهم على ابي بن كعب ﷺ، كبيري للحلبي ص۳۸۳. ازاین عبارت معلوم میشود که در یک مسجد جماعت متعدد مطابق إرشاد عمر فاروق رض خلاف طریقه أمثل است: وقال عليه الصلوة والسلام عليكم بسنتي وسنة خلفاء الراشدين المهديين تمسكوا بها وعضوا عليها بالنواجذ. (مشكوة بحواله ترمذي). جميل الرحمن

یک سلام اداء نمودن جواز دارد یانه؟

جواب: اداء نمودن بیست رکعت تراویح به یک سلام مکروه تحریمي است: (فلو فعلها بتسلیمة فان قعد لکل شفع صحت بکراهة وإلا نابت عن شفع واحد. (شامي ج۱ ص٦٦). جمیل الرحمن

فصل خامس

مسائل تهجد

کسی که نمازها را قضاء نموده باشد قضاء را اداء نماید ویا تهجد را، کدام افضل است؟

سوال: (۱۸۸۲) کسي که نمازهاي زیادي را قضاء نمودهٔ باشد براي او در وقت تهجد ویا در متباقي اوقات مناسب اداء نمودن تهجد ویا نوافل افضل است یا اداء کردن نمازهاي قضاء عمري؟

جواب: در الدر المختار مذکور است: وقضاء الفرض والواجب والسنة فرض وواجب وسنة [1] یعني قضاء فرائض فرض وقضا واجب واجب وقضاء سنن سنت است، حاصل آنکه در اداء نمودن نمازهاي قضائي عمري تکاسل وتنبلي وتأخیر ناپسند است هر قدریکه ممکن باشد وهر وقت که فرصت میسر شد پس قضاء نماز فرائض ووتر اداء کرده شود که إین طریقه أفضل است [2] لکن در مورد تهجد فضائل زیاد آمده است چنانچه در صحیح مسلم مذکور است: أفضل الصلوة بعد الفریضة صلوة اللیل [3]. یعني بعد ازنماز فرائض، نماز تهجد أفضل است پس اقتضاء فضیلت فوق الذکر آنست که هر گز ترک نشود واین فضیلت بغیر ازنوافل در این وقت به اداء نمودن نمازهاي قضائي حاصل نمیشود. قال في رد المحتار: أن التهجد لایحصل إلا بالتطوع فلو نام بعد صلوة العشاء ثم قام فصلی فوائت لایسمی تهجدا [4] (ص٥٠٥) یعني تهجد آن را گویند که بعد از نماز عشاء درحصهٔ آخر شب قیام نماسد ونوافل را اداء کند فلهذا اگر کدام شخص در این وقت بجاي نفل نماز قضاء شده روزه را اداءکند نام او تهجد نه میباشد یعني ثواب که در نماز

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص٦٨٠، ط.س. ج۲ ص٦٦. ظفیر

(۲) وجمیع اوقات العمر وقت للقضاء إلا الثلاثة المنهیة (درمختار) وهی الطلوع والإستواء والغروب (رد المحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص٦٨٠، ط.س. ج۲ ص٦٦) ظفیر

(۳) در مشکوة از مسند امام أحمد این روایت به ألفاظ آتي منقول است: أفضل الصلوة بعد المفروضة صلوة في جوف اللیل. رواه أحمد. مشکوة باب التحریض في قیام اللیل ص١١٠. با ألفاظ ذکر شده مطالعه فرمایید رد المحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦٦٠. ظفیر

(٤) ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب في صلوة اللیل ج۱ ص٦٤١، ط.س. ج۲ ص٢٤. ظفیر

تهجد نهفته است بدان حاصل نمیگردد بناءا اگر در همچو صورت زیاد تر ممکن نمیباشد پس باید که اقلا دورکعت نفل را اداء نماید واین کمترین درجه صلوة تهجد است قال في ردالمحتار: وأقل التهجد رکعتان وأوسطه اربعة واکثره ثمان [1] ص٥٠٥. فقط

در تهجد ادعیهٔ مختلفه چه وقت خوانده شود؟ سوال: (١٨٨٣) در احادیث ادعیه مختلفه در تهجد وارد است آیا ادعیه وارده بعد از ثناء است ویا قبل از تکبیر تحریمه؟

جواب: قرائت نمودن أدعیه مذکوره قبل از تکبیر تحریمه بکار است [2]. فقط

تهجد را بعد ازنماز عشاء وقبل الوتر اداء نمودن چگونه است؟ سوال: (١٨٨٤) هر شخصي که در حصهٔ آخر شب قادر بتهجد خواندن نباشد آیا او بعد از نماز عشاء وقبل الوتر نوافل اداء کند ویا بعد از وتر آن را اداء نماید؟

جواب: الفاظ حدیث طبراني اینست: وما کان بعد صلوة العشاء فهو من اللیل [3]، واین روایت شامل نوافل قبل الوتر وبعد الوتر هر دو را است لکن بهتر قبل الوتر است. فقط

قرائت ورکعات تهجد: سوال: (١٨٨٥) زید نماز تهجد بتطویل قرائت طوري اداء مي نماید که احیانا یک پاره واحیانا دوپاره واحیانا سه پاره قرآن مجید دریک رکعت میخواند ودر متباقي سه ٣ رکعات سورت هاي مختصر را تلاوت نموده آن را ختم مي نماید بناء آن طریقه چگونه است؟

جواب: نماز تهجد هشت رکعت افضل است وبهتر آنست که درسائر رکعات قریب ویکسان قرائت شود وآن هم جائز است که در صورت مسئوله ذکر شده است [4]. فقط

در هر رکعت تهجد سورت اخلاص ضروري نیست: سوال: (١٨٨٥) در نماز تهجد درهر

---

(١) ایضا ، ط.س. ج٢ ص٢٤. ظفیر

(٢) عن ابن عباس قال کان النبی ﷺ إذا قام من اللیل یتهجد قال اللهم لک الحمد انت قیم السموات الخ متفق علیه وعن عائشة رضي الله عنها قالت کان النبی صلی الله علیه وسلم إذا قام من اللیل إفتتح صلوته فقال اللهم رب جبریل الخ (مشکوة باب ما یقول إذا قام من اللیل ص١٠٨). ظفیر الدیهن غفر

(٣) رد المحتار باب الوتر و النوافل مطلب في صلوة اللیل ج١ ص٦٤٠، ط.س. ج٢ ص٢٤. وبعد از نقل این حدیث علامه شامي مي نوسید: وهذا یفید أن هذه السنة تحصل بالتنفل بعد صلوة العشاء قبل النوم. ایضا. ظفیر

(٤) وأقلها علی ما في الجوهرة ثمان ولو جعله أثلاثا فالأوسط افضل ولو انصافا فالأخیر افضل (الدرالمختار) قید بقوله علي ما في الجوهرة لأنه في الحاوي القدسي قال یصلي ما سهل علیه ولو رکعتین وسنة فیها ثمان رکعات بأربع تسلیمات (رد المحتار باب الوتر والنوافل مطلب في صلوة اللیل ج١ ص٦٤١، ط.س. ج٢ ص٢٥) ومن التعلیل أن المنفرد یسوي بین الرکعتین في الجمیع إتفاقا شرح المنیة (ردالمحتار فصل في القراءة ج١ ص٥٠٥، ط.س. ج١ ص٥٤٢). ظفیر

رکعت آن خواندن سورت اخلاص هر مرتبه فرض است یانه؟

جواب: جایز است لکن ضروري نیست. فقط

قرائت جهري در تهجد: سوال: (۱۸۸۷) در نوافل تهجد قرآن مجید باواز بلند تلاوت شود یانه؟

جواب: جائز ومستحب است [۱]. فقط

در تهجد خواندن سورت دراز وکوتاه: سوال: (۱۸۸۸) در نوافل تهجد که سورت اخلاص خوانده میشود دررکعت اول دوازده مرتبه (۱۲) ودر رکعت دوم نوازده (۱۹) مرتبه وهمچنان سلسله وار کاهش مي یابد بناءا درهر رکعت قرائت کننده سورت مزمل اعلی باشد ویا قرائت کننده سورت اخلاص بنا بر ترتیب ذکر شده؟

جواب: تکرار نمودن سورت در فرائض مکروه نگاشته شده است ودر نوافل درست است لهذا خواندن سورت اخلاص مکررا در تهجد درست است [۲] لکن اگر سورت هاي بزرگ را مانند سورت یٰس وسورت مزمل وغیره را قرائت کند أولي خواهد بود. ودرآن ثواب مزید نیز میباشند. [۳] فقط.

وقت تهجد: سوال: (۱۸۸۹) تا به کدام حد وقت تهجد میباشد؟

جواب: وقت تهجد تا به قبل از صبح صادق میباشد [۴]. فقط

چند رکعت تهجد افضل است؟ سوال: (۱۸۹۰) دراحادیث ازآن حضرت ﷺ نماز تهجد ده (۱۰) رکعت ثابت است وبا وتر احیانا سیزده (۱۳) رکعت واحیانا یازده (۱۱) واحیانا هفت رکعت (مشکوة شریف) هر شخصي که نماز تهجد را اداء مي نماید او بغرض اتباع همچنان باید

---

(۱) ویخیر المنفرد في الجهر الخ کمتنفل باللیل منفردا فلوأم جهر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل في القراءة ج۱ ص۴۹۸، ط.س. ج۱ ص۵۳۳). ظفیر

(۲) لا بأس أن یقرأ سورة ویعیدها في الثانیة الخ ولایکره في النفل شيء من ذلک (الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل في القراءة ج۱ ص۵۱۰، ط.س. ج۱ ص۵٤٦). ظفیر

(۳) وعن عبدالله بن عمرو بن العاص قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم من قام بعشر ایات لم یکتب من الغافلین ومن قام بمائة آیة کتب من القانتین ومن قام بألف آیة کتب من المقنطرین. رواه ابوداؤد (مشکوة باب صلوة اللیل ص۱۰۷). ظفیر

(٤) وصلوة اللیل الخ لو جعله اثلاثا فالأوسط افضل ولو أنصافا فالأخیر افضل (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب في صلوة اللیل ج۱ ص٦٤٠، ط.س. ج۲ ص۲٤) عن عائشة رضي الله عنها قالت کان النبي صلی الله علیه وسلم یصلي فیما بین أن یفرغ من صلوة العشاء إلی الفجر إحدی عشرة رکعة الخ (مشکوة باب صلوة اللیل ص ۱۰۵ فصل اول). ظفیر

کرد ویا آن را متعین ومقرر نماید؟ چونکه اکثرا جناب نبي اکرم ﷺ هشت رکعت تهجد وسه رکعت وتر اداء فرموده اند فلهذا فقهاء احناف بز هشت رکعت مواظبت نمودن را مستحب فرموده اند واگر گنجایش نباشد پس دو یا چهار رکعت نیزکافي است، والتفصیل في الشامي [1]. فقط

نماز تهجد در تاریکی: **سوال**: (۱۸۹۱) اداء نمودن نماز تهجد در تاریکي دوست است یا نه؟
جواب: درست است. [2] فقط

بعد از عشاء فورا تهجد میشود یا نه؟ **سوال**: (۱۸۹۲) اگر یک شخص بنا بر مجبوریت فکر نماید که دروقت تهجد بیدار نخواهم شد وبعد از نماز عشاء نماز تهجد را اداء کند آیا اداء خواهد شد یانه؟

جواب: از یک حدیث چنین معلوم میشود که اگر بعد ازنماز عشاء نوافل اداء شود آن نوافل در تهجد محسوب میگردد وثواب نماز تهجد حاصل خواهد شد چنانچه در شامي حدیث طبراني را نقل نموده است: وروی الطبراني مرفوعا لا بد من صلوة بلیل ولو حلب شاة وما کان بعد صلوة العشاء فهو من اللیل وهذا یفید ان هذه السنة تحصل بالتنفل بعد صلوة العشاء قبل النوم [3] الخ. فقط

رکعات تهجد چقدر دراز باشد؟ **سوال**: (۱۸۹۳) (۱) در حدیث مبارک آمده است: ثم صلی رکعتین وهما دون اللتین قبلها، الحدیث، نخستین دو رکعت چقدر از دو رکعت بعدي تطویل داشت؟ مثلا یک نفر میخواهد که دو تهجد دوباره قرائت نماید بناءا در هردو رکعت چقدر تلاوت باید کرد؟

تورم قدمهای آن حضرت ﷺ : **سوال**: (۱۸۹٤) (۲) درحدیث شریف آمده است که آن حضرت ﷺ قیام نمودند حتی تورمت قدماه الحدیث، وقتیکه شمار تهجد هشت رکعت بود پس اندازهٔ قرائت ایشان ﷺ چقدر بود که حتی قدمهاي مبارک آنجناب ﷺ تورم مي نمودند؟

---

(۱) وصلوة اللیل اقلها علی ما في الجوهرة ثمان (درمختار) قید بقوله علی مافي الجوهرة لأنه في الحاوي القدسي قال یصلي ما سهل علیه ولو رکعتین والسنة فیها ثمان رکعات باربع تسلیمات (رد المحتار باب الوتر والنوافل مطلب في صلوة اللیل ج۱ ص٦٤۱. ط.س. ج۲ ص۲۵). ظفیر الدین غفر الله له

(۲) براي نماز روشني ضروري نیست جناب نبي اکرم ﷺ در تاریکي نیز نماز اداء مي فرمودند. ظفیر

(۳) ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب في صلاة اللیل ج۱ ص٦٤۰، ط.س. ج۲ ص۲٤. ظفیر

مقدار قرائت فی التهجد درصحابه (رض): **سوال**: (۱۸۹۵) (۳) مقدار قرائت في التهجد از آثار صحابهٔ کرام (رض) چقدر ثابت است؟

ادعیهٔ بعد ازتکبیر تحریمه: **سوال**: (۱۸۹۶) (٤) یک چند أدعیه در أحادیث منقول است که بعد از تکبیر تحریمه آن حضرت ﷺ آن را قرائت نموده اند مثلا: انی وجهت وجهي الخ ایا آن را بنزد احناف قبل از تکبیر تحریمه بگوید ویا بعد ازآن؟

درموقع تهجد قبلا دورکعت خفیف ازتهجد بود یا ازتحیة الوضوء بوده؟ **سوال**: (۱۸۹۷) (۵) نخستین دورکعت خفیفتین که در مورد تهجد آنجناب ﷺ نوشته شده است آیا آن دو رکعت تهجد است یا نه؟

این دعاء درکدام جای خوانده شود؟ **سوال**: (۱۸۹۸) (٦) دعاي اللهم اجعل في قبري نورا الخ منقول است این دعا را قبل ازتهجد بگوید ویا بعد از تهجد ویا بعد ازسنت فجر بگوید؟

این دعا را ایستاده بگوید یا نشسته؟ **سوال**: (۱۸۸۹) (۷) عن ابن عباس قال کان النبي ﷺ إذا قام من اللیل یتهجد اللهم لک الحمد الخ این دعا را ایستاده قرائت مي نمودند یا نشسته میخواندند؟

بنا بر نیت موافقت با آن حضرت ﷺ نماز تهجد احیانا زیاد واحیانا اداء شود یانه؟

سوال: (۱۹۰۰) (۸) هر شخصي که میخواهد تهجد را مطابق عمل آن حضرت محمد ﷺ اداء نماید پس او حیانا دورکعت واحیانا هشت رکعت واحیانا شش واحیانا چهار کعت اداء کند یا آنکه روزانه همرار هشت رکعت اداء نماید؟

وقت تهجد: **سوال**: (۱۹۰۱) (۹) وقت متوسط تهجد کدام است؟

جواب: (۱ – ۲) احیانا نبي اکرم ﷺ رکعات تهجد را زیاد تطویل مي نمودند وچند چند پاره را دریک رکعت قرائت [1] میفرمودند وهمان وجه ودلیل تورم قدمهاي مبارک ایشان ﷺ بود

---

(۱) عن حذیفة أنه رأی النبی ﷺ یصلي من اللیل وکان یقول الله اکبر ثلثا ذو الملک والملکوت والجبروت والکبریاء والعظمة ثم إستفتح فقرء البقرة ثم رکع فکان رکوعه نحو من قیامه فکان یقول في رکوعه سبحان ربي العظیم ثم رفع رأسه من الرکوع فکان قیامه نحوا من رکوعه یقول لربي الحمد، فکان سجوده نحوا من قیامه فکان یقول في سجوده سبحان ربي الأعلی ثم رفع رأسه وکان یقعد في ما بین السجدتین نحو من سجوده وکان یقول رب اغفر لي رب اغفر لی فصلی اربع رکعات قرأ فیهن البقرة و آل عمران والنساء والمائدة، او الأنعام شک شعبة رواه ابوداؤد (مشکوة باب صلوة اللیل فصل ثاني ص۱۰٦) از این حدیث اندازتا معلوم میشود که در تهجد قرائت آنقدر تطویل داشت که از سورهٔ بقرة تا به سورة مائدة قرائت مي نمودند والله اعلم. ظفیر

اکنون اگر کسي میخواهد دوپاره را درهشت رکعات قرائت نماید او اختیار دارد که درهر رکعت خواه یک ربع تلاوت مي نماید ویا در نخستین رکعات قدر زیاد تلاوت مي نماید ودر رکعات متباقي کم قرآئت مي نماید سائر آن جائز وسنت است.

جواب: (۳) هیچ نوع تحدید در این مورد منقول نیست [۱].

جواب: (٤) قبل از تکبیر تحریمه [۲].

جواب: (۵) آن هم احتمال است [۳].

جواب: (٦) هر وقتیکه بخواند بهتر است.

جواب: (۷) هر وقتیکه قیام ورزید در آن وقت آن را بخواند.

جواب: (۸) اکثرا عادت نبي اکرم ﷺ اداء نمودن هشت رکعت بود وباقي مطابق چانس وفرصت کم وبیش نمیز اداء مي نمودند.

جواب: (۹) آخري حصۂ شب راجح وبهتر است. فقط

رکعات نماز تهجد: **سؤال:** (۱۹۰۲) (۱) حدود ابتدائي وانتهائي نماز تهجد چقدر است؟

نقصان ترک تهجد چیست؟ **سؤال:** (۱۹۰۳) (۲) اگر نماز تهجد بنا بر کسالت دو روز ترک شود آیا درآن کدام نقصان مالي یا جسمي است یا نه؟

---

(۱) وصلوة اللیل أقلها علی ما في الجوهرة: ثمان ولو جعله اثلاثا فالأوسط افضل ولو أنصافا فالأخير افضل. (درمختار) لو جعله اثلاثا الخ ای لو اراد أن يقوم ثلثه وينام ثلثيه فالثلث الأوسط افضل من طرفيه لأن الغفلة فيه اتم والعبادة فيه أثقل، وإن أراد ان يقوم نصفه وينام نصفه فقيام نصفه الأخير أفضل الخ (رد المحتار باب الوتر والنوافل مطلب صلوة الليل ج۱ ص٦٤١-٦٤٢، ط.س. ج۲ ص٢٤) به قرآن شریف کي دي: یا ایها المزمل قم اللیل إلا قلیلا نصفه اوانقص منه قلیلا او زد علیه ورتل القرآن ترتیلا. بیا دسورت به پای کي دي: إن ربک یعلم انک تقوم أدنی من ثلثي اللیل ونصفه وثلثه (مزمل۱-۲۰) در قرآن مجید است: یا ایها المزمل قم اللیل إلا قلیلا نصفه او انقص منه قلیلا أو زد علیه ورتل القرآن ترتیلاً. وبتعقیب در آخر سورت است: إن ربک یعلم أنک تقوم ادنی من ثلثي اللیل ونصفه وثلثه، سورة المزمل الایة۱ – ۲. از این آیت ها معلوم شد که در نماز تهجد قیام آن حضرت ﷺ تطویل داشت وقتیکه نصف شب یا دو ثلث یا یک ثلث یک انسان در نماز مسلسل قیام نماید ورروزانه این معمول او باشد بس بر: حتی تورمت قدماه، چه اشکال باقي خواهد ماند. وهر گاه قیام تطویل داشت ناگزیر سخن واضح است که قرائت نیز طویل خواهد بود وهمین سخن نیز بوده چنانچه قرآن اعلان نمود: علم ان سیکون منکم مرضی وآخرون یضربون في الارض یبتغون من فضل الله وآخرون یقاتلون في سبیل الله فاقرأوا ما تیسر منه، سزرة المزمل الایة ۲. یعني آنقدر قرائت شود که سهل وآسان باشد. والله اعلم. ظفیر

(۲) وعن ابي یوسف أنه یضم إلیه قوله إني وجهت إلی اخره الخ وما رواه محمول علی التهجد الخ والأولی أن یأتي بالتوجه قبل التکبیر (هدایه باب صفة الصلوة ج۱ ص۹٦). ظفیر

(۳) عن زید بن خالد الجهنی أنه قال لأرمقن صلوة رسول الله ﷺ فصل رکعتین خفیفتین ثم رکعتین طویلتین الخ (مشکوة باب صلوة اللیل ص١٠٦). ظفیر

<u>نماز تهجد چگونه اداء گردد</u>؟ سوال: (۱۹۰۴) (۳) طرز اداء نمودن نماز تهجد چگونه است یعني براي نماز تهجد کدام دعاي خاص است؟ وکدام سورت هاي مخصوص متعین ومقرر است؟ ویا حسب میل خود از قرآن مجید کدام سورت را در آن قرائت نموده متوانیم یانه؟

<u>نماز اشراق وغیره</u>: سوال: (۱۹۰۵) (٤) در مورد نیت وترتیب نمازهاي اشراق ونماز چاشت ما را مطلع فرمائید؟

جواب: (۱) حد اقل نماز تهجد چهار رکعت وحد اکثر دوازده (۱۲) رکعت در تهجد مسنون است ودر شامي نوشته شده است که اگر تنها دو رکعت را اداء نمود براي او ثواب تهجد حاصل خواهد شد [1]. فقط

جواب: (۲) وقتیکه تهجد را شروع نمود سپس آن را ترک کرد براي او کدام نقصان مالي نیست وشرعا گنهکار نیز نمیگردد لکن بلا عذر چنین عصل نمودن مذموم است وباعث نقصان دیني وروحاني است ونقصان جسماني آنست که چستي وچالاکي زائل میشود وبر عکس تکاسل افزایش مي یابد. [2]

جواب: (۳) بخاطر اداء تهجد شرعا خصوصیت کدام سورت نیست برخي از بزرگان که کدام سورت ها را رهنمائي نموده ویا نوشته اند آنها هرگز لازمي وضروري نیست اگر بیاد باشد درآن مضایقه نیست.

جواب: (٤) دراداء صلاة اوابین اشراق ونماز چاشت تنها نیت نمودن نماز نفل کافي است وتذکر از کدام نماز خاص یا نام گرفتن وقت ضروري نیست [3] وبراي مردم عوام ونا واقف نیت هاى طویل ودراز آموختن وایشان را پریشان نمودن جهالت است زیرا هر سورتي را که میل دارند آن را قرائت نمایند. کتبه أصغر حسین عفي عنه. الجواب صحیح. مهر

<u>تهجد هشت رکعت است یا دوازده ۱۲</u>؟ سوال: (۱۹۰۶) یک نفر از یک مولوی پرسید که

---

(۱) قال الشامي أقول فيقى القول بأن أقل التهجد ركعتان الخ ايضا في رسائل الأركان لبحر العلوم مولانا عبدالعلي رح ص۱۳۵، ردالمحتار ط.س. ج۲ ص۲۵ تحت حديث المسلم عن ابن عبدالله قال زعم البعض أن هذا نوع آخر لصلوته عليه السلام أن صلوة الليل اثنا عشر ركعة والوتر الخ، ط.س. ج۲ ص۲۵. ظفير

(۲) وايضا في الشامي ذكر في الحلية ايضا ما حاصله أنه يكره ترك تهجد إعتاده بلاعذر لقوله ﷺ لابن عمر يا عبد الله يا عبدالله لا تكن مثل فلان كان يقوم الليل ثم تركه. متفق عليه. شامي ج۱ ص۷۱٦ – ۷۱۷ . ط.س. ج۲ ص۲۵. ظفير

(۳) وفي الكبيري المصلي إذا كان متنفلا سواء كان ذلك النفل سنة مؤكدة او غيرها يكفيه نية مطلق الصلوة ولا يشترط تعين ذلك النفل الخ كبيري ص۲۳۵. جميل الرحمن

جناب نماز تهجد چند ركعت است وترتيب آن چگونه است؟ مولوي صاحب پاسخ داد كه نماز تهجد هشت ركعت است، سوال كننده برايش گفت كه نماز تهجد را در بعضي كتاب ها دوازده ١٢ ركعت نوشته اند وعلماء كرام نيز قائلين دوازده ١٢ ركعت ميباشند جناب مولوي صاحب برايش گفت كه اين مردم جهال اند وسائر آن كتابها غلط ميباشند وتو از اسلام خارج هستى بناءا آيا نماز تهجد دوازده ١٢ ركعت از حديث ثابت است يا نه؟ وآيا براي مجوزين دوازده ١٢ ركعت جهال گفتن درست است يا نه؟ وآيا براي پرسان كننده خارج از اسلام گفتن جائز است يا نه؟ وبتقدير عدم جواز مصداق الحمل گفتن كلمه خارج از اسلام كافر كدام شخص ميگردد وآن كلمه واپس بالاي كدام شخص عائد ميشود؟ وبعقب آن مولوي نماز جواز دارد يا نه؟ وهمچنان نماز وتر يک ركعت ثابت است يا نه؟ واز حديث حضرت عائشه (رض) أن النبي ﷺ لم يكن يوتر ما نقص من سبع ولا بأكثر من ثلث عشرة، رواه أبو داود. كه بعضي مردم وتر رايک ركعت وتهجد را دوازده ١٢ ثابت مي نمايند آيا اين صحيح است يا نه؟

جواب: در مورد تهجد روايات مختلف است حد أقل دوركعت وحد اكثر تا به دوازده ركعت وارد شده است لكن بطور اكثري نماز تهجد آن حضرت ﷺ هشت ركعت بود وبنا بر همين منظور فقهاء احناف رح فرموده اند كه در تهجد سنت هشت ركعت است در الدر المختار مذكور است: وأقلها على ما في الجوهرة ثمان الخ قال في رد المحتار في الحاوي القدسي قال يصلي ما يسهل عليه ولو ركعتين والسنة فيها ثمان ركعات بأربع تسليمات وهذا بناء على أن اقل تهجده ﷺ كان ركعتين وأن منتهاه كان ثمان ركعات اخذا مما في المبسوط السرخسي [1] الخ. وحضرت قاضي ثناء الله رح در ما لابد منه ميفرمايند: ونماز تهجد از چهار ركعت كمتر نيامده واز دوازده ١٢ ركعت زياده هم به ثبوت نه پيوسته [2] الخ. بناء از تتبع أحاديث معلوم ميشود كه حد اكثر تا به دوازده ١٢ ركعت تهجد ثابت است واكثرا هشت ركعت ميباشد پس انكار ورزيدن از دوازده ١٢ ركعت خود بخود نماينگر جهل قائل است وهمچنان بالاي سائل تكفير وغيره نمودن جهالت ديگر است واشد معصيت است كه خوف كفر ميباشد، در حديث شيخين آمده است: أيما رجل قال لاخيه كافر فقد باء بها أحدهما رواه الشيخين عن ابن عمر (رض)

---

(١) رد المحتار باب الوتر والنوافل مطلب في صلوة الليل ج١ ص٦٤٠ - ٦٤١، ط.س. ج٢ ص٢٥. ظفير

(٢) ما لابد منه مطبوعه كتب خانه رحيميه فصل نوافل ص٦٨. ظفير

مرفوعا [1]. اگر چه در مورد تکفير قائل احتياط بايد شود براي احتمال تأويل لکن درفاسق بودن او هيچ کلام نيست وبعقب فاسق نماز مکروه است: إلا أن يتوب، جزء آنکه توبه نمايد، واما وتر کمتر از سه رکعت نيست وهمين سخن راجح وصحيح است وهمين مذهب احناف ميباشد ودر آن روايات که يک رکعت وارد است آن روايات مؤول تأويل کرده شده است کما هو المعروف عند العلماء، در روايت ترمذي أبو داود ونسائي مذکور است: سألنا عائشة (رض) بأي شيء کان يوتر رسول الله ﷺ قالت: کان يقرأ فى الاولى (سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْاَعْلٰى) وفي الثانية (قُلْ يَا أَيُّهَا الْکَافِرُوْنَ) وفي الثالثة (قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ) والمعوذتين [2] ودر بعضي روايات معوذتين مذکور نيست ودلايل عدم جواز ايتار بواحدة در شرح منيه وغيره مبسوط است: نهى عن البتيراء بطريق متعدد ثابت است ودر اينجا گنجايش تفصيل مزيد نيست فقط

وقت صلاة تهجد: سوال: (۱۹۰۷) وقت نماز تهجد بعد از نصف شب است يا قبل ازآن؟ چنانچه از آيت: أو انقص منه قليلا (۳) او زد عليه) الخ معلوم ميشود ويا درهردو اوقات جائز است وبنا بر تقدير جواز اولويت براي کدام است؟

جواب: بعد از نماز عشاء که نوافل اداء ميشود آنها صلاة الليل اند ودر تهجد داخل ميباشند: کما في الشامي وماکان بعد صلوة العشاء فهو من الليل وهو يفيد أن هذه السنة تحصل بالتنفل بعد العشاء قبل النوم الخ قلت قد صرح بذلک في الحلية [3] الخ. واما وقت أفضل تر براى تهجد حصۂ آخري شب است قسميکه در احاديث وارد است. فقط والله اعلم

قضاء تهجد: سوال: (۱۹۰۸) اگر نماز تهجد قضاء گردد آيا قضاء آوردن آن قبل از دوازده (۱۲) بجه روز درست است يانه؟

جواب: نماز تهجد قضاء ندارد لکن پيش از چاشت اداء نمودن آن بهتر است وپسنديده است [4]. فقط

اگر نماز تهجد بجماعت اداء شود حکم آن چيست؟ سوال: (۱۹۰۹) اگرنماز تهجد بعد از

---

(۱) مشکوة باب حفظ اللسان والغيبة والشتم فصل اول ص۴۱۱. ظفير

(۲) مشکوة باب الوتر ص۱۱۲. ظفير

(۳) رد المحتار باب الوتر والنوافل مطلب في صلوة الليل ج۱ ص۶۴۰، ط.س. ج۲ ص۲۴. ظفير

(۴) وعن عمر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من نام عن حزبه او عن شيء منه فقرأه فيما بين صلوة الفجر وصلوة الظهر کتب له کأنما قرء من الليل. رواه مسلم (مشکوة باب القصد في العمل ص۱۱۰). ظفير

اداء فرض عشاء درمیان وتر وسنت اداء گردد خواه دوازده (۱۲) رکعت یا هشت رکعت یا ده (۱۰) یا شش یا چهار زیرا اکثر مردم شائقین نماز تهجد میباشند بناء اگر این نماز را بجماعت اداء نماید ویا در حصۀ اخر شب آن را بجماعت اداء کند آیا درآن کدام حرج یا گناه نیست؟ واز منابع قابل اعتبار شنیده شده است که جناب مولانا گنگوهي (رح) دراین جاي نگاشته است که اگر این نماز را بجماعت اداء نماید درآن کدام قباحت نیست بلکه از مستحبات محسوب میشود؟

جواب: ازاحادیث مبارکه قسما معلوم میشود که اگر بعد ازنماز عشاء وقبل از خوابیدن نوافل نماز تهجد ادا گردد بر آن ثواب نماز تهجد حاصل وبر آورده میگردد: وهذا يفيد ان هذه السنة تحصل بالتنفل بعد صلوة العشاء قبل النوم [1]. ونماز تهجد را بجماعت اداء نمودن مکروه است اگر بتداعي (بدعوت) باشد درالدر المختار مذکور است: أي يكره ذلک لو على سبيل التداعي بان يقتدي اربعة بواحد [2] الخ. وحضرت مولانا گنگوهي (رح) صاحب جواز جماعت تهجد را صحیح نمیگویند وحضرت مولانا ازآن ممانعت میفرمودند وشیخ الاسلام حضرت مدني (رح) آن را جایز میگفت لکن تنها در رمضان المبارک نه درسائر حصۀ هاي تمام سال ودررمضان ایشان (رح) برآن تعامل داشتند. ظفیر

فصل سادس

مسائل صلوة التسبيح

<u>در صلاة التراويح اوقات تسبيح</u>: سوال: (۱۹۱۰) درصلاة التسبيح دررکعت اول ودوم چه وقت تسبیح بگوید بنزد شوافع (رح) درجلسه استراحت است وبنزد احناف (رح) چه وقت بگوید وقول راجح کدام است؟

جواب: راجح ومعمول به آنست که بنشیند وتسبیح بگوید سپس قیام نماید وبعد از سورت وفاتحه پانزده (۱۵) مرتبه بگوید [3].

<u>جماعت صلاة التراويح مكروه است</u>: سوال: (۱۹۱۱) جماعت صلاة التسبيح درست است یا

---

(۱) رد المحتار مطلب في صلوة الليل ج۱ ص۰٦٤٠، ط.س. ج۲ ص۲٤. ظفير

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار مطلب في كراهية الإقتداء في النفل ج۱ ص٦٦٣، ط.س. ج۲ ص۲۸. ظفير

(۳) لبعد إنشاء خمسة عشر مرة ثم بعد القراءة وفي ركوعه والرفع منه الخ وقال إنها المختار من الروايتين و الرواية الثانية أن يقتصر في القيام على خمسة عشر مرة بعد القراءة (ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب في صلوة التسبيح ج۱ ص٦٤٣، ط.س. ج۲ ص۲۷). ظفير

نه؟

جواب: جماعت نوافل خواه صلاة التسبيح باشد ويا متباقى نوافل باشد اگر بتداعي انجام گردد مکروه است [۱]. فقط

ثواب صلاة التسبيح: سوال: (۱۹۱۲) (۱) ثواب صلاة التسبيح چنانچه رسول اکرم ﷺ براي كاكاي بزرگوار خويش حضرت عباس (رض) فرموده بودند همانطور براي سائر امتيان نيز ثواب حاصل خواهد شد يانه؟

در صلاة التسبيح سهوه: سوال: (۱۹۱۳) (۲) اگر در صلاة التسبيح سهوه شود پس سبحان الله والحمد لله را در سجده سهوه ويا آنکه سبحان ربي الاعلى را بگويد ودر قيام (۲۵) مرتبه سبحان الله الخ بگويد يا (۱۵) مرتبه؟ اگر در قيام (۲۵) مرتبه بگويد بناءا بعد از سجدهٔ دوم نبايد گفت آيا اين درست است يا نه؟

جواب: (۱ – ۲) در حديث شريف آمده است: انما الاعمال بالنيات الخ ولكل امرأ ما نوى، الحديث [۲]. پس مدار ثواب بنيت بناءا است اگر شخصي لوجه الله بنيت خالص (صلوة التسبيح) را اداء نمايد پس اکنون نيز همانطور ثواب برايش داده ميشود قسميکه نبي اکرم ﷺ براي كاكاي بزرگوار خود تعليم فرموده بودند واين خصوصيت براي جناب حضرت عباس (رض) نبود چنانچه سائر تعاليم ادعيه وديگر اعمال آن حضرت ﷺ وبشارت ثواب از جانب آنجناب ﷺ عام بود ودر سجده سبحان رب الاعلى را بگويد ودر قيام پانزده (۱۵) مرتبه سبحان الله [۳] الخ را بگويد خلاصه آنکه صلاة التسبيح فرض يا واجب نيست اما اگر ميخواهد آن را اداء نمايد پس بهمان طريقه آن را اداء کند که از اسلاف منقول است واز اجانب خويش در آن ايجاد نمودن درست نيست. فقط

درآخري جمعهٔ رمضان صلاة التسبيح را بجماعت اداء نمودن ثبوت ندارد: سوال: (۱۹۱٤) در آخري جمعهٔ رمضان المبارک بعض مردم صلاة التسبيح را بجماعت اداء مي نمايند

---

(۱) ولا يصلي الوتر ولا التطوع بجماعة خارج رمضان أى يكره ذلك لو على سبيل التداعي أن يقتدي أربعة بواحد (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦٦٣، ط.س. ج۲ ص۲۸). ظفير

(۲) مشكوة قبيل كتاب الإيمان. ظفير

(۳) الرواية الثانية أن يقتصر في القيام على خمسة عشرة مرة بعد القراءة (رد المحتار باب الوتر والنوافل مطلب صلوة التسبيح ج۱ ص٦٤٣، ط.س. ج۲ ص۲۷). ظفير

بناءا درآن مورد شرعا حکم چیست؟ وامام چنین میگوید که مردم جاهل صلاة التسبیح را اداء کرده نمیتوانند فلهذا آیا براي ایشان امام ثواب حاصل خواهد شد: اعتبارا بصلوة الکسوف والخسوف والاستسقاء؟

جواب: این عملکرد ایشان کدام اصل شرعي ندارد اداء نمودن آن نمازها کفاره نمازهاي فوت شده نمیتواند باشد واین فکر کاملا غلط ونظریهٔ امام نیز نا درست وغلط میباشد وارتکاب بدعت بر بناء این فکر درست نیست. فقط

تسبیح معروفه درکدم کدام اوقات خوانده شود؟ سوال: (۱۹۱۵) در اداء صلاة التسبیح طریقه آنست که تسبیح معروفه قبل از قرائت پانزده (۱۵) مرتبه وده (۱۰) مرتبه بعد از قرائت خوانده شود در شامي منقول است ودر حدیث شریف بعد از سجده ثاني ده (۱۰) مرتبه وارد است بناءا تعامل احناف (رح) بر کدام طریقه است اگر بعد ازسجده آن را بخواند پس او بعد از گفتن تکبیر آن را بخواند سپس ایستاده شود یا چطور؟

جواب: شامي هردو صورت را تحریر فرموده است وهردو منقول میباشد لکن بهتر آن صورت معلوم میشود که موافق حدیث مشهور است که بعد از قرائت پانزده (۱۵) مرتبه وبعد از قیام نمودن از سجده دوم ده (۱۰) مرتبه تسبیح مذکور را بگوید سپس ازآن ایستاد شود.[1] فقط

در قومهٔ صلاة التسبیح دست ها را ارسال بدارد: سوال: (۱۹۱۶) در قومه صلاة التسبیح دست ها رابسته بدارد ویا آویزان باشد؟

جواب: ارسال دست ها معمول به است. فقط

چهار رکعت صلاة التسبیح به یک سلام اداء شود یا بدو؟ سوال: (۱۹۱۷) چهار رکعت صلاة التسبیح را به یک سلام اداء نمودن اولی است یا بدو سلام واگر تسبیحات را بجاي ده (۱۰) مرتبه بفراموشي پانزده (۱۵) دفعه بگوید آیا سجده سهوه لازم خواهد شد یانه؟

جواب: درصلاة التسبیح اگر نیت دورکعت رامي نماید یا چهار رکعت را هردو طریقه جائز است اگر نیت چهار رکعت راکرده باشد پس در قعده وسطاني درود شریف را بگوید واگر تسبیحات

---

(۱) عن ابن عباس (رضی الله عنه) أن النبي ﷺ قاذل للعباس بن عبدالمطلب یاعباس یاعماه الا اعطیک الخ إذا أنت فعلت ذلک غفر الله لک ذنبک الخ، أن تصلي اربع رکعات تقرأ في کل رکعة فاتحة الکتاب وسورة فإذا فرغت من القرآءة في أول رکعة وأنت قائم قلت سبحان الله والحمد لله الخ خمس عشرة مرة ثم ترکع فتقولها وانت راکع عشر ثم ترفع رأسک من الرکوع فتقولها الخ. (مشکوة ص۱۱۷. باب صلوة التسبیح). ظفیر

را بجاي ده (۱۰) مرتبه پانزده (۱۵) مرتبه بخواند سجده سهوه لازم نمي گردد. فقط

اگر تسبیحات را در یک جای فراموش نمود آیا آن را در جای دیگر اداء نموده میتواند یا نه؟ **سوال:** (۱۹۱۸) اگر در صلاة التسبیح از وي تسبیحات یکجاي فراموش شد وبا گفتن تکبیر برکن دیگر رفت ودرآن رکن دوچند تسبیحات خواند بناءا درآن صورت سجدهٔ سهوه لازم میشود یانه؟

جواب: در این کدام حرج نیست وسجدهٔ سهوه همچنان لازم نمیشود. فقط

الباب التاسع في ادراک الفریضة
درجماعت شریک شدن

بوقت اقامت نماز فرض آن حکم است که منفرد نیت نماز فرض را بشکناند لکن نیت نوافل وسنن را نشکناند؟ **سوال:** (۱۹۱۹) یک مؤلف در رساله خود مسمی به رکن الدین بحواله عالمگیري نگاشته است: اگر کسی نماز فرض مغرب ویا فجررا علیحده یاتنها اداء مي نماید وقبل ازسجده رکعت دوم جماعت قائم شد پس نماز رابشکناند ودر جماعت شرکت ورزد اکنون سوال آنست که جماعت سنت است واز ابطال اعمال در قرآن نهي آمده است ودر مورد سنت فجر نوشته است تا وقتیکه التجاء تدارک قعده آخیر باشد سنت را ترک نکند وهمچنان در مورد چهار رکعات سنت نوشته است که اگر در رکعت سوم جماعت ایستاد شد او بعد از تکمیل رکعت چهارم درجماعت شریک شود بناء اعتراض درآنجا است که فضیلت سنت بر فرائض بنا بر کدام قاعده حاصل است که فرض شکستانده شود وسنت شکستانده نشود؟

جواب: چونکه این ابطال عمل بخاطر اکمال است بناء جائز است وممنوع نمیباشد بلکه بهتر وکار ثواب است (۱) ودرمورد سنت فجر مساله آنست که اگر امید تدارک قعده آخیر باشد سنت را اداء نماید سپس در جماعت شریک شود براي آنکه از ثواب آن نیز برخودار (۲) شود

---

(۱) والقطع وإن كان ابطالا للعمل وهو منهي لقوله تعالى: ولا تبطلوا أعمالكم، والإبطال بقصد الإكمال لايكون ابطالا. (شرح وقايه باب إدراک الفريضة ج۱ ص۲۰۹). ظفير

(۲) وإذا خاف فوت ركعتي الفجر لاشتغاله بسنتها ترک لكون الجماعة اكمل وإلا بأن رجا إدراک ركعة في ظاهر المذهب وقيل التشهد واعتمده المصنف والشرنبلالي تبعا للبحر لكن ضعفه في النهر لا يتركها بل يصلي عند باب المسجد إن وجد مكانا الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب ادراک الفريضة ج۱ ص۶۷۰، ط.س. ج۲ ص۵۶). ظفير

وسنت نیز اداء گردد غرض آنکه مسائل مذکوره صحیح است فقط. ([1])

بعد از گفتن تکبیر برای امام تابه دیر تر مکث نمودن وسپس تحریمه بستن چگونه است؟ **سوال:** (۱۹۲۰) یک نفر نیت سنت ظهر را بست تنها یک رکعت را اداء نموده بود که تکمیل گفته شد وامام تا وقتیکه آن شخص چهار رکعت را تکمیل ننمود بطرف جای نماز نرفت ونگامیکه آنکس چهار رکعت را کاملا اداء نمود امام بجاي نماز وصل شد وبتکبیر سابق نماز را اداء کرد آیا این نماز درست شده است یانه؟

جواب: در این صورت فوق الذکر نماز درست شده است وضرورت براي اعاده نمودن تکبیر نیست کما فی الدر المختار: صلی السنة بعدالاقامة اوحضر الامام بعدها لایعیدها ([2]) بزایزیه فقط.

بکدام وجوهات نماز شکستانده میشود؟ **سوال:** (۱۹۲۱) نماز گذار بنا برکدام معاذیر علاوه از ارتکاب معاصی نمازرا شکستانده میتواند؟

جواب: در الدر المختار درباب ادراک الفریضة تفصیل آن را فرموده است ([3]) آن مطالعه فرمائید واگر کدام صورت خاص عارض شده باشد درآبی مورد سوال آن را مطرح کنید که درصورت فلان نماز شکستاندن درست است یانه؟ در الدر الدرمختار این مسأله نیز مسطور است که بخاطر نجات دادن غریق وحریق شکستاندن نماز واجب است ودرصورت ضیاع ونقصان یک درهم شکستاندن نماز جائز است نه واجب ودرشامي قاعده کلیه را چنین تحریر فرموده است: ان القطع یکون حراماً ومباحاً ومستحباً وواجباً فالحرام لغیر عذر والمباح اذا خاف فوت مال ([4])

---

(۱) درسوال: فوق الذکرک در مورد عدم شکستاندن سنت اشکال است برای آن چنین پاسخ ارائه شده است که اگر فرض را اداء می نمود آن را بشکناند وپس همان فرض را بجماعت با امام اداء نماید فلهذا در انجا ابطال براي اکمال است بخلاف سنن اگر آن را ترک نمود پسر آن را اعاده نکند بلکه فرض را اداء نماید واین ابطال براي اکمال نیست فلهذا در صورت عدم شکستاندن سنت نیز اداء خواهد شد وفضیلت فرض را همچنان حاصل خواهد نمود والشارع في النفل لا یقطع مطلقا ویتمه رکعتین وکذا سنة الظهر وسنة الجمعة إذا أقيمت او خطب الإمام یتمها اربعا علی القول الراجح لأنها صلوة واحدة ولیس القطع للإکمال بل للإبطال خلافا لما رجحه الکمال (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب إدراک الفریضة ج۱ ص۲۶۸، ط.س. ج۲ ص۵۳). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الأذان ج۱ ص۳۷۱، ط.س. ج۲ ص۴۰۰. ظفیر

(۳) یقطعها لعذر احراز الجماعة کما لو ندت دابة او فار قدرها او خاف ضیاع درهم من ماله او کان في النفل فجيئ بجنازة وخاف فوتها قطعه لامکان قضائه ویجب القطع لنحو انجاء غریق او حریق ولو دعاه ابویه في الفرض لا یجیبه إلا أن یستغیث به وفي النفل إن علم أنه في الصلاة فدعاه لا یجیبه إلا إجابة قائما لأن القعود مشروط للتحلل وهذا قطع لا تحلل ویکتفي بتسلیمة واحدة هو الأصح. (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب إدراک الفریضة ج۱ ص۶۶۶، ط.س. ج۲ ص۵۱). ظفیر

(۴) ردالمحتار باب إدراک الفریضه ج۱ ص۶۶۷، ط.س. ج۲ ص۵۲. ظفیر

واستحب للاکمال والواجب لاحیاء نفس الخ.

جماعت را ترک نمودن وبمسجد دیگر رفتن برای آنکه جماعت کامل را دریافت نماید این چگونه است؟ **سوال:** (۱۹۲۲) یک نفر بمسجد تشریف فرماشد که جماعت استاده بود وآنکس بخاطر آن منظور که جماعت کامل را د ریافت نماید به مسجد دیگر رفت ویک نفر درقعده آخر امد ورفت آیا این چنین رفتن جواز دارد یانه؟

جواب: درهمان مسجد براي ایشان در جماعت شرکت ور زیدن بهتر است ([1]) فقط.

سنت فجر اگر قبل ازفرض اداء نشود پس ان را چه وقت اداء نماید؟ **سوال:** (۱۹۲۳) کسی در جماعت نماز فجر شامل شد وسنت را اداء نکرد آیا اوبعد ازفرض سنت را اداء نماید ویا بعد ازطلوع آفتاب آن را اداء کند؟

جواب: آنکس سنت فوت شده را بعد ازفرض وقبل از طلوع افتاب اداء نکند زیرا که مکروه است واگر میل وخواهش دارد پس آن را بعد ازطلوع آفتاب وقبل از زوال اداء فرماید این طریقه افضل وبهتر است کما في الشامي : واما اذا فاتت وحدها فلا تقضی فی طلوع الشمس بالاجماع لکراهة النفل بعدالصبح وامابعد الطلوع الشمس فکذلک عندهما وقال محمد (رح احب ان یقضیها الی الزوال ([2]) الخ شامي: ج ۱ ص ۴۸۲.

یک رکعت را اداء نموده بود که جماعت ظهر شروع شد بناء رکعت دو راتکمیل نماید ودر جماعت شریک شود: **سوال:** (۱۹۲۴) یک نفر در وقت نماز ظهر قبل از جماعت چهار رکعت را اداء مي نمایْد یک رکعت یا دو رکعت را اداء نموده بود که جماعت فرض شروع شد درآن وقت سنت گذار چه باید بکند؟ نماز خودرا تکمیل نماید ویا آنکه اگر رکعت را اداء نموده باشد همراهش یک رکعت دیگر را ضمیمه کند وسلام بگر داند؟ ویا آنکه دو رکعت را اداء نموده بود بناء چهار رکعت را کامل کند ویا آنکه در هرحالت آن را تکمیل نماید ویا آن را ترک کنند وبجماعت شامل شود؟

---

(۱) وکذا لو فاتت أحدهم تکبیرة الأفتتاح او رکعة او رکعتان ویمکنه إدراکها في غیره لا یذهب إلیه لانه صار محرزا لفضیلة الجماعة في مسجده فلایترک حقه (غنیة المستملي فصل في احکام المسجد ص۵۶۵) وکره تحریما للنهی خروج من لم یصل من مسجد أذن فیه إلا لمن ینتظم به أمر جماعة أخری ولمن صلی الظهر والعشاء وحده مرة فلا یکره خروجه کل ترکه عند الشروع في الإقامة فیکره لمخالفة الجماعة بلا عذر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب إدراک الفریضة ج۱ ص۶۶۸ – ۶۶۹، ط.س. ج۲ ص۵۴). ظفیر

(۲) رد المحتار باب إدراک الفریضة ج۱ ص۶۷۲، ط.س. ج۲ ص۵۷. ظفیر

جواب: اگر یک رکعت سنت را اداء نموده باشد اورکعت دوم را نیز اداء نموده سلام بگرداند ودر جماعت شریک شود ومحققین احناف (رح) آن را راجح گفته اند وقول دیگر درآن مورد که مفتی به نیز همان است آنست که در هرحالت چهار رکعت سنت را تکمیل نماید لکن محقق ابن الهمام (رح) قول اول را راجح قرار داده است کذا في الشامي (۱). فقط

اما مسجد دیگر جماعت یک مسجد ترک نموده رفته میتواند یانه؟ سوال: (۱۹۲۵) یک نفر وقتي بمسجد آمد که جماعت شروع بود واو وضوء کرده رفت ودرجماعت شرکت نکرد وچونکه آنکس نماز گذار. پابند مسجد دیگر است یعنی آنکس امام مقتدي ومؤذن میباشد بناء درآن صورت حکم چیست؟

جواب: براي اوهما نطور عمل نمودن بکار بود ودرحق او از آن مسجد رفتن ودر آن جماعت شرکت ورزیدن مکروه نیست (۲).

سنت را اغاز نمود که فورا جماعت شروع شد پس چه باید کرد؟ سوال: (۱۹۲۶) یک نفر در ابناء قیام جماعت آمد او نیست سنت رانمود که فورا اقامت گفته شد او دردو رکعت الحمد وسورت والتحیات وغیره راهیچ نخواند وغالباً سبحان الله وغیره راشاید گفته باشد بهرحال درآخر سجده سهوه وغیره را اداء نمود وسلام گردانید وقبل از اختتام فاتحه امام درجماعت شریک شد فلهذا آیا آنقدر عجله سریع جائز است یانه؟

جواب: درهمچو مورد ضروری آنست که دو رکعت اداء شود وسلام بگرداند سپس درجماعت شریک گردد واگر بخاطر دریافت نمودن جماعت عجله واختصار شود آن نیز مناسب است لکن با آنهم آنقدر سرعت درست نیست که درنتیجه قرائت مفروضه وغیره متروک شود (۳).

---

(۱) والشارع في نفل لا يقطع مطلق ويتمه ركعتين وكذا سنة الظهر وسنة الجمعة إذا أقيمت او خطب الإمام يتمها اربعا على القول الراجح لأنها صلوة واحدة وليس القطع للإكمال بل للإبطال خلافا لما رجحه الكمال (درمختار) حيث قال وقيل يقطع على رأس الركعتين وهو الراجح لأنه يتمكن من قضائها بعض الفرض ولا إبطال في التسليمة على الركعتين فلا يفوت فرض الإستماع والأداء على الوجه الأكمل بلا سبب الخ (رد المحتار باب إدارک الفريضة ج۱ ص۶۹۸، ط.س. ج۲ ص۵۳). ظفير

(۲) وكره تحريما للنهي خروج من لم يصل من مسجد اذن فيه إلا لمن ينتظم به أمر جماعة أخرى او كان الخروج لمسجد فيه ولم يصلوا فيه (درمختار) قوله إلا لمن ينتظم به أمر جماعة اخرى بان كان إماما او مؤذنا تتفرق الناس بغيبته الخ وظاهر الإطلاق أن له الخروج ولو عند الشروع في الإقامة (ردالمحتار باب إدارک الفريضة مطلب في كراهية الخروج من المسجد بعد الأذان ج۱ ص۶۹۸، ط.س. ج۲ ص۵۴). ظفير الدين غفر له

(۳) والشارع في نفل لا يقطع مطلقا ويتمه ركعتين (درمختار) قوله مطلقا أي سواء قيد الأولى بسجدة اولا (ردالمحتار باب إدراک الفريضة =

اگر کسی بنیت نوافل در جماعت عشاء شریک شد آیا آنکس سنت ووتر را دوباره نیز اداء نماید؟ **سوال:** (۱۹۲۸) اگر کسی نماز عشاء را اداء نمود سپس مشاهده نمود که جماعت استاده شده ودر جماعت نیز شامل گردید اکنون او سنت ووتر را اداء نماید یانه؟

جواب: وتر وسنت را اداء نکند آن را قبلا اداء نموده است واین در حکم نوافل است. ظفیر

اگر بفکر آنکه ریل (قطار) مواصلت نموده نیت را بشکناند حکم چیست ودر آن مورد برای امام اختصار نمودن بگوید یانه؟ **سوال:** (۱۹۲۸) یک نفر در روز جمعه به ایستگاه نجیب آباد آمد برای امام گفت که مایان در ریل یکنیم بجه بعداز ظهرسفرداریم بناء شما خطبه را مختصر بخوانید و در قرائت نیز کاهش نمائید وقتیکه نماز شروع شدویک رکعت بوجه احسن اداء گردید ودر رکعت دوم امام قرائت را آغاز نموده بودکه شخص مذکور رامظان آمدن ریل عارض شد واونیت را شکستاند وخارج رفته به ایستگاه وصل شد وآنعده اشخاص که رفقاء همسفر اوبود ایشان بسکون واطمنان نماز خودرا کامل نمودند ودر ریل سوار شدند بناء از امام تقاضای کاهش نمودن قرائت واختصار خطبه وشکستاندن نیت چگونه است؟

جواب: در همچنان حالت که برای یکی از مقتدیان عدم اطمینان واشد ضرورت باشد برای امام بیسار مناسب وپسندیده آنست که درقرائت وخطبه تخفیف آورد در حد یث شریف آمده است که برای امام در نماز تخفیف نمودن بکار است زیرا برخی از مقتدیان صاحب عذر وحاجتمند میباشند الحدیث (۱) باقی آنکه درمورد شکستاندن نماز بعد از شروع کردن حکم آنست که اگر نقصان چهار آنه یک چهارم \ ۲۵ نقره میشود یادیگ بجوش آید یا مرکب او گریخت وفرار نماید درآن وقت شکستاندن نماز درست است وهمچنان اگر ان قسم چیزی نقصان دیگر وضرورت عارض شود بازهم شکستاندن نماز درست است کذا فی الدر المختار (۲).

جواب اعتراض بر سنت فجر دروقت جماعت: **سوال:** (۱۹۲۹) یک نفر اعتراض می نماید که احناف با آنهم که جماعت شروع میباشد ولی آنها سنت فجر را اداء می نمایند؟

= ج۱ ص۶۹۸) من فرائضها التي لاتصح بدونها التحريمة الخ ومنها القيام الخ ومنها القراءة الخ ومنها الركوع الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص۴۱۱، ط.س. ج۲ ص۴۴۲). ظفير

(۱) قال رسول الله ﷺ فايكم ما صلى بالناس فليتجوز فإن فيهم الضعيف والكبير وذا الحاجة متفق عليه. (مشكوة باب ما على الإمام) ظفير

(۲) وقطعها لعذر إحراز الجماعة الخ او خاف ضياع درهم من ماله (درمختار) ان القطع يكون حراما ومباحا ومستحبا وواجبا، فالحرام لغير عذر والمباح إذا خاف فوت مال (ردالمحتار باب إدراك الفريضة ج۱ ص۶۹۶ – ۶۹۷، ط.س. ج۲ ص۵۱) ظفير

جواب: موافق مذهب امام صاحب بخاطر آنکه عمل برحدیث وقرآن مجید هردو شود ودر بعضی احادیث چونکه زیاد ترتاکید سنت فجر آمده است وتعامل صحابه کرام نیز همانطور باقي مانده است که ایشان بعد از شروع فرض سنت فجر را ادا نموده اند وبعد از اداء سنت درجماعت شرکت ورزیده اند چنانچه آثار مذکوره درکتاب ها منقول است وامام برآن عمل فرموده است بناء اعتراض وطعن بي مورد فضول وغلط ([1]) است. فقط

<u>چهار رکعت سنت ظهر که فوت گردیده آن را بعد از فرض فورا اداء نماید ویا آنکه بعد از اداء دو رکعت سنت</u>؟ سوال: (۱۹۳۰) هر کسی که با امام درجماعت فرض ظهر شریک شد وسنت از اوفوت شد بناء قضاء سنت فوت شده را متصل بعداز فرض بجا آورد ویا آنکه بعد از دورکعت سنت دراین مورد اگر فقهاء اختلاف داشته باشند پس اولی وراجح واقوی درآن کدام است؟

جواب: هرکسی که با امام درجماعت ظهر شامل شداونخست چهار رکعت سنت را اداء نماید سپس دورکعت سنت را ادا کند لکن فتح القدیر عکس آن را ترجیح داده است بناءا ورا اختیار است هر قسمیکه میخواهد اداء کند درست است ودو رکعت را مقدم اداء نمودن راجح است.

ثم یاتی بها في وقته قبل شفعه عند محمد وبه یفتی الدر المختار اقول: وعلیه المتون لکن رجح في الفتح تقدیم الرکعتین کذا فی الشامي ([2]).

<u>بعد از شروع نمودن سنت فجر اگر اقامت شود چه باید کرد</u>؟ سوال: (۱۹۳۱) یک نفر سنت فجر را

شروع نمود که ناگهان مؤذن بتکبیر گفتن پرداخت وجماعت فرض قائم شد آیا براي آن شخص شکستاندن نیت وبجماعت شامل شدن بکار است ویا انکه سنت را کامل نماید سپس شامل شود؟

---

(۱) عن عائشة رضي الله عنها قالت لم یکن النبي ﷺ علی شيء من النوافل أشد منه عاهدا علی رکعتی الفجر رواه الشیخان وعنها عن النبی صلی الله علیه وسلم قال رکعتی الفجر خیر من الدنیا وما فیها. رواه مسلم، (آثار السنن باب التطوع للصلوات الخمس) عن ابي هریرة رضي الله عنه قال قال رسول الله ﷺ لا تدعوا رکعتی الفجر ولو طردتکم الخیل. رواه احمد وابوداؤد وإسناده صحیح (ایضا باب في تاکید رکعتی الفجر) إنما خالفناه في سنة الفجر لشدة تاکیدها الخ لما روی الطحاوي وغیره عن ابن مسعود رضي الله عنه أنه دخل المسجد وقد قیمت الصلاة فصلی رکعتی الفجر في المسجد. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب إدراک الفریضة ج۱ ص۶۷۳، ط.س. ج۲ ص۵۸. إلی أسطوانة وذلک بمحضر حذیفة وأبي موسی الخ غنیة المستملي ص۳۷۹. ظفیر

جواب: بعد از اداء نمودن سنت درجماعت شریک شود ([1]).

انکس که بغیر از اداء سنت در جماعت شریک شود اوسنت را در آن وقت اداء نکند:

سوال: (۱۹۳۲) شخصی سنت فجر را اداء ننموده وبجماعت شامل شد اکنون آن شخص بعد از جماعت فورا سنت را اداء نماید ویا بعد از طلوع آفتاب وبلند شدن آن اگر میخواهد آن را اداء نماید قال في الشامي: واما اذا فاتت وحدها فلا تقضي قبل طلوع الشمس بالاجماع لكراهة النفل بعدالصبح واما بعد طلوع الشمس فكذالک عند وقال محمد (رح) آحب الى أن يقضيها الى الزوال ([2]) فقط.

دروقت جماعت سنت فجررا خارج از مسجد اداء نماید: **سوال:** (۱۹۳۳) دریک مسجد گنجایش شش صف وجود دارد بناء سنت فجر را در وقت جماعت کجا اداء نماید؟

جواب: بهتر آنست که سنت فجر را دراین اثنا بیرون از مسجد علیحده درگوشه اداء کند اگر چنین موقع نباشد دراین صورت اگر جماعت در حصه داخلی استاده باشد او سنت رادرحصه بیروني اداء نماید واگر جماعت درحصه بیروني استاده باشد اوسنت رادرداخل اداء کند زیرا درحین مجبوریت وضرورت همچو عمل نمودن نیز درست است که درصفوف متأخره سنت را اداء نماید بهر حال ترک نمودن سنت بکار نیست تا وقتیکه برخي از حصه جماعت را دریافت کرده میتواند ([3]) فقط.

سنت فجر دروقت جماعت: **سوال:** (۱۹۳۴) درحین اداء سنت فجر وقتیکه تکبیر شد وامام

---

(۱) والشارع في نفل لا يقطع وكذا سنة الظهر الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار ج۱ ص۶۶۸، باب إدارک الفريضة، ط.س. ج۲ ص۵۳. ظفير

(۲) رد المحتار باب إدراک الفريضة ج۱ ص۶۷۲، ط.س. ج۲ ص۵۷. ظفير

(۳) وإذا خاف فوت ركعتي الفجر لإشتغاله بسنتها تركها لكون الجماعة أكمل وإلا بأن رجا إدراک ركعة لا يتركها بل يصليها عند باب المسجد إن وجد مكانا وإلا تركها، لأن ترک المكروه مقدم على فعل السنة (درمختار) قوله وإلا تركها قال في الفتح وعلى هذا أى على كراهة صلوتها في المسجد ينبغي أن لا يصلي فيه إذا لم يكن عند بابه مكان لأن ترک المكروه مقدم على فعل السنة غير أن الكراهة تتفاوت فإن كان الإمام في الصيفي فصلوته إياها في الشتوي أخف من صلوتها في الصيفي وعكسه، وأشد ما يكون كراهة أن يصليها مخالفا للصف كما يفعله كثيرا من الجهلة آه والحاصل أن السنة في سنة الفجر أن يأتي بها في بيته وإلا فان كان عند باب المسجد مكان صلاها فيه وإلا صلاها في الشتوي او الصيفي إن كان للمسجد موضعان و إلا فخلف الصفوف عند سارية لكن فيما إذا كان للمسجد موضعان والإمام في أحدهما ذكر في المحيط أنه قيل لا يكره لعدم مخالفة القوم وقيل يكره لأنهما كمكان واحد قال فإذا إختلف المشائخ فيه فالأفضل أن لا يفعل قال في النهر وفيه أفاد أنها تنزيهية اه لكن في الحلية قلت وعدم الكراهة أوجه للآثار التي ذكرناها اه ثم هذا كله إذا كان الإمام في الصلوة أما قبل الشروع فيأتي في أي موضع شاء (ردالمحتار باب إدراک الفريضة ج۱ ص۶۷۱، ط.س. ج۲ ص۵۶). ظفير

قرائت را شروع نماید درشرح وقاية نوشته شده است که اگر امید دریافت نمودن رکعت باشدبا امام پس سنت را اداء کند این سخن صحیح است یانه؟ وبعضي مولوي صاحبان چنین نیز میگویند: وقتیکه امام قرائت را اغاز نمود سنت ادا کردن دران اثنا حرام است تا جائیکه او از امام میرسد وبراین مسالي مایان را نیز مطلع سازیدکه هر شخص بغیر از عذر وآن هم برایش معلوم است که یک رکعت رابا امام دریافت خواهم نمود سپس اودرجماعت شریک شد آیا آنکس گنهگار است یانه؟

جواب: قسمیکه درشرح وقایه نوشته است همچنان درکتاب هاي متباقي فقه نیز نوشته است بلکه درالدر المختار وشامی چنین تحقیق نیز نموده است که اگر با امام التحیات را نیز دریافت کرده میتواند باز هم سنت فجرا را اداء کند سپس بجماعت شامل شود اما ضروري آنست که با جماعت هموار ویا درکدام درجه که جماعت میشود درآنجا براي اداء سنت استاده نشود بخاطر آنکه مکروه است ودرحدیث از آن ممانعت آمده است وفقهاء احناف (رح) تصریح فرموده است که نزد دروازه مسجد ویاعلیحده برنده وغیره یا حجره باشد درآنجا سنت را اداء نماید وسپس از آن درجماعت شامل شود ودرپهلوي امام وجماع سنت را اداء نکندورسیدن آواز قرائت امام مانع اداء نموددط سنت نمیباشد ومل اورسیدن وفرس یدن آواز رافقهاء کرام براداء نمودن سنت وعدم اداء نمودن موقوف نگردانیده اند (۱) وچونکه تاکید نشت فجر رازیا د ترآمده است فلهذا باموجودیت مکان علیحده ترک نمودن سنت فجر قبیح وناپسند است زیرا وقتیکه درشریعت ثابت است که دروقت اداء جماعت علیحده سنت را اداء نمودن ممنوع نیست پس بغیر از کدام وجه ودلیل ترک نمودن سنت فاپسند خواهد باشد فقط.

شخصی که دروقت جماعت رسید چه با ید بکند؟ سوال: (۱۹۳۵) جماعت قائم است که بتعقیب مقتدي داخل شد اگر امام درسجده آخري یادرالتحیات باشد آیا براي اودرجماعت شامل شدن ضروري است یا اختیاري واگر وقت نماز فجر شباشد پس درهمچو صورت چه باید کرد؟

جواب: اگر وقت جماعت فجر باشد یا وقت نماز هاي دیگر باشد درجماعت شامل (۲) شود.

---

(۱) إذا خافت فوت ركعتي الفجر لاشتغاله بسنتها تركها لكون الجماعة أكمل وإلا بأن رجا إدراک ركعة في ظاهر الرواية وقيل التشهد واعتمده المصنف والشرنبلالي تبعا للبحر لكن ضعفه في النهر لا يتركها بل يصليها عند باب المسجد ان وجد مكانا وإلا تركها (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب إدراک الفريضة ج۱ ص۶۷۰ – ۶۷۱، ط.س. ج۲ ص۵۶). ظفير

(۲) ولا يكون مصليا جماعة اتفاقا من أدرک ركعة من ذوات الأربع الخ لكنه أدرک فضلها ولو بادراک التشهد اتفاقا (الدر المختار على

سنت بوقت جماعت فجر: **سوال**: (۱۹۳٦) امام نماز فجر را به آواز بلند اداء مي نمايد اگر كسي در حجره مسجديا درصحن حجره اطاق سنت فجررا ادا كند لكن آواز قرائت امام بگوش اوكاملا مي آيد وآنكس بهتر مي فهمد كه من سنت را اداء كنم درجماعت شريک خواهم شد دراين حالت سنت اداء نمودن جائز است يانه؟

جواب: سنت فجر را درهمچو حالت درحجره اداء كردن بكار است ودرآن كدام حرج نيست كه آواز قرائت امام بسمع او ميرسد البته اين ناجائز است كه درهمان درجه سنت را اداء مي نمايد كه درآن امام شروع فرض را اداء ميكند ودليل قال في الشامي: والحاصل ان السنة في سنة الفجر ان ياتى بها في بيته والا فان كان عند باب المسجد مكان صلاها فيه والا صلاها في الشتوي والصيفي ان كان للمسجد موضعان والا فخاف الصفوف عند سارية وايضا قال: وينبغي ان لا يصلي فيه اذا لم يكن عند بابه مكان الخ: جلد ۱ ص ٦۷۱.

اگر جماعت ايستاده باشد پس سنت فجر را چه وقت اداء كند؟ **سوال**: (۱۹۳۷) اگر جماعت فجر قائم باشد پس سنت فجر را اداء نمايد ويا آنكه درجماعت شريک شود اگر درجماعت شريک شد پس سنت را بعد ازنماز اداء نمايد ويا بعد از طلوع آفتاب؟

جواب: اگر مكان عليحده درمسجد باشد اوبايد بعد ازشروع شدن جماعت سنت فجررا اداء كند زيرا كه تاكيد اين سنت زياد آمده است ليكن بشرطيكه توقع شركت نمودن درجماعت باشد واگر سنت فجر را وبعد از اداء فرض آن را پيوست اداء نكند بلكه بعداز آفتاب برآمد اداء نمايد واگر ازوقت خود گذشت درآن صورت سنت مؤكده مؤكد باقي نميماند اما با آنهم بعداز طلوع آفتاب اداء نمودن آن بهتر است (۱) هكذا في كتب الفقه فقط.

كتبه رشيد احمد عفي عنه سنه ۱٦\ ۱۲\ ۱۳۲۹هـ



= هامش ردالمحتار باب إدراک الفريضة ج۱ ص۶۷۳، ط. س. ج۲ ص۵۹). ظفير

(۱) أما إذا فاتت وحدها فلا تقضى قبل طلوع الشمس بالإجماع لكراهة النفل بعد الصبح وأما بعد طلوع الشمس فكذلک عندهما وقال محمد احب إلى أن يقضيها إلى الزوال كما في الدر وقيل هذا قريب من الإتفاق لأن قوله احب إلى دليل على أنه لو لم يفعل لا لوم عليه وقالا لا يقضي وإن قضى فلا بأس به (إلى أن قال) في انه لو قضى كان نفلاً الخ ج۱ ص۶۷۲، ط.س. ج۲ ص۵۷. ظفير

الباب العاشر في قضاء الفوائت

اداء نمودن نمازهاي قضائي

بوجه ضيق الوقت يا فراموشي نماز وقتي را پيش از قضائي اداء كرده ميتواند: سوال: (۱۹۳۸) اگر از يک نفر نماز ظهر قضاء شد واو درعصر بمسجد دروقتي رسيد كه اقامت ميشد ويا آنكه بالكل ضيق الوقت است ويا وقت عصر كافي است لكن از اوفراموش شد اما وقتيكه نماز عصر را اداء نمود برايش يادشد كه من نماز ظهر راقضاء نموده ام بناء آيا در آن حالت بعداز نماز عصر قضاء ظهر را خوانده ميتوانديانه؟ وهمچنان وقتيكه جماعت فجر استاده باشد سنت فجر را اداء نمودن بكار است ويا آنكه درجماعت شريک شود اگر درجماعت شريک شد بس قضاء آن سنن را تابه كدام وقت بجاي آورده ميتواند.

جواب: اگر ازوي فراموش شد ياوقت انقدر تنگ بود كه اگر قضاء ظهر رابجا مي اور دوقت عصر فوت ميشود پس در همچو حالت نماز عصر صحيح است كه اداء شود وبدنبال آن قضاء ظهررا بجا آورد ([1]) واگر اقامت شروع شد ودر صورت اداء نمودن نماز ظهر جماعت عصر برايش دريافت نخواهد شد. درآن صورت نخست قضاء ظهر رابجا آورد وبعد از آن نماز عصررا اداء كند اگر چه جماعت از اوفوت ميشود واگر نماز فجر آماده باشد ياجماعت قائم باشد دراين صورت اگر اميد دريافت يک ركعت وبقول برخي فقهاء كرام اگر اميد تدارک تشهد باشد دراين صورت نخست سنت فجر را اداء كند سپس درجماعت شركت ورزد ([2]) واگر سنت را كلا ترک نمود ودرجماعت شريک شد دراين صورت قضاء سنت نيست اگر ميل دارد آن را بخواند پس اوبايد كه بعد از ار تفاع آفتاب آن را اداء نمايد كه آن نفل خواهد شد ([3]) فقط.

سبب نماز فائته : سوال : (۱۹۳۹) درنماز فائته سبب بطرف جميع وقت منسوب ميشود براي

---

(۱) الإستثناء من اللزوم فلا يلزم الترتيب إذا أضاق الوقت المستحب حقيقة إذ ليس من الحكمة تفويت الوقتية لتدارک الفائتة (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب قضاء الفوآئت ج۱ ص۶۸۰ – ۶۸۱، ط.س. ج۲ ص۵۶). ظفير

(۲) وإذا خاف فوت ركعتي الفجر لإشتغاله بسنتها تركها لكون الجماعة اكمل وإلا بأن رجا إدراک ركعة في ظاهر المذهب وقيل التشهد واعتمده المصنف والشرنبلالي تبعا للبحر (ايضا باب إدراک الفريضة ج۱ ص۶۷۵، ط.س. ج۲ ص۵۶). ظفير

(۳) ولا يقضيها إلا بطريق التبعية لقضاء فرضها قبل الزوال لا بعده (درمختار) واما لو إذا فاتت وحدها فلا تقضى قبل طلوع الشمس بالإجماع لكراهة النفل بعد الصبح واما بعد طلوع الشمس فكذلک عندنا (رد المحتار ايضا، ط.س. ج۲ ص۵۷). ظفير

آنکه وا جب علی صفات الکمال ثابت شودبعلت غباوت من مطلب آن درفهم بنده نیامد که سبب چه چیز است؟ وبسوي جمیع وقت معنی مضاف شدن آن چگونه است ودر اداء وجوب علی صفت الکمال نشدن ودرفائته وجوب علی صفت الکمال شدن وجه ودلیل آن چیست؟

جواب: در وقت با اداء نمودن آن بوجه تعذر جمیع وقت را سبب گفته نمیتوانیم بلکه جزء مقدم بالا تصال را سبب گفته میشود وقتیکه وقت گذشت ونماز فوت شد پس اکنون جمیع وقت راسبب گفتن کدام حرج ودشواري ندارد وسبب ظاهري نماز وقت است زیرا هرگاه وقت داخل شود درآن اثنا حکم نماز داده میشود وهمین معنی سببیت است مثلا هرگاه وقت ظهر داخل میشود دراین وقت صَلُّوا صَلٰوةَ الظُّهْرَ متوجه میشود وقس علیه.

قضای نماز روزه: سوال: (۱۹۴۰) نماز روزه را قضاء نموده بود وهوید انیست که چقدر مدت را قضاء نموده است بناء طریقه ادا ان چگونه است؟

جواب: شمار واندازه آن را معلوم نماید وهرقدر یکه نماز وروزه را اندازه نمود قضایي آن را بجاي آورد.

قضائی نمازه های قضاء شده: سوال: (۱۹۴۱) بذمه زید تقریبا قضائي دوازده سیزده سال روزه ونماز باقي مانده است که او دانسته آن را اداء ننموده است اکنون میخواهد که نمازها وروزه فوت شده را اداء نماید بناء آن رابکدام طریقه اداء نماید؟

جواب: قضائي نماز روزه را بجا آورد وتخمینا بعد ازبلوغ نمازها وروزه ها هرچند سالها راکه قضاء نموده باشد آن را اداء نماید فقط.

قضاء نماز قصر قصر میباشد: سوال: (۱۹۴۲) قضاء نماز قصر قصر اداء کردن بکار است یا کامل؟

جواب: قضائي نماز قصر قصر اد اء کردن بکار است (۱).

آیا اداء نمودن نماز قضا درمسجد درست نیست؟ سوال: (۱۹۴۳) عالمي میفر ماید که بمسجد صلاۃ قضاء گذاردن حرام است ودلیلش این که قضاء صلاۃ معصیت است واظهار معصیت حرام وبمسجد اظهار میشود بخانه گذاردن یاید این سخن چگونه است؟

---

(۱) والقضاء یحکي أی یشابه الأداء سفرا وحضرا لأنه بعد ما تقرر لا یتغیر (درمختار) قوله سفرا وحضرا ای لو فاتته صلوۃ السفر وقضا في الحضر یقضیها مقصودۃ کما لو أداها (رد المحتار باب صلوۃ المسافر ج۱ ص۷۴۵، ط.س. ج۲ ص۱۳۵). ظفیر

جواب: در درمختار قضائي نماز هاي فوت شده را درمسجد مکروه تحریمي نوشته است ودلیلش همان است که نماز را بعد الوقت اداء کردن معصیت است فلهذا آن را ابراز نباید کرد وعلامه شامي دراین مورد چنین نوشته است که غرض همین است که اظهار آن رانکند بلکه طوري اداء کندکه کسي را اگاهي نشود که اونوافل میخواند یا فرا نض دراین صورت درمسجد قضائي آوردن نیز درست است غرض آنکه قضایي را طوري بیا آورد که حتی المقد ور براي کسي اظهار نشود وعبارت شامي اینست: وظاهره ان الممنوع هوالقضاء مع الاطلاع علیه سواء کان في المسجد اوغیره ([1]) فقط.

طریقه مروجه عمري ثابت نیست بي اساس است: سوال: (۱۹۴۴) دریک کتاب لسان اردو نوشته شده است که بخاطر کفاره قضاء عمري نماز طوري اداء نمودن بکار است که درهریک رکعت یک بار آیت الکرسي وسورت کوثر را یازده دفعه بعد از سورت فاتحه بخواند یا این جائز است یآ مکروه وبنا برهمین طریقه براي سائر نماز ها نیز سورت ها را درمقامات مختلف براي هر رکعت مشخص قرائت نمودن آن را تحریر فرموده است؟

جواب: این مسأله مسوله هیچ اصل اندارد وبرآن طریقه نفل نمودن قضائي عمري حاصل نمیشود نخست آنکه قضائي عمري اصل ندارد بلکه فقهاء کرام آن مکروه نوشته اند وثانیا آنکه بدان هیئت وکیفیت نماک خواندن براي قضائي عمري ثابت نیست واین طریقه قضاء مخالف قواعد شرعیه است قاعده آنست که هر چند نماز هاي که بذمه کسي فوت شده باقي باشد پس او را بایستي که بیقین وظن غالب عضائي آن را بجا آرد ومحض بنا برتوهم قضاء عمري ثابت نیست بلکه مکروه است در شامي براین قول درالمختار که ومانقل ان الامام قضی صلوة عمر الخ نگاشته: است انه لم یصح ذلک عن الامام الخ فالوجه کراهة القضاء لتوهم الفساد ([2]) الخ: ص ۴۶۹.

حیله اسقاط: سوال: (۱۹۴۵) اسقاط یعني حیله جوئي که قبل ازنماز جنازه ویا بعد ازنماز جنازه تأدیه میشود بر وارثان میت واجب است یانه؟ واین حیله از این قرار است که یک سیر پاکستاني ودوازده ونیم کیلو گندم وپول نقد حد اقل صد (۱۰۰) روپیه وقرآن مجید شامل

---

(۱) رد المحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۹۰، ط.س. ج۲ ص۷۷. ظفیر

(۲) رد المحتار باب الوتر والنوافل قبیل مطلب في الصلوة علی الدابة ج۱ ص۶۵۳، ط.س. ج۲ ص۳۸. ظفیر

میباشد وغرض حلیه جویان آن میباشد که این اشیاء کفاره سائر نماز هاي قضاء شده روزه حج وغیره میت میگردد وسائر نماز گذاران جنازه را میدهند وحیله کنند گان مي نشیند وقرآن مجید رابه دردست اخذ مي نماید ویک دعاي بزرگ وطولاني راقراة مي نماید ودرنتیجه میگوید که مایان قبول نمودیم؟

جواب: حیله مذکوره اسقاط بروارثان واجب نیست وهمچنان وصیت را فقهاء کرام نیز جائز نگردانیده اند قال في الدر المختار: ونص علیه في تبیین المحارم فقال لایجب علی الولي فعل الدور وان اوصی به المیت لانها وصیة بالتبرع والواجب علی المیت آن یوصي بما یفي بما علیه ان لم یضق الثلث عنه فان آوصی باقل وآمربا الدور وترک بقیة الثلاث للورثة او تبرع به لغیرهم فقد آثم بترک ماوجب علیهم (۱) فقط.

صاحب ترتیب نخست نماز های فوت شده را اداء نماید اگر چه جماعت از وی فوت میشود؟

سوال: (۱۰٤٦) اگر صاحب ترتیب وقتي بمسجد آمد که جماعت قائم وشروع باشد دراین اثنا او چه باید بکند آیا در جماعت شامل شود ویا قبل از آن نمازهاي قضاء شده را بجا آورد سپس درجماعت شامل گردد؟

جواب: صاحب ترتیب نخست نمازهاي فوت شده خودرا اداء کند اگر چه جماعت ازوي فوت میشود فقط.

کسی که نمازها راقضاء نموده است اونمازها رابکدام ترتیب اداء نماید؟

سوال: (۱۹٤۷) بعهده یک نفرچند نمازهاي قضاء شده است اکنون براي او فرصت اداء نمودن نماز فجر حاصل نشد بلکه نماز فجر ازوي قضاء شد الان اونماز فجر را اداء نماید ویا آنکه قضائیهاي قبلي رابجا آورد؟

جواب: اگر نمازهاي قضاء شده قبلي شش عدد باشد یا زیاده از آن دراین صورت ترتیب ساقط مي شود ونماز فوت شده فجررا او قبل ا زنماز هاي قضاء شده قبلي اداء کرده میتواند (۲) فقط.

کسی که نمازهای زیادرا قضاء نموده باشد انها را چگونه اداء کند؟

سوال: (۱۹٤۸) اگر

---

(۱) ردالمحتار باب قضاء الفوائت مطلب في إسقاط الصلوة عن المیت، ج۱ ص٦٨٦، ط.س. ج۲ ص۷۳. ظفیر

(۲) الترتیب بین الفرائض الخمسة والوتر اداءً وقضاءً لازم الخ فلم یجز فجر من تذکر انه لم یوتر الخ الا اذا اضاق الوقت الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص٦٧٩، ط.س. ج۲ ص٦٥). ظفیر

یک نفر بیشمار نمازها را فوت نموده باشدکه احصائیه آن برایش معلوم نیست اکنون اگر اومیخواهد که نماز هاي فوت شده را اداء نما يد درحالیکه اگر او تحري نماید یعني بفکر خود یک تعداد را معین نماید آیا او آن را بالترتیب اداء نماید ویا آنکه نیازي براي ترتیب نمیباشد اگر دریک وقت پنج نماز فوت شده یک روز را اد اء نمود آیا جائز خواهد باشد یانه؟

جواب: بعداز تحري نمودن نماز هاي هرچند سال ماه که فوت شده است ودرتحري آید درقضاء آوردن آنها شروع نماید ودرحین قضاء آوردن درقلب نیت وتفکر نماید ویا بلسان نیز بگوید که قبل از همه قضای ظهر یاعصر وغیره رابجامي آورم وهمانطور درمتباقي اوقات نیت کند زیرا بعد ازقضاء آوردن نخستین نماز که بدنبال او است او نخست فوت شده متعین میگردد وکدام صورت که در سوال نوشته شده است که سائر نمازهاي فوت شده یک روز را میخواهد که دریک وقت اداء نماید آن درست است فقط.

<u>کسي که نماز های یکسال را قضاء نماید بر او ترتیب لازم نیست</u>: سوال: (۱۹۴۹) بذمه یک نفر بطور مثال نماز هاي قضا شده یک سال باقي مانده است بناء درقضا آوردن آنها بر او ترتیب ضروري است یانه؟ یعني بالترتیب آنها را اداء نماید یا هر قسمیکه بخواهد اداء نموده میتواند وهر وقتیکه قضائي تمام سال بجا مي آورد آیا صاحب ترتیب میاشد یانه؟ ویا آنکه تا یک چند روز نماز قضائي بجا آورد سپس آن را ترک نمود وبعد از آن مابقی را اداء نماید یا از سرنو اداء کند وآیا با ترک نمودن دروسط آنها کدام نقصان وارد نمیشود؟

جواب: درقضاء آوردن آن نماز ها بر او ترتیب لازم نیست هر قسمیکه میل داشته باشد آن را بجا آورد [1] وهر وقتیکه سائر نماز هاي فوت شده را اداء کند سپس صاحب ترتیب میشود بلکه وقتیکه در جریان اداء نمودن نماز هاي قضائي از شش عدد نماز کمتر باقي بماند مثلا پنج نماز بدوش او بماند درهمان وقت براو ترتیب واجب میشود وهرقدریکه نماز های قضاء رابجا آورد آنها صحیح است واگر درمیان قضاء آوردن را ترک نمود سپس از آن باز شروع نمود درآن صورت هرچند نماز هاي قضائي که بعد از قضائي قبلي باقي مانده باشد تنها قضائي آنها [2]

---

(۱) ويلزم الترتيب الخ إلا إذا أضاق الوقت الخ او فاتت ستة اعتقادية (درمختار) يعني لايلزم الترتيب بين الفائتة والوقتية ولا بين الفوائت إذا كانت الفوائت ستا الخ (ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۸۰، ط.س. ج۲ ص۶۶). ظ

(۲) ولايعود لزوم الترتيب بعد سقوطه بكثرتها الفوائت بعود الفوائت إلى القلة بسبب القضاء لبعضها على المعتمد لأن الساقط لايعود وكذا لا يعود الترتيب بعد سقوطه بباقي المسقطات السابقة (درمختار) قوله بسبب القضاء كما إذا ترک رجل صلوة شهر مثلا ثم قضاها إلا صلوة ثم =

را آوردن لازم است فقط.

مدت چند نماز را قصری نمود پس معلوم شدکه مسافر نبود بناء چه باید کرد؟ سوال: (۱۹۵۰) یک نفر بگمان آنکه من مسافر میباشم دو یاسه ماه مسافرانه نماز اداء نمود سپس از آن برایش معلوم شد که اواصلا مسافر نبود آیا اکنون بر اوقضائي آوردن آن نماز ها ضروري است؟ اگر باشد بکدام طریقه؟

جواب: قضاء آوردن این نماز ها ضروري است وطریقه قضائي آوردن معروف است مثلا نماز هاي هرچند روزها را که قصر نموده است آن راحساب نماید وقضائي سائرآن نماز ها رامع الوتر بجا آورد وسنت قضائي ندارد ([1]) فقط.

اگر دروقت گنجایش سائر قضاء مرتب نباشد چه باید کرد؟ سوال: (۱۹۵۱) اگر در وقت فجر انقدر گنجایش نباشد که صاحب ترتیب پنج نماز هاي قضائي را علی الترتیب اداء نماید پس او تنها دونماز را برنماز وقتي مقدم کرده میتواند یا انکه تمام آن را بگذارد؟

جواب: هرقدریکه گنجایش باشد قضائي آن را بیاورد سپس از آن اگر تنها وقت نماز وقتیه باقي ماند درآن صورت وقتیه را اداء نماید زیرا که بضیق الوقت نیز ترتیب ساقط میشود وچنانچه درکتاب هاي فقه این مسأله تفصیلا مذکور است ([2]) فقط.

درقضاء مطلب ترتیب چیست؟ سوال: (۱۹۵۲) این سخن که متداول السنه است که بدوش صاحب ترتیب میان نماز هاي فوائت ووقتیه ترتیب فرض است مطلب از چیست؟

جواب: مطلب آن از این قرار است که اگر نماز هاي فوت شده راقبل از نماز وقتیه اداء نکند وپیش ازقضاء آوردن فوائت نماز وقتیه را اداء نماید این نمازوقتیه فاسد خواهد شد بفساد موقوفي

= على الوقتية ذاكرا لها فانها صحيحة آه بحر، قيد بقضاء البعض لأنه لو قضا الكل عاد الترتيب عند الكل قوله المعتمد هو أصح الروايتين وصححه ايضا في الكافي والمحيط والمعراج وغيره وعليه الفتوى وقيل يعود الترتيب واختاره في الهداية ورده في الكافي والتبيين واطال فيه في البحر (رد المحتار باب قضاء الفوائت ج١ ص٦٨٤، ط.س. ج٢ ص٧٠). ظفير

(۱) وقتیکه نماز نشد سائر آنها در قضاء محسوب میشود وآن مسأله فیصله شده است که قضاء لفرض الخ فرض الدر المختار ظفیر.

(۲) فلا يلزم الترتيب إذا ضاق الوقت المستحب حقيقة إذ ليس من الحكمة تفويت الوقتية لتدارك الفائتة ولولم يسع كل الفوائت فالأصح جواز الوقتية (درمختار) صورته عليه العشاء والوتر مثلا لم يصل الفجر حتى بقي من الوقت ما يسع الوتر وفرض الصبح فقط ولم يسع الصلوات الثلاث فظاهر كلامهم ترجيح أنه لا تجوز صلوة الصبح ما لم يصل الوتر وصرح في المجتبى بأن الأصح جواز الوقتية عن البحر لكن قال الرحمتي الذي رأيته في المجتبى الأصح أنه لاتجوز الوقتية اهـ قلت: راجعت المجتبى فرأيت فيه مثل ما عزاه إليه في البحر وكذا قال القهستاني جازت وقتية على الأصح (ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج١ ص٦٨٠، ط.س. ج٢ ص٦٦). ظفير

كما هو مفصل في كتب (۱) الفقه. فقط

طريقه درست اداء نمودن قضاء چگونه است؟ سوال: (۱۹۵۳) هرشخصي كه نماز هاي قضائي عمري بالتريب اداء مي نمايد براي اودرميان قضاء مغرب ووتر چهار ركعت را بسه (۳) قعده دركدام حالت اداء نمودن بكار است ودرسه ركعت چرا اداء نمودن بكار نيست دربرهان الفتاوی مذکور است يصليها اربعا بثلاث قعدات لكراهة تنفل بثلاث ركعات في القنية ركن الدين انحراف يصلي المغرب والوتر آربعًا بثلاث قعدات مطلب اين عبارت چيست؟

جواب: مذهب صحيح آنست بر ذمه هر كسي كه نماز هاي قضائي باشد نماز مغرب را حسب قاعده مطابق قاعده ادا كند وهمچنان وتررا موافق قاعده سه ركعات اداء نمايد واين صورت فوق الذكر را كه از برهان الفتاوی منقول است موافق قاعده نميباشد ومتباقي مطلب عبارت فوق الذكر آنيست كه سه قعده راطوري ادا كند كه بعد از دوركعت قعده نمايد سپس از آن بعداز ركعت سوم نيز قعده كند بخاطر آنكه قعده اخير ترک نشود وبعد از آن بوجه شبه يک ركعت چهارم نفل را همارهش ضميضه كند وقعده نمايد كه بهمين طورسه قعده خواهد شد (۲) لكن صحيح آنست كه ضروري براي آن نيست وقتيكه واقعا بذمه اونماز فوت شده مغرب ووتر فوت شده باشد او را بايستي كه سه ركعت رابد وقعده اداء نمايد.

تنهاتوبه كردن نمازهای قضاء شده معاف نميشود بلكه اداء نمودن ضروری است: سوال:

---

(۱) ولو فاتته صلوة رتبها في القضاء كما وجبت في الأصل الخ من صلى العصر وهو ذاكر أنه لم يصل الظهر فهي فاسدة إلا إذا كان في آخر الوقت وإذا فسدت الفريضة لا يبطل أصل الصلوة عند ابي حنيفة وابي يوسف الخ ثم العصر يفسد فسادا موقوفا حتى لو صلى ست صلوات ولم يعد الظهر إنقلب الكل جائزا الخ (هدايه باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۳۷ – ۱۳۹). ظفير

(۲) سائل كه مطلب كدام عبارت را پرسيده است آن جواب وحل صورت ذات شبهه وتوهم است مثلا كسي را در مورد قضاء يا فساد نماز وتر مغرب معلومات نيست بلكه محض شبهه است بناء در همچو حالت بكار آن بود كه آنرا ثانيا اعاده نكند ولاتعاد عند توهم الفساد للنهى ونه ضروري براي قضاء آوردن او است لكن اگر كسي بنابر شبهه همچون قضاء را بجا مي آورد كه اگر قضاء شده باشد بايد اداء گردد ورنه نفل خواهد شد پس دراين صورت طرز اداء نمودن وتر ومغرب شكل آن چنين خواهد باشد كه چهار ركعت را بسه قعده اداء نمايد زيرا نفل سه ركعت نمباشد وقعده دوم را اداء نمود براي آنكه قعده اخير شود براي مغرب ووتر وركعت چهارم همراهش ضميمه كرد وقعده سوم را اداء كرد كه اگر درنوافل محسوب شود صحيح خواهد بود لاتعاد توهم الفساد للنهي وما نقل ان الامام قضى صلاة عمره فان صح نقول كان يصلي المغرب والوتر اربعا بثلاث قعدات الدر المختار على هامش رد المحتار باب الوتر والنوافل قبيل مطلب في الصلاة الدابة: ج ۱ ص ٦٥٣. ظفير،

لاتعاد عند توهم الفساد للنهى وما نقل ان الإمام قضى صلوة عمره فان صح نقول كان يصلي المغرب والوتر اربعا بثلاث (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل قبيل مطلب في الصلوة على الدابة ج۱ ص٦٥٣، ط.س. ج۲ ص۳۷). ظفير

(۱۹۵٤) اکنون پنجاه سال عمر دارم ودونیم سال شده که حج فرضي را اداء نموده ام وقبل از اداي حج مبن پابندي واهتمام نماز را نداشتم والان از ان وقت بدینسو توبه کردم ونماز را اداء مي نمایم آیا بتوبه کردنم نماز هاي سابقه بنده معاف میشود یانه؟

جواب: بهر تعداد نماز هاي که قضاء شده است اعاده آن فرض است وطریقه اش آنست که نماز هاي یک یک روز را بالتریب اعاده نماید وچنین نیت کند که فجر سابقه را اداء مي نمایم که قبلا وقت آن را دریافت نموده بودم ومن آن را اداء نکرده ام وبهمین منوال نیت ظهر عصر مغرب الخ وغیره را باید کرد وحساب نماید که از آوان بلوغ تا به وقت توبه کردن چقدر سالها دربي نمازي سپري نموده است وبعد از احصائیه دقیق قضائي آنها را بجا آورد ودلیل برآن این قول الله پاک است: قال الله تعالى في كتابه مرة بعد اخرى: اَقِيْمُوْا الصَّلَاةَ وَاٰتُوْا الزَّكَاةَ (۱) درانجا اقیموا صیغه امر است وامر تقاضاي وجوب را مي نماید فلهذا نماز فرض شد وهر چیزي که به امر فرض شود ازگردن خلاصي ورفع مسؤلیت تنها بدو طریقه است: تسلیم عین واجب یا از طرف خویش مثل واجب را حواله نمودن از ذمه خود اصل واجب را ساقط نمودن کماقالوا في حكم الواجب بالامر انه نوعان اداء وهو تسليم عين الواجب بسببه الى مستحقه وقف اوهو اسقاط الواجب بمثله من عنده (۲) حسامي بناء بتوبه کردن واداء نمودن حج معاصي معاف میشود اما فرائض معاف نمیگردد چنانچه یک نفر حج را اداء کرد یا توبه کشید پس قرض قرض دار همانطور برذمه او واجب است قسمیکه قبلا بود بهمان طریقه کدام قرض که از حقوق الله بذمه کسي باقي مانده باشد آن نیز با اداء کردد اداء میگردد بلکه تا آنکه علماء کرام مي نویسند که بتوبه کردن حتی اگر او بعد از آن در قضاء آوردن آنها تاخیر نمود مجددا گنهکار میباشد قال في الشامية قال الترمذي: هو مخصوص بالمعاصي المتعلقة بحق الله تعالى لا العياد ولايسقط الحق نفسه بل من عليه صلوٰة يسقط عن اثم تاخيرها لانفسها فلو اخرها بعده تجدد اثم اخر آه ثم قال بعد اسطر نقلاً عن البحر فليس معنى المتكفر كما يتوهمه كثير من الناس ان الدين يسقط عنه وكذا قضاء الصلوة والصوم والزكاة اذلم يقل احد بذلک اه: ج ۱ ص ۲۷٦ فقط.

بخاطر اداء نمودن فوائت کثیره ترک کردن تراویح نا درست است : **سوال**: (۱۹۵۵) در

---

(۱) سورة البقرة: ۱۳. ظفير

(۲) حسامي ص۳٤. ظفير

عصر موجوده چنين مردم بتعداد كثير پيدا ميشود كه بر ذمه آنها بسيار زياد نماز هاي فرضي واجب الاداء است كه هيچ شكل اداء نمودن آنها متصور نميشود آيا در رمضان المبارک بعوض تراويح آن نماز هاي فوت شده را اداء نمودن جائز است يانه؟

جواب: اين صورت جواز ندارد تراويح را عليحده بهمين منوال واهتمام بجماعت اداء نمودن بكار است زيرا جناب رسول اكرم ﷺ بسيار زياد تعريف آن را فرموده اند وخود ايشان نيز بر آن باعمل نمودن اسوه حسنه را جاري فرموده اند پس آن طريقه وفعل نبوى ﷺ وهمچنان طريقه صحابه كرام بهمان منوال وبهمان كيفيت وهمان نيت جاري نگهداشتن بكار است ودر شريعت غراء روشن همچنين تغيرات را درفكر وتصور آوردن بكار نيست زيرا اين بسيار سخن قبيح وباسنت مصادم وعمل احداث في الدين است كه درمورد آن وعيد من احدث في امرنا هذا ما ليس منه فهو رد (۱) كافي است اعاذنا الله تعالى من مثل هذه الوساوس الشيطانية والهواجس النفسانية وبدوش هر كسي كه نمازهاي قضاء باقي مانده انست او خودش مسئول وذمه وار اداء نمودن است واگر انكس خوف خدا را داشته باشد وتابع شريعت غراء باشد اوبايد خودش وقتا فوقتا آن را اداء نمايد باقي آنكه بخاطر رعايت فوائت مذكوره مانند همچو تراويح كه سنت مؤكده است وهمچنان شعار رمضان المبارک را متغير نمودن جواز ندارد ونبايد براي آن منظور مبدل گردد و گويا كه يک كار مشروع را ميكنم كه بطور مستقل در بسياري احاديث بسيار اهتمام بيان آن فرموده شده است ومناقب آن نيز توضيح وبيان فرموده شده است كه آن متروک ومبدل شود وهمچنين تفكر وانديشه نيز از يک انسان مسلمان مستبعد معلوم ميشود (۲) فقط.

<u>در زمان اداء نمودن فوائت كثيره اگر يک نماز فوت شد در آن مورد حكم چيست؟</u> سوال (۱۹۵٦) وقتيكه سلسله اداء نمودن نماز هاي قضاء عمري شروع شد واتفاقا يک نماز بعد از نماز قضاء عمري قضاء شد بناء آن را دركدام سلسله اداء نمايد آيا قبلا نماز وقتي را يا قضاء را اداء كند؟

<u>حكم قرائت در نماز قضاء عمري چيست</u> ؟ **سوال** : (۱۹۵۷) سائر ركعات قضاء عمرى را پر

---

(۱) مشكوة باب الإعتصام بالسنة ص۲۷. ظفير

(۲) التراويح سنة مؤكدة لمواظبة الخلفاء الراشدين للرجال والنساء جميعا (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل مبحث صلوة التراويح ج۱ ص٦٥۹، ط. س. ج۲ ص٤۳). ظفير

اداء کند یا آنکه دو رکعت پرو دو رکعت خالي اداء نماید؟

جو اب: (۱) در این مسأله ترتیب ضروري نیست اگر در زمان نماز وقتي گنجایش باشد پس هر دو نماز هاي قضاء راقبل از وقتي وبعد از آن نیز اداء کرده میتواند ودر هردو نماز قضاء شده یعني قضائي حال وقضائي عمري هر قسمیکه میخواهد قبل باشد یا بعد (۱) از آن اداء نماید.

جواب: (۲) دراین صورت دو رکعت را پر ودو رکعت را خالي اداء نمودن بکار است البته وقتیکه زیاد نماز هاي قضاء تکمیل وپوره شد ودرآینده محض شبه باقي بماند که نماز قضاء بدوش من است یا نه پس دراین صورت هر چهار رکعت را پراداء کند (۲) وبا نماز عشاء قضاء آوردن وتر نیز لازمی است فقط.

اداء نمودن فوائت ضروری است لکن ضرورت بترک نمودن نوافل نیست: سوال: (۱۹۵۸) اگر یک نفر نماز هاي ده سال را قضاء نموده باشد واکنون او توبه نموده است وپنج وقت نماز اداء مي نماید وعلاوه از فرائض وسنن نماز تهجد ووتر رانیز اداء میکند آیا بهمان طور وتر وتهجد را اداء نماید یا آن را بگذارد وآن وقت را در نماز هاي فوت شده ده سال صرف نماید؟

جواب: کدام چیزي را که او مي نماید این را نیز بکند ودر وقت فارغ قضاء فوائت را بجا آورد مثلا روزانه هموار قضائي چند نماز ها را بجا آورد واگر وقت نباشد پس درآن صورت قضاء آوردن نماز هاي فوت شده برسنن وتهجد مقدم است واین وقت را نیز بخاطر اداء ان صرف نماید (۳) لکن با انهم وتر را ترک نکند فقط.

اداء نمودن فوائت بعد از نماز های عصر وفجر درست است یانه؟ سوال: (۱۹۵۹) قضاء آوردن نماز هاي فوت شده را بعد از نماز عصر وفجر جائز است یانه؟ اگر جائز باشد در این صورت مطلب حدیث آتي چیست؟ لاصلوة بعد الفجر حتی تطلـــع الشـمس ولا صلوة بعد العصر

---

(۱) فلا یلزم الترتیب إذا أضاق الوقت الخ او نسیت الفائتة الخ او فاتت ست إعقادیة الخ (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب قضاءالفوآئت ج۱ ص۶۸۰، ط.س. ج۲ ص۶۶). ظفیر

(۲) بخاطر آنکه درسائر رکعات نوافل قرآت است وتفرض القراءة عملا في رکعتي الفرض مطلقا الخ وکل النفل (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص۶٤٤، ط.س. ج۲ ص۲۸) ظفیر

(۳) أی کل صلوة فاتت عن الوقت بعد وجوبها فیه یلزمه قضاءها سواء ترک عمداً او سهواً، او بسبب نوم وسواء کانت الفوائت کثیرة او قلیلة (عالمگیري مصري باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۱۳، ط.س. ج۱ ص۱۲۱). ظفیر

حتى تغيب الشمس؟

جواب: قضاء آوردن نماز هاي فوت شده را بعد از نماز هاي عصر وفجر جائز است وكدام نهي كه درحديث لا صلوة بعد الفجر حق تطلع الشمس ولاصلوة بعدالعصر حتى تغيب الشمس است محمول است بر نوافل (١) في الحديث من نام عن الصلوة او نسيها فليصلها اذا ذكرها فان ذلک وقتها فان الله تعالى قال : اَقِيْمُواْ الصَّلَاةَ لِذِكْرِيْ اوكما قال ﷺ فقط.

صاحب ترتيب قبل از نماز جمعه قضاء را بجا آورد: **سوال:** (١٩٦٠) روز جمعه يک نفر نماز فجر را قضاء نموده بود او وقتيكه بخاطر اداء نماز جمعه بمسجد جامع آمد دراين اثنا خطبه قرائت ميشد خواه آنكس صاحب ترتيب باشد يا صاحب ترتيب نباشد سپس نماز فجر را چه وقت اداء نمايد؟

جواب: براي صاحب ترتيب ضروري است كه نخست قضائي نماز فجر را اداء نمايد زيرا بغير از اداء نمودن نماز فجر نماز جمعه او صحيح نميباشد وهر كسي كه صاحب ترتيب نباشد او را خطبه سمع نمودن ضروري است واو رابكار است كه بعد از فراغت نماز جمعه نماز فجر را اداء نمايد درالدر المختار مذكور است: فلا قضاء فائتة لم يسقط الترتيب بينهما وبين الوقتية فانها لا تكره قوله لا تكره بل يجب فعلها شامي لضرورة صحة المجعة والا لا قوله والا لا اي وان سقط الترتيب لا تكره شامي (٢) فقط.

كدام طريقه مروجه قضاء عمري كه دربرخي از كتاب ها منقول است ثابت نيست:

سوال: (١٩٦١) ازكتاب انيس الارواح: ص ٢٤ مجلس ١٣ فرموده است: كه حضرت علي كرم الله وجهه از نبي اكرم ﷺ روايت نموده است هر شخصي كه آنقدر نماز ها را قضاء نموده باشد كه بيادش نباشد پس درشب دوشنبه اوپنجاه ركعت نماز را اداء كندودرهر ركعت يک دفعه سورت فاتحه ويک بارسورت اخلاص را قرائت نمايد سپس اين نماز را خداي پاک ﷻ كفاره نماز هاي گذشته ميگرداند آيا اين سخن صحيح است يانه؟

جواب: پاسخ مسأله مسئوله فوق الذكر آنست كه از فقه واحاديث چنين ثابت است كه هر قدري

---

(١) ويكره أن يتنفل بعد الفجر حتى تطلع الشمس وبعد العصر حتى تغرب لما روى أنه عليه السلام نهى عن ذلک ولا باس بأن يصلي في هذين الوقتين الفوائت ويسجد للتلاوة ويصلي على الجنازة لأن الكراهة كانت لحق الفرض ليصير الوقت كالمشغول به لا لمعنى الوقت فلم تظهر في حق الفرائض وفيما وجب بعينه الخ (هدايه فصل في الأوقات التى تكره فيها الصلوة ج١ ص٨١ – ٨٢). ظفير

(٢) ردالمحتار باب الجمعة ج١ ص٧٦٨، ط.س. ج٢ ص١٥٨. ظفير

نمازها را قضاء نماید پس قضائي سائرَ آنها بجا آوردن بکار است واگر نماز هاي قضاء بیادش نباشد که چقدر است پس درمورد آن حکم آنست که اندازه آن رامعلوم نماید که چقدر نماز ها بر ذمه من است ودرنتیجه بهمان مقدار قضائي آن را بجا آورد ([1]) وکدام روایت را که شما از کتاب انیس الارواح نقل نمودید سند واصل آن روایت معلوم نیست ونه اینکه این روایت درکدام کتاب حدیث موجود است وآن روایت اگر ثابت نیز شود پس او محمول است بر آن که هر چند نماز هاي که بیادش باشد قضائي آنها رابجا آورد وآن عده نماز هاي که بنا برلاعلمي باقي مانده باشد بخاطر برآوردن آن عمل ذکر شده را انجام نماید فقط.

دریک وقت چقدر نمازهای قضاء را که بخواهد اداء کرده میتواند: سوال: (۱۹٦۲) اگر یک نفر نماز هاي چهار ایام (روز) را قضاء نموده باشد آیا آنها را دریک وقت اداء نموده میتواند یانه؟

جواب: قضائي چهار ایام نماز هاي فوت شده را دریک روز اداء نموده میتواند فقط.

بخاطر اداء نمودن نماز های فوت شده سنن مؤکده راترک نگوید: سوال: (۱۹٦۳) یک نفر اکثر نماز ها راقضاء نموده است اکنون اگر میخواهد آن را اداء نماید پس درسنن نیت فرائض فوت شده را کرده میتواند یانه؟

جواب: نماز هاي فوت شده را علیحده بنیت قضاء اداء نماید ودرسنن مؤکده نیت اورا نکند ([2]) البته نوافل راترک مي نماید وقضائي نماز هاي فوت شده رابجا مي آورد نماز هاي فوت شده پس درآن کدام حرج نیست ([3]).

درنماز های فوت شده ترتیب وقتی نیست که اوصاحب ترتیب نباشد: سوال: (۱۹٦٤) اگر نماش هاي فوت شده را بالترتیب اداء نکند آیا جواز دارد یانه؟

جواب: براي غیر صاحب ترتیب جائز است که هر نوع غیر مرتب میخواهد آن را اداء کند ([4]).

---

(۱) وقضاء الفرض الخ فرض (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۲۸۰، ط.س. ج۲ ص٦٦) ظفیر

(۲) وسن مؤكدا اربع قبل الظهر الخ (درمختار) مؤكدا اى إستنانا مؤكدا بمعنى أنه طلب طلبا مؤكدا زيادة على بقية النوافل ولهذا كانت السنة المؤكدة قريبة من الواجب في لحوق الإثم كما في البحر ويستوجب تاركها التضليل واللوم. (ردالمحتار باب الوتر والنوافل مطلب في السنن والنوافل. ج۱ ص٦۳۰، ط.س. ج۲ ص۱۲). ظ

(۳) أما المستحب والمندوب فينبغي ان لايكره تركه اصلا (ردالمحتار باب ما يفسد الصلوة وما يكره فيها مطلب في بيان السنة والمستحب الخ ج۱ ص٦۱۱، ط.س. ج۲ ص٦٥۳). ظفیر

(٤) فلا يلزم الترتيب إذا ضاق الوقت او نسيت الفائتة او فاتت ستة إعتقادية الخ بخروج وقت السادسة (الدر المختار على هامش ردالمحتار =

نماز عشاء فوت شده اگر بیادش باشد نماز فجر نمیشود: سوال: (۵۱۹) یک نفر نماز عشاء را ترک نمود اکنون او نماز فجر را اداء نمود ونماز عشاء که بر ذمه اش بود آن را اداء نکرد در این صورت آیا نماز فجر او درست شده است یانه؟

جواب: اگر صاحب ترتیب همینطور عمل نماید پس نماز فجر او درست نخواهد شود بناء براي او بکار است که نخست نماز عشاء را بجا آورد سپس از آن نماز فجر ([1]) را اداء کند فقط البته اگر ضيق الوقت باشد وگنجایش نباشد دراین صورت تنها نماز وقتي را اداء نماید وقضاء رابتعویق اداء کند کما في الدر المختار فلا يلزم الترتيب اذا ضاق الوقت المستحب ظفير.

دروقت مغرب قضائي ظهر وعصر را چگونه بجا آورد؟ سوال: (۱۹۶۶) اگر تنها نماز عصریا نماز ظهر وعصر هردوفوت شده باشد پس دروقت مغرب این هرسه نماز ها رابکدام طریقه اداء کند حالانکه وقت نماز مغرب بیسار تنگ است وکم میباشد اگر نماز های فوت شده راپیش ومقدم مي نمایدد پس وقت مغرب ازدست میرود چگونه ترتیب جائز است ودیگر آنکه هرگاه جائز شدآن سخن که اگر درچهار یاپنج نماز هاي قضاء ترتیب نکند پس در آن وقتیکه نماز وقت را اداء مي نماید آن نفل محسوب میشود؟

جواب: وقت نماز مغرب بنزد امام ابوحنیفة تقریبا یکنیم ساعت رادر برمیگیرد بناء قضاء ظهر وعصر را اول اداء نکند سپس از آن نماز مغرب را نیز درعین وقت اداء نماید ومسأله چنین نیز است که اگر وقت نماز وقتي تنگ باشد که علاوه از نماز وقتي گنجایش نماز قضائي باقي نباشد درآن صورت ترتیب ساقط است پس درآن حالت نماز وقتیه رامقدم نماید وقضاء بتعویق اندازد ([2]).

چند نماز های فوت شده را دریک وقت اداء نمودن درست است یانه؟ سوال: (۱۹۶۷) چند نماز هاي فوت شده را دریک وقت اداء نمودن جائز است یانه؟

سوال: (۲) درنماز هاي فوت شده وتر وعشاء را دریک وقت اداء نمودن ضروري است یا آنکه

= باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۸۰، ط.س. ج۲ ص۶۶). ظفير

(۱) الترتيب بين الفروض الخمسة والوتر اداءً وقضاءً لازم الخ فلم يجز فجر من تذكر أنه لم يوتر لوجوبه عنده الخ (ايضا ج۱ ص۶۷۹، ط.س. ج۲ ص۶۵). ظفير

(۲) الترتيب بين الفروض الخمسة والوتر اداءا وقضاءا لازم فلم يجز فجر من تذكر انه لم يوتر إلا إذا ضاق الوقت المستحب إذا نسيت الفائتة الخ او فاتت ست إعقادية (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۷۹، ط.س. ج۲ ص۶۵). ظفير

در یک وقت نماز عشاء ودریک وقیت نماز وتر اداء کند؟

جواب: (۱) جائز است ([۱]) دریک وقت اداء نمودن چند نماز فوت شده درست است ظفیر.

جواب: (۲) علیحده علیحده نیز قضاء آورده میتواند ودریک وقت قضاء آوردن ضروري نیست. فقط

نمازهای فوت شده ده ۱۰ یا بیست ۲۰ سال را نه اداء نماید؟ **سوال:** (۱۹۶۸) یک نفر به پابندي پنج وقت نماز را اداء مي نمود وبعد از آن درنماز تکاسل شروع نمود که بعض اوقات نماز را اداء مي نمود وبعضي اوقات ترک مي نمود ودرنتیجه تخمینا سائر نماز هاي فوت شده اندازه ده ۱۰ سال یا به بیست ۲۰ سال رسید اکنون طرز اداء نمودن آن نماز ها چگونه خواهد شد؟

جواب: هرگاه آنکس تا به مدتي اهتمام ترک نماز را نموده بود احیانا نماز را اداء میکرد و احیانا اداء نمیکرد پس قضاء آوردن تمام نماز هاي آن زمانه را بجا آوردن بکار است وصورت اسهل وآسان آن اینست که با هر یکي نماز فرضي وقتیه همان نماز رابنیت قضاء اداء نماید اگر نمازهاي ده ۱۰ ساله را ترک نموده باشد پس تابمدت ده ۱۰ سال با هر یک نماز یک نماز راقضاء بجا آورد ([۲]).

برای نماز قضاء آذان وتکبیر است یانه؟ **سوال:** (۱۹۶۹) زید نماز هاي قضاء رادرمسجد بگفتن آذان وتکبیر آهسته بدان نیت اداء مي نماید مثلا چهار رکعت نماز فرض ظهر را اداء مي نمایم بناء دراین صورت حکم گفتن آذان وتکبیر چیست؟ وایا براي نماز وتر آذان گفتن بکار است یانه؟

جواب: آن عده نماز هاي را که درمسجد تنها قضاء مي آورد براي آنها آذان واقامت مشروع نیست ([۳]) وبنیت مذکوره قضاء آورده میشود وبراي نماز وتر نیز آذان واقامت مشروع نیست

---

(۱) لأنه علیه السلام أخرها یوم الخندق (درمختار) وذلک أن المشرکین شغلوا رسول الله صلی الله علیه وسلم عن اربع صلوات یوم الخندق حتی ذهب من اللیل ما شاء الله تعالی فامر بلالا فأذن ثم أقام فصلی الظهر ثم أقام فصلی العصر ثم أقام فصلی المغرب ثم اقام فصلی العشاء (رد المحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۷۶، ط.س. ج۲ ص۶۲). ظفیر

(۲) ولو فاتته صلوات رتبها في القضاء (إلی قوله) لأن النبی علیه السلام شغل عن اربع صلوات یوم الخندق فقضاهن مرتبا (هدایه باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۳۷). ظفیر

(۳) ویؤذن ویقیم لفائتة رافعا صوته لو بجماعة (ای في غیر المسجد) اوصحراء لا ببیته منفردا ولا فیما یقضي من الفوائت في مسجد لأن فیه تشویشا وتغلیطا ویکره قضاءها فیه لأن التاخیر معصیة فلا یظهرها (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الأذان ج۱ ص۳۶۲ – ۳۶۳، =

([1]). فقط

یک نفر نماز های ایا متعدد را قضاء نمود اگر او بجاي سنن قضاء فرض را بجامی آورد این چگونه است؟ **سوال:** (۱۹۷۰) (۱) یک نفر نماز سال هاي متعدد راقضاء نموده اکنون اگر وي بجاي سنن نماز هاي قضاء را بجا مي آورد حکم آن چیست آیا نماز قضاء افضل است یاسنن وقتیه؟

نماز هر وقتیکه قضاء باشد آن را بعینه در همان وقت اداء نمودن ضروري نیست: سوال (۱۹۷۱) (۲) نماز هروقت که قضاء شد آن را درهمان وقت اداء نماید مثلا ظهر را دروقت وعشاء را دروقت ظهر اداء نموده میتواند یانه؟

جواب: (۱) سنن مونکده وقتیه را ترک نمودن بکار است واین مطلب ظاهر است که اداء نمودن نماز هاي فوت شده مهم است لکن اگر هردو عمل ممکن باشد که فوائت را نیز اداء نماید وسنن مؤکده همچنان متروک نشود بهتر خواهد بود.

درقضاء اوردن نماز های فجر مغرب وعشاء قرائت بالجهر نموده میتواند یانه؟ سوال (۱۹۷۲) درنماز قضائي فجر مغرب وعشاء قرائت بالجهر نموده میتواند؟

جواب: اگر درهمان اوقات قضائي آنها را بجامي آورد پس جهرا قرائت نموده میتواند واگر از طرف روز قضائي آنها را بجا مي آورد در این صورت جهرا قرائت نموده نمیتواند ([2]).

اگر نماز سال های متعدد قضاء شود وموقع اداء نمودن آنها نباشد پس چه باید کرد؟

سوال: (۱۹۷۳) اگر نماز دو ۲ یا سه ۳ سال را قضاء نمود واکنون برایش موقع اداء نمودن آنها میسر نمیشود بناء راه خلاصي وبیرون رفت ان بکدام شکل خواهد باشد؟

جواب: دراین صورت اسهل آنست که با هرنماز قضائي آن نماز را بیاورد ونماز هاي هر چند سال که فوت شده باشد تابه همان مقدارسال ها با هریک نماز همان نماز را بجا آورد که از وي

= ط.س. ج۱ ص۳۹۰). ظفیر

(۱) وهو سنة مؤكدة للفرائض في وقتها ولو قضاء لا لغيرها كعيد (درمختار) اى وتر وجنازة الخ (رد المحتار باب الأذان ج۱ ص۳۵۶، ط.س. ج۱ ص۳۸٤). ظفیر

(۲) ويجهر الإمام في الفجر واولى العشائين اداءا وقضاءا الخ ويخير المنفرد في الجهرات إن أدى الخ ويخافت المنفرد حتما إن قضى الجهرية في وقت المخافة كأن صلى العشاء بعد طلوع الشمس على الأصح (الدر المختار على هامش ردالمحتار فصل في القراءة ج۱ ص٤٧٦، ط.س. ج۱ ص۵۳۲ – ۵۳۳) واضح گردید که حکم مذکور برای منفرد تحریر شده است. ظفیر

قضاء شده است بغیر از قضاء آوردن هیچ صورت راه بیرون رفت نیست. فقط

بعد از فجر وعصر نماز قضاء را اداء نموده میتواند یانه؟ سوال: (۱۹۷٤) بعد ازنماز فجر وعصر قضاء را بجا آورده میتواند یانه؟

جواب: میتواند (۱).

درآخرین جمعه رمضان رواج قضاء عمری ثابت نیست: سوال: (۱۹۷۵) درآخرین جمعه رمضان المبارک قضاء عمري کرده میشود آیا جواز دارد یانه؟

جواب: درآخرین جمعه رمضان المبارک قضاء عمري را بطریقه مخصوص اداء نمودن ثابت نیست درشامي مذکور است که بطرف امام صاحب رح این نماز را منسوب نمودن صحیح نیست واز فخر الاسلام وقاضي خان کراهیت ان را نقل نموده است فلهذا ترک نمودن ان نماز بکار است. (۲) فقط

نماز قضاء را بجماعت اداء نمودن چگونه است؟ سوال: (۱۹۷٦) نماز قضاء را بجماعت اداء نمودن چگونه است؟

جواب: مسنون است (۳) فقط والله تعالی اعلم.

کفاره نماز قضائي چیست؟ سوال: (۱۹۷۷) اگر ازصاحب ترتیب نما زقضاء شود کفاره ان چیست؟

جواب: کفاره اش همان است که این نماز را اداء کند وبراي صاحب ترتیب ترتیب ضروري است که قبل از نماز وقتیه آن را اداء نماید (٤) فقط.

قضاء نماز هاي فوت شده: سوال: (۱۹۷۸) یک نفر نماز هاي سه یا چهار سال را طوري قضاء نمود که احیانا نماز عصر را فوت مي نمود واحیانا نماز ظهر را پس اکنون طریقه اداء نمودن آن چگونه خواهد باشد؟

---

(۱) وکره نفل بعد صلوة فجر وعصر ولا یکره قضاء فائتة ولو وترا الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصلوة ج۱ ص۳٤۸، ط.س. ج۱ ص۳۸٤). ظفیر

(۲) وما نقل أن الإمام قضی صلوة عمر الخ (درمختار) والجواب اولا أنه لم یصح نقل ذلک عن الإمام الخ (رد المحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦٥۳، ط.س. ج۱ ص۳۸٤). ظفیر

(۳) جاء في حدیث لیلة التعریس وأمر بلالا فأقام الصلوة فصلی بهم الصبح فلما قضی الصلوة قال من نسی الصلوة فلیصلها إذا ذکرها. رواه مسلم (مشکوة ص٦۷). ظفیر

(٤) من فاتته صلوة قضاها إذا ذکرها وقدمها علی فرض الوقت الخ (هدایه ج۱ ص۱۳۷). ظفیر

جواب: مطابق ظن غالب قضاء آن نماز ها را بجا آورد فقط.

حکم صاحب ترتیب: سوال: (۱۹۷۹) نماز مغرب قضاء شد ونماز عشاء را اداء نمود پس اکنون بعد از اداء نمودن نماز مغرب وتر وسنت را اداء کرد یا نماز مغرب را بتعقیب اداء کرد آیا نماز عشاء اوشد یا نه؟

جواب: اگر آنکس صاحب ترتیب باشد پس نماز عشاء اش درست نشده است وبعد از اداء نمودن نماز مغرب نماز فرض عشاء را دوباره اداء کند وبعد از آن وتر وسنت را اداء نماید (۱) فقط.

کفاره نماز های قضاء: سوال: (۱۹۸۰) اگر یک نفر نماز ها را قضاء نموده باشد سپس از آن وفات شد ودرحین مقدمات موت ورثه خود را توصیه نماید که در مقابل کفاره نماز هاي قضاء شده بنده یک نسخه قرآن مجید را براي یک طالب اعطاء فرمائید آیا این جواز دارد یانه؟ وآیا سجده تلاوت کفاره دارد یانه؟

جواب: اگر متولي غني باشد واو در مورد اداء نمودن کفاره نماز وغیره وصیت فرموده باشد پس از حصه سوم مال ازکفاره نماز وغیره اش اداء گردد وبا اعطاء نمودن یک جلد قرآن مجید کفاره نماز ها وغیره نمیشود واین گفتارش لغوه میباشد (۲) وعلامه شامي فرموده است ولا رواية في سجدة التلاوة اي والصحيح آنه لايجب الخ بناء واضح گردید که سجده تلاوت کفاره ندارد. فقط

مسأله اسقاط: سوال: (۱۹۸۱) حیله اسقاط که براي میت میشود آیا شرعا ثبوت دارد یانه؟

جواب: هیچ نیست (۳) فقط

قضاء الفوائت: سوال: (۱۹۸۲) یک نفر هموار پنج یاشش نماز را قضاء نمود اکنون اگر نماز وقتیه را اداء مي نماید آیا اداء اش درست خواهد شد یانه ؟

---

(۱) ومن صلى العصر وهو ذاكر أنه لم يصل الظهر فهي فاسدة إلا إذا كان في آخر الوقت وهي مسئلة الترتيب (هدايه قضاء الفوائت ج۱ ص۱۳۹). ظفير

(۲) إذا مات الرجل وعليه صلوات فائتة فأوصى بأن يعطى كفارة صلوته يعطي لكل صلوة نصف صاع من بر وللوتر نصف صاع والصوم يوم نصف صاع من ثلث ماله (عالمكيري كشوري ج۱ ص۱۲۳، ط.س. ج۱ ص۱۲۵). ظفير

(۳) والواجب على الميت أن يوصي بما يفي بما عليه إن لم يضق الثلث عنه فإن اوصى بأقل وأمر بالدور وترك بقية الثلث للورثة او تبرع به لغيرهم فقد اثم بترك ما وجب عليه (رد المحتار باب قضاء الفوائت مطلب في بطلان الوصية بالختمات والتهاليل ج۱ ص۶۸۶، ط.س. ج۲ ص۷۳). ظفير

جواب: اگر شش نماز قضاء شده باشد پس این نماز وقتیه درست خواهد شد واگر از این کم باشد در این صورت تا وقتیکه نماز فوت شده را اداء ننماید نماز وقتیه درست نخواهد شد یعني مع فساد موقوف (۱) فقط.

صاحب ترتیب کدام شخص است؟ سوال: (۱۹۸۳) صاحب ترتیب کدام کسي را گفته میشود واو چه باید کرد؟

جواب: صاحب ترتیب کسي را میگویند که بدوش اوشش نماز فوت شده نباشد وآن عده نماز ها را که قضاء نموده باشد آنها را نیز اداء کرده باشد پس او صاحب ترتیب میباشد یعني برذمه اولازم است که اگر نماز را قضاء کند آن راقبل ازنماز وقتیه اداء نماید (۲) فقط.

قضاء فورا اداء شود: سوال: (۱۹۸٤) یک نفر چنان خوابیده باقي ماند که روز بالایش بروز نمود سپس او ازخواب بیدار شد وفورا نماز قضاء را اداء نمود وهمچنان روز دیگر نیز بالایش تکرار شد لکن درین روز نماز فجررا مع الظهر اداء نمود بناء اگر بوجه خواب درنماز تأخیر شود یا قضاء آن را فورا اداء نمودن بکار است ویا بتأخیر اداء نماید؟

جواب: وقتیکه از خواب بیدار شد اگر آن وقت مکروهه نباشد پس فورا درهمان وقت قضاء آوردن آن بکار است ودر روز دوم که درقضاء تأخیر نمود فجر رامع الظهر اداء کرد این عملش ناپسند است (۳) فقط.

قضاء عمري: سوال: (۱۹۸۵) احتیاطا قضاء عمري اداء نمودن ثابت نیست وصحیح آنست که مکروه است پس وقتیکه اصل واساس آن ثابت نباشد بناء برآن تفریعات متباقي صحیح نخواهد باشد ودرهمچو موارد بحث نمودن از کمال ونقصان بي مورد وفضول (٤) است ثبت العرش ثم نقش.

اداء نمودن قضاء عمري: سوال: (۱۹۸٦) چه میفرمایند علماء دین دراین مسأله که طریقه اداء

---

(۱) فائته صلوات رتبها في القضاء كما وجبت في الأصل (إلى قوله) إلا أن تزيد الفوائت على ستة صلوات لأن الفوائت قد كثرت فسقط الترتيب فيما بين الفوائت الخ (باب قضاء الفوائت هدايه ص۱۳۷). ظفير

(۲) ولو فائته صلوات رتبها في القضاء كما وجبت في الأصل (إلى قوله) إلا أن يزيد الفوائت على ستة صلوات لأن الفوائت قد كثرت فسقط الترتيب الخ (هدايه باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۳۷). ظفير

(۳) من فائته صلوات قضى إذا ذكرها وقدمها على فرض الوقت (هدايه باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۳۷). ظفير

(٤) في العتابية عن ابن نصر رحمه الله فيمن يقضي صلوات عمره من غير أن فاته شيء يريد الإحتياط فإن لأجل النقصان والكراهة فحسن وان لم يكن لذلک لايفعل. (عالمكيري كشوري) ج۱ ص۱۲۳، ط.س. ج۱ ص۱۲۵). ظفير

نمازهاي قضاء چگونه است؟ آيا قبل فرائض پنجگانه آنها را اداء نمايد ويا بعد از آنها؟ وآنقدر اهتمام وپابندي نمودن آن كه اگر جماعت قائم باشد اما تاوقتيكه قضاء عمري را اداء نكند در جماعت شامل نميشود اين چگونه است؟

جواب: هرقدر نمازها كه قضاء شده باشدان را هرقسميكه ميخواهد اداء نمايد زيرا كه اوصاحب ترتيب نيست خواه قبل از نماز وقتيه آن را اداء مي نمايد ويا بعد از آن ويا آنكه دريک وقت با نماز هاي پنجگانه مع الوتر روزانه اداء مي نمايد وجماعت را نگذارد بلكه قبل از جماعت اداء نمايد ويا بعد از جماعت اداء كند فقط ولايعود لزوم الترتيب بعد سقوطه بكثرتها اي الفوائت بعودالفوائت الى القلة بسبب القضاء لبعضها على المعتمد لان الساقط لايعود وكذا لايعود الترتيب بعد سقوط بباقي المسقطات السابقة من النسيان والضيق آه. درالمختار (۱).

اگر بطور شک نماز های قضاء را اداء می نماید این چه خواهد باشد؟ سوال: (۱۹۸۷) (۱) اگر نماز چاشت را يادروقت تهجد قضاء عمري اداء مي نمايد وآنكس بطور شک قضاء عمری را بجامي اورد حالانكه برذمه اش هيچ فرض يقينا نيست بناء اين نماز تهجد يا نماز چاشت ويا نفل محسوب خواهد شد؟ واگر نماز مغرب را قضاء نموده باشد پس باداء نمودن سه ركعت نفل نقصان نخواهد باشد؟

شخصی نماز قضاء فجررا اداء نمود حالانكه بذمه اش نماز قضاء نبود حكم آن چیست؟ سوال (۱۹۸۸) بعد ازنماز عشاء چهار ركعت نماز مسنون است كه دو از آن مؤكد ودو غير مؤكد است بناء اگر شخصي دو ركعت مؤكدرا اداء نمود ودو ركعت قضاء فرض فجر ودرحقيقت بذمه اش قضاء فجر نيست ايا آن چهار ركعت سنت خواهد شد اگر همانطور باشد پس بفر مائيد كه اداء نمودن آن بيک سلام ضروري نيست؟

جواب: (۱) كدام اختلاف نيست ودرنماز مغرب با احتمال مذكور كراهيت نخواهد باشد في عالمگيرية ۱ ص ۱۱۶: عن ابي نصر رح فيمن يقضيى صلوات عمر من غر ان فاته شي يريد الاحتياط فان كان لاجل النقصان والكراهية فحسن وان لم يكن لذلک لايفعل والصحيح آنه يجوز الا بعد صلٰوة العصرو الفجر وقد فعل ذلک كثير من السلف لشبهة الفساد كذا في المضمرات. جممل الرحمٰن.

---

(۱) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۸۴، ط.س. ج۲ ص۷۰. ظفير

جواب (۲) شرط یک سلام درآن نیست بلکه دو رکعت سنت مؤکده علیحده اداء نمودن بکار است وهمچنان دورکعت غیر مؤکده نیز عیلحده اداء نمودن بکار است ودرآن صورت که بذمه اش نماز قضاء نبود دور کعت نفل خواهد شد وچهار رکعت دیگر بعد العشاء خواهد شد فقط مستناد ممافي عالمگیري ج۱ ص ۱۰۵: وصلی رکعتین وهو یظن ان اللیل باق فاذا تبین ان الفجر قد طلع الی قوله: قال المتاخرون تجزیه عن رکعتي الفجر. جمیل الرحمٰن.

نماز های قضاء شده فجر ظهر وعصررا قبل از نماز مغرب اداء نماید ویا بعد از ان؟

سوال: (۱۹۸۹) (۱) اگر شخصي نماز فجر وظهر. را قضاء نمود پس قضاء ایشان را قبل از مغرب بجا اورد ویا بعد از مغرب وچگونه نیت نماید؟

قضاء عمری ثابت است یا نه وطریقهٔ اش چگونه است؟ **سوال:** (۱۹۹۰) (۲) ترکیب قضاء عمري چه نوع است آیا بحدیث ثابت است یانه؟

جواب: (۱۱) سائر نماز هاي فوق را قبل از مغرب اداء نماید واگر آنقدر گنجایش نباشد دراین صورت بعد از مغرب اداء نماید غرض اینکه قضاء سائر نماز ها را درهمان روز اداء نماید ودر هریک نماز نیت همان نماز را بکند لایجوز اداء الوقتیة قبل اداء الفوائت الخ ویسقط الترتیب بضیق الوقت الخ عالمگري: ج ۱ ص ۱۱٤. جمیل الرحمٰن.

جواب: (۲) نماز قضاء عمری قسمیکه مشهور است از حدیث ثابت نیست واقعا اگر بذمه کسي نماز هاي قضائیه باشد آن راحساب نماید سپس آن را تکمیل کند کل صلوة فاتت عن الوقت بعد وجوبها فیه یلزمه قضاوها الخ فتاوی عالمگیري: ج ۱ ص ۱۱۳ جمیل الرحمٰن.

ترک نمودن نماز واز آن ممانعت ورزیدن چگونه است؟ **سوال:** (۱۹۹۱) ترک نمودن نماز واز آن منع کردن چگونه است؟ وبدان نکاح میشکند یانه؟

جواب: ترک نمودن نماز گناه کبیره است بناء کسي را حکم نمودن ترک نماز واز آن ممانعت نمودن نیز گناه کبیره است فلهذا براي تارک صلاة ومانع صلاة هر دوتوبه کردن بکار است وهمچنان قضاء آوردن نماز ضروري است واما نکاحش نمیشکند بلکه توبه باید کرد وبر این عمل خویش ندامت نماید وآغاز بنماز خواندن کند. فقط والله اعلم. ومن الکبائر السحر وکتمان الشهادة من غیر عذر والا فطار فی رمضان من غیر عذر وقطع الرحم وترک الصلوة. معتمد جوهرة نیرة: ج ۳ ص ۲۹۵. جمیل الرحمٰن.

کفاره نماز های قضاء شده چیست؟ **سوال:** (۱۹۹۲) (۱) اگر بدبختهتانه بغیر از عذر شرعی آنقدر نمازها قضاء شده باشد که احصائیه آنها ممکن نباشد پس کفاره آنها چیست؟

کفاره نماز ها تنها صدقه است یا چیزی دیگر؟ **سوال:** (۱۹۹۳) (۲) اگر کفاره آن صدقه نیز میشود پس مردم نیاز مند ومحتاجا چه باید بکنند؟

کفاره نماز های قضاء شده شیخ فانی ومریض چیست؟ **سوال:** (۱۹۹٤) (۳) کفاره نماز هاي قضاء شده مریض یاشیخ فاني چیست؟

جواب: حامداً ومصلیا ومسلما اما بعد: جواب استفسارات فوق الذکر حسب ذیل نگاشته میشود:

جواب: (۱) نماز هاي قضاء شده را بتاخیر اداء نمودن بکار است کسي که آن عده نماز ها را بنا بر معاذیر یا بوجه غفلت قضاء نموده باشد پس هر وقتیکه بیادش شد آن را اداء باید کرد ونماز قضاء که بیادش امدان را در اداء نمودن بر فرض وقتي مقدم باید کرد وبنزد احناف (رح) میان نماز وقتي ونماز قضاء ترتیب ضروري است رسول اکرم ﷺ در روز خندق چهار نماز ها را بالترتیب اداء فرموده بودند ودیگر آنکه درحدیث شریف ارشاد است: قسمیکه شما اینجانب لا را بر نمیاز مشاهده مي نمائید همانطور شما نیز نماز را اداء کنید فلهذا بالترتیب که آنجناب ﷺ نماز هاي قضاء شده را اداء فرموده اند بهمان منوال براي مایان نیز اداء نمودن بکار است ([1]). فقط

جواب: (۲) اگر نماز فوت شده در وقتي برایش یاد شد که اگر آن را اداء نماید دراین وقت آنقدر گنجایش نیست که درآن نماز وقتي اداء شود بلکه اندیشه فوت شدن نماز وقتي محسوس میشود پس درهمچو صورت نماز وقتي را مقدم اداء نماید وبعد از ان نماز قضاء را بتأخیر اداء کند حاصل آنست که اگر دروقت وسعت وگنجایش باشد در این صورت نماز قضاء را مقدم اداء نمودن بکار است واگر گنجایش نباشد دراین صورت نماز وقتي را مقدم اداء نمودن بکار است ([2]). فقط

---

(۱) من فاته صلوة قضاها إذا ذکرها وقدمها علی فرض الوقت والأصل فیه ان الترکیب بین الفوائت وفرض الوقت مستحق ولو فاته صلوات رتبها في القضاء کما وجبت في الأصل لأن النبي صلی الله علیه وسلم شغل عن اربع صلوات یوم الخندق فقضاهن مرتبا ثم قال صلوا کما رایتموني أصلي. (هدایه باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۳۷). ظفیر

(۲) ولو خاف الوقت یقدم الوقتیة ثم یقضیها لأن الترتیب یسقط بضیق الوقت وکذا بالنسیان وکثرة الفوائت کیلا یؤدي إلی تفویة الوقتیة =

جواب: (۳) وقتیکه نمازهاي فوت شده زیاد شد در این صورت بالترتیب اداء نمودن آنها ساقط خواهد شد ودر عین نماز هاي فوت شده نیز لحاظ ترتیب باقي نمیماند وحد ازدیاد نماز ها آنست که شمار نماز هاي قضاء شده بتعداد شش برسد وهرگاه وقت نماز ششم گذشت دراین صورت گفته خواهد شد که اکنون نماز هاي فوت شده زیاد شده است بناء دراین صورتِ رعایت ترتیب باقي نخواهد ماند ([1]).

جواب: (٤) بذمه یک شخص از مدت طولاني نماز هاي فوت شده است وبحد کثرت رسیده است شخص مذکور در اداء نمودن نماز هاي فوت شده پرداخت که بسبب شامت اعمال بعضي نماز هاي دیگر را قضاء نمود پس اکنون چونکه نماز هاي فوت شده قبلي وبعدي زیاد است فلهذا دراین صورت نخست مقدم اداء نمودن نماز وقتیه جائز است بخاطر انکه بسبب کثرت نماز هاي فوت شده در نماز هاي قضائي ترتیب باقي نمانده ([2]).

جواب: (٥) اگر شخصي اغاز نماز باداء نماز هاي فوت شده نمود واکنون نماز هاي فوت شده از تعداد شش کم باقي مانده پس الان مسأله رعایت ترتیب دوباره برحال خواهد شد ([3]).

جواب: (٦) اگر نماز هاي فوت شده آنقدر زیاد شد که احصائیه آنها دشوار میباشد دراین صورت بکار است که خوب دقیق تدبر نماید ویک تخمین درست را بسازد مثلاً در عمر پانزده ۱۵ یا هزده ۱۸ سالگي بالغ شد وتا به مدت چهار پنج سال نماز ها را قضاء نمود واحیانا نماز را اداء مي نمود وبعضي اوقات ترک مي نمود واین مدت بنا بر تخمین درست آنکس مثلا چهار سال دربر میگرفت فلهذا براي آن شخص موافق زعمش اداء نمودن آنقدر نماز ها بکار است اگر دردنیا قرضدار کسي بود وتعداد مقدر مفروضه برایش یاد نباشد پس آن را همچنان بنابر تخمین اداء کند تا که بذمه اش چیزي باقي نماند وبهمین منوال تفکر وتدبر نماید که چقدر نمازها فوت شده است سپس آن را اداء فرماید وشایان آنست قدریکه ممکن باشد درآن افزایش نماید زیرا سائر آنها منافعه ونفعت است.

= (هدایه باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۲۷). ظفیر

(۱) إلا أن یزید الفوائت علی ستة صلوات لأن الفوائت قد کثرت فتسقط الترتیب فیما بین الفوائت بنفسها کما یسقط بینهما وبین الوقتیة وحد الکثرة أن تصیر الفوائت ستا بخروج وقت الصلوة السادسة (هدایه باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۳۸). ظفیر

(۲) ولو إجتمعت الفوائت القدیمة والحدیثة قیل بجوز الوقتیة مع تذکر الحدیثة لکثرة الخ (هدایه باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۳۸). ظفیر

(۳) ولو قضی بعض الفوائت حتی قل ما بقی فالترتیب عند البعض وهو الأظهر. (ایضا ج۱ ص۱۳۸). ظفیر

جواب: (۷) کفاره نمازهاي فوت شده اداء نمودن آن نماز ها است وبحق تعالی ﷻ بعجز وندامت توبه کردن است نه اعطاء نمودن صدقه بلي اگر غضب الهي بسبب صدقه دفع میگردد پس امید است که کدام غصه حق تعالی که است بسبب ترک نمودن نماز آنها باقي نخواهد ماند وبرآوردن حاجت شخص نیاز مند باعث توجه رحمت الهي خواهد شد ومتباقي اصل اداء نمودن نماز است که باعطاء نمودن صدقه آن ساقط نخواهد شد.

جواب: (۸) در مورد مریض همچنان بالتفصیل بیان نمودن مسائل مناسب معلوم میشود که در کدام صورت کفاره است ودرکدام صورت تخفیف ودر کدام صورت معافي است مریض اگر ایستاده شده نمیتواند پس در حالت نشسته نماز ودرکوع وسجده را اداء نماید (۱).

جواب: (۹) اگر قدرت رکوع وسجده را نداشته باشد دراین صورت رکوع وسجده را باشاره اداء کند یعني نشسته نماز را اداء نماید وبخاطر اداء رکوع اندک گردن را پایان نماید وبخاطر اداء سجده گردن را زیاد تر پایان نماید (۲).

جواب: (۱۰) شخصي بخاطر سجده نمودن چیزي را مثلا صندوق میز وغیره را درپیش روي خود نگذارد بلکه هر قدریکه اشاره نموده میتواند همان کافي است. لَايُكَلِّفُ اللهُ نَفْسًا الاَّ وُسْعَهَا (۳). فقط

جواب: (۱۱) اگر مریض قدرت نشستن نداشته باشد دراین صورت بپشت افتیده نماز را اداء نماید که روي وپاهایش هردو بطرف قبله باشد وبخاطر اداء رکوع وسجده بگردن اشاره کند ودر اشاره سجده گردن را اندک بیشتر فرود آورد (۴).

جواب: (۱۲) اگر چنان سخت مریض بود که نماز را باشاره اداء می نمود وقدرت رکوع وسجده را نداشت که ناگهان بقدرت خداوند متعال برایش درداخل نماز قدرت رکوع وسجده کردن عارض شد پس دراین صورت بنزد جمهور از سر نو نماز را اداء نماید (۵).

---

(۱) إذا عجز المریض عن القیام صلی قاعدا ویسجد لقوله علیه السلام لعمران بن حصین صل قائما فان لم تستطع فقاعدا فأن لم تستطع فعلی الجنب تؤمی ایماءً الخ (هدایه باب صلوة المریض ج۱ ص۱۴۴). ظفیر

(۲) ان لم تستطع الرکوع والسجود أومي ایماء الخ یعني قاعدا (ایضا). ظفیر

(۳) وجعل سجوده أخفض من رکوعه لأنه قائم مقامها فأخذ حکمها، ولا یرفع إلی وجهه سيء الخ (ایضا). ظفیر

(۴) وإن لم یستطع القعود استلقی علی ظهره وجعل رجلیه إلی القبلة واومی بالروع والسجود الخ (ایضا). ظفیر

(۵) وإن صلي بعض صلوته بایماء لم قدر علی الرکوع والسجود إستأنف عندهم جمیعا (هدایه باب صلوة المریض ج۱ ص۱۴۵) ظفیر

جواب: (۱۳) یک مریض بیهوش شد حتی که مدت پنج وقت نماز ها را یاکم از آن دربیهوشي سپري نمود لکن وقتیکه بهوش آمد او را مي باید که قضائي آن نماز هاي فوت شده را بجا آورد واگر از پنج وقت نماز زیاد ترا د ربیهوشی قرار داشت دراین صورت قضاء بالایش نیست ([1]).

جواب: (۱٤) از تفصیلات فوق الذکر این سخن بطور احسن معلوم میشود که در شریعت نماز چقدر مرتبه عالي دارد وهمچنان چقدر تاکید برآن شده است که در حالت مریضي نیز اداء نمودن آن ضروري است فلهذا براي مایان بکار نیست که بغیر از عذر شرعی نماز را ترک نمائیم وابراز تاسف است برحال آن عده مسلمانان که درحیق وظیفه محوله اش ودرتجارت زراعت ولهو لعب وقت خود را سپري می نمایند ومانند نماز که محبوب ترین چیزي است که برآن امتیاز مسلمان از غیر مسلمان میشود واز دیاد کننده شان فضیلت است ودردنیا وآخرت یک چیزي مفید وکار آمد اورا فوت وقضاء مي نماید بناء مسلمان نباید چنین شان داشته باشد که نماز را ترک نماید.

جواب: (۱۵) شیخ فاني آن کسي را گویند که توان وقدرت گرفتن روزه را بسبب ضعیفي نداشته باشد وحکم همچو انسان آنست که روزه را ترک نماید ودر عوض آن فدیه اداء نماید ([2]). فقط

جواب: (۱٦) فدیه یک یوم روزه بریک مسکین یک روز طعام خورانیدن است وبتعداد هر چند روزه را که خورده باشد درعوض آن مسکین را در وقت طعام بخوراند ومقدار آن را شریعت نصف صاع گندم ویک صاع از جو مقرر فرموده است که آنقدر غله وحبوبات را براي فقیر تادیه ([3]) نماید که یک صاع تقریبا موافق سیر انگلیسي (که هشتاد توله است) که خورد کم چارک گندم میشود باید داده شود.

جواب: (۱۷) شیخ فاني که قدرت گرفتن روزه را ندارد ونماز معاف نمیشود ایستاده نماز را اداء نماید اگر قدرت قیام را نداشته باشد دراین صورت نشسته نماز را اداء کند واگر طاقت

---

(۱) ومن أغمي علیه خمس صلوة او دونها قضی وان کان اکثر من ذلک لم یقض (ایضا). ظفیر

(۲) فالشیخ الفاني الذی لا یقدر علی الصیام یفطر ویطعم لکل یوم مسکینا کما یطعم في الکفارة والعجوز مثله (عالمکیري مصري کتاب الصوم باب خامس ج۱ ص۱۹٤، ط. ماجدیة ج۱ ص۲۰۷). ظفیر

(۳) یطعم لکل یوم مسکینا کما یطعم في الکفارة کذا في الهدایة الخ نصف صاع من بر اوصاع من تمر اوصاعا من شعر (عالمکیري مصري کتاب الصوم باب خامس ج۱ ص۱۹٤، ط. ماجدیة ج۱ ص۲۰۷). ظفیر

نشستن را نداشته باشد باشاره ([1]) نماز را اداء نماید مطابق تفصیل فوق الذكر.

جواب: (۱۸) شخص وفات شد وبذمه اش قضاء روزه فوت شده رمضان باشد ودرحين مقدمات موت ورثه خود را وصيت نموده باشد دراين صورت برورثه او لازم است كه احصائيه روزه او را معلوم نمايند ومطابق تفصيل فوق الذكر فديه آن را اداء نمايند واگر وصيت نكرده بود دراين صورت بر ورثه اداء نمودن آن لازم نيست بلي اگر از جانب خود آن را اداء كند اين احسان است واز ايزد متعال ﷻ اميد است كه آن را قبول فرمايد وصيت نمودن بنزد امام صاحب ما بخاطر آن معتبر است كه فديه نيز عبادت است وعبادت را باختيار واراده خود اداء نمودن بكار است اما وقتيكه وصيت نمود دراين صورت اداء آن لازمي است ([2]).

جواب: (۱۹) شخصي كه درحالت مرض براي ورثه خويش وصيت نمود كه بدوش بنده آنقدر نماز هاي قضاء شده باقي مانده است فديه ايشان را مشايخ كرام تسليم نموده است. ودر اين مورد نماز را مشابه روزه قبولي فرموده اند يعني آنكه حكم يک روزه را دارد: وهر مقدار فديه كه براي يک روزه است پس همان مقدار فديه براي يک نماز نيز است يعني فديه يک نماز نصف صاع گندم ويک صاع جو است ([3]).

جواب: (۲۰) ولي ووارث را از جانب ميت روزه گرفتن درست نيست ([4]).

جواب: (۲۱) درعصر موجوده اكثر مسلمانان طاقتور بسبب تكليف در روزه گرفتن ايشان خويشتن را عاجز پنداشته خود سرانه درحكم شيخ فاني خود را داخل مي نمايد كه اين سراسر وكاملا غلط است وبنا برتعيش از تكاليف شرعيه خود را يكسو نمودن واز آن خود داري نمودن با احكام شرعي سوء ادب وگستاخي است اگر همچو انسان در حبس پادشاه وقت درآيد دراين

---

(۱) سئل عن الشيخ الفاني هل تجب عليه الفدية من الصلوة كما تجب عليه عن الصوم وهو حي فقال لا (عالمگيري مصري باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۱۷، ط. ماجدية ج۱ ص۱۲۵). ظفير

(۲) وإذا مات الرجل وعليه صلوات فأوصى ان تعطي كفارة صلوته يعطى لكل صلوة نصف من بر وللوتر نصف صاع ولصوم يوم نصف صاع من ثلث ماله الخ فإن لم يوص لورثة وتبرع بعض الورثة يجوز (عالمگيري مصري باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۱۷، ط. ماجدية ج۱ ص۱۲۵). ظفير

(۳) إذا مات الرجل وعليه صلوات فائتة فأوصى بأن تعطى كفارة صلوته يعطى لكل صلاة نصف صاع من بر وللوتر نصف صاع (عالمگيري مصري باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۱۷، ط. ماجدية ج۱ ص۱۲۵). ظفير

(٤) ولو أمر الأب ابنه ان يقضي عنه صلوة وصيام ايام لايجوز عدنا كذا في التاتارخانية (عالمگيري مصري باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۱۷، ط. ماجدية ج۱ ص۱۲۵). ظفير

صورت چرا شیخ فاني باقي نمي ماند ودر آن وقت او هر چیزي را مي نماید بناء از همچو جرات نمودن براي مسلمانان خود داري نمودن بکار است.

قضاء عشاء را قبل ازنماز فجر اداء نماید: سوال: (۱۹۹۵) (۱) دراین ایام من درحالت مسافرت بمقام ناگپور بسر میبرم وباشندگان آن منطقه اکثرا نماز عشاء را قضائي اداء مي نمایند وآن را بعد ازصبح صادق وقبل از نماز فجر اداء مي فرمایند خواه امام درجماعت ایستاد باشد لکن با آنهم ایشان اولا نماز عشاء را اداء مي نمایند سپس در اداء نمودن نماز فجر مي پردازند اگر شخصي چنین تصور نمود که نماز فجر از من فوت خواهد شد دراین صورت وتررا حتما اداء مي نماید وبعد از آن نماز فجر را اداء میکند ونماز فرض عشاء را بعد از طلوع آفتاب اداء مي نماید نماز ظهر را قضاء مي نماید وان را در آخرین وقت نماز عصر با نماز عصر یکجا اداء مي نماید در حالیکه جماعت ایستاده میباشد بناء دراین صورت مسأله چگونه است؟

اگر نماز عشاء قضاء شد پس آن را تابه چه وقت اداء نموده میتواند؟ سوال: (۱۹۹۶) (۲) اگر نماز عشاء قضاء شود پس تا بکدام وقت اداء نمودن آن بکار است؟

بعد از صبح صادق: سوال: (۱۹۹۷) (۳) بعد از شروع شدن صبح صادق سجده تلاوت درست میشود یانه؟ وعلاوه از نماز فجر تا به طلوع آفتاب دیگر کدام یک نماز را اداء نموده میتواند یانه؟

قضاء نماز ظهر راقبل از عصر اداء نمودن بکار است یانه؟ سوال: (۱۹۹۸) (٤) قضاء ظهر را قبل از نماز عصر اداء نمودن بکار است یانه؟ یعني هر دونمازها اندک قبل ازنماز مغرب اداء نموده میتواند یانه؟

در جماعت مغرب اداء نمودن قضاء درست است: سوال: (۱۹۹۹) (٥) نماز جماعت مغرب شروع است ودران اثنا یک نفر نماز هاي فوت شده خود را اداء مي نماید خواه نماز ظهر باشد یا از عصر آیا این صحیح است یا غلط؟

قضاء دوسال راچه وقت اداء کند؟ سوال: (۲۰۰۰) (٦) بذمه شخصي که نماز هاي فوت شده دو ساله باشد آن شخص آین نماز ها راچه وقت وبکدام ترتیب اداء نماید؟

جواب: (۱) براي صاحب ترتیب یعني بذمه شخصي که شش یا زیاد تر از شش نماز هاي قضاء نباشد حکم آنست هر نماز یکه از او فوت شود او باید که نماز فوت شده را از نماز دیگر پیش

تر اداء کند واگر در آن اثنا نماز جما عت ایستاده باشد پس درآن جماعت شرکت نه ورزد بلکه نماز فوت شده خویش را داءکند سپس از آن نماز وقتیه را اداء فرماید مثل اگر خواب شد ویابه کدام وجه دیگر نماز عشاء از او فوت شد وصبح صادق طلوع نمود ویا جماعت فجر قائم شد پس او نخست نماز عشاء رامع الوتر اداء نماید بعد از نماز فجر را اداء کند اگر چه نماز جماعت از وي فوت میشود ([1]).

جواب: (۲) تحية الوضوء وغيره نوافل را اداء نموده نمیتواند ([2]) ونماز قضاء را بجا اورده میتواند كذا في الدر المختار ([3]).

جواب: (۳) سجده تلاوت را اداء نموده میتواند ونماز جنازه ونماز فوت شده را نیز درآن وقت اداء نمودن درست است كذا في الدر المختار: لايكره فائتة اوسجدة تلاوة وصلاة الجنازة ([4]) الخ. فقط

جواب: (٤) نماز فوت شده ظهر راقبل از نماز عصر اداء نمودن بکار است وبعد از آن اداء نمودن عصر وقتي بکار است ([5]).

جواب: (٥) براي صاحب ترتيب بکار است که او نماز هاي فوت شده ظهر یا عصر خویش را قبل از نماز مغرب اداء نماید کمامر تفصیله كذا في الدر المختار.

جواب: (٦) بذمه شخصي که نماز هاي فوت شده دوسال است براي او در اداء نمودن نماز هاي فوت شده ترتیب لازم نیست درهر وقتیکه هر چند نماز ها را اداء نموده میتواند باید که اداء کند اختیار دارد که اگربا هریکي نماز فرض وقتیه همان فرض را قضائي اداء مي نماید مثلا قبل از نماز ظهر یابعد از آن یک نماز ظهر راقضائي اداء کند واگر از آن اضافه تر گنجایش باشد پس قضاء را نیز زیاد تر اداء نماید ([6]).

---

(۱) من فاتته صلوة قضاها إذا ذكرها و قدمها على فرض الوقت الخ ومن صلى العصر وهو ذاكر أنه لم يصلي الظهر فهي فاسدة إلا إذا كان في آخر الوقت (هدايه باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۳۷ – ۱۳۹). ظفير

(۲) ويكره أن يتنفل بعد طلوع الفجر باكثر من ركعتى الفجر (هدايه كتاب الصلوة فصل فى الأوقات المكروهة ج۱ ص۸۲). ظفير

(۳) ويكره أن يتنفل بعد الفجر حتى تطلع الشمس الخ ولا باس بأن يصلي في هذين الوقتين الفوائت ويسجد للتلاوة (ايضا) ج۱ ص۸۱). ظفير

(٤) الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الصلوة ج۱ص۳۱۲، ط.س. ج۱ ص۳۷۵. ظفير

(٥) ومن صلى العصر وهو ذاكر أنه لم يصل الظهر فهي فاسدة إلا إذا كان في آخر الوقت (باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۳۹). ظفير

(٦) إلا أن يزيد الفوائت على ستة صلوات لأن الفوائت قد كثرت فتسقط الترتيب فيما بين الفوائت بنفسها كما يسقط بينهما وبين الوقتية (هدايه باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۳۸). ظفير

<u>قضاء فجر راقبل از آذان ظهر اداء نماید یا بعد از آن؟</u> سوال: (۲۰۰۱) (۱) اگر نماز فجر قضاء شد ودر وقت ظهر موقع میسر شد براي اداء نمودن آنّ بناء آیا بگفتن آذان اداء نمودن آن نماز بکار است یا بلا آذان؟

<u>براي نماز قضاء آذان گفته شود یانه؟ وبراي هر نماز علیحده آذان باشد یایکي کافي است</u>؟ سوال: (۲۰۰۲) (۲) اگر پنج وقت نماز قضاء شد پس براي کل اوقات، ضرورت به آذان دادن است یا تنها براي یک وقت؟

جواب: (۱) اگر تنها از ان شخص نماز قضاء شد پس او نماز قضائي خود را بلا اذان واقامت اداء نماید ([1]).

جواب: (۲) اگر قضاء رابجماعت اداء مي نمودند در آن صورت براي نماز اول آذان واقامت گفته شود وبخاطر نماز هاي متباقي اختیار دارد خواه آذان میگوید یا نمي گوید وهرچه اقامت براي سائر آن نماز ها گفته شود ([2]) فقط.

<u>نماز هاي قضاء شده پنجاه سال واداء نمودن آنها</u>: سوال: (۲۰۰۳) زید اکثر نمازها را از آغاز جواني تا به چهل سالگي قضاء نموده بود واکنون او بعد از توبه نمودن نماز گذار شده است آیا تدارک وتلا في نماز هاي فوت شده بتوبه وتضرع ممکن است ویا آنکه بعد از هر نماز بطور قضاء عمري نماز اداء نمودن بکار است؟ واگر تلافي ما فات زندگي او نشود پس آیا بامعصیت وجود توبه این بار عظیم بگردن او باقي خواهد ماند؟ زیرا درحدیث این الفاظ آمده است که التائب من الذنب کمن لاذنب له.

جواب: بدوش زید قضاء آوردن سائر نماز هاي گذشته لازمي است وچنانچه نماز هاي آینده بذمه اش فرض است بهمین منوال اداء نمودن نمازهاي فوت شده نیز بر اولازم میباشد ([3]) وهرطریقه اسهل واسان تر قضاء آوردن این نماز ها را که برایش معلوم میشود آن را اختیار نماید که با هریک نماز فرض همان نماز را قضائي اداء نماید یا آنکه دو دو یا چهار را دریک وقت قضائي

---

(۱) ویسن أن یؤذن ویقیم للفائتة رافعا صوته لو بجماعة او صحراء لا بیته منفردا (درمختار) لو بجماعة ای في غیر المسجد بقرینة ما یذکره قریبا من انه لایؤذن فیه للفائتة (رد المحتار باب الأذان ج۱ ص۳۹۳، ط.س ج۱ ص۳۹۰) ظفیر

(۲) ایضا. ظفیر

(۳) وقضاء الفرض والواجب والسنة فرض وواجب وسنة لف ونشر مرتب وجمیع اوقات العمر وقت للقضاء (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۸۰، ط.س ج۲ ص۶۶) ظفیر

اداء کند واگر درحین حیات تلافي مافات کرده نتوانست دراین صورت در حالت آخري برایش وصیت نمودن اعطاء فدیه لازمي است بخاطر آنکه ورثه اش بعد از وفاتش فدیه نماز هاي متباقي او را اداء کنند.

ومطلب حدیث: التائب من الذنب کمن لاذنب له ([1]) انست که بتاخیر نمودن نماز ها وبترک نمودن نماز وقتي که کدام گناه بوده آن گناه بتوبه معاف خواهد شد وثانیا این سخن واضح وروشن باید شود چنانچه توبه حقوق العباد است که آن حقوق ناگزیر باید اداء شود وحق هر کسي که بذمه اش باشد آن را برایش تادیه نماید دراین صورت توبه پذیرفته وقبول خواهد شد همچنان حقوق الله نیز است مانند نماز روزه زکوة وغیره که آنها اداء نشده است توبه.انها آنست که آنها اداء گردد فلهذا بغیر از اداء نمودن آنها اوتائب نمیشود که در حکم حدیث: التائب من الذنب کمن لا ذنب له داخل شود والله ولي التوفیق. فقط

درحالت احتلام بعداز غسل نمودن نماز را اداء نماید وبعد از اختتام وقت قضاء را اداء کند؟ **سوال:** (۲۰۰٤) اگر کسي را دروقت صبح صادق احتلام عارض شود آیا نماز فجر را قضا اداء کند ویا بعداز طلوع آفتاب وبعقب فارغ شدن غسل آن را اداء نماید ویا چگونه نماز را اداء کند؟

جواب: غسل کند ونماز فجر را اداء فرماید واگر وقت باقي نمانده باشد دراین صورت فرض فجر را بعد از ارتفاع آفتاب مع سنت اداء نماید ([2]) فقط.

بعد از بلوغ اداء نمودن نماز هاي فوت شده ضروري است: **سوال:** (۲۰۰۵) روزه ونماز قضاء عمري فرض است یانه؟ یک نفر پابندي سي سال روزه ونماز را ننموده است؟

جواب: بعد ازحد بلوغ هرچند نمازها وروزه که ا زوي فوت شده است قضائي آنها را بجا آورد ([3]). فقط

---

(۱) مشکوة باب التوبة والإستغفار ص۲۰٦. ظفیر

(۲) ولا تقضیها إلا بطریق التبعیة لقضاء فرضها قبل الزوال لا بعده في الأصح لورود الخبر بقضائها في الوقت المهمل (درمختار) قوله لورود الخبر وهو ما روی انه صلی الله علیه وسلم قضاها مع الفرض غداة لیلة الحریس بعد إرتفاع الشمس کما رواه مسلم (رد المحتار باب إدراک الفریضة ج۱ ص٦۷۲، ط.بي. ج۲ ص۵۷). ظفیر

(۳) ولقضاء الفرض الخ فرض الخ و جمیع اوقات العمر وقت للقضاء (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص٦۸۰، ط.س ج۲ ص٦٦). ظفیر

اگر احصائیه تعداد نماز های قضاء بیادش نباشد پس بنا برتخمین آن را اداء نماید:

سوال: (۲۰۰۶) یک نفر بوجه مریضي نمازهاي سه یا چهار ٤ سال قضاء نموده لکن احصائیه آنها بیادش نبود وبعد از آنکه صحت یاب شد نماز هاي قضاء را بجا آورد لکن تعداد آنها نیز بیادش نبود فلهذا اکنون قضائي چقدر نماز ها را اداء نمودن بکار است؟

جواب: درهمچو موارد تخمین آنها را نموده وبعد از آن قضائي نماز ها را بجا آورد.

قضاء را اداء نموده نتوانست که بمرض موت مبتلا شد پس اکنون چه باید کرد؟ **سوال:** (۲۰۰۷) اگر نوبت وفرصت اداء نمودن نماز قضاء میسّر نشد وبمرض موت گرفتار شد وقدرت اداء فدیه را نیز نداشته باشد بناء طریقه بري شدن از موا خذه چیست؟

جواب: اداء نمودن نماز ها فوت شده یا اعطاء نمودن فدیه نیز ممکن است موجب سقوط عذاب شود ومتباقي مبني برمشیت الله پاک ﷻ است چنانچه فرموده است وَيَغْفِرُ مَادُوْنَ ذٰلِکَ لِمَنْ يَشَاءَ فقط.

بعد از نماز فجر وقبل از طلوع آفتاب اداء نمودن قضاء درست است: **سوال:** (۲۰۰۸) اگر شخصي بعد از نماز فجر وقبل از طلوع آفتاب وهمچنان بعد از نماز عصر وقبل از غروب آفتاب قضاء را اداء مي نماید آیا جواز دارد یانه؟

جواب: جواز دارد (۱). فقط

شخصي که عصر را قضاء نمود او در وقت مغرب نخست اداء نماید یا قضاء؟ **سوال:** (۲۰۰۹) اگر شخصي نماز عصر را قضاء نمود ووقت مغرب داخل شده باشد پس آیا در جماعت شامل شود ویا آنکه نخست قضاء عصر را بجا آورد؟ **جواب:** اگر این شخص صاحب ترتیب باشد در این صورت نخست قضاء عصر را بجا آورد اگر چه جماعت مغرب او وي فوت میگردد (۲) فقط.

قضاء جماعت درست نیست: **سوال:** (۲۰۱۰) یک امام قضاء عمري را بجماعت اداء نمود آیا درمذهب امام صاحب رحمة الله علیه اي ن جائز است یانه؟

---

(۱) وکره نفل الخ بعد صلوة فجر وصلوة عصر الخ ولا یکره قضاء فائتة ولو وترا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصلوة ج۱ ص۳٤۷ – ۳٤۸، ط.س. ج۱ ص۳۷٤). ظفیر

(۲) ومن فاته صلوة قضاها إذا ذکرها وقدمها علی فرض الوقت الخ ومن صلی العصر وهو ذاکر أنه لم یصلي الظهر فهی فاسدة إلا إذا کان في آخر الوقت (هدایه باب قضاء الفوائت ج۱ ص۱۳۷ – ۱۳۹). ظفیر

جواب: شرعا چنین نمودن جائز نیست وامام صاحب رح آن را جائز نمي فرمایند (۱).

<u>نماز قضاء وروزه تنها بتوبه معاف نمیشود</u>: سوال: (۲۰۱۱) ایانماز هاي فوت شده وروزه بتوبه معاف میشود یانه؟

جواب: تنها بتوبه معاف نمیشود بلکه قضاء اوردن آنها لازم است (۲) فقط.

بعد از موت کفاره نماز

<u>کفاره نمازها بعد از موت است یا درحیات نیز است</u>؟ سوال: (۲۰۱۲) یک نفر مریض است و درمدت مریضی از او نمازها قضاء شده است وامید صحت اوکمتر محسوس میشود آیا کفاره نماز او درحیاتش تادیه شود ویا بعد از وفاطمت وکفاره نماز چیست ودرکفاره نماز اعطاء نمودن حبوبات بهتر است یا پول نقد ویا آنکه کتاب هاي دیني خریداري شود وبمدارس دیني واسلامي توزیع گردد؟

جواب: تادیه نمودن کفاره نماز بعد از وفات بکار است ودر حال حیات حکم اعطاء نمودن کفاره نیست وکفاره یک نماز بوزن انگلیسي ربع کم دوسیر گندم است ودرشب وروز شش نماز را درنظر گرفتن بکار است یعني مع الوتر (۳) بناء کفاره نماز نماز های شد وبرایش اختیار است خواه گندم میدهد یا پول نقد را لکن پول نقد بهتر است زیرا درآن سائر حوائج مسکین رفعه میگردد (٤) واگر کتاب هاي دیني را خریداري نماید ومیخواهد که آن را بدهد آنهم درست

---

(۱) بنام قضاء عمري اگر کعت هاي مخصوص بهیئت خاص اداء نمودن مراد باشد در شریعت این هیچ اصل ثبوت ندارد اگر مراد اداء نمودن مطابق تعداد نماز هاي قضائي باشد دراین صورت تعین آن ضروري است وآن را علی الاعلان نیز اداء نمودن بکار نیست فقهاء کرام دراین مورد صراحت مي نمایند: ویکره قضاءها فیه لأن التاخیر معصیة فلا یظهرها (درمختار) لأن التاخیر معصیة إنما یظهر ایضا في الدماعة لا المنفرد الخ کما قدمناه عن القهستاني علی أنه إذا کان التفویت لأمر عام لا یکره ذلک للجماعة ایضا لأن هذا التاخیر غیر معصیة هذا، ویظهر من التعلیل أن المکروه قضاءها مع الإطلاع علیها ولو في غیر المسجد (رد المحتار باب الأذان ج۱ ص۳٦۳، ط.س. ج۱ ص۳۹۱). ظفیر

(۲) قضاء الفرض الخ فرض (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص٦۸۰، ط.س. ج۲ ص٦٦). ظ

(۳) ولومات وعلیها صلوات فائتة واوصی بالکفارة یعطي لکل صلوة نصف صاع من بر کالفطرة وکذا حکم الوتر والصوم وانما یعطی من ثلث ماله الخ ولو فدی عن صلوته في مرضه لایصح بخلاف الصوم (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص٦۸٥ – ٦۸٦، ط.س. ج۲ ص۷۲). ظفیر

(٤) قوله نصف صاع من بر ای اومن دقیقه او سویقه او صاع تمر او ذبیب او شعیر او قیمته وهی افضل عندنا لإسراعها بسد حاجة الفقر (رد المحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص٦۸٦، ط.س. ج۲ ص۷۲). ظفیر

است لکن درآن صورت ضروري است که کتاب هاي مذکور بالاي طلاب توزیع نماید ودر ملکیت آنها درآورند ودرمدارس قسمیکه کتاب ها وقف میاشد بهمان طریقه جائز نیست ودرآن صورت کفاره اداء نخواهد شد.

اگر از طرف بی نماز ورثه اش فدیه اداء کند بری خواهد شد یانه؟ سوال: (۲۰۱۳) زید چهل ساله بود که وفات شد ویک وقت نماز را نیز اداء نکرده بود اکنون ورثه اش کفاره را اداء نمایند آیا زید بری الذمه خواهد شد یانه؟ وهمچنان از او سوال ترک نمودن فرائض خواهد شد یانه؟ ودر صورت بری شدنش آیا این جواز امرا ومالداران را دلیر وجرئتمند نخواهد ساخت یانه؟

جواب: بدون وصیت میت وبغیر از مال متروکه بذمه ورثه اداء نمودن کفاره واجب نیست واگر تبرعا ایشان کفاره نماز هاي او را تأدیه مي نمایند صحیح وپسندیده است وشاید که الله پاک آن را سبب در گذري گناهان او فرمایند وهر شخصي که بسن چهل سالگي وفات نمود بذمه او تقریبا فدیه بیست پنج سال لازم است زیرا درسن پانزده سالگي بالغ محسوب میشود بهر حال درحال حاضر لا اعطاء نمودن فدیه ورثه پسندیده است درآن کدام حرج نیست با آنهم درآن مورد یقیني نیست که متوفی بری الذمه خواهد شد لکن امید برائت است واداء نمودن آن فدیه بترک نمودن نماز دلیر وجرأت مند کرده نمیتواند زیرا براي تارک نماز نخست یقین حاصل نیست که ورثه اش فدیه او را اداء مي نماید یانه ودیگر آنکه در صورت عدم وصیت نمودن همچنان درصورت عدم ترک نمودن مال بتبرع وارثان واز طرف خویشتن بتأدیه نمودن فدیه بری الذمه بودن میت متیقن نیست بهر حال ترک نمودن فرض گناه بزرگ است واز آن پرسش بعمل حتما شدني است خوه فدیه را اداء نموده یا نموده ومتباقي عفوه وبخشش باختیار الله پاک است [1] وَيَغْفِرُ مَادُوْنَ ذٰلِكَ لِمَنْ يَشَاءَ. فقط

کفاره بی نمازی چه وقت ضروری میشود؟ سوال: (۲۰۱٤) زید در حال بي نمازي وسود خواري وفات شد وبعد از وفاتش بعضي علماء کفاره شش ماه او را تخمینا بر آورد نمودند برخي آن را درتصرف خود آورد وبرخي آن را بر مسکینان وفقیران توزیع فرمودند بناء بر آورد نمودن

---

(۱) ولومات وعليه صلوات فائتة واوصى بالكفارة ويعطى لكل صلوة نصف صاع من بر كالفطرة وكذا حكم الوتر والصوم وإنما يعطى من ثلث ماله (درمختار) اى يعطى عنه وليه الخ إن اوصى وإلا فلا يلزم الولى ذلک الخ أما إذا لم يوص فتطوع بها الوارث فقد قال محمد في الزيادات أنه يجزيه ان شاء الله تعالى فعلق الإجزاء بالمشية لعدم النص (ردالمحتار باب قضاء الفوائت مطلب في اسقاط الصلوة عن الميت ط.س. ج۲ ص۷۲). ظفير الدين

همچو کفاره جائز است یانه؟

جواب: اداء نمودن فدیه نماز وروزه بغیر از وصیت میت وبدون مال متروکه بر ورثه لازم نیست اگر ایشان فدیه را میدهند این تبرع است احتمال دارد که فدیه اداء گردد لکن درآن مورد حکم قطعي شده نمیتواند قال في الدر المختار: ولومات وعلیه صلوات فائتة واوصی بالکفارة یعطي لکل صلواة نصف صاع من بر کالفطرة وکذا حکم الوتر والصوم وانما یعطی من ثلث ماله الخ والشامي زاد في الامداد: ولم یوص بشي واراد الولی التبرع الخ واشار بالتبرع الی ان ذلک لیس بواجب علی الولی فقط.[1]

اگر متوفی در مورد فدیه نماز های فوت شده وصیت نماید پس ان را ازثلث مال اداء باید کرد: سوال: (۲۰۱۵) زید وفات شد اما وصیت نمود که فدیه نماز هاي فوت شده بنده را اداء نمائید چنانچه دراکثر مناطق پنجاب مردم با جنازه غله وغیره را مي برند بناء آیا این درست است یانه؟

جواب: اگر زید یک مقدار مال را نیز ترک نموده باشد ووصیت نیز نموده باشد که فدیه نماز هاي بنده را اداء نمائید دراین صورت اداء نمودن فدیه بر ورثه زید لازم است وتابه ثلث حصه سوم مال وصیت نافذ العمل است در الدر المختار مذکور است: ولو مات وعلیه صلوات فائتة واوصی بالکفارة یعطي لکل صلوة نصف صاع من بر کالفطرة وکذا حکم الوتر والصوم وانما یعطی همن ثُلث ماله[2] الخ.

وصیت در مورد روزه ونماز واداء نمودن آن: سوال: (۲۰۱۶) زوجه یک نفر بعد از سپري نمردن شش ماه مریضي وفات شد واز آن زن درآن مدت مریضي ده ۱۰ یا دواز ده ۱۲ روز نماز ها قضاء شده است وروزه یکماه رمضان المبارک نیز ودروقت مقدمات مرگ بشوهرش گفت که من آنقدر نماز ها وروزه یک ماه رمضان المبارک را قضاء نموده ام فلهذا عوض آن را اعطاء کن بناء دربدل نماز ها چه چیز تادیه شود آیا بمسکینان طعام خورانده شود یا پول نقد براي ایشان اعطاء گردد ودر عوض روزه همچنان چه چیز تادیه نمودن بکار است وآیا شوهرش از طرف او روزه گرفته میتواند؟

---

(۱) ردالمحتار باب قضاء الفوائت مطلب إسقاط الصلوة عن الميت ج۱ ص۶۸۵ – ۶۸۶، ط.س. ج۲ ص۷۲. ظ

(۲) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت مطلب في إسقاط الصلوة ج۱ ص۶۸۵ – ۶۸۶، ط. س. ج۲ ص۷۲. ظفیر

جواب: فدیه نمازها وروزه خواه نقد داده شود یا غله وغیره داده شود هردو درست است. وفدیه یک نماز بوزن انگلیسی که هشتاد ۸۰ توله میباشد خورد کم یک چارک گندم میشود یاقیمت آن داده شود وهمچنان فدیه یک روزه نیز بهمین منوال داده میشود پس احصائیه سائر نماز ها را مع الوتر بگیرد وحساب سي روزه را نیز بگیرد که یک شبانه روز شش نماز میشود پس فدیه نماز هاي سي ۳۰ روز ده ۱۰ خورد کم ده ونیم (چارک یاقیمت آن میشود وآن را بر مسکینان توزیع نماید وفدیه سي روز روزه یک من ودوازده ونیم چارک گندم یاقیمت آن شد وروزه گرفتن از طرف کسی معتبر نیست بلکه تنها فدیه دادن بکار است [1] فقط.

اگر در صورت وصیت ورثه کفاره نمازها راندهند دراین مورد چیست؟ سوال: (۲۰۱۷) زید وفات شد ورثه زید بعد از وفات او یک وصیت نامه تحریر شده زید را دریافت نمودند زید در وصیت نامه نوشته بود که نماز هاي قضاء شده چند سال وتقریبا قضاء روزه دوماه بر من واجب الاداء است که بعد از وفات بنده از مال متروکه وجائیداد من فدیه آنها اداء گردد بناء آیا بذمه ورثه زید شرعا وصیت مذکوره واجب الاداء است یانه؟ اگر واجب باشد پس فدیه یک نماز چقدر واجب است وهمچنان فدیه روزه یک روز چقدر میباشد؟ واگر ورثه زید با وجود جائیداد متروکه فدیه اورا اداء نکند آیا عند الله ایشان گنهکار خواهد باشند یانه؟ وهمچنان زید از مواخذه بری الذمه خواهد باشد یانه؟

اگر احصائیه نماز هاي فوت شده روشن نباشد دراین صورت بنا بر تخمین نمودن فدیه را اداء نماید: سوال: (۲۰۱۸) زید متوفی مذکور در مورد نماز هاي فوت شده خویش در وصیت نامه نگاشته است که نماز هاي فوت شده شش ساله بر ذمه من واجب است که درآن جمله نماز هاي قضاء شد ه سه ۳ سال ونه ۹ ماه را بجا آورده ام واز ۱ ذیقعده ه سنه ۱۳۳۴ روزانه متواتر قضائي یک روز راشروع نموده ام وعلاوه از آن تحریر دیگر کدام تحریري یافته نمیشود که تا بکدام اندازه قضاء را بجا آورده است ممکن است که متباقي سائر نماز ها را اداء نموده باشد واحتمال دیگر نیز است که علاوه از یک نماز قضائي نماز دیگر را بجانه آورده باشد دراین صورت شرعا از ترکه متوفی فدیه اداء شود یانه؟ اگر دراین صورت فدیه وغیره واجب

(۱) ولومات وعلیه صلوات فائتة واوصى بالكفارة يعطى لكل صلوة نصف صاع من بر كالفطرة وكذا حكم الوتر والصوم وإنما يعطى من ثلث ماله الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۸۵، ط.س. ج۲ ص۷۲. ظفير

نباشد ویک مقدار رقم در فدیه اداء کرده شده باشد آیا ثواب آن خوا هد رسید؟ وبخاطر معصیات متباقي کفاره خواهد باشد یانه؟

علماوه ازگندم دیگر غله جات یاقیمت آن در فدیه اداء نمودن نیز درست است: **سوال**:

(۲۰۱۹) اگر در فدیه گندم نداد بلکه قیمت یا غله وحبوبات را براي مستحقین تادیه نمود آیا این فدیه اداء خواهد شد یانه؟ وعلاوه ازگندم از متباقي غله جات چه مقدار اداء کرده شود وزیاد تر مستحق فدیه چه نوع مردم اند اگر رقم ومبلغ فدیه بمدارس ا سلامي براي طالب ان گسیل شود پس متباقي اخراجات وپول فیس در فدیه محسوب خواهد شد یانه؟

جواب: (۱) بذمه هر کسي که روزه ونماز واجب الاداء باشد واو غني وثروتمند باشد دراین صورت براي او در حین مقدمات موت وصیت نودن واجب است ودر صورت وصیت نمودن و گذاشتن مال بذمه ورثه میت نافذ نمودن ان وصیت از حصه سوم وثلث مال میت واجب است درشامي مذکور است: یعطي عنه ولیه اي من له ولایة التصرف في ماله بوصایة اووائة فیلزم ذلک من الثلث ان اوصی والا فلا یلزم الوصي [1] ذلک وفدیه یک نماز بمقدار صدقه فطر است یعني نصف ساع ازگندم یا یک صاع از جو ویاقیمت آن وبهمین مقدار از یک روزه نیز میباشد لکن در نماز حساب شش نماز شبانه روز را در نظر داشتن بکار است زیرا وتر واجب در حکم فرض است ودر صورت وصیت نمودن میت وگذاشتن مال اگر وصیت او را ازثلث مالی حصه سوم مال تکمیل ونافذ نکنند ایشان همه گنهکار میباشند ومیت همچنان از مواخذه اخروی بری الذمه نخواهد شد تا که الله پاک بفضل خود او را معاف ننماید [2].

جواب: (۲) بنا بر احتمال قوي هر مقدار نماز ها وروزه که بذمه میت باشد بهمان مقدرا فدیه از ثلث مال متروکه اداء نموده شود ودر آن تحریر ذکر وصیت نیست که بر آن حکم وجوب فدیه کرده شود واز آن توضیحات اندازه نماز ها معلوم خواهد شد که او چقدر قضائي نماز ها را بجا آورده است وچقدر بذمه اش باقي مانده است یعني از تاریخ وفاتش حساب شده میتواند لکن احتیاط در آن است که ازکدام تاریخ که نماز هاي قضاء را شروع نموده است از همان تاریخ

---

(۱) ردالمحتار باب قضاء الفوائت مطلب إسقاط الصلوة عن المیت ج۱ ص۶۸۵ – ۶۸۶، ط.س. ج۲ ص۷۲. ظ

(۲) ولومات وعلیه صلوات فائتة واوصی بالکفارة یعطی لکل صلوة نصف صاع من بر کالفطرة وکذا حکم الوتر والصوم وإنما یعطی من ثلث ماله (درمختار) ای یعطی عنه ولیه ای من له ولایة التصرف في ماله بوصایة او وراثة فیلزمه ذلک من الثلث إن اوصی (رد المحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۸۵، ط. س. ج۲ ص۷۲). ظفیر

حساب نماز ها گرفته شود تا به وقت وفاتش اولا فدیه روزه ونماز وصیت شده ادا شود واگر در فدیه زیادت وافزایش شود ثواب نیز بمیت میرسد وباعث کفاره گناهانش خواهد شد قال الله تعالی: ان اِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ.

جواب: (۳) درفدیه طعام خوراندن غله وغیره آن چیز هاي که غیر منصوص علیه است مانند جواري وغیره از آنها آنقدر اداء نمودن بکار است که قیمت آن معادل نصف صاع گندم ومساوي قیمت یک صاع جو یکسان باشد وبوزن انگلیسي وزن صاع سه سیر وشش چتاکي میباشد که نصف چیتاکي کم پاوکم دو سیر شد [۱] ومصرف اش همان است قسمیکه مصرف زکاة وصدقه فطر است [۲] وزیاد تر مستحق اش آن عده مردم است که زیاد نیاز مند ومحتاج باشند مانند قرضدار وغیره وبمدارس براي طالبان ارسال شود آن هم مصرف پسندیده است لکن پول مصارف فیس در آن حساب نمیشود فقط.

رقم کفاره را در مسجد یا چاه مصرف نمودن درست نیست کفاره نماز در حال حیات نیست:

سوال: (۲۰۲۰) یک دختر شدید مریض است ورثه دختر بدان فکر اند که کفاره نماز اش را در حال حیاتش داداه شود زیرا صحت مند شدن او ناممکن است ویا قیمت آن را درمکه بدهد ویا لباس وغیره را براي مساکین بسازند یا اگر کسي بحج میرود برایش بطور امانت بدهد که در آنجا آن را براي فقراء بدهد یا آن را دریک مسجد ویا چاه مسجد مصرف نماید؟

جواب: فدیه وکفاره نمازها وروزه مریض بعد از وفات داده میشود زیرا در حال حیات حتی المقدور حکم اداء نمودن نماز است اگر چه بالاشاره وغیره اداء شود حاصل آنکه کفاره نماز وروزه را بعد از وفات دادن بکار است بشرطیکه میّت وصیت نماید بناء بعد از وفات هرچند نماز ها وروزه که بذمه اش باشد کفاره طوري اداء کند که در عوض هر نماز پاوکم دوسیر گندم بوزن انگلیسي یا قیمت آن را براي مسکینان بدهد وهمچنان کفاره یک روزه نیز بهمین مقدار اداء گردد بناء این قیمت را خواه بمساکین ویتیمان وبیوه گان توزیع مي نماید ویا بطالبان مدارس

---

(۱) يعطى لكل صلوة نصف صاع من بر كالفطرة وكذا حكم الوتر والصوم (درمختار) قوله نصف صاع من بر الخ اى او من دقيقه او سويقه او صاع تمر او زبيب او شعير او قيمته وهى الفضل عندنا لإسراعها بسد حاجة الفقير (رد المحتار باب قضاء الفوائت المطلب في اسقاط الصلوة عن الميت ج۱ ص۶۸۵، ط. س. ج۲ ص۷۲). ظفير

(۲) اى مصرف الزكوة والعشر (درمختار) وهو مصرف ايضا لصدقة الفطر والكفارة والنذر وغير ذلک من الصدقات الواجبة كما في القهستاني (ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص۷۹، ط.س. ج۲ ص۳۳۹). ظفير

[1] توزیع مي نماید ویا بپول مذکور ملبوسات خریداری مي نماید وبفقیران تقسیم مي کند فلهذا سائر مراجع فوق الذکر جائز است وآن هم درست است که براي یک شخصی که رونده حج باشد برایش داده شود که بمساکین مدینه منوره یا بمسکینان مکه مکرمه تقسیم نماید لکن بهتر آنست که براي مسکینان همشهریان خویش آن را اعطاء نماید درمسجد یا چاه مصرف نمودن آن درست نیست. فقط

حیثیت شرعی حیله اسقاط چیست؟ سوال: (۲۰۲۱) (۱) سه نوع حیله اسقاط را که درکتاب هاي معتبر فقه مرقوم نموده اند که سائر نماز فرائض واجبات وغیره قضاء شده راحساب نماید ودر فدیه آنها که کدام مقدار گندم مقرر شد سپس از آن یکمقدار گندم را بیاورد ویا قیمت گندم مقرره را مقرر نماید وبعد از آن یک چیزي ذي قیمت را وارث براي فقیر بدهد وبعد از آن فقیر براي وارث مسترد کند سپس از آن وارث بفقیر تادیه نماید وبهمین طرح تکرار نماید تا که قیمت فدیه گندم مقرره کامل شود دراین صورت اداء خواهد شد یانه؟

قرآن مجید درفدیه اعطاء نمودن چگونه است؟ سوال: (۲۰۲۲) (۲) وارث میت قیمت قرآن مجید را دراین فدیه معادل کدام مقرره تهیه نماید وبر یک ملا یا فقیر آن را بفروشد وقیمت آن را بالای او دین نماید واین دین را درعوض این فدیه مقرره میت براي مشتري ببخشد؟

قیمت قرآن: سوال: (۲۰۲۳) (۳) وارث میت قیمت قرآن مجید را در فدیه میت طبق گندم مقرره تهیه نماید وبراي یک ملایا فقیر قرآن مجید را یکبار در عوض فدیه میت برایش ببخشد بناءًآیا این صورت هاي سه گانه درست است یانه؟

جواب: (۱- ۲- ۳) در این مورد که فقهاء کرام کدام حیله را تدوین نموده اند آن را درصورت ناداری والافلاس محض بطریقه تبرع فقهاء کرام نگاشته بودند که اگر در حین ضرورت همچو کرده شود پس امید است فرائضي که بذمه میت است اداء شود لکن درآن حیله ها که دیگر کدام مفاسد نهفته است که ورثه با وجود داشتن استطاعت نمیخواهند که فدیه را کاملا اداء

---

(۱) ولومات وعليه صلوات فائتة وأوصى يعطى لكل صلوة نصف صاع من بر كالفطرة وكذا حكم الوتر والصوم وإنما يعطى من ثلث ماله (درمختار) قوله عليه صلوات فائتة اى بأن كان يقدر على ادائها ولو بالإيماء فيلزمه الإيصاء وإلا فلا يلزمه وإن قلت (ردالمحتار) باب قضاء الفوائت مطلب في إسقاط الصلوة عن الميت ج۱ ص۶۸۵ – ۶۸۶، ط.س. ج۲ ص۷۲). ظفير

نمایند بلکه حیله جویی مي نمایند وعلاوه از آن مفاسد باقي مفاسد شرعیه نیز در آن حیله ها نهفته وموجود است که بسبب آن از همچو حیله ها ممانعت کرده میشود [۱] فقط.

بعد از ایصاء نمودن فدیه نماز ها از حصه سوم ترکه ضروري است: سوال: (۲۰۲٤) والده مرحومه بنده بوقت وفات برایم فرموده بود که فدیه نماز های مرا از زیورات من اداء نمائید آیا از آن فدیه خاص مراد است یاهر قدر یکه ممکن باشد اگر فدیه مراد باشد درآن تعین مقدار آن دشوار است زیرا کدام نماز هاي که اداء نشده است احصائیه وشمار آن هیچ بدسترس نیست یا این وصیت پنداشته شود ویک ثلث آن داده شود ومصرف آن چگونه است آیا در فروش مسجد وسایبان وغیره آن را مصرف نموده میتواند یانه؟

جواب: اگر متوفیه مرحومه چیزي مال گذاشته باشد پس مطابق وصیت او فدیه نماز هاي فوت شده را از ثلث ترکه اداء نمودن ضروري است واندازه فوائت وبتحقیق هر چند نماز هاي فوت شده تخمینا معلوم شود فدیه آن را بدهد ودر فدیه یک نماز خورد کم یک چاریک گندم ویا قیمت آن را بدهد ومرجع مصارف ان فقراء اند مانند زکاة وصدقات واجبه [۲] ودر اعمار مسجد ودیگر ضروریات آن وغیره که تملیک فقیر نباشد اعطاء نمودن فدیه مذکور درست نیست [۳] فقط.

فدیه روزه مرض الوفات نیست بلکه تنها از نماز ها است: سوال: (۲۰۲۵) یک زن وفات شد نماز وروزه سه سال را قضاء نموده بود که در مورد نماز هاي قضأ شده او قبلا شوهر خود را مطلع نموده بود که در بدل فدیهٔ نماز وروزهٔ من غله اعطاء کن مرحومه چیزي از زیورات وغیره نیز نداشت که آن را ترکه نموده باشد وهر چند زیورات که همراهش بود شوهرش درآن

---

(۱) ولو لم یترک مالا یستقرض وارثه نصف صاع مثلا ویدفعه لفقیر ثم یدفعه الفقیر للوارث ثم وثم حتی یتم (درمختار) لم یترک مالا أی اصلا او کان ما اوصی به لا یفي، زاد في الامداد او لم یوص بشيء واراد الولي التبرع الخ واشار بالتبرع أن ذلک لیس بواجب علی الولي ونص علیه في تبیین المحارم فقال لایجب علی الولي فعلی الدوران اوصی به المیت لأنها وصیة بالتبرع والواجب علی المیت ان یوصي بما یفي بما علیه إن لم یضیق الثلث عنه فإن اوصی بأقل و امر بالدور وترک بقیة الثلث للورثة او تبرع به لغیرهم فقد اثم بترک ما وجب علیه الخ (رد المحتار باب قضاء الفوائت مطلب في إسقاط الصلوة عن المیت ج۱ ص۶۸۶ – ۶۸۷، ط.س. ج۲ ص۷۳). ظفیر

(۲) ولو مات وعلیه صلوات فائتة واوصی بالکفارة یعطی لکل صلوة نصف صاع من بر کالفطرة وکذا حکم الوتر والصوم وإنما یعطی من ثلث ماله الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۸۵، ط.س. ج۲ ص۷۲). ظفیر

(۳) لا یصرف إلی بناء نحو مسجد و لا إلی کفن میت (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المصرف ج۲ ص۸۵، ط.س. ج۲ ص۳٤٤). ظفیر

مورد ابراز نظر میکند که من آن را در مدت مریضي اش بخاطر تداوي او مصرف نموده ام فلهذا فدیهٔ روزه ونماز هاي او را تأدیه نکرد آیا والدین مرحومه مستحق اداء نمودن فدیه هستند یا شوهرش ذمه وار است؟

جواب: در این صورت که از متوفیه کدام روزه در مدت مریضی فوت شده است واو درهمان مریضي وفات یافته است ودر میان از صحت یاب نشده است بناء قضائي آن روزه ها بدوش او لازمي نشد وتاگزیر فدیه آن نیز ساقط گردید واما قضاء نماز ها بلا شک بر او لازم شده است. و درصورت اداء شدن فدیه لازم شده است لکن متوفیه وقتیکه چیزي ترکه را نگذاشته است فلهذا اداء نمودن فدیه نماز ها بذمهٔ ورثه لازم نیست البته اگر والدین مرحومه وغیر هما تبرعا فدیه او را بدهد پس این پسندیده است وامید است که قبول شود [1] فقط.

<u>بلا وصیت فدیه بذمهٔ هیچ یک از ورثه لازم نیست</u>: سوال: (۲۰۲٦) خانمي که وفات شده است شوهر پسر ووالدین اش موجود است بناء در آن جمله کدام کس در تأدیه نمودن فدیه از مال وي افضل است بخاطر آنکه براي شوهرش جریان حال قضاء شدن روزه ونماز معلوم است؟

جواب: هر کسي که آن را اداء نماید پسندیده است وبلا وصیت متوفیه بذمهٔ هیچ کس واجب نیست [2] فقط.

الباب الحادي عشر في سجود السهو

مسائل سجده سهوه

<u>بتکرار قرائت سجده سهوه لازم نمیگردد</u>: سوال: (۲۰۲۷) امام در رکعت اول نماز جمعه سورت الدهر راشروع نمود وقتیکه نصف سورت را قرائت نمود ودرآن اثنا از پیش رفتن حصر شد امام براي دفعه دوم وسوم از سر نو اعاده قرائت را کرد که درنتیجه تکمیل شد بناء در همچو صورت نماز جمعه بغیر از سجده سهوه درست است یانه؟

---

(۱) ولو لم یترک مالا یستقرض وارثه نصف صاع مثلا ویدفعه لفقیر ثم یدفعه الفقیر للوارث ثم وثم حتی یتم (درمختار) قوله لو لم یترک مالا الخ ای اصلا او ما اوصی به لا یفي، زاد في الإمداد اولم یوص بشيء و اراد ولی التبرع الخ واشار بالتبرع إلی أن ذلک لیس بواجب علی الولي، ونص علیه في تبیین المحارم لا یجب علی الولی فعل الدور الخ (ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص٦٨٦، ط. س. ج۲ ص۷۳). ظفیر الدین

(۲) ایضا. ظفیر غفر له

جواب: دراین صورت مسئله نماز درست شده است وسجده سهوه لازم نمیشود [(۱)] كذا في كتب الفقه.

درسنت ظهر اگر قعده اولي را فراموش نمايد وسجده سهوه کرد آيا نماز خواهد شد:

سوال: (۲۰۲۸) اگر در چهار رکعت سنت ظهر قعده اولي را فراموش نمود ايا باداء نمودن سجده سهوه نماز درست خواهد شد يانه؟ واگر بر دو رکعت سنت مؤکده درود شریف را قرائت نمود آیا سجده سهوه اداء نمودن بکار است یانه؟

جواب: با اداء نمودن سجده سهوه نماز درست شده است [(۲)] وبقرائت نمودن درود شريف در قعده وسطاني سجده سهوه لازم ميشود [(۳)] فقط

بفراموشي يک سورت را شروع نمود سپس سورت ديگر را قرائت نمود از آن سجده سهوه لازم نميشود: **سوال:** (۲۰۲۹) امام درآخرين دو رکعت تراويح در رکعت اول بعد از سورت فاتحه وبعد از قرائت نمودن (قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَعُوْذُ) فورا در (تَبَّتْ يَدَا) تراويح نمود که يک مقتدي بطور رهنمائي وآموزش (قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) کامل سورت را قرائت فرمود ودر رکعت دوم نيز آن را تکميل نمود اما سجده سهوه نکرد فلهذا ايا دران صورت نماز صحيح خواهد شد ويا انکه اين نماز را ثانيا اعاده نمايد وآيا سجده سهوه ضروري است يانه؟

جواب: در اين صورت نماز درست است وسجده سهوه واجب نميشود. كذا في الدر المختار [(۴)] فقط.

بتأخير واجب سجده سهوه: **سوال:** (۲۰۳۰) در تأخير واجب وسجده سهوه آن اختلاف است شرعا حکم چيست؟

---

(۱) ويكره أن يفتح من ساعته كما يكره للإمام أن يلجئه إليه بل ينتقل إلى آية اخرى لا يلزم من وصلها ما يفسد الصلوة او إلى سورة اخرى او يركع إذا قرأ قدر الفرض كما جزم به الزيلعي وغيره وفي رواية قدر المستحب كما رجحه الكمال الخ (ردالمحتار باب ما يفسد الصلوة ج۱ ص۱۸۲، ط.س. ج۱ ص۶۲۲). ظفير

(۲) ولو ترک القعود الأول في النفل سهوا سجد ولم تفسد استحسانا لأنه كما شرع ركعتين شرع اربعا ايضا (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۱، ط.س. ج۲ ص۸۸). ظفير

(۳) ولا يزيد في الفرض على التشهد والقعدة الأولى إجماعا ان زاد عامدا كره فتجب الإعادة او ساهيا وجب عليه سجود السهو (درمختار) قوله لا يزيد في الفرض اى وما الحق به كالوتر والسنن الرواتب (رد المحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص۴۷۶، ط.س. ج۱ ص۵۱۰). ظفير

(۴) وفي القنية قرأ في الأول الكافرون وفي الثانية الم تر وتبت لم ذكر يتم وقيل يقطع ويبدأ (درمختار) أفاد أن التنكيس او الفصل بالقصيرة إنما يكره إذا كان عن قصد فلو سهوا فلا كما في شرح المنية و إذا إنتفت الكراهة لإعراضه عن التي شرع فيها لا ينبغي (رد المحتارفصل في القراءة ج۱ ص۵۱۰، ط.س. ج۱ ص۵۴۷). ظفير

جواب: اصلا سجده سهوه بترک واجب لازم میگردد لکن چونکه درتأخیر واجب نیز ترک واجب لازم میشود پس ناگزیر بتأخیر واجب نیز سجده سهوه لازم میگردد [1] فقط.

در رکعت های آخری بضم سورت سجده سهوه لاز نمیگردد: سوال: (۲۰۳۱) در دو رکعت آخري فرائض اگر کسي ضم سورت نماید پس بنابر تأخیر سجده سهوه واجب خواهد شد یانه؟

جواب: درآخرین دورکعت بضم نمودن سورت سجده سهوه لازم نمیگردد [2] درالدر المختار مذکور است: ولو زاد لاباس به الخ وفی الشامي فکان الضم خلاف الاولی [3] فقط.

اگر در رکعت اول تنها یک سجده نموده ومتصل ایستاده شد بناء چه باید کرد؟ سوال: (۲۰۳۲) در رکعت اول اگر کسي یک سجده را اداء نموده ایستاده شد پس چه باید کرد؟ واپس رجوع نموده سجده دیگر را اداء کند ویا آنکه در رکعت دوم سه سجدات را اداء نماید وآیا سجده سهوه را نیز اداء کند یانه؟

جواب: هر وقتیکه بیادش آمد که من یک سجده را اداء نمودم پس در همان وقت سجده دوم را نیز اداء کند ودرآخر سجده سهوه بکند [4] فقط.

بنابر شبهه شکستاندن نماز: سوال: (۲۰۳۳) (۱) زید بعد از قیام طویل سلام گشتاند واز سرنو نماز را شروع نمود آیا این فعل زید جائز است یانه؟ ومرتکب کدام نوع گناه نشده است؟

اگر درهر رکعت واجب ترک شود درآخر سجده سهوه لازم میشود: سوال: (۲۰۳٤) (۲) آیا این ضروري است که درنماز چهار رکعتي درهر رکعت در صورت پیدا شدن شبهۀ ترک واجب درآخرین رکعت ها سجده سهوه بکند و یا آنکه هر گاه شبهه عارض شود نماز را ترک

---

(۱) و لا یجب السجود إلا بترک واجب او تاخیر رکن الخ وفي الحقیقة وجوبه بشيء واحد وهو ترک الواجب کذا في الکافي (عالمکیري مصري باب سجود السهو ج۱ ص۱۱۸). ظفیر

(۲) وضم اقصر سورة الخ في الأولیین من الفرض وهل یکره في الأخریین المختار لا. (درمختار) أی لایکره تحریما بل تنزیها لانه خلاف السنة قال في المنیة وشرحها بان ضم السورة أی الفاتحة ساهیا یجب علیه سجدة السهو في قول ابي یوسف لتاخیر الرکوع من محله وفي ظاهر الروایة لایجب الخ لأن القراءة فیهما مشروعة من غیر تقدیر والإقتصار علی الفاتحة مسنون لا واجب اه الخ فلا ینافي کونه خلاف الأولی کما أفاد في الحلیة (رد المحتار باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة ج۱ ص٤۲۷، ط.س. ج۱ ص٤۹٥). ظفیر

(۳) ایضا. ظفیر

(٤) ولا یجب السهو إلا بترک واجب و تأخیره او تأخیر رکن او تقدیمه اه (عالمکیري مصري باب سجود السهو ج۱ ص۱۱۸، ط. ماجدیة ج۱ ص۱۲٦). ظفیر

نماید واز سرنو نماز اداء کند؟

جواب: (۱) هیچ گناهي انجام شده است [۱] فقط.

جواب: (۲) شک وشبهه اعتبار ندارد: لان الیقین لایزول بالشک لکن اگر بنابر ظن غالب وگمان راجح درچهار رکعت دریکي از آنها ترک یک واجب معلوم شود پس درآخر نماز سجده سهوه اداء نمودن لازمي است [۲] فقط.

در قعده آخیر بدو دفعه خواندن التحیات سجده سهوه لازم نمیشود: سوال: (۲۰۳۵) در قعده أخیر بدو مرتبه قرائت نمودن تشهد سجده سهوه واجب میشود یانه؟

جواب: در این صورت سجده سهوه لازم نیست [۳] فقط.

بتکرار نمودن آیات سجده سهوه لازم نمیگردد: سوال: (۲۰۳۶) (۱) اگر شخصي در نماز مکررا قرائت نمود مثلا شخصي سورة النصر را شروع نمود وبر (اَفْوَاجًا) توقف نمود سپس از آن دوباره (اَفْوَا جًا) را از (فَسَبِّحْ) اختتام نمود آیا سجده سهوه لازم است یانه؟

بعد از قرائت بقدر واجب در قرائت غلطي مفسد صلاة است یانه؟ سوال: (۲۰۳۷) (۲) اگر درضم سورت بر آیت مثلا بر (اَفْوَاجًا) غلط حصر شود آیا سجده سهوه لازم میشود یانه؟

جواب: (۱) دراین صورت سجده سهوه لازم نمیگردد [۴].

جواب: (۲) از این سجده سهوه لازم نمیشود لکن اگر غلطي مفسد صلاة باشد دراین صورت اعاده نماز لا زمي است واگر چنان غلطي باشد که در آن حکم فساد نماز نباشد سپس درآن صورت نه سجده سهوه لازم میشود ونه نماز فاسد میگردد فقط.

اگر مسبوق مع الامام سلام گشتاند نمازش فاسد نمیشود، تنها سجدهٔ سهوه کافی است:

سوال: (۲۰۳۸) مسبوق اگرسهوا مع الامام سلام بگرداند وبخاطر دعا دست خود را بلند نماید

---

(۱) وإذا شک في صلاته من لم يكن ذلک أی الشک عادة له الخ كم صلى إستانف بعمل مناف وبالسلام قاعدا اولى لأنه المحلل وان كثر شكه عمل بغالب ظنه (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۵، ط.س. ج۲ ص۹۲). ظفير

(۲) يجب الخ بترک واجب مما هو في صفة الصلوة سهوا (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۳، ط.س. ج۲ ص۸۰). ظفير

(۳) ولو كرر التشهد في القعدة الأولٰى فعليه السهو الخ ولو كرره في القعدة الثانية فلا سهو عليه كذا في التبيين (عالمكيري مصري باب سجود السهو الباب الثاني عشر ج۱ ص۱۱۹، ط. ماجدية ج۱ ص۱۲۷). ظفير

(۴) ويجب له تشهد وسلام الخ بترک واجب عما مرّ (درمختار) بترک واجب ای من واجبات الصلوة الأصلية لا كل واجب الخ (ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۳، ط.س. ج۲ ص۷۸). ظفير

آیا نمازش فاسد خواهد شد یانه؟

جواب: در باب سجود السهو شامي مذكور است: قوله والمسبوق يسجد مع إمامه قيد بالسجود لأنه لا يتابعه في السلام بل يسجد معه ويتشهد اذا سلم الإمام قام الى القضاء فان كان عامدا فسدت وإلا لا ولا سجود عليه إن سلم سهوا قبل الإمام او معه وإن سلم بعده لزمه لكونه منفردا حينئذ، بحر. واراد بالمعية المقارنة وهو نادر الوقوع كما في شرح المنية [۱] از این عبارت معلوم وروشن شد که معیت حقیقتا نادر الوقوع است. فلهذا سلام مسبوق حتما اندک بتاخیر از امام میباشد، بناء اگر این سهوا باشد پس سجدهٔ سهوه بر مسبوق درآخر نماز لازم است ونمازش درست خواهد شد. فقط

وقتیکه این سخن را معلوم نباشد که سجدهٔ سهوه واجب است یا نه بناء نمازگذار چه باید بکند؟ **سوال:** (۲۰۳۹) بعضي اوقات با سهوه شدن در نماز معلوم نمیباشد که سجده سهوه واجب شده یا نه؟ بناءا درهمچو صورت سجدهٔ سهوه اداء نمودن بکار است یانه؟

جواب: وقتیکه چنین علما نباشد براین سجده سهوه لازم میشود یا نه؟ دراین صورت سجدهٔ سهوه کردن احوط است [۲]. فقط

سجده سهوه بأداء نمودن دو رکوع در یک رکعت: **سوال:** (۲۰۴۰) اگر در یک رکعت دورکوع اداء شود وسجدهٔ سهوه را نیز نکند آیا نماز درست خواهد شد یا نه؟ مثلا درنماز عید الضحی امام صاحب نیت نمودن دوازده تکبیر رافرموده است ودر رکعت دوم در میان دو رکوع بقیه سه تکبیرات را اداء نمود وسجده سهوه را ننمود وقتیکه براي امام گفته شد که نماز درست نشده است ودرآن اثنا امام اگر چه غلطي خود را تسليم نمود اما با آنهم نماز را اعاده نکرد بناءا آیا امام موصوف قابل امامت است که مردم او را امام بگرداند یا نه؟

جواب: در نمازهاي عیدین موافق مذهب امام صاحب (رح) درهر یک رکعت سه، سه تکبیرات زائد [۳] است، دوازده تکبیرات نیست وبترک واجب وتأخیر واجب سجدهٔ سهوه واجب میگردد، وبدو دفعه رکوع نمودن نیز سجده سهوه واجب میشود اگر سجده سهوه را اداء نکرد پس نمازش واجب الاعاده است لکن در نمازهای عیدین بسبب ازدحام کثیر بترک سجده سهوه نماز صحیح

---

(۱) رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۵ – ۶۹۶، ط.س. ط.س. ج۲ ص۸۲. ظفير

(۲) ويصلي الإمام بهم ركعتين مثنيا قبل الزوائد وهي ثلاث تكبيرات في كل ركعة (الدر المختار) هذا مذهب ابن مسعود وكثير من الصحابة ورواية عن ابن عباس وبه اخذ ائمتنا الثلاثة (رد المحتار باب العيدين ج۱ ص۷۷۹، ط.س. ج۲ ص۱۷۲). ظفير

(۳) والسهو في صلوة العيد والجمعة والمكتوبة والتطوع سواء والمختار عند المتقدمين عدمه في الأولين لدفع الفتنة كما في جمعة البحر وأقره المصنف وبه جزم في الدر (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۵، ط.س. ج۲ ص۹۲). ظفير

[1] است فقط.

بعد از اداء نمودن نماز بجماعت ثانیا مقتدی اعاده نمودن بناء در آن هر دو کدام یکی درست شده است؟ **سوال:** (۲۰۴۱) مقتدی نماز را اعاده نمود ودرهمچو موارد آن نماز راکه بجماعت اداء نموده بود آن نماز درست شد یا آن نماز که بتنهائي ان را اداء نموده است؟

جواب: اگر علت ترک واجب وغیره نماز اعاده شود پس فرض قبلا اداء شده است ودراعاده نمودن آن تکمیل ان نماز است یعني آن نقصان که باقی مانده بود تکمیل گردیده است وجبران نقصان شد [2] فقط.

بعد از التحیات به چقدر تاخیر در فاتحه وقعده' وسطانی سجده سهوه لازم میگردد:

سوال (۲۰۴۱) مقتدي نماز را اعاده نمود ودر همچو موارد آن نماز را که بجماعت اداء نموده بود آن نماز درست شد یا آن نمازي که بتنهائي آن را اداء نموده است؟

جواب: اگر بعلت ترک واجب وغیره نماز اعاده شود پس فرض قبلا اداه شده است ودر اعاده نمودن آن تکمیل آن نماز است یعني آن نقصان که باقي مانده بود تیکمیل گردیده است وجبران نقصان شده است [3] فقط.

بعد از التحیات به چقدر تاخیر در فاتحه وقعده وسطانی سجده سهوه لازم میگردد:

سوال: (۲۰۴۲) بعد از فاتحه وهمچنان دررکعت سوم بچقدر مکث نمودن سجده سهوه لازم میشود؟

جواب: اگر سهوا بقدر اداء نمودن رکن توقف شود پس سجده سهوه لازم میگردد الدر المختار: وتاخیر قیام الی الثالثة بزیادة علی التشهد بقدر رکن الخ [4] فقط.

سجدۂ سہوہ بوجه سجده سوم: **سوال:** (۲۰۴۳) (۱) دیروز درنماز جمعه یک صورت مجدد عارض شد یعني امام در رکعت دوم بعد از اداء نمودن سجده ثاني اراده اداء نمودن سجده

---

(۱) ویجب له تشهد وسلام الخ بترک واجب عما مرّ (درمختار) بترک واجب ای من واجبات الصلوة الأصلية لا كل واجب الخ (ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۳، ط.س. ج۲ ص۷۸). ظفیر

(۲) والسهو في صلوة العيد والجمعة والمكتوبة والتطوع سواء والمختار عند المتقدمين عدمه في الأولين لدفع الفتنة كما في جمعة البحر وأقره المصنف وبه جزم في الدر (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۵، ط.س. ج۲ ص۹۲). ظفیر

(۳) ولها واجبات لاتفسد بتركها ويعاد وجوبا الخ والمختار أنه جابر للأول لأن الفرض لايتكرر (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب في واجبات الصلوة ج۱ ص۴۲۴ – ۴۲۹، ط.س. ج۱ ص۴۵۶). ظفیر

(٤) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹٤، ط.س. ج۲ ص۸۱. ظفیر

ثالث راکرد ومقتدیان سبحان الله گفته صراخ گشیدند لکن امام بسجده وصل شد وسائر مقتدیان بتعقیب او را اقتداء نمودند واکثر مقتدیان میگویند که امام بغیر ازگفتن تکبیر قیام نمود وبعد ازختم تشهد برای اداء سجده سهوه سلام گردانید وتا به آن وقت علاوه از دو یا سه مقتدیان متباقی همه مقتدیان در سجده بودند وبا شنیدن لفظ السلام فورا از سجده بلند شدن وبا امام در سلام شریک شدند وسجده سهوه را اداء کردند ونماز را به انجام رساند وعلاوه از آن دو یاسه مقتدیان متباقي همه بدون قعده وتشهد درسلام سهوه متابعت امام را نمودند وبعد از آن جنگ شد وراي اکثر برآن بود که نماز همه درست شده است فلهذا نماز اعاده نشد.

اگر درسجده سوم اقتداء ننماید: **سوال**: (۲۰۴٤) (۲) اگر مقتدي درسجده سوم اتباع نکند حکم آن چیست؟

برای مقتدی درسلام سهوه اقتداء نمودن بکار است: **سوال**: (۲۰٤۵) (۳) مقتد یان علاوه از اتباع نمودن درسلام سهوه دیگر چه کرده میتواند؟

جواب: (۱) دراین صورت نماز سائر آنها درست شده است زیرا آن عده مقتدیان که با امام درسلام سجده سهوه شریک شدند وبا امام بسجده رفتند وبعد از اداء نمودن سجده سهوه با امام یکجا قعده تشهد وغیره رامطابق قاعده قرائت نمود پس ایشان را چگونه خواهد گفت که آنها نه قعده را اداء نموده اند ونه تشهد را قرائت کردند [1].

جواب: (۲) نمازش صحیح است [2]

جواب: (۳) حکم مقتدي مدرک همان است واما مسبوق با امام درسلام سهوه شرکت نباید کرد ودرسجده شریک شود [3].

اگر امام با تلقین تسبیح رکعت پنجم را شروع نماید پس مقتدی اقتداء او را نباید کرد:

سوال: (۲۰٤٦) وقتیکه امام بجاي اداء نمودن چهار رکعت رکعت پنجم را آغاز نمود وبا

---

(۱) نعم تکون المتابعة فرضا بمعنی أن يأتي بالفرض مع إمامه او بعده کما لو رکع إمامه فرکع معه مقارنا او معاقبا او شارکه فيه الخ (رد المحتار مطلب مهم في تحقيق المتابعة ج۱ ص٤۳۹، ط.س. ج۱ ص٤۷۱). ظفير

(۲) وانه ليس له أن يتابعه في البدعة والمنسوخ وما لا تعلق له بالصلوة فلا يتابعه لو زاد سجدة الخ (ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب مهم في تحقيق متابعة الإمام ج۱ ص٤۳۹، ط.س. ج۱ ص٤۷۱). ظفير

(۳) ولو سلم ساهيا إن بعد إمامه لزمه السهو وإلا لا (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الإمامة مطلب في المسبوق ج۱ ص٥٦۰، ط.س. ج۲ ص٥۹۹). ظفير

هوشدار واگاه نمودن متواتر مقتديان او همچنان نشست نكرد آيا دراين صورت اقتداء به امام درست مي شود يانه؟

جواب: در ركعت پنجم اقتداء نكند در الدر المختار مذكور است: كه اگر امام بغير از قعده اخير براي ركعت پنجم قيام نمود پس مقتديان جلوس اختيار نمايند وانتظار عود نمودن امام را بكند گر امام رجوع نمود پس مقتديان با او باشند واگر امام ركعت پنجم را مقيد بسجده نمود دراين صورت مقتديان سلام بگردانند ونماز خود راپاپايان بر سانند [1].

واگر امام قعده اخير رانكرد وبغير ازجلسه بركعت پنجم قيام نمود ودرركعت پنجم سجده كرددراين صورت مسأله معرژف وروشن است كه نماز فرض هيچ كس اداء نشد [2] فقط.

در نماز مغرب فاتحه را اهسته قرائت نمود وبعد از فتح دادن سورت را جهرا تلاوت نمود آيا سجده سهوه را اداء نمايد يانه؟ **سوال:** (۲۰٤۷) امام بعد از نيت نمودن در نماز مغرب سُبْحَانَكَ اللّٰهُم وسورت فاتحه را خفيه قرائت نمود ودر اين اثنا يک مقتدي بغرض ياد دهاني (اَلْحَمْدُ) را باواز بلند گفت پس از آن امام بعداز سورت فاتحه سورت را جهرا تلاوت نموده سجده سهوه را اداء كرد آيا با اداء نمودن سجده سهوه نماز درست شده است يانه؟ وهمچنان آيا درآن حالت سجده سهوه ضروري بود يانه؟

جواب: دراين صورت نماز صحيح شده است وسجده سهوه در اين صورت واجب بود وبا اداء نمودن سجده سهوه نماز بلاكراهيت صحيح شده است [3] فقط.

بوجه متشابه بتكرار آيت سجده سهوه لازم نيست: **سوال:** (۲۰٤۸) در نماز جمعه سورة الجمعه را قرائت نمود وبرملک القدوس برايش متشابه عارض شد فلهذا بتكرار سورت پرداخت كه درآن جريان يک مقتدي برايش فتحه داد لكن امام براي گرفتن فتح توجه خود را معطوف نكرد وبعد از درست قرائت نمودنش نماز را بانجام رساند وسجده سهوه را نكرد آيا نماز درست

---

(۱) وإن قعد في الرابعة مثلا قدر التشهد ثم قام عاد وسلم قام صح ثم الأصح أن القوم ينتظرونه فان عاد تبعوه وان سجد للخامسة سلموا لأن يتم فرضهم إذ لم يبق عليهم إلا السلام (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۰، ط.س. ج۲ ص۷۸). ظفير

(۲) وسها عن القعود الأخير عاد الخ ما لم يقيدها بسجدة الخ وان قيدها بسجدة عامدا او ناسيا او ساهيا او مخطئا تحول فرضه نفلا برفعه الجبهة (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۸، ط. س. ج۲ ص۸۳). ظفير

(۳) والجهر فيما يخافت فيه للإمام وعكسه لكل مصل في الأصح تقديره ما تجوز به الصلوة في الفصلين وقيل قائله قاضيخان يجب السهو بهما اى بالجهر والمخافه مطلقا أى قل او كثر (درمختار) وقال في شرح المنية والصحيح ظاهر الرواية وهو التقدير بما تجوز به الصلوة من غير تفرقة لأن القليل من الجهر في موضع المخافة عفو ايضا (ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹٤، ط.س. ج۲ ص۸۱). ظفير

شده است یانه؟

جواب: دراین صورت سجده سهوه لازم نبوده ونماز صحیح شده است [۱] فقط.

در رکعت آخر بعد ازتشهد قیام نمود سپس نشست سجده سهوه را بکند: سوال: (۲۰۴۹) اگر در رکعت آخر بعد از تشهد قیام نمود وسپس نشست آیا دو باره تشهد را بخواند یا آنکه سلام بگرداند وتشهد سجده سهوه را بگوید ودیگر آنکه بعد از قیام کامل فورا نشست ودیگر آنکه بعد از برخی قرائت نمودن وسوم آنکه بعد از ختم نمودن سورت آیا حکم آن احوال ثلاثه یکي است یا آنکه مختلف است؟.

جواب: در احوال ثلا ثه جلوس نماید وتشهد رابخواند وبعد از اداء نمودن سجده سهوه او تشهد وغیره رابخواند وسلام بگرداند [۲] فقط.

از نابینا ئیکه بوجه غلطی امام یک رکعت باقی بماند: سوال: (۲۰۵۰) درنماز ظهر امام سهوا قعده وسطاني را ترک نمرده ایستاده شدودراین جماعت یک نابینا نیز بود او مطابق یاداشت خود در خواندن تشهد پرداخمت وبسبب معذور بودنش متابعت امام را نکرد غرض انکه نابینا فرض وواجب را اداء می نمود ودرقعده اخیر با امام یکجا شد وبا امام سجده سهوه را نیز اداء نمود وقتیکه امام سلام گردانید پس نابینا مذکور بدان فکر که من بعقب باقی مانده بودم بناء ایستاده شد ویک رکعت را اداء نمود که رکعت پنجم او بود فلهذا آیا نماز اودرست شده است یا نه؟

جواب: اگر این نابینا درآخر سجده سهوه را اداء نمود دراین صورت نماز او درست شده است [۳] فقط.

اگر در تکبیرات زوائد عیدین کاهش نمود حکم آن چیست: سوال: (۲۰۵۱) زید امامت

---

(۱) بخلاف فتحه على إمامه فإنه لا يفسد مطلقا لفاتح وآخذ بكل حال (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب ما يفسد الصلوة ج۱ ص۵۸۲، ط.س. ج۱ ص۶۲۲). ظفير

(۲) وان قعد في الرابعة مثلا قدر التشهد ثم قام عاد وسلم ولو سلم قائما صح (درمختار) قوله قام اى ولم يسجد قوله عاد وسلم اى عاد للجلوس لما مر ان مادون الركعة محل للرفض وفيه إشارة إلى أنه لايعيد التشهد وبه صرح في البحر قال في الإمداد والعود للتسليم جالسا سنة الخ (رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۰، ط.س. ج۲ ص۸۷) ددي عبارت څخه معلومهه سوه چي په صورت مسئوله کي به تشهد نه راگرځوی. والله اعلم. ظفير

(۳) وكذا اللاحق لكنه يسجد في اخر صلوته ولو سجد مع إمامه أعاده (درمختار) ولاحقا بركعة فسجد إمامه للسهو فإنه يقضي ركعة بلا قراءة لأنه لاحق ويتشهد ويسجد للسهو الخ (ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۶، ط.س. ج۲ ص۸۳). ظفير

نماز عید را میداد بنا او در رکعت اول بجای چهار تکبیر سه تکبیر را اداء نمود آیا این نماز درست شده است یانه؟

جواب: تکبیرات عیدین واجب است وعلا وه از تکبیرات افتتاح وتکبیر رکوع سه سه گفتن واجب است اگر در میان انها یکي را ترک نمود پس واجب ترک شده است وبترک واجب سجده سهوه واجب میشود اما چونکه در نماز هاي عیدین سجده سهوه نیست فلهذا نماز درست شده است [1] فقط والله تعالٰی اعلم.

قعده اخیری فرض را بفراموشي ترک نمود ورکعت پنجم را همراهش ضمیمه نموده نماز نفل شد: **سوال:** (۲۰۵۲) هر شخصي که در قعدع اخیر سهوه شد وآن رامقید بسجده نمود میگویند که (تحول فرضه نفلا) حلا نکه در مورد نوافل میفر ماید لان گل شفع من النفل صلوة علیحده بدلیل نقل مع حواله فلهذا با حواله وصفحه کتاب ومطبعه تحریر فرمائید.

جواب: نفس عبارت (فرضه نفلا [2]) بذات خود مصرح است وبخاطر آن ضرورت برای حواله دیگر نیست وقاعده کل شفع من النفل صلوة علیحده نیز صحیح است ودراینجا باداء نمودن سجده سهوه انجبار آن گردید فقط.

حکم ترک نمودن سجده سهوه عمدا ونسیانا: **سوال:** (۲۰۵۳) ترک نمودن سجده سهوه عمدا ونسیانا فرق دارد یانه؟ اگر از وی فراموش شد پس نماز را اعاده نماید یانه؟

جواب: قضاء آوردن این نماز واجب است وترک نمودن سجده سهوه عمدا وسهوا یکسان است [3] فقط

اگر درنماز چهار رکعتی سهوا در رکعت سوم نشست نمود حکم آن چیست؟ **سوال:** (۲۰۵٤) اگر شخصي چهار رکعت نماز را شروع نمود وسهوا در رکعت سوم جلوس ورزید آیا نمازش صحیح شده است یانه؟

جواب: درهمچو صورت سجده سهو واجب است ونمازش صحیح است [1].

---

(۱) والسهو في صلاة العيد والجمعة والمكتوبة والتطوع سواء والمختار عند المتاخرين عدمه في الأولين لدفع الفتنة كما في جمعة البحر وأقره المصنف وبه جزم في الدر المختار (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۸، ط.س. ج۲ ص۸۵). ظفير

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۸، ط.س. ج۲ ص۸۵. ظفير

(۳) ولها واجبات لا تفسد بتركها وتعاد وجوبا في العمد والسهو إن لم يسجد له وإن لم يعدها يكون فاسقا اثما (درمختار) قوله إن لم يسجد له أى للسهو. (الدر المختار على هامش ردالمحتار مطلب في واجبات الصلوة ج۱ ص۴۲۵، ط.س. ج۲ ص۴۵۶). ظفير

اگر به فراموشي در ركوع تسبيح سجده را بگويد حكمش چيست: سوال: (۲۰۵۵) اگر در ركوع سهوا تسبيحات سجده را بگويد يا بالكهس آيا در نماز نقصان وارد نميشود؟.

جواب: هيچ نقصان وارد نميگردد [۲] فقط.

درسجده تسبيح ركوع: سوال: (۲۰۵٦) تسبيح ركوع را در سجده گفت وقتيكه بيادش آمد آيا تسبيح سجده را بگويد ويا انكه تسبيح ركوع كافي است؟

جواب: گفتن تسبيحات سجده بكار است بخاطر آنكه مطابق سنت شود.

ترک تعديل وسجده سهوه: سوال: (۲۰۵۷) اگر قومه وجلسه بوجه تعجيل نماز گذار موافق واجب اداء نشود ايا سجده سهوه واجب خواهد شد يانه؟

جواب: سجده سهوه بر فعل واجب ميشود كه سهوا صادر شود وآن عده مردم كه عمداً وعادةً قومه وجلسه را تكميل نمي نمايند دزآن سجده سهوه نيست بلكه اعاده همچو نماز ها واجب ميباشد [۳] فقط.

براي سجده سهوه تنها يک طرف سلام بگر داند: سوال: (۲۰۵۸) نماز گذار منفرد وقتيكه تنها نماز اداء مي نمايد او بسبب نسيان يک ركن در وقت سجده آيا هردو طرف سلام بگرداند ويا يک طرف ؟ بينوا توجروا.

تنها يک طرف سلام بگرداند واگر هردو طرف سلام گشتاند درآن نيز كدام حرج نيست وبا آنهم سجده سهوه را اداء بايد كرد [٤] فقط.

مسبوق هردو طرف سلام گردانيد وقتيكه بيادش داده شد فورا قيام نمود دراين مورد حكم: سوال: (۲۰۵۹) يک نفر در ركعت دوم شامل نماز شد وبا امام سه ركعات را اداء نموده وهر دو طرف سلام گردانيد ودر ميان مقتديان شخصي برايش گفت كه يک ركعت شما

---

(۱) ويلزمه السهو إذا زاد في صلاته فعلا من جنسها ليس منها وهذا يدل على أن سجدة السهو واجبة وهو الصحيح لأنها تجب لجبر نقصان تمكن في العبادة (هدايه باب سجود السهو ج۱ ص۱٤۰). ظفير

(۲) ويسبح فيه (أى في الركوع) وأقله ثلاثا فلو تركه او نقصه كره تنزيها (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤٦۱، ط.س. ج۲ ص٤۹٤) ودر اينجا آن را ترک نيز ننموده است بكه الفاظ مبدل شد ودرآن كدام حرج نيست ظفير.

(۳) ولها (اى للصلاة) واجبات لا تفسد بتركها وتعاد وجوبا في العمد والسهو إن لم يسجد له وان بعدها يكون فاسقا آثما (درمختار) قوله إن لم يسجد له اى للسهو هذا قيد لقوله والسهو إذ لا سجود في السهو (رد المحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤۲۵، ط.س. ج۲ ص٤۵٦). ظفير

(٤) يجب له بعد سلام واحد عن يمينه فقط لأنه المعهود وبه يحصل التحليل وهو الأصح (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص٦۹۱، ط.س. ج۲ ص۷۸). ظفير

باقي است وبگفتار اوبرایش یاد شد وقیام نمود ورکعت متباقي را اداء کرده سجده سهوه نمود وسلام گردانید در این صورت ایا نماز درست شده است یانه؟ مولا نا عبدالحي صاحب رح درفتاوی خویش مي نگارد که دراین صورت نماز نمیشود زیرا یاد دهنده خارج صلاة است.

جواب: درکتاب هاي فقه نوشته شده است اگر درهمچو صورت بگفتار اوفورا قیام نمود پس نمازش فاسد شده واگر اندک وقفه نمود وخود بخود بیادش آمده قیام نمود پس نمازش صحیح است و اگر سجده سهوه را اداء نمود پس نمازش بلاکراهیت درست شده است واما فتوی مرحوم مولانا عبد الحي صاحب رح غالبا مربوط بصورت نخستین خواهد باشد [1] فقط.

<u>بعد ازفاتحه تا بوقتي خاموش بود بناء حکم آن چیست</u>؟ سوال: (۲۰۶۰) اگر امام یا منفرد بعد از قرائت نمودن سورت فاتحه بمقدار قرائت آیت طویل ویاسه آیات کوتاه قصدا خاموش ایستاده باشد وبعد از آن ضم سورت بکند آیا بر او سجده سهوه لازم خواهد شد یانه؟

جواب: سجده سهوه بر او واجب است کما قال في الدر المختار: وتفکره عمداً حتی شغله عن رکن [2] وتحقیقه في الشامي فقط.

<u>امام در رکعت سوم عشاء نشست مگر فورا ایستاده شد حکمش چیست</u>؟ سوال: (۲۰۶۱) امام دروقت اداء نماز عشاء سهو ادر رکعت سوم نشست وبفتح دادن مقتدي فورا ایستاده شد وقتي دربر نگرفت ایا نماز درست شده است یانه؟

جواب: دراین صورت که امام زیاد جلوس ننمود بلکه فورا ایستاده شد پس سجده سهوه لازم نمیشود ونمازش صحیح است کذافي الشامي [3] فقط.

<u>سجده سهوه بفراموش نمودن قعده اولي درسنت قبل الظهر</u>: سوال: (۲۰۶۲) شخصي نیت چهار رکعت سنت قبل از ظهر رانمود ودرآن اثنا قعده اولی را فراموش نموده مستقیما

---

(۱) وفي القنية قيل لمصل منفرد تقدم فتقدم بامره الخ فسدت صلوته وينبغي ان يمكث ساعة ثم يتقدم برای نفسه (ردالمحتار باب الإمامة ج۱ ص۵۳۳، ط.س. ج۱ ص۵۷۱) حتى لو إمتثل أمر غيره فقيل له تقدم فتقدم الخ فسدت بل يمكث ساعة ثم يقدم برايه (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب ما يفسد الصلوة وما يكره فيها ج۱ ص۵۸۱، ط.س. ج۱ ص۶۲۲). ظفير

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۳، ط.س. ج۲ ص۸۰. ظفير وكذا القعدة في آخر الركعة الأولى والثالثة يجب تركها يلزم من فعلها ايضا تأخير القيام الى الثالثة او الرابعة عن محله وهذا إذا كانت القعدة طويلة أما الجلسة الخفيفة التي إستحبها الشافعي فتركها غير واجب عندنا (ردالمحتار ج۱ ص۴۳۸، ط.س. ج۱ ص۴۷۱). ظفير

(۳) وكذا القعدة في آخر الركعة الأولى والثالثة يجب تركها يلزم من فعلها ايضا تأخير القيام الى الثالثة او الرابعة عن محله وهذا إذا كانت القعدة طويلة أما الجلسة الخفيفة التي إستحبها الشافعي فتركها غير واجب عندنا (ردالمحتار ج۱ ص۴۳۸، ط.س. ج۱ ص۴۷۱). ظفير

ایستاده شد وبعد از آن قعده نمود وسر انجام سجده سهوه را اداء نکرد آیا این نماز صحیح شد یا خیر؟ وآیا اعاده بر او واجب است یانه؟

جواب: بخاطر عدم اداء نمودن سجده سهوه اعاده بر او واجب است [۱].

اگر زانو اش را ایستاده ننموده باشد بنشیند: سوال: (۲۰٦۳) اگر مستقیما ایستاده نباشد ونه زانوهایش از زمین جدا شده باشد فلهذا دراین صورت برایش چه عمل بکار است آیا قعده بکند ویا آنکه ایستاده شود؟

جواب: قعده بکند وسجده سهوه واجب نیست [۲] فقط.

زانو ها از زمین بلند شد امّا درست ایستاده نشده است بنشیند: سوال: (۲۰٦٤) اگر مستقیم ایستاده نشد در حالیکه زانوها از زمین جدا شده است ودرمیان حالت جلوس وقیام قرار دارد بناء آیا براي او رجوع نمودن بکار است ویا قیام نماید وآیا سجده سهوه بالایش واجب است یانه؟ وهمچنان آیا اعاده کند یانه؟

جواب: دراین حالت رجوع کردن وقعده نمودن بکار است واما سجده سهوه بالایش واجب نیست کما في الدر المختار: عاد اليه وتشهد ولاسهوه عليه في الاصح مايستقيم قائماً في ظاهر المذهب وهو الاصح [۳] فتح وقول ثاني مقابلش آنست که اگر اقرب الی القعود باشد بنشستن نزدیک باشد پس بنشیند واگر اقرب الی القیام باشد به ایستادن نزدیک باشد پس ننشیند وسجده سهوه را اداء نماید فقط.

اگر درصلاة تسبیح بجای اَلْحَمْدُ لله رابگوید چه حکم دارد؟ سوال: (۲۰٦٥) (۱) درصلاة التسبیح قبل از اَلْحَمْدُلله سُبْحَانَ الله خوانده شد وبجای تسبیح اگر اَلْحَمْدُ لله قرائت شود موجب سجده سهوه است یانه؟

درصلاة التسبیح بعداز قرائت برکوع رفت: سوال: (۲۰٦٦) (۲) در صلاة التسبیح بعد از قرائت بفراموشي بطرف رکوع رفت ودررکوع بیادش آمد ودررکوع آن تسبیح راخواندآیاسجده

---

(۱) ولها واجبات لا تفسد بتركها وتعاد وجوبا في العمد والسهو الخ وهي قراءة فاتحة الكتاب الخ والقعود الأول ولو في نفل (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة، ط.س. ج۱ ص٤٥٦). ظفير

(۲) سها عن القعود الأول من الفرض ولو عمليا وأما النفل فيعود مالم يقيدها بالسجدة ثم تذكره عاد إليه وتشهد ولاسهو عليه في الأصح ما لم يستقم قائما في ظاهر المذهب هو الأصح (الدر المختار على هامش رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص٦٩٨، ط.س. ج۲ ص۸۳). ظفير

(۳) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص٦٩٧، ط.س. ج۲ ص۸۳. ظفير

سهوه براو واجب است یانه؟

جواب: (۱ ۲) نمازش درست شده است وسجده سهوه براو واجب نیست فقط.

درمیان فاتحه وقرائت بکدام مقدار تاخیر سجده سهوه لازم میشود؟ سوال: (۲۰٤۷) در بهشتي زیور مرقوم است که اگر تاخیر تاخیر قد رسه بار سبحان الله گفتن درمیان فاتحه وسورت واقع شده سجده سهوه لازم میشود ودیگر فقهاه تاخیر قدر تسبیح مي فرمایند پس کدامین قول معتبر است؟

جواب: آنچه در بهشتي زیور است همان مختار محققین است: قال فی شرح المنیة والصحیح ان قدر زیادة الحرف ونحوه غیر معتبر فی جنس مایجب به سجود السهو وانما المعتبر قدرما یودی فیه رکن کما فی الجهر من یخافت وعکسه وکما فی التفکر حال الشک ونحوه الخ: ص ۳۲۱ فقط.

بعد از قعده آخیر مغرب امام ایستاده شد وبعد از آن نشست بناء چه باید کرد؟ سوال: (۲۰٦۸) دروقت مغرب هر سه رکعات را امام تکمیل نمود ودرقعده آخیر سهوا ایستاده شد ومقتدیان نشسته باقی ماندند وقتیکه عده از مقتدیان الله اکبر گفتند امام واپس جلوس نمود وبه بر یک طرف سلام گشتاند سجده سهوه را اداء کرد سپس بسبب بروز اختلاف نماز را ثانیا اداء نمود فلهذا آیا باداء نمودن سجده سهوه نماز درست شده است ویا اعاده نمودن آن واجب است؟

جواب: این نماز باداء نمودن سجده سهوه صحیح وکامل شده بود ونیازي به اعاده نمو دنش نبود. فقط [1]

سجده سهوه بسبب جهر نمودن درآخرین رکعات عشاء: سوال: (۲۰٦۹) اگر یک امام در آخرین رکعات نماز عشاء جهرا قرائت نماید ایا سجده سهوه براي او واجب است یاله؟ زیرا قاعده السر فیما یسر والجهر فیما یجهر تقاضاي سجده سهوه را مي نماید وچونکه في نفسه قرائت درآن واجب نیست فلهذا واجب شدن بکار نیست زیرا در صورت تسلیم نمودن واجب زیادت صفت لازم مي آید علی الذات.

---

(۱) ولو سها عن القعود الأخیر کله اوبعضه عاد الخ ما لم یقیدها بسجدة لأن ما دون الرکعة محل الرفض وسجد للسهو لتاخیر القعود (الدرالمختارعلی هامش ردالمحتارباب سجود السهو ج۱ ص٦۹۸، ط.س. ج۲ ص۸۵) ظ

سجده سهوه بسبب نمودن در رکعات آخری: **سوال**: (۲۰۷۰) (۲) وبسبب جهر نمودن درآخرین رکعات نماز ظهر سجده سهوه لازم میشود یانه؟

جواب: (۱) دراین صورت سجده سهوه لازم خواهد شد زیرا اگر در رکعات آخری عشاء قرائت مي نماید پس سرا خواندن لازم است قسمیکه درشامي در تفسیر ویسر في غیرها نوشته شده است: قوله ویسر فی غیرها وثالثة من المغرب والآخریان من العشاء [1] الخ فلهذا درآخرین دو رکعت نماز عشاء اگر چه قرائت واجب نیست لکن اگر قرائت مي نماید پس اخفاء قرائت لازم است.

جواب: (۲) وسجده سهوه [2] بسبب جهر نمودن درآخرین دو رکعت ظهر نیز لازم میشود فقط.

در رکعت دوم عید امام تکبیرات زوائد را ترک نمود وبرکوع رفت وقتیکه از رکوع بالاشد تکبیرات را گفت پس آن چیست: **سوال**: (۲۰۷۱) در رکعت دوم عید الاضحی امام سهواً تکبیرات رانگفت ورکوع نمود برخي از مردم تکبیر رکوع را نیز اداء نمودند وامام صاحب تسبیح رکرع را اداء ننمود والله اعلم بالصواب واز دحام جماعت نیز زیاد بود حتی که برسطح مسجد نیز مقتدیان موجود بودند سپس امام قیام نمود وتکبیرات را جهراً قرائت نمود وثانیا رکوع وقیام کرد وبعد ازسجده کردن بدون اداء نمودن سجده سهوه سلام گردانید فلهذا آیا در صورت متذکره نماز بغیر ازکدام نقصان اداء شده است یا خیر؟

جواب: اگر بغیر ازگفتن تکبیرات زوائد برکوع رکعت دوم رفت پس براي او بکار نبود که ثانیا از رکوع بطرف قیام بیاید وتکبیرات رابگوید بلکه درالدر المختار آن را مفسد صلاة گفته است با انهم که شامي آن را صحیح گفته است فرموده که نماز فاسد نشده است کذا نقله عن ابن الهمام فی العود الی القعود الاول بعد القیام [3] قال فی الدر المختار: ولا یعود الی القیام لیکبر فی ظاهر الروایة فلو عاد ینبغي الفساد وفی الشامي: وقد علمت آن العود روایة النوادر علی انه یقال

---

(۱) ردالمحتار فصل في القراءة ج۱ ص۴۹۷، ط.س. ج۱ ص۵۳۲. ظفیر

(۲) ولو جهر الإمام فيما يخافت او خافت فيما يجهر تلزمه سجدتا السهو لأن الجهر في موضعه والمخافة في موضعها من الواجبات الخ (هدايه باب سجود السهو ج۱ ص۱٤۱). ظفير

(۳) أی وإن إستقام قائما لايعود لإشتغاله بفرض القيام وسجد للسهو لترک الواجب فلو عاد إلى القعود بعد ذلک تفسد صلاته لرفض الفرض لما ليس بفرض وصححه الزيلعی وقيل لا تفسد لکنه يکون مسيئا ويسجد لتأخير الواجب وهو الأشبه کما حققه الکمال وهو الحق (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۷، ط.س. ج۲ ص۸٤). ظفير

علیه ماقاله ابن الهمام في ترجیح القول لعدم الفساد فیما لو عاد الی القعود الاول [1] بعدما استتم قائما الخ ودرمورد نماز عید وجمعه بسبب ازدحام زیاد علماء متأخرین فتواداده اند که اگر سهوه متحقق شود پس سجده سهوه نکند.

اگر مسبوق در رکعات متباقی خویش کدام واجب را ترک نماید آیا سجده سهوه بر او است یانه؟ **سوال:** (۲۰۷۲) اگر مسبوق با امام در رکعت چهارم ظهر یادرقعد ه آخیر شامل شود وبعد از سلام دانیدن امام قیام نماید ودر میان اداء نمودن نماز خویش یک واجب ترک شود ایا این مسبوق مذکور سجده سهوه بکند یانه؟

جواب: اداء نمودن سجده سهوه بکار است [2].

درقعده اخیر بدو باره خواندن درود سجده سهوه نیست: **سوال:** (۲۰۷۳) اگر کسي کاملا درود ابراهیمي یا نصف آن را از اللّهم بارک تا به حمید مجید درقعده آخر تکرارا بخواند آیا بر او سجده سهوه واجب است یانه؟

جواب: واجب نمیشود [3].

برخي از درود را ترک نمود وبعد از دعا آن را ثانیا خواند فلهذا بر او سجده نیست: سوال (۲۰۷٤) اگر اللّهم بارک را تا به حمید مجید سهوا درقعده آخیر ترک نمود ودر وقت قرائت دعاي ماثوره بیادش آمد پس دراین اثنا بترک نمودن دعاي باقي مانده بطرف درود شریف انتقال نماید یانه؟

جواب: انتقال نمودن مناسب است وسجده سهوه بر او واجب نیست [4].

درآخرین رکعات فرائض بضم سورت سجده سهوه لازم نمیگردد: **سوال:** (۲۰۷۵) در رکعات خالي نماز فرض اگر یک سورت سهوً ایا قصداً بعداز فاتحه تلاوت شود آیا سجده سهوه اداء نمودن لازم میشود یانه؟

---

(۱) رد المحتار باب العیدین ج۱ ص۷۸۲، ط.س. ج۲ ص۹۲. ظفیر

(۲) ویبدأ بقضاء ما فاته عکس المسبوق (درمختار) قوله عکس المسبوق أی في الفروع الأربعة المذکورة فانه إذا قضی ما فاته یقرأ ویسجد للسهو إذا سها فیه (رد المحتار باب الإمامة مطلب في أحکام المدرک والمسبوق ج۱ ص۵۵۷، ط.س. ج۱ ص۵۹۵). ظفیر

(۳) یجب الخ بترک الواجب الخ (درمختار) واحترز بالواجب عن السنة کالثناء والتعوذ ونحوها (ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۳، ط. س. ج۲ ص۸۰). ظفیر

(٤) وسننها رفع الیدین للتحریمة الخ والصلوٰة علی النبي ﷺ في القعدة الأخیرة (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صفة الصلوٰة مطلب سنن الصلوٰة ج۱ ص٤٤۵، ط. س. ج۱ ص٤۷٤). ظفیر

جواب: صورت مسؤله موجب سجده سهوه نیست [۱] فقط.

در رکعت اخري نماز چهار رکعتي قرائت: **سوال:** (۲۰۷٦) درنماز چهار رکعتي درآخرین دو رکعت بقرائت نمودن یک آیت قیام اداء میشود بناء این چه مصلحت است که نصف الحمد را تلاوت کرد وبدفعۀ دوم آن را تکمیل نمود فلهذا بذمه اش سجده سهوه لازم شده است وآنکس که هردو دفعه کل بخواند پس لازم نمیشود؟

جواب: درآخرین دو رکعت بترک قراة سورة فاتحه کاملا موافق آن قول سجده سهوه واجب میشود کسي که بر وجوب قرائت فاتحه در رکعات آخري قائل میباشدواما طبق ظاهر الراویت چونکه دراخرین دورکعت خواندن فاتحه واجب نیست [۲] فلهذا بترک تمام سورة فاتحه یا برخي ان در رکعات آخري بنزد ایشان سجده سهوه لازم نخواهد شد فقط.

درقرائت بسبب متشابه شدن بقرائت مکرر سجده سهوه واجب نمیشود: **سوال:** (۲۰۷۷) امام درنماز درحین قرائت فراموش نمود ویا بوجه متشابه بودن از جاي دیگر دو یاسه آیت را قرائت کرد وسپس بیادش آمد یا بوجه فراموشي ازسرنو ابتداء قرائت نماید آیانماز میشود یانه؟ .وسجده سهوه براو واجب میشود یانه؟

جواب: دراین صورت نماز صحیح است وسجده سهوه براو واجب نیست واگر بنا برغلطي سجده سهوه را اداء نمود بازهم نماز درست شده است [۳] فقط.

درنماز واجب وسنت درقعده اولی بعد ازتشهد بخواندن درود شریف سجده سهوه:

سوال: (۲۰۷۸) در نماز هاي واجب ومسنون در قعد ه اولی که بعد از التحیات درود شریف وغیره خوالده شود آیا سجده سهوه واجب خواهد شد یاله؟ وهمچنان اگر درلماز واجب وسنت

---

(۱) واکتفي المفترض فیما بعد الأولیین بالفاتحة فإنها سنة علی الظاهر ولو زاد لابأس (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤۷۸، ط.س. ج۲ ص۵۱۱). ظفیر

(۲) واکتفی المفترض فیما بعد الأولیین بالفاتحة فإنها سنة علی الظاهر فلو زاد لا بأس به وهو مخیر بین قراءة الفاتحة الخ وصحح العیني وجوبها (درمختار) ای ظاهر الروایة ولو زاد لا بأس به الخ ای لو ضم إلي سورة لا بأس به لأن القراءة في الأخرین مشروعة من غیر تقدیر والإقتصار علی الفاتحة مسنون لا واجب فکان الضم خلاف الأولی وذلک لا ینافي المشروعیة والإباحة بمعنی عدم الإثم في الفعل والترک کما قدمناه (رد المحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤۷۸، ط.س. ج۲ ص۵۱۱). ظفیر

(۳) ولو سلم ساهیا إن بعد إمامه لزمه السهو وإلا لا الخ ولو ظن الإمام السهو فسجد له فتابعه فبان ان لا سهو فالأشبه الفساد لإقتدائه في موضع الإنفراد (درمختار) وفي الفیض وقیل لا تفسد وبه یفتی في البحر عن الظهیریة قال الفقیه ابو اللیث في زماننا لا تفسد لأن الجهل في القراءة غالب (رد المحتار قبیل باب الإستخلاف ج۱ ص۵٦۰، ط.س. ج۱ ص۵۹۹). ظفیر

قعده اولی را فراموش کند وقیام نماید پس قبل از سجده نمودن رکعت سوم بیادش آمد آیا او بنشیند یانه؟

جواب: درنماز واجب مثلا مانند وتر همان حکم نماز فرض است فلهذا اگر درآن درقعد ه اولی بعد از تشهد درود شریف وغیره خوانده شود سجده سهوه لازم میگردد واما درمورد سنن مؤکده دوقول است لکن وجوب [۱] سجده احوط است واما در ترک نمودن قعده اولی همان حکم است کدام حکم که در ترک نمودن قعده اولی فرض است که اگر به نشستن نزدیک باشد بنشیند واگر بقیام نزدیک باشد پس ایستاده شود ودر آخر سجده سهوه [۲] را اداء کند فقط.

اگر درتعداد رکعات سهوه شد پس بگمان غالب عمل نماید: سوال: (۲۰۷) براي خا کسار درنماز در مورد تعداد رکعات ودرسجده سهوه عارض میشود فلهذا چه کردن بکار است؟

جواب: دراین صورت گمان غالب [۳] را اعتبار نماید وبر آن بنا نماید فقط.

درنماز دو رکعتی بعد از قرائت تشهد که بر رکعت سوم قیام می ورزد وپس رجوع نموده می نشیند فلهذا سجده سهوه ضروري است: سوال: (۲۰۸۰) شخصي نیت دو رکعت سنت مؤکد یا فرض را بست وقتیکه التحیات را خواند درآن اثنا سهوا ایستاده شد یعني در رکعت سوم بعد از تلاوت نمودن اَلْحَمْدُ لله بیادش آمد وفورا نشسته وسلام گردانید بناء ایا این نماز درست شده است ویا آنکه اعاده اش بکار است؟ ویا اداء نمودن سجده سهوه بکار بود؟ وهرکسي که میگوید که نه اعاده بکاراست ونه اداء نمودن سجده سهوه بکاراست آیا این صحیح

---

(۱) ولا يزيد في الفرض على التشهد في القعدة الاولى إجماعا فإن زاد عامدا كره فتجب الإعادة او ساهيا وجب عليه سجود السهو إذا قال اللهم صل على محمد فقط على المذهب المفتى به لا لخصوص الصلوة بل لتأخير القيام (درمختار) قوله لا يزيد في الفرض اى وما ألحق به كالوتر والسنن الرواتب وإن نظر صاحب البحر فيها (رد المحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص۴۷۶، ط.س. ج۱ ص۵۱۰). ظفير

(۲) سها عن القعود الأول من الفرض ولو عمليا أما النفل فيعود ما لم يقيد بالسجدة ثم تذكر عاد إليه وتشهد ولا سهو عليه في الأصح مالم يستقم قائما به ظاهر المذهب وهو الأصح والا اى إن إستقام قائما لايعود لإشتغاله بفرض القيام وسجد للسهو لترک الواجب (درمختار) قوله عمليا كالوتر فلا يعود فيه إذا إستتم قائما قوله أما النفل فيعود الخ جزم به في المعراج والسراج وعلله ابن وهبان بأن كل شفع منه صلوة على حدة ولاسيما على قول محمد بان القعدة الأولى منه فرض فكانت كالأخيرة وفيها يقعد وإن قام حكى في المحيط فيه خلافا وكذا في شرح التمرتاشي قيل يعود وقيل لا يعود في الخلاصة والأربع قبل الظهر كالتطوع وكذا الوتر عند محمد وتمامه في النهر لكن في التارخانية عن العتابية قيل في التطوع يعود ما لم يقيد بالسجدة والصحيح أنه لايعود اهـ وافره في الإمداد لكن خالفه في المتن تأمل (ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۷، ط.س. ج۲ ص۸۳). ظفير

(۳) وإذا شک في صلاته من لم يكن ذلک اى الشک عادة له الخ كم صلى إستأنف الخ وإن كثر شكه عمل بغالب ظنه إن كان له ظن للحرج وإلا أخذ بالأقل لتيقنه وقعد في كل موضع توهمه موضع قعود (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۵ – ۷۰۶، ط.س. ج۲ ص۹۲ – ۹۳). ظفير

است یانه؟

جواب: دراین صورت اداء نمودن سجده سهوه بکار بود زیرا درآن تاخیر فرض وترک واجب شده است واگر سجده سهوه را اداء نکرد پس نمازش مع النقصان باقي ماند واعاده آن نماز واجب میباشد وهرشخصي که آن مسئله را رهنمائي نموده است که برای سجده سهوه ضرورت نبود ودر صورت عدم اداء نمود في سجده سهوه ضرورت براي اعاده نماز نیست پس رهنمائي آن شخص غلط ونادرست است در مورد این مساله معلومات وي ناقص میباشد فلهذا قول آن شخص را اعتبار دادن بکار نیست [۱] فقط.

<u>اگر مسبوق در رکعت باقیمانده سهوه شد سجده سهوه بر او لازم است</u>: سوال: (۲۰۸۱) مسبوق اگر بعد ازختم جماعت در رکعت متباقي برایش سهوه عارض شود آیا سجده سهوه را اداء نماید یانه؟.

جواب: اداء نمودن سجده سهوه بکار است [۲] فقط.

<u>در رکوع بجاي تسبیح بسم الله خواندن موجب سجده سهوه است یانه</u>؟ سوال: (۲۰۸۲) اگر در رکوع بجاي تسبیح کسي بسم الله الرحمٰن الرحیم را بگوید آیا سجدهٔ سهوه واجب خواهد شد یانه؟ ودرتشهد قرائت نمودن موجب سجده سهوه است یانه؟

جواب: در رکوع بجاي تسبیح بخواندن بسم الله الرحمٰن الرحیم سجده سهوه لازم نمودن تشهد سجده سهوه لازم نمیشود زیرا تسبیحات رکوع واجب نیست وتشهد واجب است فلهذا بترک نمود تشهد سجده سهو لازم میشود [۳] فقط.

<u>بتکرار نمودن سورت فاتحه سجده سهو لازم میشود یاخیر</u>؟ سوال: (۲۰۸۳) بتکرار نمودن سورت فاتحه سجده سهوه لازم میشود یانه؟

---

(۱) ولو سها عن القعود الأخير كله او بعضه يعاد الخ وإن قعد في الرابعة مثلا قدر التشهد ثم قام عاد الخ وسجد للسهو في الصورتين لنقصان فرضه بتأخير السلام في الأولى وتركه في الثانية (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۸، ط.س. ج۲ ص۸۵). ظفير

(۲) والمسبوق من سبقه الإمام بها او ببعضها وهو منفرد حتى يثني ويتعوذ الخ فيما يقضيه (درمختار) قوله حتى يثني الخ تفريع على قوله منفرد فيما يقضيه بعد فراغ إمامه حتى لو ترک القراءة فسدت الخ ويلزمه السجود إذا سها فيما يقضيه (رد المحتار باب الإمامة مطلب في المسبوق واللاحق ج۱ ص۵۵۷، ط. س. ج۱ ص۵۹۶). ظفير

(۳) ويلزمه إذا ترک فعلا مسنونا كأنه اراد به فعلا واجبا الخ او ترک قراءة الفاتحة الخ او القنوت او التشهد او تكبيرات العيدين لأنها واجبات (هدايه باب سـ ـرد السهو ج۱ ص۱۴۰). ظفير

جواب: در نخستین دو رکعت بتکرار نمودن سورت فاتحه سجده سهوه لازم میگردد: کما في الشامي قوله وکذا ترک تکریرها فلو قرئها في رکعة من الاولیین مرتین وجب سجود السهو لتاخیر الواجب وهو السورة کما في الذخیرة وغیرها [۱] الخ فقط.

درآخرین رکعات نماز های رباعی بضم سورت سجده سهوه لازم نمیشود: سوال:

(۲۰۸۴) در چهار رکعت فرائض درآخرین آنها ضم سورت نمود آیا سجده سهوه لازم خواهد شد یانه اگر در این صورت تأخیر رکن نشده باشد پس در قعده اولی زیاد تر از اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ خواندن تأخیر رکن چگونه میشود که درنتیجه سجده سهوه لازم میگردد ومطلب از عدم قرائت مشروع چیست؟

جواب: بضم نمودن سورت درآخرین دورکعت سجده سهوه لازم نمیگردد زیرا در آخرین دو رکعت اکتفا بفاتحه واجب نیست که به از دیاد آن ترک واجب شود بلکه بضم نمودن سورت وعدم ضم نمودن سورت اختیار داده شده است با آنهم که عدم قرائت سورت اولی ومسنون است بخلاف قعد ه اولی که درآن اکتفا به تشهد وعدم قرائت درود شریف واجب است در درالمختار مذکور است: واکتفی المفترض فیما بعد الاولیین بالفاتحة فانها سنة علی الظاهر ولو زاد لا باس به [۲] الخ فقط.

اگر مسبوق در نماز متباقي خویش قعده را ترک نماید سجده سهوه لازم خواهد شد:

سوال: (۲۰۸۵) مسبوق مع الامام دروقت مغرب یک رکعت را دریافت نمود ومسبوق بعد ازسلام گردانیدن امام دو رکعت را اداء کرد وقعده آخر را اداء نمود یعني قعده اولی را اداء نکرد آیا بر او سجده سهوه واجب است یانه وآیا بغیر از اداء نمودن سجده سهوه نماز خواهد شد یانه؟

جواب: دراین صورت بر مسبوق سجده سهوه واجب است ودر صورت اداء نمودن سجده سهوه اعاده [۳] نماز ضروري است فقط.

---

(۱) رد المحتار باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة ج۱ ص۴۲۹. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة الفصل ج۱ ص۴۷۷، ط.س. ج۱ ص۵۱۱، ای لو ضم إلیها سورة لا باس به لأن القراءة في الأخریین مشروعة من غیر تقدیر والإقتصار علی الفاتحة مسنون لا واجب فکان الضم خلاف الأولی وذلک لا ینافي المشروعیة والإباحة بمعنی عدم الإثم في الفعل والترک الخ رد المحتار باب ایضا ج۱ ص۴۷۷، ط.س. ج۱ ص۵۱۱). ظفیر

(۳) والمسبوق یسجد مع إمامه مطلقا سواء کان السهو قبل الإقتداء او بعده ثم یقضي ما فاته ولو سها فیه سجد ثانیا (درمختار) لو سها فیه =

درنماز فجر بعداز رکعت دوم بفراموشي ایستاده شد پس فورا بنشیند: سوال: (٢٠٨٦) اگر در نماز فرض فجر بعدازدو رکعت سهوا بغیر از اداء نمودن قعده قیام نماید ودر اثناء رکعت سوم بعد از قرائت نمودن الحمد وسورت بیادش آمد آیا درهمان وقت بنشیند یا آنکه رکعت را تکمیل نماید؟

جواب: دراین وقت باید بنشیند وسجده سهوه بکند پس نمازش صحیح خواهد شد [1] فقط.

اگر در رکعت اول ضم سورت رافراموش نماید پس باید کرد؟ سوال: (٢٠٨٧) در رکعت اول نوافل یا سنن یا فرائض بعداز سورت فاتحة سهوا ضم سورت نکرد وبرکوع رفت پس اکنون بطرف قیام رجوع نماید ویا آنکه بسوي سجده برود؟

جواب: قومه را اداء نموده بسجده برود ودرآخر صلاة سجده سهوه را اداء کند [2] فقط.

بعد از یک طرف سلام گر دانیدن سجده سهوه را اداء کند وتشهد را کامل بخواند:

سوال: (٢٠٨٨) سجده سهوه رابعد ازیک طرف سلام گردانیدن اداء نمودن بکار است وبا آنکه هر دو طرف وبعد از خواندن نصف تشهد سلام بگرداند وسجده سهوه را اداءکند یا آنکه بعد ازخواندن تشهد کامل وبعد ازسجده سهوه وبعد ازقرائت نمودن لتحیات کامل سلام بگرداند ویا چگونه باید کرد؟

جواب: بعد از قرائت نمودن التحیات کامل وبعد از یک طرف سلام دانیدن دو سجده سهوه را

= اي فيما يقضي بعد فراغ الإمام يسجد ثانيا لأنه منفرد والمنفرد يسجد لسهوه. (رد المحتار باب سجود السهو ج١ ص٦٩٥، ط.س. ج٢ ص٨٥). ظفير

(١) ولو سها عن القعود الأخير كله او بعضه عاد الخ ما لم يقيدها بسجدة لأن مادون الركعة محل الرفض وسجد للسهو لتاخير القعود (الدرالمختارعلى هامش ردالمحتار باب سجودالسهو ج١ ص٦٩٨، ط.س. ج٢ ص٨٥.) ظفير

(٢) از صراحت علامه شامي معلوم ميشود كه: در صورت مذكره بهتر آنست كه واپس شود وسورت را قرائت نمايد پس از آن ركوع كند ودرآخر سجده سهوه را اداء كند اگر چه اين صورت نماز درست است كه بعد از ركوع بسجده برود ودر آخر سجده سهوه بكند چنانچه در جواب مذكور است بترک واجب سهوا كركوع قبل قراءة الواجب بوجوب تقديمها ثم إنما يتحقق الترک بالسجود فلو تذكر ولو بعد الرفع من الركوع عاد ثم أعاد الركوع (مختصرا من درمختار) قوله عاد أى إلى القيام ليقرأ (رد المحتار باب سجود السهو ج١ ص٦٩٣، ط.س. ج٢ ص٨٠) شاكي هردوصورت را ذكر نموده است كه كلاً قرائت ترک شود يا تنها سورت: اما إذا قرأ الفاتحة مثلا ركع فتذكر السورة فعاد فقرأها الخ (ايضا) ديگر عبارت اين است: ولو ترک سورة اولى العشاء مثلا ولو عمدا قرأ وجوبا وقيل ندبا مع الفاتحة جهرا في الأخريين الخ ولو تذكرها في ركوعه قرأها واعاد الركوع (درمختار) قوله ولو تذكرها اى السورة قوله قرأها اى بعد عوده إلى القيام قوله واعاد الركوع لأن ما يقع من القراءة في الصلوة يكون فرضا فيرتفض الركوع ويلزمه إعادته لأن الترتيب بين القراءة والركوع فرض كما مر في الواجبات الخ (ردالمحتار فصل في القراءة ج١ ص٤٩٩ - ٥٠٠، ط.س. ج١ ص٥٣٥). ظفير

اداء کند سپس ازآن کاملا التحیات ودرود شریف رابخواند وبعداز آن سلام بگرداند فقط. بعد از درود دعا را نیز بخواند ظفیر. [۱]

در دو رکعت اول فرائض ضم سورت را فراموش نمود وسجده سهوه را اداء کرد نمازش درست شده است: سوال: (۲۰۸۹) در نخستین دو رکعت فرائض یادریک رکعت ضم سورت را فراموش نمود فلهذا آیا باداء نمودن سجده سهوه نمازش درست خواهد شد یانه؟

جواب: ضم سورت واجب است وبترک نمودن آن سجده سهوه لازم میگردد فلهذا درصورت مسئوله باداء نمودن سجده سهوه نماز درست خواهد شد وضرورت براي اعاده نیست [۲] فقط.

اگر مسبوق مع الامام سلام بگرداند درآن مورد حکم چیست؟ سوال: (۲۰۹۰) اگر مسبوق سهوا مع الامام سلام بگرداند دراین موردسه صورت راعلماء نوشته اند یکي ۱.آنکه قبل از امام یا ۲ مع الامام سلام بگرداند پس نمازش بغیر از سجده سهوه درست است واگر ۳ بعد از امام سلام بگرداند دراین صورت بغیر از سجده سهوه اعاده لازم میباشد معنی مع الامام چیست؟

جواب: اگر بعد از امام اندک مؤخر نیز باشد بازهم سجده سهوه بر مسبوق لازم میگردد وبنا بر همین وجه در شامي نگاشته شده است که حقیقة دشوار وشاذ ونادر است ودر مورد آن بطور عموم حکم وجوب سجده سهوه کرده میشود [۳] فقط.

درقعده اخیر بعد از ختم نمودن درو دودعا بتأخیر سلام گردانید آیا سجده سهوه لازم است: سوال (۲۰۹۱) درقعده آخیر بعد از خواندن درود وتشهد تاوقتي سکوت نموده سلام نگشتاند بناء ایاسجده سهوه واجب است یانه؟ ودرصورت وجوب دوباره تشهد سجده سهوه را بگوید یا چطور؟

جواب: دراین صورت سجده سهوه واجب نیست [۴] فقط.

---

(۱) وکیفیته أن یکبر بعد سلامه الأول ویخر ساجدا و یسبح في سجوده ثم یفعل ثانیا کذلک ثم یتشهد ثانیا ثم یسلم ویأتي بالصلوة على النبي ﷺ والدعاء في قعدة السهو هو الصحیح الخ (عالمکیري مصري في سجود السهو ج۱ ص۱۱۷، ط. ماجدیة ج۱ ص۱۲۵). ظفیر

(۲) ولو قرأ الفاتحة وحدها و ترک السورة یجب علیه سجود السهو (عالمکیري مصري سجود السهو ج۱ ص۱۱۸، ط.ماجدیة ج۱ ص۱۲۶). ظفیر

(۳) ولو سلم ساهیا إن بعد إمامه لزمه السهو وإلا لا (درمختار) قوله لزمه السهو لأنه منفرد في هذه الحالة قوله وإلا لا، اى وإن سلم معه او قبله لا یلزمه لأن مقتد في هاتین الحالتین وفي شرح المنیة عن المحیط إن سلم في الأولى مقارنا لسلامه فلا سهو علیه لأنه مقتد به وبعده یلزم لأنه منفرد آه ثم قال فعلى هذا یراد بالمعیة حقیقتها وهو نادر الوقوع آه قلت یشیر إلى أن الغالب لزوم السجود لأن الأغلب عدم المعیة وهذا مما یغفل عنه کثیر من الناس (ردالمحتار باب الإمامة قبیل باب الإستخلاف ج۱ ص۵۶۰، ط.س. ج۱ ص۵۹۹). ظفیر =

لاحق همراه امام سجده سهوه نکند: **سوال:** (۲۰۹۲) لاحق همراه امام سجده سهوه بکند یانه؟ اگر نکند سپس درآن اثنا او چه باید گرد؟

جواب: دردر المختار مذکور است: که لاحق همراه امام سجده سهوه نکند دراخر نماز ان را اداء کند ودرآن اثنا همانطور بنشیند واگر همراه امام سجده سهوه را اداء نماید پس درآخر نماز نیز سجده سهوه را اداء کند ونمازش صحیح است [1] الدر المختار فقط.

اگر بعد از قرائت نمودن برخی از سورت سورت دیگر را شروع نمود آیا نمازش درست شده است یانه؟ **سوال:** (۲۰۹۳) یک نفبر درنماز فرض بعد تلاوت نمودن اَلْحَمْدُ لِلّٰه شریف رکوع آتي (یٰاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوا اتَّقُوْا اللّٰه) تا (کَالَّذِینَ نَسُوا اللّٰه) خواند سپس سورت دیگر را شروع نمود وبغیر از اداء نمودن سجده سهوه نماز رابه انجام رساند آیا نمازش درست شده است یانه؟

جواب: اگر تأخیر بقدر تحریمه نشده باشد پس سجده سهوه واجب نیست [2] ونمازش درست شده است ظفیر.

به یک آیت بزرگ نماز میشود: **سوال:** (۲۰۹٤) (۱) به یک آیت بزرگ نماز میشود یانه؟ یک آیت تلاوت نموده از وي فراموش شد ودرسورت دیگر پرداخت آیا نمازش درست شده است یانه؟ در قرائت بالکل محصور نگردیده بود آیا سجده سهوه بر او واجب است یانه؟

بعد از نسیان قرائت به چقدر وقت خاموش ایستاده شدن اما سجده سهوه واجب میگردد؟ **سوال:** (۲۰۹۵) (۲) اگر دروقت قرائت از وي فراموش شود پس به چقدر توقف نمودن سجده سهوه واجب میشود؟

جواب: (۱) میشود یک آیت دراز یاسه آیات کوتاه را با سورت فاتحه ضم نمودن نماز درست میشود وسجده سهوه لازم نمیشود [3].

---

(٤) أما لو تفکر في صلاة قبلها هل صلاها ام لا ففي المحیط انه ذکر في بعض الروایات انه لا سهو علیه وإن أخر فعلا کما لو تفکرمن أمور الدنیا حتی أخر وکذا الخ (رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۷، ط.س. ج۲ ص۹٤). ظفیر

(۱) وحکمه کمؤتم فلا یأتي بقراءة ولا سهو ویصلي فرضه بنیة إقامة ویبدأ بقضاء ما فاته عکس المسبوق (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الإمامة مطلب في المسبوق واللاحق والمدرک ج۱ ص۵۵۷، ط.س. ج۱ ص۵۹۵). ظفیر

(۲) منشا آن است که بعد از تلاوت نمودن حصه مذکور رکوع متذکره اگر فورا سورت دیگر را شروع نمود وبقدر رکن تاخیر ننمود پس سجده سهوه واجب نیست. واعلم أنه إذا شغله ذلک الشک فتفکر قدر اداء رکن ولم یشتغل حالة الشک بقراءة ولا تسبیح وجب علیه سجود السهو (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰٦، ط.س. ج۲ ص۹۳). ظفیر

(۳) وضم أقصر سورة کالکوثر اوما قام مقامها وهو ثلاث آیات قصار نحو (ثم نظر ثم عبس وبسر ثم أدبر واستکبر) وکذا لو کانت الآیة او =

جواب: (۲) بقدر اداء نمودن یک رکن توقف کردن سجده سهوه واجب میگردد [۱] فقط.

اگر خودش متیقن باشد که من رکعات را تکمیل نمودم اما مرد برایش کاهش رکعات را وانمود می نمایند پس چی باید بکند: **سوال:** (۲۰۹٦) (۱) شخصي متیقن است که من بعد از اداء نمودن چهار رکعت سلام گردانیده ام اما دونفر میگویند که تو بعد از سه رکعت سلام گشتاندي فلهذا آیا این نماز را اعاده نماید ویا بریقین خود باقي بماند؟

اگر بجاي دورکعت فجر چهار وبجاي چهار رکعت عصر شش رکعت را اداء نماید پس حکم آن چیست؟ **سوال:** (۲۰۹۷) (۲) نماز فجر را بجاي دو رکعت چهار رکعت اداء نمود وهمچنان نماز عصر را بجاي چهار رکعت شش رکعت اداء فرمود فلهذا آیا باداء نمودن سجده سهوه نماز درست خواهد شد یا خیر؟ اگر میشود پس دو رکعت آن نفل خواهد شد وبوجه کراهیت نماز دران هر دو اوقات نفل کننده گنهکار است یانه؟

جواب: (۱) نمازش صحیح است وبیقین خود اکتفاء نمودن کافي است [۲].

جواب: (۲) درآن صورت اگر قعده آخیر را کرده باشد سپس قیام نموده باشد ودو رکعت دیگر را ضم کرده باشد دراین صورت باداء نمودن سجده سهوه نماز او تکمیل میگردد وآن دو رکعت او نفل خواهد شد وبر اداء کننده هیچ گناه نیست.

قال فی الدر المختار: وضم اليهاسادسة لوفي العصر وخامسة فی المغرب ورابعة فی الفجر به يفتى لتصير الركعتان له نفلاً (قوله ولوفي العصر الخ) اشار الى آنه لا فرق فی مشروعية الضم بين الاوقات المكروهة وغيرها لما مران التنفل فيها انما يكره لو عن قصدو الا فلا وهو الصحيح [۳] شامي فقط.

= الأبعان تعدل ثلاثا قصارا (درمختار) وهي ثلاثون حرفا فلو قرأ اية طويلة قدر ثلاثين حرفا يكون قد أتي بقدر ثلاث ايات الخ (ردالمحتار باب صفة الصلوة واجبات الصلوة ج۱ ص٤۲۷، ط.س. ج۱ ص٤٥۸). ظفير

(۱) فلو اتم القراءة فمكث متفكرا سهوا ثم ركع الخ سجد للسهو (الدر المختار علی هامش ردالمحتار واجبات الصلوة ج۱ ص٤۳۷، ط.س. ج۱ ص٤٦۹) وتفكره عمدا حتى شغله عن ركن (درمختار) وأجاب في الحلية عن وجوب السجود في مسئلة التفكر عمدا بانه وجب لما يلزم منه من ترک واجب هو تأخير الركن او الواجب عما قبله فإنه نوع سهوا (الدر المختار باب سجود السهو ج۱ ص٦۹۳، ط.س. ج۲ ص۸۰). ظفير

(۲) واختلف الإمام القوم فلو الإمام على يقين لم يعد (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۷، ط.س. ج۲ ص۹٤). ظفير

(۳) رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۰، ط.س. ج۲ ص۸٦. ظفير

در سنن بجاي التحيات فاتحه را خواند آيا سجده سهوه لازم ميشود يانه؟ سوال: (۲۰۹۸) درسنت موكد بجاي تشهد فاتحه را قرائت نمود وقتيكه بيادش آمد پس التحيات را خواند دراين صورت بر او سجده سهوه واجب است يانه؟

جواب: نيست [۱] دراين مورد تفصيل چنين است كه اگر سورت فاتحه را بجاي تشهد خواند ويا نخست فاتحه را تلاوت كرد سپس تشهد را پس درهر دو صورت سجده سهوه لازم ميشود واگر نخست تشهد راخواند سپس فاتحه را تلاوت كرد پس سجده سهوه لازم نخواهد شد. ظفير الدين

سجده سهوه بخفيه خواندن درنماز جهري: سوال: (۲۰۹۹) در جمعه وغيره نماز هائيكه حكم قرائت بالجهر است اگر درآنها بفراموشي خفيه قرائت نمايد آيا سجده سهوه واجب خواهد شد يانه؟

جواب: در نمازي كه جهر واجب نيست دران بترك جهر سجده سهوه واجب نخواهد شد ودرآن نمازي كه جهر واجب است مانند نماز جمعه كه در آن بترك جهر بالقراة سجده سهوه واجب ميشود [۲] اما درمورد خود نماز جمعه حكم سجده سهوه نيست [۳] وباقي التفصيل يطلب من كتب الفقه.

سلام گردانيدن مسبوق مع الامام وسجده سهوه: سوال: (۲۱۰۰) دركدام صورت سلام گردانيدن مسبوق براو سجده سهوه لازم ميگردد درصورت مقارنت يا درصورت تعديت بهرحال علت سجده سهوه چيست؟

جواب: مقارنت حقيقة نادر الوقوع است يعني آنكه سلام مسبوق بالكل مع الامام شروع شود وهمراهش بپايان رسد ونا در الوقوع بودن آن بعد ازسلام گردانيدن سهوا مسبوق سلام گردانيد

---

(۱) واذا قرا الفاتحة مكان التشهد فعليه السهو وكذلک إذا قرأ الفاتحة ثم التشهد كان عليه السهو وكذا روي عن ابي حنيفة الخ ولو بدأ بالتشهد ثم بالقراءة فلا سهو عليه الخ (عالمكيري مصري الباب الثاني عشر في سجود السهو ج۱ ص۱۱۹، ط.س. ج۱ ص۱۲۷) ازين معلوم شد كه در اين صورت سجده سهوه لازم است. والله اعلم. ظفير

(۲) والجهر فيما يخافت فيه للإمام وعكسه لكل مصل في الأصح والأصح تقديره بقدر ما تجوز به الصلوة في الفصلين وقيل قائله قاضيخان يجب السهو بهما أى بالجهر والمخافة مطلقا اى قل اوكثر (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۴ – ۶۹۵، ط.س. ج۲ ص۸۱). ظفير

(۳) والسهو في صلوة العيد والجمعة والمكتوبة والتطوع سواء والمختار عند المتاخرين عدمه في الأولين لدفع الفتنة كما في جمعة البحر. (ايضا ج۱ ص۷۰۵، ط.س. ج۲ ص۹۲). ظفير

پس سجده سهوه براولازم است زیرا بعدیت درآنجا متحقق [۱] است فقط.

اگر درمیان برخی از آیت ترک شود آیا سجده سهوه خواهد واجب شد یانه؟ سوال:

(۲۱۰۱) از آیت اخري سورت بقره: (لَايُكَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا اِلاَّ وُسْعَهَا) نماز را شروع نمود اما سهوا (رَبَّنَا وَلَاتُحَمِّلْنَا مَالاَ طَاقَةَ لَنَا بِهٖ وَاعْفُ عَنَّا ربنا) را ترک نمود وآیت بعد را تا به آخر تلاوت نمود بناء آیا سجده سهوه واجب است یانه؟

جواب: دراین صورت سجده سهوه واجب نیست ونماز درست شده است [۲] فقط.

بعد از سجده سهوه اگر بجاي تشهد اَلْحَمْد را بخواند پس حکم آن چیست؟ سوال:

(۲۱۰۲) زید در نماز بسبب ترک نمودن واجب سجده سهوه نمود وبعد از آن او بجاي تشهد اَلْحَمْدُ شریف راخواند وقتیکه بیادش آمد پس اوثانیا سجده سهوه نماید ویا فورا تشهد را شروع کند؟

جواب: از سرنو تشهدرا بخواند وثانیا ضرورت براي سجده سهوه نیست [۳] فقط.

اگر مقتدي یک رکن را فراموش نماید او چه باید بکند؟ سوال: (۲۱۰۳) ازمقتدي که بدنبال امام است یک رکن نماز فراموش شود مثلا رکوع سجده ویا التحیات را فراموش کند آب آن را تکمیل نماید یاسجده سهوه بکند؟

جواب: اگر از مقتدي که بدنبال امام است یک رکن مانند رکوع یا سجده ترک شود پس آن را در داخل نماز یا بعد از نماز تکمیل نماید واگر بدنبال امام ازوي واجب ترک شود مانند التحیات پس اعاده آن لازم نیست وسجده سهوه نیز براو واجب نیست کما في الدر المختار: لاسهوه اصلا در متخار ای لا قبل السلام للزوم مخالفة ولابعده لخروجه عن الصلاة بسلام الامام الخ وروی ابن عمر ﷺ عن النبی ﷺ لیس من خلف الامام سهواً [۴] الخ شامی فقط.

بعد ازرکعت چهارم فورا قیام نمود ورکعت پنجم رانیز اداء کرد سجده سهوه نموده نماز

---

(۱) والمسبوق يسجد مع إمامه مطلقا سواء كان السهو قبل الإقتداء او بعده الخ (درمختار) قيد بالسجود لأنه لا يتابعه في السلام بل يسجد معه ويتشهد فإذا سلم الامام قام إلى القضاء فإن سلم عامدا فسدت وإلا لا، ولا سجود عليه إن سلم سهوا قبل الإمام او معه وإن سلم بعده لزمه لكونه منفردا حينئذ بحر، والمراد بالمعية المقارنة وهو نادر الوقوع كما في شرح المنية (رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۶). ظفير

(۲) در آن کدام وجه برای سجده سهوه نیست زیرا کدام ترک واجب یا تقدیم وتاخیر آن همراهش لازم نمیشود ظفیر.

(۳) وإذا قرء الفاتحة مكان التشهد فعليه السهو وكذلك إذا قرأ الفاتحة ثم التشهد كان عليه السهو كذا روى عن ابي حنيفة الخ ولو بدء بالتشهد ثم بالقراءة فلا سهو عليه (عالمكيري مصري باب سجود السهو ج۱ ص۱۱۹، ط.س. ج۱ ص۱۲۷). ظفير

(۴) ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۵، ط.س. ج۲ ص۸۲. ظفير

را بانجام رساند دراین مورد حکم چیست؟ سوال: (۲۱۰٤) چهار رکعت نماز عشاء اداء شد در این اثنا امام بدان فکر که نماز سه رکعت اداء شده است قیام نمود برخي از مقدیان نشستند وبراي امام اشاره نمودند لکن نشست ننمودند بلکه رکوع وسجده رکعت پنجم را اداء نمود وسجده سهوه را اداء گرده نماز را بپایان رساند بناء آیا درصورت مذکوره نماز امام درست شده است یانه؟ وآن عده مقتدیان که بغرض قعده آخر نخست نشسته بودند وسپس با امام در رکوع رکعت پنجم شامل شده بودند. آیا نماز آنها همچنان درست شده است یانه؟

جواب: وقتیکه امام در رکعت چهارم نشست ننمود وبه رکعت پنجم ایستاده شده رکوع وسجده نمود ونشست فلهذا بوجه فوت شدن قعده اخیر نماز امام درست نشده است وقتیکه نماز امام درست نشده است پس نماز امام مقتدیان بطریق اولی درست نشده است خواه مقتدي مسبوق باشد یا مدرک [1].

اگر قرائت مکرر شود حکم آن چیست؟ سوال: (۲۱۰۵) شخصي یک رکوع را مکررا در در رکعت قرات نمود وسجده سهوه را نیز نکرد آیا نمازش درست شده است یاخیر؟

جواب: دراین صورت نمازش درست شده است وسجده سهوه واجب نیست [2] فقط.

سجده سهوه بعد از یک سلام است ویا انکه بعداز دوسلام میباشد: سوال: (۲۱۰٦) سجده سهوه را بعد از یک سلام اداء نماید ویا بعد از هردو سلام ها؟

جواب: بعد ازیک سلام اداء نماید فقط: دلیله قول درالمختار: یجب بعد سلام واحد عن یمینه الی قوله سجدتان فقط والله تعالی اعلم.

بتکرار آیت سجده سهوه لازم است یانه؟ سو ال (۲۱۰۷) نماز تراویح که سنت مؤکد است اگر در آن یک نفر یا پیش امام قاري درجماعت بیست نفري اگر یک آیت راسه یا چهار دفعه قرائت نماید آیا سجده سهوه برایش ضروري است یانه؟ بخاطر آنکه در کتاب اردو مفتاح الصلاة: ص ۸۲ تحریر نموده است که اگر همان آیت را دو یاسه دفعه تکرار نمود سجده سهوه براولازم است درالدر المختار جلد اول: ص۳۳۸ نوشته است: که در تراویح از آن احتراز نماید

---

(۱) وإن سهى عن القعدة الأخيرة حتى قام إلى الخامسة رجع إلى القعدة ما لم يسجد الخ وإن قيد الخامسة بسجدة بطلت فرضه عندنا (هدايه باب سجود السهو ج۱ ص۱٤۲). ظفير

(۲) لا بأس أن يقرأ سورة ويعيدها في الثانية (درمختار) أفاد أنه يكره تنزيها وعليه يحمل جزم القنية بالكراهة الخ (ردالمحتار فصل في القراءة ج۱ ص۵۱۰، ط.س. ج۱ ص۵٤٦). ظفير

از سخنان نامشروع وغیره فلهذا آیا درآن صورت هاي فوق الذکر سجده سهوه اداء نمودن بکار است یانه؟ بناء لطف نموده بحواله کتاب برایم آن را تحریر فرمائید فقط.

جواب: اگر یک آیت بمراتب مکررا قرائت شود از آن سجده سهوه لازم نمیگردد ودر مفتاح الصلاة که چیزي نوشته است درفهم بنده نیامد وشاید مراد از آن چنین موقع باشد که تنها یک آیت را مکررا قرائت نموده باشد ودیگر چیزي را نخوانده باشد یاتنها سورت فاتحه را خوانده باشد لکن سورت را نخواند فلهذا بسبب ترک نمودن واجب درآن صورت سجده سهوه لازم میگردد مگر در تراویح همچنان نمیشود تا که چیزي دیگر را نخوانده باشد ودرتراویح اکثر اوقات چنین معضله عارض میگردد که بسبب عدم یاد شدن آیت آتي یک آیت را بدفعات اعاده مي نماید که در آن صورت هیچ نوع گنجایش لزوم سجده سهوه نمودن اولی است بل الاولی ترکه لئلا یقع الناس في فتنة ودر در المختار نیز بعد از نقل نمودن این عبارت که شما نوشته اید چنین نگاشته است که مختار عند المتاخرین آنست که سجده سهوه را نکند فقط والله تعالی اعلم.

(والسهو في صلوة العید والجمعة والمکتوبة والتطوع سواء والمختار عند المتاخرین عدمه في الاولین الدر المختار باب سجود السهو) قال في الشامي: الظاهر آن الجمع الکثیر فیما سواهما کذلک شامي: ج ۱ ص ۷۸۷. جمیل الرحمٰن.

یک سجده را کرد وایستاده شد اکنون چه بایدکرد؟ **سوال:** (۲۱۰۸) شخصي در رکعت اولین نماز در دوسجده تنها یک سجده را اداء نموده ایستاده شد وقتیکه بیادش آمد که یک سجده را اداء نمودم پس درآن حالت چه باید کرد؟

جواب: هر وقتیکه بیادش آمد در همان وقت سجده دوم را باید کرد سپس در اخر سجده سهوه را اداء کند [1] فقط.

اضافه نمودن درتکبیرات زوائد موجب سجده سهوه نیست: **سوال:** (۲۱۰۹) درنماز های عیدین بنا برغلطي اگر بجاي شش تکبیر نو ۹ تکبیر بگوید آیا سجده سهوه لازم خواهد شد یانه؟

جواب: نیازي براي سجده سهوه نیست [2].

---

(۱) لو ترک سجدة من رکعة ثم تذکرها فیها بعدها من قیام او رکوع او سجود فإنه یقضیها ولا یقضیها هو بعد رکعتها من قیام او رکوع او سجود بل یلزمه سجود السهو فحسب. کبیري ص۲۹۱. جمیل الرحمن)

(۲) ویصلي الإمام بهم رکعتین مثنیا قبل الزوائد وهی ثلاث تکبیرات في کل رکعة ولو زاد تابعه إلی ستة عشر لأنه ماثور آهـ درمختار ج۱ ص۷۰۸، ط.س. ج۲ ص۱۷۲. ظفیر

امام قعده او را ترک نمود وایستاده شد سپس نشست حکم آن چیست؟ سوال: (۲۱۱۰) امام قعده اولی را ترک نموده ایستاده شد وقتیکه برایش اطلاع داده شد اونشست وسجده سهوه اداء نمود آیا نماز درست شده است یا نه؟

جواب: اگر امام سهوا قعده اولی را اداء ننموده بلکه ایستاده شد وبعد از یادهانی نشت وسجده سهوه را اداء کرد پس اولی را اداء کرد پس بنا بر قول صحیح نمازش درست شده است لکن براي او واپس رجوع نمودن بکار نبود بلکه این عمل او ناپسند است بعض فقهاء کرام رح دراین صورت حکم بفساد نماز نموده است اما صحیح آنست که نماز میشود فقط والله اعلم.

همراه فاتحه تنها دو آیت کوتاه را خواند پس حکم آن چیست؟ سوال: (۲۱۱۱) (۱) در نماز بعد از سورت فاتحه سورت والعادیات را قرائت نمود اما تنها بعد از اینقدر قرائت نمودن برکوع رفت (وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا (۲) فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا) آیا دراین صورت سجده سهوه برقرائت کننده لا زم است یا نه؟

در والعادیات لفظ فَالْمُغِيرَات را ترک نمود پس آن چیست؟ سوال: (۲۱۱۲) (۲) بعد از الحمد والعا دیات را قرائت نمود لکن فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا را ترک نمود ومتباقی همه سورت را خوانده آیا سجده سهوه بر او لازم است یانه؟

بعد از درود ودعا سجده سهوه را اداء نماید یانه؟ سوال: (۲۱۱۳) (۳) اگر سجده سهوه را اداء مي نمود اما درود شریف ودعاي مأثوره را همچنان خواند آیا سجده سهوه را اداء نماید یانه؟

جواب: (۱) دراین صورت واجب ترک شدہ است واگر سهوا چنین شده باشد پس سجده سهوه بذمه اش واجب است که آن را اداء نماید واگر سهوا چنان نشده باشد دراین صورت نماز را اعاده فرماید: في الدر المختار فی بیان واجباتْ الصلوة: وضم سورة کالکوثر او ماقام مقامهم الخ جمیل الرحمٰن.

جواب: (۲) دراین صورت سجده سهوه نیست.

جواب: (۳) سجده سهوه بعد از درود شریف نیز اداء نمودن بکار است فقط.

در نماز جهري سرا قرائت نمود سپس از آن بجهر خواند حکم آن چیست؟ سوال: (۲۱۱٤) امام در نماز جهري سرا قرائت نمود وبعد از آن بیادش آمد که نماز جهر است لکن امام اندک قرائت نموده بود اما اوثانیا از سرنو قرائت را آغاز نمود آیا نمازش درست شده است

یانه؟ وآیا سجده سهوه را اداء کند یا خیر واگر سجده سهوه را اداء نکرد آیا نماز درست شده است یانه؟

جواب: نمازش درست شده است ونیازي براي اعاده اش نیست واگر بمقدار سه آیات سرا قرائت نموده بود دراین وقت سجده سهوه بر ذمه اش واجب است ورنه لازم نیست و اگر با وجود وجوب سجده سهوه را اداء نکند پس در نماز نقصان وارد شده است و اعاده اش واجب است [1].

در نوافل وسنن سجده سهوه است یانه؟ سوال (۲۱۱۵) در نوافل وسنن وهمچنان درنماز هاي عیدین سجده سهوه است یانه؟.

جواب: در در المختار آمده است: والسهو في صلاة العدين والجمعة والمكتوبة والتطوع سواء والمختار عند المستاخرين عدمه في الاولين الخ خلاصه عبارت فوق آنست که در نماز هاي عیدین و جمعه.و فرائض ونوافل بترک واجب سجده سهوه واجب ولازم است لکن متاخرین گفته اند که اگر درنماز هاي عیدین وجمعه ازدحام مردم زیاد بود پس سجده سهوه را نکند براي رعایت دفع نمودن فتنه فقط.

براي شافعي در نماز فجر رعایت چگونه است؟ سوال (۲۱۱٤) اگر امام حنفي براي رعایت نمودن مقتدیان شافعي المذهب در نماز فجر در رکعت دوم درقعده آنقدر مکث وتوقف کند که ایشان از خواندن قنوت فارغ شوند پس این چگونه است آیا نمازش درست خواهد شد یانه؟ و بدنبال همچو امام نماز خواندن بکار است یانه؟ اگر بدنبال او نماز را اداء کرد آیا مکروه خواهد باشد یا بغیر از کراهیت؟ ودر کدام امور براي امام حنفي رح رعایت مقتدي شافعي جائز است وبخاطر مقتدي شافعي آیا امام حنفي قبل از سلام سجده سهوه را اداء نموده میتواند یاخیر؟

جواب: در درالمختار مذکور است: لکن یندب للخروج من الخلاف لاسیما للامام لکن بشرط عدم لزوم ارتکاب مکروه مذهبه [2] الخ یعني براى امام رعایت داشتن صاحب مذهب دیگر مثلا رعایت مقتدیان شافعي المذهب مستحب است لکن بشرطیکه ارتکاب مکروه مذهب خویش لازم

---

(۱) یجب له بعد سلام واحد سجدتان (الی قوله) بترک واجب سهو وإن تکرر کرکوع قبل قراءة (إلی أن قال) والجهر فیما یخافت فیه وعکسه بقدر ما یجوز به الصلوة الخ (تنویر محضا سجود السهو ج۱ ص۷۷٦، ط.س. ج۲ ص۷۸). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الطهارة مطلب في ندب مراعاة الخلاف الخ ج۱ص۱۳٦،ط.س. ج۱ ص۱٤۷. ظفیر

نشود و شامي فرموده است که مکروه تنزيهي همچنان درآن شامل است يعني اگر ارتکاب مکروه تنزيهي مذهب خويش لازم ميگردد پس دراين وقت رعايت مقتديان شافعي المذهب وغيره را نبايد کرد پس بناء بر اين امام حنفي درنماز فجر بعد از قيام نمودن از رکوع درقومه بخاطر رعايت مقتدي شافعي المذهب انقدر توقف ننمايد که او دعاي قنوت را بخواند زيرا اين توقف وه است ودر شامي مذکور است: نعم ذکر نحوه ابن عبد الرزاق في شرحه على هذه الشرح کاطالة وقوفه بعد الرفع من الرکوع [1] الخ واين مثال را ارائه نموده است که اين ترک اطالت وقوف بعد الرکوع واجب است پس دراين توقف مذکور ترک واجب خواهد شد که اين مکروه تحريمي است فلهذا بعقب همچو امام نماز مکروه ميباشد وهمچنان قبل از سلام سجده سهوه اداء نمودن براي امام حنفي بخاطر رعايت مقتدي بکار نيست که آن هم مکروه تنزيهي است. کما في الشامي انه لوسجد قبل السلام کره تنزيها [2] الخ: ج ۱ ص ٤۹۵ باب سجود السهو فقط.

در نماز چهار رکعتی امام بعد از سه رکعت سلام گردانید وقتیکه از جانب مقتدیان فتح را شنید ایستاده شد بناء حکم آن چیست؟ **سوال:** (۲۱۱۷) امام وقتيکه در نماز چهار رکعت سه رکعت را اداء نمود او سلام گشتاند پس اکنون امام رو به قبله نشسته است ودر مابين مقتديان زمزمه وشور شغب شد درمورد تعداد رکعت که چند رکعت اداء شده است آيا چهار ياسه وباشنيدن اين زمزمه امام الله اکبر گفته ايستاده شد ورکعت چهارم را تکميل نموده سجده سهوه را اداء کرد وسلام گشتاند فلهذا آيا نماز امام ومقتديان درست شده است يانه؟

جواب: اگر امام چيزي تکلم نکرده بود پس نماز او درست شده است وآن عده مقتديان که سخن ننموده بودند نماز آنها نيز درست شده است ومقتديان که سخن نموده بودند نماز ايشان درست نشده است وآنان نماز خود را اعاده نمايند [3] فقط.

کسي که در رکعت ششم شریک شد نمازش درست نیست: **سوال:** (۲۱۱۸) امام بر رکعت پنجم ايستاده شد ورکعت ششم را تکميل نموده سجده سهوه را اداء فرمود وسلام گشتاند ودر

(۱) رد المحتار باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة قبيل مطلب مهم في تحقيق متابعة الإمام ج۱ ص۴۳۸، ط.س. ج۱ ص۴۷۰. ظفير

(۲) رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۶۹۱، ط.س. ج۲ ص۷۸. ظفير

(۳) سلم مصلي الظهر مثلا على رأس الرکعتين توهما إتمامها أتمها اربعا وسجد للسهو لأن السلام ساهيا لا يبطل لأنه دعائه من وجه (درمختار) قوله لأنه دعائه من وجه اى فلذا خالف الکلام حيث کان مبطلا ولوساهيا (رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰٤، ط.س. ج۲ ص۹۱). ظفير الدين غفر له

رکعت پنجم شخصي دیگر شریک شد آیا نماز او صحیح شده است یاخیر؟

جواب: اگر امام دررکعت چهارم بعد از نشستن بقدر تشهد سهوا ایستاده شد وسجده رکعت پنجم را نیز ادا نمود پس او باید که رکعت ششم را نیز همراهش یکجا نماید ودر آخر سجده سهوه بکند فلهذا نماز فرضش کامل شده است واگر شخصي در رکعت پنجم یا ششم مقتدي این امام گردید دراین صورت نماز مقتدي درست نخواهد شد بخاطر این دو رکعت امام نفل است [1] هکذا في الشامي.

در جمعه وعیدین سهوه است یانه؟ **سوال:** (۲۱۱۹) در نماز جمعه وعیدین سهوه است یانه؟

جواب: دراین مورد قول مختار متأخرین آنست وقتیکه در عیدین وجمعه از دحام واجتماع مردم زیاد میباشد فلهذا سجده سهوه را نکند کذا في الدر المختار والشامي [2].

درفرض فجر بفراموشی بجای التحیات الحمد راخواند وقتیکه بیادش آمد پس التحیات را نیز خواند آیا نماز درست شده است یانه؟ **سوال:** (۲۱۲۰) درنماز فجر صبح امام سهوا بجاي التحیات اَلْحَمْدُ شریف یا دیگر آیات قرآني را قرائت نمود سپس بیادش آمد والتحیات را نیز خوانده وسجده سهوه اداء کرد در این صورت آیا سجده سهوه واجب است وآیا نماز درست شده است یانه؟

جواب: چونکه دراین صورت تاخیر واجب انجام شده است فلهذا سجده سهوه واجب است وباداء نمودن سجده سهوه نماز دوست شده است.

امام بفراموشی درقعده او هر دوطرف سلام گرانید آیا او متباقی نماز را اداء نموده میتواند یانه؟ **سوال:** (۲۱۲۱) امام درقعده اولی بنا برفراموشي هر دوطرف سلام گشتاند پس اکنون متباقي نماز را اداء نموده میتواند یاخیر؟ وبا هر دوطرف سلام گردانیدن نماز درست میشود یانه؟

جواب: با هردوطرف سهوا سلام گردانیدن نماز فاسد نمیشود ومتباقي رکعات را اداء نماید وسر

---

(۱) لو إقتدى به مفترض في قيام الخامسة بعد القعود قدر التشهد لم يصح ولو عاد إلى القعدة لأنه لما قام إلى الخامسة فقد شرع في النفل فكان إقتداء المفترض بالمتنفل (رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۱، ط.س. ج۲ ص۸۸). ظفير

(۲) والسهو في صلوة العيدين والجمعة والمكتوبة والتطوع سواء والمختار عند المتأخرين عدمه في الأوليين لدفع الفتنة (درمختار) وفي جمعة حاشية إلى السعود عن العزمية أنه ليس المراد عدم جوازه بل الأولى تركه لئلا يقع الناس في فتنة (ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص.....، ط.س. ج۲ ص۹۲). ظفير

انجام سجده سهوه را اداء کند پس نماز صحیح خواهد شد.[۱]

اگر درقعده او بعد از تشهد درود بخواند یا سلام بگرداند آیا سجده سهوه برآن لازم است یانه؟

سوال: (۲۱۲۲) در نماز چهار رکعتي بعد از تشهد رکعت دوم یک چند الفاظ درود شریف را اضافي خواند آیا بر اوسجده سهوه واجب باشد یانه؟ واگر هردو طرف سلام گردانید دراین مورد حکم چیست؟

جواب: سجده سهوه بر او واجب است ودرصورتیکه هر دوطرف سلام گردانید نیز سجده[۲] سهوه واجب میباشد که باید اداء نماید.

اگرسجده سهوه بر او واجب شود وبعد از هر دو طرف سلام گردانیدن بیادش شود پس چه باید بکند؟ **سوال:** (۲۱۲۳) اگر در یک نماز سجده سهوه واجب شد وبعد از هر دو طرف سلام گردانیدن برایش یاد شد که دراین مورد حکم چیست؟

جواب: سجده سهوه را بکند[۳].

درکم ازسه آیات اگر از وي فراموش شد آیا سورت دیگر را یکجا نماید یانه؟ **سوال:** (۲۱۲٤) اگر از نماز گذار درکم از سه آیات فراموش شود وسورت دیگر را ضمیمه ویکجا نماید دراین کدام حرج است؟ واگر ضم سورت دیگر نمود آیا سجده سهوه بکند یانه؟

جواب: سجده سهوه لازم نخواهد شد[٤].

اگر درسنت فجر بفراموشي به رکعت سوم ایستاده شد پس چه باید کرد؟ **سوال:** (۲۱۲۵) اگر شخصي در سنت فجر در رکعت اول سورت فلق ودررکعت دوم سورت الناس را قرائت نماید وبعد از رکعت دوم بفراموشي به رکعت سوم ایستاده شد پس چه باید کرد؟

جواب: وقتیکه درحالت قیام بیادش آمد پس بنشیند وبعداز تشهد خواندن سجده سهوه را اداء

---

(۱) إلا السلام ساهيا للتحليل اى للخروج من الصلوة قبل إتمامها على ظن إكمالها فلا يفسد (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب ما يفسد الصلوة وما يكره فيها ج۱ ص۵۷۵). ظفير

(۲) وتأخير قيام إلى الثالثة بزيادة على التشهد بقدر ركن وقيل بحرف وفي الزيلعي الأصح وجوبه باللهم صل على محمد (ايضا باب سجود السهو ج۱ ص٦٩٤، ط.س. ج۲ ص۸۱). ظفير

(۳) ولو نسي السهو او سجدة صلوتية او تلاوية يلزمه ذلک مادام في المسجد (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰٤، ط.س. ج۲ ص۹۱). ظفير

(٤) يكره أن يفتح من ساعة كما يكره للإمام أن يلجئه إليه بل ينتقل إلى آية أخرى لا يلزم من وصلها ما يفسد الصلوة او إلى سورة اخرى (ردالمحتار باب مايفسدالصلوة ومايكره فيها ج۱ ص۵۸۲، ط.س. ج۱ ص٦۲۲). ظ

کند [۱]. فقط

تنها سورت فاتحه یا تنها سورت را قرائت نمود وبه رکوع رفت دراین مورد حکم چیست؟

سوال: (۲۱۲٦) اگر کسي در نماز فجر تنها بعد ازقرائت نمودن سورت به رکوع برود یا الحمد را بگذارد ویک سورت را قرائت نماید وبه رکوع برود پس حکم آن چیست؟

جواب: در هر دو صورتین سجده سهوه واجب است ونمازش درست شده است [۲].

اگر سجده سهوه واجب شد وآن را اداء ننمود حکم آن چیست؟ **سوال:** (۲۱۲۷) اگر سجده سهوه واجب گردید وآن را اداء نکند حکم آن چیست؟

جواب: اگر سجده سهوه واجب شد وآن را اداء ننمود پس اعاده [۳] نماز واجب است.

برای اداء نمودن چیزی بامانده از رکوع بطرف قیام رجوع نمودن چگونه است؟ **سوال:** (۲۱۲۸) از رکوع بطرف قیام بدان فکر رجوع نمودن که یک سنت باقیمانده یا واجب را اداء نماید سُخن عام است که واقعا چیزي از آن هر دو باقیمانده باشد یانه؟ وبطرف قیام واپس من قصدا یا سهوا رجوع نمودن درسائر صورت هاي متذکره از رکوع بطرف قیام آمدن چه حکم دارد؟

جواب: درسائر صورت های متذکره مسئوله سجده سهوه واجب است واعاده نماز لازم نیست [٤] لکن متاخرین ترک سجده سهوه را در عیدین وجمعه اولی فرموده اند بسبب انبوه وازدحام مردم فقط.

در رکعت سوم جلوس نمود لکن فورا ایستاده شد حکم آن چیست؟ **سوال:** (۲۱۲۹) امام

---

(۱) سها عن القعود الأول من الفرض عمليا أما النفل فيعود ما لم يقيد بالسجدة ثم تذكره عاد إليه وتشهد ولا سهو عليه في الأصح (درمختار) لا سهو عليه في الأصح يعني إذا عاد قبل أن يستتم قائما الخ واما إذا عاد وهو إلى القيام أقرب فعليه سجودالسهو (رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص٦۹٦، ط.س. ج۲ ص۸۳). ظفير

(۲) ولها واجبات لا تفسد بتركها وتعاد وجوبا في العمد والسهو الخ وهي الخ لقراءة فاتحة الكتاب فيسجد للسهو بترک اكثرها لا اقلها لكن في المجتبى يسجد بترک اية منها وهو أولى الخ وضم أقصر سورة (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤۲٤، ط.س. ج۱ ص٤٥٦). ظفير

(۳) ولها واجبات لا تفسد بتركها وتعاد وجوبا (الدر المختار على هامش ردالمحتار مطلب واجبات الصلوة ج۱ ص ٤۲٤، ط.س. ج۱ ص٤٥٦). ظفير

(٤) ولو نسيه اى القنوت ثم تذكره في الركوع لا يقنت فيه لفوات محله ولا يعود إلى القيام في الأصح لأن فيه رفض الفرض للواجب فان عاد إليه وقنت ولم يعد الركوع لم تفسد صلوته الخ وسجد للسهو (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج۱ ص٦۲٦، ط.س. ج۲ ص۹). ظفير

در رکعت سوم سهوا نشست وبا الحمد لله گفتن مقتدي فورا ايستاده شد ودر حين جلوس بوجه شک به انتظار الحمد لله چيزي رانخوانده بود وبدنبال آن سجده سهوه رانکرد آيا نماز درست شده است يانه؟

جواب: اگر معمولي واندک نشست صورت گرفته بود ومدت طولاني را در نشست دربر نگرفته بود پس دراين صورت سجده سهوه واجب نيست ونمازش درست شده است [۱].

بعد از قعده اخير بفراموشي ايستاده شد پس چه بايد كرد؟ سوال: (۲۱۳۰) درنماز بعد از اداء نمودن قعده آخر نماز خوان ايستاده شد وقتيکه بيادش آمد واپس نشست بناء اکنون او براي اداء نمودن سجده سهوه بعد از خواندن التحيات به يک طرف سلام بگرداند ويا آنکه بغير از قرائت آن؟

جواب: دوباره براي خواندن التحيات ضرورت نيست زيرا قعده وتشهد قبلا خوانده شده است ونشسته اوسلام بگرداند وسجده سهوه را اداء نمايد وبعد از خواندن التحيات وغيره سلام اختتام را بگرداند درشامي مذکور است: قوله عاد وسلم الخ وفيه اشارة الى آنه لايعيدالتشهد وبه صرح في البحر [۲].

بعد ازثناء خواندن به رکوع رفت سپس بيادش آمدكه قرائت ترک شد: سوال: (۲۱۳۱) (۱) زيد بعد از نيت نمودن سبحانک اللهم راخواند وبه رکوع فرود رفت وبعداز تسبيح گفتن بيادش آمد که قرائت راترک نمودم اکنون برايش چه کردن بکار است؟

رکوع را فراموش نمود: سوال: (۲۱۳۲) (۲) نماز خوان بعد از نيت نمودن قرائت خواند اما رکوع ننود بلکه بطرف سجده رفت وبعد از اداء نمودن هر دوسجده بيادش آمد که رکوع را اداء نمودم الان براي اوچه کردن بکار است؟

تنها يک سجده كرد: سوال: (۲۱۳۳) (۳) نماز گذار در رکعت اول تنها يک سجده راکرد ودر رکعت دوم بيادش شد که من يک سجده کردم اکنون براي او چه کردن بکار است؟

امام بفراموشي به ركعت ايستاده شد آيا مقتدي متابعت اورا بكند؟ سوال: (۲۱۳۴) (٤)

---

(۱) ويكره للنهوض على صدور قدميه بلا إعتماد وقعود الراحة ولو فعل لا بأس به (درمختار) ولا ينافي هذا ما قدمه الشارح في الواجبات حيث ذكر منها ترک قعود قبل ثانية ورابعة لأن ذلک محمول على القعود الطويل ولذا قيدت الجلسة هنا خفيفة (رد المحتار فصل في بيان تأليف الصلوة، ط.س. ج۱ ص۴۹۷). ظفير

(۲) رد المحتار باب سجود السهو ج۱ ص۷۰۰. ظفير

امام چهار رکعت را اداء نمود ودرقعده اخیر تنها التحیات راخواند وسهوا ایستاده شد ومقتدي اورا فتحه ندادونه میخواهد که او را فتح بدهد وبراي مقتدیان معلوم است که این رکعت پنجم است پس اکنون مقتدیان بعد ازکامل خواندن التحیات سلام بگرداند ویا اقتداء امام را بکند؟

زید در دورکعت آمد وبا امام یکجا شریک شد وامام بعداز اداء نمودن قعده آخر سهوا قیام نمود ومقتدي اورا فتحه داد اما امام فتحه را نگرفت اکنون براي زید اقتداء وتقلید امام بکار است یانه؟

فتح دادن: سوال: (۲۱۳۵) (۵) امام در داخل سه آیات برایش متشابه عارض شد اکنون مقتدیان برایش فتح بدهند یانه؟

فتح دادن بعد از قرائت سه آیات: سوال: (۲۱۳۶) (۶) امام بعد از الحمدسه آیات را درست قرائت نمود اکنون برایش فتح داده شود یانه؟

سائر رکعات را پراداء نمود حکم آن چیست؟ سوال: (۲۱۳۷) (۷) امام سه یا چهار رکعات را پر اداء نمود اکنون برایش سجده سهوه کردن بکار است یانه؟

قرائت درسنن ونوافل: سوال: (۲۱۳۸) در سائر دو رکعت نخستین نماز هاي نوافل سنن وفرائض قرائت نمودن سورت فاتحه واجب است آیا در دورکعت آخري نیز واجب است یاخیر؟ اگر در آخري دورکعت سورت فاتحه را نخواند نمازش صحیح باشد یانه؟

جواب: (۱) خواندن بکار است ودرآخر سجده سهوه را اداء نماید: المتروک ثلثة انواع فرض وسنة وواجب ففي الاول ان آمکنه التدارک بالقضاء یقضي الی قوله ولایجب السجود الا بترک واجب اوتاخیره او تاخیر رکن الخ عالمگیري کشوري: ج۱ ص ۱۲٤ ظفیر.

جواب: (۲) ازسجده قیام نماید ورکوع کند سپس درآخر سجده سهوه بکند: ولا یجب السجود الا بترک واجب اوتاخیر رکن او تقدیمه اوتکراره عالمگیری کشوري: ج ۱ ص ۱۲٤ ظفیر.

جواب: (۳) آن سجده را اکنون اداء نماید وبعد از اداء نمودن رکعت درآخر سجده سهوه رابکند[۱]

جواب: (٤) هردو اختیار را دارد لکن هرکسي که از ابتداء شریک نیست مسبوق است اگر

---

(۱) فلو ترک سجدةمن رکعة فتذکرها في اخر الصلوة سجدها وسجد للسهو لترک الترتیب فیه ولیس علیه إعادة ما قبلها. (عالمگیري کشوري ج۱ ص۱۱۵). ظفیر

اقتداء او را بکند فرضش باطل [1] خواهد شد.

جواب: (٥) نه خیر لو قام الی الخامسة فتابعه فان کان الامام قعدعلی الرابعة فسدت صلوة المسبوق الخ غنیة المستملي: ج ١ ص ٤٤١ ظفیر.

جواب: (٦) برایش اختیار است لکن اگر امام ا زمکان دیگر قرائت را شروع ننمود دراین صورت برای مقتدیان ضروري است که فتح بدهند [2].

جواب: (٧) اختیار دارد لکن اگر قسما قرائت غلط نماید که مفسد الصلاة باشد پس ناگزیر ضرورت است که برایش رهنمائي درست وصحیح نمایند ورنه نماز هاي سائر آنان فاسد خواهد شد. الا یری الی آنه ﷺ قال لِأُبَيِّ هَلّا فتحتَ عليّ غنیة المستملي: ص ٤١٧ ظفیر.

جواب: (٨) نه خیر ولو قرا في الاخرین الفاتحة والسورة لایلزمه السهو وهو الاصح عالمگیري کشوری: ج١ ص ١٢٥ظفیر.

جواب: (٩) صحیح نیست ویجب قراءة الفاتحة وضم السورة اومایقوم مقامها من ثلث آیات قصار او آیة طویلة في الاولیین وفي جمع رکعات النفل والوتر هکذا في البحر الرائق عالمگیري کشوری: ج ١ ص ٦٩ ظفیر.

درقعد ه اخیر برایش شک عارض شد که قعده او را اداء ننموده ام پس چه باید کرد؟

سوال: (٢١٣٩) درقعد ه اخیر برایش شبهه عارض شد که قعده اولی را اداء نمودم یانه؟ آیا سجده سهوه را اداء کند یانه؟

جواب: اداء نماید فقط والله اعلم.

سجده سهوه را بعد ازسلام اداء نماید: **سوال:** (٢١٤٠) سجده سهوه را قبل از سلام یابعد ازسلام اداء نمودن بکار است ویا آنکه درمیان امام ومنفرد فرق است؟

جواب: راجح وصورت بهتر آنست که تنها بعداز سلام گردانیدن بطرف راست سجده سهوه بکند ودر آن هیچ فرق در میان امام ومنفرد معلوم نمیشود في الدر المختار: یجب له بعد سلام واحد عن یمینه الی آن قال لانه المعهود وبه یحصل التحلل وهو الاصح [3] الخ فقط.

---

(١) ومن جملتها أنه لو قام إمامه إلى الخامسة فتابعه فإن كان الإمام قعد على الرابعة فسدت صلوة المسبوق لإقتدائه في موضع الأنفراد(غنية المستملي ص٤٤١). ظفير

(٢) والفتح إن لم يقرأ قدر الواجب لهدة تاكد الواجب وقربه من الفرائض (غنية المستملي ص٤١٨). ظفير

(٣) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب سجود السهو ج١ ص١٠١، ط.س. ج٢ ص٧٨. ظفير

حکم ترک تشهد اول: سوال: (۲۱٤۱) بترک تشهد اول نماز میشود یانه؟ درصورتیکه سجده سهوه رابفراموشي اداء نکند؟

جواب: اعاده نماز واجب است [۱] فقط.

حکم خواندن مقدم ومؤخر سورت: سوال: (۲۱٤۲) (۱) در نماز بقرائت نمون مقدم ومؤخر سورت سجده سهوه لازم میگردد یانه؟

اگر شک باشد چه باید کرد؟ سوال: (۲۱٤۳) (۲) براي امام شک عارض شد که من یک سجده کردم یادو دراین صورت سجده سهوه (اداء کند ویا آنکه نماز را اعاده نماید؟

سجده سهوه بلا ضرورت: سوال: (۲۱٤٤) بلا ضرورت اداء نمودن سجده سهوه موجب اعاده نماز است یانه؟

جواب: (۱) سجده سهوه لازم نیست اما عمدا همچو کردن مکروه است ویکره الفصل بسورة قصرة وان یقرء منکوسًا الدر المختار [۲].

جواب: (۲) اگر ظن غالب به یک طرف نباشد پس یک سجده دیگر را بکند سجده سهوه نماید وجب علیه سجود السهو في جمیع صور الشک سواء عمل بالتحري اوبنی علی الاقل لکن في السراج انه یسجد للسهو في اخذ الاقل مطلقًا وفي غلبة الظن ان تفکر قدر رکن الخ در المختار [۳].

خلاف ترتیب سور قرائت نمودن: سوال: (۲۱٤٥) خلاف ترتیب سورت ها قرائت نمودن موجب سجده سهوه است یا نه؟

جواب: سجده سهوه واجب نیست قوله بترک واجب اي من واجبات الصلوة لاکل واجب اذ لوترک ترتیب السور لایلزمه الخ شامی [٤] فقط.

درنماز حکم قرائت بلا ترتیل: سوال: (۳۱٤٦) شخصي درنماز جهري قرآن مجید را بلاترتیل قرائت نمود آیا این نماز شد یانه حلا نکه سجده را نیز نکرده؟

---

(۱) ومنها قراءة التشهد فإنها واجبة في القعدتین الأولی والأخیرة وإلی هذا أشار صاحب الهدایة في باب سجود السهو فاوجب السجود بترک التشهد في القعدة الأولی (غنیة المستملي ص۲۹۰). ظفیر

(۲) الدر المختار فصل ویجهر الإمام ج۱ ص٤۸۱، ط.س. ج۱ ص٥٤٦. ظفیر

(۳) ایضا: ج۱ ص ۱۰۳ ظفیر

(٤) ردالمحتار ابتداء باب سجود السهو. ظفیر

جواب: اگر چنان غلطي مفسد الصلوة نشده باشد پس نمازش شده ونيازي براي سجده سهوه احساس نميشود [۱] فقط.

امام رابه سبحان الله گفتن تنبيه دادن: سوال: (۲۱٤۷) (۱) اگر از امام سهوا قعده آخر ترک شوذ وامام عنقريب قيام رسيد آيا براي مقتدي بگفتن سبحان الله ايستاد شدن اولی است ويا نشته سبحان الله را بگويد اولی چگونه است؟

قعده اخير را فراموش نموده ايستاد شد سپس بيادش امد اكنون چه بايد كرد؟ سوال: (۲۱٤۸) (۲) اگر از كسي قعده آخير فراموش شد وقيام نمود پس [۲] آيا آنكس بمجرد يا دشدن قعده بكند يا بقدر الحمد قيام نمايد فقط.

جواب: (۱) درحالت نشستن گفتن اولی معلوم ميشود ودر آن مورد كدام جزنيه از نظرم نگذشته است وصحيح هر دوطريقه است.

جواب: (۲) اگر فورا بيادش آمد درآن صورت قعده نمودن بكار است يعني تا وقتيكه سجده نكرده باشد كما هو عامة المعتبرات ولو سها عن القعود الاخير الخ عاد الخ مالم يقيد بالسجدة الخ فقط.

درنماز خوابيدن: سوال: (۲۱٤۹) در نماز شخصي طوري خوابيد كه مفسد الصلاة نيست ودر آن اثنا درادا‌ء نمودن فرض بقدرسه بار تسبيحات تأخير شد آيا سجده سهوه لازم خواهد يانه؟

جواب: قال في الدر المختار: فان اتی بها او باحدها بان قام اوركع اوسجد او قعد الاخير نائما يعتد بما اتی به بل يعيده وهل يسجد لتاخير الركن؟ الظاهر نعم [۳].

از عبارت فوق الذكر شامي معلوم شد كه لزوم سجده سهوه بكار است [٤].

الباب الثانی عشر فی سجود التلاوة

سجده تلاوة چه وقت ودركجا واجب ميگردد؟

اگر بعد از تلاوت نمودن آيت سجده معنی آنرا نيز بگويد درآن صورت چند سجــده

---

(۱) ومنها القراءة بالألحان إن غير المعنى وإلا لا، إلا في حرف مد ولين إذا فحش وإلا لا، (الدر المختار ج۱ ص۹۰). ظفير

(۲) الدر المختار باب سجود السهو ج۱ ص۱۰۲، ط.س. ج۲ ص۸۵. ظفير

(۳) الدر المختار باب صفة الصلوة ج۱ ص۷۱، ط.س. ج۱ ص٤٥٥. ظفير

(٤) رد المحتار باب صفة الصلوة قبيل مطلب واجبات الصلوة ط.س. ج۱ ص٤٥٥. ظفير

بکند؟ سوال: (۲۱۵۰) شخصي بعد از تلاوت نمودن آیت سجده آن آیت متذکره را معنی نیز کرد آیا این شخص یک سجده بکند یا دوسجده؟

جواب: یک سجده بذمه اش لازم است [1] فقط.

در سجده تلاوت گنجایش تأخیر است یانه؟ سوال: (۲۱۵۱) یک واعظ در جریان تقریر آیت سجده را جهرا تلاوت نمود لکن خودش سجده را اداء ننمود ونه براي حاضرین در مورد اداء سجده چیزي گفت وقتیکه هدف اعتراض قرار گرفت پس در پاسخ با عرض معذرت گفت: که در مجمع عام جهرا تلاوت نمودن ایت سجده کدام مضایقه ندارد وانسان باسهو خطا ونسیان مواجه است زیرا ابو البشر حضرت آدم علیه السلام بفراموشي گندم را نوشیده بود وهمچنان از حضرت موسی (علیه السلام) ما هي فراموش شده بود فلهذا آیا در مقام عذر براي واعظ مذکور بطور شهادت خطا ونسیان انبیاء کرام (ص) راپیش نمودن درست بوده یانه وآیا عذر او شرعا معقول است یانه؟

جواب: در شامي است: قوله یجب اي وجوباً موسعًا في غیر صلوة الخ از آن عبارت معلوم شد که وجوب سجده تلاوت موسع است وفورا واجب نیست بناء بالای واعظ اعتراض نمودن بي مورد بود هر گاه مورد اعتراض قرار گرفت پس واعظ موصوف نیز عذر خود را تقدیم میتوان کرد که اداء نمودن سجده تلاوت في الفور واجب نیست بویژه درمجلس وعظ.

ودر پیش نمودن خطا ونسیان انبیاء کرام بطور استشهاد نیز کدام ممانعت وحرج نیست ودر حدیث شریف نیز همچو مضمون وارد شده است: فنسي آدم الخ فنسیت ذریته او کما قال ﷺ فقط.

در رکوع یاسجده صلاتیة نیت نمودن سجده تلاوت میشود یانه؟ سوال: (۲۱۵۲) اگر امام یامنفرد درنماز فرض یا تراویح یا تهجد وغیره یک رکوع از سورت هاي اعراف یا سورت نجم یا سورت علق یا دیگر رکوع که مشتمل بر سجده تلاوت باشد آنرا قرائت نماید وبجاي سجده

---

(۱) یجب بسبب تلاوة آیة ای اکثرها مع حرف السجدة (درمختار) قوله بسبب تلاوتها إحترز عما لو کتبها او تهجاها فلا سجود علیه (رد المحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۱۵، ط.س. ج۲ ص۱۰۳). ظفیر

تلاوت در رکوع نیت اداء نمودن سجده تلاوت را کرد آیا در همچو صورت سجده تلاوت امام ومقتدیان اداء خواهد شد یانه؟ وعلی هذا بعد از آیت سجده امام همانطور دو چهار آیات را قرائت نموده رکوع کرد ودرآن نیت سجده تلاوت را نیز بست بناء آیا این چنین نیز درست است یانه؟ سورت بني اسرابیل بعد از آیت سجده بر دو آیت دیگر ختم میگردد وهمچنان سورت انشقاق بعد از آیت سجده بر چهار آیات دیگر اختتام مي یابد بناء آیا بعد از ختم شدن سورت هاي فوق الذکر در رکوع بنیت نمودن سجده تلاوت اداء خواهد شد یانه؟

جواب: اگر بعد از تلاوت نمودن آیت سجده فورا دوسه آیت را قرائت نمود ورکوع کرد ودر رکوع نیت سجده تلاوت را بست پس سجده تلاوت اداء خواهد شد وبراي مقتدیان همچنان نیت نمودن ضروري است وبغیر از نیت سجده تلاوت از ذمه آنها اداء نخواهد شد [1] وفوریت از سه آیات بیشتر منقطع میگردد فقط.

سجدة آخری سورت حج وحکم آن: **سوال**: (٢١٥٣) سجدة آخري سورة حج عندالشافعي رحمت الله علیه وا جب است ودر حالت اقتداء آیا حنفي المذهب نیز در اتباع شافعي المذهب این سجدة را اداء نماید یانه وقتیکه امام حنفي باشد ومقتدیان شوافع باشند پس مقتدیان ان سجدة را چگونه آداء خواهند نمودند؟

جواب: درشامي آمده است که بخاطري متابعت امام شافعي المذهب مقتدیان احناف نیز درسجده آخري سورة حج سجده را اداء کنند والظاهر انه یتبعه فیها لوکان في الصلوة [2] الخ شامي وهرگاه امام حنفي باشد پس این سجده را نکند از ذمه مقتدي همچنان مطابق قواعد احناف این سجده ساقط است لکن اگر بنزد شوافع اداء نمودن سجده صلاتیه بتعقیب نیز جائز باشد پس

---

(١) تؤدی برکوع صلوة إذا کان الرکوع علی الفور من قراءة آیة او آیتین وکذا الثلاث علی الظاهر کما في البحر إن نواه ای کون الرکوع لسجود التلاوة علی الراجح (درمختار) وفي الإمداد الإحتیاط قول شیخ الإسلام خواهر زاده بانقطاع الفور بالثلاث وقال شمس الأئمة الحلواني لا ینقطع ما لم یقرأ اکثر من ثلاث وقال الکمال ابن الهمام قول الحلواني هو الروایة الخ (رد المحتار باب سجود التلاوة ج١ ص٧٢٣، ط.س. ج٢ ص١١١). ظفیر

(٢) ردالمحتار باب سجود التلاوة ج١ ص٧١٧ ، ط.س. ج٢ ص١١١. ظفیر

ایشان اداء نموده میتوانند واما بنزد احناف هرسجده که در نماز لازم شود ودر آن وقت اداء نگردد پس آن سجده بتعقیب اداء نمیشود [1] فقط

اگر درنماز سجده تلاوت را فراموش نماید: **سوال**: (٢١٥٤) اگر درنماز سجده تلاوت را فراموش کند ودر رکعت دیگر بیادش آید پس چگونه آن را اداء کند؟

جواب: اگر سجده تلاوت را درآن رکعت فراموش نموده باشد که در آن آیت سجده را قرائت نموده بود پس هر گاه که در رکعت دوم یا سوم بیادش آمد آن را اداء نماید [2] وبعد از آن سجده سهوه بکند فقط.

درنماز آیت سجده تلاوت را قرائت نمود پس چه باید کرد؟ **سوال**: (٢١٥٥) اگر کسي آیت سجده را درنماز قرائت نمود پس سجده را چه وقت اداء نماید؟

جواب: بهتر آنست که درهمان وقت سجده را اداء فرماید درکدام وقتیکه آیت سجده راتلاوت نموده است وفقهاء کرام تحریر نموده اند که اگر بعد از آن بیادش آمد ودرآن وقت آن را اداء کرد پس سجده سهوه بر او لازم است [3] فقط.

تاخیر سجده تلاوت: **سوال**: (٢١٥٦) تاخیر سجده تلاوت جائز است یانه؟

جواب: قال في الدر المختار وهي علي التراخي علي المختار [4] وفي شامي قوله یجب اي وجوباً موسعًا في غیر صلوة الخ شامي [5] ویکره تاخیرها تنزیها [6] الخ فقط پس معلوم شد.

---

(١) وهی علی التراخی الخ إن لم تکن صلوتیة فان کانت صلوتیة فعلی الفور لصیرورتها جزء منها ویأثم بتاخیرها ویقضیها مادام في حرمة الصلوة ولو بعد السلام (درمختار) ای ناسیا مادام في المسجد وروی أنه لایسجد بعد السلام ناسیا (رد المحتار باب ایضا ج١ ص٧٢١، ط.س. ج٢ ص١٠٩). ظفیر

(٢) المصلي إذا نسی سجدة التلاوة في موضعها ثم ذکرها في الرکوع او السجود او في القعود فانه یخر لها ساجدا ثم یعود إلی ماکان فیه ویعیده إستحسانا وإن لم یعد جازت صلوته کذا في الظهیریة في فصل السهو (عالمگیري کشوري کتاب الصلوة باب ثالث عشر في سجدة التلاوة ج١ ص١٣٢، ط.س. ج١ ص١٣٤). ظفیر

(٣) ولو تلا في الصلوة سجدها فیها لا خارجها الخ (درمختار) أما لو سهوا وتذکرها ولو بعد السلام قبل أن یفعل منافیا یأتي بها ویسجد للسهو (ردالمحتار باب سجود التلاوة ج١ ص٧٢٣) واذا کان المختار وجوب سجود السهو لو تذکرها بعد محلها (ایضا ج١ ص٧٢٢، ط.س. ج٢ ص١١٠). ظفیر

(٤) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود التلاوة ج١ ص٧٢١، ط.س. ج٢ ص١٠٩. ظفیر

(٥) ردالمحتار باب سجود التلاوة ج١ ص٧١٥، ط.س. ج٢ ص١٠٣. ظفیر

(٦) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود التلاوة ج١ ص٧٢١، ط.س. ج٢ ص١٠٩. ظفیر

بعد از نماز فجر وقبل از طلع آفتاب وبوقت زوال وهمچنان بعد از نماز عصر سجده تلاوت جائز است یانه: **سوال**: (۲۱۵۷) بعد از نماز فجر وقبل از طلع آفتاب ودر وقت زوال وبعد از صلواة عصر وقبل از غروب آفتاب آیا سجده تلاوت جواز دارد یاخیر.

جواب: جواز دارد: كما في الدر المختار لايكره قضاء فائتة ولو وترا اوسجدة تلاوت وصلوة جنازة [۱] الخ.

آیت سجده را از تیپ (ضبط صوت) یا پرنده شنیدن موجب سجده تلاوت نیست: **سوال**: (۲۱۵۸) اگر بذریعه تیپ (ضبط صوت) یا ازپرنده آیت سجده شنیده شود آیا سجده تلاوت واجب خواهد شد یانه؟

جواب: دردرالمختار آمده است که از پرنده یا صداي نقل کننده آواز اگر آیت سجده شنیده شود موجب سجده تلاوت نیست وصداي نقل آواز وحکایت آن میباشد که ازکوه وغیره بطریق انعکاس معلوم میشود وبهمان طریق اگر از تیپ ضبط صوت وغیره شنیده شود موجب سجده تلاوت نیست [۲] فقط.

اگر بغیر از نیت تلاوت آیت سجده را قرائت نمود نیز تلاوت واجب نمیگردد: **سوال**: (۵۹ ۲۱) اگر بغیر از نیت تلاوت آیت سجده قرائت شود آیا سجده واجب خواهد شد یانه؟

جواب: درآن صورت سجده واجب است [۳] فقط.

دردل بتلاوت سجده سجده تلاوت واجب نمگیردد: **سوال**: (۲۱٦۰) اگر کسی آیت سجده را نگاه کرده دردل تلاوت نماید آیا بالاي او سجده واجب است یانه؟

جواب: تلاوت نمودن ضروري است بغیر از تلاوت سجده واجب نمیشود قال في الدر المختار بسبب [٤] تلاوت الخ فقط.

---

(۱) الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الصلاة قبل باب الاذان ج۱ ص۳٤۸، ط.س. ج۱ ص۳٤۵. ظفير

(۲) لا تجب بسماعه من الصدى والطير (درمختار) الصدى هو ما يجيب لک مثل صوتک في الجبال والصحاري ونحوهما (رد المحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۲۱، ط.س. ج۲ ص۱۰۸). ظفير

(۳) يجب بسبب تلاوة اية اى أكثرها مع حرف السجدة (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۱۵، ط.س. ج۲ ص۱۰۳). ظفير

(٤) قوله بسبب تلاوة احترز عما لو كتبها او تهجاها فلا سجود عليه (ردالمحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۱۵، ط.س. ج۲ =

اگر درمجمع از واعظ آیت سجده شنیده شود پس سائر حاضرین علیحده سجده بکنند:

سوال: (۲۱٦۱) یک واعظ درمحضر صدها نفر آیت سجده را قرائت نمود آیا سجده تلاوت بر سائرین آنها ضروري است اگر باشد پس آیا وا عظ براي آنها سجده رابجماعت داده میتواند؟

جواب: بتلاوت وسمع نمودن ایت سجده سجده تلاوت واجب میگردد فلهذا بر سامع وتلاوت کننده سجده لازم شد وعلیحده هر یکي سجده را اداء فرمائید [1].

بعد از تلاوت نمودن آیت سجده سجده را اداء کرد که قبلا بیادش نبود پس اکنون چه باید کرد: **سوال:** (۲۱٦۲) زید قاري است زید نماز را اداء نمود ودر اثناء تلاوتش آیت سجده آمد وفورا سجده تلاوت را اداء نمود وبعد از سجده ایستاد شد اما براي اوقرآن شریف درپیش بیادش نیامد زید دروقتاً سجده تلاوت رکوع را نیز بنا برلاعلمي یا فراموشي نکرد بناء آیا زید بعد از قیام نمودن ازسجده تلاوت رکوع بکندیا چه خواهد کرد؟

جواب: وقتیکه درنماز آیت سجده را تلاوت نمود وپیش از آن چیزي را قرائت نمي نماید بازهم درحالت رکوع بنیت سجده نمودن سجده تلاوت اداء میگردد واگر سجده تلاوت را اداء کرد پس بهتر آن است که قیام نماید وبعد ازتلاوت نمودن چند آیات باز رکوع بکند واگر قیام نماید وفورا برکوع برود پس درآن نیز کدام حرج نیست نمازش صحیح است [2] فقط.

اگر تمام سجده های تلاوت قرآن مجید را درآخر تلاوت یکجاه اداء نماید آن چیست: **سوال:** (۲۱٦۳) آیا تمام سجده هاي تلاوت رابعد ازختم قرآن مجید یکبار اداء نموده میتواند یانه؟

= ص۱۰۳). ظفیر

(۱) وذکر في المجتبی أن الموجب للسجدة أحد ثلاثة: التلاوة والسماع والإئتمام (ردالمحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۱۷، ط.س. ج۲ ص۱۰٤). ظفیر

(۲) وتؤدی برکوع وسجود غیر رکوع الصلوة وسجودها في الصلوة وکذا خارجها ینوب عنها الرکوع (درمختار) قال في الحلبة والأصل في أدائها السجود وهو أفضل ولو رکع بها علی الفور جاز وإلا لا آه ای وإن فات الفور لا یصح الخ وفي الحلبة إذا سجد او رکع لها علیحدة فورا یعود إلی القیام ویستحب أن لا یعقبه بالرکوع بل یقرأ آیتین او ثلاث فصاعدا ثم یرکع (ردالمحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۲۳، ط.س. ج۲ ص۱۱۱). ظفیر وهی علی التراخي علی المختار، ویکره تأخیرها تنزیها الخ إن لم تکن صلویة (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۲۱، ط.س. ج۲ ص۱۰۹). ظفیر الدین غفرله

جواب: این هم جائز است اما بهتر آنست که در همان وقت اداء شود فقط لکن گنجایش تاخیر در آن صورت است که در نماز نباشد ودرنماز فورا باید اداء شود فقط.

سجده تلاوت واجب است: سوال: (۲۱٦٤) درقرآن مجید که بکدام تعداد سجده هاي تلاوت است آنها واجب اند یا فرض؟

جواب: سجده هاي تلاوت واجب اند [۱].

اگر نشسته آیت سجده را تلاوت نماید بناء آیه سجده را نشسته اداء نموده میتواند یانه؟ سوال: (۲۱٦۵) (۱) اگر سجده تلاوت را درحالت جلوس قرائت کند آیه سجده رانشسته اداء میتواند یا آنکه ایستاد شود؟

بعد از فجر وعصر سجده نمودن: سوال: (۲۱٦٦) (۲) آیا بعد ازنماز فجر وعصر تنها اداء نمودن سجده نیز حرام است؟

بلا وضوء سجده تلاوت درست نیست: سوال: (۲۱٦۷) (۳) اگر شخصي بغیر از وضوء آیت سجده تلاوت نمود آیا سجده تلاوت را اداء کند یانه؟

جواب: (۱) درکتاب هاي فقه نگاشته اند مستحب آنست که ایستاد شود وسجده نماید وبعد از سجده قیام نماید درهر حالتیکه قرائت نموده باشد ظفیر لکن اگر نشسته سجده تلاوت را اداء نمود درآن نیز کدام حرج نیست [۲].

جواب: (۳) سجده تلاوت وغیره درست است واما نماز نوافل دران وقت مکروه است [۳] بعدا وضوء بکند وسجده را اداء نماید [٤] فقط زیرا سجده تلاوت واجب است وبلا وضوء اداء نمودن سجده تلاوت جواز ندارد ظفیر.

---

(۱) والسجدة واجبة في هذه المواضع علي التالي والسامع الخ (عالمکیري مصري الباب الثالث عشر سجود التلاوة ج۱ ص۱۲٤، ط.س. ط. ماجدية ج۱ ص۱۳۲). ظفیر

(۲) والمستحب انه إذا أراد أن يسجد للتلاوة يقوم ثم يسجد وإذا رفع رأسه من السجود يقوم ثم يقعد كذا في الظهرية (عالمکیري مصري باب سجود التلاوة ج۱ ص۱۲۷، ط. ماجدية ج۱ ص۱۳۵). ظفیر

(۳) ويكره أن يتنفل بعد الفجر حتى تطلع الشمس وبعد العصر حتى تغرب الخ و لاباس بأن يصلي في هذين الوقتين الفوائت ويسجد للتلاوة ويصلي على الجنازة (هدايه باب المواقيت ج۱ ص۸۱). ظفیر

(٤) وشرائط هذا السجدة شرائط الصلوة إلا التحريمة (عالمکیري مصري باب سجود التلاوة ج۱ ص۱۲٦، ط. ماجدية ج۱ ص۱۳۵). ظفیر

سجده تلاوت واجب میشود به تکرار نمودن قرائت آیة سجده: **سوال**: (۲۱۶۸) یک نفر در نماز سورة سجده را تلاوت نمود وسجده را اداء کرد سپس بنابر کدام وجه ضیرورت براي اعاده نماز شد ثانیا نیز همان سورت راقرائت نمود فلهذا آیا دوباره سجده اداء نمودن لازم است ویاسجده قبلي کافي خواهد شد؟

جواب: سجده ثاني لازم است [1] فقط.

اگر برخی از آیات سجده رابخواند وبرخی را نخواند حکیم آن چیست؟ **سوال**: (۲۱۶۹) آخرین الفاظ آیت سجده را قرائت ننمود آیا سجده تلاوت بروي لازم شد یانه؟

جواب: اگر کلمه را قرائت نموده است که مشتمل برلفظ سجده باشد درآن صورت سجده تلاوت بروي لازم وواجب [2] خواهد شد.

ان عده سجده های تلاوت را که اداء ننموده است اکنون طریقه اداء نمودن انها چگونه است؟ **سوال**: (۲۱۷۰) یک حافظ علاوه از رمضان المبارک هیچگاه سجده تلاوت را اداء نمي کرد اکنون اومیخواهد که سجده ها را اداء کند قدرت کفاره را ندارد؟

جواب: مقدار واندازه آن رامعلوم نماید وسجده هاي تلاوت راتکمیل کند وروزانه هرچندي که ممکن باشد بنیت قضاء آن سجده ها را اداء کند وکفاره آنها همان است که سجده را اداء کند [3]. **فقط**

اطلاع سجده تلاوت: **سوال**: (۲۱۷۱) قبلا براي امام چنین گفتن که من در فلاني رکعت سجده تلاوت را اداء مي نمایم بناء خبردار باشید آیا این جائز است یانه؟

---

(۱) وشرط التداخل إتحاد الآیة واتحاد المجلس حتی لو إختلف المجلس واتحدت الآیة او إتحد المجلس واختلفت الآیة لا تتداخل کذا في المحیط (ایضا ج۱ ص۱۲۵، ط. ماجدیة ج۱ ص۱۳۷). ظفیر

(۲) یجب بسبب تلاوة آیة ای اکثرها مع حرف السجدة (درمختار) هذا خلاف الصحیح الذي جزم به في نور الإیضاح ففي السراج وهل تجب السجدة بشرط قراءة جمیع الآیة أم بعضها فیه إختلاف والصحیح أنه إذا قرأ حرف السجدة وقبله کلمة او بعده کلمة وجب السجود وإلا فلا الخ (ردالمحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۱۵، ط.س. ج۲ ص۱۰۳). ظفیر

(۳) وهی علی التراخي علی المختار ویکره تأخیرها تنزیها الخ إن لم یکن صلوتیة (درمختار) حتی لو أداها بعد مدة کان مؤدیا إتفاقا لا قاضیا الخ لو تراخي کان أداء مع أن المرجح أنه علی الفور ویأثم بتأخیره (رد المحتار باب سجود التلاوة ج۱ ص۷۲۱، ط.س. ج۲ ص۱۰۳). ظفیر الدین

جواب: درآن کدام حرج نیست فقط.

سجده تلاوت فرض است یا واجب وطریقه اداء نمودن آن چگونه است؟ سوال: (۲۱۷۲)

(۱) سجده تلاوت فرض است یاواجب وچگونه اداء نمودن آن بکار است یعني درسجده وقبل ازشروع نمودن سجده ویا بعد از آن چه چیز قرائت نمودن بکار است وهنگامیکه درتلاوت قرآن مجید مصروف باشد وآیت سجده را بخواند پس آیا درهمان وقت نشسته سجده را اداء کند ویا آنکه ایستاد شود؟

سوال: (۲۱۷۳) (۲) دیگر آنکه اگر یکبار آیت سجده را درلسان عربي بگوید وبعد از آن ترجمه اش را تکرار واعاده نماید وبهمین طریقه براي کسي مي آموزد ویاخودش حفظ مي کند آن آیت سجده را که بدفعات تلاوت میشود فلهذ آیا درسائر صورتهاي فوق الذکر اداء نمودن سجده تلاوت یکدفعه خواهد باشد علیحده علیحده؟

سوال: (۲۱۷٤) (۳) دیگر آنکه درکدام اوقات اداء نمودن هر نوع نماز مکروه است که درآن سجده نمی تلاوت جائز است؟ مثلا بعد ازفرض فجر تا به طلوع آفتاب یادر وقت چاشت یابعد ازنماز عصر وهمچنان دروقت صبح صادق وقبل از سنت فجر ویا درمیان سنت وفرض؟

سوال: (۲۱۷۵) (۳) دیگر آنکه اگر کسي براي طفل نابالغ درس مي آموزد آیا ازطرف طفل خودش سجده را اداء کند ویا آنکه برایش معاف است؟

سوال (۲۱۷٦) (۵) یا اگر دروقت تلاوت آیت سجده را کسي از تلاوت کننده بشنود اگر اوخودش درآن مورد فهمید وآن را اداء نمود پس فبها ورنه عدم اداء نمودن سجده آیا بالای قرائت کننده باعث کدام گناه میگردد ویا آنکه از طرف سامع نیز قرائت کننده اداء نماید؟

جواب: سجده تلاوت واجب است وطریقۀ اداء نمودن سجده تلاوت از آن قرار است که بعد ازگفتن الله آکبر بسجده برودسه دفعه یا زیاد تراز آن برعایت سُبْحَانَ رَبِّیَ الْاَعْلٰی راېگوید سپس از آن بگفتن اللهُ اَکْبَرْ برخیزد پس سجده اش اداء شده است واگر درحالت نشسته بسجده رفت وبعد از سجده نشست باز هم کدام حرج درآن نیست لکن افضل آنست که بعد از قیام نمودن بسجده برود وبعد از اداء نمودن سجده ایستاد شود یجب بسبب تلاوة آیة اي اکثرها مع حرف

السجدة الدر المختار وهی سجدة بین تکبرتین مسنونتین جهراً وبین قیامین مستحبین بلا رفع ید وتشهد وسلام وفیها تسبیح السجود الدر المختار جمیل الرحمٰن.

جواب: (۲) در سائر صورت هاي متذکره یک سجده واجب خواهد شد وکررها في مجالس تکررت وفي مجلس واحد لا تتکرر بل گفته واحدةً الخ الدر المختار سجدة التلاوة.

جواب: (۳) دروقت طلوع آفتاب وغروب آفتاب ودر وقت زوال سجده تلاوت نیز حرام است لکن وقتیکه این سجده را درهمان اوقات تلاوت کند پس سجود نیز درهمان اوقات درست است وبعد از نماز فجرتا به طلوع افتاب وبعدا ونماز عصرتا به غروب آفتاب وبعد از صبح صا دق سجده تلاوت درست است. ذکره تحریماً صلوٰة ولوعلی جنازة وسجده تلاوة وسهو مع شروق واستواء وغروب الخ وکره نفل الی قوله بعد صلاة فجر وصلوة عصر لاقضاء فائتة وسجدة تلاوة وصلوة جنازة وکذا بعد طلوع فجر سوٰی سنة الخ تنویر.

جواب: (٤) بر طفل نا بالغ سجده تلاوت واجب نمیگردد.

جواب: (٥) برسامعین سجده کردن واجب میشود اگر ایشان آن را اداء نکنند برتلاوت کننده کدام قسم گناه نیست وقرائت کننده ازطرف سامعین سجده را اداء نموده نمیتواند فالسبب التلاوة وان لم یوجد السماع کتلاوة الاصم والسماع شرط في حق غر التالي الدر المختار جمیل الرحمٰن.

الباب الثالث عشر

في صلوٰة المريض

رعایت ها براي مریضان در ارکان نماز

<u>بدنبال نماز گذار نشسته اقتداء شخص قیام کننده درست است:</u> سؤال: (۲۱۷۷) هر امامیکه نماز را نشسته میدهد اما او چیزي معذرت وتکلیف نیز دارد که از آن تکلیف توان ایستاد شدن را ندارد وسائر امور را ایستاده اجرا مي نماید بناء آیا نماز امام ومقتدیان درست است یانه؟

جواب: اگر معذوري باشد که قیاما نماز را اداء نموده نمیتواند پس نماز او نشسته اداء کردن درست است وبعقب او نماز مقتدیان نیز درست است [۱] همچنین معذور نباشد بلکه قیاما براداء نمودن نماز قادر باشد درآن صورت نماز او درست نیست وبعقب وی نماز مقتدیان نیز صحیح نخواهد [۲] باشد فقط.

تنها دریک چادر خودرا پیچاندن نماز درست است: **سوال**: (۲۱۷۸) اگر مریض بسبب سردي لحاف یاچادر را ازخویشتن بپیچاند ودر آن نماز میخواند که سائر جسم او را باسر ورویش در آن پنهان باشد ومواضع ستر او مانند زانو فخذین وسرین او مکشوف وغیر مستور باشد از نگاه مرض وآنکس که در پهلویش باشد از نظر اونیز پنهان نباشد آیا نماز همچو مریض جائز خواهد باشد یانه؟

بنا بر مجبوریت نماز درلباس نجس: **سوال**: (۲۱۷۹) اگر مریض مجبورا مع نجاست نماز را اداء نماید آیا بعد از صحت یابی شدن قضاء بذمة اش لازم است یانه؟

جواب: (۱) نماز آن مریض صحیح است [۳]

جواب: (۲) اگر در حالت مجبوري تطهیر لباس نباشد وباقي مانده نخواهد شد پس نماز او صحیح است واگر لباس را تبدیل نموده میتوانست اما او تبدیل نکرد پس درآن صورت قضاء بر ذمه اش لازم است [۴] فقط.

در حالت مریضی شدید ترک نمودن روزه ونماز وکفاره آن: **سوال**: (۲۱۸۰) مادر کلان جدة زید تابه مدت پنج سال درچنان مریضي مبتلا بود که بسبب آن مریضي یک دست وپایش را

---

(۱) ویصح إقتداء القائم بالقاعد الذي یرکع ویسجد لا إقتداء الراکع والساجد بالمؤمي (عالمکیري مصري باب الإمامة ج۱ ص۷۹، ط. ماجدیة ج۱ ص۸۵). ظفیر

(۲) من فرائضها التی لا تصح بدونها التحریمة الخ ومنها القیام الخ في الفرض الخ لقادر علیه (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة بحث القیام ج۱ ص۴۱۴، ط.س. ج۱ ص۴۴۲). ظفیر

(۳) والشرط سترها عن غیره ولو حکما کمکان مظلم لا سترها عن نفسه به یفتی فلو راها من زیقه لم تفسد وإن کره (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة ج۱ ص۳۸۰، ط.س. ج۱ ص۴۹۰). ظفیر

(۴) ون إستوعب عذر تمام وقت صلوة مفروضة الخ وحکمه الوضوء لما غسل لوبه ونحوه الخ وإن سال علی ثوبه فوق الدرهم جاز له ان لا یغسله إن کان لو غسله تنجس قبل الفراغ منها ای الصلوة وإلا الخ فلا یجوز ترک غسله (الدر المختار علی هامش ردالمحتار احکام المعذور ج۱ ص۲۸۱، ط.س. ج۱ ص۳۰۵). ظفیر

مرض فالج زده بود سپس اودرعمر ۵۸ سالگي وفات شد وتا كدام وقتيكه او گشت وگذر مي نمود هوش وحواس او قائم بر حال بود تا به همان وقت او نماز وروزه را اداء مي نمود اما از آن مدتيكه ازگشت وگذر باقي درماند وهوش وحواس را نيز از دست داد پس نماز وروزه نيز از او ترک شد اگر خودش يا بگفتار كسي براي اداي نماز در چارپائي او را بجهت قبله متوجه مي نمود پس در اداء نمودن نماز مي پرداخت اما در نماز يكسو وسوي ديگر نظر مي نمود بناء او در حالت مذكوره وقتيكه اكثر اوقات از شكستاندن وضوء نيز مطلع نمي بود آيا بر او نماز وروزه واجب بود يانه اگر فرض بود پس اكنون اداء نمودن ان بكدام حساب وچگونه بايد شد؟

جواب: روزه در همچون بيماري مؤخر ميگردد ودر چنين حالت فديه روزه واجب ميشود [۱] واين كافي است واما نماز بذمه اش فرض ميباشد البته نمازهاي راكه درآن حالت اداء نموده است آنها صحيح است [۲] وآن عده نمازهاي را كه قطعا اداء ننموده است براي ورثه در عوض آن فديه دادن بكار است واگر بلا وصيت وبدون انكه چيزي تركه را گذاشته باشد درآن صورت دادن فديه بذمه ورثه واجب نميگردد لكن با آنهم فديه دادن بهتر است واميد است كه اين فديه نماز هاي فاية اش گردد [۳] فقط.

<u>بيماران قسرح چگونه نماز را اداء نمايد</u>: سوال: (۲۱۸۱) در مورد جرح چشم پرسش بعمل مي آيد كه بسيار اطباء تاكيد مي ورزند كه سر را اندک نيز نبايد جنبيد پس در مورد نماز چه حكم خواهد باشد آيا قطعا آن را اداء نكند واگر اداء كند پس چگونه؟ ودرمورد حركت سر ممانعت قطعي است بناء اگر وضوء مي كند پس بكدام طريقه؟ ويا اگر تيمم مي كند پس چگونه

---

(۱) وللشيخ الفاني العاجز عن الصوم الفطر ويفدي وجوبا الخ (درمختار) للشيخ الفاني أى الذي فنيت قوته او اشرف على الفناء ولذا عرضوه بانه الذي كل يوم في نقص إلى أن يموت الخ عن الكرماني المريض إذا تحقق اليأس من الصحة فعليه الفدية بكل يوم من المرض اهـ (رد المحتار كتاب الصوم فصل في العوارض المبيحة لعدم الصوم ج۲ ص۱۶۳، ط.س. ج۲ ص۴۲۷). ظفير

(۲) من تعذر عليه القيام لمرض الخ صلى قاعدا ولو مستندا إلى وسادة الخ كيف شاء (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المريض ج۱ ص۷۰۸، ط.س. ج۲ ص۹۵). ظفير

(۳) ولو مات وعليه صلوات فائتة و اوصى بالكفارة يعطى لكل صلوة نصف صاع من بر كالفطرة وكذا حكم الوتر والصوم وإنما يعطى من ثلث ماله (درمختار) و أما إذا لم يوص فتطوع بها الوارث قال محمد في الزيادات أنه يجزيه إنشاء الله تعالى (رد المحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۸۵ – ۶۸۶ ، ط.س. ج۲ ص۷۲). ظفير

وبعد از ان تا به مدت سه روز جبیره بسته میباشد ودرآن حالت وقتیکه وضوء مي کند یا بنا برکدام وجه دیگر تیمم میکند؟ آیا تنها آن جلدي را مسح کند ویابر سائر روي مسح نماید یعني تمام روي رانشوید یا آن جلدي که از کام علیحده است آن را بدست خود مرطوب نماید زیرا آن را شسته نمیتواند؟

جواب: درشامی آمده است قولی: وان تعذر القعود ولو حکماً کما لو قدر علي القعود ولکن بزغ الطبیب المأء من عینیه وامره با الاستلقاء ایاماً اجزاه ان یستلقي ویرمي لان حرمة الاعضاء کحرمة النفس.[1] الخ حاصل عبارت آنست که قعود برایش دشوار است اگر چه حکما باشد مثلا نشسته میتواند لکن داکتر چشم او را ساخت وسپس برایش گفت که یک چند روز مستقیما بشکل خوابیده استراحت کنید پس براي مریض این کافي است که مستقیم به پشت استراحت بهند وبه اشاره نماز را اداء نماید واین سخن واضح وروشن است که دراشاره نمودن جنبیدن سرضروري است وبدون اشاره نماز نخواهد شد وترک نمودن نماز نیز ناممکن است بخاطر آنکه عقلش سالم است وبیهوشي برایش طاري نشده است قاري عبدالرحمٰن صاحب پانی پتی رح وقتیکه چشم راساخته بود باشاره نماز را اداء مي نمود وداکتر نیز اورا اجازه فرموده بود وباعتبار ظاهر برایش کدام نقصان وارد نشده بود بناء بخاطري اداي نماز اخذ نمودن اجازه براي اشاره سر بکار است واگر اجازه برایش میسر نشود با آنهم ترک نمودن نماز بکار نیست واما وقتیکه بر چشم جبیره [2] باشد پس درآن وقت متباقي روي رابشوید وبرجبیره مسح کند واگر درصورت نشستن روي اثر رطوبت بطرف چشم سرایت مي نمود وبراي چشم مضر لینر باشد دراین صورت بر سالر روي مسح نمودن لیز درست ومتباقي اعضاء را باید بشوید واگر بنا برکدام معاذیر تیمم رامي نمود پس تیمم را موافق قاعده بایدکرد به این معني که بعد از یک ضرب بالاي جلد دست را بمالد وبضرب ثاني دست ها را با آرنج ها مسح کند فقط.

(۱) ردالمحتار باب صلوة المریض ج۱ ص۷۱۱، ط.س. ج۲ ص۹۹. ظفیر

(۲) وحکم مسح جبیرة الخ او خرقة قرحة وموضع فصد وکی ونحو ذلک عصابة جراحة کغسل لا تحتها فیکون فرضا الخ ویجمع الخ معه ای غسل الأخری الخ ویترک المسح کالغسل إن ضر وإلا، لا یترک (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مسح علی الخفین ج۱ ص۲۵۷، ط.س. ج۱ ص۲۷۸). ظفیر

بوجه ضعف نشسته نماز خواندن درست است: **سوال**: (۲۱۸۲) یکنفر بسیار ضعیف است وحواسش نادرست میباشد ونمازهاي پنجگانه راقعودا اداء مي نماید نماز او صحیح است یانه؟

جواب: هرقدریکه قدرت داشته باشد موافق آن نمازش اداء خواهد شد اگر قدرت قیام را ندارد پس قعودا اداء نماید واگر قدرت قعود را نداشته باشد پس بهیئت خوابیدن اداء نمودن نماز صحیح [1] است غرض آنکه تکلیف بقدر وسع است: قال الله تعالی [2] لَاَیُکَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا اِلاَّ وُسْعَهَا) الایة فقط.

وقتیکه قدرت وضو وتیمم را نداشته باشد آیا نماز بر او فرض است یانه؟ **سوال**: (۲۱۸۳) (۱) مریض آنقد قوت ندارد که خودش وضوء یا تیمم بکند آیا بذمه اش نماز واجب است یانه؟

بعضی اوقات معاون میباشد وبعضی اوقات موجود نمیباشد پس چه باید کرد؟ **سوال**: (۲۱۸٤) (۲) براي مریض مذکور بعضي اوقات کسي تیمم دهنده موجود میباشد وبعضي اوقات نمیباشد پس دراین صورت حکم نماز چیست؟

وقتیکه برای مریض قدرت توجه بجهت قبله نباشد پس چه باید کرد؟ **سوال**: (۲۱۸۵) (۳) مریض خودش روي بجهت قبله آورده نمیتواند وهمراهش کسي نیز موجود نیست پس در این مورد حکم چیست؟

درآخري وقت نماز های بسیاری اوقات را اداء ننمود پس چه باید کرده شود؟ **سوال**: (۲۱۸٦) (٤) شخصي بتاریخ بیستم شوال وفات شد وازماه رجب تا به بیستم شوال چنین وضعیت را دنبال داشت که احیانا نماز را اداء مي نمود واحیانا اداء نمي نمود حالانکه وي آنقدر قدرت را بر خور دار بود که آب را مطالبه نموده میتوانست وسر خود را بلند نموده میتوانست؟

جواب. (۱ ۲ ۳) در صورت فوق الذکر از شخص دیگر درتیمم یا وضوء وغیره اعانت بگیرد وبغیر او وضوء وتیمم او بجهت قبله نمودن وبدون این موارد متذکره نماز را اداء ننماید ولنماز

---

(۱) وإذا عجز المريض عن القيام صلى قاعدا يركع ويسجد الخ فان لم تستطع الركوع والسجود أومأ ايماء يعني قاعدا الخ فإن لم يستطع القعود إستلقى على ظهره وجعل رجليه إلى القبلة الخ (هدايه باب صلوة المريض ج۱ ص۱٤٤). ظفير

(۲) سورة البقرة، اخيري ركوع. ظفير

نیز درآن صورت ها ساقط نگردید هروقتیکه برایش میسر شد آن نماز را اداء یا قضاء [1] بجاه آرد. فقط

جواب: (٤) بذمه اش او لازم بود پس درصورت وصیّت از یک ثلث ترکه فدیه نمازها یش اداء گردد ودربیشتر از ثلث براي ورثه اختیار است اگر ایشان میخواهند اداء نمایند واین افضل است ورنه کدام گناه براي ایشان متوجه نمیشود [2] فقط.

<u>کسیکه قدرت ندارد آیا او فدیه نماز را داده میتواند یانه</u>: سوال: (۲۱۸۷) هر شخصیکه قدرت ندارد ومیخواهد که فدیه روزه ونماز هاي فوت شده خودرا بدهد آیا این پول در مدرسه دیني مشرف شده میتواند ونیز درآن تملیک ضروري است یانه؟

جواب: براي شیخ فاني دادن فدیه روزه درست است لکن فدیه [3] نماز براي شخص او اعطاء نمودن درست نیست ونماز هایش بذریعه این فدیه ساقط نخواهد شد بخاطر آنکه در نماز چنین وسعت است که اگر ایستاده آن را اداء نموده نمیتواند پس بنشیند وآن را اداء نماید [4] واگر نشسته اداء نموده نمیتواند پس به هئیت خوابیدن نماز را اداء کند واگر از رکوع وسجده ناتوان بود پس باشاره نماز را اداء نماید البته اگر بعد از وفاتش هر مقدار نمازها ئیکه باقي بماند یا روزه بماند ومیت وصیت اداء نمودن فدیه آنها رانموده باشدومال رانیز گذاشته باشد درآن صورت

---

(۱) برای نماز چونکه وضوء یا تیمم شرط است خواه خودش بکند یا بذرعه دیگران. اما الشرائط المجمع علیها فستة الخ الطهارة من الحدث الخ أما الطهارة من الحدث فقدمها لکونها أهم الشروط واکدها حتی انها لا تسقط بحال ولا یجوز الصلوة بدونها اصلا بخلاف غیرها من الشروط (غنیة المستملي ص۱۳) ورو آوردن بجهت قبله نیز شرط است لکن فقها تصریح نموده اند که برای عاجز بر هرجهت که قادر باشد همان کافی است ومریض صاحب فراش لایمکنه أن یحول وجهه ولیس بحضرته احد یوجهه یجزیه صلوته إلی حیثما شاء الخ (عالمگیري کشوري کتاب الصلوة باب ثالث فصل ثالث ج۱ ص۶۲، ط. ماجدیة ج۱ ص۶۳). ظفیر

(۲)ولومات وعلیه صلوات فائتة واوصی بالکفارة یعطی لکل صلوة نصف من بر وکذا حکم الوتر والصوم وإنما یعطی من ثلث ماله (درمختار) فلو زادت الوصیة علی الثلث لایلزم الولي إخراج الزائد إلا باجازة الورثة (رد المحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص۶۸۵، ط.س. ج۲ ص۷). ظفیر الدین غفر له

(۳) والشیخ الفاني الذي لا یقدر علی الصیام یفطر ویطعم لکل یوم مسکینا کما یطعم في الکفارات (هدایه کتاب الصوم باب یوجب القضاء والکفارة ص۲۰٤). ظفیر

(٤) من تعذر علیه القیام ای کله لمرض الخ صلی قاعدا الخ کیف شاء الخ وإن تعذر الخ اومأ قاعدا الخ وإن تعذر القعود اومأ مستلقیا الخ وإن تعذر الإیماء برأسه وکثرت الفوائت الخ سقط القضاء عنه (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المریض ج۱ ص۷۰۸، ط.س. ج۲ ص۹۵). ظفیر

بذمه ورثه اش اداء نمودن فديه ضروري است وحكم آن مانند زكات است ودرآن تمليك فقير ضروري ميباشد بناء اگر درمدارس اسلامي براي طلاب مساكين تأديه شود آن هم درست است وباعث ثواب مزيد است زيرا اين مساعدت وكومك است باطلاب علوم ديني فقط.

خارج کشتی پایان شد ونماز را اداء نمود آیا این نماز شد یانه: سوال: (۲۱۸۸) يكمرتبه من بملاقات پير صاحب رفتم وازكشتي پايان شدم نماز را اداء نمودم بناء اين جواز دارد يانه؟

جواب: صلى الفرض في فُلک جار قاعداً بلاعذر صح لغلبة العجز واساء وقالا لا يصح الا بعذر وهو الا ظهر برهان والمربوطة في الشط كا الشط في الاصح الخ درمختار [۱] قوله جاراى سائرا احتراز من المربوطة قوله والمربوطة في الشط كما الشط فلاتجوز الصلوة فيها قاعداً اتفاقاً وظاهر ما في الهدايه وغيرها الجواز قائما مطلقا استقرت علي الارض اولا وصرح في الايضاح يمنعه في الثاني اي في عدم الاستقرار حيث امكنه الخروج الحاقاً لها با الدابة هر واختاره في المحيط والبدائع وعزاه في الامداد آيضا الى مجمع الروايات عن المصفي وجزم به في نور الايضاح وعلي هذا ينبغي ان لاتجوز الصلوة فيها سائرة مع امكان الخروج الي البر وهذه المسئلة الناس عنها غافلون شرح [۲] المنية والمربوطة بلجة البحران كان الريح يحركها شديداً فكا السايرة والا فكا الواقعة ويلزم استقبال القبلة عند الافتتاح وكلما دارت ولوام قوماً في فلكين مربوطين والا لا درالمختار از روايات فوق الذكر واضح است در هداية وغيره جواز ان منقول است وهمين احوط است كما هو ظاهر فقط.

بعد از بیهوشی اگر بهوش آمد پس در مورد نماز هایش چه حکم است: سوال: (۲۱۸۹) اگر شخصي بوجه ازديا وكثرت مرض مدت بيست وچهار ساعت بيهوش باشد وبعد درآن اگر احيانا بهوش مي آيد اوعلاوه از اشارة بطريق ديگر نماز را اداء نميتواند بناء آيا بذمه اش قضا آوردن نماز هاي فوت شده است يانه اگر قضاء بذمه اش باشد وانرا درحالت مذكوره باشاره اداء نمايد ايا كافي خواهد باشد يانه واگر اضافه تر از بيست وچهار ساعت بيهوش باشد در آن مورد

(۱) الدر المختار علي هامش ردالمحتار باب صلوة المريض مطلب في الصلوة في السفينة ج۱ ص۷۱۳، ط.س. ج۲ ص۱۰۱. ظفير
(۲) رد المحتار باب صلوة المريض ج۱ ص۷۱۳ – ۷۱٤، ط.س. ج۲ ص۱۰۱. ظفير

حکم چیست؟

جواب: دردرمختار صلواة المریض آمده است ومن جن او اغمي علیه الخ یومًا ولیلة قضي الخمس وان زاد وقت صلوة سادسة لا للحرج [۱] الخ از این عبارت معلوم شد اگر زیاد تر از بیست وچهار ساعت بیهوشي بود وشش نماز یابیشتر از آن قضاء شده پس قضاء بذمه اش لازم نمیباشد ودرصورت لزوم قضاء اگر درحالت مرض نمازهاي فوت شده را باشاره اداء کند سپس نمازش اداء خواهد شد [۲] فقط.

آیا کفاره سائر نمازهای یک سال بیک نسخه قرآن ممکن است: سوال: (۲۱۹۰) شخصي سائر نماز هاي یک سال را قضاء نمود ودرحین وفات او گفت که در بدل کفاره نماز هاي فوت شده بنده یک جلد قرآن مجید را اعطاء نمائید زیرا من آنقدر توان ندارم که کفاره سائر نمازهارا اداء نمایم آیا از نگاه شریعت این نسخه قرآن مجید براي سائري نمازهاي فوت شده یک سال اش کفاره خواهد گشت؟

جواب: باعطاء نمودن یک نسخة قرآن مجید کفاره سائر نمازهاي فوت شده اداء نخواهد شد بلکه کفاره نمازهاي یک روز بوزن انگلیسی ده نیم سیر یا قیمت آن میباشد که تقریبا یکنیم روپیه همان عصر میشود وکفاره نمازهاي یک ماه ۵٤۰ میشود وکفاره دوازده ماه از آن تخمین واندازه کرده شود صمااللمعه فلهذا اگر درترکه آنکس دریک ثلث آن گنجائش باشد پسی در آن صورت اداء نمودن کفاره کامل نمازها بکار است [۳] فقط.

اگر قدرت جلوس ر ا ندارد پس چگونه نماز را اداء نماید: سوال: (۲۱۹۱) شخصي آنقدر

---

(۱) الد رالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلاة المریض ج۱ ص۷۱٤، ط.س. ج۲ ص۱۰۲. ظفیر

(۲) وإن تعذر القعود اومأ بالرکوع والسجود مستلقیا علی ظهره وجعل رجلیه إلی القبلة الخ (عالمکیري کشوري الباب الرابع عشر في صلوة المریض ج۱ ص۱۳٤، ط. ماجدیة ج۱ ص۱۳٦). ظفیر

(۳) ولو مات وعلیه صلوات فائتة واوصی بالکفارة یعني لکل صلوة نصف صاع بر کالفطرة وکذا حکم الوتر والصوم وإنما یعطی من ثلث ماله الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب قضاء الفوائت ج۱ ص٦٨٥ – ٦٨٦، ط.س. ج۲ ص۷۲) وکدام حساب که درج است آن از سنه ۱۳٤٤ هجري است ودر عصر ما سنه ۱۳۸۱ هجري در قیمت امتیاز زیاد مي آید زیرا قیمت ده نیم سیر گندم بوزن انگلیسي تقریبا چهار روپیه است ودرحین ترجمه بیشتر سنه ۱٤۲٤ نیز به اختتام رسیده است ونه نیم گنده وزن انگلیسي اکنون بصد روپیه نیز نخواهد شد عارف بهر حال حساب گندم همان خواهد باشد که درج است لکن اندازه قیمت در عصر موجوده تعین میشود خواه کم باشد یا زیاد والله اعلم. ظفیر الدین

لاغر وضعيف شد که قادر بنشستن نيست بناء چگونه نماز را اداء نمايد وآيا سنت ونوافل رانيز اداء کند يا آنکه تنها فرض را اداء نمايد؟

جواب: هر انکسکه نماز را نشسته باشاره اداء نموده نميتواند او نماز را بشکل خوابيدن باشاره اداء کند واداء نمودن سنت ونوافل برايش ضروري نيست اگر اداء کند بهتر است ورنه کدام گناه عائد حالش نيست [1] فقط.

بوجه مريضى جبيره شراب رابسته نمود پس نماز را چگونه اداء نمايد: سوال: (۲۱۹۲) پاي يکنفر زخمي بود وداکتر برآن جبيره شراب بسته نمود وبرايش تاکيد ورزيد که اين جبيره را دور نبايد کرد بناء آيا اکنون با اين جبيره نماز اداء نموده ميتواند؟

جواب: درهمان حالت اونماز را بايد اداء کند ونمازش درست [2] است فقط.

خانم دروقت ولادت نماز را چگونه اداء نمايد: سوال: (۲۱۹۳) زن د حين ولادت طفل باموجوديت آنکه هوش وحوا س اودرست باشد وظاهرا انديشه ضياع طفل نيز نخواهد باشد لکن خون ورطوبت وغيره راش جاري باشد وبعضي حصه طفل از جسم خارج وبرخي باقي باشد ووقت نماز نيز باشد واو تنها بخاطري آداب طهارت يا براي حرمت نماز ويا بدان فکر که سائر جسم خون آلوده خواهد شد ونماز را اداء ننمود آيا درآن صورت گنهگار خواهد شد يانه وآيا نماز را اداء نمايد يانه.

جواب: درهمچو حالت اگر انديشه فوت شدن نماز محسوس شود پس آن زن مريضه اگر ممکن باشد وضوء چاراندام بسازد ورنه تيمم نمايد نماز را اداء کند ودرفکر جريان خون نباشد زيرا اين خون استحاضة است که مانع عن الصلواة نيست در شامي آمده است ولو لم تصل تکون

---

(۱) وإن تعذره القعود ولو حكما اوما مستلقيا على ظهره ووجهه نحو القبلة الخ او على جنبه الأيمن او الأيسر ووجهه إليها الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المريض ج۱ ص۷۱۱ – ۷۱۲، ط.س. ج۲ص۹۹). ظفير

(۲) إمرأة خرج رأس ولدها وخافت فوت الوقت برضا إن قدرت وإلا تيممت وجعلت رأس ولدها في قدر او حفيرة وصلت قاعدة بركوع وسجود فإن لم تستطعها يؤمي ايماء أى تصلي بحسب طاقتها ولا تفوت الصلوة عن وقتها لأنها لم تصر نفساء بخروج بعض الولد ما لم ير الدم بعد خروج الولد كله والدم الذي تراه في حالة الولادة قبل خروج الولد إستحاضة لا تضع الصلوة فكانت مكلفة بقدر وسعها فلا يجوز لها تفويت الصلوة عن وقتها إلا إن عجزت بالكلية كما في سائر المرضى (غنية المستملي ص۲۶۵ – ۲۶۶). ظفير

عاصية لربها الخ ودرشرح الخ ودرشرح المنية است. فلا يجوز لها تفويت الصلوة الخ فقط.

اگر در داخل نماز ازمریض ریاح ریح خارج شود حکم آن چیست: سوال: (۲۱۹٤)
اگرشخصي مبتلا به مرض نفخ وريح باشد پس باوضوء مسجد نماز را اداء نموده ميتواند واگر در اثناء نماز از او ريح خارج شود حكم آن چيست؟

جواب: اگر آن شخص معذور شرعي گرديده باشد يعني مرضي خروج ريح براي او آنقدر زياد شده باشد كه در يک وقت چنان حالت عارض شده است كه در سائر وقت از آن مرض آنقدر مهلت برايش داده نميشود كه وضوء نمايد ونماز فرض را بغير از آن عذر اداء كرده بتواند براي او جواز دارد كه يک مرتبه وضوء بكند ودرهمان وقت نماز را اداء كند اگر چه خروج ريح از او جريان داشته باشد. درمختار [1] فقط.

آیا درآن کشتی نماز جائز است که درکنار ساحل بسته شده باشد یانه: سوال:
(۲۱۹۵) اگر كشتي دركنار درياب بسته شده باشد بناء آيا ايستاده بغير از مستقر زمين درآن نماز جائز است يانه ودر خلاصة الفتاوي جلد اول ص ۱۹٤ ناجائز مينگارد؟

جواب: درهداية ذكر است والمربوط كالشط هوالصحيح [2] ومثله في الدر المختار وفي رد المحتار.

قوله: والمربوطة والشط فلا تجوز الصلوة فيها قاعداً اتفاقًا فظاهر مافي الهداية وغيرها الجواز قائماً مطلقًا اى استقرت على الارض اولا وصرح في الايضاح بمنعه في الثانى حيث امكنه الخروج [3] الحاقًا لها با الهداية الخ معلوم گرديد كه صحيح آنست كشيتى كه در كنار بسته شده باشد درآن نماز قياما درست است ونشسته نماز اداء نمودن درآن جائز نيست لكن احوط آنست كه خارج از كشتي موصوف درگوشه نماز را اداء كند براي اينكه ازخلاف بيرون شود فقط.

---

(۱) وصاحب عذر من به سلسل البول لا يمكنه إمساكه او استطلاق بطن او إنفلات ريح الخ إن إستوعب عذره تمام وقت صلوة مفروضة بأن لا يجد في جميع وقتها زمنا يتوضأ ويصلي فيه خاليا عن الحدث ولو حكما الخ وحكمه الوضوء لا غسل ثوبه ونحوه لكل فرض ثم يصلي به فيه فرضا ونفلا الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار مطلب احكام المعذور ج۱ ص۲۸۰، ط.س. ج۱ ص۳۰۵). ظفير

(۲) هدايه باب صلوة المريض ج۱ ص۱٤٥. ظفير

(۳) رد المحتار باب صلوة المريض مطلب في الصلوة في السفينة ج۱ ص۷۱٤، ط.س. ج۲ ص۱۰۱. ظفير

الباب الرابع عشر في صلواة المسافر

مسافر چگونه نماز را اداء نماید ومتباقي مسائل این باب

اگر بلا اختیار اتفاقا پانزده یومکث نماید پس چه باید کرد: سوال: (۲۱۹۶) چند اشخاص بخاطري تجارت رخت میروند ودر یک مکان قیام مي نمایند ودر مناطق عنقریب آنها بفروش میرسانند وشبانه واپس بجاي قیام باز گشت مي نماید ونماز را قصر میخواند و میگوید که ما اراده قیام را نداریم وهر وقتیکه رخت ها فروخته شود درآن وقت میرویم پس درهمچو حالت اگر پانزده روز یا از آن بیشتر بانوبت بگذرد پس درآن مورد حکم چیست؟

جواب: وقتیکه نخست در آنجا اراده موثق مکث نمودن پانزده روز نداشته باشد اگر چه اتفا قا پانزده یا زیاد تر از آن قیام صورت گیرد باز هم در هچو حالت نماز را قصر باید کرد [1] فقط.

بکدام راه که سفر شده باشد همان قابل اعتبار است: سوال: (۲۱۹۷) اجمیر از منطقه مایان براه پیاده بمسافت بیست میل قرار دارد وبذریعه ریل راه آهن هشتاد میل است بناء اگر بذریعه ریل سفرمي نماید آیا قصر بکند یانه؟

جواب: اگر بذریعه ریل سفر مي نماید باز هم قصر واجب است [2] فقط.

جائیکه پدر مقیم باشد درآنجا پسر بغیر از نیت پانزده روز قصر نباید کرد: سوال: (۲۱۹۸) یک شخص بخاطری معیشت وروز گار از وطن خویش بمنطقه بهر تپور آمد ودرآنجا مدت چهل سال را سپري نمود ودرآن جریان احیانا رخصتي میگرفت وبوطن اصلي خود میرفت لکن احیانا اعضاي خانواده خود را نیز به آنجا مي آورد ودر بهر تپور در مسکن بکرایه سکونت مي نمودند وپسرش محمد رفیق نیز همراهش بود اکنون او براي روزگار به دهلي رفت ودر دهلي مدت چهار سال سکونت نمود الان اگر محمد رفیق از دهلي نزد پدر خود تشریف میبرد

---

(۱) ولا یزال على حکم السفر حتى ینوي الإقامة في بلدة او قریة خمسة عشر یوما او اکثر الخ ولو دخل مصرا على عزم أن یخرج غدا او بعد غد ولم ینو مدة الإقامة حتى بقي على ذلک سنین لقصر (هدایه باب صلوة المسافر ج۱ ص۱۴۹). ظفیر

(۲) فان قصد بلدة وإلى مقصده طریقان أحدهما سیرة ثلثة أیام ولیالیها والآخر دونها فسالک الطریق الأبعد کان مسافرا عندنا هکذا في فتاوی قاضیخان (عالمگیري کشوري ج۱ ص۱۳۶، الباب الخامس في صلوة المسافر ط. ماجدیة ج۱ ص۱۳۸). ظفیر

آیا نماز را کاملا اداء نماید ویا آنکه قصر بکند؟

جواب: اگر بمنطقه بهر تپور بنیت پانزده روز قیام رفتن او نباشد پس قصر در نماز بکار است زیرا بهر تپور وطن آقامتش بود وبسفر نمودن آن باطل شد [۱] فقط.

منطقه امبر سر را ترک گفت ولاهور را وطن اقامت گرفت اکنون او درا مبرسر نماز را چگونه اداء کند: سوال: (۲۱۹۹) شخصي نخست درمنطقه امبر سر سکونت داشت سپس از آن از چهار سال بدینسو با اهل وعیال خود :ر لاهور سکونت گزین شده است ودر امبر سر اندک زمین نیز دارد برادران وخواهرانش نیز در لاهور زیست دارند بناء اگر درمیان امبر سر ولاهور مسافت سفر باشد پس آنکس در امبر سر قصر نماید یانه؟

جواب: اگر این شخص لاهور را وطن اصلي قرار داده باشد وسکونت امبر سر را وداع گفته باشد سپس اگر در امبر سر نیت پانزده رزو را ننموده باشد او در آنجاه قصر باید کرد کما في الدر المختار الوطن الاصلي یبطل بمثله اذا لم یبق له با الاول اهل الخ [۲] فقط.

مسافت قصر ۴۸ میل است: سوال: (۲۲۰۰) منزل چند میل است وبحساب میل انگلیسي برای قصر نماز سه منازل بکار است یا چطور؟

جواب: بنزد ما معمولا ٤٨ میل براي قصر نماز سفر کردن است وشانزده میل یک منزل قرار داده شده است فقط.

در وقت اطمینان مسافر سنت را اداء نماید: سوال: (۲۲۰۱) مسافر تنها فرض را اداء نماید یا سنت رانیز؟

جواب: دردر مختار است ویاتی المسافر با السنن ان کان فی حال امن وقرار والا بان کان في خوف وقرار لا یاتی بهاهو المختار لانه ترک لعذر الخ قبل الاسنة الفجر الخ وفي الشامي: قال شرح المنية والاعدل ما قاله الهندوانی قلت والظاهران ماهو في المتن هو هذا [۳] ص ۵۳۲ جلد

---

(۱) وطن الإقامة يبطل بوطن الإقامة وبانشاء السفر وبالوطن الأصلي (عالمكيري كشوري باب صلوة المسافر ج۱ ص۱٤۰، ط.س. ج۱ ص۱٤۲). ظفير

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷٤۲، ط.س. ج۲ ص۱۳۲. ظفير

(۳) رد المحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷٤۲، ط.س. ج۲ ص۱۳۱. ظفير

اول شامی از آن عبارت واضح معلوم شد که اگر درحالت اطمینان قرار داشته باشد پس سنت را اداء باید کرد واگر حالت اطمینان نباشد بلکه در صدد سرعت باشد وخوف نیز باشد درآن صورت سنت را ترک نماید وبعض فقهاي کرام فرموده اند که با آنهم سنت فجر را ترک نباید کرد فقط.

مسافر درچقدر مسافت قصر نماید: سوال: (۲۲۰۲) براي مسافر درچقدر فرسخ قصر نمودن بکار است وهرفرسخ چند میل میباشد؟

جواب: اگرسفر به اندازه سه منزل یعني سه روز باشد پس براي مسافر قصر لازم است وبعضي فقهاء کرام تجدید آنرا بعوض منازل بفرسخ ومیل فرموده [۱] اند ودرآن مورد سه اقوال است ۱۵ فرسخ یعني ٤٥ میل مقرر نموده اند وقول مفتي به قول ثاني یاثالث است قال: فی شامي ثم اختلفوا فقیل احد وعشرون وقیل ثمانیة عشر وقیل خمسة عشر والفتوي علي الثاني لانه الاوسط وفي المجتي فتوٰي ائمة خوار زم [۲] علی الثالث واما مذهب ثالث آنست که عادتا درمدت سه روز هرچند سفر که سپري میشود درآن قصر واجب است. ومیل چهار هزار ذراع یا چهار هزار قدم است کذا في الشامی [۳] فقط.

هر مسافر اگر بجاي قصر نمازرا کامل اداء نماید حکم آن چیست: سوال: (۲۲۰۳) یک مسافر حنفي درنماز قصر ننمود وقتیکه از او پرسش بعمل آمد او گفت هرگاه نماز را قصر اداء کنم چنین برایم معلوم میشود مثلیکه قطعا نماز را اداء نکرده باشم واطمینان قلبي برایم فراهم نمیشود پس ناگزیر قصر نمي نمایم ومجبورا بر قول امام شافعي رحمة الله عمل مي نمایم بناء آیا درآن صورت نماز این مسافر شد یانه؟

---

(۱) قاصد مسیرة ثلاثة أیام ولیالیها من أقصر أیام السنة ولا یشترط سفر کل یوم إلی اللیل بل إلی الزوال ولا إعتبار بالفراسخ علی المذهب (درمختار) قال في النهایة أی التقدیر بثلاث مراحل قریب من التقدیر بثلاثة أیام الخ وکذا ما في الفتح من أنه قیل یقدر بإحد وعشرین فرسخا وقیل بثمانیة عشر وقیل بخمسة عشر وکلٌ من قدر عنها إعتقد أنه مسیرة ثلاثة أیام (رد المحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳٤، ط.س. ج۲ ص۱۲۲). ظفیر

(۲) رد المحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۵، ط.س. ج۲ ص۱۲۳. ظفیر

(۳) الفرسخ ثلاثة أمیال والمیل اربعة الاف ذراع (رد المحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۵، ط.س. ج۲ ص۱۲۳. ظفیر

جواب: مسافر موصوف این عمل قبیح وبد را انجام نمود ودرآن مورد براي او بر مذهب شافعي عمل نمودن درست نیست وموافق مذهب خود حتما قصر بکند وقصر نمودن واجب است (۱) باقي آنکه اگر اوعلیحده تنها نماز را اداء نمود پس نمازش شد واگر امام گردید پس نماز مقتدیان نخواهد (۲) شد فقط.

اگر اولا درجاي نیت اقامت پانزده روز نمود بناء درآن مدت نماز را کامل اداء نماید:

سوال: (۲۲۰٤) یک مامور دولت جاي سکونتش سکندر آباد است واو با اهل وعیالش میباشد ودریک طرف سکندر آباد منطقه قرار دارد بسافت ۳۲ میل وبطرف دیگر پنج میل وبطرف آخرش ۲۱ میل وطرف دیگر عنقریب ۲۲ میل میباشد ودرمدت دوران وظیفه اش دریکي بیشتر از ده روز اقامت نمي داشته باشد پس درآن صورت مامور مذکور درسکندر آباد یادیگر مناطق نماز را قصر اداء کند یاپوره درآن مورد حکم چیست؟

جواب: قاعده آنست که درجاي اقامت تا وقتیکه بهم نیت اقامت پانزده روز را نکند تابه آن وقت قصر نمودن بکار است ودرحین دور وگردش چونکه هیچ مقام مسافت شرعي یعني قابل قصر نیست بناء اگر نخست درسکندر آباد نیت اقامت پانزده روز شده باشد پس درمدت دوران وظیفه هیچ جاي قصر نخواهد باشد واگر درسکندر آباد اول نیت اقامت پانزده روز نشده بود ونه درمقام دیگر نیز نیت اقامت پانزدة روز شده باشد پس درآن صورت هموار یکسان قصربايد کرد یعني درسکندر آباد ودرحین دوره وظیفه نیز (۳) فقط.

احکام مامور هوا پیما: **سوال:** (۲۲۰۵) (۱) بعضي مردم به مناطق دور افتیده مانند رنگون وغیره میروند ودرچنان طیاره ها وظیفه ماموریت را انجام میدهند که علاوه از شهرستان وبناء

---

(۱) والقصر لازم عندنا الخ والآثار في ذلک کثیرة وهي تدل إلی أن الفرض رکعتان وأن الإتمام منکر ولو کان جائزا بفعله علیه الصلوة والسلام مرة تعلیما للجواز (غنیة المستملي ص٤۹۹ – ٥۰۰). ظفیر

(۲) فلو أتم مسافر إن قعد في القعدة الأولی تم فرضه ولکنه أساء لو عامدا، لتأخیر السلام وترک واجب القصر وواجب تکبیرة إفتتاح وخلط النفل بالفرض الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۹، ط.س. ج۲ ص۱۲۸). ظفیر

(۳) لا یزال علی حکم السفر حتی ینوي الإقامة في بلدة او قریة خمسة عشر یوما او أکثر وإن نوی أقل من ذلک قصر (هدایه باب صلوة المسافر ج۱ ص۱٤۸). ظفیر

درخويش به شهر هاي ديگر رفت وآمد كرده نميتواند بلكه درهمان شهر بخاطري رفت وآمد طيارات يک دگير راه وشركت ها راتنظيف وتصفيه مي نمايد؟

آن عدئي مردميكه هميشه دربند رگاه بسر ميبرند: سوال: (۲۲۰۶) (۲) وبرخي از در چنان طيارات وظيفه اجراء ميكنند كه هميشه مربوط بند رگاه وهموار برمكان خود ثابت مياشد؟

كسيكه هموار درسفر باشد: سوال: (۲۲۰۷) (۳) بعضي مردم درطيارات تجارتي موظف مياشند كه البته وظيفه آنها تنها انتقال من مصر الي مصر مياشد وهيچگاه اطمينان قيام نميداشته باشد بلي احيانا در شهر اقامتگاهش نيز يک ماه مياشد لكن موظفين درآن مورد تابع آمير مياشند بلكه براي ايشان اطلاع نيز نمياشد كه طياره تا به چه وقت درآنجا باقي ماند وچه وقت پرواز خواهد نمود درآن هر سه صورت ها آيا براي ملا زمان طياره قصر بكار است يانماز راكامل اداء نمايد ويادرآن صورت ها كدام فرق وجود دارد؟

جواب: (۱-۲) آن عدئي مردميكه درصورت مسئله اول ودوم مياشند آنها مقيم اند ونماز را براي ملا زمت رفتند ودر آنجا نيت اقامت پانزده يابيشتر را كردند وسپس درچنان طياره وظيفه ونوكري را اجرامي نمودند كه براي سفر نباشد پس ايشان مسافر محسوب نيستند بناء نماز را كامل اداء نمايند.

جواب: ۳ ودرصورت مسئله سوم ايشان مسافر مياشند ونماز را قصر اداء كنند ودليل اداء نمودن نماز كامل درصورت اول ودوم اين عبارت درمختار است حتي يدخل موضع مقامه الخ او ينوي اقامة نصف شهر بموضع واحد صالح لها من مصر او قرية [1] الخ ودليل مسئله سوم آن است فيقصران نوي الاقامة في اقل منه اي من نصف شهر اونوي فيه لكن في غير صالح كبحر اوجزيرة الخ او يكن مستقلاً برايه الخ درمختار قوله: او لم يكن مستقلاً برايه عطف علي قوله ان نوي اقل منه وصورته نوي التابع الاقامة ولم ينوها المتبوع اولم يدر حاله فانه لايتم الخ شامي فقط.

جائيكه نيت اقامت پانزده روش نباشد درآنجاه قصر بايد كرد: سوال: (۲۲۰۸) وطن اصلي زيددهلي است ومكان اقامتش در كانپور مياشد ومدت اقامت وي در كانپور به پانزده روز

---

(۱) الدر المختار علي هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۶ – ۷۳۷ ، ط.س. ج۲ ص۱۲٤. ظفير

نمیرسد بناء آیا درمکان اقامت خود زید نماز را قصر اداء نموده میتواند یانه؟

جواب: بعد ازسفر نمودن از جاي اقامت ان وطن اقامت باطل میگردد [۱] سپس ازان اگر اودر آنجانیت اقامت پانزده روز را نکرد ناگزیر قصر نمود في بکار است فقط.

آنکسیکه دومکان سکونت دارد او نماز را چگونه اداء نماید: سوال: (۲۲۰۹) یک شخصي در موضع را براي سکونت انتخاب کرده یک درکوئته ودیگري درجیکب آباد درگرما درکوئته مقیم میباشد ودر سرما جیکب آباد ودرمیان هردوموضع مسافت سفر است اگر براي کار وبار در جیکب آباد یا کوئته آمد قصر کند باتمام درخواند عیال واطفال باخود هرجا که می باشد همراه او مي باشد ودرموضع گرما وسرما مکانات وعقار ودیگر سامان گذر است وبس؟

جواب: اگر هر دو موضع را وطن اصلي وجای قرار گرفته است ودر هردو موضع مکان وعقار است واهل وعیال در هردو موضع مي باشند درهردو موضع نماز تمام کند قال: في الشامي من شرح المنیة ولوکان له اهل ببلدتین فایتهما دخل صار مقیماً الخ فقط.

جائیکه مسلسل نیت اقامت پانزده روز نباشد قصر باید کرد: سوال: (۲۲۱۰) ما مردم از پانزده سال بدینسو در قصبه بنام تراور تجارت مي نمائیم مال مي آوریم وبفررش میرسانیم وبعد از آمدن به آنجا به دیهات میرویم لکن خانه را بکرایه اخذ نمودیم وقتیکه از خانه بیایم چار پنج ماه درآنجا بسر میبریم اما پانزده روز اقامت نمیباشد بلکه دو روز بیرون میرویم ودو روز درمنطقه بنام تراور میباشیم وچنین نیت داشته میباشیم که بعد (از چار ماه بوطن خواهم رفت بناء آیا نماز را قصر بخوانیم یاپوره؟

جواب: وقتیکه شما جاي بغرض تجارت میروید ونیت اقامت پانزده روز را ننموده باشید بلکه چنان نیت داشته باشدکه بعد از اقامت دویا چهار روز بدیهات میرویم ودرآنجا گشت خواهم نمود وبعضي قریه ها دو روز ودربرخی چهار روز میباشیم که بهمان طریقه چهار وپنج ماه گذشت پس در همچو صورت نماز قصر باید کرد کذا في کتب الفقه [۲] فقط.

---

(۱) رد المحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۷ – ۷۳۸، ط.س. ج۲ ص۱۲۵. ظفیر

(۲) لا یزال علی حکم السفر حتی ینوي الإقامة في بلدة او قریة خمسة عشر یوما او اکثر وإن نوی أقل ذلک قصر (هدایه باب صلوة =

حكم صاحب دوخانه: سوال: (٢٢١١) شخصي دوخانه دارد درميان هردوخانه مسافت سفر است عيال باخود هرجا كه مي باشد مي برد اهليه يكي است دريک خانه پس اگر براي كار وبار درخانه ديگر آيد كه عيال باخود نميدارد قصر كند يانه؟

اگر هردورا وطن اصلي بشمار دو اراده ترک يكى ازانها نكرده است ويک مقام را ترک كرده بديگر مقام سكونت نگرفته است هردو وطن اصلي است درهريک اذان نماز تمام كند. والتفصيل في شرح [1] المنية فقط.

اگر معلوم نباشد كه چقدر وقت اقامت نمود پس چه بايد كرد: سوال: (٢٢١٢) : مامردم جاي آمده ايم كه درآنجا اقامت خواهم نمود ويا چقدر سفر خواهم كرد لكن اكثرا درمورد سفر انقدر روشن است كه از ده يا پانزده ميل بيشتر نميباشد ودر مورد قيام آنقدر معلوم است كه درهمان جاي يكماه اقامت خواهم نمود راز همان جاي بعداز ده روز كوچ خواهم نمود غرض آنكه ما مردم دراختيار نود نميباشيم پس درهمچو حالت آيا نماز را قصر نمايم ياتمام در حاليكه هيچ حال قيام وسفر معلوم نيست؟

جواب: درهمچو حالت شما نماز تمام اداء كنيد زيرا كه اين اصل است درمؤرد قصدا ونيت حكام وامراء معلومات نيست [2] فقط.

اگر مسافر چهار ركعت ظهر راتمام اداء نمود پس اعاده واجب است: سوال: (٢٢١٣) مسافر سهوا نماز ظهر را چهار ركعت اداء نمود آيا اعاده بكند يانه؟

جواب: وجوبا [3] اعاده نمايد.

= المسافر ج١ ص١٤٨). ظفير

(١) فالأصلي وهو مولد الإنسان او موضع تأهل به الخ وفي المبسوط هو الذي نشأ فيه او أوطن فيه او تأهل كقوله او توطن فيه يتناولها عزم القرار فيه وعدم الإرتحال وإن لم يتأهل فعلى هذا لو عزم من له أبوان في بلد على القرار فيه وترک الوطن الذي كان قبله له يكون وطنا له ولو تزوج المسافر ببلد ولم ينو الإقامة به فقيل لا يصير مقيما وقيل يصير مقيما وهو الأوجه لما مر من حديث عثمان ولو كان له اهل ببلدتين فايتهما دخلها صار مقيما وإن ماتت زوجته في أحديهما وبقي له فيها ورد عقار الخ (غنية المستملي ص٥٠٥). ظفير

(٢) ولم يكن مستقلا برأيه كعبد او إمرأة اوبلدة ولم ينوها اى مدة الإقامة الخ ولو بقي سنين الخ والمعتبر نية المتبوع لأنه الأصل لا التابع كامرأة الخ وعبد الخ وجندى إذا يرتزق من الأمير او بيت المال وأجير وأسير وغريم وتلميذ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٣٨، ط.س. ج٢ ص١٢٦). ظفير

(٣) فلو أتم مسافر إن قعد في القعدة الأولى تم فرضه ولكنه أساء ولو عامدا لتأخير السلام وترک الواجب القصر الخ وهذا لا يحل كما =

امام مسافر اگر قصدا چهار رکعت اداء نمو پس نماز مقتدی نشد: سوال: (۲۲۱٤) امام مسافر اگر قصدا چهار رکعت اداء نمود وبرایش معلوم است که قصر کردن بکار است بناء آیا نماز مقتدیان شد یانه وبراي مقتدي بعد ازختم نماز معلوم شد که امام مسافر عمدا چهار رکعت اداء کرده است فلهذا درآن اثنا مقتدی چه باید کرد ودرمورد امام چه حکم است حالانکه هر دو احناف میباشند بنیوا توجروا؟

جواب نماز مقتدیان نشد واما فرض امام اداء شد اگر قعده درمیاني کرده باشند لکن بوجه تأخر واجب در صورت عدم اداء نمودن سجده سهوه براو اعاده واجب است [1] فقط.

بهر راه که سفر میکند همان قابل اعتبار است: سوال: (۲۲۱۵) (۱) سه آشخاص جاي رفتند که آن مکان سه نوع راه هاي مختلف عبور ومسافت مختلف دارد یک شخص براه راست ومسافت میرود که به اندازه سي ۳۰ میل است وشخص دیگر براه سرک پخته میرود که براي سیاحت وچکر زدن گذشته متعین است ومسافتش سي وشیش ۳٦ میل است وشخص سوم بذریعه ریل آهن میرودکه مسافتش چهل ٤۰ میل است پس دران صورت نمبر ۱ ونمبر ۳ مسافر دانسته میشود یانه وبراي آنها نماز قصر نمودن بکار است یانه ودر آن هر سه نوع راه ها کدام راه صحیح پذیرفته خواهد شد؟

مسافت راکم پنداشته نماز را اتمامی نمود وقتیکه بتحقیق برایش روشن شد که مسافت قصر بود پس باید قصر کرد: سوال: (۲۲۱٦) (۲) شخصي جاي رفت که مسافت آنرا بعد از تحقیق بفکر خود از حد سفر کم مي پندارد فلهذا او نماز را تمام مي نمود وبعد از چهار وپنج روز برایش معلوم شد که مسافت از حد سفر زیاد است واو نماز ها را به اتمام اداء نموده بود بناء آیا آن نماز ها را اعاده نماید یانه وهمچنان شخصي دریک مقام که مسافت آن از حد شرعي

= حرره القهستاني بعد أن قصر ساء باثم واستحق النار (درمختار) فعلم ان الاساءة هنا كراهة التحريم (ردالمحتار باب صلاة المسافر ج۱ ص۷۳۹ – ۷٤۰، ط.س. ج۲ ص۱٤۸). ظفير

(۱) فلو أتم مسافر إن قعد في القعدة الأولى تم فرضه ولكنه أساء الخ وما زاد نفل كمصلي الفجر اربعا وان لم يقعد بطل فرضه (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۹ – ۷٤۰) ونماز مقتدیان مقیم بخاطری نمیشود که نماز مفترض بعقب متنفل درست نیست ودر صورت مسئله متیاقی در رکعت امام نفل شد والله اعلم ظفير.

کم میباشد ودرآنجا بفکر مسافت شرعي قصر مي نمود وبعد از چند روز برایش هوید اشد که این مقام از حد سفر کم است بناء آیا آن شخص آن نماز ها را اعاده کند یانه؟

<u>نماز های قضاء شده حالت سفر در صورت قصر میباشد</u>: سوال: (۲۲۱۷) (۳) نمازها نیکه در حالت سفر قضاء شده باشد آیا آنها را در حضر قصر اداء کند یا اتمام و همچنان اگر در حالت سفر اتمام نماز شده باشد آیا آن را اعاده نماید وآیا آنکه نمازش شد.

جواب: (۱) کسي که بهرراه سفرمي نماید همان راه اعتبار دارد بناء آشخاص نمبر ۱ ونمبر ۲ مسافر شرعي اند وایشان قصر باید بکنند [۱].

جواب: (۲) شخص اول اگر درقعده درمیاني نشسته باشد پس نماز فرض او درست شده است واعاده اش فرض نیست وشخص دوم آن نماز ها را اعاده نماید [۲].

جواب: (۳) درمورد ان همان است که نماز هاي فوت شده حالت سفر را در حالت حضر نیز قصر اداء کند [۳] وآن عده نماز ها را که درسفر اتمام نموده است اگر درآنها قعده اولی راکرد باشد پس آن نماز ها درست شده اند فقط.

<u>معلوم نیست که چند روز اقامت خواهد باشند پس چه باید کرد</u>: سوال: (۲۲۱۸) زید براي بکر حکم داد که از راه زمین برو ومقام منتها را بصره متعین نمود لکن متیقن نیست که پانزده روز اقامت خواهد باشد یا زیاد یا کم وبراي بعضي مردم دستور داده میشود که شما درآن مقام مستقل بسر ببرید وبراي شخصي حکم داده میشود که از هر جاي مطالبه صورت گیرد پس شما بهمان جاي ارسال خواهد شدید لکن درآن مورد هیچ یکي درست یقین مؤثق ندارد که چند

---

(۱) ولو لموضع طریقان احدهما مدة السفر والآخر أقل قصر في الأول ولا الثاني (درمختار) أی ولو کان إختیار السلوک فیه بلا غرض صحیح خلافا للشامي کما في البدائع (رد المحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۵، ط.س. ج۲ ص۱۲۳). ظفیر

(۲) فلو أتم مسافر إن قعد في القعدة الأولی تم فرضه ولکنه أساء الخ وما زاد نفل الخ وإن لم یقعد بطل فرضه (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۹ – ۷۴۰، ط.س. ج۲ ص۱۲۸) وشخص آخر در بدل چهار رکعت دو رکعت کرد للهذا نمازش صحیح نه شد : بقی من المفسدات ارتداد بقلبه وموت الخ وترک رکن بلا قضاء (ایضا باب ما یفسد الصلوة ج۱ ص۵۸۸ – ۵۸۹ ، ط.س. ج۱ ص۶۲۹). ظفیر

(۳) فلو أتم مسافر إن قعد في القعدة الأولی تم فرضه الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۹، ط.س. ج۲ ص۱۲۸). ظفیر

روز درآنجا اقامت خواهد باشد بناء دراین صورت قصر نماز بکار است یا اتمام؟

جواب: درهمچو حالت تردد قصر نمودن بکار است [۱] فقط.

نوافل وسنن را مسافر ترک نموده میتواند یانه؟ سوال: (۲۲۱۹) براي مسافر در مورد اداء نمودن سنن ونوافل چه حکم است اگر آنها را ترک نما ید آیا گنهکار خواهد شد یاخیر؟

جواب: دراین مورد مذهب احناف آنست که اگر مسافر درحیالت اطمینان قرار داشته باشد واز تعجیل وسیر ایمن باشد پس سنت رواتب را اداء باید بکند واگرحالت مطمئن وقرار نباشد بلکه تعجل وخوف احساس باشد دراین صورت سنت را ترک نماید ودرالدر المختار باب صلاة المسافر مذکور است: ویتی المسافر بالسنن انِ کان في حال امن وقرار والاباَن کان في خوف وفرار لا یاتی بها هوالمختار [۲] فقط.

شخصي که هموار درگشت ودور ن باشد اونماز را چگونه اداء نماید؟ سوال: (۲۲۲۰) شخصي به اساس وظیفه محوله اش در جاي مقرر است که علی الدوام درگشت میباشد وهیچ جاي پانزده (۱۵) روز اقامت نموده نمیتواند پس دراین صورت اگر او سه منزل سفر کند وبعلاقه خود مواصلت ورزد آیا دادن نماز را قصر کند یا اتمام؟

جواب: اصل مساله آن است که وطن اقامت یعني جائیکه باساس مأموریت وغیره درآنجا مقیم است که از آنجاي اگر سه منزل سفر نماید پس وطن اقامت باطل میگردد بناء اگر بعد از سه منزل یا بیشتر ازسه منزل دوره نمودن به انجا یعني بجاي اقامت واپس اید پس اگر نیت اقامت پانزده ۱۵ روز را داشته باشد اوباید که نماز را اتمام نماید واگر نیت اقامت پانزده .۱۵. روز را داشته باشد درآن قصر نمودن بکار است [۳] فقط.

---

(۱) والمعتبر نية المتبوع لأنه الأصل لا التابع کامرأة الخ وعبد الخ وجندي واجیر الخ ولا بد من علم التابع بنية المتبوع فلو نوی المتبوع الإقامة ولم یعلم التابع فهو مسافر حتی یعلم علی الأصح (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷٤٥، ط.س. ج۲ ص۱۳۳) او لم یکن مستقلا برأیه الخ او دخل بلدة ولم ینوها ای مدة الإقامة بل ترقب السفر الخ (ایضا ج۱ ص۷۳۸، ط.س. ج۲ ص۱۲٦)، ظفیر الدین غفر له

(۲) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷٤۲، ط.س. ج۲ ص۱۳۱. ظفیر

(۳) ویبطل وطن الإقامة بمثله وبالوطن الأصلي وبانشاء السفر (درمختار) قال في البدائع لو قام خراساني بالکوفة نصف شهر ثم خرج منها إلی مکة فقبل أن یسیر ثلاثة ایام عاد إلی الکوفة لحاجة فإنه یقصر لان وطنه قد بطل بالسفر (ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷٤۳، =

بلا نیت سفر قصر نست: سوال: (۲۲۲۱) شخصي نیت سر رانمود لکن مشخص نیت جاي معین را ننموده بود بناء اوماه ها وسال ها درسفر بود آیا اونماز راقصر کند یا اتمام؟

جواب: آن شخص که ابتداء از یک جاي نیت سه روز سفر را ننموده باشد او نماز را اتمام اداء کند وقصر نباید کرد [۱] ومن طاف الدنیا بلا قصد لم یقصر [۲] فقط.

شخصی که بخاطر تجارت میرود وهیچ جای زیاد از یک شب اقامت نمی ورزد بناء او نماز را چگونه اداء کند؟ سوال: (۲۲۲۲) یک نفر بیرون ازخانه بفاصله سي ۳۰ ا میل وتقریبا بمسافت چهل یاپنجا یابیشتر از آن گشت نموده تجارت مي نماید ودرهیچ شهري زیاد تراز یک شب بسر نمیبرد آیا آن شخص درحق صوم وصلاة حکم مسافر رادارد یانه؟

جواب: شخص موصوف مسافر است واحکام سفر برایش متوجه میشود بناء نماز را قصر نماید [۳] فقط.

وقتیکه مسافر به امام در رکعت سوم اقتداء کند پس اونماز را چگونه اتمام نماید؟

سوال: (۲۲۲۳) (۱) امام مقیم است وقتیکه امام دورکعت نماز ظهر وعشاء را اداء نمود پس دراین اثنا یک مسافر همراهش در رکعت سوم شامل شد پس آیا این مسافر بعداز اداء نمودن دو رکعت آخري مع الامام سلام بگرداند ویا آنکه دورکعت متباقي راپر اداء کند سپس سلام بگر داند؟

وقتیکه مسافر بعقب امام مقیم اقتداء می نماید پس او نیت چهار رکعت را بکندیا ازدو؟

سوال: (۲۲۲٤) (۲) امام مقیم است پس مسافر بعقب او نیت چهار رکعات رابکند یا ازدو؟

جواب: (۱) دو رکعت دیگر را اداء کند [٤].

= ط.س. ج۲ ص۱۳۲). ظفیر

(۱) ولا یزال علی حکم السفر حتی ینوي الإقامة في بلدة او قریة خمسة عشر یوما او اکثر وإن نوی أقل ذلک قصر الخ (هدایه باب صلوة المسافر ج۱ ص۱٤٦). ظفیر

(۲) ولایزال علی حکم السفر حتی ینوی الإقامة في بلدة او قریة خمسة عشر یوما او اکثر وان نوی اقل من ذلک قصر الخ ولو دخل مصرا علی عزم ان یخرج غدا او بعد غد ولم ینو مدة الإقامة حتی بقي علی ذلک سنین قصر (هدایه باب صلوة المسافر ج۱ ص۱٤۹). ظفیر

(۳) ولا یزال علی حکم السفر حتی ینوي الإقامة في بلدة او قریة خمسة عشر یوما او اکثر (هدایه باب صلوة المسافر ج۱ ص۱٤۹). ظفیر

(٤) إن إقتدي مسافر بمقیم أتم اربعا (عالمگیري مصري باب صلوة المسافر ج۱ ص۱۳۳، ط. ماجدیة ج۱ ص۱٤۲). ظفیر

جواب: (۲) نیت چهار رکعات رابیکند [۱] فقط.

عمله وراننده قصر کند یا اتمام؟ سوال: (۲۲۲۵) وقتیکه عمله وراننده ریل سفر مي نمايند آنها روزانه بعد ازطي نمودن دوصد میل هشت ساعت استراحت وقیام مي ورزند آیا دراین اثنا ایشان قصر کنند ویا آنکه مانند اهل اخبیه نماز را اتمام نمایند؟

جواب: ظاهر است عمله وغیره که روزانه سفر مي نمایند ایشان قصر نمایند واهل اخبیه (طبقه کوچي) نیز دراین وقت اتمام کنند که ایشان نیت اقامت نمایند واین سخن روشن است که عمله وغیره نیت اقامت پانزده روز رانمي نمایند [۲] في الدر المختار: بخلاف اهل الاخبية نووها في المفازة فانها تصح في الاصح [۳] الخ فقط.

شخصي که خودش دریک شهر تجارت می نماید واطفالش درشهر دیگر باشد پس درآنجا او نماز را چگونه اداء کند؟ سوال: (۲۲۲۶) شخصي درآن شهر دوکان دارد واطفال واولادش درشهر دیگر بسر میبرند که بفاصله ٤٨ میل مسافت بلکه زیاد تراز آن واقع است واین دوکاندار احیانا بخاطر خبر گیري اولادش به آنجا میرود بناء ایا نماز را درآنجا قصر کند یا اتمام؟

جواب: قصر کند [٤] فقط.

زید تجارت سیارمی نماید واسباب را درجای میگذارد لکن در آنجا اوخودش بیشتر ازیک هفته بود وباش نمیکند بناء آیا اونماز را قصر کند یا اتمام؟ سوال: (۲۲۲۷) زید سامان تجارت خود را از وطن خویش بفاصله صد میل دور میبرد ودرآنجا مکان را براي سامان بکرایه اخذ نموده است که از آنجا سامان را گرفته زودر دیهات بفروش میرساند واز آن اماکن احیانا بعداز یک هفته واحیانا ده ۱۰. روز بعد بمکان قیام خود عودت مي نماید ودرآنجا دویا چهار روز یایک هفته قیام مي نماید سپس سامان را گرفته عازم دیهات میشود وآن را بفروش

(۱) ایضا. ظفیر

(۲) ولا يزال على حكم السفر حتى ينوي الإقامة في بلدة او قرية خمسة عشر يوما او اكثر (هدايه باب صلوة المسافر ج۱ ص۱٤۹). ظفير

(۳) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۸، ط.س. ج۲ ص۱۲۷. ظفير

(٤) ولا يزال على حكم السفر حتى ينوى الإقامة في بلدة او قرية خمسة عشر يوما (هدايه باب صلوة المسافر ج۱ ص۱٤۹). ظفير

میرساند وتقریبا درحدود هشت یاده ۱۰. روز واپس مي آید وبهمان منوال چهار یاشش روز راسپري نموده وبوطن اصلي خویش بازگشت مي نماید بناء زید که درکدام مقام سامان تجارت را میگذارد آیا آن مقام وطن اقامتش شده میتواند یانه؟ وآیا براي زید نماز قصر اداء نمودن بکار است یا اتمام؟

جواب: اگر زید اولا درآن مکان نیت اقامت پانزده روز را کرده باشد پس دراین صورت اودر آنجاو دردیهات قریب وهمجوار که فیما بین آنها مسافت قصر نباشد نماز را اتمام نماید واگر درجاي اقامتش درمرتبه اول نیز نیت اقامت پانزده روز را نکرده باشد پس دراین صورت هموار قصر باید کرد فقط.[1]

بسته کننده گان سفینه که در بحر سکونت دارند آیا آنها نماز را قصر کنند یا اتمام؟

سوال: (۲۲۲۸) باشنده پنجاب سفینه را در دریاب جمنا وغیره بسته نموده یعني چوب وغیره را از جنگلات مي آورد وبدریاب پرتاب مي نماید وبشهر هاي متباقي از همین راه آن ار مي برد وغالبا اودر همان سفر مدت نه ۹ ماه را سپري مي نماید واحیانا ده ۱۰ روز واحیانا بیست روز واحیانا کمتر از آن بود باش اودر آنجا باقي میماند وسفر ایشان درداخل دریاب میباشد وبالاي چوب ها ایشان نشسته جریان سفر را دنبال مي نماید ودرهرمکان که چوب را بسته مي نماید درآنجا قیام بیشتر میباشد واحیانا از دریاب خارج میشوندنان وغیره راپخته مي نمایند فلهذا در مورد ایشان حکم اداء نمون نماز چگونه است آیا براي ایشان قصر کردن بکار است یاخیر؟

جواب: وقتیکه سفر ایشان سه منزل یا بیشتر از آن است ناگزیر براي ایشان قصر نمودن بکار است ونماز راحتی المقدور دروقتش اداء نمودن بکار است وبهتر آنست که هر گاه بخاطر ضرورت نان وغیره درکنار پایان شود وآن عمل را انجام نماید همچنان براي نماز نیز همانطور باید کرد[2] وبراي ایشان برتخته ها ومجتمع وغیره نیز اداء نمودن نماز درست است قسمیکه

---

(۱) ولا یزال علی حکم السفر حتی ینوي الإقامة في بلدة او قریة خمسة عشر یوما او اکثر (عالمگیري مصري ج۱ ص۱۳۰، ط. ماجدیة ج۱ ص۱۳۹). ظفیر

(۲) وإن نوی الإقامة أقل من خمسة عشر یوما قصر (عالمگیري مصري باب صلوة المسافر ج۱ص۱۳۱، ط. ماجدیة ج۱ ص۱۳۹). ظفیر

درکشتي اداء مسشود [1] فقط.

مسافری که بهدار رسیدن بوطن بنا برنادانی نماز راقصر می نماید برای او وبرای اقتداء کننده اش اعاده ضروری است: سوال: (۲۲۲۹) درحالت سفربا اداء نمودن نماز قصر بوطن اصلي رسيد فلهذا دروطن درآوان قيام نيز نماز را قصرمي نمود اگر امامت ميداد نيز قصر مي نمود بناء دراين مورد براي امام ومقتديان چه حکم است؟

جواب: دراين صورت هر چند نماز ها راکه در وطن اصلي خود قصر نموده است اعاده آنها بذمه اش وبذمه آن عده مردم که بعقب او نماز اداء نموده است لازم ميباشد [2] فقط.

مقتدي مقيم بعقب امام مسافر چگونه نماز را کامل نمايد؟ سوال: (۲۲۳۰) امام مسافر است ومقتديان مقيم ميباشند ونماز چهاررکعتي است وقتيکه امام دو رکعت را اتمام نمود او سلام گردانيد اکنون مقتديان اَلْحَمْدُ بگويند ويا بعد ازخاموش ايستا ده شدن برکوع بروند؟

جواب: وقتيکه امام مسافر باشد دراين صورت مقتد يا متباقي نماز را بدون قرائت وفاتحه اتمام نمايند وصح اقتداء المقيم بالمسافر في الوقت وبعده فاذا [3] قام المقيم الى الا تمام لا يقرأ.

جائیکه عقد نکاح نمود آیا اودر وطن است یانه؟ سوال: (۲۲۳۱) (۱) بطور مثال زيد باشنده ديوبند درمنطقه اله آباد عقد نکاح نمود پس اکنون بمحض عقد نکاح زيد اله آباد وطن اصلي زيد شده ميتواند ويا آنکه درآنجا گزينش سکونت مي نويسند ودر کبيري وغيره قيد سکونت را نيز گذاشته است بناء فتوى برکدام قول است؟

دختر اگر بعد از عروسی بخانه والدین برود ونیت ازپانزده روز را بکند آیا نماز را قصر نماید یااتمام؟ سوال: (۲۲۳۲) (۲) بعد از عقد نکاح وقتيکه خانم بخانه شوهرش رفت سپس از آن اگر بخانه والدين ميرود واراده کمتر از پانزده روز قيام را داشته باشد آيا او نماز را قصر

---

(۱) أما الصلوة في السفينة فالمستحب أن يخرج من السفينة للفريضة إذا قدر وإذا صلى قاعدا في السفينة وهي تجري مع القدرة على القيام تجوز مع الكراهة الخ (عالمكيري مصري باب صلوة المسافر ج۱ ص۱۳٤، ط. ماجدية ج۱ ص۱٤۳). ظفير

(۲) الوطن الأصلي هو موطن ولادته او تأهله او توطنه يبطله بمثله إذا لم يبق بالأول أهل فلو بقي لم يبطل بل يتم فيهما (درمختار) اى بمجرد الدخول وإن لم ينو إقامة (ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷٤۲ – ۷٤۳، ط.س. ج۲ ص۱۳۱). ظفير

(۳) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷٤۰، ط.س. ج۲ ص۱۳۰. ظفير

کند یا اتمام؟

بخانه خسر رفت ونماز را اتمام نمود حکم آن چیست؟ سوال: (۲۲۳۳) (۳) اگر زید مذکور از دیوبند به اله آباد برود ونماز را اتمام مي نماید وبراي مقیمین نماز را به اتمام میدهد آیا نیازی براي اعاده است؟

جواب: (۱) شامي دردیل قول در المختار تاهله از شرح منیه نقل نموده است: ولو تزوج المسافر ببلد ولم ینو الاقامة به فقیل لایصر مقیما وقیل یصیر مقیما وهو الاوجه [1] الخ از این عبارت واضح معلوم شد که بمحض تَزَوّج عروسي کردن در آنجا مقیم میگردد وهمین اصح واوجه میباشد یعني وقتیکه آنجا رفت پس نماز را اتمام نمودن بکار است.

جواب: (۲) نماز را اتمام نماید بخاطر آنکه این نیز وطن اصلي اش است [2].

جواب: (۳) حکم آن از واجب نمبر ۱ معلوم شد که براي او اتمام نماز بکار است فقط.

درحالت سفر ازکدام وقت قصر واجب است وآیا نماز را اتمام نموده نمیتواند؟ سوال: (۲۲۳٤) درحالت سفر نماز چه وقت واجب میشود ودرصورت وجوب قصر اگر براي ثواب نماز اتمام اداء شود آیا درست خواهد بود یانه؟

جواب: باراده قصر مسافت یعني سه منزل از شهرخارج شود واز ابادي وعمرانات بیرون گردد پس از همان وقت نماز را قصر بخواند [3] ودرحالت سفر اتمام نمودن نماز ممنوع است وتنها حکم قصر میباشد واهتمام حکم شرعي وپابندي نمودن آن بکار است [4] فقط.

وقتیکه امام مسافر از قعده اولی بر خاست ورکعت سوم را ضم کند آیا نماز مقتدی

---

(۱) ردالمحتار باب صلوة المسافر مطلب في الوطن الأصلي ووطن الإقامة ج۱ ص۷٤۲، ط.س. ج۲ ص۱۳۱. ظ

(۲) الوطن الأصلي هو موطن الأصلي هو موطن ولادته او تأهله او توطنه (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر مطلب في الوطن الأصلي الخ ج۱ ص۷٤۲، ط.س. ج۲ ص۱۳۱). ظفير

(۳) من خرج من عمارة موضع إقامته من جانب خروجه الخ قصدا الخ مسيرة ثلاثة أيام ولياليها من أقصر أيام السنة الخ صلى الفرض الرباعي ركعتين (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۲، ط.س. ج۲ ص۱۲۱). ظفير

(٤) صلى الفرض الرباعي ركعتين وجوبا لقول ابن عباس إن الله فرض على لسان نبيكم صلوة المقيم اربعا والمسافر ركعتين (درمختار) لوله وجوبا فيكره الإتمام عندنا حتى روى عن ابي حنيفة أنه قال من أتم الصلوة فقد أساء وخالف السنة شرح المنيه (ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۵، ط.س. ج۲ ص۱۲۳). ظفير

فاسدخواهد شد يانه؟ **سوال**: (۲۲۳۵) مسافرامامت کرد بعد ازقعده اولى كه درحق اومفروض است برخاست وركعت ثالث را بسجده مقيد كرد نماز جماعت مقيمين فاسد مي گردد يانه؟ ودر المختار بباب المسافر تحت قوله لم يصر مقيماً تحرير مي كند: فلو اتم المقيمون صلوتهم معه فسدت لانه اقتداء المفترض بالمتنفل ظهيرية اي اذا قصد متابعة امانو وامفارقته ووافقوا صورة فلا فساد افاده الخير الرملي [1] يجب تقيده بما اذالم ينووا مفارقته اما اذانووا مفارقته لاتفسد صلوتهم وان وافقوه في الاتمام صورة اذ لا مانع من صحة مفارقته بعدا تمام فرضه الخ: ج ۲ ص ١٤٦ بحر الرائق درين صورت چه حكم است؟

جواب: اين مسأله همانطور است قسميكه در رد المحتار وبحر الرائق منقول است وتقيد ذكر شده ضروري است فقط يعني اگر به نيت متابعت مقيم نماز را اتمام نمود نمازش فاسد خواهد شد ظفير.

مسافر بعقب امام مقيم نيت چهار ركعات را بايد كرد: **سوال**: (۲۲۳٦) مسافر را بعقب امام مقيم در نماز ظهر بعد نيت چهار ركعات بكار است يا دو ركعت وهرگاه براي مقيم در نماز ظهر بعد از اداء نمودن دو ركعت قعده كردن واجب است وبراي مسافر فرض است پس بكدام دليل نماز مسافر بعقب امام مقيم صحيح است؟

جواب: نيت كردن چهار ركعات فرض ميشود وقعده اولى بمذمه اش فرض باقي نمي ماند [2] فقط.

عساكر قصر كنند يا اتمام؟ **سوال**: (۲۲۳۷) در اينجا تقريبا سه صد (۳۰۰) نفر سكونت دارند وسائر مردان انان در توپخانه وغيره انگليسها نوكر واجير اند وبراي صاحب منصبان نيز معلوم نيست كه درآنجا تا چه مدت اقامت خواهد نمودند بناء ايا دراين صورت نماز ظهر وعشاء وغيره را چهار ركعت اداء نمايند يا دو ركعت اگر دراين مورد حكم دو ركعت باشد وچهار ركعت را اداء نمايد آيا نماز ايشان درست خواهد شد يانه؟

---

(۱) رد المحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص٧٤١، ط.س. ج۲ ص۱۳۰. ظفير

(۲) وإن إقتدى المسافر بالمقيم في الوقت أتم اربعا لأنه يتغير فرضه إلى أربع للتبعية (هدايه باب صلوة المسافر ج۱ ص١٤٩). ظفير

جواب: درهمچو حالت بکار است که چهار رکعت اداء شود زیرا اگر دو رکعت واجب باشد وچهار رکعت اداء گردد بدان شرط که قعده درمیاني را کرده باشد دراین صورت نماز میشود کذا في کتب الفقه [1] فقط.

در وطن اقامت اگر نیت پانزده روز باشد پس نماز را اتمام کند ورنه قصر نماید: سوال:

(۲۲۳۸) وطن اصلي زید آ له آباد است اما وظیفه اش درشهر انباله میباشد وعلی الدوام در گشت ودوران میباشدودرشهر انباله تنها دو روز اقامت داشته میباشد وبرخي ازمناطق ولسوالي بفاصله ۳۲ میل قرار دارد بلکه از آن بیشتر میاشد واحیانا دوره اش در ماحول عنقریب وهمجوار شهرانباله میاشد بناء آیا براي زید در نماز قصر نمودن بکار است یا اتمام؟

جواب: وطن اصلي زید آله آباد میاشد وشهرانباله وطن اقامتش است اگر درآنجا نیت اقامت پانزده (۱۵) روز راکرده باشد نماز را اتمام باید کرد ورنه قصر نماید [2] واگر درشهرانباله نیت اقامت پانزده (۱۵) روز را کرد ودر آنجا نماز را اتمام مي نمود پس هرگاه از انباله بفاصله ٤٨ میل قصد سفر را نمود نماز را قصر باید کرد ورنه نماز را اتمام باید نمود [3] فقط.

اگر مسافر سهوا نیت چهار رکعت را نمود پس چند رکعت را اداء نماید؟ سوال: (۲۲۳۹)

(۱) مسافر سهوا نیت چهار رکعت را بست اکنون او دو رکعت را اداء نماید یا چهار رکعت وآیا سجده سهوه را بکند یاخیر؟

مسافر امام را پینداشته بعقبش اقتداء نمود پس چه باید کرد؟ سوال: (۲۲٤۰) (۲)

شخصي مسافر امام مقیم پنداشته بعقب او اقتداء نمود وبعد ازگردانیدن سلام برایش معلوم شدکه امام نیز مسافر بود آیا اکنون اومع الامام سلام بگرداند ویا آنکه چهار رکعت را اتمام نماید؟

---

(۱) لأنه إجتمع في هذه الصلوة ما يوجب الاربع وما يمنع فرجحنا ما يوجب الأربع إحتياطا (ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۳، ط.س. ج۲ ص۱۲۲) فلو أتم مسافر إن قعد في القعدة الأولى تم فرضه الخ وما زاد نفل (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۹، ط.س. ج۲ ص۱۲۸). ظفير

(۲) او ينوي إقامة نصف شهر حقيقة او حكما الخ بموضع واحد صالح لها الخ فيقصر إن نوى الإقامة في أقل منه اى من نصف شهر (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳٦، ط.س. ج۲ ص۱۲٥). ظفير

(۳) ويبطل وطن الإقامة بمثله وبالوطن الأصلي وبانشاء السفر الخ (ايضا ج۱ ص۷٤۳، ط.س. ج۲ ص۱۲۹). ظفير

جواب : (۱) او نیز دو رکعت را اداء کند وسجده سهوه را نباید کرد [۱].

جواب: (۲) مع الامام سلام بگرداند [۲] فقط.

شخصي كه از منطقه كالكا بمنطقه شمله ميرود اوقصر كند يا اتمام؟ سوال: (۲۲٤۱)

یک نفر در ریل موظف است وروزانه از منطقه كالكا بسوي منطقه شمله دررفت آمد دارد وميان هردو منطقه مذكور بفاصله (٦٠) اميل است بناء آيا براي او درنماز قصر نمودن بكار است يا اتمام اگر قصر باشد پس نماز هاي را كه قبل از آن اتمام نموده است آيا آنها درست اداء شده است يانه؟ وعلاوه از اين درحالت سفر سنت اداء نمودن دشوار مياشد وتنها به پايان شدن از ريل فرض را اداء نموده ميتواند زيرا فرصت چهار دقيقه مياشد ودرداخل ريل براي نماز مكان وگنجايش نميباشد وشخص مذكور درهر دو منطقه كالكا وشمله مسافر محسوب ميشود يانه؟

جواب: دراين صورت نماز را قصر نمودن بكار است [۳] واگر قبل از آن نماز ها را اتمام نموده باشد وقعده درمياني راكرده باشد پس اين نماز ها درست شده اند ونيازي به اعاده اش نيست [٤] وسنن نيز [٥] قضا ندارد ودر منطقه كالكا وشمله هر دو او مسافر محسوب مياشد فقط.

اگر سفر سه منزل باشد قصر بايد كرد: سوال: (۲۲٤۲) اگر شخصي على الدوام در سفر بحري باشد يا درطياره اخير باشد يا ده (۱۰) روز دريک ماه درطياره سفرمي نمايد وده (۱۰) پانزده (۱۵) روز درخانه خودش مياشد آيا او درنماز قصر كند يا اتمام؟

---

(۱) صلى الفرض الرباعي ركعتين وجوبا لقول ابن عباس ﷺ إن فرض على لسان نبيكم صلوة المقيم اربعا و للمسافر ركعتين (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۵، ط.س. ج۲ ص۱۲۳)

(۲): لا بد من التعيين عند النية الخ لفرض الخ دون تعيين عدد ركعاته لحصولها ضمنا فلا يضر الخطأ في عددها (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة مطلب في النية ج۱ ص۳۸۸ – ۳۹۰، ط.س. ج۱ ص٤۱۸). ظفير

(۳) ولايزال على حكم السفرحتى ينوي الإقامة في بلدة اوقرية خمسة عشر يوما اواكثر وإن نوى أقل من ذلك قصر (هدايه باب صلوة المسافر ج۱ ص۱٤۹). ظفير

(٤) فإن صلى اربعة وقعد في الأولى قدرالتشهد اجزته والأخريان نافلة ويصير مسيئا لتاخير السلام (عالمكيري كشوري صلوة المسافر ج۱ ص۱۳۷، ط. ماجدية ج۱ ص۱٤۱). ظفير

(٥) ولا يقضيهما إلا بطريق التبعية لقضاء فرضها قبل الزوال لا بعده الخ بخلاف سنة الظهر وكذا الجمعة فإنه إن خاف فوت ركعة يتركها ويقتدي ثم يأتي بها على أنها سنة في وقتها اى الظهر (درمختار) فلا تقضي بعده لا تبعا ولا مقصودا الخ (رد المحتار باب إدراک الفريضة ج۱ ص٦۷۲، ط.س. ج۲ ص٥۷). ظفير

جواب: وقتیکه درسفر باشد ودرطیاره سفر می نماید بشرط آنکه سفرش سه منزل باشد او باید قصر کند (۱) وهرگاه بوطن خویش مواصلت نمود ودر آنجا سکونت ور زید پس درآن آیام نماز را اتمام نماید (۲) فقط.

وقتیکه شب او در اقامتگاهش بگذارد او از طرف روز چکر میزند حکم آن چگونه است؟

سوال: (۲۲٤۳) شخصي از رخصتي واپس امد ودریک جاي متعین شد که روزانه از آن جاي سه چهار میل سفر مي نماید لکن شبانه به اقامت گاه خودش عودت مي نماید آیا آنکس مسافر محسوب میشود یامقیم؟

جواب اگر شخص مذکور نخست درجاي متعین خود نیت اقامت پانزده روز را نموده بود او مقیم میباشد سپس اگر روزانه او دوچهار میل جاي سفر میکند با این سفر او مسافر نمیگردد وبراي او اتمام نماز بکار است واگر بجاي دیگر تبدیل شد پس درآنجا نیز همین حکم است (۳).

براي ملازم سفینه معلوم نیست که درکجا وچند روز باقي ماند بناء قصر باید نمود:

سوال: (۲۲٤٤) اینجانب در سفینه که اموال را انتقال مي نماید ملازم میباشم وسفینه بکشور هاي بعید ودور افتیده گشت وگذر مي نماید احیاناً دریک جاده (۱۰) روز پانزده روز ماه دوماه ایستاده میباشد ومعلوم نمیباشد که چه وقت از آنجا روان وسفر می نماید وبرخي از سفینه ها از یک جای معین بمقام معین سفر مي نماید وبراي مایان بعد از شش (٦) هفت (۷) یا نو (۹) وده (۱۰) ماه یا بعد از یک یا دوسال موقع رفتن خانه میسر میشود بناء آیا براي مایان در همچو حالت در نماز قصر نمودن بکار است یا اتمام؟

جواب: در این صورت تا وقتیکه بوطن خویش نرسدیده باشد نماز را قصر نمـودن بکـار است.

---

(۱) ولا یزال علی حکم السفر حتی ینوي الإقامة في بلدة او قریة خمسة عشر أو أکثر وإن نوی أقل من ذلک قصر (هدایه باب صلوة المسافر ج۱ ص۱٤۹). ظفیر

(۲) الوطن الأصلي الخ یبطل بمثله إذا لم یبق له بالأول أهل فلو بقی لم یبطل بل فیهما (درمختار) ای بمجرد الدخول وإن لم ینو إقامة (ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷٤۲ – ۷٤۳، ط.س. ج۲ ص۱۲۸). ظفیر

(۳) وإن دخل اولا ما نوی البیت فیه یصیر فیه مقیما لم بالخروج إلی الموضع الآخر لا یصیر مسافرا لأن موضع إقامة الرجل حیث یبیت فیه (ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۸، ط.س. ج۲ ص۱۲۸) او ینوي الخ إقامة نصف شهر الخ موضع واحد الخ فیقصر إن نوی الإقامة في أقل منها (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳٦، ط.س. ج۲ ص۱۲۵). ظفیر

وقتیکه بوطن رسیدي پس درآن وقت نماز را اتمام کن وکدام سفینه که از مکان معین بمکان معین میرود ملا زمان آن نیز همین حکم دارند که علی الدوام درحالت سفر نماز را قصر کند [1].

رفتن براهی که موجب قصر است وبازگشت نمودن براهی که موجب قصر نیست پس او درحین باز گشت قصر بکند یانه؟ **سوال:** (٢٢٤٥) یک قریه داراي دو راه است اگر در ریل میرود موجب قصر است واگر پیاده براهي نزدیک میرود نماز را اتمام باید کرد وبهمان قریه شخصي در ریل رفت وچند روز اقامت درآنجا نمود ونماز را قصر مي نمود ودرحین عودت براهي مشي الاقدام آمد فلهذا آیا تا به رسیدن بخانه نماز را قصر کند یا اتمام؟

جواب: دراین صورت این شخص درحین بازگشت نیز قصر باید کرد تا وقتیکه بوطن خویش نرسیده باشد زیرا درآن قریه او نیت اقامت پانزده روز را نکرده بود وقریه مذکور تا به آن وقت وطن اقامتش نشده [2] بود.

بعداز طی نمودن ده میل راه نیت سفر را فسخ نمود پس اکنون چه باید کرد؟ **سوال:** (٢٢٤٦) زید بقصد سفر رفت وبعد از سپري نمودن نیت سفر را فسخ کرد وبوطن عودت نمود آیا او در وقت مراجعت نماز را قصر کند یا اتمام؟

جواب: دراین صورت نماز را اتمام نماید در عالمگیري مذکور است: اما اذا لم یسر ثلثة ایام فعزم علی الرجوع او نوی الاقامة یصیر [3] مقیمًا وان کان في المفازة فقط.

مسافری که معتقد قصر نیست حکم اوچیست؟ **سوال:** (٢٢٤٧) زید بقصر مسافر معتقد نیست یا معتقد است لکن قصر نمیکند در هر دوصورت حکم چیست؟

جواب: برای مسافر سفر شرعي قصر نمودن واجب است وهر شخصیکه معتقد قصر نباشد یا قصر نمیکند او مبتدع وعاصي است وتارک واجب میباشد کما بسط في الاحادیث وتفصیله في

---

(١) اودخل بلدة ولم ینوها ای مدة الإقامة بل ترقب السفر غدا اوبعده ولو بقی ذلک سنین (درمختار) قوله ولم ینوها وکذا إذا نوها وهو مترقب السفر کما في البحر لأن حالته تناف عزیمته (رد المحتار باب صلاة المسافر ج١ ص٧٣٨، ط.س. ج٢ ص١٢٦). ظفیر

(٢) ولو لموضع طریقان احدهما مدة السفر والآخر أقل قصر في الأول لا الثاني الخ حتی یدخل موضع مقامه الخ او ینوی الخ إقامة نصف شهر (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٣٥ - ٧٣٦، ط.س. ج٢ ص١٢٣). ظفیر

(٣) عالمکیري مصري باب صلوة المسافر ج١ ص١٣٠، ط. ماجدیة ج١ ص١٣٩. ظفیر

کتب الفقه [۱] فقط۔

در سفر منزل قابل اعتبار است یافرسخ؟ سوال: (۲۲۴۸) قال في الهداية: ولاعبرة بالفراسخ وهو الصحيح آه وفی الدر المختار: ولا اعتبار لی فراسخ علی المذهب انتهی وفي حاشيته الهداية قوله هوالصحيح احترازاً عن قول عامة المشايخ لانه قدروه بالفراسخ ثم اختلفوا فيما بينهم فقيل احد وعشرون فرسخا وقيل ثمانية عشر وقيل خمسة عشر والفتوی علی ثمانية عشر كذا في المحيط [۲] انتهی ودرحاشيه ما لابد منه لكن آنست كه درمذهب حنفيه اعتبار اميال وفراسخ نيست ودرعالمگيري از هدايه مي آورد: ولا تغير بالفراسخ اما چهل وهشت ميل چنانكه مصنف رح اختيار كرده مذهب شافعی رح است هرگاه بنزد احناف ميل وفرسخ اعتبار ندارد بناء درسفر سفينه بكدام طريقه نماز را قصر نمائيم؟

جواب: اصل مسأله بيشک آنست كه منازل اعتبار دارد يعني مسافت سه روز معتبر است لكن (۴۸) نيز سه منزل ميباشد وبخاطر آن معمول همان است ودركتاب ما لابد منه آن را اختيار نموده است [۳].

ودرسفر بحري اعتبار بمسافت كشتي وسفينه است يعني درمدت سه روز هر قدر سفر كه با اعتدال ريح قطع ميشود درآن حكم قصر ميباشد [۴] فقط.

خانه خسر وطن اصلی نیست: سوال: (۲۲۴۹) كسي ازوطن اصلي خود به نيت نكاح بجاي دور بمسافت قصر رفته زني را نكاح كردهِ دروطن اصلي خود بياورد وآن زن بعد نكاح بمكان شوهر خود قريب از بيست سال بطور مستند مي ماند مگر خانه پدرش درآنجا موجود است دراين حالت اگر زوجش گاه گاه نيت سفر بخانه آن خسر يا در اطراف آن برود آيا زوج نماز قصر بخواند يا تمام كند وخانه خسر براي او وطن اصلي است يانه؟

جواب: هرگاه ان كس ببلد ديگر نكاح كرده زوجۂ خود را بوطن اصلي خود اورد وخود بموضع

---

(۱) والقصر عندنا واجب كذا في الخلاصة (عالمگري صلوة المسافر ج۱ ص۱۳۰، ط.س. ط. ماجدية ج۱ ص۱۳۹. ط

(۲) مطالعه فرمائيد حاشيه هدايه باب صلوة المسافر ج۱ ص۱۴۸. ظفير

(۳) مگر وقتيكه قصد كنند دفعة واحدة سفر چهل وهشت كرده را ما لابد منه فصل نماز مسافر: ص ۶۰. ظفير.

(۴) وانما يعتبر في كل موضع منهما ما يليق بحاله (عالمگيري مصري باب صلوة المسافر ج۱ ص۱۳۰، ط. ماجدية ج۱ ص۱۳۸). ظفير

تأهل وتزوج يعني مسكن زوجه خود اقامت نكرد ومستقر نه شد ونه وزجه خود در آنجا گذاشت آن بلد وطن او نه شده است پس بمجرد دخول درآن بلد مقيم نخواند شد واتمام نماز لازم نخواهد شد بلكه قصر بكند كذا يظهر من كتب الفقه وفقهاء كه موضع تزوج را وطن فرموده اند مراد آنست كه وزجه او در انجا مقيم باشد وهرگاه زوجه اش آنجا مقيم نيست وخود نيز درآنجا سكونت نكرده بلكه زوجه خود را بوطن خود بياورد پس محض اقامت خسرو وجود خانه آن خسر درآنجا مفيد اين امر نخواهد كه آن بلد را وطن شوهر گفته شود ولو كان له ببلدتين فايتها دخل صار مقيماً فان ماتت زوجته في احدهما وبقي له فيها دور وعقار قيل لا يبقى وطناًله اذ المعتبر الاهل دون [1] الدار الخ ونيز در جائيكه اشتباه باشد كه قصر كند يانه كند آنجا اتمام نماز احوط است قال في الشامي في موقع الاشتباه لانه اجتمع في هذه الصلوة مايوجب الاربع ومايمنع فرجحنا مايوجب [2] الاربع احتياطاً وظاهر است كه بصورت اختلاف احتياط در اتمام نماز است نه در قصر فقط.

اگر دريک شهر وطن اصلي اقامت نمود پس دركشتي ياسفينه ملازم شد پس چه بايد كرد؟ **سوال:** (۲۲۵۰) (۱) بعضي از رانندگان سفينه وكشتيبانان از وطن اصلي خود مي آيند ونخست در يک قريه يا دريک جاي به نيت اقامت مقيم ميشود سپس از آن تلاش وسعيه مي ورزد كه دريک سفينه يا دريک كشتي ملازم مقرر شود وبرخي از مردم بدون نيت اقامت در آنجا باقي مي مانند كه در آن حالات فوق الذكر ايشان را قصر واجب است يا اتمام؟

جائيكه سفينه دو سه ماه باقي بماند آيا درآنجا به نيت اقامت مقيم خواهد شد يانه؟

سوال: (۲۲۵۱) (۲) بعضي سفينه هاي تجارتي از ممالک بعيده مي آيند ودريک بند رگاه تا به دو سه ماه مقيم ميباشند درهمچو حالت اهل كار ومنسوبين به نيت اقامت مقيم خواهد شد يانه؟

ملازمان كشتيها مقيم نميباشند: **سوال:** (۲۲۵۲) (۳) برخي ازكشتيها اكثرا از بندرگاه بربل

---

(۱) ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۴۲، ط.س. ج۲ ص۱۳۱. ظفير

(۲) ردالمحتار باب صلوة المسافر تحت قوله قاصدا ج۱ ص۷۳۳، ط.س. ج۲ ص۱۲۲. ظفير

بطور گودام مال همیشه بند میباشد وکارمندان آن که از ممالک خارجي میباشند وهمیشه درآن سکونت وبود باش دارند آیا ایشان را مقیم گفته میشود یامسافر؟

جواب: (۱) آن عده مردمي که از مسافت بعیده تشریف آورده اند ودر هیچ جاي نیت اقامت پانزده روز را ننموده اند وسپس درآن دور در سفینه یا کشتي ملا زمان شدند وبسفر میرفتند خواه سفر کم بود یا زیاد بناء ایشان هموار مسافره اند وقصر باید مي نمودند بعدم علة الاتمام وآن عده مردمي که در جاي مقیم بودند ویا از خارج امدند ومقیم شدند وسپس انها باراده سفر سه روزه خارج نشدند فلهذا ایشان نماز را اتمام نمایند وقصر نباید بکنند [۱].

جواب: (۲) درشامي مذکور است: والملاح مسافر الخ وسفینته ایضاً لیست بوطن آه بحر وظاهره ولوکان ماله واهله معه فیها ثم رایته صریحا في المعراج [۲] بناء معلوم شد که این عمله وکار مندان مقیم نمیباشند بلکه مسافر میباشند ونماز را قصر باید بکنند.

جواب: (۳) مسافر میباشند کمامر فقط.

<u>سفر شرعي چند منزل میباشد؟</u> سوال: (۲۲۵۳) یک منزل چند میل میباشد؟

جواب: درکتاب هاي فقه نوشته شده است که سفر شرعي سه منزل میباشد واما صحیح آنست که میل معتبر نیست بلکه منزل معتبر است وبعضي فقهاء میل را قابل اعتبار گفته اند ودر آن سه اقوال منقول است یک منزل را (۲۱) یا (۱۸) یا (۱۵) میل نوشته اند وفتوی پر هژده (۱۸) میل است وبنزد بعضی فتوی برپانزده میل میباشد [۳] فقط.

<u>بعد ازعودت نمودن از سفر اگر در بازار جدا از خانه قیام نماید آیا او مسافر میباشد یا</u>

---

(۱) ولابد للمسافر من لصدمسافة مقدرة بثلاثة أيام حتى يترخص برخصة المسافرين وإلا لا يترخص ابدا ولو طاف الدنيا جميعها الخ ولا يزال على حكم السفر حتى ينوي الإقامة في بلدة او قرية خمسة عشر يوما او اكثر (عالمگيري مصري باب صلوة المسافر ج۱ ص۱۳۰، ط. ماجدية ج۱ ص۱۳۹). ظفير

(۲) رد المحتار باب صلوة المسافر تحت قوله كبحر ج۱ ص۷۳۷، ط.س. ج۲ ص۱۲۶). ظفير

(۳) اعلم ان أقل مدة السفر عندنا مسافة ثلثة أيام من أقصر أيام السنة بالسير الوسط وهي مشي الأقدام والإبل في البر واعتدال الريح في البحر الخ وصحح صاحب الهداية أنه لا يعتبر التقدير بالفراسخ لكن قال المرغيناني وعامة المشائخ قدروها بالفراسخ فقيل أحد وعشرون فرسخا وقيل ثمانية عشر فرسخا قال المرغيناني وعليه الفتوى وقال العتابي في جوامع الفقه وهو المختار و وقيل خمسة عشر فرسخا الخ (غنية المستملي صلوة المسافر في المدة ص۴۹۷). ظفير

نه؟ **سوال:** (٢٢٥٤) شخصي از مسافرت بوطن خود تشريف فرماشد وازخانه خويش بفاصله يک ونيم ميل دور در بازار دكان خياطي را باز نمود وخياطي را شروع كرد واحيانا دوچهار شب نيز در آنجا باقي ميماند آيا اين شخص قصر كند يا اتمام؟

جواب: درهر قريه وآبادي كه زيست مي نمايد در مورد قصر نماز وعدم قصر خروج ودخول آن معتبر ميباشد فلهذا بازا ريكه از قريه مذكور منفصل وعليحده است چنانچه درمناطق ينگلا ديش ممنوع است درآن مناطق دخول وخروج اعتبار ندارد بناء شخص مذكور تا وقتيكه درقريه وعمرانات خويش داخل نشده باشد تابه آن وقت او قصر بايد كرد. قال في الشامي: واما الفناء فهو المكان المعد لمصالح البلد كركض الدواب ودفن الموتى والقاء التراب فان اتصل بالمصر اعتبر مجاوزته وان انفصل بفلوة اومزرعة فلا كما ياتي [1] فقط.

پدر درمكان پسر وپسر درخانه پدرمسافر است يامقيم؟ **سوال:** (٢٢٥٥) (١) شخصي از مسكن پدر خويش بفاصله كافي دور سكونت مي نمايد بناء اكنون اگر پدر بمكان پسر وبسر بخانه پدر بروند آيا نماز را قصر كنند يا اتمام؟

جائيكه جايداد باشد درآنجا قصر كند يا اتمام؟ **سوال:** (٢٢٥٦) (٢) جايداد ومكانات يک شخص وپدرش وبرادر هايش دريک قريه واقع است وقبلا سكونت ورهائش مالكانش نيز درهمان قريه بود اكنون بعد از مدتي بمكان ديگر سكونت آنها منتقل گرديده ودرميان ايشان شخصي درآوان حاصلات انجا رفت بخاطر آنكه محصولات را وصول نموده بياورد فلهذا آنكس كه به آنجا ميرود او قصر نموده ميتواند يانه؟

جواب: (١) هرگاه وطن اصلي هرواحد عليحده وجدا شده است فلهذا هر واحد ايشان اگر بوطن يكديگر ميروند ايشان درجاي يكديگر مقيم نميباشند بلكه آنها نماز را قصر كنند [2].

---

(١) ردالمحتار باب صلوة المسافر تحت قوله: من خرج من عمارة موضع إقامته ج١ ص٧٣٢، ط.س. ج٢ ص١٢١. ظفير

(٢) والوطن الأصلي هو موطن ولادته او تأهله او توطنه يبطل بمثله إذا لم يبق له بالأول أهل (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٤٢، ط.س. ج٢ ص١٢٨) ولو كان له اهل ببلدتين فأيهما دخل صار مقيما فإن ماتت زوجته في إحداهما وبقي له فيها دور وعقار قيل لا يبقى وطنا له إذا المعتبر الأهل دون الدار (رد المحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٤٢، ط.س. ج٢ ص١٢٨) الوطن الأصلي الخ يبطله بمثله إذا لم يبق له بالأول أهل (درمختار) اى وإن بقي له فيه عقار الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر =

جواب: (۲) اگر درآنجا اراده اقامت کم از پانزده یوم را داشته باشد پس قصر باید کرد واگر بقصد اقامت پانزده (۱۵) روز یا بیشتر به آنجا برود دراین صورت نماز را اتمام کند واگر اراده راسخ نداشته باشد بلکه چنان اراده داشته باشد که درمدت دویا چهار روز خواهم رفت ویا هر وقتیکه وصولي شد درآن وقت خواهم رفت پس از آن همواره نماز را قصر کند اگر چه بلا اراده تا به ایام مزید باقي بماند [۱] فقط.

درسفر شرعی بترک نمودن قصر گنهکار خواهد شد یانه؟ سوال: (۲۲۵۷) شخصیکه درسفر قصر نمیکند اوگنهکار خواهد شد یانه اگر گنهکار میشود پس چرا وآیا اطلاق آیت ذیل براو میشود یانه (فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُ)

جواب: مذهب امام صاحب آنست که درسفر قصر واجب است وقصدا اتمام نماز ممنوع [۲] است زیرا که این تجاوز است از حدود الله (وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللهِ فَأُولٰئِكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ) [۳] وهمچنان درآیت (فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا) نیز داخل نیست بخاطر آنکه خلاف حکم شارع علیه السلام عمل نمودن خیر نیست بلکه شر است.

شخصي درخانه خسر مقیم محسوب میباشد یا مسافر؟ سوال: (۲۲۵۸) (۱) زید درمنطقه سهار نپور نکاح نموده است که از وطن بفاصله صد میل دور میباشد وزید منکوحه خود را بوطن خویش آورد اگر درهمچو صورت حال زید به سهار نپور رفت درحالیکه منکوحه اش نیز درسهار نپور نمیباشد آیا زید مقیم خواهد باشد یا مسافر؟

(ب) **سوال:** (۲۲۵۹) (۲) اگر منکوحـــهٔ زید وفات شد واو به سها رنپور رفت آیا مقیم خواهد

= ج۱ ص۷٤۲، ط.س. ج۲ ص۱۲۰. ظفیر

(۱) ولا يزال على حكم السفر حتى ينوي الإقامة في بلدة او قرية خمسة عشر يوما او اكثر (عالمگیري ج۱ ص۱۳۰، ط. ماجدية ج۲ ص۱۳۹) او ينوي الخ إقامة نصف شهر الخ بموضع واحد صالح لها فيقصر إن نوى الإقامة في أقل منه اى من نصف شهر الخ او دخل بلدة ولم ينوها اى مدة الإقامة بل ترقب السفر غدا او بعده ولوبقى ذلک سنين (الدرالمختار على هامش ردالمحتارباب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳٦،ط.س. ج۲ ص۱۲۵). ظفير

(۲) صلى الفرض الرباعي ركعتين وجوبا الخ والإكمال ليس رخصة في حقه بل إساءة (درمختار) قوله وجوبا فيكره الإمام عندنا حتى روى عن أبي حنيفة أنه قال من أتم الصلوة فقد أساء وخالف السنة (رد المحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۵، ط.س. ج۲ ص۱۲۳). ظفير

(۳) سورة البقرة ركوع : ۲۹. ظفير

باشد یا مسافر؟

(ج) **سوال:** (٢٢٦٠) (٣) زید باشنده اله آباد است وهنده باشنده سها رنپور میباشد وهردو درسفر خویش بمراد آباد مواصلت نمودند ودر آنجا هر دوعقد نکاح بستند فلهذا آیا زید درمراد آباد مقیم خواهد باشد یانه؟

جواب: در در المختار مذکور است: ولو کان له اهل ببلدتين فايتهما دخلها صار مقيما فان ماتت زوجته في احدا هما وبقي له فيها دور وعقار قيل لايبقى وطنًاله اذ المعتبر الاهل دون الدار كما لو تاهل ببلدة واستقرت سكنًاله وليس له فيها دا روقيل تبقي الخ از این پاسخ صورت دوم یعني (ب) واضح گردید که بعد از وفات خانمش سهار نپور وطن اصلي او باقي نمي ماند با آنهم که اودر آنجا خانه وزمین نیز ندارد زیرا دراین صورت که دار وعقار باقي باشد اختلاف است ودر صورت اختلاف اتمام احوط میباشد.

درصورت اول (الف) نیز وقتیکه خانمش در آنجا نیست پس ظاهرا به آنجا رفتن او مقیم نخواهد شد ودرصورت سوم (ج) همچنان مراد آباد وطن او نخواهد باشد ودرآن کدام شک وشبهه وجود ندارد وتنها شبهه موافق روایت شرح منیة درصورت اول است لکن تنهاء کرام این قاعده را نیز نگاشته اند جائیکه شبهه باشد درآنجا اتمام نماز باید بشود ودرآن احتیاط میباشد قسمیکه درشامي در موقع شبهه نوشته است: لانه اجتمع في هذه الصلوة ما يوجب الاربع وما يمنع فرجحنا ما يوجب الاربع احتياط الخ شامی [1] فقط

__نخستین وطن اصلي در حکم وطن است یانه؟__ **سوال:** (٢٢٦١) اراضي ومکان یک شخص در ولسوالي جالند هرواقع است واکنون او مع عیال بخاطر بدست آوردن اراضي به ولسوالي لائلپور رفت ودرآنجا سکونت اختیار نمودند وچونکه او درولسوالي جالند هر نیز اراضي ومکان دارد وبعد از سپري نمودن مدت شش ماه کم وبیش که درآنجا بخاطر انتظام واعمار آن بود وباش نمود بفامیل بازگشت میکند آیا این شخص که اینجا تشریف مي آورد نماز را قصرکند یا اتمام؟

---

(١) ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٤٢، ط.س. ج٢ ص١٢٨. ظفير

جواب: دراین مورد اصح وسخن احوط انست که وطن اول نیز اصلي اومیباشد ودرآنجا نماز را اتمام نماید چنانچه بنا براقوال بعضي فقهاء آن را ترجیح معلوم میشود ودیگر آنکه بتابر قاعده اتمام راجح است که آن قاعده را علامه شامي درمورد ترجیح قول امام ابي یوسف رح نقل نموده است وآن قاعده عبارت است از آنکه هرگاه درمیان اتمام وقصر اشتباه واقع شود دراین صورت ترجیح براي اتمام است زیرا که احتیاط درهمان است وآن عبارت راکه درمورد شروع نماز مسافر علامه نقل نموده است از آن قرار است: کفي التجنیس اذا افتح الصلوة في السفینة حال اقامته في طرف البحر فنقلتها الریح ونوی السفر یتم الصلوة المقیم عند ابی یوسف رح خلافاً لمحمد رح. لانه اجتمع في هذه الصلوة ما یوجب الاربع ومایمنع فرجحنا مایوجب [۱] الاربع احتاطاً الخ شامي.

بمجرد خروج از منطقه خویش قصر را شروع کند خواه از آنجا منطقه اش آشکار نیز شود: **سوال:** (۲۳۶۲) دراین کشور مکانات متصل هستند ودرآن باغات نیز میباشند وبا وجود اتصال اسمائي مناطق جدا جدا میباشد اگر کسي بقصد سفر ازمکان خویش خارج شود وبعد از مواصلت بقریه دیگر وقت نماز فر رسد واز آن مکان برایش قریه اش معلوم وبنظرش مي آید بناء آیا این مسافر قصر کند یا اتمام؟

جواب: برای این شخص تجاوز نمودن شرط نیست کما في الدر المختار: من خرج من عمارة موضع اقامته من جهة خروجه وان لم یجاوز من الجانب الاخر [۲] الخ فقط.

بقصد سفر شرعي اگر کسي بیرون شود پس بمجرد خروج قصر را شروع نماید: **سوال:** (۲۲۶۳) یک نفر قصد رفتن بمبني را نمود وتصمیم اتخاذ نمود که درآنجا شش ماه را سپري خواهم نمود اکنون این شخص قصر کند یا اتمام؟

جواب: این شخص نماز را در راه باید قصر کند زیرا که او قصد سفر شرعي از خانه بیرون شده است لهذا علت قصر موجود شده است وباقي آنکه هر گاه به بمبني مواصلت نمود ودرآنجا نیت

---

(۱) ردالمحتار باب صلوة المسافر تحت قوله قاصدا ج۱ص۷۳۳، ط.س. ج۲ ص۱۲۲. ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۲، ط.س. ج۲ ص۱۲۱. ظفیر

اقامت شش ماه را داشته باشد پس درآنجا نماز را اتمام نماید کما في الدر المختار: من خرج من عمارة موضع اقامته الخ قاصداً سيرة ثلاثة ايام ولياليها الخ صلي الفرض الرباعي ركعتين وجوبا الخ حتى يدخل موضع اقامة ان سار مدة السفر [1] الخ فقط.

قبلا نیت اقامت را نموده بود سپس نیت بدل شد اوقصر باید کرد: سوال: (٢٢٦٤) زید مسافر در قصبه نیت اقامت پانزده (١٥) روز را نمود وچهار رکعت نماز ظهر را امامت داد اما دروقت عصر نیت اقامت پانزده (١٥) روز را فسخ نمود ونماز هاي چهار رکعتي را دو رکعت اداء کرد ونیز در امامت دادن دو رکعت شروع نمود ايا اين نماز ها صحيح شده اند يانه؟ وبراي مسافر بعد از نیت نمودن اقامت عزم بر فسخ کردن نماز را قصر نمودن بکار است یا اتمام؟

جواب: براي زيد اول بنیت اقامت اتمام نماز بکار است وبعد از آن بوجه فسخ نمودن نیت اقامت قصر کردن بکار است [2] فقط.

بقصد سفر اگر در ماحول قریه های مختلف آنقدر گشت وچکر بزند که مسافت مجموعه آن بمسافت شرعی میرسد پس حکم آن چیست؟ سوال: (٢٢٦٥) شخصي بارادہ سفر میرود وسفرش در دیهات ومواضع است ویک موضع از مواضع آخر چندان دور نیست که حکم قصر صلاة بر اوعائد شود مثلا بعضي مواضع از یک موضع بر مساوت نه میل وبعضي از بعضي یازده میل وبعضي هشت میل بعضي شانزده میل لکن دوره او در این دیهات زائد از مسيرة ثلاثة ايام مي شود درین صورت بر اوقصر واجب است يانه؟

جواب: هرگاه قصد شخص مذکور بوقت خروج براي سفر دوره جمیع دیهات مذکور است که مسافتش سه یوم یا زیاده او میرسد یوم یعني سه منزل است قصر بر او واجب است من خرج من عمارة موضع اقامة الخ قاصدا مسيرة ثلثة ايام ولياليها [1] الخ درالمختار فقط.

---

(١) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٣٢، ط.س. ج٢ ص١٢١. ظفير

(٢) ولا يزال على حكم السفر حتى نوي الإقامة في بلدة خمسة عشر يوما او اكثر وإن نوى أقل من ذلك قصر (هدايه باب صلوة المسافر ج١ ص١٤٩) ولو كان مسافرا في أول الوقت إن صلى صلوة السفر ثم أقام في الوقت لا يتغير فرضة وإن لم يصل حتى أقام في اخر الوقت يقلب فرضه اربعا وإن لم يبق من الوقت إلا قدر ما يسع فيه بعض الصلوة (عالمگيري مصري صلوة المسافر ج١ ص١٣٢، ط. ماجدية ج١ ص١٤١). ظفير

درسفر شرعي قصر بايد كرد اگر چه بفاصله اندک اندک اقامت چرا نباشد: سوال: (٢٢٦٦) (١) من مسافر منطقه ماروار هستم وبمنطقه احمد آباد بقصد سپري نمودن چهار پنج ماه ميروم اما بخاطر كدام كارو بار هر روز بفاصله يک ميل يا دوميل اقامت مي نمايم مثلا امروز دراينجا وفردا به يک مقام ديگر بفاصله دوسه ميل اقامت مي ورزم دراين صورت قصر نمودن بكار است يانه؟

اگر درجنگل تصميم اقامت يک ماه را داشته باشد بازهم قصر بايد كرد: سوال: (٢٢٦٧) (٢) يک مسافر بقصد سپري نمودن يک ماه كامل دريک جنگل اقامت ورزد دراين مدت او نماز را قصر كنديا اتمام؟

جواب: (١) دراين صورت قصر نمودن نماز بكار است [٢].

جواب: (٢) درجنگل او مقيم نميگردد بناء براي او قصر نمودن نماز بكار است [٣] فقط.

وتر درسفر معاف نيست واداء نمودن سنت نيز ثابت است: سوال: (٢٢٦٨) شخصي ادعا دارد كه براى مسافر وتر وسنت معاف است ودر ترک نمودن آن گناه نيست ونبي اكرم ﷺ نيز آن را در سفر اداء ننموده است آيا اين ادعا صحيح است يانه؟

جواب: وتر واجب است وترک نمودن آن در هيچ حال جواز ندارد خواه مسافر باشد يامقيم باشد ودرمورد سنت بهتر آنست كه درحالت اطمينان واستقرار آن را اداء كند ودرصورت تعجيل آن را ترک نمايد درآن كدام حرج نيست [٤] ودر ترمذي شريف آمده است كه رسول الله ﷺ در حالت سفر سنت را اداء نموده اند [٥] فقط

---

(١) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٣٢، ط.س. ج٢ ص١٢١. ظفير

(٢) او ينوي الخ إقامة نصف شهر حقيقة او حكما الخ بموضع واحد صالح لها من مصر او قرية فيقصر إن نوى الإقامة في أقل منه اى من نصف شهر اونوى فيه لكن في غير صالح كبحر وجزيرة او نوى فيه بموضعين مستقلين الخ او دخل بلدة ولم ينوها اى مدة الإقامة بل ترقب السفر غدا او بعده ولو بقى على ذلک سنين (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٣٦، ط.س. ج٢ ص١٢٥). ظفير

(٣) وصلاحية الموضع حتى نوى الإقامة في بر اوبحر او جزيرة لم يصح (عالمگيري مصري صلوة المسافر ج١ ص١٣٠، ط. ماجدية ج١ ص١٣٩). ظفير

(٤) ويأتي المسافر بالسنن إن كان في حال أمن وقرار وإلا بأن كان في خوف وفرار لا يأتي بها هو المختار (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافرج١ ص٧٤٢، ط.س. ج٢ ص١٣١). ظفير

(٥) وروى عن ابن عمر أن النبي ﷺ كان لا يتطوع في السفر قبل الصلوة ولا بعدها وروى عنه عن النبي ﷺ أنه كان يتطوع في السفر =

كسى كه هموار درسفر باشد اوقصر بايد كرد: **سوال:** (۲۲۶۰) شخصي درسهار نپور دردفتر ريل مامور است وخانه اش از سهار نپور بفاصله (۲۷) ميل دور مياشد اوبيست وچهار ساعت در ريل مياشد وتابه منطقه انباله وسوي ديگر تا به غازي آباد ميرود آيا براي او درآن مدت قصر نماز بكار است يا اتمام؟

جواب: درهمچو حالت تا وقتيكه او بوطن اصلي خود باز گشت نكرده باشد اونماز را قصر كند [1] فقط.

ساكنين كشتي نماز را قصر كنند: **سوال:** (۲۲۷۰) سفينه ها ئيكه از طرف شب درخليج بسته مياشد واز طرف روز سه بار براي نيم ساعت از اين كناره بكناره ديگر رفت وآمد ميكند آيا منسوبين همچو سفينه نماز را قصر كنند يا اتمام حالانكه وطن اصلي آنها بفاصله سفر سه روز دور است وايشان درآن سفينه سكونت گزين مياشند خورد ونوش واستراحت آنها نيز درآن سفينه مياشد.

جواب: آن عده مردميكه از فاصله دور بيايند ودرسفينه اجراي وظيفه مي نمايند مثلا سه روز يا بيشتر از سه روز مسافه را يطي كند وبيايند درسفينه اجير شوند وهموار دربحر سفينه را مي چلاند ودرهيچ جاي نيت اقامت پانزده (۱۵) روز را نميكنند كه صلاحيت اقامت راداشته باشد پس ايشان مسافر اند ونماز را قصر بايد نمودند دردرالمختار آمده است: فيقصر ان نوى الاقامة في اقل منه اي من نصف شهر اونوى فيه لكن في غير صالح كبحر اوجزيرة الخ (درالمختار) قوله كبحر قال في المجتبى والملاح مسافر الا عند الحسن وسفينته الخ ليست بوطن آه [2] الخ فقط.

رانده ريل كه اوبا انجن (موتر) در دويدن باشد وقيامش در يكجا بيشتر از چند ساعت نباشد او چه بايد كرد؟ **سوال:** (۲۲۷۱) رانده كه ريلى را راندگي ميكند ازمكان مستقر خود روزانه صد (۱۰۰) ميل كم وپيش دوره مي نمايد. وهرگاه وظيفه خود را انجام نمود بمستقر

= (الرمذي شريف باب ما جاء في التطوع في السفر ج۱ ص۷۲). ظفير

(۱) من خرج من عمارة موضع إقامته الخ قاصدا الخ مسيرة ثلثة أيام ولياليها الخ صلى الفرض الرباعي ركعتين وجوبا الخ حتى يدخل موضع مقامه الخ او ينوي الخ إقامة نصف شهر (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۲، ط.س. ج۲ ص۱۲۱) ظفير

(۲) رد المحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۷، ط.س. ج۲ ص۱۲۶. ظفير

دیگر میرود وتقریباً کم وبیش دوازده ساعت یا بیست وچهار ساعت استراحت مي نماید سپس از آن بعد ازچند ساعت موتر دیگر را اخذ نموده واپس عودت مي نماید وقتیکه بمستقر قبلي خویش مواصلت ورزد پس در اینجا نیز براي اوموقع آنقدر قیام میسر میشود فلهذا براي اودر هردومکان قصر نمودن نماز بکار است یا اتمام؟

جواب: براي اودر هردو مکان قصر نمودن نماز بکار است [1] فقط.

اجیر ماتحت مالک خود است اگر او قصر میکرد اجیر نیز قصر کند: سوال: (۲۲۷۲) یک مسافر شرعي به یک منطقه رسید ویکي خود بشرط اجیر گرفت که تا وقتي من درسفر باشم توهمراه با من باشي وانتهائي مسافت سفر را قطعا بیان نکرد وقتیکه از آن منطقه خارج شد او بفاصله پنج شش میل به یک قریه رسید وبدون نیت اقامت تا به چهال هفته درآنجا باقي ماند که مسلسل نماز را او قصرمي نمود اکنون براي اجیر چه حکم است؟ آیا بتبعیت مالک وآقاي خود اوخودش نیز نماز را قصر کند یا اتمام؟

جواب: اجیر مذکور دراین صورت تابع مالک خود است هر نیت که مالک داشته باشد براجیر نیز اتباع آن لازم است لکن معلوم شدن نیت متبوع ضروري است در درالمختار مذکور است: والمعتبر نیت المتبوع [2] الخ ولابد من علم التابع بنیة المتبوع الخ وفي رد المحتار قوله واجیر اي مشاهرة او مسانهةً [3] الخ پس وقتیکه اجیر تابع مستأجر است بهمین منوال اجیر مذکور نیز تابع میباشد زیرا که او نیز مشاهرة اجیر میباشد فقط.

اگر درچند قریه بچکر رفتن مسافت کامل شود پس حکم آن چیست؟ سوال. (۲۲۷۳) شخصي مربوط چند قریه میباشد که از وطن اوهر یک قریه ازمسافت قصر کمتر میباشد اگر آن شخص ازیک قریه خویش بقریه دیگر بدنبال یکی بعددیگر منتقل میشودکه درنتیجه ایان مسافت

---

(۱) من خرج من عمارة موضع إقامته الخ قاصدا الخ مسيرة ثلاثة أيام ولياليها الخ صلى الفرض الرباعي ركعتين وجوبا الخ فيقصر إن نوى الإقامة في أقل منه اى من نصف شهر (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۲ ۷۳۲ تا ۷۲۷، ط.س. ج۲ ص۱۲۰ - ۱۲۳). ظفير

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۴۴، ط.س. ج۲ ص۱۳۳. ظفير

(۳) رد المحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۴۵، ط.س. ج۲ ص۱۳۴. ظفير

قصر تکمیل میگردید وبهمین اراده از وطن خارج شده باشد آیا درمورد آن شخص احکام سفر ثابت خواهد باشد یانه؟

جواب: براي آن شخص احکام قصر ثابت میباشد [۱] فقط.

قصر نمودن غیر مقلدین درمسافت سه میل وتاویل حدیث مستدل ایشان: سوال:

(۲۲۷۴) عند الفقهاء درفاصله (۴۸) میل مسافر دوگانه نماز را اداء باید نمود واما غیرملقدین درفاصله سه میل نماز را قصر میکنند ودرثبوت این عملکرد خویش حدیث حضرت انس﷜ را پیش مي نمایند که درآن نبي اکرم ﷺ در فاصله سه میل دو رکعت اداء نموده اند مطلب آن حدیث چیست؟

جواب: وقتیکه تصمیم سفر مسافت سه منزل که از آن (۴۸) میل میشود داشته باشد پس بمجرد خروج از شهر قصر آغاز مي یابد [۲] وهمین تأویل آن حدیث شریف است که درآن چنین وارد است که نبي اکرم ﷺ خارج از مدینه طیبه بفاصله سه میل قصر نمودند یعني آنجناب ﷺ اراده مسافت بعید را داشتند لکن بعد ازخروج ازمدینه بفاصله سه میل وقت نماز شد پس ایشان نماز را قصر نمودند فقط.

اگر اجیر بوطن خود رسید پس او در میباشد اگر چه مالک همراهش نباشد: سوال:

(۲۲۷۵) اجیر مشاهرة یعنی ملا زم اگر درحالت سفر همراه مالکش بقریه خویش مواصلت نماید آیا اونماز را قصر کند یا اتمام؟ درفتاوی حمادیه است عبد سافر مع مولی فدخلا في وطن العبد لایصیر ان مقیمین اما العبد فلانه تابع واما المولی لم توجدنیة الاقامة ولادخول الوطن اصلی آیا مسأله فوق تنها مخصوص بغلام میباشد ویا براي اجیر نیز همین حکم است؟ **جواب:** اجیر مشاهرة اگر چه بلحاظ متابعت درحکم غلام است وهیچ شک نیست درآن که اگر دروطن اقامت همچو صورت عارض شود پس نیت او مانند غلام نیز مدار اعتبار نیست بلکه اقامت

---

(۱) فاذا قصد بلدة والی مقصده طریقان احدهما مسیرة ثلاثة أیام ولیالیها والآخر دونها فسلک الطریق الأبعد کان مسافرا عندنا هکذا في فتاوی قاضي خان (عالمگیري مصري باب صلوة المسافر ج۱ ص۱۳۰، ط. ماجدیة ج۱ ص۱۳۸). ظفیر

(۲) من خرج من عمارة موضع إقامته الخ قاصدا الخ مسیرة ثلاثة ایام ولیالیها الخ ولا إعتبار بالفراسخ علی المذهب (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۵، ط.س. ج۲ ص۱۲۱). ظفیر

وسفرش موقوف برنیت مستاجر میباشد لکن در وطن اصلي آن صورت نخواهد بود زیرا که درآنجا بمجرد مواصلت نمودن سفر باطل میشود نیت وعدم نیت درآن مورد کدام اثر وارد نمیکند فلهذا اگر اجیر مع مستأجر خود بوطن اصلي خود برسد سفرش فورا باطل میشود وعلاوه از آن درجاي دیگر تابع نیت متبوع میباشد در الدر المختار مذکور است: والمعتبر نية المتبوع ولانه الاصل لا التابع کامراة وفاها مهرها المعجل وعبد الخ واجير الخ مع زوج ومولى ومستاجر الخ فقط.[1]

مقتدي مسافر بعقب امام نیت چند رکعت را بکند: **سوال:** (۲۲۷۶) امام مقیم است ومقتدي مسافر آیا اکنون مقتدي نیت چهار رکعت را بکند یا دورکعت؟

جواب: برای مسافر اقتداء بمقیم جائز است ومقتدي مسافر بخاطر اتباع امام مقیم نیت چهار رکعت را باید کرد در درالمختار مذکور است: واما اقتداء المسافر بالمیقیم فیصح في الوقت ویتم الخ[2].

یک شهر را ترک گفت وبشهر دیگر اکنون اگر بشهر سابق آید درآن مورد حکم چیست؟

سوال: (۲۲۷۷) یک نفر بنا برکدام دلیل اهل وعیال خودرا از شهر (الف) بشهر (ب) گسیل نمود واو خودش در نواحي شهر (الف) منزل نموده وقت را میگذا رنید اگر این شخص بشهر (الف) تشریف آورد که درآنجا مکانش مقفل است قلف است آیا درانجا براي اومقیم گفته میشود یامسافر ودیگر آنکه اگر این شخص بشهر (ب) رفت جائیکه سائر خویشاوندان واقارب او میباشد لکن در آنجا اقامت او کمتراز ده روز نیز میباشد حالانکه او بشهر الف باز گشت مي نماید جائیکه بطور مستقل قیام پذیر است فلهذا آیا درهمچو صورت اودرشهر (ب) مقیم دانسته میشود یا مسافر وبراي اودر شهر (ب) هرنوع سهولت واسایش مهیا است واز شهر (الف) اهل وعیال اوبطور عارضي جاي رفته اند؟

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۴۴ – ۷۴۵، په شامي کي دي: وأجير اى مشاهرة او مسانهةً الخ (رد المحتار باب ایضا ج۱ ص۷۴۱، ط.س. ج۲ ص۱۳۰). ظفیر

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۴۱، ط.س. ج۲ ص۱۳۰. ظفیر

جواب: ازعبارت فوق معلوم میشود که وطن اصلي اوشهر (ب) است جائیکه سائر اقارب وخویشاوندان او میباشند، واگر واقعا وطن اصلي اوشهر (ب) باشد پس بمجرد رسیدن به انجا فورا در اتمام نماز بپردازد ودرشهر (الف) اگر بخاطر ملازمت سکونت مي نماید پس آنجا وطن اقامتش است اگر درآنجا نیت اقامت پانزده (١٥) روز یابیشتر از آن را داشته باشد پس نماز را اتمام نماید ورنه قصر باید کرد حاصل آنست که در وطن اصلي اتمام نماز بکار است اگر چه براي یک دو روز به آنجا تشریف آورد واگر در وطن اقامت نیت پانزده روز را داشته باشد پس نماز را اتمام نمودن بکار است ورنه قصر بایدکرد واما وطن اصلي است که تولدش درآن شده باشد ووالدینش درانجا سکونت داشته باشد وعقد نکاحش شده باشد غرض آنکه باشنده هرمکان که باشد همان وطن اصلي اش میباشد تا وقتیکه آن را ترک نگفته ووطن دیگر را انتخاب نکند بناء همین وطن اصلي اومیباشد [1] فقط.

درچقدر سفر قصر باید کرده شود؟ سوال: (٢٢٧٨) در چقدر فاصله سفر قصر نماز جائز است؟

جواب: سفر سه منزل قصر واجب است [2]

شخصي که قصر نمي کند آیا گنهکار خواهد شد یانه؟ سوال: (٢٢٧٩) اگر نماز را قصر نکند گنهکار میشود یانه؟

جواب: گنهکار میشود [3].

درحالت قصر سنت ووتر است یانه؟ سوال: (٢٢٨٠) در حالت قصر وتر وسنت است یاخیر؟

جواب: اداء نمودن وتر ضروري است وسنت را نیز درحالت اطمینان وحرصت ترک نباید کرد

---

(١) الوطن الأصلي هو موطن ولادته او تأهله او توطنه يبطل بمثله إذا لم يبق له بالأول أهل فلو بقي لم يبطل الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار ج١ ص٧٤٢، ط.س. ج٢ ص١٣١). ظفير

(٢) السفر الذي يتغير به الأحكام أن يقصد مسيرة ثلاثة أيام ولياليها بسير الإبل ومشي الأقدام الخ والسير المذكور هو الوسط (هدايه باب صلوة المسافر ج١ ص١٤٨). ظفير

(٣) وفرض المسافر في الرباعية ركعتان لا يزيد عليها الخ وإن صلى اربعا وقعد في الثانية قدر التشهدأجزأته الأوليان عن الفرض والأخريان له نافلة (هدايه ايضا). ظفير

[1]. فقط

در حالت سفر نماز عصر وظهر را دریک وقت اداء نمودن جواز دارد یانه؟ سوال:

(٢٢٨١) **جواب:** دریک وقت اداء نمودن هر دوجائز نیست [2].

بطور گردش سفر کننده را قصر جائز است یانه؟ سوال: (٢٢٨٢) آن عده مردمي که درحالت ملا زمت بطور گردش سفرمي نمایند آیا بر ایشان قصر واجب است یانه؟

جواب: اگر منزل سفر باشد پس قصر لازم است یعني درحین گردش جاي که اراده رفتن را دارد اگر تا به آخر بقدر سه منزل دور باشد قصر نمودن بکار است [3].

امام قصر کننده نماز را اتمام نمود آیا نماز مقتدي وامام درست شده است یانه؟ سوال:

(٢٢٨٣) (١) یک مسافر قصر کننده درنماز عشاء امام شد وبجاي قصر اونماز را چهار رکعت اداء نمود آیا این نماز مقتدیان وامام درست شده است یانه؟

بسفر ریل اتمام نماز چگونه است؟ سوال: (٢٢٨٤) (٢) دیگر آنکه اگر قصر کننده بدان فکر که سفر ریل راحت بخش است قصر نکند آیا گنهکار خواهد باشد؟

جواب: (١) اگر امام بر دو رکعت نشست نموده بود پس نمازش درست شده است ومقتدیان اگر با آنهم نماز را اتمام نمودند پس ایشان درست نشده است کمامر في الشامي: فلو اتم المقیمون صلاتهم معه فسدت لانه اقتداء المفترض بالمتنفل اي اذا قصدوا مبابعته الخ [4].

جواب: (٢) براي مسافر قصر کردن لازم است وبدان فکر که سفر ریل استراحت بخش ودارای سهولت است نماز را اتمام نمودن درست نیست [5] فقط

---

(١) وبعضهم جوز للمسافر ترک السنن والمختار انه لا یاتي بها في حال الخوف ویاتي بها في حال القرار و الامن. (عالمگیري ج١ ص١٣٠ ط. ماجدیة ج١ ص١٣٩). ظفیر

(٢) ولا جمع بین فرضین في وقت بعذر سفر ومطر خلافا للشافعي وما رواه محمول علی الجمع فعلا. لا وقتا فان جمع فسد لو قدم الفرض علی وقته وحرم لو عکس ای اخره عنه وإن صح بطریق القضاء (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصلوة قبیل باب الأذان ج١ ص٣٥٤ – ٣٥٥، ط.س. ج١ ص٣٨١). ظفیر

(٣) اقل مسافة تتغیر فیها الأحکام مسیرة ثلاثة أیام الخ والقصر واجب (عالمگیري باب في صلوة المسافر ج١ ص١٢٩. ط. ماجدیة ج١ ص١٣٨). ظفیر

(٤) ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٤١، ط.س. ج٢ ص١٣٠. ظفیر

(٥) والقصر لازم عندنا الخ وهي تدل علی ان الفرض رکعتان وان الاتمام منکر ولو کان جائزا لفعله علیه الصلوة والسلام مرة تعلیما للجواز الخ

اگر فاصله شصت میل دور باشد ایا قصر کند یا خیر؟ سوال: (٢٢٨٥) (١) زید از وطن اصلي خود عازم شهر (ب) میشود که بفاصله بیشتر از شصت میل دور واقع است لکن درحین روانگي او نیت اقامت بیشتر از پانزده یوم را در شهر (ب) دارد فلهذا ایا درهمچو صورت در راه براي اوقصر نمودن بکار است یانه؟

وقتیکه بعد از اقامت پانزده یوم واپس میرود پس سفرش از آنجا شمار میشود یا از شهر سابق؟ سوال: (٢٢٨٦) (٢) مثلا زید از شهر (ب) بعد از اقامت بیشتر از پانزده یوم بشهر (ج) میرود فلهذا ایا بخاطر قصر نمودن شمار فاصله از شهر (ب) باید بشود یا از وطن اصلي زید؟

مقیم بعقب مسافر نیت چهار رکعت را باید کرد: سوال: (٢٢٨٧) براي مقیم بعقب امام مسافر مثل درنماز عصر نیت چهار رکعت نمودن بکار است یا از دورکعت؟

جواب:. (١) قصر نمودن نماز بکار است[1].

جواب: (٢) دراین صورت شمار فاصله از شهر (ب) گرفته خواهد[2] شد.

جواب: (٣) نیت چهار رکعت نمودن بکار است دو رکعت را با امام خویش ودو رکعت را بعد از آن تنها اداء نمائد[3] فقط.

جائیکه نکاح کرده باشد آیا آن جای مطلقا در وطن اصلی است: سوال: (٢٢٨٨) (١) دردرالمختار این مکان رانیز دروطن اصلي نوشته است که او تأهله یعني جاي نکاح نمودن بناء آیا در جائیکه عقد نکاح نموده است این جاي مطلقا وطن اصلي او است یا کدام مطلب دیگر از آن است وتفصیل آن چگونه است؟

وطن اصلی زن خانه خسر است یا خانه والدین واگر بفاصله ده یا دوازده از وطن اقامت سفر نماید آیا مسافر خواهد باشد یانه؟ سوال: (٢٢٨٩) (٢) وطن اصلي زن خانه خسر

= (غنية المستملي فصل صلوة المسافر ج١ ص٤٩٩). ظفير

(١) من خرج من عمارة موضع إقامته قاصداً مسيرة ثلاثة أيام ولياليها الخ صلى الفرض الرباعي ركعتين وجوبا (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٣٢، ط.س. ج٢ ص١٢١). ظفير

(٢) ويبطل الإقامة بمثله وبالوطن الأصلي وبانشاء السفر (ايضا ج١ ص٧٤٣، ط.س. ج٢ ص١٣٢). ظفير

(٣) وصح إقتداء المقيم بالمسافر في الوقت وبعده فإذا قام المقيم إلى الإتمام لا يقرأ ويسجد للسهو في الأصح لأنه كاللاحق والقعدتان فرض عليه وقيل لا (ايضا ج١ ص٧٤٠، ط.س. ج٢ ص١٣٠). ظفير

است یاخانه والدین مراد از وطن ولادت چیست؟ آیا مطلقا است یا آن جائیکه آن را درعرف وطن میگویند اگر شخصي درجای ملازم باشد اما وطن او از آن جاي بمسافت سفر شرعي واقع باشد فلهذا اگر آن شخص ازمکان ملازمت ده دوازده میل سفر مي نماید آیا او مسافر است یانه؟

جواب: (۱) معنی وطن اصلي را چنین مي نگارند که وطن قرار باشد یعني درآنجا سکونت مقصود باشد پس موضع تاهل یعني تزوج وطن وقتي میاشد که درآنجا سکونت مقصود باشد وخانمش درآنجا همراهش باشد وچنین مطلوب نیست که اگر از یک جاي بعد از عقد نکاح نمودن خانم را بیاورد سپس ان جاي وطن نکاح او شود خلاصه انست جائیکه خانمش بود وباشد دارد وبراي اودر آنجا سکونت مقصود باشد پس همان نیز وطن اصلي است اگر دو خانم او در دوشهر سکونت مي نمایند پسر هردو اماکن برایش وطن اصلي است: ولو کان ببلددتین فایتهما دخل صار مقیما [۱] شامی.

از این عبارت روشن است که سکونت زن درآنجا وموجودیتش معتبر است وزن را ازجاي آوردن بعد ازمحض نکاح نمودن این سبب وطن شدن نیست.

جواب: (۲) زن تابع مرداست شوهرش هرجائیکه او را نگهداري میکند هماي جاي وطن او است واما وطن ولادت آنست جائیکه او وتولد نموده باشد ووالدینش درآنجا سکونت مي نماید ودرمکان ملازمت جائیکه اومقیم است وبوجه اقامت نماز را اتمام مي نماید تاوقتیکه از آن جاي بقصد مسافت شرعي سفر ننماید او قصر نکند.

<u>مامور دولت در گردش فاصله (۴۸) یا (۶۰) میل باشد او قصر نماز کند یا اتمام؟</u> سوال:

(۲۲۹۰) زید مامور دولت است وجاي سکونتش شهر (ب) است لکن حسب هدایت مقام ذیصلاح درآن نواحي تا به مقدار (۴۸) میل وگاهي پنجاه شصت وگاهي تابه هشتاد میل گردش داشته میاشد وبجاي سکونت مراجعت نمي نماید دراین صورت آیا قصر کند یا اتمام؟

جواب: اگر دروقت بیرون شدن از خانه اوقصد نموده بود که درآن گردش منتهاي سفر فلاني مقام است جائیکه ازمکان سکونت اودرفاصله چهل وهشت میل یا زیاد است پس قصر لازم است

---

(۱) ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۴۲، ط.س. ج۲ ص۱۳۱. ظفیر

ورنه نیست.

از اله آباد به نیت دوچهار ماه بصوبه بمبی روان شد آیا درمسیر راه قصر کند یانه؟

سوال: (۲۲۹۱) زید از اله آباد روانه بمبي شد لکن در بمبي میخواهد که دویا چهار ماه بود باش نماید دراین صورت آیا او درمسیر راه نماز را قصر کند یا اتمام؟

جواب: درمسیر راه قصر نماید [۱].

یک چند سوالات درمورد قصر: **سوال:** (۲۲۹۲) (۱) اگر شحصي از وطن بفاصله چهل دو ۴۲ میز دور محصور بماند ودرآنجا اراده محصور بودن پانزده (۱۵) روز یاکم از آن باشد آیا قصر نماز جائز است یانه؟

سوال: (۲۲۹۳) جائیکه حکم قصر نمودن نماز است اگر درآنجا سنت را ترک نمود معصیت نخواهد بود؟

سوال: (۲۲۹۴) درحالت سفر جمع بین صلاتین مانند نماز ظهر وعصر ویا نماز مغرب، وعشاء را یکجا اداء نمودن جائز است یانه؟

جواب: (۱) درمسافت سه یوم قصر میشود وچهل هشت میل اندازه ان تعین شده است واگر در انجا بعد از رفتن اراده پانزده یوم را داشته باشد پس نماز را اتمام نماید واگر از آن اراده کمتر را داشته باشد پس نماز را قصر کند.

جواب : (۲) گناه نیست لکن در حالت قیام اداء نمودن سنت پسندیده است [۲].

جواب: (۳) اگر چنین طرح میان صلاتین جمع کند که ظهر را دروقت آخر وعصر را دراول وقت اداء کند این جمع درست است واین جمع صوري است نه حقیقي یعني چنین نباید کرد که نماز عصر را دروقت ظهر ونماز ظهر را دروقت عصر اداء نماید واین جمع درست نیست [۳].

---

(۱) من خرج من عمارة موضع إقامته الخ قاصدا الخ مسيرة ثلثة أيام ولياليها الخ صلى الفرض الرباعي ركعتين (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۲، ط.س. ج۲ ص۱۲۱) قوله قاصدا اشار به مع قوله خرج إلى انه لو خرج ولم يقصد او قصد ولم يخرج لا يكون مسافرا (رد المحتار ج۱ ص۷۳۳، ط.س. ج۲ ص۱۲۲). ظفير

(۲) ويأتي المسافر بالسنن إن كان في حال أمن وقرار وإلا لا يأتي بها هو المختار (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۴۲، ط.س. ج۲ ص۱۳۱) ظفير

=

چقدر فاصله رفتن از خانه قصر را شروع نماید؟ **سوال:** (۲۲۹۵) (۱) درچقدر فاصله که از خانه برسد قصر کرده شود؟

ملا زمی که در ریل همواره درسفر باشد اوچه باید بکند؟ **سوال:** (۲۲۹٦) (۲) من کارمند ریل میباشم وعلی الدوام درسفر هستم واتفاقا دربعضي مناطق سه روز ودر بعضي چهار روز ودربرخي از مناطق دوماه متواتر بود وباش میشود آیا درهمچو حالت نماز را قصر نمایم یا اتمام؟

باوجود قصر اتمام شود آیا جواز دارد یانه؟ **سوال:** (۲۲۹۷) (۳) اگر من مستحق قصر باشم وبجاي دو رکعت نماز را اتمام نمایم آیا این جواز دارد یانه؟

دروقت سفر حکم وتر وسنن موکده چیست؟ **سوال:** (۲۲۹۸) (٤) درهمچو حالت حکم اداء نمودن سنن مؤکده وتر ونوافل چیست؟

فرض مغرب قصر دارد یانه اگر دارد پس چگونه خواهد باشد؟ **سوال:** (۲۲۹۹) (۵) حکم سه رکعت فرض مغرب چیست؟

جواب: (۱) اسم این قصر است ودرحالت سفر حکم قصر نمودن نماز است به این معنی هر نمازي که چهار رکعتي باشد آن را درسفر دو رکعت اداء نماید ودرنماز مغرب وفجر قصر نیست ودرقصر شرط آنست که اراده سفر سه منزل را داشته باشد یا بیشتر از آن واندازه سه منزل چهل وهشت میل متعین شده است.

جواب: (۲) براي مانند شما سفر کننده وقتیکه سفر سه منزل یا زیاد تر از ان باشد انست که اگر دریک مکان اراده ا قامت پانزده یوم یا زیاد تر از آن باشد پس نماز را اتمام نماید ورنه قصر کند [1].

جواب: (۳) براي مسافر شرعي تا وقتیکه اراده اقامت پانزده روز یابیشتر از آن نکنند قصر نماز

---

(۳) ولا یجوز الجمع عدنا بین الصلوتین في وقت واحد سوی الظهر والعصر بعرفة والمغرب والعشاء بمزدلفة (غنیة المستملي ص٥٠٧). ظفیر الدین

(۱) من خرج من عمارة إقامته قاصدا مسیرة ثلاثة ایام الخ صلی الفرض الرباعي رکعتین وجوبا الخ حتی یدخل موضع مقامه الخ او ینوی الخ إقامة نصف شهر حقیقة او حکما (درمختار باب صلوة المسافر. ط.س. ج۲ ص۱۲۱). ظفیر

واجب است واتمام برایش بکار نیست که این جائز نیست [1].

جواب: (٤) سنن موکده را درحالت اطمینان اداء نماید واگر در عین سفر باشد وتعجیل داشته باشد دراین صورت ترک نماید واما فرض درهرحال اداء نمودن آن بکار است [2].

جواب: (۵) درنماز مغرب قصر نیست [3] فقط.

اگر برای عساکر میدان نبرد نباشد آنان چه باید بکنند؟ **سوال:** (۲۳۰۰) ما مردم درمیدان جنگ راقع میباشیم اماده (۱۰) یوم دریکجا وده (۱۰) روز جاي دیگر اقامت میباشد ودراین مورد از سابق براي مایان کدام اطلاع نمیباشد ممکن است که درمدت یک روز بخانه بیایم وممکن است که تابه مدت ده (۱۰) سال باز گشت نکنیم آیا دراین صورت نماز را قصر نمایم یا اتمام وهمچنان سنت را اداء کنیم یانه؟ ودرمورد نماز جمعه چه حکم است؟

جواب: درهمچو حالت قصر اداء نمودن بکار است.[4] وحکم سنت آن است که اگرحالت اطمینان بخش باشد پس افضل آنست که سنت اداء شود ورنه ترک شود درردالمختار مذکور است اگر مسافر درحالت امن واطمینان قرار داشته باشد پس سنت موکده را اداء کند واگرحالت اطمینان نباشد آن را بگذارد وامام هندواني رح میفرماید که د رحالت حصر بودن سنت را اداء کند ودروقت مزل نمودن نکند [5] (کذا في الشامي وبر مسافر نماز جمعه فرض نیست اگر موقع برایش میسر شد ونماز جمعه را اداء نمود بهتر است ضروري نیست اگر نماز جمعه اداء مسافر اداء نمود پس نماز ظهر از ذمه اش ساقط میشود ورنه ساقط نمیگردد بلکه اداء

---

(۱) من خرج من عمارة إقامته قاصدا مسيرة ثلاثة ايام الخ صلى الفرض الرباعي ركعتين وجوبا الخ حتى يدخل موضع مقامه الخ او ينوى الخ إقامة نصف شهر حقيقة او حكما (درمختار باب صلوة المسافر، ط.س. ج۲ ص۱۲۱). ظفير

(۲) ويأتي المسافر بالسنن إن كان في حال أمن وقرار وإلا لا يأتي بها هو المختار. (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷٤۲، ط.س. ج۲ ص۱۳۱). ظفير

(۳) صلى الفرض الرباعي ركعتين (درمختار) واحترز بالفرض عن السنن والوتر وبالرباعي عن الفجر والمغرب (ردالمحتار ج۱ ص۷۳۵، ط.س. ج۲ ص۱۲۳). ظفير

(٤) ولو دخل مصرا على عزم أن يخرج غدا او بعد غد ولم ينو مدة الإقامة حتى بقي على ذلک سنين قصر الخ وإذا دخل العسكر ارض الحرب فنووا الإقامة بها قصر وكذا إذا حاصروا فيها مدينة او حصنا الخ (هدايه باب صلوة المسافر ج۱ ص۱٤۹). ظفير

(۵) ويأتي المسافر بالسنن إن كان في حال أمن وقرار إلا بان كان خوف وفرار لا يأتي بها هو المختار (درمختار) وقال الهندواني رحمه الله الفعل حال النزول والترک حال السير الخ والأعدل ما قاله الهندواني رحمه الله (رد المحتار باب صلوة المسافر ط.س. ج۲ ص۱۳۱). ظفير

نمودن ظهر بکار است [۱].

اگر دریک ماحول همواره گردش می نماید لکن آن اما کن به اندازه مسافت سه یوم نباشد پس چی باید کرد؟ **سوال:** (۲۳۰۱) اگر درمدت سفر برایم حکم گردش دردیهات ونواحی باشد ومسلسل بیست ۲۰ روز یا بیست وپنج (۲۵) روز یاده (۱۰) روز هر قسمیکه باشد او مستقر خویش خارج میباشم لکن دریک مقام بیشتر از اقامت یک هفته برایم اجازه نیست لکن آن مقامات ازمکان مستقر بفاصله مسافت سه شبانه روز نباشد بلکه اطراف مستقر در گردش یک دائره باشد اگر لحاظ مسافت مسلسل شود پس سفر ازمدت مقرره اش افزایش می یابد واگر لحاظ تمام سفر شود از آن مسافت بسیار زیاد میشود بناء آیا دراین صورت قصر واجب است یانه؟

جواب: چونکه همجموعۀ مسافت از مدت سفر شرعي زیاد است بناء تابه مراجعت نمودن بمستقر در صورت فوق الذکر قصر نماز بکار است قال في الدر المختار: حتی یدخل موضع مقامه ان سار مدة السفر الخ قید بقوله حتی یدخل اي انما یدوم علی القصر الی الدخول ان سار ثلثة الخ [۲].

مقتدي مقیم بعد ازسلام امام مسافر در دو رکعت متباقی فاتحه را بخواند یانه؟ **سوال:** (۲۳۰۲) اگر مقتدي بعقب امام مسافر نماز میخواند پس هرگاه امام بعد از اداء نمودن دو رکعت سلام بگرداند پس او چهار رکعت را تمام نماید اکنون سخن سوال بر انگیز آنست که آیا اودر دورکعت متباقي فاتحه را قرائیت نماید یانه؟

جواب: در دو رکعت متباقی هیچ را نگوید بلکه بعد ازخاموش وساکت ا یستاده شدن رکوع کند [۳].

در جای خسر قصرکند یا اتمام: (۱) تابه خانه خسر فاصله ده امید میباشد فلهذا آیا برای زید

---

(۱) ولا تجب الجمعة علی مسافر الخ فإن حضروا فصلوا مع الناس اجزأهم عن فرض الوقت الخ (هدایه باب الجمعة ج۱ ص۱۵۲). ظفیر

(۲) ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷۳۶، ط.س. ج۲ ص۱۲٤. ظفیر

(۳) وصح إقتداء المقیم بالمسافر في الوقت وبعده فإذا قام المقیم إلی الإتمام لا یقرأ ولا یسجد للسهو في الأصح لأنه كاللاحق والقعدتان فرض علیه وقیل لا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۷٤۰، ط.س. ج۲ ص۱۳۰). ظفیر

بعد از رسیدن بمکان خسر قصر نماز بکار است یا اتمام.؟

امام مسافر نماز را اتمام نمود آیا نماز مقتدی درست شده است یانه؟ **سوال:** (۲۳۰۴)

(۲) امام مسافر سهوا نماز را اتمام نمود آیا نماز مقتدیان درست شده است یانه؟

سوال: (۲۳۰۵) (۳) مسافر نذر نمود که دروقت سفر دوچهار روز نماز را اتمام خواهم نمود فلهذا آیا او نماز ایام منذورا را اتمام کند یاقصر؟

جواب: (۱) وقتیکه بجاي خسرخیل رسید نماز را اتمام کند کما في الشامي: قوله او تأهله اي تزوجه قال في شرح [1] المنية: ولوتزوج المسافر ببلد ولم ينو الاقامة به فقيل لايصير مقيما وقيل يصير مقيما وهوالاوجه الخ ده (۱۰) میل مسافت قصر نیست فلهذا درصورت مسؤله درمورد قصر سوال پیدا نمیشود ظفیر.

جواب: (۲) نماز مقتدیان فاسد شده است شامی: ج ۱ ص ۳۹۱ ، ولو اقتدى مقيمون بمسافر واتم بهم بلانية اقامة وتابعوه فسدت صلاتهم لكونه متنفلا في الاخيرين.

جواب: (۳) قصر نمودن بکار است واین نذر او لغو میباشد زیرا که معصیت است وخلاف شرع می باشد قصدا به اتمام نمودن نماز گنهکار میشود ونماز مقیم نیز بعقب او درست نخواهد شد: کمامر فلو اتم مسافر ان قعد في الاولى تم فرضه واساء الخ درالمختار [2] فقط.

مقیم بعد از یک رکعت امام مسافر اقتداء نمود پس چگونه نماز خود را به انجام برساند؟ **سوال:** (۲۳۰۶) مقیم وقتی اقتداء بعقب مسافر نمود که امام مسافر یک رکعت را اداء نموده بود پس اکنون بعد از سلام امام مسافر براي مقیم چگونه اداء نمودن نماز بکار است؟

جواب: نخست دو رکعت را خالي اداء نماید ودر رکعت سوم قرائت بخواند [3] فقط.

مسافر امام جمعه شده میتواند؟ **سوال:** (۲۳۰۷) مسافر درنماز جمعه امام شده میتواند یانه؟

---

(۱) غنية المستملي ص۵۰۵. ظفير

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج۱ ص۱۰۹، ط.س. ج۲ ص۱۲۸. ظفير

(۳) ولو إقتدى المقيم بالمسافر صح (إلى قوله) فاذا صلى المسافر ركعتين يسلم ويقوم المقيم فيتم صلوته بغير قراءة في الأصح الخ بخلاف المسبوق (غنية المستملي ص۵۰۴). ظفير

جواب امام جمعه شده میتواند [1] فقط.

دلیل قصر در حال: سوال: (٢٣٠٨) در هرسفر باوجود تامین امنیت حتما وجوب نماز قصر ثابت نمیباشد.

جواب: دلیل وجوب حدیث آتي است: وعن يعلى بن امية قال قلت لعمر بن الخطاب ﷺ انما قال الله تعالى: (اَنْ تَقْصُرُوْا مِنَ الصَّلٰوةِ اِنْ خِفْتُمْ اَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا. فقدا من الناس فقال عمر ﷺ: عَجِبْتُ مما عجِبْتَ منه فسألت رسول الله ﷺ فقال صدقةٌ تصدَّقَ اللهُ به عليكم فَاقْبَلُوا صَدَقَتَهُ، رواه مسلم حاصل آنکه يعلى بن امية ميگويد که من براي حضرت عمر ﷺ عرض کردم که الله پاک میفرا ماید که براي شما خوف فتنه کفار باشد پس نماز را قصر کنید واکنون مردم به امنیت قرار دارند وهر اس وجود ندارد پس اکنون قصر کردن بکار نیست مترجم برایم این شبهه عارصت شده بود بناء من براي جناب رسول اکرم ﷺ دراین مورد عرض نمودم پس ایشان ﷺ فرمودند که این یک انعام خداوندي است بناء ان را بپذیرید.

در ریل بچقدر مسافت قصر نماید؟ سوال: (٢٣٠٩) در سفر ریل تا به چقدر مسافت قصر نمودن بکار است؟

جواب: اگر به اندازه سه منزل سفر پیاده باشد پس در ریل نیز بدان مسافت قصر کردن بکار است مثلا (٤٨) میل سفر باشد پس قصر درست وضروري است [2] فقط.

آن حضرت ﷺ درسفر چند رکعت را اداء نموده است؟ سوال: (٢٣١٠) جناب رسالت پناه در سفر دو رکعت اداء نموده بودند یا چهار رکعت؟

ودیگر آنکه ایشان در غزوات دو رکعت اداء نموده اند وبعقیده مردم روشن فکر عصر جدید تنها دو رکعت نماز فرض است نه چهار رکعت بنا ارقام این مساله مفصل بفرمائید؟

جواب: درعصر جناب رسول اکرم ﷺ در وقت سفر درغزوات بجای چهار رکعت دو رکعت

---

(١) ويجوز للمسافر والعبد والمريض أن يؤم في الجمعة (هدايه ص١٥٢ ج١). ظفير

(٢) اعلم أن أقل مدة السفر عندنا مسافة ثلاثة ايام من أقصر ايام السنة بالسير الوسط (إلى قوله) وعامة المشائخ قدروها بالفراسخ الخ (غنية المستملي ص٤٥٧). ظفير

اداء نمودن بسبب قصر شده است ودرسفر شرعي بجاي چهار رکعت دو رکعت فرض میباشد درقران مجید آمده است: ﴿وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ﴾ الاية وفي الحديث: عن ابن عباس ﷺ وعن ابن عمر ﷺ قالا: سَنَّ رسول الله ﷺ السفر رکعتین وهو تمام غیر قصر الحديث [1] فقط.

در حالت سفر وتر وسنت: **سوال**: (٢٣١١) درحالت قصر وتر وسنت اداء نمودن بکار است یانه؟ اگر شخصي در گردش باشد وروزانه در کوچ واقامت باشد پس در همچو حالت قصر کند یا اتمام ودرچقدر فاصله دور باشد از وطن که قصر لازم شود؟

جواب: دردرالمختار مذکوز است: ویاتي المسافر بالسنن ان کان في حال امن وقرار والا بان کان في خوف وفرار لایاتی بها هو المختار [2] حاصل آنست که مسافر اگر در جاي باشد وعجله نداشته باشد پس سنت را اداء نماید واگر در سفر تعجیل داشته باشد یا احساس هراس باشد پس سنت را ترک نماید سپس گفته است که عند البعض سنت فجر با آنهم ترک نکند [3] واگر از اقامتگاه بدوره بقصد فاصله آنقدر دور رفته باشد که سه منزل یعني (٤٨) میل میشود بناء در سائر گردش خود او قصر باید کرد وهرگاه به اقامتگاه خویش بازگشت نمود واقلا نیت اقامت پانزده یوم را داشته باشد پس نماز را اتمام نماید [4] فقط.

برای قصرتعمیر ساختن معتبر نیست: **سوال**: (٢٣١٢) شخصي در وطن اصلي خود سکونت دارد ودرشهر دیگر تنها بخاطر بود وباش وسکونت خانم دوم خانه ساخت وبعد از یک چند سال بخاطر عدم موافقت آب هوا خانم دوم را بوطن اصلي آورد وخانه که درآن شهر دوم داشت آن را قفل وبعضي اثاثیه خانه داري نیز درآنجا همراه داشت وهمچنان بازگشت خانم درآنجا نیز

(١) مشکوة باب صلاة السفر ص١١٩، اخرجه مسلم في صحیحه عن مجاهد عن ابن عباس فرض الله الصلوة علی لسان نبیکم في الحضر اربع رکعات وفي السفر رکعتین (نصب الرایه ج١ ص١٨٩). ظفیر

(٢) مطالعه فرمائید الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص١١٨، ط.س. ج٢ ص١٣١. ظفیر

(٣) وقیل یصلي سنة الفجر خاصة وقیل سنة المغرب ایضا، بحر (ردالمحتار ج١ص٧٠٧، ط.س. ج٢ص١٢١). ظفیر

(٤) من خرج من عمارة موضع اقامة قاصدا مسیرة ثلاثة أیام ولیالیها الخ او نوي اقامة نصف شهر حقیقة او حکما (إلی قوله) اتم مختصرا (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٠٧، ط. س. ج٢ ص١٢١). ظفیر

مشکوک میباشد اگر دراین صورت شخص مذکور بخاطر ضرورت بشهر دوم تشریف ببرد آیا او قصر کند یاچهار رکعت را کاملا اداء نماید؟

جواب: در این حالت فوق الذکر قصر با ید کرد کما في شرح المنیة اذا المعتبر الاهل دون الدار [1] وهکذا في رد المحتار فقط.

مسافری که نیت پانزده روز را نموده است: **سوال:** (۲۳۱۳) یک نفر بفاصله سي وشش (۳۶) میل دوراز مکان خویش طوري تجارت میکند که دریک شهر مکان را خریداري مي نماید ودرآن سکونت مي ورزد وبدیهات بغرض فروختن روزانه میرود وشام به اقامت گاه مراجعت مي نماید وبعضي اوقات دو روز دریک قریه مکث مي نماید دراین صورت آیا نماز را قصر کند.یا اتمام؟

جواب: اگر پانزده یوم یا بیشتر از آن درآن مقام نیت اقامت را داشته باشد پس نماز را اتمام نماید واگر بعد از نیت اقامت بطور پیره دو یا چهار چهار میل بدیهات برود وشام به اقامت گاه واپس بیاید دراین وقت براي او حکم قصر نمودن نماز نیست بلکه نماز را اتمام کند لکن اگر در آنجا نیت اقامت پانزده روز را نداشته باشد بلکه از ابتداء چنین قصد داشته که در فلاني منطقه که بفاصله سي وشش (۳۶) میل دور قرار دارد مکان را خواهم گرفت واز آنجا بدیهات گردش خواهم نشود ودراقامتگاه خود قیام نخواهم کرد بناء او قصر باید بکند [2] فقط.

بسفر بدان نیت رفتن که خدامي داند که چه وقت عودت باشد پس چه باید کرد؟

سوال: (۲۳۱۴) شخصي با این فکر بفر طولاني روان شد که خدا عالم است که چه وقت بازگشت خواهم نمود آیا او قصر کند یا اتمام؟

جواب: برای او قصر نماز یعني دو رکعت اداء نمودن بکار است تا وقتیکه دریک شهر نیت اقامت پانزده (۱۵) روز را نکند [3] فقط.

---

(۱) غنیة المستملي ص۵۰۶. ظفیر

(۲) عن عبدالله بن عمر قال اذا کنت مسافرا فوطنت نفسک علی إقامة خمسة عشر یوما فأتم الصلاة وان کنت لا تدري متی تظعن فاقصر (غنیة المستملي ص۵۰۱). ظفیر

(۳) او دخل مصرا علی عزم ان یخرج غدا او بعد غد ولم ینو مدة الاقامة حتی بقی علی ذلک سنین قصر لان ابن عمر ﷺ اقام =

خانه خسر بفاصله سه میل قرار دارد ایا در انجا قصر کند یانه؟ سوال: (٢٣١٥) اگر بخانه خسر برود که بفاصله سه منزل واقع است آیا درآنجا قصر کند یانه؟ یعني بقصد کم از پانزده روز برود وهمچنان اگر هنده نیز بقصد کمتر از پانزده یوم بخانه خسر برود که بفاصله سه منزل قرار دارد ایا ایشان قصر کنند یا اتمام؟

جواب: قال في الدر المختار: الوطن الاصلي هو موطن ولادته او تاهله اوتوطنه الخ قوله او تاهله اي تزوجه قال في شرح المنية ولو تزوج المسافر ببلد ولم ينو الاقامة به فقيل لايصير مقيما وقيل يصير مقيما وهو الاوجه [1] الخ شامي از این عبارت معلوم شدکه زید وهنده درصورت متذکرها نماز را اتمام نمایند فقط.

سفر بلا قصر: سوال: (٢٣١٦) اگر باپیمائش نمودن درقریه هاي ماحول گردش باشد ومکان قیام در سائر مکانها از سه منزل کمتر باشد وبا پیمائش کردن این قریه تابه قریه دیگر واز آنجا به قریه سوم وچهارم که بهمین متوالي فاصله بسا قریه ها از سه منزل بسیار افزایش مي یابد یا آنکه جیزي معلوم نباشد فلهذا در مورد قصر نماز چه حکم است ؟

جواب گشت نمودن با این پیمائش در حالیکه ابتداء او نیت سفر سه منزل را نداشته باشد ویا آنکه معلوم نباشد اگر با گشت وگذر افزایش یابد حکم قصر نماز نیست ونماز را اتمام نمودن بکار است [2] فقط.

آیا براي قصر بیرون شدن از شهر ضروري است؟ سوال: (٢٣١٧) اگر کسي بر وطن اقامت مقیم گردیده است وهرگاه اراده رفتن وطن اصلي کند قصر صلاة لازم آمد یانه؟ از بلد اقامت بیرون شدن شرط است؟

جواب: بیرون شدن از بلد اقامت به قصد سفر شرعي شرط قصر است از محض اراده رفتن قصر لازم نخواهد [1] شد فقط والله اعلم کتبه عزیز الرحمن

= بادربايجان ستة اشهر وكان يقصر ومن جماعة الصحابة مثل ذلك (هدايه باب صلوة المسافر ج١ ص١٤٩). ظفير

(١) مطالعه فرمائيد ردالمحتار باب صلوة المسافر ج١ ص٧٤٢. ط. س. ج٢ ص١٣١. فالأصلي وهو مولد الإنسان او موضع تأهل به قصد التعيش به لا الارتحال عنه (غنية المستملي ص٥٠٥). ظفير

(٢) ومن طاف الدنيا بلا قصد لم يقصر (الدرالمختار باب صلوة المسافر ج١ ص١٠٧ ط. س. ج٢ ص١٢٢). ظ

اگر مسافر بفراموشی نماز را اتمام نماید حکم آن چیست؟ سوال: (۲۳۱۸) مسافر بعد ازنشستن در رکعت دوم ایستاده شد وچهار رکعت را کاملا اداء نمود آیا نماز او درست شده است یانه؟

جواب: اگر مسافر قعده در میانی راکرد ودرحال و علمي نماز را چهار رکعت اداء نمود پس نماز درست شده است ومعصیت نیز انجام نشده است واگر قصدا همچنان کرد نمازش درست شده است اما گنهکار نیز است واگر مسافر امام شخص مقیم شد دراین صورت نماز مقیم نخواهد شد زیرا براي او اطلاع دادن لازم آست لو اتم مسافر ان قعد في القعدة الاولی تم فرضه ولکنه اساء لو عامدا، در المختار علی هامش الشامي: ص (۸۲۵) وما زاد نفل لمصلي الفجر اربعا ایضاً لایصح الاقتداء الی قوله و لا مفترض بمتنفل درالمختار علی هوامش الثاني: ص ٦٠٦.

اگر در راه باشد واو براه قصر رفت در این مورد چیست؟ سوال: (۲۳۱۹) شخصی از جاي سفر مي نماید وبجاي که مرود آنجاي دو راه دارد یک راه داراي مسافت قصر است ومسافت راه دیگر کمتر است اکنون اگر آن شخص به آنجا براه برود که درآن مسافت قصرا است آیا براي او قصر نماز جواز دارد یانه؟ یعني براي جواز قصر درآن هر دو مسافت اعتبار بکدام مسافت داده میشود آیا بکدام راه که میرود همان اعتبار دارد یا آنکه مسافت کمتر است ومسافت قصر چقدر است؟

جواب: بکدام راه که سفر مي نماید مسافت همان راه در قصر وعدم قصر اعتبار دارد وبهر راه که آن شخص میرود اگر مسافت آن راه سي وشش ۳۶ میل یا چهل وهشت میل باشد براي او قصر لازم است اگرچه مسافت راه دیگر از آن کمتر باشد ادا قصد بلدة والی مقصده طریقان احدهما مسیرة ثلثة ایام ولیالیها والاخر دونها فسلک الطریق الابعد کان مسافة قتر عدنا وان سلک الاقصر یتم عالمگیر: ج ۱ ص ۱۳۶ حمیل الرحمٰن

---

(۱) المعتبر في السفر أمران أحدهما عزم السير وثانيها الخروج من البلدان فإن جاوز بيوت المصر غير قاصد للسفر لا يكون مسافرا وإن جاوزها قاصدا مدة مادون السفر لايكون سفرا آه (بناية شرح الهداية) هو أن قصد سيرا وسطا ثلاثة ايام ولياليها وفارق بيوت بلده آه شرح وقايه (مولانا مفتي سيد مهدي حسن صاحب).

شخصی که از منطقه میرته بدهلی میرود قصر کند یانه؟ **سوال:** (۲۳۲۰) چه میفر مایند علماء دین درین مورد که مسافت سفر شرعي حساب میل انگلیسي است که مقدار آن هفده صد وشصت (۱۷۶۰) میباشد فلهذا آیا شخصي که از منطقه میرته بدهلي سفر میکند نماز را قصر کند یا اتمام در حالیکه درمیان هردومسافت (۴۵) میل است واز شهر (۴۲) میل میباشد؟

جواب: مذهب حنفي آنست که در مسافت سه منزل سفر نمودن قصر انست بناء اگر در میان مرته تابه دهلي مسافت سه منزل باشد قصر کرده میتواند ورنه قصر نمیتواند وموافق ظاهر مذهب فراسخ ومیل اعتبار ندارد و آن عده مشایخ کرام رح که اعتبار فرسخ را بغرض سهولت عوام نموده اند دراین مورد سه اقوال موجود است: بیست ویک فرصخ یعني (۶۳) سه میل شرعي یا هژده فرسخ یعني پنجاه وچهار (۵۴) میل شرعی یا پانزده فرسخ یعني (۴۵) میل شرعي وامافتوی برقول دوم وسوم داده شده است کذا فی رد المحتار ومیل شرعي چهار هزار ذراع است؟ وذراع شث مشت یعني تقریبا هشت بهره ذراع مروج انگلیسي وقتیکه هفده صد وشصت گز است فلهذا درمیان میل شرعي ومیل انکیلسي دوصد وچهل (۲۴۰) گز فرق بمیان آمد بناء (۴۵) میل شرعي تقریبا پنجاه میل انگلیسي میشود ودر صورت اعتبار نمودن فرسخ اقلا قصر مسافت پنجاه میاشد لکن هر گاه اعتبار نمودن فرسخ خلاف اصل مذهب است پس گزیر اکنون مدار آن بمنازل میباشد واین مسأله واین سخن موقوف برعرف عادت وتجربه است وآن هم درکتاب هاي فقه موجود احت که مراد از سه روز سفر آنسیت که درمیان کوتاه ومختصر از صبح تا به زوال هر چند سفر ممکن باشد که طي شود همان مقدار میل ها معتبر است وهمان وجه معلوم میشود که حضرات استاذه ما روزانه سفر شانزده میل را اختیار فرموده اند زیرا اگر روزانه شش ساعت براي سفر مقرر شود پس دریک ساعت یک نفر پیاده برفتار درمیانه دومیل راه راطي نموده میتواند وبنابر این اعتبار مسافت قصر را چهل وهشت ۴۸ میل مقرر نموده اند.

(تم المجلد الرابع بتوفیق الله تعالی وعونه وکرمه فالحمد لله رب العالمین والصلاة والسلام علی سید المرسلین وعلی آله وصحبه اجمعین ویلیه المجلد الخامس انا العاجز المفتقر ای رحمة الله تعالی محمد ظفر الدین المفتاحي غفر الله ذنوبه الخفي والجلي.